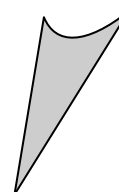


گلچینی از

ریاض الصالحین

امام ابوزکریا یحیی بن شرف نووی

(۶۷۶ - ۶۳۱ هـ. ق)



فهرست تفصیلی مطالب

عنوان	صفحه
زندگینامه‌ی مؤلف	۲۳
مقدمه‌ی مؤلف (امام نووی)	۲۵
□ بخش اول	۲۹
باب اخلاص و داشتن نیت در همه‌ی کردارها و گفتارها و حالات پنهان و آشکار	۳۱
باب توبه	۳۷
باب صبر	۴۳
باب راستی و راستگویی	۵۶
باب توجه به خدا و تفکر در قدرت او	۵۹
باب در تقوا	۶۴
باب یقین و توکل	۶۷
باب استقامت و پایداری	۷۴
باب تفکر در عظمت آفریده‌های خدا و فنای دنیا و ترس‌های آخرت و سایر امور دنیا و قیامت و تقصیر نفس و تهذیب آن و وادار کردنش به استقامت	۷۶
باب مبادرت به انجام خیرات و صدقات و تشویق بر روی کردن به آن با جدیت و بدون تردید	۷۸
باب سعی و کوشش در راه خدا	۸۱
باب ترغیب به ازدیاد خیرات در اواخر عمر	۸۸
باب بیان زیاد بودن راه‌های خیر و نیکوکاری	۹۱
باب میانه روی در عبادت	۱۰۰
باب مداومت بر اعمال	۱۰۵
باب امر به مداومت بر سنت و آداب آن	۱۰۸

باب وجوب اطاعت و تسلیم در برابر حکم خدا و نیز آنچه که شخص دعوت	
شده به این کار و امر شده به معروف و نهی شده از منکر، باید بگوید.	۱۱۶
باب در نهی از بدعت‌ها و امور تازه وارد (در دین).....	۱۲۰
باب در مورد کسی که سنت خوب یا بد بگذارد.....	۱۲۳
باب دلالت بر خیر و دعوت به هدایت یا ضلالت.....	۱۲۶
باب همکاری در نیکوکاری و پرهیزگاری.....	۱۲۸
باب نصیحت و اندرز و خیرخواهی.....	۱۳۰
باب در امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۳۲
باب سختی مجازات کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، ولی گفتارش	
مخالف رفتارش باشد.....	۱۳۹
باب امر به ادای امانت.....	۱۴۱
باب تحریم ظلم و امر به رد مظالم و ستم‌هایی که روا داشته شده است.....	۱۴۳
باب احترام به حریم مسلمانان و بیان حقوق آنها و رحم و مهربانی نسبت به	
آنان.....	۱۵۰
باب پوشاندن عیوب مسلمانان و نهی از اشاعه‌ی آن بدون ضرورت.....	۱۵۶
باب در برآوردن نیازهای مسلمانان.....	۱۵۸
باب شفاعت و میانجیگری.....	۱۶۰
باب اصلاح بین مردم.....	۱۶۲
باب برتری ضعفای مسلمین و فقرا و اشخاص گمنام.....	۱۶۵
باب مهربانی با یتیمان و دختران و سایر ضعیفان و بیچارگان و نیکویی و	
دلسوزی و تواضع نسبت به آنها و نهایت فروتنی با آنها.....	۱۶۷
باب توصیه به رعایت حال زنان.....	۱۷۲
باب حق مرد بر زن.....	۱۷۷
باب نفقه زن و فرزند و خادم.....	۱۷۹
باب انفاق از مالی که شخص، آن را دوست دارد و نیک و پاک است.....	۱۸۲

- باب واجب بودن امر انسان به خانواده و فرزندان به سن تمییز رسیده‌ی خود و کسانی که تحت سرپرستی او هستند به طاعت خدا و نهی از مخالفت و تأدیب و منع آنان از منہیات..... ۱۸۴
- باب حق همسایه و توصیه به مراعات او..... ۱۸۶
- باب نیکویی با پدر و مادر و صله‌ی رحم..... ۱۸۸
- باب تحریم نافرمانی و آزار پدر و مادر و قطع صله‌ی رحم..... ۱۹۵
- باب فضیلت نیکوکاری با دوستان پدر و مادر و نزدیکان و همسر و دیگر کسانی که احترامشان سفارش شده و پسندیده ست..... ۱۹۹
- باب احترام اهل بیت پیامبر ﷺ و بیان فضیلت ایشان..... ۲۰۱
- باب بزرگداشت علما و بزرگان اهل دین و برتر شمردن آنان بر دیگران و بالا بردن جایگاه و اظهار رتبه‌ی ایشان..... ۲۰۴
- باب زیارت اهل خیر و همنشینی و معاشرت و دوستی آنان و درخواست دیدار و ملاقات و دعای خیر از آنها و دیدار از جاهای خوب..... ۲۰۸
- باب فضیلت محبت در راه خدا و تشویق مردم به آن و آگاه نمودن کسی را که دوست دارد از دوستی خود و آنچه مخاطب بعد از خبر دادن او به وی می‌گوید..... ۲۱۳
- باب نشانه‌های محبت خدا نسبت به بنده و تشویق به خو گرفتن به آن علامت‌ها و تلاش و کوشش در به دست آوردن آنها..... ۲۱۷
- باب بیم دادن از آزار صلحا و ضعفا و فقرا..... ۲۲۰
- باب قضاوت در باره‌ی مردم برحسب ظاهر و (ارجاع) نهاد و درون آنها به خداوند متعال..... ۲۲۲
- باب خوف از خدا..... ۲۲۵
- باب رجا (امید به رحمت خدا)..... ۲۳۰
- باب فضیلت رجا (امید به رحمت خداوند)..... ۲۳۸
- باب جمع میان خوف و رجا..... ۲۴۰
- باب فضیلت گریه از خوف خدا و شوق وصال او..... ۲۴۲

باب فضیلت زهد در دنیا و تشویق به کم داشتن از دنیا و فضیلت فقر.....	۲۴۶
باب فضیلت گرسنگی و زندگی سخت داشتن و به کم بسنده کردن در خوردن و آشامیدن و لباس و غیر آن از بهره‌های نفس و ترک نمودن شهوات و آرزوها.....	۲۵۷
باب قناعت و عزت نفس و میانه روی در زندگی و بخشش، و نکوهش گدایی بدون ضرورت.....	۲۶۵
باب جواز قبول (چیزی از کسی) بدون خواستن و چشمداشت آن.....	۲۷۲
باب تشویق برخوردن از دسترنج خود و خودداری از گدایی به وسیله‌ی آن و خود را در معرض بخشش قرار دادن.....	۲۷۳
باب بخشش و سخاوت و خرج کردن در کارهای خیر به امید خدا و توکل بر او.....	۲۷۵
باب نهی از بخل و خست.....	۲۸۲
باب ایثار و کمک به یکدیگر.....	۲۸۴
باب رقابت در امور آخرت و زیاد بهره بردن از چیزهایی که به آنها تبرک جسته می‌شود.....	۲۸۸
باب فضیلت ثروتمند شاکر و او کسی است که ثروت خود را از راه (صحیح) آن به دست آورد و در مصارف مشروع آن هزینه کند.....	۲۸۹
باب یاد مرگ و کوتاه کردن آرزو.....	۲۹۲
باب ورع و ترک شبهات.....	۲۹۷
باب فضیلت کناره‌گیری در هنگام فساد مردم و زمانه و خوف از فتنه در دین یا وقوع در محرمات و شبهه‌ها و مانند آنها.....	۲۹۹
باب فضیلت اختلاط با مردم و حضور یافتن در جمعه‌ها و جماعات و اجتماعات و جاهای خیر.....	۳۰۱
باب تواضع و فروتنی در برابر مؤمنان.....	۳۰۳
باب تحریم تکبر و خودپسندی.....	۳۰۷
باب حسن خلق (نیکورفتاری).....	۳۱۰
باب بردباری و درنگ کردن و شکیبایی و سازگاری.....	۳۱۳

باب عفو و گذشت و چشم‌پوشی از جاهلان	۳۱۸
باب تحمل کردن آزارها	۳۲۰
باب خشم و غضب هنگام حرمت‌شکنی و هتک احکام شریعت و یاری کردن	
دین خدا	۳۲۲
باب امر به والیان و کارفرمایان به مدارا با زیردستان و خیرخواهی نسبت به	
آنها و مهربانی با ایشان و نهی از خیانت با ایشان و سختگیری بر آنان و	
سهل‌انگاری در مصالح آنها و غفلت از آنان و احتیاجات ایشان	۳۲۴
باب فرمانروای عادل	۳۲۶
باب وجوب اطاعت از والیان و فرمانروایان در امور شرع و تحریم اطاعت آنان	
در غیر مشروع	۳۲۸
باب نهی از طلب مقام و حکم‌داری و بهتر بودن ترک مسئولیت‌ها (برای	
انسان) اگر او را انتخاب نکرده باشند، یا نیازی به او نباشد	۳۳۰
باب تشویق فرمانروایان و قاضی و غیر ایشان از والیان بر انتخاب وزیر صالح	
و تحذیر آنها از همنشینان بد و از قبول انتخاب آنان به همکاری	۳۳۲
باب نهی از تحویل دادن امارت و قضاوت و غیر آن از ریاست‌ها به کسی که	
خود آن را خواستار شود یا بر آن حرص بورزد و به کنایه آن را بخواهد	
.....	۳۳۳

□ بخش دوم: کتاب ادب..... ۳۳۵

باب حیا و فضیلت آن و تشویق بر تخلق بدان	۳۳۷
باب حفظ سر	۳۳۷
باب وفا به وعده و برآوردن آن	۳۳۹
باب امر به محافظت بر عادات و روش‌های نیکوی خود	۳۴۱
باب مستحب بودن خوشزبانی و خوشرویی در هنگام برخورد	۳۴۲
باب استحباب روشنی و واضح ساختن برای مخاطب و تکرار آن تا او بفهمد،	
اگر جز به تکرار نفهمد	۳۴۳

باب موعظه و میانه‌روی در آن.....	۳۴۴
باب در فضیلت وقار و سکینه (متانت و آرامش).....	۳۴۷
باب تشویق به آرامش و متانت در خواندن نماز و آموختن و نیز عبادت‌های	
مانند آنها.....	۳۴۸
باب احترام مهمان.....	۳۵۰
باب استحباب مژده دادن و تبریک گفتن مسائل خیر و نیک.....	۳۵۲
باب خداحافظی از دوست و سفارش او هنگام رفتن به مسافرت و غیر آن و	
دعای خیر برای او و طلب دعای خیر از او.....	۳۵۷
باب استخاره و مشورت.....	۳۶۰
باب استحباب رفتن به جلسات عید و عیادت بیمار و حج و جهاد و تشیع	
جنازه و مانند آنها، از یک راه و برگشتن از راه دیگر برای زیاد کردن	
جاهای عبادت.....	۳۶۲
باب استحباب جلو انداختن راست در تمام کارهای محترم.....	۳۶۳
و پیش انداختن چپ در ضد آن موارد، مستحب است.....	۳۶۳

□ بخش سوم: کتاب آداب طعام..... ۳۶۷

باب تسمیه (بسم‌الله گفتن) در اول طعام و حمد گفتن در آخر آن.....	۳۶۹
باب این‌که از غذا عیب‌جویی نکند و سنت بودن تعریف آن.....	۳۷۱
باب بیان آنچه که کسی که بر سر غذا حاضر شده و روزه است، اگر افطار	
نکرد، باید بگوید.....	۳۷۲
باب آنچه که شخص دعوت شده به غذا، آنگاه که شخص دیگری (بدون	
دعوت) همراه او رفته است، می‌گوید.....	۳۷۳
باب بیان خوردن غذا از جلو دست خود و وعظ و تأدیب به کسی که بد غذا	
می‌خورد.....	۳۷۳
باب نهی از خوردن دو خرما با هم و امثال آن هنگامی که جمعی با هم	
بخورند؛ مگر این که دوستانش به او اجازه دهند.....	۳۷۴

- باب بیان آنچه که شخصی می خورد و سیر نمی شود، باید بگوید و انجام دهد
 ۳۷۵
- باب امر به خوردن از کنار ظرف غذا و نهی از خوردن از وسط آن ۳۷۶
- باب کراهت خوردن در حال تکیه زدن بر چیزی ۳۷۷
- باب استحباب خوردن با سه انگشت و استحباب لیسیدن انگشت ها و کاسه و کراهت داشتن پاک کردن انگشتان قبل از لیسیدن و استحباب برداشتن لقمه ای که از دست می افتد و خوردن آن و جواز پاک کردن انگشتان با ساعد و پا و غیر آنها بعد از لیسیدن ۳۷۸
- باب استحباب تکثیر دست ها بر طعام و خوردن دسته جمعی ۳۷۹
- باب روش نوشیدن و استحباب سه بار تنفس در بیرون ظرف و کراهت نفس کشیدن در ظروف و استحباب دوره زدن کاسه ی آب از راست ۳۷۹
- باب کراهت نوشیدن از دهانه ی مشک و مانند آن و بیان آن که این عمل کراهت تنزیهی است نه تحریمی ۳۸۱
- باب کراهت دمیدن در نوشیدنی ۳۸۲
- باب بیان روا بودن نوشیدن در حال ایستادن و این که نوشیدن به صورت نشسته بهتر است ۳۸۳
- باب استحباب نوشیدن ساقی گروه، در آخر ۳۸۴
- باب جواز نوشیدن از تمام ظروف پاک، غیر از طلا و نقره؛ و جواز خوردن با دهان از رود یا جوی بدون ظرف و بدون دست؛ و تحریم به کار بردن ظروف طلا و نقره در نوشیدن و خوردن و طهارت و سایر وجوه به کار بردن ۳۸۴

□ بخش چهارم: کتاب لباس ۳۸۷

- باب استحباب (پوشیدن) لباس سفید و جواز پوشش لباس قرمز و سبز و زرد و سیاه و جواز بودن لباس از پنبه و کتان و موی بز و پشم و غیر آنها به جز ابریشم ۳۸۹

باب چگونگی طول پیراهن و آستین و شلوار و دنباله‌ی عمامه و تحریم دراز نمودن هر یک از آنها به خاطر تکبر و کراحت آن در غیر قصد تکبر	۳۹۲
باب استحباب ترک خوشپوشی، از روی تواضع	۳۹۴
باب استحباب میانه‌روی در لباس و عدم قناعت به لباسی که پوشیدن آن در غیر نیاز و منظور شرعی، موجب عیبجویی می‌شود	۳۹۵
باب تحریم لباس حریر برای مردان و تحریم نشستن و تکیه زدن آنان بر آن و جواز پوشیدن آن برای زنان	۳۹۵
باب جواز پوشیدن حریر برای کسی که بدن او خارش دارد	۳۹۷
باب نهی از زیر انداختن پوست پلنگ (و درنده‌ها) و سوار شدن بر آنها	۳۹۷
باب بیان آنچه که انسان هنگام پوشیدن لباس تازه می‌گوید	۳۹۸

□ بخش پنجم: کتاب آداب خواب..... ۳۹۹

باب آنچه که هنگام خواب بگوید	۴۰۱
باب جواز خوابیدن بر پشت و نهادن یک پا روی پای دیگر اگر ترس نمایان شدت عورت نداشته باشد و نیز جواز چهار زانو نشستن و چمباتمه زدن	۴۰۳
باب آداب مجلس و همنشین	۴۰۵
باب بیان رؤیا و آنچه به آن تعلق دارد.....	۴۰۹

□ بخش ششم: کتاب سلام..... ۴۱۱

باب فضیلت سلام و امر به اشاعه‌ی آن	۴۱۳
باب چگونگی سلام	۴۱۵
باب آداب سلام	۴۱۷
باب استحباب اعاده‌ی سلام بر کسی که دیدارش تکرار شود به این صورت که داخل و سپس خارج و آن گاه زود داخل گردد یا درختی و چیزی مانند آن، در میان آن دو حایل شود	۴۱۸
باب استحباب سلام در وقتی که انسان به خانه‌ی خود داخل می‌شود	۴۱۹

- باب سلام بر کودکان ٤١٩
- باب سلام مرد بر زن خود و زنان محرم دیگرش و بر زن یا زنان بیگانه ای که از سلام بر آنان، خوف فتنه ندارد و سلام زنان به مردان بیگانه بر همین شرط ٤٢٠
- باب استحباب سلام وقتی که شخص از مجلس بلند شود و همنشینان و همنشینش را ترک کند ٤٢١
- باب اجازه گرفتن و آداب آن ٤٢١
- باب بیان آن که سنت، آن است که وقتی به اجازه گیرنده گفته شد: تو کیستی؟ بگوید: فلانم و خود را به چیزی که بدان شناخته می‌شود، از نام یا کنیه (شهرت) نام ببرد و کراهت آن که در جواب بگوید: «منم» و یا کلماتی از این قبیل ٤٢٣
- باب استحباب دعا برای عطسه‌کننده، اگر الحمدلله بگوید و کراهت دعا برای او اگر حمد خدای را به جای نیامورد و بیان آداب دعا برای عطسه زننده و آداب عطسه و خمیازه ٤٢٤
- باب بیان استحباب مصافحه و خوشرویی هنگام دیدار و بوسیدن دست مرد صالح و بوسیدن فرزند از روی مهر و معانقه با کسی که از سفر می‌آید و مکروه بودن خم شدن ٤٢٦

□ بخش هفتم: کتاب عیادت مریض ٤٢٩

- باب امر به عیادت مریض و تشییع جنازه میت ٤٣١
- باب آنچه که با آن برای مریض دعا می‌شود ٤٣٣
- باب استحباب سؤال از کسان مریض از حال او ٤٣٦
- باب آنچه که شخص مأیوس از جان خود می‌گوید ٤٣٧
- باب استحباب وصیت خویشاوندان مریض و کسانی که او را خدمت می‌کنند به احسان و مهربانی نسبت به او ٤٣٨

باب جایز بودن گفته بیمار که: من دردمندم، یا: درد سختی دارم، و مانند آن	۴۳۹
باب تلقین کردن: «لا إله إلا الله، به کسی که در حال مرگ است.....	۴۴۰
باب آنچه بعد از بر هم نهادن چشم مرده باید گفت.....	۴۴۱
باب آنچه نزد میت گفته می شود و آنچه که صاحب مرده می گوید.....	۴۴۲
باب جایز بودن گریه بر میت بدون تعریف و یا نوحه بر او	۴۴۳
باب خودداری از افشای عیب یا مکروهی که از مرده (در وقت غسل او) دیده می شود	۴۴۵
باب نماز بر مرده و تشییع جنازه ی او و حضور در دفن او و کراهت تشییع جنازه توسط زنان	۴۴۶
باب استحباب افزودن تعداد نمازگزاران بر جنازه و صف هایشان را سه صف یا بیشتر کردن	۴۴۷
باب آنچه در نماز جنازه خوانده می شود.....	۴۴۸
باب تسریع در تشییع و دفن جنازه.....	۴۵۲
باب تعجیل در پرداخت قرض مرده و اقدام به تجهیز او، جز کسی که به مرگ ناگهانی بمیرد که هم چنان گذاشته می شود تا از مرگش یقین حاصل شود	۴۵۲
باب موعظه در کنار قبر	۴۵۳
باب دعا برای مرده بعد از دفن و نشستن کنار قبرش جهت دعا برای او و استغفار و قرائت	۴۵۴
باب صدقه و دعا برای مرده	۴۵۵
باب ستایش مردم از مرده	۴۵۶
باب فضیلت کسی که چند فرزند صغیرش مرده باشند	۴۵۷
باب گریه کردن و ترس در هنگام عبور از کنار قبر ظالمان و جایگاه هلاکت ایشان و اظهار عجز و نیاز به خدای بزرگ و پرهیز از غفلت از آن (صفات)	۴۵۸

□ بخش هشتم: کتاب آداب سفر..... ٤٥٩

- باب استحباب بیرون رفتن در پنجشنبه و استحباب خروج در اول روز..... ٤٦١
- باب استحباب جستجوی رفقا و همراهان (در سفر) و امیر گردانیدن یکی از آنها بر خود که همه از او اطاعت کنند..... ٤٦٢
- باب آداب حرکت و توقف و شب ماندن و خوابیدن در سفر و استحباب رفتن در شب و ملایمت با چهارپایان و رعایت مصلحت آنها و جواز دو نفر دونفر سوار شدن بر حیوان اگر تحمل آن را داشته باشد و امر به رعایت حق حیوانات به کسی که کوتاهی کرده باشد..... ٤٦٣
- باب کمک به همسفر..... ٤٦٥
- باب آنچه که شخص هنگام سوار شدن می گوید..... ٤٦٦
- باب تکبیر مسافر در وقتی که از گردنه‌ی تند و مانند آن بالا می‌رود و تسبیح او در وقتی که به دره یا شبه دره‌ای پایین می‌آید و منع از مبالغه در بلند نمودن صدای تکبیر و مانند آن..... ٤٦٨
- باب استحباب دعا در سفر..... ٤٧٠
- باب دعایی که انسان هنگام ترس از گروهی از مردم یا غیر آنان می‌خواند..... ٤٧٠
- باب آنچه که انسان هنگام پیاده شدن یا توقف در مکانی می‌گوید..... ٤٧١
- باب استحباب تعجیل مسافر در بازگشتن به سوی خانواده‌اش وقتی که کارش تمام شد..... ٤٧١
- باب استحباب رفتن به خانه و نزد خانواده در هنگام روز وقتی که از سفر بازمی‌گردد و کراهت آن در شب بدون ضرورت..... ٤٧٢
- باب آنچه که انسان در حین بازگشتن و وقتی که شهر خود را دید، آن را می‌گوید..... ٤٧٣
- باب استحباب این که شخص در هنگام بازگشتن از سفر، ابتدا به مسجد نزدیک منزل خود برود و در آن دو رکعت نماز بگذارد (و سپس به خانه برود)..... ٤٧٤
- باب تحریم مسافرت زن به تنهایی..... ٤٧٤

□ بخش نهم: کتاب فضایل ۴۷۷

- باب فضیلت قرائت قرآن ۴۷۹
- باب امر به ملازمت و مداومت در (تلاوت) قرآن و پرهیز از در معرض
فراموشی قرار دادن آن ۴۸۲
- باب استحباب زیبا کردن صوت در حین قرائت قرآن و درخواست قرائت از
انسان خوش صدا و گوش دادن به آن ۴۸۳
- باب تشویق به قرائت بعضی سوره‌ها و آیات مخصوص ۴۸۴
- باب استحباب جمع شدن برای تلاوت قرآن ۴۸۷
- باب فضیلت وضو ۴۸۸
- باب فضیلت اذان ۴۹۰
- باب فضیلت نمازها ۴۹۴
- باب فضیلت نماز صبح و عصر ۴۹۵
- باب فضیلت رفتن به مساجد ۴۹۶
- باب فضیلت انتظار نماز ۴۹۸
- باب فضیلت نماز جماعت ۴۹۹
- باب تشویق بر حضور در جماعت صبح و عشا ۵۰۱
- باب امر به محافظت بر نمازهای فرض شده و نهی اکید و تهدید سخت در
ترک آنها ۵۰۲
- باب فضیلت (حضور) در صف اول نماز و امر به تمام کردن صف‌های مقدم و
یکنواخت و راست کردن آنها و اتصال مأمومان به یکدیگر در صف‌ها ۵۰۴
- باب فضیلت سنت‌های راتبه همراه فرایض و بیان کم‌ترین و بیشترین آنها و
مابین آنها ۵۰۷
- باب تأکید دو رکعت سنت صبح ۵۰۸
- باب کوتاه و سبک خواندن دو رکعت فجر و بیان آنچه که در این نماز
خوانده می‌شود و بیان وقت آن ۵۰۹
- باب استحباب بر پهلوی راست خوابیدن بعد از ۲ رکعت نماز صبح و تشویق
بر آن، چه برای نماز تهجد بیدار شده باشد و چه نشده باشد ۵۱۰

- باب سنت ظهر ۵۱۱
- باب سنت عصر ۵۱۱
- باب سنت قبل و بعد از مغرب ۵۱۲
- باب سنت قبل و بعد از نماز عشا ۵۱۲
- باب سنت جمعه ۵۱۲
- باب استحباب انجام دادن نماز سنت در منزل، چه راتبه باشد و چه غیر آن و امر به تغییر جا در نماز سنت از جای نماز فرض یا فاصله انداختن بین آنها با سخن گفتن ۵۱۳
- باب تشویق بر ادای نماز وتر و بیان آن که وتر، سنت مؤکد است و بیان وقت آن ۵۱۴
- باب فضیلت نماز چاشت و حداقل و وسط و حداکثر آن و تشویق و محافظت بر مداومت آن ۵۱۶
- باب جایز بودن نماز چاشت از هنگام بالا گرفتن خورشید تا موقع زوال آن و بهتر آن است که در وقت شدت یافتن گرما و ارتفاع روز، نماز ضحی خوانده شود ۵۱۷
- باب تأکید بر انجام دادن تحیت مسجد و کراهت نشستن قبل از خواندن دو رکعت ۵۱۸
- باب استحباب دو رکعت بعد از وضو ۵۱۸
- باب فضیلت روز جمعه و وجوب نماز آن و غسل و استعمال عطر و زود رفتن به (نماز) جمعه و دعا در جمعه و صلوات بر پیامبر ﷺ در آن و بیان ساعت اجابت دعا و استحباب ذکر زیاد خدا بعد از جمعه ۵۱۹
- باب فضیلت قیام شب ۵۲۲
- باب استحباب قیام رمضان که تراویح است ۵۲۷
- باب فضیلت قیام ليله القدر و بیان امیدوار کننده ترین شب های آن ۵۲۷
- باب فضیلت سواک و انجام رفتارها و نظافت های طبیعی و فطری ۵۲۹

باب بیان تأکید وجوب زکات و بیان فضیلت آن و آن چه به زکات تعلق دارد	۵۳۱
باب بیان وجوب روزهی رمضان و بیان فضیلت روزه داری و آن چه بدان	۵۳۴
مربوط است	
باب بیان سخاوتمندی و بخشش و انجام کار نیک و افزودن بر حسنات در ماه	۵۳۷
رمضان و زیاد کردن اعمال خیر در دهه‌ی آخر رمضان	
باب نهی از استقبال رمضان با روزه ای بعد از نیمه‌ی شعبان، جز برای کسی که	
روزه را به روزه‌ی پیش از نیمه‌ی دوم شعبان وصل کند یا نیمه‌ی دوم	
شعبان با عادت او به روزه‌ی روزهای دوشنبه و پنجشنبه همزمان شود.	۵۳۸
باب بیان آن چه که هنگام رؤیت هلال گفته می‌شود.	۵۳۹
باب فضیلت سحری خوردن و تأخیر آن، مادامی که خوف طلوع شفق نباشد	
	۵۴۰
باب فضیلت تعجیل افطار و آن چه که بدان افطار می‌شود و آن چه که بعد از	
افطار می‌گویند.	۵۴۱
باب امر به روزه دار به نگه داری زبان و سایر اعضایش از گناهان و دشنام دادن	
به دیگران و	۵۴۲
باب مسایلی از روزه	۵۴۳
باب بیان فضیلت روزه‌ی محرم و شعبان و ماه‌های حرام.	۵۴۴
باب فضیلت روزه و غیر آن در دهه‌ی اول ذی‌الحجه	۵۴۵
باب فضیلت روزه‌ی عرفه و عاشورا و تاسوعا.	۵۴۵
باب استحباب روزه‌ی شش روز از شوال.	۵۴۶
باب استحباب روزه‌ی دوشنبه و پنجشنبه.	۵۴۷
باب استحباب سه روز، روزه از هر ماه.	۵۴۷
باب فضیلت کسی که به روزه داری افطار دهد و فضل روزه داری که پیش او	
غذا خورده شود و دعای غذا خورنده برای کسی که پیش او طعام خورده	
می‌شود.	۵۴۹

□ بخش دهم: کتاب اعتكاف ۵۵۱

باب اعتكاف (ماه) رمضان ۵۵۳

□ بخش یازدهم: کتاب حج ۵۵۵

باب وجوب حج و فضیلت آن ۵۵۷

□ بخش دوازدهم: کتاب جهاد ۵۶۱

باب وجوب جهاد و فضیلت صبح کردن و شب کردن در حال جهاد ۵۶۳

باب بیان گروهی از مردگان و کشتگان که در آخرت، ثواب شهید را دارند ولی

باید شسته شوند و بر جنازه‌ی آنها نماز خوانده شود، برخلاف شهید در

جنگ با کفار ۵۷۳

باب فضیلت آزاد کردن برده ۵۷۴

باب فضیلت احسان با بردگان و خادمان ۵۷۴

باب فضیلت عبادت در هنگام هرج و مرج و آن، آشفتگی و ظهور فتنه‌ها و

مانند آنهاست ۵۷۶

باب فضیلت بخشش و آسانگیری در معامله و داد و ستد ۵۷۶

□ بخش سیزدهم: کتاب علم ۵۸۱

باب فضیلت تعلیم و تعلم برای خدا ۵۸۳

□ بخش چهاردهم: کتاب سپاس و ستایش و شکر خداوند متعال ۵۸۷

باب در لازم بودن شکر ۵۸۹

□ بخش پانزدهم: کتاب صلوات بر پیامبر خدا ﷺ ۵۹۱

باب امر به درود فرستادن بر رسول الله و فضیلت آن و بعضی از صیغه های آن

..... ۵۹۳

□ بخش شانزدهم: کتاب اذکار ۵۹۲

- باب فضیلت ذکر و تشویق بر آن ۵۹۹
- باب ذکر خدا در حال ایستادن، نشستن، دراز کشیدن، بدون وضو و در حال جنابت و حیض جز تلاوت قرآن که برای جنب و حیض حلال نیست ۶۰۹
- باب دعاهایی که موقع خوابیدن و بیدار شدن خوانده می شود ۶۱۰
- باب بیان فضیلت حلقه های ذکر و استحباب ملازمت آنها و نهی از دوری از آنها بدون عذر ۶۱۱
- باب ذکر در هنگام صبح و غروب ۶۱۳
- باب آنچه که هنگام خواب گفته می شود ۶۱۷

□ بخش هفدهم: کتاب دعاها ۶۲۱

- باب امر به دعا و فضیلت آن ۶۲۳
- باب فضیلت دعا در غیاب انسان ۶۳۲
- باب در بیان مسایلی از دعا ۶۳۳
- باب کرامات اولیا و فضیلت آنها ۶۳۶

□ بخش هجدهم: کتاب کارهای نهی شده ۶۴۱

- باب تحریم غیبت و امر به حفظ زبان ۶۴۳
- باب تحریم گوش دادن به غیبت و امر به رد کردن غیبت حرام از طرف شنونده و انکار او برگزیده ی غیبت ۶۴۹
- باب بیان غیبتی که مباح است ۶۵۱
- باب تحریم سخن چینی ۶۵۳
- باب مذمت دورو ۶۵۴
- باب تحریم دروغگویی ۶۵۶
- باب تشویق به باور داشتن و اطمینان شخص در آنچه می گوید یا از دیگران بازگو می کند ۶۶۲

- باب بيان شدت تحریم شهادت دروغ ۶۶۳
- باب تحریم لعن انسان مشخص یا حیوان ۶۶۴
- باب جواز لعن گناهکاران بدون تعیین اشخاص ۶۶۷
- باب تحریم ناسزاگویی به مسلمان به ناحق ۶۶۹
- باب تحریم بدگویی به مردگان به ناحق و بدون مصلحت شرعی ۶۷۱
- باب نهی از اذیت دیگران ۶۷۲
- باب نهی از کینه‌توزی و از هم بریدن و پشت کردن به مردم ۶۷۳
- باب تحریم حسد ۶۷۵
- باب نهی از تجسس و گوش دادن به سخن کسی که دوست ندارد به سخنش گوش داده شود ۶۷۶
- باب نهی از گمان بردن بد به مسلمانان بدون ضرورت ۶۷۸
- باب تحریم کوچک شمردن و تحقیر مسلمانان ۶۷۹
- باب نهی از اظهار خوشحالی در بلاها و مشکلات برادر مسلمان ۶۸۰
- باب تحریم طعنه در انساب ثابت شده به ظاهر شرع ۶۸۱
- باب نهی از فریب و نیرنگ ۶۸۲
- باب تحریم بی‌وفایی و عهدشکنی ۶۸۳
- باب نهی از منت گذاشتن برای بخشش و مانند آن ۶۸۵
- باب نهی از فخرفروشی و ظلم و سرکشی ۶۸۶
- باب تحریم حرف نزدن مسلمانان با همدیگر بیشتر از سه روز، مگر به علت مشاهده‌ی بدعت از شخصی که با او قطع صحبت شده یا تظاهر به فسق و مانند آن ۶۸۸
- باب نهی از نجوای دو نفر در حضور سومی بدون اجازه‌ی او جز برای ضرورت ۶۹۰
- باب نهی از شکنجه‌ی برده و حیوان و زن و فرزند بدون جهت شرعی یا زدن خارج از حد تأدیب ۶۹۱
- باب تحریم شکنجه‌ی حیوان با آتش و حتی مورچه و مانند آن ۶۹۴

باب تحریم تأخیر ثروتمند در بازپرداخت حقی که (وقت ادای آن رسیده است و) صاحبش آن را طلب می‌کند.....	۶۹۵
باب کراهت پوشیدن شدن انسان از بخششی که هنوز تسلیم طرف نکرده..	۶۹۶
باب تأکید بر حرام بودن مال یتیم.....	۶۹۷
باب شدید بودن تحریم ربا.....	۶۹۸
باب تحریم ربا.....	۷۰۰
باب تحریم نگاه کردن به زن بیگانه و پسر بی‌موی زیبا بدون ضرورت شرعی.....	۷۰۳
باب تحریم خلوت با زن بیگانه.....	۷۰۴
باب تحریم خود را شبیه ساختن مردان به زنان و زنان به مردان در لباس، حرکت و غیر آن.....	۷۰۵
باب نهی از شبیه کردن خود به شیطان و کافران.....	۷۰۶
باب نهی مرد و زن از رنگ کردن مو با رنگ سیاه.....	۷۰۷
باب نهی از قزع که عبارت از تراشیدن قسمتی از سر و گذاشتن بعضی از آن است، و مباح بودن تراشیدن تمام سر برای مرد نه زن.....	۷۰۷
باب تحریم وصل مو و خالکوبی.....	۷۰۸
باب کراهت استنجا و لمس آلت تناسلی با دست راست بدون عذر.....	۷۱۰
باب کراهت راه رفتن در یک کفش یا یک خف (موزه) بدون عذر و کراهت پوشیدن کفش و موزه در حال ایستادن بدون عذر.....	۷۱۰
باب نهی از گذاشتن آتش در خانه هنگام خواب و مانند آن، خواه چراغ باشد یا غیر آن.....	۷۱۱
باب نهی از تکلف، و آن، کار و سخنی است که در آن مصلحتی نیست و با دشواری انجام داده می‌شود.....	۷۱۲
باب تحریم نوحه‌خوانی بر مرده و زدن و خراشیدن صورت و پاره کردن گریبان و کندن و تراشیدن مو و دعا کردن به ویل و هلاک شدن.....	۷۱۳
باب نهی از مراجعه به پیشگویان و ستاره شناسان و فالگیران و رمالان با ریگ و جو و مانند آنها.....	۷۱۵

- باب نهی از شوم دانستن چیزی ۷۱۷
- باب تحریم تصویر حیوان در فرش و غیر آن و تحریم به کار بردن تصویر بر دیوار و مانند آنها و امر به از بین بردن چنین تصویرهایی ۷۱۸
- باب تحریم نگهداری سگ جز برای شکار یا نگهبانی گله و یا زراعت ۷۲۰
- باب کراهت آویزان کردن زنگ در گردن شتر و غیر آن از چهارپایان، و کراهت همراه داشتن سگ و زنگ در مسافرت ۷۲۱
- باب نهی از انداختن آب دهن در مسجد و امر به بر داشتن آن از مسجد اگر باشد و پاک کردن مسجد از پلیدی ها ۷۲۱
- باب کراهت دعوا در مسجد و بلند کردن صدا در آن و نشانی دادن گمشده و خرید و فروش و اجاره و سایر معاملات ۷۲۲
- باب نهی از دخول به مسجد بعد از خوردن سیر، پیاز، تره و چیزهای بدبو و قبل از اتمام بوی آنها مگر به خاطر ضرورت ۷۲۴
- باب کراهت نشستن به حال چمباتمه نشستن (به طوری که زانوها به سینه بچسبند) در روز جمعه در حالی که امام خطبه می خواند ۷۲۴
- باب نهی کسی که وارد دهه‌ی ذی‌الحجه شده و می‌خواهد قربانی کند از آرایش مو یا گرفتن ناخن‌هایش تا وقتی که قربانی را انجام می‌دهد ۷۲۵
- باب نهی از سوگند خوردن به مخلوق مانند پیامبر، کعبه و غیره ۷۲۶
- باب تغلیظ در تحریم سوگند دروغ به صورت عمد ۷۲۸
- باب مندوب بودن عمل کسی که به چیزی سوگند خورده و بعد می‌بیند که کار دیگر بهتر است، در این که آن کار دیگر را انجام دهد و بعد کفاره‌ی سوگندش را بپردازد ۷۳۰
- باب عفو از سوگند لغو و این که کفاره‌ای ندارد ۷۳۱
- باب کراهت سوگند خوردن در معاملات هرچند که راست باشد ۷۳۲
- باب تحریم گفتن: شاهنشاه به سلطان یا شخصی دیگر ۷۳۲
- باب نهی از خطاب افراد فاسق و بدعتگزار و امثال آن دو به سید (آقا) و امثال آن ۷۳۳

باب کراهت دشنام دادن به تب.....	۷۳۳
باب نهی از بدگویی به باد و بیان آنچه که موقع وزش باد گفته می‌شود ...	۷۳۴
باب کراهت بد گفتن به خروس.....	۷۳۵
باب نهی از گفتن : به سبب فلان تقابل ستارگان بر ما باران بارید.....	۷۳۵
باب تحریم گفتن به مسلمان: ای کافر.....	۷۳۶
باب نهی از بد زبانی و بدگویی و دشنام.....	۷۳۶
باب کراهت زیاد فرو رفتن در نحوه‌ی سخن، پیچاندن سخن در دهان، تکلف به فصاحت	۷۳۷
باب نهی از وصف زیبایی‌های زن برای یک مرد، مگر آن که برای هدفی شرعی مانند ازدواج و ... نیاز باشد.....	۷۳۷
باب کراهت این که انسان (در دعا) بگوید : خدایا! اگر خواستی مرا بیمارز، بلکه باید قطعی و جدی آمرزش بطلبد.....	۷۳۸
باب کراهت گفتن آنچه خدا بخواهد و فلانی بخواهد.....	۷۳۹
باب کراهت سخن گفتن بعد از نماز عشا (آخرین نماز).....	۷۳۹
باب تحریم خودداری کردن زن از خوابیدن با شوهرش هرگاه مرد او را صدا کند و وی عذر شرعی نداشته باشد.....	۷۴۰
باب تحریم روزه‌ی (مستحب) زن با حضور شوهر مگر به اجازه‌ی او.....	۷۴۱
باب تحریم این که مأموم قبل از امام سرش را از رکوع یا سجود بلند کند.....	۷۴۱
باب کراهت گذاشتن دست بر کمر در نماز.....	۷۴۲
باب کراهت نماز در حالی که غذا حاضر باشد و نفس آرزوی آن را بکند یا هنگام احساس نیاز به دفع پلیدی‌ها، یعنی ادرار و مدفوع.....	۷۴۲
باب نهی از بلند نمودن چشم به سوی آسمان، در نماز.....	۷۴۳
باب کراهت رو برگرداندن در نماز بدون عذر.....	۷۴۳
باب نهی از رو کردن به قبرها در نماز.....	۷۴۴
باب تحریم عبور از جلو نمازگزار.....	۷۴۴
باب کراهت شروع مأموم به نماز سنت بعد از شروع مؤذن به اقامه‌ی نماز چه سنت (راتبه‌ی) آن نماز باشد؛ چه غیر آن.....	۷۴۵

- باب کراهت اختصاص روز جمعه به روزه یا شب جمعه به نماز ۷۴۵
- باب تحریم وصال در روزه ۷۴۶
- باب تحریم نشستن بر قبر ۷۴۷
- باب نهی از محکم کردن قبر و ساختن بنا بر روی آن (با گچ و سیمان و ...) ۷۴۷
- باب نهی بسیار شدید در ساختن مساجد بر قبرهای صالحین و اینکه مانند عید همیشه تجلیل شوند ۷۴۸
- باب تحریم میانجیگری در حدود شرعی ۷۵۰
- باب نهی از دفع نجاست در راه مردم یا در سایه ای که مردم در آن می‌نشینند و یا در مجرای آب و مانند این‌ها ۷۵۱
- باب نهی از دفع ادرار و مانند آن در آب راکد ۷۵۲
- باب کراهت این که پدر، بعضی از فرزندان را در بخشش بر بعضی دیگر برتری دهد ۷۵۲
- باب تحریم عزاداری (ترک نمودن زینت) زن بر مرده بیشتر از سه روز جز برای شوهرش که چهارماه و ده روز است ۷۵۳
- باب تحریم فروختن یک شهرنشین چیزی را برای بیابان (ده) نشین (قبل از آن که آنان قیمت جنسشان را در بازار بدانند) ۷۵۵
- باب نهی از اضعای مال در غیر راههایی که شرع به آن اجازه داده است .. ۷۵۶
- باب نهی از اشاره به مسلمان با اسلحه و مانند آن، چه جدی باشد و چه شوخی، و نهی کردن از دست به دست کردن شمشیر برهنه ۷۵۸
- باب کراهت بیرون آمدن از مسجد بعد از اذان تا نماز فریضه را ادا نماید مگر آنکه عذری داشته باشد ۷۵۹
- باب کراهت رد کردن ریحان بدون عذر ۷۵۹
- باب کراهت مدح روبه روی کسی که خوف فتنه ای بر او مانند غرور به نفس هست، و جایز بودن آن برای کسی که از چنان فتنه ای در امان است ۷۶۰

- باب کراهت خارج شدن از شهری که وبا در آن شیوع پیدا کرده است به قصد
فرار از آن و نیز کراهت وارد شدن (افراد بیرون از آنجا) به آنجا ۷۶۱
- باب شدت تحریم سحر ۷۶۲
- باب نهی از مسافرت با قرآن به شهر کافران هرگاه خوف افتادنش به دست
دشمن باشد ۷۶۲
- باب تحریم به کار بردن ظروف طلا و نقره در خوردن و آشامیدن و وضو
گرفتن و سایر موارد استعمال ۷۶۲
- باب نهی از سکوت روز تا شب ۷۶۳
- باب تحریم نسبت دادن انسان به غیر پدرش ۷۶۴

□ **بخش نوزدهم: کتاب احادیث متفرقه و لطایف ۷۶۵**

- باب احادیث در باره ی دجال و نشانه های قیامت و غیره ۷۶۷

□ **بخش بیستم: کتاب استغفار ۷۹۰**

- باب امر به استغفار و فضیلت آن ۷۹۱
- باب بیان آنچه خداوند برای مؤمنان در بهشت آماده کرده است ۷۹۱

زندگینامه‌ی مؤلف

شیخ محیی‌الدین النووی ابوزکریا بن شرف بن مُری بن حسن بن حسین بن جمعه بن حزام حزامی حورانی شافعی، شیخ مذهب، صاحب تألیفات پر بار و یکی از دانشمندان کم‌نظیر است. در سال ۶۳۱ هجری، در روستای «نوی» تولد شد، و «نوی» قریه‌ی از قریه‌های دمشق است.

در سال ۶۴۹ هجری به دمشق روآورده و پس از آن قرآن را حفظ نمود، و به خواندن کتاب «التنبیه» شروع کرد و گفته می‌شود در مدت چهار و نیم ماه این کتاب را خواند و در بقیه‌ی همان سال ربع عبادات از کتاب «المهذب» را به اتمام رساند، از آن پس نزد مشایخ زانوی تلمذ گذاشت و هر روز دوازده درس در نزد آنها میخواند.

و بعد از اتمام دوران تحصیل به تصنیف پرداخت، کتابهای زیادی تصنیف نمود که بعضی از آنها را به پایه‌ی اکمال رسانید.

از جمله کتابهایی که تکمیل نمود می‌توان از (شرح صحیح مسلم) و (الروضة) و (المنهاج) و (الریاض) و (الأذکار) و (التبیین) و (تحریر التنبیه وتصحیحه) و (تهذیب الأسماء واللغات) و (طبقات الفقهاء) نام برد.

و از جمله کتابهایی که نتوانست آنها را به پایه‌ی اکمال برساند – و اگر آنها را تکمیل می‌کرد نظیر این کتابها کمتر یافته می‌شد – (شرح مهذب) می‌باشد که آنرا (المجموع) نامید، و تا کتاب ربا آنرا ادامه داد، فقه مذهب شافعی و مذاهب دیگر را به اسلوب ناب در آن تحریر نمود، احادیث را طوری که شایسته‌ی آن است ذکر نمود، علم غریب لغت را به طرز جالب بیان داشت، خلاصه اینکه در این کتاب مسایل مهمی را آورد که در سایر کتابها مثل آن کمتر دیده می‌شود، و من در کتابهای فقهی بهتر از این کتاب سراغ ندارم، و با وجود این میتوان بر این کتاب چیزهای اضافه نمود.

نووی شخصی نهایت پرهیزگار و متقی بود تا جائیکه کمتر فقهی در زهد و تقوا به پایه‌ی او دیده می‌شد، بیشتر روزه می‌گرفت و هرگز دو نوع طعام در یک

وقت تناول نمی کرد، بیشتر مصارف او را پدرش از «نوی» برای او می فرستاد، در «إقبالیه» به نیابت از ابن خلکان درس می گفت، و ریاست مدرّسین «دار الحدیث اشرفیه» را به عهده داشت. پادشاهان و غیر ایشان را امر به معروف و نهی از منکر می کرد.

در شب بیست و چهارم ماه رجب سال ۶۷۶ هجری در «نوی» وفات یافت و هم در آنجا دفن شد. (رحمت و عفو خداوند شامل حال او باد)^۱. و پس از آن که جوانی و آغاز پیریش را در آنجا، در «دارالحدیث» دمشق گذراند، در رجب سال ۶۷۶ هجری، در همانجا وفات یافت؛ بنابراین مدت عمر او، ۴۵ سال و هفت ماه بوده است. آرامگاه او در نوی می باشد.

۱- البدایة والنهاية ۱۷ / ۵۳۹ - ۵۴۱ (دار هجر للطبع والإعلان).

مقدمه‌ی مؤلف (امام نووی)

سپاس و ستایش سزاوار خداوندی است که یکتا و سخت‌گیر و بزرگوار و آمرزنده‌ی گناهان است؛ خدایی که برای عبرت صاحب‌دلان آگاه و بینش کامل و روشنی چشم عاقلان پندپذیر، شب را به روز و روز را به شب می‌آورد. خداوندی که آنان را که از آفریدگانش برگزید، بینش و بیداری داد و آنان را از جهان دور داشت و به مراقبه‌ی خود و فکر در صفات خویش و ادامه‌ی پندپذیری و یادآوری برگماشت در مداومت و کوشش در طاعت خویش و آمادگی رفتن به سرای جاوید و پرهیز از موجبات غضبش که به هلاک و دوزخ منجر می‌شود، توفیق داد و آنها را به حفظ این صفات عالی، با وجود تغییر و تحول اوضاع، موفق کرد. او را به راستین و پاک‌ترین و شامل‌ترین و کامل‌ترین سپاس‌ها، سپاس می‌گزارم.

و شهادت می‌دهم که هیچ معبودی جز خداوند بزرگوار و نیکوکار و بسیار دل‌سوز و مهربان وجود ندارد. و شهادت می‌دهم که سرور ما حضرت محمد ﷺ، بنده و فرستاده و دوست پسندیده‌ی او و راهنمای راه راست و دعوت‌کننده به دین محکم اسلام است. درود و سلام خدا بر ایشان و سایر پیامبران و آل و یاران هر کدام و سایر شایستگان باد.

اما بعد؛ خداوند متعال فرموده است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا

أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ﴿الذاریات / ۵۶-۵۷﴾

«من جن و انسان‌ها را جز برای پرستش نیافریدم و از آنان توقع رزقی

ندارم و نمی‌خواهم مرا خوراک دهند».

و این تصریح است بر این که آنان برای پرستش خدا آفریده شده‌اند، پس توجه به آنچه برایش آفریده شده‌اند و کناره‌گیری از لذات دنیا به وسیله‌ی زهد بر همه‌ی آنان لازم و رواست؛ زیرا که دنیا سرای نیستی است و در حقیقت، وسیله‌ی عبور است نه جایگاه نعمت و شادمانی؛ و مسیر پایان یابنده است نه منزلگاه همیشگی؛

به همین علت است که اشخاص بیدار دل از اهل دنیا، عابدان، و عاقل‌ترین مردم در آن، زاهدانند. خداوند می‌فرماید:

﴿ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلَتْهُ مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُوا عَلَىٰ أَثْنِهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْرَبِ بِالْأَمْسِ ۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴾

(یونس / ۲۴)

«مثال زندگی این دنیا، مانند بارانی است که آن را از آسمان نازل کردیم و گیاهان زمین را که خوراک انسانها و چهارپایان است با آن مخلوط و ممزوج و آبیاری نمودیم تا این‌که زمین زیبایی و زینت خود را (به سبب رویش گیاهان فراوان) یافت، و اهل زمین گمان بردند که بر دست‌یابی به آن محصولات، قادرند، ناگاه فرمان ما، شب یا روز وارد می‌شود و آن را [مانند] محصولی درو شده می‌کنیم، چنان‌که گویی: دیروز، اصلاً وجود نداشته است و ما نشانه‌های خود را برای متفکران تبیین و تشریح می‌کنیم».

در این معنی، آیات فراوان است و نیز، شاعر، خوب گفته است:

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فُطِنًا، طَلَّقُوا الدُّنْيَا وَخَافُوا الْفِتْنَا
نَظَرُوا فِيهَا فَلَمَّا عَلِمُوا أَنَّهَا لَيْسَتْ بِحَيٍّ وَطَنًا،
جَعَلُوهَا لُجَّةً وَاتَّخَذُوا صَالِحَ الْأَعْمَالِ فِيهَا سَفْنًا

خداوند بندگان زیرکی دارد که دنیا را طلاق دادند و از فتنه‌ها [ی آن] ترسیدند. در آن اندیشه کردند و وقتی که فهمیدند آنجا جایگاه [دایمی] هیچ زنده‌ای نیست، آن را مانند دریایی فرض کردند و اعمال شایسته را در آن، کشتی نجات گرفتند.

پس وقتی که حال دنیا چنین است و حال ما و آنچه که برای آن آفریده شده‌ایم، آن‌چنان است که در پیش گفتیم، بر شخص مکلف واجب است که خود را به

طریق پاکان و نیکوکاران بیاندازد و راه عاقلان و با بصیرتان را طی کند و خود را برای آنچه بدان اشاره کردم، آماده سازد و در انجام دادن اعمالی که یادآوری کردیم، کوشش کند. و درست‌ترین راه برای رسیدن انسان و استوارترین مسلکی که باید بییماید، اتصاف و تخلق به دستورات پیامبر ما، سرور متقدمان و متأخران و بزرگ‌ترین گذشتگان و آیندگان، حضرت محمد مصطفی است - درود و سلام خدا بر او و سایر پیامبران خدا باد.

و خداوند بزرگ فرمود:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (المائدة / ۲)

«و بر نیکوکاری و پرهیزگاری با همدیگر همکاری کنید».

و نیز روایت صحیح از حضرت ختمی مرتبت ﷺ منقول است که فرمودند:

«وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ»^۱. و باز فرمودند: «مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ»^۲. همچنین فرمودند: «مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئاً»^۳. و نیز به علی بن ابی طالب رضی الله عنه فرمودند: «قَوْلَ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ»^۴.

به دلایل بالا تصمیم گرفتم که مختصری از احادیث صحیحه را فراهم آورم که مشتمل بر مطالبی باشد که راهی به آخرت باشد و فراهم کننده‌ی آداب باطنی و

۱- قسمتی از یک حدیث است که مسلم، آن را به شماره‌ی [۲۶۹۹] از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: «خداوند در یاری بنده است، مادامی که او در یاری برادر خود باشد».

۲- مسلم، آن را به شماره‌ی [۱۸۹۲] از ابومسعود انصاری رضی الله عنه روایت کرده است: «کسی که بر کار خیر دلالت دارد، به اندازه‌ی پاداش انجام‌دهنده‌ی خیر را می‌برد».

۳- مسلم آن را به شماره‌ی [۲۶۷۴] از ابی‌هریره رضی الله عنه روایت کرده است: «کسی که مردم را به‌سوی راه راست و هدایت به حق دعوت کند، مانند آنهایی که از او پیروی و به ارشادش عمل کرده‌اند، بدون نقص پاداش می‌گیرد».

۴- بخاری به شماره‌ی [۳۷۰۱] و مسلم به شماره‌ی [۲۴۰۶] آن را روایت کرده‌اند: «به‌خدا سوگند که اگر خداوند، فقط یک نفر را به وسیله‌ی تو به راه حق هدایت کند، برای تو از شتران سرخ‌موی - که نفیس‌ترین اموال عرب است - بهتر است».

ظاهری او و جامع تشویق و ترساندن و سایر آداب سالکان، از احادیث زهد، ریاضت نفس، پاکیزگی اخلاق، پاکی و معالجه‌ی دل‌ها، محافظت اعضا و برطرف نمودن کجی‌ها و کج‌روی‌های آنها و غیر آن، از مقاصد عارفان، باشد، و خود را ملتزم کرده‌ام که در آن، جز احادیث صحیح روشن را - که منبع آن کتاب‌های مشهور صحیح حدیث باشد - ذکر نکنم، و آغاز باب‌های کتاب را به آیاتی مبارک از قرآن آغاز نمایم و در قسمت‌هایی که نیازمند ضبط یا شرح است، ابواب را با نکات سودمند بیارایم، و هرگاه در آخر حدیثی «متفق علیه» آوردم، مقصود آن است که «بخاری و مسلم» آن را روایت کرده‌اند.

و امیدوارم که اگر این کتاب تمام شود، راهبر توجه‌کنندگان به آن، به‌سوی خیر، و مانع آنها از انواع زشتی‌ها و موجبات فساد و هلاک باشد. و از برادری که از این کتاب بهره‌ای می‌گیرد، توقع دارم که برای من و پدر و مادر و استادان و سایر دوستانم و تمام مسلمانان، دعای خیر کند. و برای انجام دادن این مهم بر خدا تکیه کردم و کار خود را به او واگذار نمودم و پشت و پناهم اوست؛ و او برای من کافی و بهترین وکیل است. وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ.

بخش اول

۱- باب الإخلاص وإحضار النية في جميع الأعمال والأقوال والأحوال البارزة
والخفية

باب اخلاص و داشتن نیت در همه ی کردارها و گفتارها و حالات
پنهان و آشکار

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ
وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ﴾ (البينة / ۵)

«و (امت های پیشین) فرمان نیافتند جز آنکه خدا را- در حالی که
پرستش را برای او خالص ساخته‌اند با پاکدلی (دین ورز به آیین
ابراهیمی) بپرستند و نماز بر پا دارند و زکات بپردازند و این است
آیین راستین».

﴿ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ ﴾

(الحج / ۳۷)

«گوشت و خون‌های آن (قربانی‌های شما) به‌خدا نمی‌رسد، ولی تقوا
و پرهیزگاریتان به او می‌رسد».

﴿ إِنْ تَخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمَهُ اللَّهُ ﴾

(آل عمران / ۲۹)

«(ای پیامبر ﷺ بگو): اگر آنچه در دلهایتان است، پنهان و یا آشکار
کنید، خداوند آن را می‌داند».

۱- وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى
اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا، أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ
إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ» مَتَّفَقٌ عَلَى صَحِّحَتِهِ.

رواهُ إماما المُحدِّثين؛ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ بَرْدِزْبَةَ الْجُعْفِيِّ الْبُخَارِيُّ، وَأَبُو الْحُسَيْنِ مُسْلِمُ بْنُ الْحَجَّاجِ بْنِ مُسْلِمٍ الْقَشِيرِيُّ النَّيْسَابُورِيُّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا - فِي صَحِيحَيْهِمَا اللَّذَيْنِ هُمَا أَصْحَحُ الْكُتُبِ الْمُصَنَّفَةِ.

۱. و از امیرالمؤمنین ابو حفص عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «تمام کارها به نیت (شخص) بستگی دارد و مکافات و مجازات هر کس، طبق نیتش است، پس هر کس به‌خاطر خدا و پیامبرش هجرت کرده باشد، هجرتش به‌سوی خدا و رسولش می‌باشد (و مقبول و مأجور است) و هر کس هجرتش به‌خاطر رسیدن به مال دنیا یا ازدواج با زن مورد نظرش باشد، به‌سوی آنها هجرت کرده است (و در آخرت پاداشی ندارد)»^۱.
صحت این دو حدیث مورد اتفاق است، و دو امام محدثان «ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه جعفی بخاری» و «ابوالحسین مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری نیشابوری» در دو کتاب خودشان - که صحیح‌ترین تصنیفات در حدیث می‌باشند - روایت کرده‌اند.

۲- وَعَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَغْزُو جَيْشُ الْكُفَّةِ فَإِذَا كَانُوا بَيْدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ يُخَسَفُ بِأَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ». قَالَتْ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ يُخَسَفُ بِأَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ وَفِيهِمْ أَسْوَأُهُمْ وَمَنْ لَيْسَ مِنْهُمْ؟ قَالَ: «يُخَسَفُ بِأَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ، ثُمَّ يُعْتَوْنَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۲. از مادر مؤمنان، عایشه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لشکری به جنگ کعبه می‌آید و موقعی که در صحرای از زمین هستند، همه‌ی آنها در زمین فرو می‌روند»؛ حضرت عایشه رضی الله عنها می‌فرماید: گفتم: ای رسول خدا! چگونه زمین همه‌ی آنها را می‌بلعد در حالی که بازاریان و کسانی غیر از افراد آن لشکر، در میان آنها وجود دارند؟ فرمودند: «همه‌ی آنها در زمین فرو

۱- [بخاری، حدیث شماره‌ی (۱)، مسلم، حدیث شماره‌ی (۱۹۰۷)].

می‌روند، سپس روز قیامت، هر کدام بر نیت خودشان برانگیخته می‌شوند (با هر کدام مطابق نیت خود رفتار می‌شود)^۱.

۳- وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي غَزَاةٍ فَقَالَ: «إِنَّ بِالْمَدِينَةِ لَرِجَالًا مَا سِرْتُمْ مَسِيرًا، وَلَا قَطَعْتُمْ وَادِيًا إِلَّا كَانُوا مَعَكُمْ حَبَسَهُمُ الْمَرَضُ». وَفِي رَوَايَةٍ: «إِلَّا شَرَكُوكُمْ فِي الْأَجْرِ» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۳. از جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: ما با پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگی حضور داشتیم، فرمودند: «در مدینه مردانی هستند که با ما در (ثواب جهاد) و پیمودن جاده‌ها و قطع بیابان‌ها شریکند، اما بیماری آنها را در مدینه نگه داشته است (منظور آن است که این اشخاص بیمار که قلباً آرزوی شرکت در جهاد برای توسعه‌ی اسلام و دفاع در برابر مشرکان را دارند، با این که شرکت نکرده‌اند، به نیت خود مأجورند و ثواب می‌برند)^۲».

و در روایتی آمده است: «مگر اینکه در پاداش با شما شریک می‌شدند» به روایت صحیح مسلم.

۴- وَعَنْ مَعْنِ بْنِ يَزِيدَ بْنِ الْأَخْنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، قَالَ: كَانَ أَبِي يَزِيدُ أَخْرَجَ دَنَائِيرَ يَتَصَدَّقُ بِهَا فَوَضَعَهَا عِنْدَ رَجُلٍ فِي الْمَسْجِدِ فَجِئْتُ فَأَخَذْتُهَا فَأَتَيْتُهَا بِهَا. فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا إِلَيْكَ أَرَدْتُ، فَخَاصَمْتُهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «لَكَ مَا نَوَيْتَ يَا يَزِيدُ، وَلَكَ مَا أَخَذْتَ يَا مَعْنُ». رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۴. از معن بن یزید بن اخنس رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: پدرم، یزید، چند دینار خود را برای صدقه بیرون آورد و نزد مردی در مسجد گذاشت که آن را ببخشد، من رفتم و آن را برداشته، پیش پدرم آوردم، فرمود: به‌خدا سوگند، آنها را برای تو نگذاشته بودم و اختلافمان را به پیامبر صلی الله علیه و آله رساندم، فرمودند: «ای یزید!

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۱۱۸)، م (۲۸۸۴)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت بخاری است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۱۱].

ثواب آنچه نیت کرده‌ای به تو می‌رسد، و ای معن (ابویزید)! آنچه برداشته‌ای مال توست»^۱.

۵- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى أَجْسَامِكُمْ، وَلَا إِلَى صُورِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ» رواه مسلم.

۵. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند متعال به اجسام و صورت‌های شما نگاه نمی‌کند؛ بلکه به دل‌ها و اعمال شما می‌نگرد»^۲.

۶- وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الرَّجُلِ يُقَاتِلُ شَجَاعَةً، وَيُقَاتِلُ حَمِيَّةً وَيُقَاتِلُ رِيَاءً، أَيُّ ذَلِكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۶. از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره‌ی مردی که از روی شجاعت یا تعصب قومی یا تظاهر و ریا می‌جنگد، سؤال شد که: کدام‌یک در راه خداست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس که به قصد اعلای نام (و دین) خدا بجنگد، آن در راه خدا (و مقبول) است»^۳.

۷- وَعَنْ أَبِي بَكْرَةَ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ» قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا الْقَاتِلُ فَمَا بَالُ الْمَقْتُولِ؟ قَالَ: «إِنَّهُ كَانَ حَرِيصًا عَلَى قَتْلِ صَاحِبِهِ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۷. از ابی‌بکره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر گاه دو مسلمان، به روی یکدیگر شمشیر کشیدند، قاتل و مقتول، هر دو در آتش هستند»؛ گفتم: ای

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۱۴۲۲].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۶۴].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۲۸۱۰)، م (۱۹۰۴)].

رسول خدا، قاتل که معلوم است، مقتول چه گناهی دارد؟ فرمودند: «او نیز بر قتل طرفش حریص بوده است»^۱.

۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ تَزِيدُ عَلَى صَلَاتِهِ فِي سُوقِهِ وَبَيْتِهِ بضعاً وعشرين درجةً، وذلك أَنْ أَحَدَهُمْ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الوُضوءَ، ثُمَّ أَتَى الْمَسْجِدَ لَا يُرِيدُ إِلَّا الصَّلَاةَ، لَا يَنْهَزُهُ إِلَّا الصَّلَاةُ، لَمْ يَخْطُ خُطْوَةً إِلَّا رَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً، وَخُطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ حَتَّى يَدْخُلَ الْمَسْجِدَ، فَإِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ كَانَ فِي الصَّلَاةِ مَا كَانَتِ الصَّلَاةُ هِيَ الَّتِي تَحْسِبُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ يُصَلُّونَ عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ، يَقُولُونَ: اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيْهِ، مَا لَمْ يُؤْذِ فِيهِ، مَا لَمْ يُخْذِثْ فِيهِ». متفقٌ عليه.

۸. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نماز جماعت مرد مسلمان بر نماز او در بازار یا در خانه‌اش، بیش از بیست و چند درجه برتری دارد، به دلیل این که هر گاه مسلمانی، وضوی کاملی گرفت و با نیت نماز خواندن به مسجد آمد، و نماز، تنها دلیل بلند شدن و بیرون آمدن او از خانه باشد، تا هنگام ورود به مسجد، در برابر هر قدمش، یک درجه ثواب او بیشتر و یک مورد از گناهان او کمتر می‌شود و با ورود به مسجد، ثواب و اجر نمازخوان را دارد، به شرطی که فقط به خاطر نماز در مسجد نشسته باشد و فرشتگان تا مادامیکه یکی از شما در جای نماز خواندنش نشسته باشد بر او درود می‌فرستند و می‌گویند: خداوندا! بر او رحم کن و او را بیمارز، و توبه‌ی او را بپذیر! به شرطی که اذیت یا نقض وضویی، از او صادر نشود»^۲.

۹- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فِيمَا يَرَوِي عَنْ رَبِّهِ، تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ ثُمَّ بَيَّنَ ذَلِكَ: فَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً وَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عَشْرَ

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۱)، م (۲۸۸۸)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۴۷۷۷)، م (۶۴۹)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت مسلم است.

حَسَنَاتٍ إِلَى سَعِمَائَةٍ ضِعْفٍ إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ، وَإِنْ هُمْ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، وَإِنْ هُمْ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً». متفقٌ عليه.

۹. از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از خداوند متعال روایت می‌کند که: «خداوند نیکی‌ها و بدی‌ها را نوشت و آنها را روشن کرد، پس هر کس قصد یک کار خوب و ثواب کند و انجام ندهد، خداوند یک حسنه‌ی کامل برای او می‌نویسد، و اگر نیت کرد و کار نیک را انجام داد، ده حسنه برای او می‌نویسد و گاهی تا هفتصد حسنه و بیشتر، و اگر قصد گناهی نمود و آن را انجام نداد، خداوند آن را یک حسنه کامل می‌نویسد؛ اما اگر قصد آن معصیت را کرد و آن را انجام داد، خداوند آن را تنها یک گناه ثبت می‌فرماید»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۹۰)، م (۱۳۱)].

۲- باب التوبة

باب توبه

قَالَ الْعُلَمَاءُ: التَّوْبَةُ وَاجِبَةٌ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ، فَإِنْ كَانَتِ الْمَعْصِيَةُ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى لَا تَتَعَلَّقُ بِحَقِّ آدَمِيٍّ فَلَهَا ثَلَاثَةُ شُرُوطٍ:

أَحَدُهَا: أَنْ يُقْلَعَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ .

وَالثَّانِي: أَنْ يَنْدَمَ عَلَى فِعْلِهَا.

وَالثَّالِثُ: أَنْ يَعْزِمَ أَنْ لَا يَعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا.

فَإِنْ فُقِدَ أَحَدُ الثَّلَاثَةِ لَمْ تَصِحَّ تَوْبَتُهُ.

وَإِنْ كَانَتِ الْمَعْصِيَةُ تَتَعَلَّقُ بِآدَمِيٍّ فَشُرُوطُهَا أَرْبَعَةٌ: هَذِهِ الثَّلَاثَةُ، وَأَنْ يَبْرَأَ مِنْ حَقِّ صَاحِبِهَا، فَإِنْ كَانَتْ مَالًا أَوْ نَحْوَهُ رَدَّهُ إِلَيْهِ، وَإِنْ كَانَتْ حَدًّا قَذْفٍ وَنَحْوَهُ مَكَّنَهُ مِنْهُ أَوْ طَلَبَ عَفْوَهُ، وَإِنْ كَانَتْ غِيْبَةً اسْتَحْلَلَهُ مِنْهَا.

وَيَجِبُ أَنْ يُتُوبَ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ، فَإِنْ تَابَ مِنْ بَعْضِهَا صَحَّتْ تَوْبَتُهُ عِنْدَ أَهْلِ الْحَقِّ مِنْ ذَلِكَ الذَّنْبِ وَبَقِيَ عَلَيْهِ الْبَاقِي. وَقَدْ تَظَاهَرَتْ دَلَالَةُ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ، وَإِجْمَاعُ الْأُمَّةِ عَلَى وَجُوبِ التَّوْبَةِ.

علما گفته‌اند: توبه از هر گناهی واجب است؛ اگر گناه بین بنده و خداوند متعال باشد و به حق الناس تعلق نداشته باشد، دارای سه شرط است:

اول، بریدن از گناه و ترک آن؛

دوم، پشیمانی از انجام دادن آن؛

سوم، عزم بر برنگشتن همیشگی به گناه.

و اگر یکی از شروط سه‌گانه انجام نشود، توبه اش صحیح نیست.

و اگر گناه به انسانی تعلق داشت، (در حق یک انسان بود) دارای چهار شرط است:

سه شرط بالا، و چهارم، این که از حق آن شخص، بری و پاک شود و شخص، او را حلال کند؛ بدین معنی که اگر آن حق، مال یا مانند آن باشد، آن را به او پس

دهد، و اگر حد قذف و بهتان یا مانند آن است، تمکین او را به دست آورد (خود را برای حد آماده کند و بپذیرد) یا طلب عفو کند؛ و اگر پشت سر، از او بدی گفته و غیبت کرده است، از او طلب حلال کردن کند.

و بر شخص مسلمان واجب است که از همه‌ی گناهان توبه کند، اگر از بعضی از گناهان توبه کرد، از آن رسته، و گناهایی که از آنها توبه نکرده است بر ذمه‌اش باقی می‌ماند. و دلایلی از کتاب و سنت و اجماع علما بر وجوب توبه در دست است:

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾ (نور / ۳۱)

«ای مؤمنان! از تمام گناهان به درگاه خدا توبه کنید؛ شاید رستگار شوید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَأَنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ ﴾ (هود / ۳)

«از خدا آمرزش بخواهید و سپس پیش او (از تمام گناهان) توبه کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا ﴾ (التحریم / ۸)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر خدا و به درگاه او توبه‌ی نصوح کنید (توبه‌ای قطعی که دیگر به گناه بازنگردد)».

۱۰- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «وَاللَّهِ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، فِي الْيَوْمِ، أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً» رواه البخاري.

۱۰. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «به خدا سوگند من هر روز بیش از هفتاد مرتبه به درگاه خدا طلب آمرزش و توبه می کنم»^۱.

۱۱- وعن أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ الْأَنْصَارِيِّ خَادِمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لِلَّهِ أَشَدُّ فَرَحًا بِتُوبَةِ عَبْدِهِ حِينَ يَتُوبُ إِلَيْهِ مِنْ أَحَدِكُمْ كَانَ عَلَى رَاحِلَتِهِ بِأَرْضٍ فَلَاةٍ، فَأَنْفَلَتْ مِنْهُ وَعَلَيْهَا طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ فَأَيَسَ مِنْهَا، فَأَتَى شَجَرَةً فَاضْطَجَعَ فِي ظِلِّهَا، وَقَدْ أَيْسَ مِنْ رَاحِلَتِهِ، فَبَيْنَمَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ هُوَ بِهَا قَائِمَةٌ عِنْدَهُ، فَاخَذَ بِخَطَامِهَا ثُمَّ قَالَ مِنْ شِدَّةِ الْفَرَحِ: اللَّهُمَّ أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ، أَخْطَأَ مِنْ شِدَّةِ الْفَرَحِ». رواه مسلم.

۱۱. و از انس بن مالک انصاری رضی الله عنه - خادم پیامبر صلی الله علیه و آله - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند از توبه‌ی بنده‌اش، خوشحال‌تر از یکی از شما که در بیابانی، بر شتر خود سوار باشد و شتر - که آب و غذایش را هم بر پشت دارد - از او برمد و فرار کند و او، از یافتن آن مأیوس شود و (برای رفع خستگی) به زیر درختی برود و در سایه‌ی آن، نا امید از شتر (و توشه) اش، دراز بکشد و در چنین حالی ناگهان شتر خود را پیش خود، ایستاده ببیند و مهار شتر را بگیرد و از شدت خوشحالی و شادی زیاد، به اشتباه بگوید: خدایا! تو، بنده‌ی منی و من، خدای تو هستم! خداوند از توبه بنده‌اش - وقتی که به درگاه او توبه می کند - خوشحال‌تر از چنین کسی است»^۲.

۱۲- وعن أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَابَ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ» رواه مسلم.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۳۰۷].

۲- [۶۸۹۵].

۱۲. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که پیش از طلوع خورشید از مغرب توبه کند، خداوند توبه‌ی او را می‌پذیرد»^۱.

۱۳- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقْبَلُ تَوْبَةَ الْعَبْدِ مَا لَمْ يُغْرِغْ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۱۳. از عبدالله بن عمر بن خطاب رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند توبه‌ی بنده‌اش را تا وقتی که جاننش به لب نرسیده و به سگرات موت نیفتاده است، می‌پذیرد»^{۲، ۳}.

۱۴- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كَانَ فِيمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ رَجُلٌ قَتَلَ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ نَفْسًا، فَسَأَلَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ قَدْ لُ عَلَى رَأْسِهِ، فَأَتَاهُ فَقَالَ: إِنَّهُ قَتَلَ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ نَفْسًا، فَهَلْ لَهُ مِنْ تَوْبَةٍ؟ فَقَالَ: لَا، فَقَتَلَهُ فَكَمَلَ بِهِ مِائَةً ثُمَّ سَأَلَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ، فَدُلَّ عَلَى رَجُلٍ عَالِمٍ فَقَالَ: إِنَّهُ قَتَلَ مِائَةَ نَفْسٍ فَهَلْ لَهُ مِنْ تَوْبَةٍ؟ فَقَالَ: نَعَمْ وَمَنْ يَحُولُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ التَّوْبَةِ؟ انْطَلِقْ إِلَى أَرْضٍ كَذَا وَكَذَا، فَإِنْ بَهَا أَنْاسًا يَعْبُدُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَاعْبُدِ اللَّهَ مَعَهُمْ، وَلَا تَرْجِعْ إِلَى أَرْضِكَ فَإِنَّهَا أَرْضُ سُوءٍ، فَانْطَلِقْ حَتَّى إِذَا نَصَفَ الطَّرِيقَ أَتَاهُ الْمَوْتُ فَاخْتَصَمَتْ فِيهِ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَمَلَائِكَةُ الْعَذَابِ. فَقَالَتْ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ: جَاءَ تَائِبًا مُقْبِلًا بِقَلْبِهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَقَالَتْ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ: إِنَّهُ لَمْ يَعْمَلْ خَيْرًا قَطُّ، فَأَتَاهُمْ مَلَكٌ فِي صُورَةِ آدَمِيٍّ فَجَعَلُوهُ بَيْنَهُمْ أَيْ حَكَمًا. فَقَالَ: قِيسُوا مَا بَيْنَ الْأَرْضَيْنِ فَإِلَى أَيَّتِهِمَا كَانَ أَذْنَى فَهُوَ لَهُ، فَقَاسُوا فَوَجَدُوهُ أَذْنَى إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي أَرَادَ، فَقَبَضَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ» متفقٌ عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۰۳].

۲- ترمذی روایت کرده [۳۵۳۷] و گفته است: حدیثی «حسن» است.

۳- این حدیث، با آیهی «وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْفَنَ» برای کسانی که کارهای بد را انجام می‌دهند، و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می‌رسد می‌گوید: الان توبه کردم! توبه نیست»، مخالف نیست؛ زیرا آیه، بر نفس‌های آخر محتضر دلالت دارد - که آن را حالت غرغره می‌گویند - در صورتی که حدیث، صراحت دارد که مادام انسان، به چنین حالتی نرسیده است، توبه‌اش قبول است. مترجم

وفي رواية في الصحيح: «فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى هَذِهِ أَنْ تَبَاعِدِي، وَإِلَى هَذِهِ أَنْ تَقْرَبِي وَقَالَ: قَبِسُوا مَا بَيْنَهُمَا، فَوَجَدُوهُ إِلَى هَذِهِ أَقْرَبَ بِشِيرٍ، فَعُفِّرَ لَهُ».

۱۴. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در میان مردمان پیش از شما، کسی بود که نود و نه نفر را کشته بود، پس (از آن به فکر توبه افتاد و) به جستجوی عالم‌ترین شخص زمین می‌گشت، او را به سوی راهبی راهنمایی نمودند، نزد او رفت و گفت: نود و نه نفر را کشته است، آیا اگر توبه کند، قبول است؟ گفت: خیر، پس او را هم کشت و صد نفر را با او کامل کرد؛ باز، به جستجوی عالم‌ترین فرد زمین گشت، او را به سوی مرد دانشمندی راهنمایی کردند، پیش او رفت و گفت: صد نفر را کشته است، آیا اگر توبه کند، قبول است؟ گفت: بله، چه کسی می‌تواند بین او و بین توبه مانعی ایجاد کند؛ به فلان سرزمین برو که در آنجا مردمانی خداپرست هستند و با آنها عبادت خداوند را انجام بده و به سرزمین خودت باز نگرد که آنجا زمین بدی است. آن شخص رفت و در نیمه‌ی راه، مرگ او فرا رسید و فرشتگان رحمت و عذاب، بر سر او به مجادله پرداختند؛ فرشتگان رحمت گفتند: او در حال توبه و هنگامی که قلبش متوجه خدا بود، به درگاه خدا روی نهاد و فرشتگان عذاب گفتند: او هرگز عمل خوبی انجام نداده است؛ سپس فرشته‌ای به شکل و لباس انسان، پیش آنها آمد و (هر دو گروه) فرشتگان، او را قاضی بین خود قرار دادند؛ وی گفت: از اینجا فاصله‌ی دو زمین (زمین مبدأ و زمین مقصد) را اندازه بگیرید، به هر کدام نزدیک‌تر بود، از اهل آنجا محسوب می‌شود؛ اندازه گرفتند، جایی که خواسته بود برود، (شهر خداپرستان) نزدیک‌تر بود و آن‌گاه فرشتگان رحمت، جان او را قبض کردند».

و در روایتی در صحیح، آمده است: «خداوند به زمین مبدأ، وحی کرد که: از او دور، و به زمین مقصد امر فرمود: به او نزدیک شود و آن‌گاه فرمود: فاصله‌ی آن محل را با زمین محل فوت اندازه بگیرند، سپس وی را به مقدار یک وجب به مقصد نزدیک‌تر یافتند و آمرزیده شد».

۱۵- وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَأَنْسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْ أَنَّ لَابْنَ آدَمَ وادياً مِنْ ذَهَبٍ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَادِيَانِ، وَلَنْ يَمْلَأَ فَاهُ إِلَّا الشَّرَابُ، وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ تَابَ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱۵. از ابن عباس رضی الله عنه و انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر انسان، صاحب یک دره‌ی پر از طلا باشد، باز می‌خواهد که مالک دو برابر آن باشد، و به جز خاک، هیچ چیز دهان انسان را پر نمی‌کند و خداوند، توبه‌ی هر توبه‌کننده‌ای را می‌پذیرد»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۳۶)، م (۱۰۴۹)].

۳- باب الصبر

باب صبر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا﴾ (آل عمران / ۲۰۰)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شکیبایی ورزید و استقامت و پایداری کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ

وَالثَّمَرَاتِ ۖ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (البقرة / ۱۵۵)

«و قطعاً شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود ثمرات و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم، و به صابران مژده و بشارت بده».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (الزمر / ۱۰)

«قطعاً اجر و پاداش شکیبایان به تمام و کمال و بدون حساب داده می‌شود».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (الشوری / ۴۳)

«کسی که شکیبایی کند و (از گناه دیگران) درگذرد، از زمره‌ی کارهای مطلوب است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ماندگار شد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (البقره / ۱۵۳)

«از بردباری و نماز یاری بجوید، که قطعاً، خداوند با صابران است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجْتَهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ﴾ (محمد / ۳۱)

«قطعاً ما همه‌ی شما را آزمایش می‌کنیم تا معلوم شود مجاهدان و

صابران شما چه کسانی هستند».

آیات در امر به صبر و فضیلت آن، فراوان و مشهور هستند.

۱۶- وعن أبي مالك الأشعري رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأَانِ أَوْ تَمْلَأُ مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَالصَّلَاةُ نُورٌ، وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ، وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ، وَالْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ. كُلُّ النَّاسِ يَغْدُو، فَبَائِعٌ نَفْسَهُ فَمُعْتِقُهَا، أَوْ مُوبِقُهَا» رواه مسلم.

۱۶. از ابومالک اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «پاکیزگی (طهارت) نصف ایمان است و «الحمد لله»، کفهی ترازوی حسنات را پر می‌کند و «سبحان الله والحمد لله» فضای بین آسمان‌ها و زمین را پر می‌کنند، نماز نور است و زکات حجت، و صبر روشنی، و قرآن دلیلی است به نفع یا ضرر تو، همه‌ی مردم شب را به روز می‌آورند در حالی که با نفس خودشان معامله می‌کنند؛ یا آن را از هر بدی آزاد می‌کنند؛ یا آن را به هلاک و نابودی می‌کشانند»^۱.

۱۷- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه أن ناساً من الأنصار سألوا رسول الله صلى الله عليه وسلم فأعطاهم، ثم سألوه فأعطاهم، حتى نفد ما عنده، فقال لهم حين أنفق كل شيء: «ما يكن من خير فلن أدخره عنكم، ومن يستعفف يعفه الله ومن يستغن يغنيه الله، ومن يتصبر يصبره الله. وما أُعطِيَ أحدٌ عطاءً خيراً وأوسع من الصبر». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۲۳)].

۱۷. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: گروهی از انصار از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی خواستند، به آنها عطا فرمودند، دوباره توقع احسان از او کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها عطا فرمودند، در نتیجه آنچه داشت، تمام شد و هنگامی که تمام آنچه پیش خود داشت، با دست خود بخشید، فرمودند: «هر چه (مال) نزد من باشد، از شما دریغ نخواهم کرد و هر کس اهل بزرگ منشی و بی توقعی از دیگران باشد، خداوند او را پاداش می‌دهد (آبرویش را - در فقر - محفوظ می‌نماید) و هر کس اظهار بی‌نیازی بورزد و عزت نفس داشته باشد، خداوند او را بی‌نیاز می‌کند و هر کس خود را به شکیبایی عادت دهد، خداوند او را صبور می‌کند و به هیچ کس بخششی بهتر و بیشتر از صبر، داده نشده است»^۱.

۱۸- وَعَنْ صُهَيْبِ بْنِ سِنَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ لَهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ: إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَّاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ». رواه مسلم.

۱۸. و از صهیب بن سنان رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: حال مسلمان تعجب برانگیز است که همه‌ی کارهایش برای او خیر است و این وضع تنها برای مؤمن است که اگر چیزی که مایه‌ی شادی و سود است، برای او پیش آید، شکر می‌کند و خیر او در آن است و اگر ضرر (و سختی) برای او پیش آید، صبر می‌کند و خیر او در آن است.

۱۹- وَعَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ بْنِ حَارِثَةَ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (وَجِبِّهِ وَابْنِ حَبَّهِ) رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: أُرْسِلْتُ بِنْتُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ ابْنِي قَدْ احْتَضَرَ فَأَشْهَدُنَا، فَأَرْسَلَ يُقْرِئُ السَّلَامَ وَيَقُولُ: «إِنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ، وَلَهُ مَا أُعْطِيَ، وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُّسَمًّى، فَلْتَصْبِرْ وَلْتَحْتَسِبْ» فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهِ تُقَسِّمُ عَلَيْهِ لِيَأْتِيَنَهَا. فَقَامَ وَمَعَهُ سَعْدُ بْنُ عُبَادَةَ، وَمُعَاذُ ابْنُ جَبَلٍ، وَأُبَيُّ بْنُ كَعْبٍ، وَزَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ، وَرَجُلٌ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، فَرَفَعَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّبِيَّ، فَأَقْعَدَهُ فِي حِجْرِهِ وَنَفْسُهُ تَفْقَعُ، فَقَاضَتْ عَيْنَاهُ، فَقَالَ سَعْدُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا هَذَا؟ فَقَالَ: «هَذِهِ رَحْمَةٌ جَعَلَهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي قُلُوبِ عِبَادِهِ».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۹۶)، م (۱۰۵۳)].

وفي رواية: «في قلوب من شاء من عباده، وإنما يرحم الله من عباده الرحماء». متفق عليه.

۱۹. و از «اسامه بن زید بن حارثه» غلام آزاد کرده پیامبر ﷺ و دوست و پسر دوست او، رحمه الله روایت شده است که دختر^۱ پیامبر ﷺ به ایشان سفارش فرستاد که فرزندانم در حال مرگ است؛ تشریف بیاورید؛ پیامبر ﷺ به او سلام فرستادند و فرمودند: «خداوند، هرچه را که می‌گیرد یا عطا می‌کند، از آن او و ملک اوست و هر چیز نزد او، وقت معینی دارد؛ (بگویید:) صبر کند و به امید پاداش خداوند باشد؛» باز سفارش فرستاد و سوگند داد که پیامبر ﷺ تشریف ببرد، پیامبر ﷺ برخاست و «سعد بن عباد و معاذ بن جبل و ابی بن کعب و زید بن ثابت» و مردانی دیگر رضی الله عنهم در خدمت وی بودند؛ کودک را در حالی که تند نفس می‌زد و سینه‌اش بالا و پایین می‌رفت، به پیامبر ﷺ دادند، او را در آغوش گرفت، چشمان مبارک پیامبر ﷺ پر از اشک شد، سعد رضی الله عنه فرمود: ای رسول خدا! این چیست؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «این رحم است که خداوند متعال، در دل بندگان قرار می‌دهد.» و در روایتی دیگر آمده است: «خداوند متعال آن را در دل هر بنده‌ای که بخواهد، قرار می‌دهد و خداوند، تنها به بندگان رحم می‌کند که به دیگران رحم می‌کنند».

۲۰- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِامْرَأَةٍ تَبْكِي عِنْدَ قَبْرِ فَقَالَ: «اتَّقِي اللَّهَ وَاصْبِرِي» فَقَالَتْ: إِلَيْكَ عَنِّي، فَإِنَّكَ لَمْ تُصَبِّ بِمُصِيبَتِي، وَلَمْ تَعْرِفْهُ، فَقِيلَ لَهَا: إِنَّهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَتَتْ بَابَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَمْ تَجِدْ عِنْدَهُ بَوَائِينَ، فَقَالَتْ: لَمْ أَعْرِفْكَ، فَقَالَ: «إِنَّمَا الصَّبْرُ عِنْدَ الصَّدَمَةِ الْأُولَى» متفق عليه.

۲۰. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ بر زنی که نزدیک قبری گریه می‌کرد، گذشت و فرمودند: «ای زن! پرهیزگار و صبور باش»، زن گفت: از من دور شو؛ زیرا تو به مصیبت من دچار نشده‌ای و پیامبر ﷺ را نشناخت. به او گفتند: این، رسول خداست، زن (برای عذرخواهی) به خانه‌ی پیامبر ﷺ آمد و در آنجا حاجب و دربان‌ی نیافت، (دلیل آن که آن زن، پیامبر ﷺ را نشناخت، همین

۱- این دختر، حضرت زینب رضی الله عنها بوده است - ویراستاران.

رفتار عادی و ساده‌ای ایشان به نسبت حاکمان و قدرتمندان بود) گفت: تو را شناختم، پیامبر ﷺ فرمودند: «صبر، تنها در آغاز مصیبت است (زمانی که شخص از وقوع آن باخبر می‌شود)».

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: پیامبر ﷺ زنی را دید که بر کودک خود گریه می‌کرد.

۲۱- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: مَا لِعِبْدِي الْمُؤْمِنِ عِنْدِي جَزَاءٌ إِذَا قَبَضْتُ صَفِيَّهُ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا ثُمَّ احْتَسَبَهُ إِلَّا الْجَنَّةَ» رواه البخاري.

۲۱. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «خداوند متعال می‌فرماید: «من برای بنده‌ی مؤمن خود - وقتی که فرد دل‌بند و برگزیده‌اش از اهل دنیا را از او می‌گیرم و او برای رضا و به امید جزای من، صبر می‌کند - پاداشی جز بهشت در نزد من ندارم»^۱.

۲۲- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهَا سَأَلَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الطَّاعُونَ، فَأَخْبَرَهَا أَنَّهُ كَانَ عَذَابًا يَبْعَثُهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى مَنْ يَشَاءُ، فَجَعَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ، فَلَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يَقَعُ فِي الطَّاعُونَ فَيَمُوتُ فِي بَلَدِهِ صَابِرًا مُحْتَسِبًا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يُصِيبُهُ إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ إِلَّا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الشَّهِيدِ» رواه البخاري.

۲۲. و از ام‌المؤمنین حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و سلم در باره‌ی طاعون پرسیدم، فرمودند: «طاعون عذابی بوده که خداوند آنرا بر کسی که می‌خواست نازل می‌نمود؛ اما خداوند آن را برای مؤمنان (موجب) رحمت قرار داده، و هیچ بنده‌ای نیست که به طاعون مبتلا شود و با آن حال در شهر خود بماند و صبر کند و چنان معتقد باشد که جز آنچه پروردگار برایش تقدیر

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۴۲۴].

کرده است، چیزی بر سر او نمی‌آید، مگر آن که (پاداش) بیماری او، برایش مانند اجر و پاداش شهید است»^۱.

۲۳- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ: إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدِي بِحَبِيبَتِيهِ فَصَبَرَ عَوَّضْتُهُ مِنْهُمَا الْجَنَّةَ» يُرِيدُ عَيْنِيهِ، رواه البخاري.

۲۳. و از انس رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می‌فرمودند: «خداوند متعال می‌فرماید: «هر کس را به بلای کوری دو چشم دچار کنم و صبر کند، در عوض دو چشمش، بهشت را به او عطا می‌کنم»^۲.

۲۴- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَنِي أَنْظُرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَحْكِي نَبِيًّا مِّنَ الْأَنْبِيَاءِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ، صَرَبَهُ قَوْمُهُ فَأَذْمَوْهُ وَهُوَ يَمْسَحُ الدَّمَ عَن وَجْهِهِ، يَقُولُ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» متفقٌ عليه.

۲۴. و از عبدالله بن مسعود رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: (چنان خوب به یاد دارم که) گویی به پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نگاه می‌کنم که حکایت یکی از پیامبران صلی اللہ علیہ وسلم را بازگو می‌فرماید که: قومش او را زدند و خون‌آلودش کردند و او خون صورتش را پاک می‌کرد و می‌فرمود: پروردگارا! قوم مرا هدایت کن، چون که آنها نمی‌فهمند»^۳.

۲۵- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ وَأَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ وَلَا حَزَنٍ وَلَا أَذًى وَلَا غَمٍّ، حَتَّى الشَّوْكَةُ يُشَاكُهَا إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ» متفقٌ عليه.

۲۵. و از ابوسعید و ابوهریره رضی اللہ عنہما روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هیچ رنج و بیماری و غم و اندوه و آزار و اذیتی به شخص مسلمان نمی‌رسد و یا

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۵۷۳۴].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۶۵۳)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۲۴۷۷)، م (۱۷۹۲)].

حتی خاری در پای او فرو نمی‌رود، جز آن که خداوند آن را کفاره‌ی گناهانش قرار می‌دهد»^۱.

۲۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُصِبْ مِنْهُ»: رواه البخاري.

۲۶. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «کسی که خداوند، خیر و نیکی او را بخواهد، او را به بلایی دچار (و با سختی‌ها، امتحان) می‌کند»^۲.

۲۷- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا يَتَمَنَّيَنَّ أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ لِيَصْرُ أَصَابُهُ، فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَلْيُقِلْ: اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا كَانَتْ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِي وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي» متفق عليه.

۲۷. و از انس رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هیچ‌یک از شما هرگز به‌خاطر ضرر و مصیبتی که به او رسیده است، تمنای مرگ نکند و اگر ناچار شد چنین کند، (از روی ناچاری چیزی می‌گوید)، باید بگوید: خدایا! اگر زندگی برای من خوب است، مرا زنده نگه‌دار و اگر مرگ به خیر و صلاح من است، مرا بمیران»^۳.

۲۸- وعن خَبَابِ بْنِ الْأَرْتِ رضي الله عنه قال: شَكُونَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ مُتَوَسِّدٌ بُرْدَةً لَهُ فِي ظِلِّ الْكَعْبَةِ، فَقُلْنَا: أَلَا تَسْتَنْصِرُ لَنَا أَلَا تَدْعُو لَنَا؟ فَقَالَ: قَدْ كَانَ مِنْ قَبْلِكُمْ يُوْخَذُ الرَّجُلُ فَيُخْفَرُ لَهُ فِي الْأَرْضِ فَيُجْعَلُ فِيهَا، ثُمَّ يُؤْتَى بِالْمِنْشَارِ فَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ فَيُجْعَلُ نِصْفَيْنِ، وَيُمَشَّطُ بِأَمْشَاطِ الْحَدِيدِ مَا دُونَ لَحْمِهِ وَعَظْمِهِ، مَا يَصُدُّهُ ذَلِكَ عَنْ دِينِهِ، وَاللَّهِ لَيُتِمَّنَّ اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى يَسِيرَ الرَّكِيبُ مِنْ صَنْعَاءَ إِلَى حَضْرَمَوْتَ لَا يَخَافُ إِلَّا اللَّهَ وَالذُّنْبَ عَلَى غَنَمِهِ، وَلَكِنَّكُمْ تَسْتَعْجِلُونَ» رواه البخاري.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۶۴۱)، م (۲۵۷۳)].

۲- متفق روایت کرده است؛ [خ (۵۶۴۵)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۵۶۷۱)، م (۲۶۸۰)].

۲۸. و از خباب بن ارت رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: به پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که بُرده‌ی (لباس راه‌راه) خویش را بالش ساخته و در سایه‌ی کعبه تکیه کرده بود، شکایت بردیم و گفتیم: آیا برای ما طلب فتح و نصرت نمی‌کنی؟! آیا برای ما دعای خیر نمی‌فرمایی؟! فرمودند: «در زمان‌های گذشته، شخصی را می‌گرفتند و برای او گودالی در زمین می‌کنند و او را زنده در آن قرار داده، اره بر سرش نهاده، او را دو نیم می‌کردند و شانه‌ی آهنی را بر تمام گوشت و استخوان بدن او می‌کشیدند و این (شکنجه‌های طاقت‌فرسا)، او را از دینش باز نمی‌داشت؛ به خدا سوگند، خداوند، این امر (اسلام) را به اتمام و انجام می‌رساند تا جایی که مسافر از «صنعا» به «حضر موت» می‌رود و جز از خداوند، از هیچ چیز دیگری نمی‌ترسد (مگر آن که) از گرگی که به گوسفندانش زده است، بترسد! ولی شما عجله می‌کنید».

۲۹- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدِهِ خَيْرًا عَجَّلَ لَهُ الْعُقُوبَةَ فِي الدُّنْيَا، وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدِهِ الشَّرَّ أَمْسَكَ عَنْهُ بِذَنْبِهِ حَتَّى يُؤَافِيَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ عَظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ عَظَمِ الْبَلَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ، فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا، وَمَنْ سَخِطَ فَلَهُ السُّخْطُ» رواه الترمذي وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

۲۹. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر گاه خداوند، خیر و نیکی بنده‌ای را بخواهد، عقوبت او را به تعجیل می‌اندازد و در این جهان عقاب می‌بیند، و اگر نسبت به بنده‌ای اراده‌ی شر نماید، او را در گناهش به حال خود وا می‌گذارد تا در روز قیامت، به حساب او برسد».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بزرگی اجر، منوط به بزرگی مصیبت است و خداوند متعال هر گاه طایفه‌ای را دوست بدارد، آنها را به مصائب و سختی‌ها دچار می‌کند؛ آن‌گاه

۱- می‌فرمایند: شخص چون در «دارالسلام» و در تحت قدرت و گستره‌ی اسلام است، هیچ «انسانی» به او ودینش کاری نخواهد داشت - ویراستاران.

کسی که راضی و شاکر باشد، رضای خدا را به دست آورده است و کسی که ناراضی و ناسپاس باشد، غضب و نارضایتی خدا را برای خود خریده است.^۱

۳۰- وعن أنس رضي الله عنه قال: كَانَ ابْنُ أَبِي طَلْحَةَ رضي الله عنه يَشْتَكِي، فخرج أَبُو طَلْحَةَ، فَقُبِضَ الصَّبِيُّ، فَلَمَّا رَجَعَ أَبُو طَلْحَةَ قال: مَا فَعَلَ ابْنِي؟ قَالَتْ أُمُّ سُلَيْمٍ وَهِيَ أُمُّ الصَّبِيِّ: هُوَ أَسْكَنُ مَا كَانَ، فَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ الْعِشَاءَ فَتَعَشَّى، ثُمَّ أَصَابَ مِنْهَا، فَلَمَّا فَرَّغَ قَالَتْ: وَارْزُوا الصَّبِيَّ، فَلَمَّا أَصْبَحَ أَبُو طَلْحَةَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَخْبَرَهُ، فَقَالَ: «أَعْرَسْتُمُ اللَّيْلَةَ؟» قَالَ: نَعَمْ، قال: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُمَا» فَوَلَدَتْ غُلَامًا فَقَالَ لِي أَبُو طَلْحَةَ: اخْمِلْهُ حَتَّى تَأْتِيَ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَبَعَثَ مَعَهُ بِتَمَرَاتٍ، فَقَالَ: «أَمَعَهُ شَيْءٌ؟» قَالَ: نَعَمْ، تَمَرَاتٌ فَأَخَذَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَمَضَغَهَا، ثُمَّ أَخَذَهَا مِنْ فِيهِ فَجَعَلَهَا فِي فِي الصَّبِيِّ ثُمَّ حَنَّكَهُ وَسَمَّاهُ عَبْدَ اللَّهِ. متفقٌ عليه.

وفي روايةٍ للبخاري: قال ابنُ عُيَيْنَةَ: فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: فَرَأَيْتُ تِسْعَةَ أَوْلَادٍ كُلُّهُمْ قَدْ قَرَأُوا الْقُرْآنَ، يَعْنِي مِنْ أَوْلَادِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤَلَّودِ.

وفي روايةٍ لمسلم: ماتَ ابْنُ أَبِي طَلْحَةَ مِنْ أُمِّ سُلَيْمٍ، فَقَالَتْ لِأَهْلِهَا: لَا تُحَدِّثُوا أَبَا طَلْحَةَ بِابْنِهِ حَتَّى أَكُونَ أَنَا أَحَدُهُ، فَجَاءَ فَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ عِشَاءً فَأَكَلَ وَشَرِبَ، ثُمَّ تَصَنَّعَتْ لَهُ أَحْسَنَ مَا كَانَتْ تَصْنَعُ قَبْلَ ذَلِكَ، فَوَقَعَ بِهَا، فَلَمَّا أُنْ رَأَتْ أَنَّهُ قَدْ شَبِعَ وَأَصَابَ مِنْهَا قَالَتْ: يَا أَبَا طَلْحَةَ، أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ قَوْمًا أَعَارُوا عَارِيَتَهُمْ أَهْلَ بَيْتٍ فَطَلَبُوا عَارِيَتَهُمْ، أَلَهُمْ أَنْ يَمْنَعُوها؟ قَالَ: لَا، فَقَالَتْ: فَاحْتَسِبْ ابْنَكَ. قَالَ: فَغَضِبَ، ثُمَّ قَالَ: تَرَكْتَنِي حَتَّى إِذَا تَلَطَّخْتُ ثُمَّ أَخْبَرْتَنِي بِابْنِي، فَاَنْطَلَقَ حَتَّى أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَخْبَرَهُ بِمَا كَانَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بَارَكَ اللَّهُ لَكُمَا فِي لَيْلَتِكُمَا». قَالَ: فَحَمَلْتُ، قَالَ: وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ وَهِيَ مَعَهُ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَتَى الْمَدِينَةَ مِنْ سَفَرٍ لَا يَطْرُقُهَا طُرُقًا فَدَنُوا مِنَ الْمَدِينَةِ، فَضَرَبَهَا الْمَخَاضُ، فَاحْتَبَسَ عَلَيْهَا أَبُو طَلْحَةَ، وَانْطَلَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَ: يَقُولُ أَبُو طَلْحَةَ: إِنَّكَ لَتَعْلَمُ يَا رَبُّ أَنَّهُ يُعْجِبُنِي أَنْ أَخْرُجَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا خَرَجَ، وَأَدْخُلَ مَعَهُ إِذَا دَخَلَ، وَقَدْ احْتَبَسْتُ بِمَا تَرَى. تقولُ أُمُّ سُلَيْمٍ: يَا أَبَا طَلْحَةَ مَا أَجِدُ الَّذِي كُنْتُ أَجِدُ، انْطَلَقْتُ، فَانْطَلَقْنَا، وَضَرَبَهَا الْمَخَاضُ حِينَ قَدِمَا فَوَلَدْتُ غُلَامًا. فَقَالَتْ لِي أُمِّي: يَا أَنَسُ لَا يُرْضِعُهُ أَحَدٌ تَغْدُو بِهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ

۱- ترمذی روایت کرده [۲۳۹۸] و گفته است: حدیثی حسن است.

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَمَّا أَصْبَحَ احْتَمَلَتْهُ فَانْطَلَقَتْ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. وَذَكَرَ تَمَامَ الْحَدِيثِ.

۳۰. از انس رضی الله عنه روایت شده است که یک پسر ابوطلحه، بیمار شد و از درد می‌نالید؛ ابوطلحه از منزل خارج شد و کودک فوت کرد، وقتی بازگشت، حال فرزندش را جویا شد، ام‌سلیم مادر کودک گفت: او از هر وقت آرام‌تر است و غذای شام را حاضر کرد و ابوطلحه غذا را خورد و با او نزدیکی کرد؛ پس از فراغت ام‌سلیم به او گفت: کودک را دفن کردند؛ وقتی که صبح شد ابوطلحه به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و ایشان را از جریان باخبر ساخت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا شب با هم نزدیکی کردید؟» گفت: بله، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خدایا! بر هر دو مبارک گردان؛ (چندی بعد) ام‌سلیم پسری به دنیا آورد، ابوطلحه به من (انس) گفت: کودک را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ببر و همراه با او چند خرما فرستاد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا همراه او چیزی هست؟» گفتند: بله، چند خرما همراه اوست، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را گرفت و یک خرما را در دهان خود گذاشت و جوید، سپس از دهان مبارک خود بیرون آورد و در دهان کودک گذاشت و او را تحنک کرد (با انگشت، خرما را در داخل دهان و کام کودک مالید) و نام او را عبدالله نهاد^۱.

در روایتی دیگر از بخاری آمده است: ابن‌عینه می‌گوید: مردی از انصار گفت: از فرزندان همان عبدالله (بن ابوطلحه)، نه فرزند قرآن خوان را دیدم.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: یکی از پسران ابوطلحه که از زنش، ام‌سلیم بود، فوت کرد، ام‌سلیم به اهل خانه گفت: از این قضیه چیزی به او ابوطلحه نگویند تا خودم به او بگویم. ابوطلحه به خانه آمد، ام‌سلیم غذای شام را برای او حاضر کرد و بعد از خوردن غذا، بهتر از همیشه خود را برای او آماده و آراسته کرد و ابوطلحه با او نزدیکی کرد؛ وقتی ام‌سلیم دید که شوهرش از طعام سیر شده و نزدیکی کرده است، گفت: ای ابوطلحه! اگر گروهی چیزی را به امانت به خانواده‌ای بدهند و سپس آن را مطالبه کنند، آیا آن خانواده حق دارند آن چیز را به صاحبانش پس ندهند؟! ابوطلحه جواب داد: نه؛ زن گفت: پسرت را هم، چنین به

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۳۰۱)، م (۲۱۴۴)].

حساب آور (و در غم او صبر پیشه کن و از خدا پاداش بخواه!) ابوطلحه عصبانی شد و گفت: گذاشتی تا من (به جماع) آلوده شوم، آن گاه مرا از مرگ فرزندم مطلع می کنی؟! بیرون رفت تا به خدمت پیامبر ﷺ رسید و جریان را در خدمت ایشان، بازگو کرد، پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند، شب شما را با برکت کند». ابوطلحه می گوید: زخم حامله شد و من و او در سفری، در خدمت پیامبر ﷺ بودیم و پیامبر ﷺ وقتی که از سفری به مدینه بازمی گشتند هنگام شب وارد شهر نمی شد، چون به مدینه نزدیک شدیم درد زایمان به ام سلیم دست داد و ابوطلحه نزد او ماند و پیامبر ﷺ تشریف بردند؛ ابوطلحه فرمود: پروردگارا! تو می دانی که من دوست دارم در حین خروج و ورود پیامبر ﷺ از مدینه در خدمت ایشان باشم و اکنون به علت این وضع در اینجا گرفتار مانده ام، ام سلیم فرمود: ای ابوطلحه! دردی که داشتم نماند، برویم و رفتند و وقتی که به شهر رسیدند، باز درد زایمان به سراغ او آمد و پسری به دنیا آورد. مادرم به من (انس) گفت: ای انس! هیچ کس نباید او را شیر بدهد تا صبح او را پیش پیامبر ﷺ ببری، وقتی صبح شد، او را برداشتم و نزد پیامبر بردم؛... و باقی حدیث را همانند بالا ذکر کرد.

۳۱- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «ليس الشديدُ بالصُّرْعَةِ، إنما الشديدُ الذي يملك نفسه عند الغضب» متفق عليه.

۳۱. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: پر زور و پهلوان کسی نیست که شخصی را به زمین بزند، بلکه پر زور کسی است که هنگام خشم، بر خود مسلط و خوشتندار باشد^۱.

۳۲- وعن سليمان بن صرد رضي الله عنه قال: كنتُ جالساً مع النبي صلى الله عليه وسلم، ورجلان يستبان، وأحدهما قد أحمرَّ وجهه. وانتفخت أوداجه. فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إني لأعلم كلمة لو قالها لذهب عنه ما يجد، لو قال: أعوذ بالله من الشيطان الرجيم ذهب عنه ما يجد. فقالوا له: إن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «تعوذ بالله من الشيطان الرجيم». متفق عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۱۴)، م (۲۶۰۹)].

۳۲. و از سلیمان بن صرد رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودم، دو مرد همدیگر را دشنام می دادند و یکی از آنها چهره اش سرخ شده و رگ های گردنش باد کرده بود؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کلمه ای میدانم که اگر آن مرد آن را بگوید، آن حالت او از بین می رود، اگر بگوید: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم (پناه می برم به خدا از شر شیطان رانده شده) خشم او برطرف می شود» اصحاب رضی الله عنهم به او گفتند: پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «از شر شیطان رانده شده، به خدا پناه ببر!»^۱.

۳۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رجلاً قال للنبي صلى الله عليه وسلم: أوصني، قال: «لا تغضب» فردّد مراراً قال: «لا تغضب» رواه البخاري.

۳۳. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: مرا وصیتی بفرما! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خشمگین و عصبانی نشو»؛ مرد، چندین بار این سخن خود را تکرار کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله باز فرمودند: «عصبانی و خشمگین نشو»^۲.

۳۴- وعن ابن مسعود رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إنّها ستكُونُ بَعْدِي أثرة وأُمُورٌ تُنكَرونها، قالوا: يا رسول الله فما تأمرنا؟ قال: تُؤدُّونَ الْحَقَّ الَّذِي عَلَيكُمْ وَتَسْأَلُونَ اللَّهَ الَّذِي لَكُمْ» متفق عليه.

۳۴. و از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بعد از من، اثره (خودخواهی و تملک چیزی که دیگران هم در آن حقی دارند، تنها برای خود) و اموری که آنها را زشت می پندارید، واقع می شود»؛ اصحاب گفتند: ای رسول خدا! در این مورد، به ما چه دستوری می دهید؟ فرمودند: «حقی که بر شماست، ادا کنید و حق خود را از خداوند درخواست نمایید»^۳.

۳۵- وعن عبد الله بن أبي أوفى -رضي الله عنهما- أن رسول الله صلى الله عليه وسلم في بعض أيامه التي لقي فيها العدو، انتظر حتى إذا مالت الشمس قام فيهم فقال: «يا أيّها

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۸۸۲)، م (۲۶۱۰)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۱۱۶)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۷۰۵۲)، م (۱۸۴۳)].

النَّاسُ! لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ الْعَدُوِّ، وَاسْأَلُوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ، فَإِذَا لَقِيتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا، وَاعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ» ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اللَّهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ وَمُجْرِي السَّحَابِ، وَهَازِمَ الْأَحْزَابِ، اهْزِمْهُمْ وَأَنْصُرْنَا عَلَيْهِمْ». متفقٌ عليه وبالله التوفيق.

۳۵. و از عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در یکی از روزهایی که با دشمن رو به رو شدند، منتظر ماندند تا خورشید از وسط آسمان گذشت، آن گاه در میان اصحاب بلند شدند و فرمودند: «ای مردم! رو به رو شدن با دشمن را آرزو نکنید و در پناه بودن و نجات از دشمن و سلامتی را از خدا بخواهید و چون با دشمن رو به رو شدید، صبور و بردبار باشید و بدانید که بهشت، زیر سایه‌ی شمشیرها می‌باشد؛ سپس فرمودند: «بار خدایا! ای نازل کننده‌ی کتاب! ای گرداننده‌ی ابرها! ای شکست دهنده‌ی گروه‌های دشمن! آنها را شکست ده و ما را بر آنان پیروز فرما!»^۱.
موفقیت از (جانب) خداست.

۱- متفق علیه است؛ [خ(۲۸۱۸)، م (۱۷۴۲)].

۴- باب الصدق
باب راستی و راستگویی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾

(التوبه / ۱۱۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خداوند بترسید و با راستان و راستگویان باشید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ...﴾

(الأحزاب / ۳۵)

«... و مردان راستگو و زنان راستگو... [خداوند، مغفرت و اجر بزرگی برایشان آماده کرده است]».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ﴾

(محمد / ۲۱)

«اگر با خدا راست بگویند، برای آنان بهتر است».

۳۶- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ الصَّادِقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لِيَصْدُقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صَدِيقًا، وَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لِيَكْذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَّابًا» متفق عليه.

۳۶. از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: راستی، به‌سوی نیکی و نیکی، به‌سوی بهشت هدایت می‌کند و شخص همچنان راستی می‌گزیند و راست می‌گوید تا این که نزد خداوند به‌عنوان شخص بسیار راستگو، نوشته می‌شود و دروغ انسان را به‌کار بد می‌کشاند و کار بد، او را به آتش سوق می‌دهد و شخص

همچنان دروغ می‌گوید تا این که نزد خداوند به عنوان شخص بسیار دروغگو نوشته می‌شود»^۱.

۳۷- عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: حَفِظْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «دَعْ مَا يَرِيكَ إِلَى مَا لَا يَرِيكَ، فَإِنَّ الصَّدَقَ طُمَأْنِينَةٌ، وَالْكَذِبَ رِيبةٌ» رواه الترمذي وقال: حديثٌ صحيحٌ.

۳۷. از حسن بن علی بن ابی‌طالب رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به یاد دارم که فرمودند: «آنچه را که تو را به شک می‌اندازد، برای کاری که تو را به شک نمی‌اندازد ترک کن؛ زیرا راستی (موجب) اطمینان و آرامش، و دروغ (موجب) تزلزل و شک است»^۲.

۳۸- عَنْ سَهْلِ بْنِ حُنَيْفٍ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ سَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ، وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ» رواه مسلم.

۳۸. از سهل بن حنیف رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «کسی که صادقانه شهادت را از خدا بخواهد، خداوند او را به درجه‌ی شهدا می‌رساند؛ اگرچه در رختخواب خود بمیرد»^۳.

۳۹- عَنْ حَكِيمِ بْنِ حَزَامٍ. رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْبَيْعَانِ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَتَفَرَّقَا، فَإِنْ صَدَقَا وَبَيَّنَّا بُرُوكَ لَهُمَا فِي بَيْعِهِمَا، وَإِنْ كَتَمَا وَكَذَبَا مُحِقَتْ بَرَكَةُ بَيْعِهِمَا» متفقٌ عليه.

۱- متفق علیه است؛ [خ(۷)، م (۱۷۷۳)].

۲- ترمذی روایت کرده [(۲۵۲۰)] و گفته است: حدیثی صحیح است.

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۹۰۹)].

۳۹. از حکیم بن حزام^۱ روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «دو طرف معامله (خریدار و فروشنده)، تا قبل از جدا شدن از هم؛ در مجلس بیع، حق خیار (به هم زدن و فسخ معامله) را دارند، اگر راست گفتند و معامله‌ی ایشان برای همدیگر روشن و آشکار بود، معامله‌ی آنها مبارک (و پر منفعت است) و اگر پنهان‌کاری و کتمان کردند و به هم دروغ گفتند، برکت (و منفعت) آن از بین می‌رود».

۱- حکیم و پدرش در سال فتح مکه ایمان آوردند و هر دو، در زمان جاهلیت و اسلام، از بزرگان قریش بودند. مترجم.

۵- باب المراقبة

باب توجه به خدا و تفکر در قدرت او

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿الَّذِي يَرْنٰكَ حِيْنَ تَقُوْمُ ۖ وَتَقْلُبُكَ فِى السَّجْدِيْنَ﴾

(الشعراء / ۲۱۸-۲۱۹)

«خداوند، تو را در هنگام قیام برای عبادت می‌بیند و حرکت تو را در میان سجده‌کنندگان مشاهده می‌نماید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَهُوَ مَعَكُمْ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾

(الحديد / ۴)

«هرجا باشید، خدا با شماست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿اِنَّ اللّٰهَ لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِى الْاَرْضِ وَلَا فِى السَّمَآءِ﴾ (آل عمران / ۶)

«به راستی هیچ چیز در زمین و آسمان از خدا پنهان نیست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿اِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾

(الفجر / ۱۴)

«همانا خدای تو در کمین (و مراقب اعمال) شماست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَعْلَمُ خَآيَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِى الصُّدُوْرُ﴾

(غافر / ۱۹)

«نگاه‌های خائنانه (و حرام) و هرچه را که در دل‌های خود پنهان می‌کنید، بر خدا پوشیده نیست و خداوند بر همه‌ی آنها آگاه است».

آیات در این مورد، فراوان و معلوم هستند.

۴۰ - عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: «بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ رَمَضَانَ، وَتُحِجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا.

قال: صدقت. فعجبنا له يسأله ويصدق، قال: فأخبرني عن الإيمان. قال: أن تؤمن بالله وملائكته، وكتبه ورسله، واليوم الآخر، وتؤمن بالقدر خيره وشره. قال: صدقت قال: فأخبرني عن الإحسان. قال: أن تعبد الله كأنك تراه. فإن لم تكن تراه فإنه يراك قال: فأخبرني عن الساعة. قال: ما المسؤول عنها بأعلم من السائل. قال: فأخبرني عن أماراتها. قال أن تلد الأمة رببتها، وأن ترى الحفاة العراة العالة رعاء الشاء يتطاولون في البنيان، ثم انطلق، فلبثت ملياً، ثم قال: يا عمر، أتدري من السائل؟ قلت: الله ورسوله أعلم قال: فإنه جبريل أتاكم يعلمكم دينكم» رواه مسلم.

۴۰. از عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: روزی، نزد پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نشسته بودیم، ناگهان مردی با لباس سفید شفاف و موی سیاه و براق، بدون این که اثر خستگی یا گرد و غبار سفر بر او دیده شود در مجلس ما پیدا شد؛ هیچ یک از ما او را نمی شناختیم، جلو رفت و چنان نزدیک پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نشست که زانوهایش را بر دو زانوی پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم تکیه داد و هر دو دست را بر دو ران پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نهاده و گفت: ای محمد! مرا از اسلام آگاه کن؛ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «اسلام، آن است که شهادت دهی معبودی جز الله نیست و محمد فرستاده‌ی او است و نماز را به پای داری و زکات مال را بدهی و روزه‌ی ماه رمضان را بگیری و اگر توانستی حج کعبه را انجام دهی»؛ گفت: راست گفتی! (درست است) ما از او تعجب کردیم که سؤال می کند و خود تصدیق می نماید. دوباره پرسید: مرا از ایمان مطلع نما؛ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «ایمان آن است که به خداوند، ملائکه، کتاب‌های آسمانی، پیامبران، روز آخرت و قضا و قدر - خیر و شرش - ایمان داشته باشی»؛ دوباره گفت: راست گفتی! بعد پرسید: احسان چیست؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «احسان آن است که به گونه‌ای خدا را بپرستی، مثل آن که او را عیناً می بینی و اگر دیدن او برای تو ممکن

نیست، بدانی که او حتماً تو را می‌بیند؛ باز تصدیق کرد و پرسید: قیامت، کی خواهد بود؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «در این مورد، من از تو عالم‌تر نیستم»؛ پس گفت: نشانه‌های آن چیست؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «نشانه‌های قیامت، آن است که زن، رئیس و فرمانروای خود را بزاید (فرزند، بر مادرانشان فرمانروایی کنند)، دیگر این که برهنگان، پابرنه‌ها، گمنام‌ها و چوپان‌ها را می‌بینی که دارای ثروت، و مال فراوان می‌شوند و در ساختمان‌های بزرگ و در تجملات دنیوی افراط می‌کنند؛ سپس برخاست و رفت و من پس از او، زمان زیادی در مجلس پیامبر ﷺ ماندم، پیامبر ﷺ فرمودند: «ای عمر! آیا می‌دانی او، چه کسی بود؟» گفتم: خدا و رسول او آگاه‌ترند، فرمودند: «او، جبرئیل بود، نزد شما آمد که دیتان را به شما بیاموزد»^۱.

۴۱- عن أبي ذرٍّ ومُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ وَأَتِّعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمْحُهَا، وَخَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ» رواه التِّرْمِذِيُّ وقال: حديثٌ حسنٌ.

۴۱. از ابوذر و معاذ بن جبل رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هر کجا که بودی، از خدا بترس و بعد از هر بدی، نیکی کن تا آن را محو کند و با مردم، با اخلاق نیکو معاشرت و برخورد کن»^۲.

۴۲- عن ابن عباسٍ -رضي الله عنهما- قال: «كُنْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا فَقَالَ: «يَا غُلَامُ إِنِّي أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ: «أَحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظَكَ، أَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعْنَيْ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ، وَاعْلَمْ: أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ، وَجَفَّتِ الصُّحُفُ». رواه التِّرْمِذِيُّ وقال: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸)].

۲- ترمذی روایت کرده؛ [(۱۹۸۸)] و گفته است: حدیثی حسن است.

وفي رواية غير الترمذي: «أَحْفَظُ اللَّهَ تَجِدُهُ أَمَامَكَ، تَعْرِفُ إِلَى اللَّهِ فِي الرَّحَاءِ يَعْرِفُكَ فِي الشَّدَةِ، وَاعْلَمْ أَنَّ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبِكَ، وَمَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ، وَأَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكَرْبِ، وَأَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا».

۴۲. از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: من روزی در پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر مرکب شان سوار بودم، فرمودند: «ای پسر! چند کلمه را به تو می آموزم: خدا را به یاد داشته باش تا او نیز حافظ و نگهدار تو باشد؛ مراقب اوامر خداوند باش تا در مقابل خود او را بیابی. هر گاه چیزی می خواهی، از خدا بخواه و هر گاه یاری می جویی، از خدا بجوی و بدان که اگر همه ی مردم جمع شوند که نفعی به تو برسانند نمی توانند، مگر آنچه که خدا برای تو مقدر کرده است و اگر همه ی مردم جمع شوند که ضرری به تو برسانند نمی توانند، مگر آنچه که خدا برای تو مقدر کرده است؛ (زیرا که) قلم ها از نوشتن باز ایستاده اند و نامه ها خشک شده اند. (همه چیز و هر سرنوشت و حالی، به تقدیر خدا و به قلم ملائکه در کتاب های سرنوشت آدمیان نوشته و معلوم شده است و کسی توان تغییر آن را ندارد)»^۱.

در روایت غیر ترمذی آمده است: «خداوند را به یاد داشته باش تا در برابر خود، او را بیابی، در هنگام آسایش و آسودگی، خدا را به یاد داشته باش تا در موقع سختی و دشواری، حافظ و نگهدار تو باشد و بدان که آنچه که برای تو مقدر نشده است، مطمئناً به تو نمی رسد و آنچه که برای تو مقدر شده است، ممکن نیست که از تو بگذرد و حتماً به تو می رسد. همانا فتح و پیروزی با صبر، و موفقیت با زحمت و مشقت همراه است و با هر سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است».

۴۳- عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، وَالْعَاجِزُ مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا، وَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ الْأَمَانِيَّ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۱- ترمذی روایت کرده [۲۵۱۸] و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۴۳. از شداد بن اوس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «عاقل و زیرک (واقعی)، کسی است که حساب اعمال خود را همیشه نگه دارد و برای بعد از مرگ، کار کند. و ناتوان و نادان، کسی است که از آرزوهای نفس پیروی و از خداوند عفو و رحمت را آرزو نماید»^۱.

۴۴- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَغْنِيهِ» حَدِيثٌ حَسَنٌ، رواه التِّرْمِذِيُّ وَغَيْرُهُ.

۴۴. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از علایم خوبی اسلام شخص آن است که آنچه را که مربوط به او نیست ترک نماید».

۱- ترمذی روایت کرده [۲۴۶۱] و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- یعنی: کسی که هیچ کار خیری نداشته و انتظار داشته باشد که به نعمت‌های آخرت هم برسد، ناتوان و نادان است - ویراستاران.

۶- باب فی التقوی

باب در تقوا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ﴾ (آل عمران / ۱۰۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای خدا را پیشه کنید، آن‌گونه که سزاوار تقوی اوست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾ (التغابن / ۱۶)

«به اندازه‌ای که می‌توانید از خدا بترسید».

و هذه الآية مبنية للمراد من الأولى.

و این آیه تعیین کننده‌ی مقصود آیه‌ی اولی است.

قَالَ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (الأحزاب / ۷۰)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای خدا را پیشه کنید و سخن حق و درست بگویید».

قَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۖ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾

(الطلاق / ۲-۳)

«کسی که تقوای الهی را پیشه کرد، همواره خداوند راه نجات را برای او فراهم می‌سازد، و از محلی که خود نمی‌داند و تصورش را نمی‌کند، روزی او را می‌رساند».

قَالَ تَعَالَى:

﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ تَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (الأنفال / ۲۹)

«اگر از خدا بترسید، او برای شما حق و باطل را جدا می‌کند و بدی‌های شما را پاک می‌گرداند و گناهان شما را می‌آمرزد و خداوند دارای فضل و بخشش فراوان است».

۴۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ أَكْرَمُ النَّاسِ؟ قَالَ: «أَتْقَاهُمْ» فَقَالُوا: لَيْسَ عَنْ هَذَا نَسْأَلُكَ، قَالَ: «فَيُؤَسِّفُ نَبِيُّ اللَّهِ ابْنَ نَبِيِّ اللَّهِ ابْنَ خَلِيلِ اللَّهِ». قَالُوا: لَيْسَ عَنْ هَذَا نَسْأَلُكَ، قَالَ: فَعَنْ مَعَادِنِ الْعَرَبِ تَسْأَلُونِي؟ خِيَارُهُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خِيَارُهُمْ فِي الْإِسْلَامِ إِذَا فَقَّهُوا». متفق عليه..

۴۵. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد که بزرگ‌ترین و گرامی‌ترین مردم کیست؟ فرمودند: «پرهیزگارترین آنان»، گفتند: در این باره سؤال نکردیم، فرمودند: «پس یوسف؛ پیامبر خدا، فرزند پیامبر خدا، فرزند پیامبر خدا، فرزند دوست خدا (ابراهیم) است»، گفتند: ما از این هم نپرسیدیم، فرمودند: «پس آیا از گرامی‌ترین طوایف و بزرگان عرب از من می‌پرسید؟ بهترین آنان در جاهلیت، بهترین آنان در اسلام هم هست، به شرطی که به احکام شریعت آشنا و دارای علم و فهم دینی باشند»^۱.

۴۶- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتَّقَى وَالْعِفَافَ وَالْغِنَى» رواه مسلم.

۴۶. از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: «خدایا! من هدایت و پرهیزگاری و پاکدامنی و بی‌نیازی را از تو مسألت می‌نمایم»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۳۵۳)، م (۲۵۲۶)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۲۱)].

۴۷- عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ الطَّائِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ ثُمَّ رَأَى أَتَقَى لِلَّهِ مِنْهَا فَلْيَأْتِ التَّقْوَى» رواه مسلم.

۴۷. از عدی بن حاتم طایی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هر کس سوگندی یاد کرد و کاری نزدیکتر به تقوا و بهتر از آن را دید، پس (کفاره‌ی سوگند را بپردازد و) کار بهتر را انجام دهد»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۶۵۱)].

۷- باب الیقین
باب یقین و توکل

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾ (الأحزاب / ۲۲)
«وقتی که مؤمنان گروه‌های کافران را دیدند، گفتند: این همان چیزی است که خدا و رسولش به ما وعده دادند و خدا و رسولش راست گفتند، و این چیز بر ایمان و تسلیم آنان افزود».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (١٧٣-١٧٤)
﴿فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ (آل عمران / ۱۷۳-۱۷۴)

«آنان که مردم به ایشان گفتند: مردم همه بر ضد شما جمع شده‌اند، پس از آنان بترسید، (به‌جای ترس) ایمانشان بیشتر گردید و گفتند: خداوند یکتا برای ما بس است و او بهترین حامی و سرپرست است. پس همراه نعمت و فضل خدا و در حالی که هیچ‌گونه ضرر و آسیبی به آنها نرسیده بود، (از جنگ بدر) برگشتند و به دنبال رضایت خدا رفتند و خداوند دارای بخشش بزرگ و فراوانی است».

قَالَ تَعَالَى:

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ﴾ (الفرقان / ۵۸)

«بر خدای زنده و یکتا و جاوید، تکیه و توکل کن که همیشه زنده است و نمی میرد».

قَالَ تَعَالَى:

﴿وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (آل عمران / ۱۲۲)

«مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند».

قَالَ تَعَالَى:

﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ (آل عمران / ۱۵۹)

«هرگاه برای انجام دادن کاری تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن».

والآیات فی الأمر بالتوکل كثيرة معلومة.

آیات در امر به توکل فراوان و معلوم هستند.

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (الطلاق / ۳)

«و هرکس بر الله توکل کند پس او برایش کافی است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ

ءَايَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (الانفال / ۲)

«مؤمنان واقعی کسانی هستند که چون نام خدا را بشنوند، دل‌هایشان

می‌ترسد و هر گاه آیات خدا بر آنها قرائت گردد، بر ایمان آنها بیفزاید

و همواره، بر خدا توکل می‌کنند».

والآیات فی فضل التوکل كثيرة معروفة.

آیات در فضیلت توکل فراوان و مشهور هستند.

۴۸- عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

«عُرِضَتْ عَلَيَّ الْأُمَمُ، فَرَأَيْتُ النَّبِيَّ وَمَعَهُ الرُّهَيْطُ وَالنَّبِيُّ وَمَعَهُ الرَّجُلُ وَالرَّجُلَانِ، وَالنَّبِيُّ وَلَيْسَ

مَعَهُ أَحَدٌ إِذْ رُفِعَ لِي سَوَادٌ عَظِيمٌ فَظَنَنْتُ أَنَّهُمْ أُمَّتِي، فَقِيلَ لِي: هَذَا مُوسَى وَقَوْمُهُ وَلَكِنْ انْظُرْ

إِلَى الْأَفْقِ فَإِذَا سَوَادٌ عَظِيمٌ، فَقِيلَ لِي: انْظُرْ إِلَى الْأَفْقِ الْآخَرِ فَإِذَا سَوَادٌ عَظِيمٌ فَقِيلَ لِي: هَذِهِ

أَمَّتْكَ، وَمَعَهُمْ سَبْعُونَ أَلْفًا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ» ثُمَّ نَهَضَ فَدَخَلَ مَنْزِلَهُ، فَخَاضَ النَّاسُ فِي أَوْلِيكَ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: فَلَعَلَّهُمْ الَّذِينَ صَحِبُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَقَالَ بَعْضُهُمْ: فَلَعَلَّهُمُ الَّذِينَ وُلِدُوا فِي الْإِسْلَامِ، فَلَمْ يُشْرِكُوا بِاللَّهِ شَيْئًا -وَذَكَرُوا أَشْيَاءَ- فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «مَا الَّذِي تَخُوضُونَ فِيهِ؟» فَأَخْبَرُوهُ فَقَالَ: «هُمْ الَّذِينَ لَا يَرْقُونَ، وَلَا يَسْتَرْقُونَ، وَلَا يَتَطَيَّرُونَ، وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» فَقَامَ عُكَاشَةُ بْنُ مُحْصِنٍ فَقَالَ: ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَني مِنْهُمْ، فَقَالَ: «أَنْتَ مِنْهُمْ» ثُمَّ قَامَ رَجُلٌ آخَرٌ فَقَالَ: ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَني مِنْهُمْ فَقَالَ: «سَبَقَكَ بِهَا عُكَاشَةُ» متفقٌ عليه^۱.

«الرُّهَيْطُ بِضَمِّ الرَّاءِ: تَصْغِيرُ رَهْطٍ، وَهُمْ دُونَ عَشْرَةِ أَنْفُسٍ. «وَالْأَفُقُّ»: النَّاحِيَةُ وَالْجَانِبُ. «وَعُكَاشَةُ» بِضَمِّ الْعَيْنِ وَتَشْدِيدِ الْكَافِ وَتَخْفِيفِهَا، وَالتَّشْدِيدُ أَفْصَحُ.

۴۸. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «امت های گذشته به من نشان داده شدند؛ در میان آنها پیامبری را دیدم که با او عده ای کمتر از ده نفر بود و پیامبری را دیدم که با او مردی یا دو مرد بودند و پیامبری را مشاهده کردم که حتی یک نفر امت نداشت؛ عده ای انبوهی را دیدم، گمان کردم که امت من هستند، اما به من گفتند: این موسی و قوم اوست؛ و لکن به افق نگاه کن، ناگهان جمعیتی عظیم ظاهر شد و باز گفتند: افق دیگر را بنگر، جمعیت انبوه دیگری را دیدم، به من گفته شد: این ها امت تو هستند و همراه با آنها هفتاد هزار نفرند که بدون حساب و عذاب داخل بهشت می شوند؛ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله بلند شدند و به منزل خود تشریف بردند و اصحاب رضی الله عنهم در باره ی آن جماعت که بدون حساب داخل بهشت می شوند، به بحث پرداختند. بعضی از آنها گفتند: شاید آنها صحابه ی پیامبر صلی الله علیه و آله باشند، بعضی دیگر گفتند: ممکن است آنان کسانی باشند که در زمان اسلام مسلمان متولد شده و شریکی برای خدا قایل نشده اند. و چیزهای دیگری نیز

۱- آلبانی رحمه الله گفته است: شایسته بود که می گفت که لفظ حدیث از مسلم روایت شده زیرا در روایت بخاری کلمه (لایرقون) وجود ندارد و به جای آن کلمه (لایکتونون) ذکر شده است و از لحاظ سندی حدیث روایت بخاری «محفوظ» است، و لفظ روایت شده از مسلم از لحاظ متن و سند شاذ است.

گفتند؛ سپس پیامبر ﷺ تشریف آوردند و فرمودند: «در باره‌ی چه موضوعی بحث می‌کنید؟» مسأله را عرض کردند، فرمودند: «آنان کسانی هستند که افسون نمی‌کنند و افسون نمی‌خواهند و با پرندگان فال نمی‌گیرند و همیشه بر پروردگار خود توکل می‌کنند». عکاشه بن محصن رضی الله عنه بلند شد و فرمود: از خدا بخواه که مرا جزو آنان قرار دهد! پیامبر ﷺ فرمودند: «تو جزو آنان هستی»؛ مردی دیگر بلند شد و گفت: از خدا بخواه که مرا نیز جزو آنان محسوب دارد، پیامبر ﷺ فرمودند: «عکاشه بر تو پیشی گرفت»^۱.

۴۹- عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَيْضاً أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أُنَبِّتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ. اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُضِلَّنِي أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا تَمُوتُ، وَالْجِنُّ وَالْإِنْسُ يَمُوتُونَ» متفق عليه.

۴۹. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر ﷺ می‌فرمودند: «خداوندا! برای تو اسلام آوردم و تسلیم امر تو هستم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل نمودم و به درگاه تو توبه کردم و به سوی تو برگشتم و برای تو (با دشمنان دین) دشمنی ورزیدم. پروردگارا! پناه می‌برم به عزت تو - که هیچ خدایی جز تو نیست - که مرا گمراه نگردانی، تو زنده و پایدار هستی و نمی‌میری، در حالی که جن و انس، می‌میرند»^۲.

۵۰- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَقْوَامٌ أَفْنَدْتُهُمْ مِثْلُ أَفْنَدَةِ الطَّيْرِ» رواه مسلم.

۵۰. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «اقوامی داخل بهشت می‌شوند که دل‌های آنان مانند دل‌های پرندگان باشد».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۷۰۵)، م (۲۲۰)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۷۰۵)، م (۲۲۰)].

در معنی آن گفته شده است: یعنی متوکل هستند یا دل‌هایشان نازک و اثرپذیر است، (مهربان هستند).^۱

۵۱- عَنْ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَوْ أَنَّكُمْ تَتَوَكَّلُونَ عَلَى اللَّهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ لَرَزَقَكُمْ كَمَا يَرْزُقُ الطَّيْرَ، تَغْدُو خِمَاصًا وَتَرُوحُ بِطَانًا» رواه الترمذي، وقال: حديثٌ حسنٌ.

۵۱. از عمر فاروق رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «اگر شما آن‌گونه که سزاوار توکل بر خداست بر خدا توکل کنید، حتماً روزی شما را مانند پرندگان می‌دهد، آنها صبح گرسنه از لانه بیرون می‌آیند و شب، سیر برمی‌گردند».^۲

۵۲- عَنْ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا فُلَانُ، إِذَا أُوْتِيتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ. رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ، فَإِنَّكَ إِنْ مِتَّ مِنْ لَيْلِكَ مِتَّ عَلَى الْفِطْرَةِ، وَإِنْ أَصْبَحْتَ أَصْبَحْتَ خَيْرًا» متفقٌ عليه.

وفي رواية في الصحيحين عَنِ الْبَرَاءِ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا أَتَيْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وُضُوءَكَ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ وَقُلْ... وَذَكَرَ نَحْوَهُ ثُمَّ قَالَ: وَاجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا تَقُولُ».

۵۲. از براء بن عازب رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای فلانی (براء) چون به رختخواب خود رفتی و در آن قرار گرفتی، بگو: خداوند! خود را تسلیم تو نمودم و روی خود را به تو کردم و کار خود را به تو واگذاشتم و پشت خود را به تو تکیه زدم و این کار من به خاطر بیم و رجا از توست. درگاه رحمت تو، تنها وسیله‌ی نجات از غضبت می‌باشد، ایمان دارم به کتابی که نازل کردی و به

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۴۰)].

۲- ترمذی روایت کرده [(۲۳۴۵)] و گفته است: حدیثی حسن است.

پیامبری که فرستادی»، پس اگر تو آن شب مُردی، بر فطرت دین اسلام مرده‌ای و اگر صبح کردی (تا صبح زنده ماندی) به نیکی و منفعت زیادی رسیده‌ای».

در روایتی دیگر در صحیحین از براء بن عازب رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرودند: «وقتی به رختخواب خود رفتی، چنان که برای نماز وضو می‌گیری وضو بگیر، سپس بر پهلوی راست بخواب و این دعا را بخوان - همان که در روایت قبلی ذکر شد - و بعد از آن فرمودند: آن را آخرین حرف خودت بگردان». (یعنی بعد از خواندن دعا، بخواب و دیگر حرف نزن).^۱

۵۳- عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصَّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: نَظَرْتُ إِلَى أَقْدَامِ الْمُشْرِكِينَ وَنَحْنُ فِي الْغَارِ وَهُمْ عَلَى رُؤُوسِنَا فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ نَظَرَ تَحْتَ قَدَمَيْهِ لَأَبْصَرَنَا فَقَالَ: «مَا ظَنُّكَ يَا أبا بَكْرٍ بَاتْنِيْنِ اللَّهُ تَالِ ثُهُمَا» متفقٌ عليه.

۵۳. از ابوبکر صدیق رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: هنگامی که با پیامبر صلی الله علیه و آله در غار بودیم، به پاهای مشرکان که بالای سر ما ایستاده بودند، نگاه کرده، گفتم: ای رسول خدا! اگر یکی از مشرکان زیر پای خود را بنگرد ما را می‌بیند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای ابوبکر! نسبت به دو نفر که خداوند سومین آنهاست، چه گمانی داری؟»^۲.

۵۴- عَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ أُمِّ سَلَمَةَ-رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا- أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ، أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَ، أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلِمَ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ» حَدِيثٌ صَحِيحٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَغَيْرُهُمَا بِأَسَانِيدٍ صَحِيحَةٍ. قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ، وَهَذَا لَفْظُ أَبِي دَاوُدَ.

۵۴. از ام‌المؤمنین ام‌سلمه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در حین بیرون رفتن از خانه می‌فرمودند: به نام خداوند یکتا، بر خدا توکل می‌کنم؛ خدایا!

۱- این روایت، از بخاری است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۴۶۶۳)، م (۲۳۸۱)].

به تو پناه می‌برم از این که گمراه شوم یا مرا گمراه کنند و از این که به خطا دچار شوم یا مرا به خطا دچار کنند و از این که ظلم کنم یا بر من ظلم شود و از این که کار جاهلانه‌ای انجام بدهم یا در حقم انجام شود»^۱.

۵۵ - وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ أَخَوَانِ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَانَ أَحَدُهُمَا يَأْتِي النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَالْآخَرُ يَحْتَرِفُ، فَشَكَا الْمُحْتَرِفُ أَخَاهُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «لَعَلَّكَ تُرْزَقُ بِهِ». رواه الترمذی بإسناد صحيح على شرط مسلم.

۵۵. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله دو برادر بودند که یکی از آنها نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمد و دیگری کار می‌کرد و صنعتگر بود، صنعتگر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله از برادرش شکایت کرد (که کار نمی‌کند)، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شاید تو هم به واسطه‌ی او روزی داده میشوی»^۲.

۱- حدیث صحیحی است که ترمذی [۳۴۲۳] و ابوداود و غیر ایشان، با سندهای صحیح، روایت کرده‌اند و ترمذی می‌گوید: حدیث حسن صحیح است؛ آنچه در متن آمده، لفظ روایت ابوداود است.

۲- ترمذی [۲۳۴۶] با اسناد صحیح بنا بر شرط مسلم، روایت کرده است.

۸- باب الاستقامة
باب استقامت و پایداری

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ ﴾ (هود / ۱۱۲)

«استقامت کن همچنان که به تو فرمان داده شده است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ ﴿٣١﴾ تَزْلَا مِنْ غُفُورٍ رَحِيمٍ ﴾ (فصلت / ۳۰-۳۲)

« هر آینه کسانی که گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست و سپس بر این سخن خود پایدار ماندند، فرشتگان پیش آنها می‌آیند و به آنان می‌گویند: نترسید و غمگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده داده شده بودید بشارت باد! ما در دنیا و آخرت، دوستان و همراهان شما هستیم و هرچه را که دلتان بخواهد، برایتان در بهشت فراهم است و این مهمانی از جانب خداوند آمرزنده و بخشاینده است».

﴿ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٣﴾ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴾ (الأحقاف / ۱۳-۱۴)

«کسانی که می‌گویند: پروردگار ما الله است و سپس بر این سخن خویش پایدار بمانند، ترسی برایشان نیست و غمگین نخواهند شد».

آنان ساکنان بهشت هستند و برای همیشه در آنجا می‌مانند، به پاداش کارهای شایسته‌ای که (در دنیا) انجام می‌دادند.

۵۶- وَعَنْ سُفْيَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قُلْ لِي فِي الْإِسْلَامِ قَوْلًا لَا أَسْأَلُ عَنْهُ أَحَدًا غَيْرَكَ. قَالَ: «قُلْ: آمَنْتُ بِاللَّهِ: ثُمَّ اسْتَقِمَّ» رواه مسلم.

۵۶. و از سفیان بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: (به پیامبر صلی الله علیه و آله) گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! در مورد اسلام چیزی به من بگو که در آن مورد غیر از تو، از کسی دیگر سؤال نکنم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بگو: به خداوند ایمان دارم و بر این سخن پایدار باش و استقامت کن»^۱.

۵۷- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَارِبُوا وَسَدُّوا، وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَنْ يَنْجُوَ أَحَدٌ مِنْكُمْ بِعَمَلِهِ» قَالُوا: وَلَا أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «وَلَا أَنَا إِلَّا أَنْ يَتَغَمَّدَنِي اللَّهُ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ» رواه مسلم.

قَالَ الْعُلَمَاءُ: مَعْنَى الْإِسْتِقَامَةِ: لُزُومُ طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى..

۵۷. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در کارهای دین و دنیای خود) میانه‌رو و درستکار باشید و بدانید که هیچ‌کدام از شما با عمل خود نجات نمی‌یابد». حاضرین گفتند: ای رسول خدا! شما نیز نجات نمی‌یابید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «و من هم نه، مگر این که فضل و رحمت خداوند شامل حالم شود». علمای اسلامی گفته‌اند: استقامت، ملازمت و پیوستگی در عبادت خداوند متعال است^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۳۸)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۱۶)].

۹- باب فی التفکر فی عظیم مخلوقات الله تعالى وفناء الدنيا وأحوال الآخرة
وسائر أمورهما وتقصير النفس وتهذيبها وحملها على الاستقامة
باب تفکر در عظمت آفریده‌های خدا و فناء دنیا و ترس‌های
آخرت و سایر امور دنیا و قیامت و تقصیر نفس و تهذیب آن و
وادار کردنش به استقامت

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا أُعْطِكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ ثَمَرٍ مُطَهَّرٍ وَتَتَفَكَّرُوا ﴾

(سبا / ۴۶)

«بگو: من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که دو دو و به تنهایی برای
خدا به پا خیزید سپس بیندیشید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّا فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي
الْأَلْبَابِ ۚ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ
فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَنَكَ فَقِنَا
عَذَابَ النَّارِ ﴾

(آل عمران / ۱۹۰-۱۹۱)

«قطعاً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز،
نشانه‌هایی (بر وجود و قدرت خداوند) برای خردمندان هست؛ آنان
که هنگام برخاستن و نشستن و بر پهلو خوابیدن خدا را یاد می‌کنند
و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند: ای پروردگار
ما! این (دستگاه عظیم) را بیهوده نیافریده‌ای و تو پاک و منزّه هستی،
پس ما را از عذاب دوزخ محفوظ فرما».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ۖ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۚ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۚ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ۚ فَذَكِّرْ ۚ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴾
(الغاشية / ۱۷-۲۱)

«آیا به شتر نگاه نمی‌کنند که چگونه آفریده شده است، و به آسمان که چگونه برافراشته شده است و به کوه‌ها که چگونه استوار بر زمین نصب شده است و به زمین که چگونه گسترده شده است؟ پس (به مردم) پند و اندرز بده که تو فقط تذکر دهنده‌ای».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا... ﴾
(محمد / ۱۰)
«آیا (مردم) در زمین گردش نمی‌کنند تا به آثار گذشتگان بنگرند (و عبرت بگیرند)؟».

آیات در این مورد فراوان هستند.

وَمِنْ الْأَحَادِيثِ، الْحَدِيثُ السَّابِقُ: «الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ».

و از جمله احادیث در این مورد، حدیث سابق (شماره ۴۳): «الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ»^۱ است»

«زیرک آن است که خود را در برابر خداوند مسؤول بداند».

۱۰- باب المبادرة إلى الخيرات وحث من توجّه لخير على الإقبال عليه بالجدّ

من غير تردّد

باب مبادرت به انجام خیرات و صدقات و تشویق بر روی کردن به

آن با جدیت و بدون تردید

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ﴾ (البقرة / ۱۳۳)

«در خیرات و نیکوکاری بر همدیگر سبقت بجوید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ

أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴾ (آل عمران / ۱۲۳)

«به سوی آمرزش و بخشایش پروردگارتان و نیز به سوی بهشتی

بشتابید که پهنای آن، به اندازه‌ی مساحت آسمانها و زمین است و

برای پرهیزگاران و صاحبان تقوا آماده شده است».

۵۸- عن عُقْبَةَ بْنِ الْحَارِثِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: صَلَّى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بِالْمَدِينَةِ الْعَصْرَ، فَسَلَّمَ ثُمَّ قَامَ مُسْرِعًا فَتَخَطَّى رِقَابَ النَّاسِ إِلَى بَعْضِ حُجَرِ نِسَائِهِ، فَفَزَعَ

النَّاسُ مِنْ سُرْعَتِهِ، فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ، فَرَأَى أَنَّهُمْ قَدْ عَجَبُوا مِنْ سُرْعَتِهِ، قَالَ: «ذَكَرْتُ شَيْئًا مِنْ تَبَرُّ

عِنْدَنَا، فَكْرِهْتُ أَنْ يَخْبِسَنِي، فَأَمَرْتُ بِقِسْمَتِهِ» رواه البخاري.

۵۸. از «عقبه بن حارث» رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: در مدینه نماز عصر را

پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله به جای آوردم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله چون سلام نماز را داد، به سرعت

بلند شد و بر روی شانه و گردن مردم قدم نهاد و به طرف یکی از حجره‌های

زنانش رفت، مردم از سرعت و تعجیل او نگران شدند، (بالآخره) پیش آنها برگشت

و متوجه شد که اصحاب از سرعت او تعجب کرده‌اند، فرمودند: «(در نماز) به یاد

مقداری طلا (ی ناخالص و ضرب نشده) که در خانه داشتم افتادم و دوست نداشتم که مرا به خود مشغول کند و از حضور خدا و عبادت باز دارد، (این بود که با عجله رفتم) و دستور به تقسیم آن (بین نیازمندان) دادم^۱.

۵۹- عن جابر رضي الله عنه قال: قال رجل للنبي صلى الله عليه وسلم يوم أحد: أَرَأَيْتَ إِنْ قُتِلْتُ فَأَيَّنَ أَنَا؟ قال: «فِي الْجَنَّةِ» فَأَلْقَى تَمَرَاتٍ كُنَّ فِي يَدِهِ، ثُمَّ قَاتَلَ حَتَّى قُتِلَ. متفق عليه.

۵۹. از جابر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی روز جنگ احد به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر من کشته شوم، کجا خواهم بود؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در بهشت»، و مرد چند دانه‌ی خرما را که در دست داشت، به زمین انداخت و به جنگ پرداخت تا به شهادت رسید^۲.

۶۰- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وسلم، فقال: يا رسول الله، أَيُّ الصَّدَقَةِ أَكْبَرُ أَجْرًا؟ قال: «أَنْ تَصَدَّقَ وَأَنْتَ صَحِيحٌ شَجِيحٌ تَخْشَى الْفَقْرَ وَتَأْمُلُ الْغِنَى، وَلَا تُمَهِّلُ حَتَّى إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُقُومَ، قُلْتَ: لِفُلَانٍ كَذَا وَلِفُلَانٍ كَذَا، وَقَدْ كَانَ لِفُلَانٍ» متفق عليه.

۶۰. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و سؤال کرد: ای رسول خدا! چه صدقه‌ای از لحاظ اجر، بزرگ‌تر است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «صدقه‌ای که تو، در حالی که خود سالم و تندرست و علاقه‌مند به آن باشی و از فقر بترسی و آرزوی ثروت داشته باشی، آن را ببخشی. و صدقه دادن را تا هنگام مرگ، به تأخیر نیندازی و آن وقت بگویی: فلان مال من برای فلان کس و فلان قسمت دیگر برای آن دیگری باشد؛ (در حالی که آن مال دیگر از آن ورثه‌ی تو می‌باشد و مال تو نیست)»^۳.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۸۵۱].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۴۰۴۶)، م (۱۸۹۹)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۱۹)، م (۱۰۳۲)].

۶۱- عن أبي هريرة رضي الله عنه أنَّ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ سَبْعًا، هَلْ تَنْتَظِرُونَ إِلَّا فَقْرًا مُنْسِيًّا، أَوْ غِنًى مُطْغِيًّا، أَوْ مَرَضًا مُفْسِدًا، أَوْ هَرَمًا مُفْنِدًا أَوْ مَوْتًا مُجْهَزًا أَوْ الدَّجَالَ فَشَرُّ غَائِبٍ يُنْتَظَرُ، أَوِ السَّاعَةِ فَالسَّاعَةُ أَذْهَى وَأَمْرُ!» رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسن.

۶۱. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از پیش آمدن هفت چیز با کارهای نیکو سبقت بجوئید و پیشی بگیرید، مگر منتظر چیز دیگری به جز آنها هستید؟! فقری فراموش کننده، یا بی نیازی طغیان آور، یا یک مرض نابود کننده ی بدن، یا پیری تباه کننده ی عقل، یا مرگی سریع و ناگهانی، یا دجال که بدترین غایب مورد انتظار است یا قیامت که سخت ترین و تلخ ترین وقت است»^۱.

۱- ترمذی روایت کرده است؛ [۲۳۰۷] و گفته است: حدیثی حسن است.

۱۱- باب المجاهدة
باب سعی و کوشش در راه خدا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلًا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾

(العنكبوت / ۶۹)

«ما کسانی را که در به دست آوردن رضایت ما و در راه ما تلاش و کوشش و مجاهده کردند، حتماً به راه خود هدایت می‌کنیم و قطعاً خداوند با نیکوکاران است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾

(الحجر / ۹۹)

«تا وقتی که مرگت فرا می‌رسد، پروردگارت را عبادت کن.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَاذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا﴾

(المزمل / ۸)

«ای پیامبر! نام خدایت را یاد کن و از همه چیز برای او بُتّر و جدا شو و به او بپیوند و به درگاه او روی بیاور.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾

(الزلزله / ۷)

«کسی که به مقدار یک ذره نیکی کند، پاداش آن را می‌بیند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ نَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا﴾

(المزمل / ۲۰)

«آنچه را که از احسان و صدقه و اعمال نیک برای خود جلو می‌اندازید (با دست خود و در زمان حیات خویش انجام می‌دهید) نزد خداوند پاداش آن را می‌یابید و این بهتر و دارای اجر بزرگ‌تر است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (بقره / ۲۷۳)

«هر چیز (خوب و نیکی را) که انفاق می‌نمایید، خداوند از آن آگاه است».

آیات در این مورد فراوان و معلوم هستند.

۶۲- عن أبي هريرة رضي الله عنه. قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي لأُعْطِيَنَّهُ، وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لأُعِيذَنَّهُ» رواه البخاري.

۶۲. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند متعال می‌فرماید: هر کس با یک دوست من دشمنی کند (او را بیازارد)، من با او اعلان جنگ می‌کنم، و محبوب‌ترین چیز نزد من که بنده ام به وسیله‌ی آن به من نزدیک می‌شود اعمالی است که بر او فرض کرده‌ام و بنده‌ی من همیشه با انجام دادن سنت‌ها به من نزدیک می‌شود تا آن که او را دوست می‌دارم و چون او را دوست داشتم، گوش او خواهم شد که با آن می‌شنود و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند و دست او خواهم شد که با آن حمله و دفاع می‌کند و پای او می‌شوم که با آن راه می‌رود و اگر از من چیزی بخواهد، به او عطا می‌کنم، و اگر از شر چیزی به من پناه جوید، او را پناه می‌دهم»^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۵۰۲].

۶۳- عَنْ أَنَسٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِيمَا يَرَوِيهِ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ قَالَ: «إِذَا تَقَرَّبَ الْعَبْدُ إِلَى شَيْءٍ تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعًا، وَإِذَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ ذِرَاعًا تَقَرَّبْتُ مِنْهُ بَاعًا، وَإِذَا أَتَانِي يَمْشِي أُتِيْتُهُ هَرَوْلَةً». رواه البخاري.

۶۳. از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در آنچه از خداوند نقل می‌کند، فرمودند که خداوند متعال می‌فرماید: «اگر بنده، به مقدار یک وجب به من نزدیک شود، من یک ذراع به او نزدیک می‌شوم و اگر به مقدار یک ذراع به من نزدیک شود من یک باع^۱ به او نزدیک می‌شوم و اگر پیاده به سوی من بیاید، من با قدم‌های بلندتر به سوی او می‌روم»^۲.

۶۴- عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: الصَّحَّةُ وَالْفَرَاغُ» رواه مسلم.

۶۴. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو نعمت هستند که بیشتر مردم در آنها به اشتباه می‌افتند و زیان می‌بینند (قدر و ارزش آنها را نمی‌دانند تا زمانی که از دست می‌روند): تندرستی و فراغت»^۳.

۶۵- عن عائشة رضي الله عنها أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُومُ مِنَ اللَّيْلِ حَتَّى تَتَفَطَّرَ قَدَمَاهُ، فَقُلْتُ لَهُ: لِمَ تَصْنَعُ هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ؟ قَالَ: «أَفَلَا أُحِبُّ أَنْ أَكُونَ عَبْدًا شَكُورًا؟» متفقٌ عليه. هذا لفظ البخاري، ونحوه في الصحيحين من رواية المغيرة بن شعبه.

۶۵. از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله شب را به عبادت می‌ایستاد تا اندازه‌ای که پاهایش ورم می‌کرد، گفتم: ای رسول خدا! چرا چنین

۱- [ذراع و باع واحد طول هستند، ذراع از آرنج تا سر انگشت دست است و باع از سر انگشت دست راست تا سر انگشت دست چپ **است** وقتی که دست‌ها به طرفین باز شود].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۷۵۳۶].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [۶۴۱۲].

کاری می‌کنی در صورتی که خداوند گناهان قبلی و بعدی تو را بخشیده است؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا بنده‌ای شکرگزار نباشم؟»^۱.

۶۶- عن أبي هريرة - رضي الله عنه - أنَّ رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «حُجِبَتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ، وَحُجِبَتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ» متفقٌ عليه.

أي: بينه وبينها هذا الحجاب، فإذا فعله دخلها.

۶۶. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «آتش دوزخ در پس پرده‌ی شهوات و لذایذ و هواهای نفسانی است، و بهشت در پس پرده‌ی سختی‌ها و کارهای رنج‌آور (عبادات و دوری از گناهان و لذایذ)»^۲.
یعنی: بین او و دوزخ یا بهشت، این حجاب‌ها و پرچین‌هاست و راه دخول به جهنم یا بهشت، از آن دو می‌گذرد.

۶۷- عن أنس رضي الله عنه عن رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «يَتَّبِعُ الْمَيِّتَ ثَلَاثَةٌ: أَهْلُهُ وَمَالُهُ وَعَمَلُهُ؛ فَيَرْجِعُ اثْنَانِ، وَيَبْقَى وَاحِدٌ: يَرْجِعُ أَهْلُهُ وَمَالُهُ، وَيَبْقَى عَمَلُهُ». متفقٌ عليه.

۶۷. از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «سه چیز مرده را همراهی می‌کند: خانواده و مال و عمل او، سپس دوتای آنها برمی‌گردند و یکی با او می‌ماند؛ خانواده و مالش او را ترک می‌کنند و عملش با او می‌ماند»^۳.

۶۸- عن عبد الله بن بسرٍ الأسلميّ، رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ طَالَ عَمْرُهُ وَحَسُنَ عَمَلُهُ» رواه الترمذي، وقال: حديثٌ حسنٌ.

۶۸. از عبدالله بن بسر اسلمی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «بهترین مردمان کسی است که عمرش طولانی و عملش نیکو باشد»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۱۳۰)، م (۲۸۱۹) و (۲۸۲۰)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت بخاری است و مانند آن در صحیحین، به روایت مغیره بن شعبه آمده است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۸۷)، م (۲۸۲۲)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۶۵۱۴)، م (۲۹۶۰)].

۶۹- عن أبي مسعود عُقْبَةَ بن عمرو الأنصاريّ البدريّ رضي الله عنه قال: لَمَّا نَزَلَتْ آيَةُ الصَّدَقَةِ كُنَّا نُحَامِلُ عَلَى طُهُورِنَا. فَجَاءَ رَجُلٌ فَتَصَدَّقَ بِشَيْءٍ كَثِيرٍ فَقَالُوا: مُرَاءٍ، وَجَاءَ رَجُلٌ آخَرُ فَتَصَدَّقَ بِصَاعٍ فَقَالُوا: إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنْ صَاعٍ هَذَا، فَنَزَلَتْ ﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ...﴾ [التوبة: ۷۹] الآية. متفقٌ عليه.

۶۹. از ابومسعود عقبه بن عمرو انصاری بدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: وقتی آیهی صدقه نازل شد، ما با دوش خود بار می کشیدیم و اجرت آن را صدقه می دادیم، مردی آمد و مال زیادی صدقه داد، گفتند: این ریاکار است، شخص دیگری آمد و یک صاع گندم صدقه داد، گفتند: خدا از این صاع صدقه بی نیاز است. پس این آیه نازل شد: ^۲

﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾
(التوبة / ۷۹)

«کسانی که از نیکوکاران مؤمن (- که مال دارند و از آن زیاد صدقه می کنند -) و از آن گروه از مؤمنان - که چیزی جز (حاصل) زحمت خود برای صدقه ندارند - عیبجویی و آنان را مسخره می کنند، (بدانند که) خداوند، خود آنان را مسخره خواهد کرد و عذابی دردناک خواهند داشت».

۷۰- عن أبي ذرٍّ جُنْدُبِ بنِ جُنَادَةَ - رضي الله عنه - عن النبيّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فيما يَرَوِي عنِ اللهِ تبارك وتعالى أنه قال: «يَا عِبَادِي، إِنِّي حَرَمْتُ الظُّلْمَ عَلَى نَفْسِي وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا فَلَا تَظَالَمُوا، يَا عِبَادِي، كُلُّكُمْ ضَالٌّ إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ، فَاسْتَهْدُونِي أَهْدِكُمْ، يَا عِبَادِي، كُلُّكُمْ جَائِعٌ إِلَّا مَنْ أَطْعَمْتُهُ، فَاسْتَطْعَمُونِي أَطْعَمَكُمْ، يَا عِبَادِي، كُلُّكُمْ عَارٍ إِلَّا مَنْ كَسَوْتُهُ فَاسْتَكَسُونِي أَكْسَكُمْ، يَا عِبَادِي، إِنَّكُمْ تُخْطِئُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَأَنَا أَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا، فَاسْتَغْفِرُونِي أَغْفِرْ

۱- ترمذی روایت کرده است؛ [(۲۳۳۶)] و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۴۱۵)]، م (۱۰۱۸).

لَكُمْ، يَا عِبَادِي، إِنَّكُمْ لَنْ تَبْلُغُوا ضُرِّي فَتَضُرُّونِي، وَلَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُونِي، يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ، وَإِنْ سَكُمُ وَجِنُّكُمْ كَانُوا عَلَى أَتَقَى قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا زَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئاً، يَا عِبَادِي، لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ وَإِنْ سَكُمُ وَجِنُّكُمْ كَانُوا عَلَى أَفَجَرَ قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئاً، يَا عِبَادِي، لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ وَإِنْ سَكُمُ وَجِنُّكُمْ، قَامُوا فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ، فَسَأَلُونِي فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ مَسْأَلَتَهُ، مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ الْمَخِيطُ إِذَا أُذْخِلَ الْبَحْرَ، يَا عِبَادِي إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ أُخْصِيهَا لَكُمْ، ثُمَّ أَوْفِيكُمْ إِيَّاهَا، فَمَنْ وَجَدَ خَيْراً فَلْيَحْمِدِ اللَّهَ، وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ". رواه مسلم.

۷۰. از «ابوذر جندب بن جناده رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که ایشان از خداوند متعال روایت می‌کند که خداوند می‌فرماید: «ای بندگان من! من ظلم را بر خود حرام کرده‌ام و آن را بر شما نیز حرام گردانیده‌ام، پس به همدیگر ظلم نکنید؛ ای بندگان من! همه‌ی شما گمراهید جز کسی که من او را هدایت کرده باشم؛ پس طلب هدایت کنید تا شما را هدایت فرمایم، ای بندگان من! همه‌ی شما گرسنه‌اید، مگر کسی که من او را اطعام داده باشم؛ بنابراین از من طلب طعام کنید تا شما را اطعام نمایم، ای بندگان من! همه‌ی شما لخت و برهنه‌اید، جز کسی که من او را پوشانیده باشم، پس از من طلب پوشش کنید تا شما را بپوشانم، ای بندگان من! شما شب و روز، خطا می‌کنید و فقط من تمام گناهان را می‌آمرزم، پس از من طلب آمرزش کنید تا شما را بیامرزم، ای بندگان من! شما نمی‌توانید به من ضرری برسانید و نمی‌توانید نفعی را متوجه من نمائید؛ ای بندگان من! اگر از اولین نفر تا آخرین نفر شما، از انس و جن، به روش بهترین مردمان خودتان که دارای پرهیزگارترین قلب است عمل نمایید، آن رفتار نیکوی شما چیزی بر ملک من نمی‌افزاید. ای بندگان من! اگر از اولین نفر تا آخرین نفر شما از انس و جن به روش بدترین مردمان خودتان که دارای گناهکارترین قلب است عمل نمایید، از ملک من چیزی نمی‌کاهد، ای بندگان من! اگر از اولین نفر تا آخرین نفر شما؛ از انس و جن، در یک زمین بایستند و همه، آرزوهای خود را یک‌جا از من بخواهند و من به هر کس آرزویش را عطا کنم، این عمل از آنچه که در نزد من است، چیزی نمی‌کاهد، مگر به اندازه‌ی آبی که یک سوزن، هنگام انداختن و بیرون آوردن آن در آب دریا از آن کم می‌کند. ای بندگان من! هرچه که هست، اعمال و کارهای

شماست که من برایتان ذخیره و احصا می‌کنم، آن‌گاه (پاداش و نتیجه‌ی) آن را به‌طور کامل و تمام به شما باز می‌گردانم؛ پس اگر کسی به (پاداش) خیر رسید، خدا را سپاس و ستایش گوید و اگر کسی غیر آن را یافت، جز خود، کسی را ملامت و سرزنش نکند»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۷۷)].

۱۲- باب الحث على الإزدياد من الخير في أواخر العمر

باب ترغيب به ازدياد خيرات در اواخر عمر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿أُولَٰمَ نَعْمِرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ﴾

(فاطر / ۳۷)

«آیا به شما آن اندازه عمر ندادیم که اگر کسی بخواهد بیدار و هوشیار شود و تذکر گیرد کافی باشد، و (آیا) بیم دهنده‌ای (پیامبر ﷺ) و به تبعیت از او علمای دین) به پیش شما نیامد؟!».

قال ابن عباس والمحققون: معناه: أو لم نعوكم ستين سنة؟ و يؤيده الحديث الذي سنذكره إن شاء الله تعالى.

ابن عباس و محققان گفته‌اند: معنی آن، این است که آیا به شما شصت سال عمر ندادیم؟ و حدیثی که - ان شاء الله - به زودی آن را ذکر می‌کنیم، این قول را تأیید می‌کند.

۷۱- عن أبي هريرة رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «أعذر الله إلى امرئ آخر أجله حتى بلغ ستين سنة». رواه البخاري.

۷۱. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند وقتی مرگ کسی را تا شصت سالگیش به تأخیر اندازد، فرصت زیادی برای عذرخواهی و توبه به او داده است».

۷۲- عن عائشة رضي الله عنها قالت: مَا صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَاةً بَعْدَ أَنْ نَزَلَتْ عَلَيْهِ ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾، إِلَّا يَقُولُ فِيهَا: «سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي»^۱. متفق عليه.

وفي رواية في الصحيحين عنها: كان رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُكثِرُ أَنْ يَقُولَ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» متفق عليه.

وفي رواية لمسلم: كان رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُكثِرُ أَنْ يَقُولَ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ». قالت عائشة: قلت: يا رسول الله! ما هذه الكلمات التي أراك أحدثتها تقولها؟ قال: «جُعِلَتْ لِي علامة في أمّتي إذا رأيتها قُلْتُهَا ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾، إلى آخر السورة».

۷۲. از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ بعد از نزول:

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾، در هر نماز می فرمودند: «سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي»^۲.

در روایتی دیگر در صحیحین از حضرت عایشه رضی الله عنها آمده است: پیامبر ﷺ در رکوع و سجود زیاد می فرمودند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي».

در روایتی دیگر از صحیح مسلم آمده است: پیامبر ﷺ قبل از رحلت خود، زیاد می فرمودند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»^۳ عایشه رضی الله عنها می فرماید: گفتم: ای رسول خدا! این کلمات چیست که به تازگی می گویی؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «من در مورد امتم، نشانه ای برایم قرار داده شده که چون آن را

۱- «ای پروردگار ما، تو پاک و منزّه هستی و ما به سپاس و ستایش تو مشغولیم، خدایا ما را ببامرز!».

۲- «خدایا! تو پاک و منزّهی و به سپاس و ستایش تو می پردازم و از تو آمرزش می طلبم و (از گناهانم به درگاه تو توبه می کنم)».

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۴۹۷۰)].

دیدم، این کلمات را بگویم و آن نشانه، در سوره‌ی ﴿ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴾ تا آخر آن است.

۷۳- عن جابر رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَى مَا مَاتَ عَلَيْهِ» رواه مسلم.

۷۳. از جابر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بنده به همان حالتی برانگیخته می شود که مرده است»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۷۸)].

۱۳- باب بیان کثرت طرق الخیر
باب بیان زیاد بودن راه های خیر و نیکوکاری

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (بقره / ۲۱۵)

«هر کار نیکی که انجام دهید، خدا از آن آگاه است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ﴾ (البقرة / ۱۹۷)

«هر کار نیکی که انجام دهید، خدا آن را می داند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ (الزلزلة / ۷)

«کسی که یک ذره کار خیر انجام دهد، پاداش آن را می بیند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ﴾ (الجاثية / ۱۵)

«کسی که کار نیکو و شایسته انجام دهد، به نفع خود اوست».

والآيات في الباب كثيرة.

آیات در این مورد، فراوان است.

۷۴- عن أبي ذر رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «يُصْبِحُ عَلَى كُلِّ سُلَامَى مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ، فَكُلُّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ، وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ، وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ. وَيُجْزَى مِنْ ذَلِكَ رَكْعَتَانِ يَرْكَعُهُمَا مِنَ الصُّحَى» رواه مسلم.

۷۴. از ابوذر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «با آمدن صبح، به تعداد هر مفصل از مفاصل بدنتان، صدقه‌ای بر شما لازم است؛ هر یک بار

«سبحان الله» گفتن، هر یک بار «الحمد لله» گفتن، هر یک بار «لا اله الا الله» گفتن و هر یک بار «الله اکبر» گفتن صدقه‌ای است. هر امر به معروف و هر نهی از منکر صدقه است، و دو رکعت نماز ضحی (چاشت) که فرد می خواند جایگزین (تمام) آن (صدقات) می شود.^۱

۷۵- وَعَنْهُ قَالَ : قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عُرِضَتْ عَلَيَّ أَعْمَالُ أُمَّنِي حَسَنُهَا وَسَيِّئُهَا فَوَجَدْتُ فِي حَسَنِ أَعْمَالِي الْأَذَى يَمَاطُ عَنِ الطَّرِيقِ، وَوَجَدْتُ فِي مَسَاوِيءِ أَعْمَالِي النُّعَاةُ تَكُونُ فِي الْمَسْجِدِ لَا تُدْفَنُ» رواه مسلم.

۷۵- و از ابوذر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اعمال خوب و بد اتم بر من عرض شد، دیدم از جمله‌ی اعمال نیک اتم، برداشتن خار و خاشاک (و سایر چیزهای موجب اذیت و آزار عابران) از سر راه بود و از جمله‌ی اعمال بد اتم، انداختن اخلاط سینه در مسجد بود که پوشانده نشده بود».^۲

۷۶- وَعَنْهُ: أَنَّ نَاسًا قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالْأَجُورِ، يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي، وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ، وَيَتَصَدَّقُونَ بِفُضُولِ أَمْوَالِهِمْ قَال: «أَوْ لَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَا تَصَدَّقُونَ بِهِ: إِنَّ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلِّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلِّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلِّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ، وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ، وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَفِي بَضْعِ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيَّائِي أَخَذْنَا شَهْوَتَهُ، وَيَكُونُ لَهُ فِيهَا أَجْرٌ؟ قَالَ: «أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي حَرَامٍ أَكَانَ عَلَيْهِ وَزْرٌ؟ فَكَذَلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ» رواه مسلم.

۷۶. و از ابوذر رضی الله عنه روایت شده است که عده‌ای از مردم (تنگدست) عرض کردند: ای رسول خدا! صاحبان ثروت همه‌ی پاداش‌ها را با خود می‌برند! نماز می‌خوانند آن طور که ما می‌خوانیم، روزه می‌گیرند چنان که ما می‌گیریم، و از ثروت خود صدقه و زکات نیز می‌دهند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مگر خداوند برای شما چیزهایی

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۵۳)].

۲- در این حدیث، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به خوبی گستره‌ی وسعت اعمال خوب و بد را ترسیم فرموده است، از کوچک‌ترین کار خوب تا کوچک‌ترین کار بد و روشن است که در این میان چه اعمال زیادی می‌گنجد - ویراستاران.

فراهم نیاورده است که به وسیله‌ی انجام دادن آنها صدقه و احسان کنید؟ در هر یک بار «سبحان الله»، هر یک بار «الله اکبر»، هر یک بار «الحمد لله» و هر یک بار «لا إله إلا الله» گفتن، و هر امر به معروف و هر نهی از منکر، و نیز در همبستری با زنانان یک صدقه است! گفتند: ای رسول خدا! آیا اگر یکی از ما شهوت خود را برآورده سازد، برای او اجر و پاداش دارد؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا کسی آن را از راه حرام (از طریق زنا) برآورده کند، برایش گناهی است؟ همچنان هم اگر آن را در راه حلال (راه مشروع زناشویی) به کار گیرد، دارای اجر و پاداش برای اوست»^۱.

۷۷- وعنه قال: قال لي النبي صلى الله عليه وآله وسلم: «لَا تَحْقِرَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا وَلَوْ أَنْ تَلْقَى أَخَاكَ بِوَجْهِ طَلِيقٍ» رواه مسلم.

۷۷. و از ابوذر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ به من فرمودند: «هیچ کاری از کارهای نیک را کوچک نشمار؛ حتی این را که برادر (نسبی یا دینی و سببی) خود را با خوشرویی ملاقات کنی»^۲.

۷۸- عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ عَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ أَوْ رَاحَ، أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ نُزْلًا كُلَّمَا عَدَا أَوْ رَاحَ» متفق عليه.

۷۸. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند برای کسی که ابتدای روز یا شب به مسجد می‌رود، به تعداد رفت و آمدهایش در روز یا شب، پذیرایی‌ها و نعمت‌هایی برای او در بهشت آماده می‌کند»^۳.

۷۹- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا نِسَاءَ الْمُسْلِمَاتِ، لَا تَحْقِرَنَّ جَارَةً لِحَارَتِهَا وَلَوْ فَرَسَنَ شَاةٍ» متفق عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۰۰۶].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۶۲۶].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۶۶۲)، م (۶۶۹)].

۷۹. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای زنان مسلمان! نباید زن همسایه‌ای (هدیه‌ی خود به) زن همسایه‌اش را کوچک بشمارد، اگر چه استخوان کف پای گوسفندی باشد»^۱.

۸۰- وعنه رضى الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الإيمان بضْعٌ وسَبْعُونَ، أو بضْعٌ وسِتُونَ شُعْبَةً: فَأَفْضَلُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَذْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ، وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ» متفقٌ عليه.

۸۰. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ایمان هفتاد و چند جزء یا شصت و چند جزء و قسمت است؛ و بالاترین آنها گفتن لا اله الا الله و پایین‌ترین آنها برطرف نمودن موجبات آزار و اذیت (خار و خاشاک و چیزهای دیگر) از سر راه است و حیا و شرم نیز جزئی از ایمان است»^۲.

۸۱- وعنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي بِطَرِيقٍ اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْعَطَشُ، فَوَجَدَ بُئْرًا فَنَزَلَ فِيهَا فَشَرِبَ، ثُمَّ خَرَجَ فَإِذَا كَلْبٌ يَلْهَثُ يَأْكُلُ الثَّرَى مِنَ الْعَطَشِ، فَقَالَ الرَّجُلُ: لَقَدْ بَلَغَ هَذَا الْكَلْبُ مِنَ الْعَطَشِ مِثْلَ الَّذِي كَانَ قَدْ بَلَغَ مِنِّي، فَنَزَلَ الْبُئْرَ فَمَلَأَ خُفَّهُ مَاءً ثُمَّ أَمْسَكَهُ بِيَدِهِ، حَتَّى رَفَى فَنَسَقَى الْكَلْبَ، فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ فَغَفَرَ لَهُ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ لَنَا فِي الْبَهَائِمِ أَجْرًا؟ فَقَالَ: «فِي كُلِّ كَيْدٍ رَطْبَةٌ أَجْرٌ» متفقٌ عليه.

۸۱. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردی از راهی می‌گذشت و تشنگی سختی به او دست داده بود، آنجا چاهی یافت، به داخل چاه رفت و آب نوشید و بیرون آمد، ناگهان متوجه سگی شد که از شدت تشنگی زبان از دهان بیرون آورده و خاک می‌خورد، (با خود) گفت: این سگ به حد تشنگی من رسیده است و دوباره در چاه رفت و موزه‌اش (کفش یا جوراب سفر) را از آب پر کرد و با دهان گرفت و از چاه بالا آمد و سگ را سیراب کرد، خدا از او خشنود شد و او را آمرزید»، اصحاب رضی الله عنهم گفتند: ای رسول خدا! آیا در نیکی با حیوانات

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۵۶۶)، م (۱۰۳۰)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۹)، م (۳۵)].

اجر و پاداشی وجود دارد؟ فرمودند: «در سیراب کردن هر موجود زنده‌ای، اجر و پاداشی می‌باشد»^۱.

۸۲- وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَقَدْ رَأَيْتُ رَجُلًا يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ فِي شَجَرَةٍ قَطَعَهَا مِنْ ظَهْرِ الطَّرِيقِ كَانَتْ تُؤْذِي الْمُسْلِمِينَ». رواه مسلم

۸۲. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردی را دیدم که به‌خاطر آن‌که درختی را که سبب آزار مسلمانان بود، از میان راه برداشت، در (نعمت‌های) بهشت (سرگرم بود و) گردش می‌نمود»^۲.

۸۳- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ، ثُمَّ أَتَى الْجُمُعَةَ، فَاسْتَمَعَ وَأَنْصَتَ، غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ وَزِيَادَةُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، وَمَنْ مَسَّ الْحَصَا فَقَدْ لَغَا» رواه مسلم.

۸۳. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که وضو بگیرد و آن را زیبا و کامل بگیرد و بعد به جمعه برود و (خطبه) را گوش دهد و ساکت باشد، گناهان (صغیره‌ی) او، تا ده روز آینده، آمرزیده می‌شود و هر کس (در هنگام خطبه و نماز) سنگریزه‌ای بردارد (و با آن بازی کند) کاری بیهوده در پیش گرفته (و جمعه‌اش کامل نیست)»^۳.

۸۴- وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا تَوَضَّأَ الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ أَوْ الْمُؤْمِنُ، فَعَسَلَ وَجْهَهُ خَرَجَ مِنْ وَجْهِهِ كُلُّ خَطِيئَةٍ نَظَرَ إِلَيْهَا بِعَيْنِهِ مَعَ الْمَاءِ، أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ، فَإِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَ مِنْ يَدَيْهِ كُلُّ خَطِيئَةٍ كَانَ بَطَشَتْهَا يَدَاهُ مَعَ الْمَاءِ أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ، فَإِذَا غَسَلَ رِجْلَيْهِ خَرَجَتْ كُلُّ خَطِيئَةٍ مَسَّتْهَا رِجْلَاهُ مَعَ الْمَاءِ أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ حَتَّى يَخْرُجَ نَقِيًّا مِنَ الذُّنُوبِ» رواه مسلم.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۳۶۳)، م (۲۲۴۴)، و (۲۲۴۵)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۹۱۴)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۵۷)].

۸۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر گاه بنده‌ی مسلمان یا مؤمن وضو گرفت و صورتش را شست، هر گناهی که با نظر چشمانش مرتکب شده با شستن آب و یا با آخرین قطره‌ی آن، پاک می‌شود و چون دستانش را شست، هر گناهی که با آنها مرتکب شده، با آب و یا با آخرین قطره‌ی آب، خارج و محو می‌گردد، تا آن که در حالی از وضو فارغ می‌شود که از گناهان، پاک و پاکیزه گشته است»^۱.

۸۵- وَعَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الصَّلَاةُ الْخَمْسُ، وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ، وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ مُكَفِّرَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ إِذَا اجْتَنِبْتَ الْكَبَائِرُ» رواه مسلم

۸۵. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «نمازهای پنج‌گانه و جمعه تا جمعه‌ی دیگر و رمضان تا رمضان دیگر، پاک‌کننده‌ی گناهان ما بین آنهاست به شرطی که از گناهان کبیره اجتناب شده باشد»^۲.

۸۶- عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ صَلَّى الْبَرْدَيْنِ دَخَلَ الْجَنَّةَ» متفق عليه.

۸۶. از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «آنکه بَرْدَین (نمازهای صبح و عصر) را اداء نماید به بهشت داخل می‌شود»^۳.

۸۷- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا مَرِضَ الْعَبْدُ أَوْ سَافَرَ كُتِبَ لَهُ مَا كَانَ يَعْمَلُ مُقِيمًا صَحِيحًا» رواه البخاري.

۸۷. و از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «وقتی که شخصی بیمار شد یا مسافرت کرد، برای او برابر هر عمل خیری که در زمان تندرستی و اقامت انجام می‌داده، نوشته می‌شود»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۴۴)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۳۳)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [خ (۲۵۱)، م (۶۳۵)].

۸۸- عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ» رواه البخاري، ورواه مسلم من رواية حُذَيْفَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ.

۸۸. از جابر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کار نیکی، صدقه است»^۲.

۸۹- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَانَ مَا أَكَلَ مِنْهُ لَهُ صَدَقَةٌ، وَمَا سُْرِقَ مِنْهُ لَهُ صَدَقَةٌ، وَلَا يَزْرَعُ زَرْعًا إِلَّا كَانَ لَهُ صَدَقَةٌ». رواه مسلم.

و فی روایه له: «لَا يَغْرِسُ مُسْلِمٌ غَرْسًا، وَلَا يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ وَلَا دَابَّةٌ وَلَا شَيْءٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةٌ».

۸۹. از جابر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر مسلمانی درختی بکارد، در برابر هر میوه‌ای که از آن خورده می‌شود، برای او صدقه‌ای محسوب می‌شود و آنچه که از آن دزدیده شود و مردم از آن کم کنند، برای او صدقه خواهد بود»^۳.

و در روایتی دیگر از او (مسلم) آمده است: «مسلمان نهالی نمی‌کارد و چیزی زراعتی نمی‌رویاند مگر آنکه هر انسان و جانور و موجودی که از آن بخورد برایش صدقه ای خواهد بود».

۹۰- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَرْبَعُونَ خَصْلَةً أَعْلَاهَا مَنِيحَةُ الْعُنْزِ، مَا مِنْ عَامِلٍ يَعْمَلُ بِخَصْلَةٍ مِنْهَا رَجَاءَ ثَوَابِهَا وَتَصَدِّقَ مُوعُودِهَا إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ بِهَا الْجَنَّةَ» رواه البخاري.

۹۰. از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چهل خصلت وجود دارد که بهترین آنها، به امانت دادن میش (برای

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۹۹۶)].

۲- بخاری [(۶۰۲۱)] روایت کرده است و مسلم [(۱۰۰۵)] نیز از حذیفه رضی الله عنه روایت کرده است.

۳- هر دوی آنها [خ (۲۳۲۰)، م (۱۵۵۳)] از انس رضی الله عنه روایت کرده است.

استفاده از شیر و پشم آن است) و هر کس که به امید ثواب و با ایمان کامل به وعده‌ی پاداش یک خصلت از آنها را انجام دهد، خداوند به خاطر آن او را به بهشت می‌برد»^۱.

۹۱- عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا سَبُكَلَّمُهُ رَبُّهُ، لَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ تَرْجُمَانٌ، فَيَنْظُرُ أَيَمَنَ مِنْهُ فَلَا يَرَى إِلَّا مَا قَدَّمَ، وَيَنْظُرُ أَشْأَمَ مِنْهُ فَلَا يَرَى إِلَّا مَا قَدَّمَ، وَيَنْظُرُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَا يَرَى إِلَّا النَّارَ تَلْقَاءَ وَجْهِهِ، فَاتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ، فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فِيكَلِمَةً طَيِّبَةً. متفق عليه.

۹۱. از عدی بن حاتم رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا فرمودند: «پروردگار با تک‌تک افراد شما بدون واسطه صحبت خواهد کرد؛ و انسان چون به طرف راست خود بنگرد، جز اعمالی که قبلاً فرستاده است، چیزی نمی‌بیند و چون به طرف چپ نگاه کند، جز اعمالی که قبلاً فرستاده است، چیزی مشاهده نمی‌کند و در برابر خود تنها آتش دوزخ را می‌یابد؛ پس در بین خود و آتش دوزخ، حجاب و مانع بسازید، اگر چه به وسیله‌ی (بخشیدن) نصف خرمایی باشد و کسی که آن را نیز نیافت، با سخنی نیکو (و کلمه‌ای شیرین)، خود را از آتش حفظ نماید».

۹۲- عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الْأَكْلَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا، أَوْ يَشْرِبَ الشَّرْبَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا» رواه مسلم.

۹۲. از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند حتماً از آن بنده که وقتی غذایی خورد، خدا را بر آن شکری گوید، یا وقتی که جرعه‌ای آب می‌نوشد، خدا را بر آن سپاس می‌کند، راضی و خشنود می‌شود»^۲.

۹۳- عَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ صَدَقَةٌ» قَالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَجِدْ؟ قَالَ: «يَعْمَلُ بِيَدِهِ فَيَنْفَعُ نَفْسَهُ وَيَتَصَدَّقُ». قَالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۴۵۰) م (۱۰۱۶)].

۲- مسلم روایت کرده است. [(۲۷۳۴)].

لَمْ يَسْتَطِعْ؟ قَالَ: يُعِينُ ذَا الْحَاجَةِ الْمَلْهُوفَ» قَالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ قَالَ: «يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ أَوْ الْخَيْرِ» قَالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَفْعَلْ؟ قَالَ: «يُمْسِكُ عَنِ الشَّرِّ فَإِنَّهَا صَدَقَةٌ». متفقٌ عليه.

۹۳. از ابوموسی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر هر مسلمانی صدقه واجب است»، ابوموسی رضی الله عنه فرمود: اگر نیافت؟ فرمودند: «با دست خود کار کند، هم به خود نفع برساند و هم با آن صدقه بدهد»، فرمود: اگر قادر به کار نبود؟ فرمودند: «نیازمند دردمندی را یاری کند» فرمود: اگر قادر به آن نبود؟ فرمودند: «امر به کار نیک کند» فرمود: اگر این کار را نیز انجام نداد؟ فرمودند: «از بدی‌ها پرهیزد که آن نیز صدقه است».

۱۴- باب الاقتصاد في الطاعة

باب میانه روی در عبادت

قال الله تعالى:

﴿طه﴾ مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴿٢٠﴾

«ای پیامبر ﷺ! ما قرآن را بر تو نازل نکردیم تا در سختی و مشقت

بیفتی».

قال تعالى:

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ (البقره / ۱۸۵)

«خداوند آسایش و راحتی شما را می‌خواهد و خواهان سختی و

مشقت شما نیست».

۹۴- وعن أنس رضي الله عنه قال: جاء ثلاثة رهط إلى بيوت أزواج النبي ﷺ يسألون عن عبادة النبي ﷺ فلما أخبروا كأنهم تقالوها وقالوا: أين نحن من النبي ﷺ قد غفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر. قال أحدهم: أما أنا فإني أصلي الليل أبدا. وقال الآخر: وأنا أصوم الدهر أبدا ولا أفطر. وقال الآخر: وأنا اعتزل النساء فلا أتزوج أبدا. فجاء رسول الله ﷺ إليهم فقال: «أنتم الذين قلتم كذا وكذا؟ أما والله إني لأخشاكم لله وأتقاكم له، لكني أصوم وأفطر، وأصلي وأرقد وأتزوج النساء، فمن رغب عن سنتي فليس مني». متفق عليه.

۹۴. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: سه نفر به خانه‌ی زنان پیامبر ﷺ

آمدند و از عبادت پیامبر ﷺ سؤال نمودند و وقتی که از آن خبر یافتند، مثل این که آن را کم دانستند و گفتند: ما کجا و پیامبر ﷺ کجا، حال آن که او، گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده شده است؟! یکی از آنها گفت: من همیشه تمام شب را نماز خواهم خواند؛ دیگری گفت: من تمام روزهای عمرم را روزه خواهم گرفت و هرگز افطار نمی‌کنم، و آن یکی گفت: من از زنان دوری می‌کنم و هرگز ازدواج نمی‌کنم؛ سپس پیامبر ﷺ تشریف آوردند و فرمودند: «شما بودید که چنین و چنان

گفتید؟ (خیر، چنین نیست!) به خدا سوگند من از همه‌ی شما بیشتر از خدا می‌ترسم و پرهیزگارترم؛ با این حال روزه می‌گیرم و افطار هم می‌کنم؛ نماز می‌خوانم و می‌خوابم؛ با زنان هم ازدواج می‌کنم؛ کسی که از سنت من رو بگرداند، از من نیست»^۱.

۹۵- وعن ابن مسعود رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ» فَاهَا ثَلَاثًا، رواه مسلم.

«الْمُتَنَطِّعُونَ»: الْمُتَعَمِّقُونَ الْمُشَدَّدُونَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ التَّشَدُّيدِ.

۹۵. از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مُتَنَطِّعُونَ هلاک شدند» و این جمله را سه بار تکرار فرمودند.^۲

مُتَنَطِّعُونَ کسانی هستند که در (اعمال خود، مانند عبادت، سخن گفتن و...) و جاهایی که جای سخت‌گیری نیست، بی‌مورد سخت‌گیری می‌کنند و بر خود فشار می‌آورند.

۹۶- عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ الدَّيْنَ يُسْرٌ، وَلَنْ يُشَادَّ الدَّيْنَ إِلَّا غَلَبُهُ، فَسَدُّدُوا وَقَارِبُوا وَأَبْشِرُوا، وَاسْتَعِينُوا بِالْغَدْوَةِ وَالرَّوْحَةِ وَشَيْءٍ مِنَ الدَّلْجَةِ» رواه البخاري.

وفي رواية له «سَدُّدُوا وَقَارِبُوا وَاغْدُوا وَرَوْحُوا، وَشَيْءٌ مِنَ الدَّلْجَةِ، الْقَصْدُ الْقَصْدُ تَبَلُّغُوا».

ومعناه: اسْتَعِينُوا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْأَعْمَالِ فِي وَقْتِ نَشَاطِكُمْ، وَفَرَاغِ قُلُوبِكُمْ بَحِثْ تَسْتَلِدُّونَ الْعِبَادَةَ وَلَا تَسْأَمُونَ مَقْصُودَكُمْ، كَمَا أَنَّ الْمُسَافِرَ الْحَادِقَ يَسِيرُ فِي هَذِهِ الْأَوْقَاتِ وَيَسْتَرِيحُ هُوَ وَدَابَّتُهُ فِي غَيْرِهَا، فَيَصِلُ الْمَقْصُودَ بِغَيْرِ تَعَبٍ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

۹۶. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همانا دین، آسانی است، نه سخت‌گیری و در تنگنا قرار دادن. و هر کسی که در دین سخت‌گیری

۱- متفق علیه است. [خ (۵۰۶۳)، م (۱۴۰۱)].

۲- مسلم روایت کرده است. [(۲۶۷۰)].

نماید، در آن شکست می‌خورد؛ پس دین را آنقدر سخت نگیرید که از انجام دادن آن ناتوان گردید (و اگر توانایی رعایت کامل دین را ندارید)، حد متوسط را رعایت کنید و در امور دین محکم و ثابت باشید و به مردم بشارت دهید (نه این که آنها را مأیوس کنید) و برای عبادت از صبح و غروب و مقداری از آخر شب کمک بگیرید (از آسایش و آرامشی که در آنهاست، برای عبادت استفاده کنید، زیرا که این اوقات هنگام آسایش و فراغت هستند).^۱

و معنایش این است که: برای طاعت و عبادت خداوند عزّ وجلّ، از زمان‌های نشاط و شادابی خود و آسایش دل‌هایتان کمک بگیرید تا آن که از عبادت لذت ببرید و خسته نشوید و به مقصود خود نائل گردید، همچنان که مسافر زیرک، برای آن که آسان به مقصد برسد، زمانی استراحت می‌کند و زمانی به راه خود ادامه می‌دهد.^۲

۹۷- وعن أنس رضي الله عنه قال: دخل النبي صلى الله عليه وسلم المسجد فإذا جبلٌ مُدَوْدٌ بَيْنَ السَّارِيَتَيْنِ فَقَالَ: «مَا هَذَا الْجَبَلُ؟ قَالُوا، هَذَا جَبَلٌ لَزَيْنَبٍ فَإِذَا فَتَرَتْ تَعَلَّقَتْ بِهِ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «حُلُوهُ، لِيُصَلَ أَحَدُكُمْ نَشَاطُهُ، فَإِذَا فَتَرَ فَلْيَرْقُدْ» متفق عليه.

۹۷. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به مسجد وارد شد، ناگهان در بین دو ستون، طنابی کشیده یافت، فرمودند: «این طناب چیست؟» گفتند: این طناب زینب است که وقتی از عبادت سست و خسته شود، به آن پهلوی می‌زند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «طناب را بکشایید و بردارید؛ هر کدام از شما تا وقتی که با نشاط است، نماز بخواند و هر گاه خسته شد، بخوابد».^۲

۹۸- وعن جابر بن سمرة رضي الله عنهما قال: كُنْتُ أَصَلِّي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّلَاةَ، فَكَانَتْ صَلَاتُهُ قَصْدًا وَخُطْبَتُهُ قَصْدًا» رواه مسلم.

قَوْلُهُ: قَصْدًا: أَيُّ بَيْنَ الطُّوْلِ وَالْقَصْرِ.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۱۵۰)؛ م (۷۸۴)].

۲- بخاری روایت کرده است. [(۶۴۳)].

۹۸. از جابر بن سمره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: نمازها را با پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواندم، نماز و خطبه‌ای او در حد اعتدال بود^۱.

۹۹- وعن أبي جحيفة وهب بن عبد الله رضي الله عنه قال: آخى النبي صلى الله عليه وسلم بين سلمان وأبي الدرداء، فزار سلمان أبا الدرداء، فرأى أبا الدرداء متبذلاً فقال: ما شأنك؟ قالت: أخوك أبو الدرداء ليس له حاجة في الدنيا. فجاء أبو الدرداء فصنع له طعاماً، فقال له: كُلْ فَإِنِّي صَائِمٌ، قال: ما أنا بأكِلٍ حتَّى تأكُلَ، فأكل، فلما كان الليل ذهب أبو الدرداء يقوم فقال له: نَمْ فَنَامَ، ثُمَّ ذهب يقوم فقال له: نَمْ، فلما كان من آخر الليل قال سلمان: قُمْ الْآنَ، فصلياً جميعاً، فقال له سلمان: إِنَّ لِرَبِّكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَإِنَّ لِنَفْسِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلَأَهْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، فَأَعْطِ كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ، فَأَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُ، فقال النبي صلى الله عليه وسلم: «صَدَقَ سَلْمَانُ». رواه البخاري.

۹۹. از ابوجحیفه وهب بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بین (سلمان و ابودرداء) برادری قرار داد، سپس سلمان رضی الله عنه به ملاقات ابودرداء رضی الله عنه رفت و ابودرداء را در لباسی کهنه دید، گفت: چرا این گونه هستی؟ گفت: برادرت احتیاجی به دنیا ندارد، سپس ابودرداء رضی الله عنه برگشت و طعامی برای سلمان رضی الله عنه مهیا کرد و به سلمان گفت: تو بخور، من روزه هستم، سلمان رضی الله عنه گفت: نمی‌خورم تا تو نخوری، و ابودرداء رضی الله عنه روزه‌اش را شکست. وقتی شب فرا رسید، ابودرداء رضی الله عنه می‌خواست نماز شب بخواند، سلمان رضی الله عنه گفت: بخواب و ابودرداء رضی الله عنه خوابید، سپس دوباره برای عبادت برخاست، سلمان رضی الله عنه گفت: بخواب و وقتی آخر شب شد، سلمان رضی الله عنه گفت: اکنون بلند شو؛ و با هم شروع به نماز خواندن کردند. پس از نماز سلمان رضی الله عنه به او گفت: پروردگارت حقی بر تو دارد و نفس خودت نیز حقی و خانواده‌ات حقی، پس حق هر صاحب حقی را ادا کن؛ ابودرداء رضی الله عنه به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و جریان را بازگو کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سلمان راست گفته است»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۶۶)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۱۹۶۸)].

۱۰۰- وعن ابن عباس رضي الله عنهما قال: بَيْنَمَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ إِذَا هُوَ بِرَجُلٍ قَائِمٍ، فَسَأَلَ عَنْهُ فَقَالُوا: أَبُو إِسْرَائِيلَ نَذَرَ أَنْ يَقُومَ فِي الشَّمْسِ وَلَا يَقْعُدَ، وَلَا يَسْتَظِلَّ وَلَا يَتَكَلَّمَ، وَيَصُومَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مُرُوهُ فَلْيَتَكَلَّمْ وَلْيَسْتَظِلَّ وَلْيَتِمَّ صَوْمُهُ». رواه البخاري.

۱۰۰. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام خطبه خواندن، ناگهان متوجه مردی شد که سرپا ایستاده بود، در باره‌ی وی سؤال کردند: گفتند: او ابواسرائیل است، نذر کرده است که جلوی آفتاب بایستد، ننشیند، زیر سایه نرود، حرف نزند و روزه بگیرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به او بگویند: سخن بگویند، زیر سایه برود، بنشیند و روزه‌اش را تمام کند».

۱۵- باب فی المحافظة علی الأعمال

باب مداومت بر اعمال

قال الله تعالى:

﴿ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ ﴾ (الحديد / ۱۶)

«آیا برای مومنان آن هنگام نرسیده است که دل‌هایشان به [هنگام] یاد خدا و [هنگام] به یاد آوردن آنچه از حقّ که نازل شده است، خشوع یابد و مانند کسانی نباشند که پیش از این به آنان کتاب داده شد و روزگار بر آنان دراز آمد آن گاه سنگدل شدند».

و قال تعالى:

﴿ وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَءَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابَنِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا ﴾ (الحديد / ۲۷)

«به دنبال پیامبران گذشته، عیسی پسر مریم را فرستادیم و انجیل را بر او نازل کردیم، و در قلوب پیروان او مهر و عطوفت قرار دادیم؛ و رهبانیتی که ما بر آنها واجب نکرده بودیم، لیکن خودشان آن را برای به دست آوردن خشنودی خدا پدید آورده بودند، اما آن‌چنان که باید، آن را رعایت نکردند».

وقال تعالى:

﴿ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا ﴾ (النحل / ۹۲)

«مانند آن زن نباشید که ریسمان خود را بعد از تافتن، از هم جدا می‌کرد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ (الحجر / ۹۹)

«تا وقتی که مرگت فرا می‌رسد، پروردگارت را عبادت کن».

۱۰۱- عن عائشة رضي الله عنها قالت: «وَكَانَ أَحَبُّ الدِّينِ إِلَيْهِ مَا دَاوَمَ صَاحِبُهُ عَلَيْهِ».

متفق عليه

۱۰۱- از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: «دوست داشتنی‌ترین اعمال دینی نزد پیامبر ﷺ آن اعمالی بود که صاحبش بر آن مداومت می‌کرد»^۱.

۱۰۲- وعن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ مِنَ اللَّيْلِ، أَوْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ مَا بَيْنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَصَلَاةِ الظُّهْرِ، كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ». رواه مسلم.

۱۰۲. و از عمر بن خطاب رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که خواب بر او غلبه کند و نتواند حزب خود (مقدار معین از قرآن که برای تلاوت شبانه در نظر گرفته) را بخواند یا تمام کند، و مابین نماز صبح و ظهر آن را جبران کند، ثواب آن را مانند این که در شب انجام داده باشد، در می‌یابد»^۲.

۱۰۳- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما قال: قال لي رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا عَبْدَ اللَّهِ! لَا تَكُنْ مِثْلَ فُلَانٍ، كَانَ يَقُومُ اللَّيْلَ فَتَرَكَ قِيَامَ اللَّيْلِ» متفق عليه

۱۰۳. از عبدالله بن عمرو بن عاص رضي الله عنهما روایت شده است که پیامبر ﷺ به من فرمودند: «ای عبدالله! مانند فلان کس نباش که نماز شب را می‌خواند، اما بعد از مدتی آن را ترک کرد (بر آن مداومت داشته باش)»^۳.

۱- [حدیث شماره‌ی: ۱۴۲].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۴۷)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۱۱۵۲)، م (۱۱۵۹)].

۱۰۴- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا فاتته الصلاة من الليل من وجع أو غيره، صلى من النهار ثنتي عشرة ركعة» رواه مسلم.

۱۰۴. از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ هر گاه به علت درد یا غیر آن، نماز شبش فوت می‌شد، در روز به جای آن دوازده رکعت نماز می‌خواند.^۱

۱- مسلم روایت کرده است [(۷۴۷)].

۱۶- باب الأمر بالمحافظة على السنة وآدابها
باب امر به مداومت بر سنت و آداب آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ﴾ (الحشر / ۷)

«آنچه را پیامبر ﷺ برای شما می آورد، بگیرید و از هر چه شما را منع کرد، دوری کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴾ (النجم / ۳-۴)

«(پیامبر ﷺ) از روی هوا و هوس صحبت نمی کند؛ بلکه هر چه می گوید به او وحی می شود».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ﴾

(آل عمران / ۳۱)

«ای پیامبر ﷺ)، بگو: اگر شما خداوند را دوست دارید، مرا پیروی کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببامرزد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ

(الأحزاب / ۳۱)

الْآخِرَ

«به راستی برای شما، برای کسی که [پاداش] خداوند و روز قیامت را امید می دارد، در رسول خدا سرمشقی نیکوست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا

فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴾ (النساء / ۶۵)

«نه، چنین نیست، به خدای تو سوگند، ایمان نخواهند داشت تا این که در مورد مشاجرات و اختلافات میان خود، تو را قاضی و داور قرار دهند و نسبت به حکم تو در درون خود، هیچ گونه ناراحتی و ملالی نداشته باشند و کاملاً تسلیم (قضاوت و حکم تو) باشند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ فَإِنْ تَنَزَّعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ ﴾ (النساء / ۵۹)

«اگر در چیزی اختلاف پیدا کردید، آن را به خدا و پیامبرش بازگردانید».

قَالَ الْعُلَمَاءُ: مَعْنَاهُ: إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ.

علماء گفته‌اند: «معنی آن این است که در موارد اختلاف، به قرآن و سنت مراجعه کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

مَنْ «يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (النساء / ۸۰)

«کسی که پیامبر را اطاعت کند، قطعاً خدا را اطاعت کرده است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴾ (الشوری / ۵۲)

«قطعاً تو مردم را به راه راست هدایت می‌کنی».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ

أَلِيمٌ ﴾ (النور / ۶۳)

«کسانی که با فرمان او (پیامبر ﷺ) مخالفت می‌کنند، باید بترسند که بلایی بر آنان فرود آید یا این که به عذابی دردناک دچار شوند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَذْكُرْتَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ ءَايَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ﴾

(الأحزاب / ۳۴)

«(خطاب به زنان پیامبر ﷺ) آنچه را که در خانه‌های شما از آیات خدا و دستورات پندآموز (پیامبر ﷺ) تلاوت می‌شود (بیاموزید و برای دیگران) یادآوری کنید».

والآیات فی الباب كثيرة.

آیات در این مورد فراوان است.

۱۰۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «دَعُونِي مَا تَرَكْتُكُمْ: إِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَثْرَةُ سُؤَالِهِمْ، وَاخْتِلَافُهُمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ، فَإِذَا نَهَيْتُكُمْ عَنْ شَيْءٍ فَاجْتَنِبُوهُ، وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ» متفق عليه.

۱۰۵. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مرا با همان دستورات و وظایفی که برای شما گذاشته‌ام بگذارید، به حقیقت آنچه که امت‌های پیش از شما را هلاک و نابود گردانید، زیاد سؤال کردن و مخالفت آنان با پیامبران خود بود؛ پس هر گاه شما را از چیزی نهی کردم از آن دوری کنید، و چون فرمان انجام دادن کاری را به شما دادم، هر قدر از آن را که می‌توانید، انجام دهید»^۱.

۱۰۶- عَنْ الْعُرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: وَعَظَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَوْعِظَةً بَلِيغَةً وَجَلَّتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ وَذَرَفَتْ مِنْهَا الْعُيُونُ، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَأَنَّهَا مَوْعِظَةٌ مُودَعٌ فَأَوْصِنَا. قَالَ: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَإِنْ تَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبِشِيٌّ، وَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ فَسِيرَى اخْتِلَافاً كَثِيراً. فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهَدِّدِينَ، عَصُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُخَدَّاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ». رواه أبوداود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۱۰۶. از عرباض بن ساریه رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و سلم موعظه‌ای (بلیغ) برای ما ایراد فرمودند که به سبب آن، دل‌ها را ترس فرا گرفت و اشک در

۱- متفق علیه است؛ [خ (۷۲۸۸)، م (۱۳۳۷)].

چشم‌ها حلقه زد؛ گفتیم: ای رسول خدا! این موعظه مانند موعظه‌ی کسی بود که می‌خواهد وداع کند، پس برای ما وصیتی نمایید، فرمودند: شما را وصیت می‌کنم که تقوای خدا را رعایت کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید؛ حتی اگر هم بنده‌ای سیاه، امام و حاکم شما باشد؛ و اگر کسی از شما زنده بماند شاهد اختلافات زیادی می‌شود، در این صورت، همواره بر شما لازم است که روش من و روش خلفای برحق و هدایت شده‌ی مرا رعایت کنید و بر انجام دادن این اعمال و ادامه‌ی این روش‌ها سخت پافشاری و اصرار داشته باشید و از بدعت‌ها و امور تازه وارد شده در دین بپرهیزید؛ زیرا هر بدعت و امر تازه‌ای در دین (که از طرف شارع دلیلی بر جواز آن نباشد)، گمراهی است.^۱

۱۰۷- عن سلمة بن الأكوع رضي الله عنه، أَنَّ رَجُلًا أَكَلَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشِمَالِهِ فَقَالَ: «كُلْ بِيَمِينِكَ» قَالَ: لَا أَسْتَطِيعُ. قَالَ: «لَا اسْتَطَعْتَ» مَا مَنَعَهُ إِلَّا الْكِبَرُ فَمَا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ، رواه مسلم.

۱۵۹. از سلمه بن اکوع رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله با دست چپ غذا می‌خورد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «با دست راست بخور»، گفت: نمی‌توانم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(خدا کند که) نتوانی!»، و چیزی جز تکبر مانع اطاعت آن مرد از پیامبر صلی الله علیه و آله نبود؛ بعد از آن، دست راستش به‌سوی دهانش بلند نمی‌شد.^۲

۱۰۸- عن الثُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رضي الله عنهما، قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَتَسُوْنَ صُفُوفَكُمْ أَوْ لَيُخَالِفَنَّ اللَّهُ بَيْنَ وُجُوهِكُمْ». متفقٌ عليه

۱- ابوداود [(۴۶۰۷)] و ترمذی [(۲۶۷۸)] روایت کرده‌اند؛ ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۰۲۱)].

۱۰۸. از نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «صف های نمازتان را مساوی و راست کنید و گرنه خداوند در بین شما کینه و دشمنی می اندازد»^۱.

۱۰۹- عن أبي موسى -رضي الله عنه- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ مَثَلَ مَا بَعَثَنِي اللَّهُ بِهِ مِنَ الْهُدَى وَالْعِلْمِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَصَابَ أَرْضًا فَكَانَتْ طَائِفَةً طَيِّبَةً، قِيلَتْ الْمَاءُ فَأَنْبَتِ الْكَلَّا وَالْعُشْبَ الْكَثِيرَ، وَكَانَ مِنْهَا أَجَادِبُ أَمْسَكْتَ الْمَاءَ، فَنَفَعَ اللَّهُ بِهَا النَّاسَ فَشَرَبُوا مِنْهَا وَسَقَوْا وَزَرَعُوا. وَأَصَابَ طَائِفَةً أُخْرَى، إِنَّمَا هِيَ قِيعَانٌ لَا تُمْسِكُ مَاءً وَلَا تُنْبِتُ كَلًّا. فَذَلِكَ مَثَلُ مَنْ فَتَّهَ فِي دِينِ اللَّهِ، وَنَفَعَهُ مَا بَعَثَنِي اللَّهُ بِهِ، فَعَلِمَ وَعَلِمَ، وَمَثَلُ مَنْ لَمْ يَرْفَعْ بِذَلِكَ رَأْسًا وَلَمْ يَقْبَلْ هُدَى اللَّهِ الَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ». متفق عليه.

۱۰۹. از ابوموسی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هدایت و علمی که خداوند مرا بدان مبعوث فرموده است، مانند بارانی است که بر زمینی می بارد؛ قسمتی از زمین که پاک و حاصلخیز است، آب را فرو می گیرد و چراگاه و گیاه بسیاری را می رویاند، و قسمتی از آن که سخت است، آب را بر روی خود ننگه می دارد و فرو نمی برد، اما خداوند مردم را با آن بهره مند می سازد که می آشامند و در زمین با آن آبیاری و کشاورزی می کنند و همین باران به قسمت دیگری از زمین می رسد که جز بیابانی خشک نیست و آن را در خود نگاه نمی دارد و کشت و زرع به بار نمی آورد. (نه در خود فرو می برد، نه نگاه می دارد) همچنین است مثل کسی که در دین خدا فقیه شود و خداوند با رسالت من به او نفع برساند، خود بیاموزد و به مردم بیاموزاند و مثال کسی که بدین نعمت (علم و هدایت دین) سرفراز نشود و هدایت خدا را که من برای آن مبعوث شده ام، قبول نکند»^۲.

۱۱۰- عن جابر رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَثَلِي وَمَثَلُكُمْ كَمَثَلِ رَجُلٍ أَوْقَدَ نَارًا فَجَعَلَ الْجَنَادِبُ وَالْفَرَاشُ يَقَعْنَ فِيهَا وَهُوَ يَذُبُّهُنَّ عَنْهَا وَأَنَا آخِذٌ بِخُجْرِكُمْ عَنِ النَّارِ، وَأَنْتُمْ تَفْلُتُونَ مِنْ يَدِي». رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۱۷)، م (۴۳۶)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۷۹)، م (۲۲۸۲)].

۱۱۰. از جابر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مثال من و شما مانند مردی است که آتشی برافروخته باشد و ملخ‌ها و پروانه‌ها در آن بیفتند و او مانع آنها شود، من نیز دامن لباس شما را گرفته‌ام که از آتش محفوظ دارم ولی شما خود را از چنگ من بیرون می‌کشید تا به آتش درآیید»^۱.

۱۱۱- وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ بِلَعْقِ الْأَصَابِعِ وَالصَّحْفَةِ وَقَالَ: «إِنَّكُمْ لَا تَذَرُونَ فِي أَهْلِهَا الْبَرْكَهَ» رواه مسلم.

وفي رواية له: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَحْضُرُ أَحَدَكُمْ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ شَأْنِهِ حَتَّى يَحْضُرَهُ عِنْدَ طَعَامِهِ، فَإِذَا سَقَطَتْ مِنْ أَحَدِكُمُ اللَّقْمَةُ فَلْيُمِطْ مَا كَانَ بِهَا مِنْ أَدَى، فَلْيَأْكُلْهَا، وَلَا يَدْعُهَا لِلشَّيْطَانِ».

۱۱۱. از جابر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به لیسیدن انگشتان و کاسه امر نموده و فرمودند: «شما نمی‌دانید در کدام قسمت غذایتان برکت وجود دارد»^۲.
در روایتی دیگر از جابر رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همانا شیطان در هر حال از احوال شما، پیشتان حاضر است، حتی در هنگام غذا خوردن نیز نزد شخص حاضر می‌شود؛ پس هر گاه لقمه‌ی یکی از شما به زمین افتاد، آن را از خاک و خاشاک پاک کند و بعد بخورد و برای شیطان نگذارد».

۱۱۲- عن ابن عباس، رضي الله عنهما، قال: قَامَ فِينَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَوْعِظَةٍ فَقَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّكُمْ مُحْشَرُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى خُفَاءَ غَرَاءَ غُرْلًا» ﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۳] أَلَا وَإِنَّ أَوَّلَ الْخَلَائِقِ يُكْسَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِبْرَاهِيمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَلَا وَإِنَّهُ سَيَجَاءُ بِرَجَالٍ مِنْ أُمَّتِي، فَيُؤْخَذُ بِهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ فَأَقُولُ: يَا رَبِّ أَصْحَابِي، فَيُقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحْدَثُوا بَعْدَكَ، فَأَقُولُ كَمَا قَالَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ: {وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ...} إِلَى قَوْلِهِ: {الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ} [المائدة: ۱۱۷، ۱۱۸] فَيُقَالُ لِي: إِنَّهُمْ لَمْ يَزَالُوا مُرْتَدِّينَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ مُنْذُ فَارَقْتَهُمْ». متفقٌ عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۴۸۵)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۰۳۳)].

۱۱۲. از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر موعظه‌ای در میان مردم ایراد کردند و فرمودند: «ای مردم! شما نزد خداوند، پا برهنه، لخت و ختنه نشده حشر می‌شوید، همچنان که خداوند می‌فرماید:

﴿كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾

(الأنبياء / ۱۰۴)

«همان‌گونه که در اول، آفرینش را آغاز کردیم، آن را مجدداً باز می‌گردانیم و این بر ما وعده است که قطعاً آن را انجام می‌دهیم». و بدانید نخستین کسی که در قیامت پوشیده می‌شود، ابراهیم علیه السلام است، آگاه باشید! مردانی از امت من آورده می‌شوند و به طرف دوزخ سوق داده خواهند شد، آن‌گاه من می‌گویم: بار خدایا! آنان یاران من هستند! گفته می‌شود: تو نمی‌دانی که آنها بعد از تو چه کردند! و من همان قولی را که بنده‌ی شایسته‌ی خدا، عیسی علیه السلام فرمود، عرض می‌کنم:

﴿وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١١٧﴾ إِنَّ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبْدُكَ ﴿١١٨﴾ وَإِنْ تَغْفِرَ لَهُمْ فَاِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

(المائدة / ۱۱۷-۱۱۸)

«و من تا آن زمان که در میان آنان بودم، از وضع آنان اطلاعی داشتم و شاهد آنان بودم و هنگامی که مرا میراندی، تنها تو ناظر و مراقب آنها بودی و تو بر هر چیزی آگاه و مطلع هستی. اگر آنان را مجازات نمایی، بندگان تو هستند و اگر از آنها درگذری، قطعاً تو توانا و حکیم هستی».

سپس به من گفته می‌شود: آنان، از روزی که تو از آنها جدا شدی، به عقب برگشته و مرتد شدند».

۱۱۳- وعن عابِسِ بْنِ رَبِيعَةَ قَالَ: رَأَيْتُ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، يُقْبَلُ الْحَجَرَ، يَغْنِي الْأَسْوَدَ وَيَقُولُ: إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّكَ حَجَرٌ مَا تَنْفَعُ وَلَا تَضُرُّ، وَلَوْلَا أَنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يُقْبَلُكَ مَا قَبَّلْتُكَ.. (متفق عليه).

۱۱۳. و از عابس بن ربیعہ روایت شده است کہ فرمود: عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ را دیدم کہ حجر الاسود را می بوسید و می فرمود: می دانم کہ تو سنگی هستی و نفع و ضرر نمی رسانی و اگر پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم را ندیده بودم کہ تو را می بوسید، هرگز تو را نمی بوسیدم^۱.

۱- منظور از نقل و معنای این دو حدیث، سعی در پیروی از سنت و رفتار پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم در هر کاری است. مترجم.

۱۷- باب وجوب الإنقياد لحكم الله وما يقوله من دعى إلى ذلك

و أمر بمعروف أو نهى عن منكر

باب وجوب اطاعت و تسليم در برابر حكم خدا و نیز

آنچه كه شخص دعوت شده به این كار و امر شده به

معروف و نهی شده از منكر، باید بگوید

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِيْ

أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (النساء / ۶۵)

«نه چنین نیست، به خدای تو سوگند، ایمان نخواهند داشت تا این که در مورد مشاجرات و اختلافات میان خود، تو را قاضی و داور قرار دهند و نسبت به حکم تو در درون خود، هیچ گونه ناراحتی و ملالی نداشته باشند و کاملاً تسلیم (قضاوت و حکم تو) باشند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ

يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (النور / ۵۱)

«مؤمنان وقتی که به سوی خدا و پیامبرش فرا خوانده شوند تا پیامبر در میان آنها حکم کند، سخنشان تنها این است که می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم! آنها رستگاران هستند».

وفیه من الأحادیث، حدیث ابی هریره المذكور فی أول الباب قبله، وغیره من الأحادیث فیہ.

واحادیثی همانند حدیث ابوهریره که در اول باب قبل ذکر شد و احادیث دیگر نیز در این باره اند.

۱۱۴- عن أبي هريرة رضي الله عنه، قال: لما نزلت على رسول الله صلى الله عليه وسلم: ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ﴾ [البقرة: ۲۸۳] اشتد ذلك على أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم، فأتوا رسول الله صلى الله عليه وسلم، ثم برکوا على الركب فقالوا: أي رسول الله، كلفنا من الأعمال ما نطيق: الصلاة والجهاد والصيام والصدقة، وقد أنزلت عليك هذه الآية ولا نطيقها. قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أتريدون أن تقولوا كما قال أهل الكيابين من قبلكم: سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا؟ بَلْ قُولُوا: سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» فَلَمَّا افْتَرَاهَا الْقَوْمُ، وَذَلَقَتْ بِهَا أَلْسِنَتُهُمْ، أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي إِثْرِهَا: ﴿ءَامِنَ الرَّسُولُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامِنٌ بِاللَّهِ وَمَلَيْكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ فَلَمَّا فَعَلُوا ذَلِكَ نَسَخَهَا اللَّهُ تَعَالَى، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ كُنَّا سَاقِطِينَ أَوْ أَخْطَأْنَا﴾ قَالَ: نَعَمْ ﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا﴾ قَالَ: نَعَمْ. ﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ قَالَ: نَعَمْ ﴿وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ قَالَ: نَعَمْ. رواه مسلم.

۱۱۴. از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: «وقتی این آیه نازل شد:

﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ

يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ﴾ (البقرة / ۲۸۴)

«آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست و اگر آنچه را که در درون دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند شما را بر آن محاسبه می‌کند».

بر اصحاب رسول گران آمد؛ پس نزد پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم آمدند و بر زانو نشسته، گفتند: ای رسول خدا! اعمالی بر ما تکلیف شده که طاقت انجام آن را نداریم: نماز، جهاد، روزه و زکات؛ و اینک آیه‌ای بر تو نازل شده است که ما تاب آن را نداریم،

پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا شما هم می‌خواهید همان سخنی را بگویید که اهل تورات و انجیل گفتند: «شنیدیم و در انجام دادن آن سربپیچی کردیم»، بلکه شما بگویید: «سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»». «شنیدیم و اطاعت کردیم و مغفرت تو را انتظار داریم و بازگشت به سوی توست». وقتی که اصحاب آن را قرائت کردند و زبان‌شان خاشعانه بدان گویا شد، خداوند در پی آن، این آیه را نازل فرمود:

﴿ءَاَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَاَمَنَ بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا يُفَرِّقُونَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾
(البقرة / ۲۸۵)

«پیامبر به آنچه از طرف پروردگارش بر او نازل شده است، ایمان آورده است و مؤمنان (نیز) به آن ایمان آورده‌اند؛ همه‌ی (آنها) به خداوند، فرشتگان او، کتاب‌های او و پیامبرانش ایمان آورده‌اند و (می‌گویند): میان هیچ‌یک از پیامبران او، فرقی نمی‌گذاریم و می‌گویند: «پروردگارا! شنیدیم و اطاعت کردیم و مغفرت تو را انتظار داریم و بازگشت به سوی توست».

وقتی که چنین کردند، خداوند آیه‌ی قبل را نسخ نمود و این آیه را نازل فرمود:

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا﴾ «خداوند بر هیچ کس جز به اندازه‌ی توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند، هر کسی هر کار (نیکی) انجام دهد، برای خود انجام داده و هر کار (بدی) انجام دهد، به زیان خود اوست؛ پروردگارا! اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را مؤاخذه و بازخواست نکن!» خداوند فرمود: بلی، اجابت کردم. ﴿رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا﴾ «پروردگارا! بار سنگین (وظایف طاقت‌فرسا) را بر ما نگذار، چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر امت‌های قبل از ما گذاشتی». خداوند فرمود: بلی، اجابت کردم. ﴿رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ «پروردگارا! آنچه را که توان آن را نداریم بر ما تحمیل مکن». خداوند فرمود: بلی. ﴿وَاَعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

«از ما درگذر و عفو کن و بیامرزش، بر ما رحم کن؛ تو یاور و سرور ما هستی، پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان». خداوند فرمود: بلی، اجابت کردم».

۱۸- باب فی النهی عن البدع ومحدثات الأمور
باب در نهی از بدعت‌ها و امور تازه وارد (در دین)

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ﴾ (یونس / ۳۲)

«آیا بعد از حق، جز گمراهی چه چیزی وجود دارد؟».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (الأنعام / ۳۸)

«در این کتاب (قرآن یا لوح محفوظ) هیچ چیز را (کم یا ناقص نگفتیم و از بیان حق) فروگذار نکردیم».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَإِنْ تَنَزَّعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ (الأنعام / ۳۸)

«اگر در چیزی اختلاف پیدا کردید، آن را به خدا و پیامبرش برگردانید». یعنی به کتاب و سنت مراجعه کنید.

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ

سَبِيلِهِ﴾ (الأنعام / ۱۵۳)

«همانا این راه راست (و روشن) من است، پس از آن پیروی کنید و از راه‌ها (ی باطل) پیروی نکنید که از راه او دور و گمراه (می) شوید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾

(آل عمران / ۳۱)

«ای پیامبر ﷺ) بگو: اگر شما خداوند را دوست دارید، مرا پیروی

کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد، و گناهان شما را بپارزد».

والآیات فی الباب كثيرة معلومة.

۱۱۵- عن عائشة -رضي الله عنها- قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ أَخَذَتْ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ» متفق عليه.

وفي رواية لمسلم: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ».

۱۱۵. از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که در این امر ما (اسلام و دستورات آن)، چیز تازه‌ای ایجاد کند که از آن نباشد، مردود است»^۱.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «کسی که رفتاری انجام دهد که امر (دین) ما بر آن نباشد، مردود است».

۱۱۶- وعن جابر، رضي الله عنه، قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، إِذَا خَطَبَ أَحْمَرَّتْ عَيْنَاهُ، وَعَلَا صَوْتُهُ، وَاشْتَدَّ غَضَبُهُ، حَتَّى كَأَنَّهُ مُنْذِرُ جَيْشٍ يَقُولُ: «صَبِّحَكُمْ وَمَسَاكُم» وَيَقُولُ: «بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ» وَيَقْرُنُ بَيْنَ أَصْبُعَيْهِ، السَّبَابَةَ، وَالْوُسْطَى، وَيَقُولُ: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ، وَخَيْرُ الْهَدْيِ هَدْيُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَشَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا وَكُلُّ بَدْعٍ ضَلَالَةٌ». رواه مسلم.

(افراً: ۱۰۶)

۱۱۶. و از جابر رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ در حین خطبه خواندن، چشمانش سرخ می‌شد و صدایش بالا می‌گرفت و خشمش شدید می‌شد، چنان که گویی ترساننده‌ی (دیده‌بان) لشکر است و آنها را از نزدیک شدن لشکر دشمن می‌ترساند و می‌گوید: «مواظب باشید! دشمن صبح بر شما حمله می‌آورد یا بر شما شبیخون می‌زند» و (در چنین حالی) می‌فرمودند: من مبعوث شدم در حالی

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۶۷۹)، م (۱۷۱۸)].

که فاصله‌ام با قیامت، مثل این دوتاست»، و دو انگشت سیابه و وسطی را در کنار هم، با هم نشان می‌داد و می‌فرمودند: «بهترین سخن، کتاب خدا و بهترین راه، راه محمد ﷺ است و بدترین کارها، امور تازه وارد (در دین) است و هر بدعتی گمراهی است»^۱.

و از عریاض بن ساریه، حدیثی در این مورد روایت شده است که در باب محافظت بر سنت و آداب آن، گذشت.^۲

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۶۷)].

۲- [حدیث شماره‌ی: ۱۰۶]

۱۹- باب فیمن سنّ سنة حسنة أو سيئة
باب در مورد کسی که سنت خوب یا بد بگذارد

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾
(الفرقان / ۷۴)

«و بندگان خدا) آن کسانی هستند که می‌گویند: پروردگارا! از همسران ما و نوادگان ما، کسانی را به ما عطا فرما که موجب روشنایی چشمانمان گردند و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان!».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا﴾
(الانبیاء / ۷۳)

«ما آنان را پیشوایانی قرار دادیم که (مردم را) به دین ما هدایت می‌کردند».

۱۱۷- عَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كُنَّا فِي صَدْرِ النَّهَارِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَجَاءَهُ قَوْمٌ غَرَاةٌ مُجْتَابِي النَّمَارِ أَوْ الْعَبَاءِ، مُتَقَلِّدِي السُّيُوفِ، عَامَّتُهُمْ، بَلْ كُلُّهُمْ مِنْ مُضَرَ، فَتَمَعَّرَ وَجْهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، لِمَا رَأَى بِهِمْ مِنَ الْفَاقَةِ، فَدَخَلَ ثُمَّ خَرَجَ، فَأَمَرَ بِأَلَا فَاذَنْ وَأَقَامَ، فَصَلَّى ثُمَّ خَطَبَ، فَقَالَ: ﴿يَتَأَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾، وَالْآيَةُ الْآخَرَى الَّتِي فِي آخِرِ الْحَشْرِ: ﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ﴾. تَصَدَّقَ رَجُلٌ مِنْ دِينَارِهِ، مِنْ دِرْهَمِهِ، مِنْ ثَوْبِهِ، مِنْ صَاعِ بُرِّهِ، مِنْ صَاعِ تَمْرِهِ، حَتَّى قَالَ: وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ، فَجَاءَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ بِصُرَّةٍ كَادَتْ كَفُّهُ تَعْجِزُ عَنْهَا، بَلْ قَدْ عَجَزَتْ، ثُمَّ تَتَابَعَ النَّاسُ حَتَّى رَأَيْتُ كَوْمَيْنِ مِنْ طَعَامٍ وَثِيَابٍ، حَتَّى رَأَيْتُ وَجْهَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ،

يَتَهَلَّلُ كَأَنَّهُ مُذْهَبَةٌ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا، وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ، وَمَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ». رواه مسلم.

۱۱۷. از جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: یک بار، اول روز بود و ما، در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که گروهی نیمه برهنه که لباس پشمین یا پارچه‌ای راه راهی - که آن را از وسط سوراخ کرده و از سر، پوشیده بودند - به تن و شمشیرهایی آویزان بر گردن داشتند و بیشتر - بلکه همه‌ی - آنها، از «قبیله‌ی مضر» بودند، به نزد ایشان آمدند؛ چهره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدن فقر آنها تغییر کرد و به منزل رفت و سپس برگشت و به بلال فرمان داد که اذان (ظهر) و اقامه بگوید. سپس نماز خواند و خطبه‌ای ایراد کردند و این آیه را خواندند:

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ ۖ وَالْأَرْحَامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾
(النساء / ۱)

«ای مردم! از پروردگارتان بترسید، (پروردگاری) که شما را از یک نفس واحد بیافرید و از آن نفس، همسرش را آفرید و از آن دو نفر، مردان و زنان فراوانی (خلق کرد و) منتشر ساخت. و از خدایی تقوا کنید و بترسید که همدیگر را به او سوگند می‌دهید و بپرهیزید از این که پیوندهای خویشاوندی را پاره نمایید، (زیرا که) بی‌گمان خداوند مراقب (اعمال و کارهای) شماست».

سپس آیه‌ی دیگر را که در اواخر سوره‌ی حشر است، قرائت کردند:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ﴾

(الحشر / ۱۸)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و هر کس باید بنگرد که چه چیزی را برای فردا (قیامت) پیشاپیش فرستاده است».

سپس فرمودند: «هر کس باید از دینار و درهم و **لباس** و پیمانه‌ی گندم و خرمایش صدقه دهد».

حتی فرمودند: «اگرچه نصف خرمایی باشد»، بعد مردی از انصار، کیسه‌ای آورد که دستش (از سنگینی آن) توانایی حمل آن را نداشت - بلکه نمی‌توانست حمل کند - سپس مردم به دنبال او آمدند و دو توده طعام و لباس جمع شد، چنان که صورت پیامبر ﷺ را دیدم که از شادی همچون طلا می‌درخشید و فرمودند: «هر کس در اسلام روشی نیکو بگذارد، پاداش آن و پاداش هر کس که بعد از او به آن سنت عمل کند، برای اوست، بدون این که پاداش انجام دهندگان آن، ناقص و کم گردد و هر کس در اسلام، سنت بدی را معمول سازد و بنیان گذارد، گناه آن و گناه عمل‌کنندگان به آن، بر اوست، بدون این که ذره‌ای از گناهان آنها کم شود».

۱۱۸- وعن ابن مسعود رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَيْسَ مِنْ نَفْسٍ تُقْتَلُ ظُلْمًا إِلَّا كَانَ عَلَى ابْنِ آدَمَ الْأَوَّلِ كِفْلٌ مِنْ دَمِهَا لِأَنَّهُ كَانَ أَوَّلَ مَنْ سَنَّ الْقَتْلَ» متفق عليه.

۱۱۸. از ابن مسعود رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هیچ انسانی نیست که به ظلم کشته شود، مگر آن که سهمی از گناه ریختن خون او، بر پسر اول آدم (قابیل) است، زیرا که او، اولین کسی است که قتل را معمول گردانید».

۲۰- باب فی الدلالة علی خیر والدعاء إلی هدی أو ضلالة
باب دلالت بر خیر و دعوت به هدایت یا ضلالت

قَالَ تَعَالَى:

﴿وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ﴾ (القصص / ۸۷)

«مردم را» به سوی پروردگارت دعوت کن».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ (النحل / ۱۲۵)

«مردم را» با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ﴾ (المائدة / ۲)

«در کارهای نیک و پرهیزگاری، همدیگر را یاری نمایید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَتَكُن مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ﴾ (آل عمران / ۱۰۴)

«باید از میان شما گروهی باشد که مردم را به کار نیک دعوت کنند».

۱۱۹- وعن أبي مسعود رضي الله عنه قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ». رواه مسلم.

۱۱۹. از ابومسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که مردم را بر (کار) خیری دلالت کند، اجری همانند اجر انجام دهنده‌ی آن (کار) خیر خواهد داشت»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸۹۳)].

۱۲۰- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أنَّ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئاً، وَمَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئاً» رواه مسلم.

۱۲۰. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که به کار نیکی دعوت کند، برای او اجری همانند اجر پیروانش در آن کار نیک وجود دارد و از اجر آنها نیز چیزی کم نمی‌شود، و کسی که به گمراهی و گناه دعوت کند، گناهش مثل گناهان پیروانش در آن گناه است و از گناه آنها نیز چیزی کم نمی‌شود»^۱.

۱۲۱- وعن سهل بن سعد الساعدي رضي الله عنه أنَّ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَوْمَ خَيْبَرَ لِعَلِيِّ: «انْفُذْ عَلَى رِسْلِكَ حَتَّى تَنْزِلَ بِسَاحَتِهِمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ، وَأَخْبِرْهُمْ بِمَا يَجِبُ مِنَ حَقِّ اللَّهِ تَعَالَى فِيهِ، فَوَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ». متفقٌ عليه.

۱۲۱. از سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز «خیبر» برای علی فرمودند: «مأموریت خود را آرام به انجام برسان تا وارد میدان آنها می‌شوی، آن‌گاه آنان را به اسلام دعوت کن و آنچه از حق خدا را که بر ایشان واجب است، به آنان اعلام نما (تا آگاه شوند) که به خدا سوگند! اگر خداوند تنها یک نفر را به وسیله‌ی (ارشاد و آرامش و مهربانی) تو هدایت کند، برای تو از شتران سرخ موی بهتر است»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۷۴)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۳۷۰۱)، م (۲۴۰۶)].

۲۱- باب فی التعاون علی البر والتقوی
باب همکاری در نیکوکاری و پرهیزگاری

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (المائدة / ۲)

«در نیکوکاری و پرهیزگاری، به همدیگر کمک کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾﴾ (العصر / ۱-۳)

«سوگند به زمان که به حقیقت، انسان در زیان است، مگر کسانی که

ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته می‌کنند و همدیگر را به حق

سفارش می‌کنند و به صبر توصیه می‌نمایند».

قَالَ الْإِمَامُ الشَّافِعِيُّ - رَحِمَهُ اللَّهُ - كَلَاماً مَعْنَاهُ: «إِنَّ النَّاسَ أَوْ أَكْثَرَهُمْ فِي غَفْلَةٍ عَنْ تَدْبِيرِ هَذِهِ السُّورَةِ».

«امام شافعی - رحمه الله - در باره‌ی این سوره، سخنی فرموده است که معنای آن چنین است: به حقیقت تمام مردم یا بیشتر آنها از تدبیر و سعی در پی بردن به عمق این سوره، غافل هستند».

۱۲۲- وعن زيد بن خالد الجهني رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَدْ غَزَا، وَمَنْ خَلَفَ غَازِيًا فِي أَهْلِهِ بِخَيْرٍ فَقَدْ غَزَا». متفقٌ عليه.

۱۲۲. و از زید بن خالد جهنی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس یک رزمنده‌ی راه خدا را مسلح و آماده‌ی جهاد کند، و هر کس در غیاب یک جهاد کننده و زمانی که وی در جهاد است، سرپرستی و مواظبت خانواده‌ی او

را بر عهده بگیرد و به خانواده‌اش نیکی کند، (مانند آن است که) خود به جهاد رفته است»^۱.

۱۲۳- وعن ابن عباس -رضي الله عنهما- أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقِيَ رَكْبًا بِالرُّوحَاءِ فَقَالَ: «مَنْ الْقَوْمُ؟» قَالُوا: الْمُسْلِمُونَ، فَقَالُوا: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: «رَسُولُ اللَّهِ» فَرَفَعَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ صَبِيًّا فَقَالَتْ: أَلْهَذَا حَجٌّ؟ قَالَ: «نَعَمْ وَلَكِ أَجْرٌ». رواه مسلم.

۱۲۳. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به کاروانی در «روحاء» (جایی نزدیک مدینه) برخورد کرد و پرسید: «این طایفه کیستند؟» گفتند: مسلمانان هستند، آنها (پیامبر صلی الله علیه و آله را نشناختند و) گفتند: تو کیستی؟ فرمودند: «فرستاده‌ی خدایم»؛ پس زنی کودکش را به نزدش آورد و پرسید: آیا این کودک حج دارد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بله، و تو اجری خواهی داشت»^۲.

۱۲۴- عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «الْحَازِنُ الْمُسْلِمُ الْأَمِينُ الَّذِي يُنْفِدُ مَا أُمِرَ بِهِ، فَيُعْطِيهِ كَامِلًا مُوقَرًّا طَيِّبَةً بِهِ نَفْسُهُ فَيَدْفَعُهُ إِلَى الَّذِي أُمِرَ لَهُ بِهِ أَحَدُ الْمُتَصَدِّقِينَ». متفق عليه.

۱۲۴. از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خزانه‌دار مسلمان امینی که آنچه را به او امر و حواله شده است، انجام و مبلغ حواله شده را کامل و تمام و با رضایت خاطر (نه با اجبار و حسادت)، به شخص معلوم شده تحویل می‌دهد، یکی از صدقه‌دهندگان است»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۸۴۳)، م (۱۸۹۵)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۳۳۶)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۳۸)، م (۱۰۲۳)].

۲۲- باب فی النصیحة
باب نصیحت و اندرز و خیرخواهی

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ ﴾ (الحجرات / ۱۰)

«همانا مؤمنان برادران همدیگرند».

و قال تعالى إخباراً عن نوح عليه السلام:

﴿ وَأَنْصَحُ لَكُمْ ﴾ (الأعراف / ۶۲)

و خداوند تبارک و تعالی از قول نوح علیه السلام می فرماید:

«من شما را پند و اندرز می دهم».

و از قول هود عليه السلام می فرماید:

﴿ وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴾ (الأعراف / ۶۸)

«من برای شما، اندرزگوی امینی هستم».

۱۲۵- عَنْ تَمِيمِ بْنِ أَوْسِ الدَّارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الدِّينُ النَّصِيحَةُ» قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ: «لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَنْتُمْ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ» رواه مُسْلِم.

۱۲۵. از تمیم بن اوس داری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «دین، نصیحت و خیرخواهی است»، گفتیم: برای چه کسی؟ فرمودند: «برای خدا و کتابش و پیامبرش و پیشوایان مسلمان و عموم آنها برای همدیگر»^۱.

۱۲۶- عَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: بَايَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى: إِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالنَّصْحِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ. متفقٌ عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۵)].

۱۲۶. از جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: با پیامبر صلی الله علیه و آله بر اقامه‌ی نماز و دادن زکات و نصیحت و خیرخواهی برای هر فرد مسلمان، بیعت کردم^۱.

۱۲۷- عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ». متفقٌ عليه.

۱۲۷. از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ‌کدام از شما ایمان کامل ندارد، تا آن‌گاه که هرچه را برای خود دوست دارد، برای برادر(ان) دینی خود نیز دوست بدارد».

۱- متفق علیه است؛ [خ(۵۷)، م(۵۶)].

۲۳- باب فی الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر

باب در امر به معروف و نهی از منکر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^ع
(آل عمران / ۱۰۴)

«باید از میان شما گروهی باشد که مردم را به سوی خیر راهنمایی کنند؛ امر به نیکی نمایند و از بدی بازدارند، چنین کسانی رستگارند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^ع
(آل عمران / ۱۱۰)

«شما بهترین امتی هستید که از میان مردم برانگیخته شده‌اید (زیرا) که به کار نیک امر و از کار بد نهی می‌کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾^ع (الأعراف / ۱۹۹)
«عفو و گذشت داشته باش و به کار نیک امر کن و از نادانان چشم‌پوشی کن».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^ع (الأعراف / ۱۹۹)

«مردان و زنان مؤمن، یک یک دوستان و یاوران همدیگر هستند. یکدیگر را به کار نیک امر می‌کنند و از کار بد منع می‌نمایند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿لُعِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٧٨﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (المائدة / ۷۸-۷۹)

«کافران بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی فرزند مریم لعنت شدند و این بدان خاطر بود که نافرمانی کردند و از حد می گذشتند * همدیگر را از آن کار زشتی که مرتکبش شدند، باز نمی داشتند، به راستی که عمل آنان بسیار بد بود».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾ (الکهف / ۲۹)

«بگو: حق از سوی پروردگارتان است، پس هر کس که می خواهد، ایمان بیاورد و هر کس که می خواهد، کافر شود».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ﴾ (الحجر / ۹۴)

«آنچه را که به تو امر شده است (دعوت به حق)، آشکار کن».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿أُجْنِبْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ (الاعراف / ۱۶۵)

«ما کسانی را که از بدی نهی می کردند، نجات دادیم و کسانی را که ستم می کردند، به خاطر استمرار فسق و معاصی آنها، به عذاب سختی گرفتار کردیم».

آیات در این مورد فراوان و معلوم است.

۱۲۸- عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى الله عليه وسلم يقول: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ» رواه مسلم.

۱۲۸. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «اگر کسی از شما کار زشتی را دید، باید با دست خود آنرا تغییر دهد و اگر نتوانست، با موعظه و نصیحت در رفع آن اقدام کند و اگر بر این کار نیز توانا نبود، در دل خود آن عمل ناروا را مکروه و زشت بشمارد (و از عامل آن دوری گزیند) و این (مخالفت تنها در دل و عدم دفع عمل منکر با دست یا زبان) نشانه ضعیف‌ترین ایمان است»^۱.

۱۲۹- عن ابن مسعود رضي الله عنه أنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا مِنْ نَبِيٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ فِي أُمَّةٍ قَبْلِي إِلَّا كَانَ لَهُ مِنْ أُمَّتِهِ حَوَارِيُّونَ وَأَصْحَابٌ يَأْخُذُونَ بِسُنَّتِهِ وَيَقْتَدُونَ بِأَمْرِهِ، ثُمَّ إِنَّهَا تَخْلُفُ مِنْ بَعْدِهِمْ خُلُوفٌ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ، وَيَفْعَلُونَ مَا لَا يُؤْمَرُونَ، فَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِيَدِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِقَلْبِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِلِسَانِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَلَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ حَبَّةُ خَرْدَلٍ» رواه مسلم.

۱۲۹. از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر پیامبری که خداوند قبل از من برای امتی مبعوث کرده است، در بین امتش، دوستان و یارانی نزدیک و مخلص داشته است که سنت و رفتار او را در پیش می‌گرفتند و به اوامر و سنت‌های او اقتدا می‌کردند، و سپس کسانی بعد از آنان جانشینان می‌شدند که به گفته‌ی خود عمل نمی‌کردند و کاری می‌کردند که به آن امر نشده بودند، (چنین کسانی در امت من هم خواهند بود) هر کس با دست (عملی) با آنها جهاد و مبارزه کند، مؤمن و هر کس با زبانش (قولی) با آنها مبارزه کند، مؤمن و هر کس در دل خود (قلبی) با آنها مخالفت کند، مؤمن است و بعد از مخالفت سوم (قلبی) حتی به اندازه‌ی دانه خردلی (ذره‌ای) ایمان وجود ندارد»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۴۹].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۴۹].

۱۳۰- عن عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «بَايَعَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ وَالْمَنْشَطِ وَالْمَكْرَهُ، وَعَلَى أَثَرَةٍ عَلَيْنَا، وَعَلَى أَنْ لَا نُنَازِعَ الْأَمْرَ أَهْلَهُ إِلَّا أَنْ تَرَوْا كُفْرًا بَوَاحًا عِنْدَكُمْ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فِيهِ بُرْهَانٌ، وَعَلَى أَنْ نَقُولَ بِالْحَقِّ أَيْنَمَا كُنَّا لَا نَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً» متفق عليه.

۱۳۰. از عباده بن صامت رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: ما، بر شنیدن و اطاعت کردن در سختی و راحتی و شادی و ناگواری و هنگام ترجیح داده شدن دیگران بر ما در امر مشترک و نیز بر عدم نزاع و جنگ با امیران وقت - مگر آن که کفری آشکار از آنان مشاهده کنیم و دلیلی دینی و روشن بر آن داشته باشیم - و بر این که در هر جا باشیم، حق بگوییم و از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نترسیم، با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کردیم و پیمان بستیم».

۱۳۱- عَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ أُمِّ سَلَمَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّهُ يُسْتَعْمَلُ عَلَيْكُمْ أُمَرَاءُ فَتَعْرِفُونَ وَتُكْرَهُونَ فَمِنْ كَرِهٍ فَقَدْ بَرِئَ وَمَنْ أَنْكَرَ فَقَدْ سَلِمَ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ» قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَلَا نُقَاتِلُهُمْ؟ قَالَ: «لَا، مَا أَقَامُوا فِيكُمْ الصَّلَاةَ» رواه مسلم.

مَعْنَاهُ: مَنْ كَرِهَ بِقَلْبِهِ وَلَمْ يَسْتَطِعْ انْكَارًا بِيَدٍ وَلَا لِسَانٍ فَقَدْ بَرِئَ مِنَ الْإِثْمِ وَأَدَّى وَظِيفَتَهُ، وَمَنْ أَنْكَرَ بِحَسَبِ طَاقَتِهِ فَقَدْ سَلِمَ مِنْ هَذِهِ الْمَعْصِيَةِ، وَمَنْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ وَتَابَعَهُمْ، فَهُوَ الْعَاصِي.

۱۳۱. از ام‌المؤمنین ام‌سلمه -رضی الله عنها- روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «همانا امرایی بر شما حاکم خواهند شد که بعضی از کارهای آنها را نیک و موافق شرع و برخی را مخالف آن می‌بینید، و هر کس که آن را (در دل) ناپسند دانست (ولی توانایی عملی یا قولی برای مبارزه نداشت، تنها با همین ناپسند دانستن، وظیفه‌اش را ادا کرده و) از گناه بری می‌شود، و هر کس با آن مخالفت و به قدر توانایی خود مبارزه کند، (از گناه تأیید ظلم و منکر) سالم می‌ماند، ولی کسی که به عمل آنان راضی باشد و از آنها پیروی کند، (عاصی و نافرمان و گناهکار

است). گفتند: «ای رسول خدا، آیا با آنها نجنگیم؟ فرمودند: «تا هنگامی که در میان شما نماز را اقامه کنند، نه»^۱.

معنایش این است که هر کس کار آنها را با قلبش بد بداند و توانایی انکار آن را با دست و زبان نداشته باشد از گناه دوری جسته و وظیفه‌ی خود را انجام داده است و هر کس بر حسب توان خود آنان را انکار کند نیز از این گناه خود را سالم نگه داشته است اما هر کس که به کار آنها راضی شده و از آنان پیروی کند گناهکار است.

۱۳۲- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ فِي الطَّرِيقَاتِ» فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا لَنَا مِنْ مَجَالِسِنَا بُدَّ، نَتَحَدَّثُ فِيهَا! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَإِذَا أَبَيْتُمْ إِلَّا الْمَجْلِسَ فَأَعْطُوا الطَّرِيقَ حَقَّهُ» قَالُوا: وَمَا حَقُّ الطَّرِيقِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «غَضُّ الْبَصَرِ، وَكَفُّ الْأَذَى، وَرَدُّ السَّلَامِ، وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ». متفق عليه.

۱۳۲. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از نشستن در سر راه‌ها بپرهیزید»، اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا! از نشستن در مجالس چاره‌ای نداریم، زیرا که در آنجا صحبت می‌کنیم! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «پس اگر چاره‌ای جز با هم نشستن در آنجاها ندارید، حق راه را رعایت نمایید»، گفتند: ای رسول خدا! حق راه چیست؟ فرمودند: «پوشیدن چشم از نظر حرام، خودداری از اذیت و آزار دیگران، جواب سلام، امر به معروف و نهی از منکر»^۲.

۱۳۳- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ أَنَّ عَائِدَ بْنَ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ دَخَلَ عَلَى عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ فَقَالَ: أَيُّ بُنَيٍّ، إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ شَرَّ الرَّعَاءِ الْخُطْمَةُ» فَإِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ. فَقَالَ لَهُ: اجْلِسْ فَإِنَّمَا أَنْتَ مِنْ نُخَالَةٍ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: وَهَلْ كَانَتْ لَهُمْ نُخَالَةٌ، إِنَّمَا كَانَتْ النُّخَالَةُ بَعْدَهُمْ وَفِي غَيْرِهِمْ! رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸۵۴)].

۲- متفق علیه است؛ [خ(۲۴۶۵)، م(۲۱۲۱)].

۱۳۳. از ابو سعید، حسن بصری روایت شده است که فرمود: عائذ بن عمرو رضی الله عنه نزد عبیدالله بن زیاد رفت و فرمود: ای فرزندم! از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «همانا بدترین چوپانها، آنهایی هستند که به حیوانهای تحت مراقبت خود، ظلم می کنند». مواظب باش که از آنان نباشی! ابن زیاد به او گفت: بنشین! تو از فرومایگان و افراد دست پایین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله هستی! عائذ گفت: مگر در اصحاب محمد صلی الله علیه و آله افراد فرومایه و پست وجود داشت؟ (خیر)، فرومایگان و پستان بعد از ایشان و در میان غیر ایشان بودند^۱.

۱۳۴- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۱۳۴. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بزرگترین و برترین جهاد، سخن حقی است که نزد پادشاهی ستمکار گفته شود»^۲.

۱۳۵- عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّكُمْ تَقْرَأُونَ هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۖ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا أَهْتَدَيْتُمْ﴾ [المائدة: ۱۰۵] وَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَى يَدَيْهِ أَوْشَكَ أَنْ يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ مِنْهُ». رواه أبوداود، والترمذي والنسائي بأسانيد صحيحة.

۱۳۵. از ابوبکر صدیق رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: ای مردم! شما این آیه را می خوانید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۖ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا أَهْتَدَيْتُمْ﴾. «ای کسانی که ایمان آورده اید! مراقب خود باشید! اگر

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۸۳۰].

۲- ابوداود [۴۳۴۴] و ترمذی [۲۱۷۵] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

شما هدایت یافته‌اید، گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند، به شما زیانی نمی‌رساند».

(و گمان می‌کنید که نیازی به امر به معروف و نهی از منکر نیست) در حالی که من از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمودند: «مردم، اگر ظالمی را دیدند و دست او را نگرفتند و مانع ظلم او نشدند، انتظار می‌رود که خداوند، همه‌ی آنها را به عقاب خود گرفتار کند».

۲۴- باب تغلیظ عقوبة من أمر بمعروف أو نهی عن منکر

وخالف قوله فعله

باب سختی مجازات کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، ولی گفتارش مخالف رفتارش باشد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾
(البقرة / ۴۴)

«آیا مردم را به نیکی امر می‌کنید و خود را فراموش می‌نمایید؛ در صورتی که کتاب (آسمانی را هم) می‌خوانید؟ چرا (درست) نمی‌اندیشید؟».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ۚ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾
(الصف / ۲-۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی را می‌گویید که خود به آن عمل نمی‌کنید؟ اگر سخنی را بگویید و خود به آن عمل نکنید، موجب خشم عظیم خداوند می‌گردد».

وقال تعالى إخباراً عن شعيب عليه السلام:

﴿وَمَا أَرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَكُمْ عَنْهُ﴾ (هود / ۲۸۸)

و خداوند متعال از قول «حضرت شعيب عليه السلام» می‌فرماید: «من نمی‌خواهم شما را از چیزی باز دارم و خودم آن را انجام دهم».

۱۳۶- وعن أسامة بن زيد -رضي الله عنهما- قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «يُؤْتَى بِالرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُلْقَى فِي النَّارِ، فَتَنْدَلِقُ أَقْتَابُ بَطْنِهِ، فَيَدُورُ بِهَا كَمَا يَدُورُ

الْحِمَارُ فِي الرَّحَا، فَيَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَهْلُ النَّارِ فَيَقُولُونَ: يَا فُلَانُ، مَا لَكَ؟ أَلَمْ تَكُنْ تَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ؟ فَيَقُولُ: بَلَى، كُنْتُ أَمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا آتِيهِ، وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَآتِيهِ» متفق عليه.

۱۳۶. از اسامه بن زید بن حارثه رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «روز قیامت مردی احضار شده و در آتش انداخته می شود آن گاه روده های او از شکمش بیرون می ریزد و او به دور آن می چرخد مانند خری که به دور آسیاب می گردد، اهل دوزخ بر او جمع می شوند و می گویند: ای فلانی! این چه حالی است که تو داری؟ (چه گناهی انجام داده ای؟! مگر تو امر به معروف و نهی از منکر نمی کردی؟ جواب می دهد: بله، من امر به معروف می کردم ولی خود انجام نمی دادم و نهی از منکر می نمودم اما خود آن را انجام می دادم»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۲۶۷)، م (۲۹۸۹)].

۲۵- باب الأمر بأداء الأمانة

باب امر به ادای امانت

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ (النساء / ۵۸)

«خداوند امر می کند که امانت ها را به صاحبان آنها برگردانید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ تَحْمِلَهَا

وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (الأحزاب / ۷۲)

«ما (بار سنگین) امانت (اختیار و اراده و عبادت) را بر آسمان ها و زمین و کوه ها، عرضه کردیم، آنها از پذیرش و برداشتن آن خودداری کردند ولی انسان، آن را پذیرفت، زیرا که او بسیار ظالم (به نفس خود) و (نسبت به آن بار) بسیار نادان بود».

۱۳۷- عن أبي هريرة، رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ». متفقٌ عليه.

وفي رواية: «وَأِنْ صَامَ وَصَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ».

۱۳۷. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نشانه ی منافق (و نفاق) سه چیز است: ۱- هنگامی که صحبت کند، دروغ می گوید؛ ۲- هنگامی که وعده ای دهد، به آن وفا نمی کند؛ ۳- هنگامی که چیزی را به عنوان امانت به او بسپارند، در آن خیانت می کند»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۳)، م (۵۹)].

در روایتی دیگر (حدیث این را هم اضافه دارد): «(هر کس این سه صفت را داشته باشد، منافق است)، هر چند که روزه بگیرد و نماز بخواند یا گمان کند که مسلمان است».

۲۶- باب تحریم الظلم والأمر برَدِّ المظالم
باب تحریم ظلم و امر به رد مظالم و ستم‌هایی که روا
داشته شده است

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ﴾ (غافر / ۱۸)

«ظالمان، دوست و خویشاوند و یاری‌دهنده و حامی یا شفاعت
کننده‌ای که شفاعت او مورد قبول واقع شود، ندارند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴾ (حج / ۷۱)

«و برای ظالمان یاری دهنده ای نیست»

۱۳۸- وعن جابر رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ
الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاتَّقُوا الشُّحَّ فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، حَمَلَهُمْ عَلَى أَنْ
سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَاسْتَحْلَوْا مَحَارِمَهُمْ». رواه مسلم.

۱۳۸. و از جابر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: از ظلم بپرهیزید؛
زیرا که ظلم در روز قیامت، تاریکی است و از بخل و آز دوری کنید؛ زیرا بخل،
امت‌های پیش از شما را هلاک کرد و آنها را واداشت که خون یکدیگر را بریزند و
حرام‌ها را حلال کنند^۱.

۱۳۹- عن عائشة رضي الله عنها أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ ظَلَمَ قِيدَ
شِبْرٍ مِنَ الْأَرْضِ طَوَّقَهُ مِنْ سَبْعِ أَرْضِينَ». متفقٌ عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۷۸].

۱۳۹. از حضرت عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هر کس در زمینی به اندازه‌ی یک وجب ظلم کند، همان ظلم در هفت طبقه‌ی زمین، طوق گردن او می‌شود»^۱.

۱۴۰- وعن أبي موسى رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ لِيُمْلِي لِلظَّالِمِ إِذَا أَخَذَهُ لَمْ يُفْلِتْهُ، ثُمَّ قَرَأَ: ﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ﴾».

۱۴۰. و از ابوموسی ﷺ روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند به ظالم مهلت می‌دهد، اما وقتی که او را گرفت، وی را رها نمی‌کند»، سپس این آیه را قرائت فرمودند^۲:

﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ﴾
(هود / ۱۰۲)

«عذاب پروردگار تو چنین است؛ هر گاه که شهرها و آبادی‌ها را (در حالی که ستمکارند) به عذاب خود بگیرد؛ به‌راستی که عذاب خداوند بسیار دردناک و سخت است».

۱۴۱- وعن معاذ رضي الله عنه قال: بعثني رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: «إِنَّكَ تَأْتِي قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، فَادْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ، فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ، فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً تُؤْخَذُ مِنْ أَغْيَانِهِمْ فَتَرُدُّ عَلَىٰ فُقَرَائِهِمْ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ، فَإِيَّاكَ وَكَرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ. وَاتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ». متفق عليه.

۱۴۱. و از معاذ ﷺ روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ مرا به مأموریتی فرستادند و فرمودند: تو به سوی قومی از اهل کتاب می‌روی، پس آنان را دعوت

۱- متفق علیه است؛ [خ(۲۴۵۲)، م(۱۶۱۲)].

۲- متفق علیه است؛ [خ(۴۶۸۶)، م(۲۵۸۳)].

کن به این که شهادت بدهند که خدایی جز الله نیست و من پیامبر او هستم؛ اگر این دعوت را اطاعت کردند، به آنان اعلام کن که خداوند هر شبانه‌روز پنج بار نماز را بر آنان فرض کرده است؛ اگر اطاعت نمودند، آنگاه به آنها خبر بده که خداوند زکات را بر آنان واجب گردانیده است که از ثروتمندانشان گرفته و به فقرای آنان داده شود؛ اگر به این واجب نیز گردن نهادند، از تصرف در اموال قیمتی آنها بپرهیز و از دعای مظلوم حذر کن، زیرا بین خدا و دعای مظلوم، حجابی نیست»^۱.

۱۴۲- وعن عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: اسْتَعْمَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا مِنَ الْأَزْدِ يُقَالُ لَهُ: ابْنُ اللَّثِيَّةِ عَلَى الصَّدَقَةِ، فَلَمَّا قَدِمَ قَالَ: هَذَا لَكُمْ، وَهَذَا أُهْدِي إِلَيَّ فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمُنْبَرِ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنِّي أَسْتَعْمِلُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ عَلَى الْعَمَلِ مِمَّا وَلَّيْتُ اللَّهَ، فَيَأْتِي فَيَقُولُ: هَذَا لَكُمْ، وَهَذَا هَدِيَّةٌ أُهْدِيَتْ إِلَيَّ، أَفَلَا جَلَسَ فِي بَيْتِ أَبِيهِ أَوْ أُمِّهِ حَتَّى تَأْتِيَهُ إِنْ كَانَ صَادِقًا، وَاللَّهِ لَا يَأْخُذُ أَحَدٌ مِنْكُمْ شَيْئًا بَعِيرًا لَهْ رِغَاءٌ، أَوْ بَقَرَةً لَهَا خَوَارٌ، أَوْ شَاةٌ تَبْعَرُ» ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى رُؤِيَ بَيَاضُ إِبْطَيْهِ فَقَالَ: «اللَّهُمَّ هَلْ بَلَغْتُ» ثَلَاثًا، مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱۴۲. و از عبدالرحمن بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله یک نفر از طایفه‌ی «آزد» به نام «ابن اللثیة» را مأمور گرفتن و جمع‌آوری زکات نمود؛ وقتی که برگشت، به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: این مال شماست و این هم هدیه‌ای است که به من داده شده است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله بالای منبر رفت و سپاس و ستایش خدا را به جای آورد و فرمودند: «بعد از سپاس و ستایش خدا، من مردی از شما را بر کاری که خداوند به من سپرده است می‌گمارم، و او (می‌رود و وقتی که) برمی‌گردد، می‌گوید: این برای شما و این نیز هدیه‌ای است که به من داده شده است؛ اگر راست می‌گویند، چرا در خانه‌ی پدر یا مادرش نمی‌نشست تا هدیه‌اش به او برسد؟ به‌خدا سوگند، هر کسی از شما، به جز حقش، چیزی بگیرد، در روز قیامت در حالی خدا را ملاقات می‌کند که آن چیز را بر دوشش حمل می‌کند و من قطعاً نباید هیچ‌یک از شما را ببینم که در حالی خدا را ملاقات کرده که شتری را که

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۳۹۵)، م (۱۹)].

شیهه می‌کشد یا گاوی را که بانگ برمی‌آورد یا گوسفندی را که فریاد می‌زند (از مال دیگران برعهده داشته و ادا نکرده)، بر دوشش حمل کند». سپس دست‌هایش را تا اندازه‌ای که سفیدی زیر بغلش دیده شد، بلند کرد و سه بار فرمودند: «خداوندا! آیا رساندم، آیا تبلیغ کردم؟»^۱.

۱۴۳. وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَخِيهِ، مِنْ عَرَضِهِ أَوْ مِنْ شَيْءٍ، فَلْيَتَحَلَّلْهُ مِنْهُ الْيَوْمَ قَبْلَ أَنْ لَا يَكُونَ دِينَارٌ وَلَا دِرْهَمٌ، إِنْ كَانَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ أَخَذَ مِنْهُ بِقَدَرِ مَظْلَمَتِهِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أَخَذَ مِنْ سَيِّئَاتِ صَاحِبِهِ فَحُمِلَ عَلَيْهِ». رواه البخاري.

۱۴۳. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس حقی از برادرش بر او هست و نسبت به آبروی او یا در موردی دیگر، بر او ستمی روا داشته است، همین امروز و پیش از آن که (روزی بیاید که) دینار و درهمی وجود ندارد، از او حلالیت بخواهد و ذمه‌ی خود را از آن بری کند؛ زیرا (در قیامت برای جبران ظلمی که کرده است) اگر عمل صالح داشته باشد، به اندازه‌ی ظلمی که نموده است، از آن گرفته و به اعمال صالح افراد مظلوم اضافه می‌شود، و اگر عمل صالح و حسناتی نداشته باشد، از گناهان شخص مظلوم کم و به گناه ظالم افزوده می‌گردد»^۲.

۱۴۴- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ، وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ» متفق عليه.

۱۴۴. و از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر، از زبان و دست او

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۵۹۷)، م (۱۸۳۲)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۴۴۹)].

سالم و در امان باشند و مهاجر کسی است که از هر چه خدا نهی کرده است، هجرت و دوری نماید»^۱.

۱۴۵- وعنه رضي الله عنه قال: كَانَ عَلَى ثَقَلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: كِرْكِرَةٌ، فَمَاتَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «هُوَ فِي النَّارِ» فَذَهَبُوا يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ فَوَجَدُوا عَبَاءَةً قَدْ غَلَّهَا. رواه البخاري.

۱۴۵. و از عبدالله بن عمرو بن عاص (رضی الله عنهما) روایت شده است که فرمود: حمال کوله بار پیامبر ﷺ مردی بود که او را «کرکره» می نامیدند؛ آن مرد فوت کرد، پیامبر ﷺ فرمودند: «او در آتش (عذاب) است»؛ مردم رفتند و او را جستجو کردند، دیدند که عبایی را دزدیده است.^۲

۱۴۶- وعن أبي بكر رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: [يوم النحر في مكة]: «فإن دماءكم وأموالكم وأعراضكم عليكم حرام، كحرمة يومكم هذا في بلدكم هذا في شهركم هذا، وستلقون ربكم فيسألکم عن أعمالکم، ألا فلا ترجعوا بعدي كفاراً يضرب بعضكم رقاب بعض، ألا ليسأل الشاهد الغائب، فلعن بعض من يبلغه أن يكون أوعى له من بعض من سمعه» ثم قال: «ألا هل بلغت، ألا هل بلغت؟» قلنا: نعم، قال: «اللهم اشهد» متفق عليه.

۱۴۶. از ابی بکره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ [روز عید قربان در مکه] فرمودند: «پس بدانید که خون‌ها و مال‌ها و آبرو و ناموس‌های شما (مسلمانان) بر شما (سایر مسلمانان) حرام است، مانند حرمت امروز و این شهر و این ماه‌تان؛ و شما به زودی خدا را ملاقات خواهید کرد و او از اعمال شما سؤال می‌کند، مراقب باشید که بعد از من کافرانی نشوید (عملتان مانند کافران نشود) که بعضی از شما گردن بعضی دیگر را بزنند! آگاه باشید! باید حاضران این اخبار و دستورات را به اشخاص غایب برسانند که شاید بعضی از آنهایی که این سخنان به آنها می‌رسد، از

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۰)، م (۴۰)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۳۰۷۴)].

کسانی که آن را شنیده‌اند، بهتر این فرموده‌ها را به‌خاطر بسپارند»، سپس فرمودند: «آیا تبلیغ کردم؟ آیا تبلیغ کردم؟» گفتیم: بله، فرمودند: «خدا یا! شاهد باش!»^۱.

۱۴۷- وعن عَدِي بْنِ عُمَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «مَنْ اسْتَعْمَلَنَا مِنْكُمْ عَلَى عَمَلٍ، فَكَتَمْنَا مَخِيطًا فَمَا فَوْقَهُ، كَانَ غُلُولًا يَأْتِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ أَسْوَدُ مِنَ الْأَنْصَارِ، كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِبْتُلْ عَنِّي عَمَلَكَ، قَالَ: «وَمَا لَكَ؟» قَالَ: سَمِعْتُكَ تَقُولُ كَذَا وَكَذَا، قَالَ: «وَأَنَا أَقُولُهُ الْآنَ: مَنْ اسْتَعْمَلَنَا عَلَى عَمَلٍ فَلْيَجِءْ بِقَلِيلِهِ وَكَثِيرِهِ، فَمَا أُوتِيَ مِنْهُ أَخَذَ وَمَا نُهِِيَ عَنْهُ انْتَهَى». رواه مسلم.

۱۴۷. از عدی بن عمیره رضی الله عنه روایت شده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «اگر ما کسی را بر کاری (مانند جمع‌آوری زکات و غیر آن) بگماریم و او به اندازه‌ی یک سوزن یا بیشتر از آن را از ما بپوشاند، خیانت به‌شمار آمده و روز قیامت آن را همراه خود می‌آورد»، مرد سیاهی از انصار برخاست - که گویی او را می‌بینم - و گفت: ای رسول خدا! کاری که به من سپرده‌ای، از من بگیر! فرمودند: «تو را چه شده است؟!» گفت: از شما شنیدم که چنین و چنان فرمودی! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همین حالا هم آن را می‌گویم: هر کس که ما او را بر کاری می‌گماریم، باید کم یا زیاد آن را به اطلاع ما برساند و بیاورد و آن‌گاه هر چه از آن به او داده شد، بردارد و از هر چه نهی شد، دست بردارد»^۲.

۱۴۸- وعن أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اتَدْرُونَ مِنَ الْمُفْلِسِ؟» قَالُوا: الْمُفْلِسُ فِينَا مَنْ لَا دِرْهَمَ لَهُ وَلَا مَتَاعَ. فَقَالَ: «إِنَّ الْمُفْلِسَ مِنْ أُمَّتِي مَنْ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصَلَاةٍ وَصِيَامٍ وَزَكَاةٍ، وَيَأْتِي وَقَدْ شَتَمَ هَذَا، وَقَذَفَ هَذَا وَأَكَلَ مَالَ هَذَا، وَسَفَكَ دَمَ هَذَا، وَضَرَبَ هَذَا، فَيُعْطَى هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يَقْضِيَ مَا عَلَيْهِ، أَخَذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطَرَحَتْ عَلَيْهِ، ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ». رواه مسلم.

۱۴۸. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا می‌دانید مفلِس کیست؟» اصحاب (رضی الله عنهم) گفتند: مفلِس در اصطلاح ما کسی است

۱- متفق علیه است: [خ (۳۱۹۷)، م (۱۶۷۹)].

۲- مسلم روایت کرده است: [(۱۸۳۳)].

که پول نقد و مال دنیا ندارد، پیامبر ﷺ فرمودند: «مفلس در امت من، کسی است که در روز قیامت، نماز و روزه و زکات با خود می‌آورد ولی در کارنامه‌اش این را هم دارد که به این یکی، دشنام داده و به آن یکی، تهمت زده و مال دیگری را خورده و خون آن دیگری را ریخته و دیگری را کتک زده است، پس حسنات او به جای بدی‌هایی که در حق دیگران کرده، به آنها داده می‌شود و اگر پیش از تسویه شدن حقوق دیگران، حسنات او تمام شد، از خطای کسانی که به آنها ظلم کرده است به خطاهای او اضافه می‌گردد و سپس در آتش افکنده می‌شود»^۱.

۱۴۹- وعن خَوْلَةَ بِنْتِ عَامِرٍ الْأَنْصَارِيَّةِ، وَهِيَ امْرَأَةٌ حَمْرَةٌ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعَنْهَا، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ رَجُلًا يَتَخَوَّضُونَ فِي مَالِ اللَّهِ بِغَيْرِ حَقٍّ فَلَهُمُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». رواه البخاري.

۱۴۹. از خوله بنت عامر انصاری (رضی الله عنها) که زن حضرت حمزه رضی الله عنه بود روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «کسانی که در مال خدا (اموال مسلمین و حقوق مردم) به ناحق تصرف می‌کنند، روز قیامت، برای آنان آتش (عذاب) خواهد بود»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۸۱)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۳۱۱۸)].

۲۷- باب تعظیم حرمت المسلمین و بیان حقوقهم والشفقة علیهم

ورحمتهم

باب احترام به حریم مسلمانان و بیان حقوق آنها و رحم
و مهربانی نسبت به آنان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ﴾ (الحج / ۳۰)

«و هر کس اوامر و نواهی خداوند را (در مراسم و امور مربوط به حج و جاهای دیگر) بزرگ و محترم دارد، نزد خدا چنین کاری برای او بهتر است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج / ۳۲)

«هر کس شعائر و برنامه‌های الهی را بزرگ و محترم دارد، یقیناً (بزرگداشت) آنها از پرهیزگاری دل‌هاست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (حجر / ۸۸)

«برای مؤمنان بال (تواضع و مهربانی) خود را بگستران».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ

أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾ (المائدة / ۳۲)

«هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در زمین، بکشد، مانند این است که همه‌ی انسان‌ها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، مانند این است که همه‌ی مردم را زنده کرده است».

۱۵۰- وعن أبي موسى رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً» وشبك بين أصابعه. متفق عليه.

۱۵۰. از ابوموسی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مؤمن نسبت به مؤمن دیگر مثل یک بنا و ساختمان است که هر قسمت از اجزاء آن موجب استحکام قسمت‌های دیگر است» این را فرمود و انگشتان دو دست خود را (برای نشان دادن این معنی) در بین همدیگر فرو کرد.^۱

۱۵۱- وعنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من مر في شيء من مساجدنا، أو أسواقنا، ومعه نبل فليؤمسه، أو ليقيض على نصالها بكفه أن يصيب أحداً من المسلمين منها بشيء» متفق عليه.

۱۵۱. از ابوموسی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس که در مساجد یا بازارهای ما عبور کند و همراه او تیرهایی باشد (یا چیزی مانند آن که سبب آزار مردم می‌شود)، باید نوک آن را با کف دستش بگیرد که مبادا به یکی از مسلمانان برخورد کند و به او آسیبی برساند».^۲

۱۵۲- وعن النعمان بن بشير رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مثل المؤمنين في توادهم وتراحمهم وتعاطفهم، مثل الجسد إذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى». متفق عليه.

۱۵۲. از نعمان بن بشیر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مثال مؤمنان در دوستی و مهربانی و دلسوزی و رحم و توجه کردن به همدیگر، مثل بدن است که هر گاه عضوی از آن، از درد بنالد، سایر اعضا در بیداری و تب و حرارت، با او همدرد می‌شوند».^۳

۱- متفق عليه است: [خ(۶۰۲۶)، م(۲۵۸۵)].

۲- متفق عليه است: [خ(۴۵۲)، م(۱۶۱۵)].

۳- متفق عليه است: [خ(۶۰۱۱)، م(۲۵۸۶)].

۱۵۳- وَعَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ». متفقٌ عليه.

۱۵۳. از جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که نسبت به مردم رحم نکند و مهر و شفقت نرزد، خداوند به او رحم نمی‌کند»^۱.

۱۵۴- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِلنَّاسِ فليُخَفِّفْ، فَإِنَّ فِيهِمُ الضَّعِيفَ وَالسَّقِيمَ وَالْكَبِيرَ. وَإِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِنَفْسِهِ فَلْيَطْوِلْ مَا شَاءَ». متفقٌ عليه. وفي رواية: «وَذَا الْحَاجَةِ».

۱۵۴. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هنگامی که یکی از شما برای مردم، نماز جماعت خواند (امام شد)، نماز را سبک و کوتاه بخواند، زیرا در میان جماعت، اشخاص ضعیف و بیمار و پیر و مسن وجود دارد، و هر گاه کسی منفرد و برای خود نماز خواند، هر اندازه که می‌خواهد، طول بدهد»^۲. در روایتی دیگر بعد کلمه‌ی صاحب حاجت، «کسی که کاری دارد» نیز ذکر شده است.

۱۵۵- وَعَنْ أَبِي قَتَادَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنِّي لَأَقُومُ إِلَى الصَّلَاةِ، وَأُرِيدُ أَنْ أَطْوِلَ فِيهَا، فَأَسْمَعُ بُكَاءَ الصَّبِيِّ، فَاتَّجَوَّزُ فِي صَلَاتِي كَرَاهِيَةً أَنْ أَشَقَّ عَلَى أُمِّهِ» رواه البخاري.

۱۵۵. و از ابوقتاده رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «من نماز (جماعت) را شروع می‌کنم و می‌خواهم آن را طول دهم که ناگهان گریه‌ی کودکی را می‌شنوم و نماز را سبک و کوتاه می‌کنم، مبدا که بر مادرش زحمت و سختی تحمیل کنم»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۷۳۷۶)، م (۲۳۱۹)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۷۰۳)، م (۴۶۷)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۷۰۷)].

۱۵۶- وعن ابن عمر رضي الله عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يُسْلِمُهُ، مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ، وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ بِهَا كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». متفقٌ عليه.

۱۵۶. و از ابن عمر رضی اللہ عنہما روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «مسلمان برادر مسلمان است، بر او ظلم نمی‌کند و او را تسلیم (ظالم و دشمن) نمی‌کند. کسی که به برآوردن نیاز برادر مسلمانش مشغول باشد، خداوند نیازهای او را برآورده می‌سازد، و هر کس یک مشکل و سختی برادر مسلمانش را حل کند، خداوند به سبب آن، مشکلی از مشکلات قیامت او را رفع می‌کند و کسی که (عیب) مسلمانی را بپوشاند، خداوند در قیامت (گناهان و عیوب) او را می‌پوشاند»^۱.

۱۵۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا. الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ. التَّقْوَى هَاهُنَا - وَيُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - بِحَسَبِ امْرِيٍّ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ. كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعَرْضُهُ». رواه مسلم.

۱۵۷. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «به یکدیگر حسد نورزید؛ در معامله‌ی یکدیگر نجش نکنید (نجش، یعنی اظهار خرید یک جنس به قیمت بالاتر بدون خرید آن برای فریب دادن مشتری و تحریک او به خرید آن جنس)، نسبت به هم کینه نداشته باشید، به همدیگر پشت و با یکدیگر قطع رابطه نکنید و بر معامله‌ی دیگران معامله ننمایید (با پرداخت مبلغی بیشتر یا قول فروش ارزان‌تر، مانع معامله‌ی دیگری شود و خود، معامله را انجام دهد). بندگان خدا و برادران همدیگر باشید؛ مسلمان برادر مسلمان است. به او ستم نمی‌کند و یاری او را ترک نمی‌کند؛ تقوا اینجاست - با دست سه بار به سینه‌ی

۱- متفقٌ عليه است؛ [خ (۲۴۴۲)، م (۲۵۸۰)].

(قلب) خود اشاره فرمود - برای شخص مسلمان، همین اندازه از شر و بدی کافی است که برادر مسلمان خود را تحقیر کند. تمام حقوق یک فرد مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است: خونس، مالش و ناموسش»^۱.

۱۵۸- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «انصُرْ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَنْصُرُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ ظَالِمًا كَيْفَ أَنْصُرُهُ؟ قَالَ: «تَحْجُزُهُ أَوْ تَمْنَعُهُ مِنَ الظُّلْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ نَصْرُهُ». رواه البخاري.

۱۵۸. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برادر دینی (دینی یا سببی) خود را یاری کنید، ظالم باشد یا مظلوم!» مردی از حاضرین گفت: ای رسول خدا! وقتی مظلوم باشد، او را کمک می‌کنم، اما اگر ظالم باشد، چگونه کمکش کنم؟! فرمودند: «او را از ظلم منع کن، که یاری ظالمان این است»^۲.

۱۵۹- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ: رَدُّ السَّلَامِ، وَعِيَادَةُ الْمَرِيضِ، وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ، وَإِجَابَةُ الدَّعْوَةِ، وَتَشْمِيتُ الْغَاطِسِ». متفق عليه.

وفي رواية لمسلم: «حَقُّ الْمُسْلِمِ سِتٌّ: إِذَا لَقِيَتهُ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، وَإِذَا دَعَاكَ فَأَجَبَهُ، وَإِذَا اسْتَنْصَحَكَ فَأَنْصَحَهُ لَهُ، وَإِذَا عَطَسَ فَحَمِدَ اللَّهَ فَشَمَّمْتَهُ. وَإِذَا مَرَضَ فَعُدَّهُ، وَإِذَا مَاتَ فَاتَّبَعْتَهُ».

۱۵۹. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «حق مسلمان بر مسلمان، پنج چیز است: (۱) جواب سلام؛ (۲) عیادت مریض؛ (۳) تشییع جنازه؛ (۴) قبول دعوت او؛ (۵) دعای خیر در هنگام عطسه کردن»^۳.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «حق مسلمان بر مسلمان، شش چیز است: (۱) وقتی او را ملاقات کردی، سلام کن؛ (۲) وقتی از تو دعوت کرد، دعوت او را قبول کن؛ (۳) هر گاه از تو نصیحت خواست، او را نصیحت کن؛ (۴) هر گاه پس

۱- مسلم روایت کرده است: [۲۵۶۴].

۲- بخاری روایت کرده است: [۲۴۴۳].

۳- متفق علیه است: [خ (۱۲۴۰)، م (۲۱۶۲)].

از عطسه کردن، «الحمد لله» گفت، (با گفتن: یرحمک الله) برای او دعای خیر کن؛
(۵) وقتی بیمار شد به عیادتش برو؛ (۶) وقتی فوت کرد، جنازه‌ی او را تشییع کن.
(به حدیث شماره ۱۲۷ مراجعه کنید).

۲۸- باب ستر عورات المسلمين والنهي عن إشاعتها لغير ضرورة

باب پوشاندن عیوب مسلمانان و نهی از اشاعه‌ی آن بدون ضرورت

قال الله تعالى:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ (النور / ۱۹)

«همانا کسانی که دوست دارند کارهای بد در میان مؤمنان اشاعه یابد،
برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود».

۱۶۰- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لا يسترُ عبْدُ
عَبْدًا فِي الدُّنْيَا إِلَّا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». رواه مسلم.

۱۶۰. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر بنده‌ای،
(عیوب) بنده‌ای دیگر را در دنیا بپوشاند، خداوند عیوب او را در قیامت
می‌پوشاند»^۱.

۱۶۱- وَعَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «كُلُّ أُمَّتِي مُعَافَى إِلَّا
الْمُجَاهِرِينَ، وَإِنَّ مِنَ الْمُجَاهِرَةِ أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ عَمَلًا، ثُمَّ يُصْبِحَ وَقَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ
فَيَقُولُ: يَا فَلَانُ، عَمِلْتَ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا، وَقَدْ بَاتَ يَسْتُرُهُ رَبُّهُ، وَيُصْبِحُ يَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ
عَنْهُ». متفق عليه.

۱۶۱. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که
می‌فرمودند: «تمام امت من مورد عفو خداوند قرار می‌گیرند مگر مجاهره‌کنندگان؛
و مجاهره (آشکار و اعلان کردن گناهان)، این است که شخصی در شب، عملی

۱- مسلم روایت کرده است؛ خ (۲۵۹۰).

مرتکب شود و چون صبح می‌شود، در حالی که خداوند عمل او را پوشانده است، خود او می‌گوید: ای فلانی! دیشب من چنین و چنان کردم؛ و در حالی شب را سپری می‌کند که خداوند عمل او را پنهان نموده است و او صبح می‌کند و پرده‌ی ستر خداوند را از روی خود برمی‌دارد (و عملی را که خداوند پنهان نموده است، آشکار می‌نماید)»^۱.

۱۶۲- وعنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا زَنَتِ الْأُمَةُ فَتَبَيَّنَ زَنَاهَا فَلْيَجْلِدْهَا الْحَدَّ، وَلَا يُشْرَبْ عَلَيْهَا، ثُمَّ إِنْ زَنَتِ الثَّانِيَةَ فَلْيَجْلِدْهَا الْحَدَّ وَلَا يُشْرَبْ عَلَيْهَا، ثُمَّ إِنْ زَنَتِ الثَّالِثَةَ فَلْيَبْعِهَا وَلَوْ بِحَبْلٍ مِنْ شَعْرِ» متفق عليه. «التَّشْرِيبُ»: التَّوْبِيخُ.

۱۶۲. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر کنیزی زنا کرد و زنایش آشکار شد، صاحبش حد را بر او اجرا کند و او را توبیخ نکند؛ و اگر برای بار دوم زنا کرد، باز او را حد بزند، ولی او را توبیخ ننماید، و اگر برای بار سوم زنا کرد، او را بفروشد، اگرچه به ریسمانی از مو باشد»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۹۰].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۵۵۵)، م (۱۷۰۳)].

۲۹- باب فی قضاء حوائج المسلمین
باب در برآوردن نیازهای مسلمانان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (الحج / ۷۷)

«و عمل خیر انجام دهید، شاید که رستگار شوید».

۱۶۳- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ، وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ. وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَذَكَّرُونَ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ، وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرَعْ بِهِ نَسَبُهُ». رواه مسلم.

۱۶۳. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس تنگی و غمی از تنگی‌ها و غم‌های دنیا را از مؤمنی برطرف کند، خداوند تنگی و غمی از تنگی‌ها و غم‌های قیامت را از او برطرف می‌کند و هر کس با بدهکار تنگدستی، آسان‌گیری کند، خداوند در دنیا و آخرت با او آسان‌گیری می‌کند و کسی که (عیب) مسلمانی را بپوشاند، خداوند در دنیا و آخرت (عیوب و گناهان) او را می‌پوشاند؛ خداوند یار بنده است تا وقتی که بنده یار برادر خود باشد. و هر کس راهی را برای جستجوی علم در پیش بگیرد، خداوند با آن، راهی به سوی بهشت برای او هموار می‌نماید؛ و هر گاه عده‌ای در یکی از خانه‌های خدا (مساجد) جمع شدند که کتاب خدا را تلاوت کنند و به همدیگر آن را تعلیم دهند، آرامش بر آنها وارد می‌شود و رحمت خدا آنها را فرا می‌گیرد و ملائکه به دور آنها حلقه می‌زنند و خداوند آنها را در نزد کسانی که نزد اویند یاد می‌کند؛ و کسی که عمل خیرش

نتواند به او کمک کند، (عملی نداشته باشد، یا عملش خالصانه و مقبول نباشد)،
نسب او هیچ فایده‌ای برای او ندارد و به دادش نمی‌رسد^۱.
(به حدیث شماره ۱۵۶ مراجعه کنید).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۶۹۹].

۳۰- باب الشفاعة
باب شفاعت و میانجیگری

قال الله تعالى:

﴿مَنْ يَشْفَعْ شَفْعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا﴾ (النساء / ۸۵)

«هر کس که شفاعت زیبا و پسندیده‌ای بکند (موافق شرع باشد)، نصیبی از آن خواهد داشت».

۱۶۴- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: كان النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَتَاهُ طَالِبُ حَاجَةٍ أَقْبَلَ عَلَى جُلُوسَائِهِ فَقَالَ: «اشْفَعُوا تُوجَرُوا، وَيَقْضِي اللهُ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ مَا أَحَبُّ» متفق عليه.

۱۶۴. و از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: هر وقت، یک نیازمند به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمد، ایشان به حاضران در جلسه رو می‌کردند و می‌فرمودند: «شفاعت کنید (در حل مشکل این فرد واسطه شوید) تا پاداش یابید و خداوند هر چه را که دوست داشته باشد - یا در روایتی دیگر: «بخواهد» - بر زبان پیامبرش جاری می‌کند»^۱.

۱۶۵- وعن ابن عباس رضي الله عنهما في قصة بريدة وزوجها. قال: قال لها النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَوْ رَاجَعْتِهِ؟» قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللهِ، تَأْمُرُنِي؟ قَالَ: «إِنَّمَا أَشْفَعُ» قَالَتْ: لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ. رواه البخاري.

۱۶۵. و از ابن عباس رضی الله عنهما در داستان بریره^۲ و شوهرش روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به بریره فرمودند: کاش پیش او بر می‌گشتی؛ بریره گفت: ای رسول خدا!

۱- متفق عليه است: [خ(۱۴۳۲)، م(۲۶۲۷)].

۲- بریره، کنیز حضرت ام‌المؤمنین عایشه (رضی الله عنها) بوده است - ویراستاران.

آيا به من امر مى كنيد (تا اجرا نمايم)؟ فرمودند: «(نه) فقط (بين شما) ميانجيگري مى كنم». گفت: من احتياجي به او ندارم^۱.

۱- بخارى روايت کرده است؛ [(۵۲۸۳)].

۳۱- باب الإصلاح بین الناس

باب اصلاح بین مردم

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالصُّلْحُ خَيْرٌ﴾

(النساء / ۱۲۸)

«صلح بهتر است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ

(النساء / ۱۱۴)

بَيْنَ النَّاسِ﴾

«در بسیاری از نجواهای مردم، فایده‌ای نیست، مگر (نجواهای) کسی که به صدقه و احسان یا کاری نیک و پسندیده یا به اصلاح بین مردم امر کند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾

(الانفال / ۱)

«از خداوند بترسید و میانه‌ی خود را اصلاح کنید (و در میان خود صلح و صفا برقرار کنید)».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ﴾

(الحجرات / ۱۰)

«همانا مؤمنان برادران همدیگرند، پس بین برادران خود اصلاح کنید».

۱۶۶- وعن أُمِّ كَلْثُومَ بِنْتِ عُقْبَةَ بْنِ أَبِي مُعَيْطٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَيْسَ الْكَذَّابُ الَّذِي يُصْلِحُ بَيْنَ النَّاسِ فَيَنْمِي خَيْرًا، أَوْ يَقُولُ خَيْرًا» متفق عليه.

وفي رواية مسلم زيادة، قالت: وَلَمْ أَسْمَعْهُ يُرَخِّصُ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَقُولُهُ النَّاسُ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ، تَعْنِي: الْحَرْبَ، وَالْإِصْلَاحَ بَيْنَ النَّاسِ، وَحَدِيثَ الرَّجُلِ امْرَأَتَهُ، وَحَدِيثَ الْمَرْأَةِ زَوْجَهَا.

۱۶۶. و از ام کلثوم بنت عقبه بن ابی معیط (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمودند: «کذاب و دروغگو، کسی نیست که بین مردم صلح برقرار می کند و خیری را آشکار می نماید (عمل یا حرف خوب کسی را به دیگران می گوید) یا سخن خوبی بر زبان می راند»^۱.

در روایت مسلم اضافه ای است و آن این است که ام کلثوم گفت: شنیدم که پیامبر ﷺ در آنچه که مردم می گویند، جز در سه مورد (به دروغ گفتن) رخصتی داده باشد: جنگ، اصلاح بین مردم و سخن مرد با زنش و زن با شوهرش.

۱۶۷- وعن أبي هريرة -رضي الله عنه- قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كُلُّ سُلَامَى مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ، كُلَّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ تَعْدِلُ بَيْنَ الْإِنْسَيْنِ صَدَقَةٌ، وَتُعِينُ الرَّجُلَ فِي دَابَّتِهِ فَتَحْمِلُهُ عَلَيْهِ أَوْ تَرْفَعُ لَهُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ، وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ خُطْوَةٍ تَمْشِيهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ، وَتُمِيطُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ». متفق عليه.

۱۶۷- از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بر هر مفصل و بند از مردم در هر روزی که آفتاب بر وی می تابد، صدقه لازم است. میان دو کس عدالت می کنی صدقه است. مردی را در ستورش یاری می کنی و خودش را بر آن سوار می کنی یا بارش را بر روی آن می گذاری صدقه است. سخن نیکو صدقه است، و به هر گامی که بسوی نماز می نهی صدقه است. دور کردن پلیدی از راه صدقه است».

۱۶۸- وعن عائشة رضي الله عنها قَالَتْ: سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَوْتَ خُصُومٍ بِالْبَابِ عَالِيَةِ أَصْوَاتُهُمَا، وَإِذَا أَحَدُهُمَا يَسْتَوْضِعُ الْآخَرَ وَيَسْتَرْفِقُهُ فِي شَيْءٍ، وَهُوَ يَقُولُ: وَاللَّهِ لَا أَفْعَلُ، فَخَرَجَ عَلَيْهِمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «أَيْنَ الْمُتَأَلِّي عَلَى اللَّهِ لَا يَفْعَلُ الْمَعْرُوفَ؟» فَقَالَ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَلَهُ أَيُّ ذَلِكَ أَحَبُّ. متفق عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۶۹۲)، م (۲۶۰۵)].

۱۶۸. از عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ یکبار صدای بلند بگومگوی دو نفر در جلوی در را شنید که یکی از آنان از دیگری التماس می‌کرد که یا قسمتی از طلبش را ببخشد یا این که در بازپرداخت آن، با او مدارا کند و طرف می‌گفت: به خدا سوگند، این کار را نمی‌کنم، پیامبر ﷺ پیش آنها بیرون رفت و فرمودند: «کجاست کسی که به خدا سوگند خورد که کار خوبی نکند؟» طلبکار گفت: منم، ای رسول خدا! و اینک می‌گویم: طرف من حق دارد که هر طور دوست دارد، آن‌گونه رفتار کند (یعنی: مقداری از طلبش را کم نمایم و یا اینکه بر او نرمش کنم و مهلتش دهم).^۱

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۷۰۵)، م (۱۵۵۷)].

۳۲- باب فضل ضعفه المسلمين والفقراء والخاملين
باب برتری ضعفای مسلمین و فقرا و اشخاص گمنام

قال الله تعالى:

﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۖ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ﴾
(الكهف / ۲۸)

«ای پیامبر ﷺ! با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان، خدای خود را می‌خوانند و عبادت می‌کنند (و تنها رضای) ذات او را می‌طلبند و چشمانت را از ایشان (به‌سوی ثروتمندان و قدرتمندان متکبر، برای خواستن زینت زندگی دنیوی) برنگردان».

۱۶۹- وعن سهل بن سعد الساعدي رضي الله عنه قال: مرَّ رجلٌ على النبي ﷺ، فقال لرجلٍ عنده جالسٌ: «ما رأيك في هذا؟»، فقال: رجلٌ من أشرفِ النَّاسِ، هذا والله حريٌّ إن خطب أن يُنكحَ، وإن شفع أن يُشفعَ. فسكت رسولُ الله ﷺ، ثم مرَّ رجلٌ آخرُ، فقال له رسولُ الله ﷺ: «ما رأيك في هذا؟» فقال: يا رسولَ الله، هذا رجلٌ من فقراءِ المسلمين، هذا حريٌّ إن خطب أن لا يُنكحَ، وإن شفع أن لا يُشفعَ، وإن قال أن لا يُسمعَ لقوله. فقال رسولُ الله ﷺ: «هذا خيرٌ من ملءِ الأرضِ مثلَ هذا». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱۶۹. از سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی از کنار پیامبر ﷺ گذشت، پیامبر ﷺ خطاب به مردی که نزد او نشسته بود فرمودند: «نظر تو راجع به این مرد چیست؟» گفت: مردی از اشراف مردم است، به خدا سوگند این سزاوار است که اگر زنی را خواستگاری کرد، برای او نکاح شود و اگر شفاعتی کند مورد قبول واقع شود، و پیامبر ﷺ سکوت فرمود؛ سپس مردی دیگر عبور کرد، پیامبر ﷺ دوباره از او پرسید: «نظر تو در مورد این شخص چیست؟» گفت: ای رسول خدا! این مردی است از فقرای مسلمین و سزاوار این است که اگر

خواستگار زنی شود برای او نکاح نگیرد و اگر شفاعتی کند قبول نشود، و اگر چیزی گفت، به سخن او گوش ندهند، آن‌گاه پیامبر ﷺ فرمودند: «اگر به ظرفیت گسترده‌ی زمین، مثل آن مرد دیگر وجود داشته باشد، این مرد از همه‌ی آنان بهتر است»^۱.

۱۷۰- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «اُخْتِجِبَ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ فَقَالَتِ النَّارُ: فِيَّ الْجَبَّارُونَ وَالْمُتَكَبِّرُونَ، وَقَالَتِ الْجَنَّةُ: فِيَّ ضِعْفَاءُ النَّاسِ وَمَسَاكِينُهُمْ فَقَضَى اللَّهُ بَيْنَهُمَا: إِنَّكَ الْجَنَّةُ رَحِمَتِي أَرْحَمُ بِكَ مِنْ أَشَاءَ، وَإِنَّكَ النَّارُ عَذَابِي أُعَذِّبُ بِكَ مَنْ أَشَاءَ، وَلِكُلِّكُمَا عَلَيَّ مَلُؤُهُا» رواه مسلم.

۱۷۰. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «بهشت و دوزخ با هم بگومگو کردند و دوزخ گفت: قدرتمندان و متکبران در من جای دارند و بهشت گفت: بیچارگان و مسکینان در من جای دارند؛ آن‌گاه خداوند میان آنها قضاوت نمود و فرمود: تو بهشتی، رحمت من هستی و به وسیله‌ی تو، به هر کس که بخواهم، رحم می‌کنم و تو دوزخی، عذاب من هستی و به وسیله‌ی تو، هر کس را که بخواهم، عذاب می‌دهم و پر شدن هر دوی شما بر عهده‌ی من است»^۲.

۱۷۱- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «رُبَّ أَشْعَثَ أَغْبَرَ مَدْفُوعٍ بِالْأَبْوَابِ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لَأَبْرَهُ» رواه مسلم.

۱۷۱. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «چه بسا شخص ژولیده موی و غبارآلود و طرد شده بر درِ منازل هست که اگر خداوند را سوگند دهد، خداوند سوگندش را اجرا می‌فرماید»^۳. (یعنی: هرگاه از روی طمع در کرم خداوندی سوگندی یاد کند، خداوند مطلوبش را به وی می‌دهد).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۰۹۱)] [مسلم، این حدیث را روایت نکرده است].

۲- متفق علیه است؛ [(۲۸۴۶)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۲۲)].

۳۳- باب ملاطفة الیتیم والبنات وسائر الضَّعْفَة والمساکین
والمنکسرین والإحسان إلیهم والشفقة علیهم والتواضع معهم
وخفض الجناح لهم

باب مهربانی با یتیمان و دختران و سایر ضعیفان و
بیچارگان و نیکویی و دلسوزی و تواضع نسبت به آنها و
نهایت فروتنی با آنها

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (الحجر / ۸۸)

«برای مؤمنان بال (تواضع و مهربانی) خود را بگستران.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشيِّ يُرِيدُونَ
وَجْهَهُ ۖ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (الكهف / ۲۸)
«ای پیامبر ﷺ! با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان، خدای
خود را می‌خوانند و عبادت می‌کنند (و تنها رضای) ذات او را
می‌طلبند و چشمانت را از ایشان (به سوی ثروتمندان و قدرتمندان
متکبر) برای خواستن زینت زندگی دنیوی، برمگردان.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۖ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ (الضحی / ۹-۱۰)

«پس اما به یتیم ستم مکن * و اما بر گدا بانگ مزین (و او را از خود
مران)».

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدينِ ۖ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ۖ

وَلَا تَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ﴾ (الماعون / ۱-۳)

«آیا دیده‌ای آن کسی که روز جزا را تکذیب می‌کند؟! وی همان کسی است که یتیم را از خود می‌راند و (دیگران را) به طعام و خوراک دادن به بینوایان و مستمندان، تشویق و ترغیب نمی‌کند».

۱۷۲- وعن سهل بن سعد رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا» وَأَشَارَ بِالسَّبَّابَةِ وَالْوُسْطَى، وَفَرَّجَ بَيْنَهُمَا». رواه البخاري.

۱۷۲. و از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «من و کفیل (عهده‌دار) یتیم، در بهشت، این چنین هستیم» و به دو انگشت سبابه و میانه اشاره نمود و آنها را از هم جدا کرد^۱.

۱۷۳- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَيْسَ الْمِسْكِينُ الَّذِي يَطُوفُ عَلَى النَّاسِ تَرُدُّهُ اللَّقْمَةُ وَاللُّقْمَتَانِ وَالتَّمْرَةُ وَالتَّمْرَتَانِ، وَلَكِنَّ الْمِسْكِينَ الَّذِي لَا يَجِدُ غَنًى يُغْنِيهِ، وَلَا يُفْطِنُ بِهِ فَيَتَصَدَّقُ عَلَيْهِ، وَلَا يَقُومُ فَيَسْأَلُ النَّاسَ». متفق عليه.

۱۷۳. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مسکین کسی نیست که دوره‌گردی کند و نزد مردم به گدایی برود و لقمه‌ای یا دو لقمه و خرمایی یا دو خرما نیاز او را برآورد، بلکه مسکین کسی است که ثروتی ندارد که او را بی‌نیاز کند و او را نمی‌شناسند و نمی‌دانند تا به او صدقه بدهند و از مردم گدایی نمی‌کند»^۲.

۱۷۴- وعنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمِسْكِينِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» وَأَحْسِبُهُ قَالَ: «وَالْقَائِمُ الَّذِي لَا يُفْطِرُ، وَكَالصَّائِمِ لَا يُفْطِرُ». متفق عليه.

۱۷۴. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که در کار بیوگان و فقرا، کوشا باشد (به آنها کمک و از آنها نگهداری کند)، مانند شخص

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۵۳۰۴].

۲- متفق علیه است؛ [خ(۱۴۷۹)، م(۱۰۳۹)].

مجاهد در راه خداست»؛ و گمان می‌کنم که فرمودند: «مانند نماز شب‌خوانی است که خسته و سست نمی‌شود و مانند روزه‌داری است که افطار نمی‌کند»^۱.

۱۷۵- وعنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «شَرُّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيمَةِ، يُمْنَعُهَا مَنْ يَأْتِيهَا، وَيُدْعَى إِلَيْهَا مَنْ يَأْبَاهَا، وَمَنْ لَمْ يُجِبِ الدَّعْوَةَ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ» رواه مسلم.

وفي رواية في الصحيحين عن أبي هريرة من قوله: «بُئْسَ الطَّعَامُ طَعَامُ الْوَلِيمَةِ يُدْعَى إِلَيْهَا الْأَغْنِيَاءُ وَيُتْرَكَ الْفُقَرَاءُ».

۱۷۵. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بدترین طعام، غذای ولیمه (جشن عروسی) ای است که کسی که (به سبب گرسنگی و نیاز به آن غذا بدون دعوت، در آن) حاضر می‌شود، منع می‌گردد (و غذایی به او داده نمی‌شود) و کسی که (به دلیل بی‌نیازی به آن)، از آن امتناع می‌کند، به آن دعوت می‌شود و کسی که دعوت (ولیمه) را اجابت نکند، خدا و رسول او را عصیان کرده است»^۲.

در روایتی دیگر در صحیحین از ابوهریره رضی الله عنه از قول پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که فرمودند: «بدترین غذا، غذای ولیمه ای است که ثروتمندان به آن دعوت و فقرا فراموش می‌شوند».

۱۷۶- وعن أنس رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ عَالَ جَارَيْتَيْنِ حَتَّى تَبْلُغَا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَا وَهُوَ كَهَاتَيْنِ» وَضَمَّ أَصَابِعَهُ. رواه مسلم.

۱۷۶. از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس سرپرستی و مخارج زندگی دو دختر را متعهد شود تا به حد بلوغ برسند، روز قیامت در حالی که من و او با همدیگر مثل این دو تا هستیم، حاضر می‌شود». (این را فرمودند) و انگشتانشان (سبابه و میانه) را در کنار هم یکجا نموده نشان دادند^۳.

۱- متفق علیه است: [خ(۵۳۵۳)، م(۲۹۸۲)].

۲- مسلم روایت کرده است: [(۱۴۳۲)].

۳- مسلم روایت کرده است: [(۲۶۳۱)].

۱۷۷- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ ابْتُلِيَ مِنْ هَذِهِ الْبَنَاتِ بِشَيْءٍ فَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ كُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ». متفقٌ عليه.

۱۷۷. از عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هر کس با بعضی از این دختران امتحان شود (صاحب دختر شود) و با ایشان به نیکویی رفتار کند، (دخترانش موجب) حجاب و مانع از آتش (برای او) می شوند»^۱.

۱۷۸- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: جَاءَتْنِي مِسْكِينَةٌ تَحْمِلُ ابْنَتَيْنِ لَهَا، فَأَطْعَمْتُهَا ثَلَاثَ تَمَرَاتٍ، فَأَعْطَتْنِي كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا تَمْرَةً وَرَفَعَتْ إِلَيَّ فِيهَا تَمْرَةً لِتَأْكُلَهَا، فَاسْتَطَعَمْتُهَا ابْنَتَاهَا، فَشَقَّتِ التَّمْرَةَ الَّتِي كَانَتْ تُرِيدُ أَنْ تَأْكُلَهَا بَيْنَهُمَا، فَأَعْجَبَنِي شَأْنُهَا فَذَكَرْتُ الَّذِي صَنَعْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْجَبَ لَهَا بِهَا الْجَنَّةَ، أَوْ أَعْتَقَهَا بِهَا مِنَ النَّارِ». رواه مسلم.

۱۷۸. از عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: زنی فقیر نزد من آمد که دو دخترش را همراه خود داشت، سه خرما به او دادم، او نیز به هر یک از دو دخترش یک خرما داد و یک خرما را به سوی دهان خود بلند کرد تا بخورد، دختران، باز از او غذا خواستند، زن، خرمایی را که خود می خواست بخورد، دو نیمه و بینشان تقسیم کرد. از حال او تعجب و کارش را برای پیامبر ﷺ بازگو کردم، فرمودند: «خداوند با این کار بهشت را برای او واجب کرد، یا: با این عملش او را از آتش دوزخ نجات داد»^۲.

۱۷۹- وعن أبي الدرداء رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «ابْغُؤْنِي فِي الضُّعَفَاءِ، فَإِنَّمَا تُنْصَرُونَ، وَتُرْزَقُونَ بِضَعْفَائِكُمْ» رواه أبو داود بإسناد جيد.

۱- متفق عليه است: [خ (۱۴۱۸)، م (۲۶۲۹)].

۲- مسلم روایت کرده است: [(۲۶۳۰)].

۱۷۹. از ابودرداء رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: شنیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمودند: «ضعیفان و ناتوانها را برایم بطلبید (پیش من بیاورید)؛ زیرا شما تنها به خاطر ضعفایاری می شوید و روزی می یابید»^۱.

۱- ابوداود [۲۵۹۴]. با اسناد جید (نیکو) روایت کرده است.

۳۴- باب الوصية بالنساء
باب توصیه به رعایت حال زنان

قال الله تعالى:

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾
(النساء / ۱۹)
«با زنان به خوبی معاشرت کنید».

و قال تعالى:

﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ
الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا
رَحِيمًا﴾
(النساء / ۱۲۹)

«شما هرگز نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی یا برخورد) میان زنان خود عدالت (کامل) برقرار کنید، اگرچه بر آن حریص باشید، ولی تمام توجه خود را به آن زنان که بیشتر دوست دارید، معطوف نکنید، چنان که دیگری را به صورت زن معلقه‌ای (که نه دارای شوهر است و نه بیوه است) درآورید. و اگر با عدل و برابری با آنان رفتار و پرهیزگاری کنید، خداوند آمرزند و مهربان است».

۱۸۰- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «استَوْصُوا
بِالنِّسَاءِ خَيْرًا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلَعٍ، وَإِنَّ أَعْوَجَ مَا فِي الضِّلَعِ أَعْلَاهُ، فَإِنْ ذَهَبَتْ تُقِيمُهُ
كَسْرَتُهُ، وَإِنْ تَرَكْتُهُ، لَمْ يَزَلْ أَعْوَجَ، فَاسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ» متفق عليه.

۱۸۰. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خواهان رفتار
نیک با زنان شوید، زیرا زن از دنده‌ی کج آفریده شده است و کج‌ترین محل دنده،
بلندترین نقطه‌ی آن است، اگر بخواهی آن را راست کنی، می‌شکند و اگر آن را

به خود واگذاری و ترک کنی همچنان کج می ماند؛ پس توصیه ی من (پیشه کردن خوشخویی و صبر) در مورد زنان را قبول و رعایت کنید»^۱.

۱۸۱- وعن عبد الله بن زَمْعَةَ رضي الله عنه، أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ، ثُمَّ ذَكَرَ النِّسَاءَ، فَوَعَّظَ فِيهِنَّ، فَقَالَ: «يَعْمِدُ أَحَدُكُمْ فَيَجْلِدُ امْرَأَتَهُ جَلْدَ الْعَبْدِ فَلَعَلَّهُ يَصَاحِبُهَا مِنْ آخِرِ يَوْمِهِ» ثُمَّ وَعَظَهُمْ فِي ضَحِكِهِمْ مِنَ الضَّرْطَةِ وَقَالَ: «لَمْ يَضْحَكْ أَحَدُكُمْ مِمَّا يَفْعَلُ؟» متفق عليه.

۱۸۱. از عبدالله بن زمعه رضی الله عنه روایت شده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که خطبه می فرمود سپس به ذکر زنان پرداخت و در مورد آنها موعظه فرمود و ادامه داد: «یکی از شما بلند می شود و زنش را مانند بنده ی زرخرید کتک می زند (حال آن که) شاید در آخر همان روز، با او هم خوابگی کند»؛ آن گاه مردم را در مورد خندیدن نشان به ضربه (بادی که با صدا از شکم خارج می شود) اندرز دادند و فرمودند: «چرا یکی از شما عملی را که از خود او نیز سر می زند، (تمسخر می کند) و به آن می خندد؟»^۲.

۱۸۲- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا يفرك مؤمن مؤمنةً، إن كره منها خلقاً رضي منها آخر» أو قال: «غيره» رواه مسلم.

۱۸۲. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نباید مؤمن از زن مؤمنه اش متنفر باشد، چرا که اگر از یکی از رفتارهایش بدش بیاید، به یک رفتار دیگرش (یا فرمودند: غیر آن رفتار) خشنود خواهد بود»^۳.

۱۸۳- وعن عمرو بن الأَحْوَصِ الجُشَمِيِّ رضي الله عنه أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ يَقُولُ بَعْدَ أَنْ حَمِدَ اللَّهَ تَعَالَى، وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَذَكَرَ وَوَعَّظَ، ثُمَّ قَالَ: «أَلَا وَاسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا، فَإِنَّمَا هُنَّ عَوَانٌ عِنْدَكُمْ لَيْسَ تَمْلِكُونَ مِنْهُنَّ شَيْئاً غَيْرَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۳۳۱)، م (۱۴۶۸)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۴۹۴۲)، م (۲۸۵۵)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۴۶۹)].

مُبَيَّنَةٍ، فَإِنْ فَعَلْنَ فَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ، وَاضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرِحٍ، فَإِنْ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا، أَلَا إِنَّ لَكُمْ عَلَى نِسَائِكُمْ حَقًّا، وَلِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا، فَحَقُّكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوطِئْنَ فُرُشَكُمْ مَنْ تَكْرَهُونَ، وَلَا يَأْذَنَنَّ فِي بُيُوتِكُمْ لِمَنْ تَكْرَهُونَ، أَلَا وَحَقُّهُنَّ عَلَيْكُمْ أَنْ تُحْسِنُوا إِلَيْهِنَّ فِي كِسْوَتِهِنَّ وَطَعَامِهِنَّ». رواه الترمذی وقال: حدیث حسن صحیح^۱.

۱۸۳. از عمرو بن احوص جُشَمی رضی الله عنه روایت شده است که او در حجة الوداع از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که بعد از آن که حمد و ثنا فرمود و تذکر داد و پند و موعظه کرد، فرمودند: «آگاه باشید، و رفتار نیک با زنان داشته باشید؛ زیرا آنان اسیرانی^۲ در دست شما هستند و شما مالک هیچ چیز از آنها جز آن (پیوند زناشویی و حفظ مال و ناموسشان) نیستید، مگر این که کار آشکاری (مانند نشوز و نافرمانی و سوء معاشرت) انجام دهند، که اگر چنین کردند، از همبستری با آنها دوری کنید و (اگر مطمئن بودید که تأثیری دارد) آرام و غیر شدید آنان را بزنید، اگر مطیع شدند، دیگر به ضرر ایشان راهی (برای ایراد و اشکال تراشی و آزار و زدندان) در پیش نگیرید و اقدامی نکنید؛ آگاه باشید! شما بر زنان خود حقی دارید و زنانتان نیز بر شما حقی دارند؛ حق شما بر ایشان این است که فرش شما را برای کسانی که نمی‌خواهید پهن نکنند و کسانی را که دوست ندارید، به خانه‌ی شما راه ندهند و حق ایشان بر شما آن است که در فراهم آوردن لباس و غذا (و نیازهای دیگر زندگی آنها و معاشرت) از آنها دریغ نکنید».

۱۸۴- وعن معاوية بن حيدة رضي الله عنه قال: قُلْتُ: يا رسول الله! ما حقُّ زَوْجَةِ أَحَدِنَا عَلَيْهِ؟ قال: «أَنْ تُطْعِمَهَا إِذَا طَعِمْتَ، وَتَكْسُوَهَا إِذَا اكْتَسَيْتَ وَلَا تُضْرِبَ الْوَجْهَ، وَلَا تُقَبِّحَ، وَلَا تَهْجُرَ إِلَّا فِي الْبَيْتِ». حدیث حسن رواه أبو داود وقال: معنی «لا تُقَبِّحَ» آئی: لا تَقُلْ قَبَحًا لِلَّهِ.

۱۸۴. از معاویه بن حیده رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: ای رسول خدا! حق زن یکی از ما بر شوهرش چیست؟ فرمودند: «این است

۱- ترمذی روایت کرده [۱۱۶۳] و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله زن را در این که تحت حکم مرد در می‌آید، به اسیر تشبیه فرموده است.

که اگر غذایی خوردی، او را نیز سهیم کنی و اگر خود لباسی پوشیدی، برای او هم لباس تهیه کنی و به (سر و) صورت او وزن و او را زشت نشمار و به او حرف زشت مزین و دشنام مده و جز در خانه، (از او) دوری نگیر.^۱

۱۸۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا، وَخِيَارُكُمْ خِيَارُكُمْ لِنِسَائِهِمْ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۱۸۵. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کامل ترین مؤمنان از جهت ایمان، خوش اخلاق ترین آنان و بهترین شما، بهترین شما در رفتار و برخورد با همسرانتان است»^۲.

۱۸۶- وعن إياس بن عبد الله بن أبي ذباب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَا تَضْرِبُوا إِمَاءَ اللَّهِ» فَجَاءَ عُمَرُ رضي الله عنه إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، فَقَالَ: ذُئِرْنَ النَّسَاءُ عَلَى أَزْوَاجِهِنَّ، فَرَحَّصَ فِي ضَرْبِهِنَّ، فَأَطَافَ بِآلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نِسَاءٌ كَثِيرٌ يَشْكُونَ أَزْوَاجَهُنَّ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَقَدْ أَطَافَ بِآلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نِسَاءٌ كَثِيرٌ يَشْكُونَ أَزْوَاجَهُنَّ لَيْسَ أَوْلَنَكَ بِخِيَارِكُمْ». رواه أبوداود بإسناد صحيح.

۱۸۶. از ایاس بن عبدالله بن ابی ذباب رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کنیزان خدا (یعنی زنان خود) را نزنید، سپس حضرت عمر رضی الله عنه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: زنان بر شوهران خود جرأت یافته اند و پیامبر صلی الله علیه و آله برای تنبیه آنان، زدنشان را اجازه داد؛ پس از آن، زنان زیادی در نزد خانواده ی پیامبر صلی الله علیه و آله گرد می آمدند که از دست شوهران خود می نالیدند، پیامبر صلی الله علیه و آله (به مردم) فرمودند: «زنان زیادی، اهل بیت محمد را احاطه کرده اند و از همسران خود می نالند؛ چنین شوهرانی از نیکان شما نیستند»^۳.

۱- حدیثی حسن است که ابوداود روایت کرده است؛ [۲۱۴۲].

۲- ترمذی روایت کرده [۱۱۶۳] و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۳- ابوداود [۲۱۴۶] با اسناد صحیح روایت کرده است.

۱۸۷- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «الدُّنْيَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِهَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ». رواه مسلم.

۱۸۷. از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «دنیا (مانند) کالا و توشه‌ای «اندک» است و بهترین کالا و متاع دنیا، زن شایسته و نیکوکار است»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۴۶۷].

۳۵- باب حق الزوج على المرأة

باب حق مرد بر زن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالْصَّالِحَاتُ قَنِبَتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾

(النساء / ۳۴)

«مردان بر زنان قیّم و سرپرست اند، بدین خاطر که خداوند برخی را بر برخی دیگر برتری داده و مردان از مال و دارایی خود (برای آنان) خرج می‌کنند؛ پس زنان صالح، مطیع (شوهران) و حافظ آبرو و نفس خود و فرزندان و مال شوهرانشان در غیاب (و همراه) ایشان هستند».

۱۸۸- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَلَمْ تَأْتِهِ فَبَاتَ غَضَبًا عَلَيْهَا لَعْنَتُهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ». متفق عليه.

وفي رواية لهما: «إِذَا بَاتَتِ الْمَرْأَةُ هَاجِرَةً فِرَاشَ زَوْجِهَا لَعْنَتُهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ».

۱۸۸. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر گاه مرد، زنش را به بستر خود فرا خواند و زن نیاید و مرد، شب را در حال خشم و نارضایتی از او سپری کند، فرشتگان تا هنگام صبح، او را لعنت می‌کنند».^۱
در روایتی دیگر از بخاری و مسلم آمده است: «هر گاه زن، در حالی که بستر شوهرش را ترک گفته است، شب را سپری کند، فرشتگان او را تا صبح نفرین می‌کنند».

۱- متفق علیه است؛ [خ(۵۱۹۳)]، م(۱۰۲۶)].

۱۸۹- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أيضاً أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ أَنْ تَصُومَ وَزَوْجُهَا شَاهِدٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَلَا تَأْذَنَ فِي بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ». متفقٌ عليه، وهذا لفظ البخاري.

۱۸۹. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «برای زن حلال نیست که با حضور شوهرش، بدون اجازه‌ی وی، روزه (سنت) بگیرد و این که بدون اجازه‌ی شوهرش، اجازه‌ی ورود کسی را به خانه‌ی شوهرش بدهد».

۱۹۰- وعن ابن عمر رضي الله عنهما عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْأَمِيرُ رَاعٍ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ زَوْجِهَا وَوَلَدِهِ، فَكُلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» متفقٌ عليه.

۱۹۰. از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هر کدام از شما (مانند) چوپان هستید و مسئول افراد تحت فرمان خویش هستید؛ فرمانده و حاکم، چوپان (مردم)، مرد، چوپان خانواده‌ی خود و زن، چوپان خانه و فرزند شوهر خود است؛ پس همه‌ی شما (مثل) چوپان و مسئول هستید و از هر یک از شما، از چیزی که به دست او سپرده شده است، سؤال می‌شود»^۱.

۱۹۱- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْ كُنْتُ أَمِيراً أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا». رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۱۹۱. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «اگر من به کسی فرمان می‌دادم که کسی را سجده کند (اگر می‌شد برای غیر خدا سجده کنند) به زن امر می‌کردم که به شوهرش سجده کند»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۸۶۳)، م (۱۸۲۹)].

۲- ترمذی [۱۱۵۹] روایت کرده و گفته است؛ حدیث حسن صحیح است.

۳۶- باب النفقة على العيال
باب نفقه زن و فرزند و خادم

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (البقره / ۲۳۳)

«و بر صاحب فرزند، لازم است که خوراک و پوشاک مادر را به گونه ای شایسته و عرفی بپردازد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ ۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا

يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَاءً آتَاهَا﴾ (الطلاق / ۷)

«آن که ثروتمند است، از ثروت خود خرج کند و آن که تنگدست است، از چیزی که خداوند به او داده است خرج کند، خداوند بر هیچ کس جز به اندازه ای که به او داده است، تکلیف نمی کند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ﴾ (سبا / ۳۹)

«و هر چه (در راه خدا) انفاق کنید، خداوند بدل آن را (در دنیا یا آخرت) به شما خواهد داد».

۱۹۲- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «دِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي رَقَبَةٍ، وَدِينَارٌ تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَى مِسْكِينٍ، وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ، أَعْظَمُهَا أَجْرًا الَّذِي أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ» رواه مسلم.

۱۹۲. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دیناری که در راه خدا انفاق کنی، دیناری که به فقیری صدقه دهی، دیناری که در راه آزاد کردن

بنده‌ای ببخشی و دیناری که نفقه‌ی زن و فرزندان کنی، بزرگ‌ترین آنها از حیث پاداش، آن است که برای خانواده‌ات خرج کرده‌ای»^۱.

۱۹۳- وعن أم سلمة رضي الله عنها قالت: قلت يا رسول الله، هل لي أجر في بني أبي سلمة أن أنفق عليهم، ولست بتاركهم هكذا وهكذا، إنما هم بني؟ فقال: «نعم لك أجر ما أنفقت عليهم». متفق عليه.

۱۹۳. از ام‌المؤمنین ام سلمه (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: گفتم: ای رسول خدا! در مورد فرزندان ابوسلمه، اگر برای آنها خرج کنم، آیا اجری خواهم داشت؟ و من چنین و چنان و اینجا و آنجا، آنها را ترک نخواهم کرد، آنان فرزندان من هستند، پیامبر ﷺ فرمودند: «بله، پاداش آنچه که برایشان انفاق می‌کنی، برای توست»^۲.

۱۹۴- وعن أبي مسعود رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إذا أنفق الرجل على أهله نفقةً يَحْتَسِبُهَا فَهِيَ لَهُ صدقة» متفق عليه.

۱۹۴. از ابومسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هر گاه مرد، در رضای خدا و به امید پاداش او، برای زن و فرزندش خرج کند، این عمل برای او صدقه خواهد بود»^۳.

۱۹۵- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «كفى بالمرء إثماً أن يضيع من يقوت». حديث صحيح رواه أبو داود وغيره.

۱۹۵. از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «برای گناه مرد همین کافی است که در پرداخت هزینه‌های کسی که مخارجش بر عهده‌ی اوست، کوتاهی کند و از او دریغ نماید»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۹۹۵)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۶۷)، م (۱۰۰۱)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۵۵)، م (۱۰۰۲)].

۱۹۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ، فَيَقُولُ أَحَدُهُمَا: اللَّهُمَّ أَعْطِ مُنْفِقًا خَلْفًا، وَيَقُولُ الْآخَرُ: اللَّهُمَّ أَعْطِ مُمْسِكًا تَلَفًا». متفقٌ عليه.

۱۹۶. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر روز که بندگان صبح می کنند دو فرشته پایین می آیند؛ یکی از آنها می گوید: خداوندا! به بخشنده و خرج کننده، عوض عطا کن و دیگری می گوید: خداوندا! به بخیل و خودداری کننده از خرج، تلف و ضرری برسان»^۲.

۱۹۷- وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْيَدُ الْغُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ، وَخَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنَى، وَمَنْ يَسْتَغْفِرْ، يُعْفِهِ اللَّهُ، وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللَّهُ» رواه البخاري.

۱۹۷. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دست بالاتر (بخشنده) از دست پایین تر (طلب کننده و گیرنده ی بخشش) بهتر است و (انفاق را) از خانواده ات شروع کن و بهترین صدقه آن است که شخص بعد از برآوردن نیازهای خود و خانواده اش پرداخت کند و کسی که از گدایی و طلب کردن مال از مردم حیا کند، خداوند او را عقیف و بی نیاز می سازد و هر کس استغنا بورزد و دارای عزت نفس باشد، خداوند او را بی نیاز می گرداند».

۱- حدیث صحیحی است که ابوداود روایت کرده است. [۱۶۹۲].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۴۲)، م (۱۰۱۰)].

۳۷- باب الإنفاق مما يحبُّ ومن الجيّد
باب انفاق از مالی که شخص، آن را دوست دارد و نیک و
پاک است

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا حُبُّوتُمْ﴾ (آل عمران / ۹۲)

«به نیکی دست نمی‌یابید، مگر آن که از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ

مِّنَ الْأَرْضِ ۖ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ﴾ (البقره / ۲۶۷)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از مال‌های پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید و از آنچه از زمین برای شما بیرون آورده‌ایم، ببخشید و به سراغ چیزهای ناپاک نروید تا آن را ببخشید».

۱۹۸- عن أنس رضي الله عنه قال: كَانَ أَبُو طَلْحَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَكْثَرَ الْأَنْصَارِ بِالْمَدِينَةِ مَالًا مِنْ نَخْلٍ، وَكَانَ أَحَبَّ أَمْوَالِهِ إِلَيْهِ بَيْرَحَاءَ، وَكَانَتْ مُسْتَقْبَلَةَ الْمَسْجِدِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْخُلُهَا وَيَشْرَبُ مِنْ مَاءٍ فِيهَا طَيِّبٍ قَالَ أَنَسٌ: فَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا حُبُّوتُمْ﴾ ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا حُبُّوتُمْ﴾ ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا حُبُّوتُمْ﴾ قَالَ قَامَ أَبُو طَلْحَةَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ عَلَيْكَ: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا حُبُّوتُمْ﴾ وَإِنَّ أَحَبَّ مَالِي إِلَيَّ بَيْرَحَاءَ، وَإِنَّهَا صَدَقَةٌ لِلَّهِ تَعَالَى أَرْجُو بِرَّهَا وَذُخْرَهَا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى، فَضَعَهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، حَيْثُ أَرَاكَ اللَّهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بَخِ، ذَلِكَ مَالٌ رَابِعٌ، ذَلِكَ مَالٌ رَابِعٌ، وَقَدْ سَمِعْتُ مَا قُلْتَ، وَإِنِّي أَرَى أَنَّ تَجْعَلُهَا فِي الْأَقْرَبِينَ» فَقَالَ أَبُو طَلْحَةَ: أَفْعَلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَسَمَهَا أَبُو طَلْحَةَ فِي أَقَارِبِهِ، وَبَنِي عَمِّهِ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱۹۸. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: ابوطلحه رضی الله عنه در میان انصار مدینه از لحاظ داشتن نخلستان، ثروتمندترین شخص بود و محبوب‌ترین اموالش نزد او «بیرحاء» بود که (باغ خرمایی) در مقابل مسجد بود و پیامبر صلی الله علیه و آله داخل آن می‌شد و از آب گوارایی که در آن جاری بود، می‌نوشید؛ انس رضی الله عنه می‌گوید: وقتی این آیه نازل شد:

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ (آل عمران / ۹۲)

«به نیکی دست نمی‌یابید، مگر آن که از آنچه دوست می‌دارید، (در

راه خدا) ببخشید».

ابوطلحه به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و گفت: ای رسول خدا! خداوند متعال این آیه را بر تو نازل کرده که می‌فرماید: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ و محبوب‌ترین و پر ارزش‌ترین مال من، بیرحاء است، اینک آن را در راه خدا صدقه کردم به امید آن که نزد خدا ذخیره و سبب پاداش باشد؛ ای رسول خدا! آن را در هر موردی که مصلحت می‌بینی، قرار ده؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به به! آن مال نیک و ثروت سودمند و پاکی است و آنچه گفתי، شنیدم و من چنین صلاح می‌بینم که آن را صدقه‌ی نزدیکان (مستحق) خود کنی». ابوطلحه گفت: ای رسول خدا! چنین می‌کنم؛ بعد آن را در میان نزدیکان و پسرعموهای خود تقسیم نمود^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۶۱)، م (۹۹۸)].

۳۸- بیان وجوب امر اهل و اولاده المميزين وسائر من فی رعیتہ بطاعة الله تعالى ونهیہم عن المخالفة، وتأديبہم، ومنعہم من ارتکاب منہی عنہ

باب واجب بودن امر انسان به خانواده و فرزندان به سن تمیز رسیده‌ی خود و کسانی که تحت سرپرستی او هستند به طاعت خدا و نهی از سرپیچی از آن، و تأدیب و منع آنان از منہیات

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ (طه / ۱۳۲)

«خانواده‌ات را به (بر پا داشتن) نماز فرمان ده و بر آن محکم و ثابت قدم باش».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيَ الَّذِينَ آمَنُوا قُورًا أَنْفُسُهُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ (التحریم / ۶)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌تان را از آتش، حفظ کنید».

۱۹۹- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: أَخَذَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا تَمْرَةً مِنْ تَمْرِ الصَّدَقَةِ فَجَعَلَهَا فِي فِيهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَخْ كَخْ، إِرْمْ بِهَا، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّا لَا نَأْكُلُ الصَّدَقَةَ؟».

وفي رواية: «إِنَّا لَا تَحِلُّ لَنَا الصَّدَقَةُ». متفق عليه.

۱۹۹. از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: حسن بن علی رضی اللہ عنہما (که در آن وقت، کودکی چند ساله بود) خرمایی از خرماهای صدقه (زکات) را برگرفت

و به دهان گذاشت، پیامبر ﷺ فرمودند: «کخ، کخ!» آن را دور بینداز! مگر نمی دانی که ما (پیامبر ﷺ و اهل بیت او) صدقه (زکات) نمی خوریم؟!» در روایتی دیگر آمده است: «همانا صدقه (زکات) برای ما حلال نیست».

۲۰۰- وعن عُمر بن أبي سلمة ربيب رسول الله صَلَّى الله عليه وسلم قال: كُنْتُ غُلَامًا فِي حَجَرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى الله عليه وسلم، وَكَانَتْ يَدَيَّ تَطِيشُ فِي الصَّخْفَةِ، فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى الله عليه وسلم: «يَا غُلَامُ، سَمِ اللَّهَ تَعَالَى، وَكُلْ يَمِينِكَ، وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ» فَمَا زِلْتُ تِلْكَ طِعْمَتِي بَعْدُ. متفقٌ عليه.

۲۰۰. از عمر بن ابی سلمه، ریب (ناپسری) پیامبر ﷺ (پسر ام المؤمنین ام سلمه) روایت شده است که فرمود: من پسری نوجوان و تحت تربیت و پناه پیامبر ﷺ بودم و هنگام خوردن غذا دستم در اطراف کاسه دور می زد (از هر طرف لقمه بر می داشتم)، پیامبر ﷺ به من فرمودند: «ای پسر! نام خدا را ببر و با دست راست بخور و از جلو دست خودت بخور!» از آن به بعد همیشه این رسم غذا خوردن من بوده است.^۳

۲۰۱- وعن عمرو بن شعيب، عن أبيه، عن جده رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى الله عليه وسلم: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَاصْرِئْهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُم فِي الْمَضَاجِعِ». حديثٌ حسن رواه أبو داود بإسنادٍ حسنٍ.

۲۰۱. از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش ﷺ روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «فرزندان خود را در هفت سالگی به نماز امر کنید و در ده سالگی (به خاطر عدم انجام دادن آن)، تنبیه کنید و بستر خواب فرزندان را از هم جدا نمایید».^۴

۱- این کلمه را در زبان عربی، برای دور کردن بچه از چیزهای آلوده و کثیف به کار می برند. و کخ، کخ و کخ هم تلفظ می شود.

۲- متفق علیه است: [خ (۱۴۹۱)، م (۱۰۶۹)].

۳- متفق علیه است: [خ (۵۳۷۶)، م (۲۰۲۲)].

۴- حدیثی حسن است که از ابوداود [۴۹۵] با اسناد حسن (خوب) روایت کرده است.

۳۹- باب حق الجار والوصية به
باب حق همسايه و توصيه به مراعات آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا^ط وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ
وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ (النساء / ۳۶)

«(تنها) خداوند را عبادت کنید و هیچ چیزی را با او شریک قرار
ندهید و به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، درماندگان و بیچارگان،
همسایگان خویشاوند و غیر خویشاوند، دوست نزدیک، در راه
ماندگان، بندگان و کنیزان، نیکی کنید».

۲۰۲- وعن ابن عمر وعائشة رضي الله عنهما قالا: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
«مَا زَالَ جَبْرِئِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَثُهُ» متفق عليه.

۲۰۲. و از ابن عمر و عایشه رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:
«جبرئیل پیوسته در مورد همسایه به من توصیه می فرمود تا اندازه ای که گمان بردم
که او، به زودی همسایه را وارث همسایه اعلام خواهد کرد»^۱.

۲۰۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «وَاللَّهِ لَا يُؤْمِنُ،
وَاللَّهِ لَا يُؤْمِنُ» قِيلَ: مَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «الَّذِي لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَائِقَهُ» متفق عليه.

۲۰۳. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به خدا سوگند
ایمان ندارد، به خدا سوگند ایمان ندارد، به خدا سوگند ایمان ندارد!»، سؤال شد: ای

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۰۱۴) و (۶۰۱۵)، م (۲۶۲۴) و (۲۶۲۵)].

رسول خدا! چه کسی ایمان ندارد؟ فرمودند: «کسی که همسایه‌اش از خطر شرارت و فتنه‌ی او ایمن نباشد»^۱.

۲۰۴- وعن أبي شُرَيْحٍ الْخَزَاعِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيُحْسِنْ إِلَى جَارِهِ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَسْكُتْ» رواه مسلم.

۲۰۴. از ابوشریح خزاعی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به همسایه‌اش نیکی کند، هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد مهمانش را گرمی بدارد، هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد یا سخن نیک بگوید، یا ساکت باشد»^۲.

۳۱۰- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي جَارَيْنِ، فَيَالِي أَيُّهُمَا أُهْدِي؟ قَالَ: «إِلَى أَقْرَبِهِمَا مِنْكَ بَابًا» رواه البخاري.

۳۱۰. از عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردم: ای رسول خدا! من دو همسایه دارم، به کدامشان (غذا یا مانند آن) هدیه کنم؟ فرمودند: «به آن که در خانه‌اش به تو نزدیک‌تر است»^۳.
(به حدیث شماره: ۷۹ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۰۱۶)، م (۴۶)].

۲- مسلم [(۴۸)] با این لفظ و بخاری [(۶۰۱۹)] نیز بعضی از آن روایت کرده‌اند.

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۰۲۰)].

۴۰- باب بر الوالدین وصلة الأرحام

باب نیکویی با پدر و مادر و صله‌ی رحم

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۖ وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ
وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ (النساء / ۳۶)

«(تنها) خداوند را عبادت کنید و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهید
و به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، درماندگان و بیچارگان،
همسایگان خویشاوند و غیر خویشاوند، دوست نزدیک، در راه
ماندگان، بندگان و کنیزان خود، نیکی کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ﴾ (النساء / ۱)
«از خداوندی که یکدیگر را به او سوگند می‌دهید، و از این که
پیوندهای خویشاوندی را قطع نمایید، بپرهیزید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾ (الرعد / ۲۱)
«و کسانی که پیوندهایی را که خداوند به حفظ آنها دستور داده، برقرار
می‌نمایند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا﴾ (العنکبوت / ۸)
«انسان را به نیکی نسبت به پدر و مادرش توصیه کردیم».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا ۚ إِنَّمَا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۖ ﴾ (الإسراء / ۲۳-۲۴)

کَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿

«پروردگارتان فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هر گاه یکی از آن دو یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری رسیدند، (کوچک اهانتی به آنان نکن و حتی کمترین تعبیر نامؤدبانه همچون) أُف را به آنان نگو! و بر سرشان فریاد نزن (و آنان را از پیش خود مران) و با سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو. و بال تواضع و فروتنی را از روی مهربانی بر ایشان فرود آور و بگو: پروردگارا! به ایشان رحم فرما همان گونه که آنان در کوچکی مرا تربیت و بزرگ کردند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفَصَّلَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ ﴾ (لقمان / ۱۴)

«وانسان را به نیکی و احترام به پدر و مادرش توصیه کردیم؛ مادرش او را با ضعف‌ها و سختی‌های متوالی در شکم خود حمل کرد و از شیر بریدن او در دو سال است؛ پس به او (سفارش کردیم) که شکر نعمت من (خدا) و پدر و مادرت را به‌جای آور».

۲۰۶- وعن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال: سألت النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟ قَالَ: «الصَّلَاةُ عَلَى وَفْيِهَا» قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ» قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» متفق عليه.

۲۰۶. و از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردم: چه کاری نزد خدا محبوب‌تر است؟ فرمودند: نمازی که در (آغاز) وقت خود انجام گیرد»، گفتم: دیگر چه؟ فرمودند: «نیکی به پدر و مادر»؛ گفتم: دیگر چه؟ فرمودند: «جهاد در راه خدا».^۱

۲۰۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أيضاً رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ» متفق عليه.

۲۰۷. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد مهمانش را گرامی بدارد، هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، صله‌ی رحم را به جای آورد، هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، یا سخن نیک بگوید، یا ساکت باشد».^۲

۲۰۸- وعنه رضي الله عنه قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي؟ قَالَ: «أُمُّكَ» قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «أُمُّكَ» قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «أُمُّكَ» قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «أُمُّكَ» متفق عليه.

۲۰۸. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی پیش پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! چه کسی برای همنشینی خوب (من با او) صاحب حق‌ترین و سزاوارترین مردم است؟ فرمودند: «مادرت»، گفت: سپس چه کسی؟ فرمودند: «مادرت»، گفت: سپس چه کسی؟ فرمودند: «مادرت»، گفت: سپس چه کسی؟ فرمودند: «پدرت».^۳

۲۰۹- وعنه عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «رَغِمَ أَنْفٌ، ثُمَّ رَغِمَ أَنْفٌ، ثُمَّ رَغِمَ أَنْفٌ مَنْ أَدْرَكَ أَبَوَيْهِ عِنْدَ الْكِبَرِ، أَحَدَهُمَا أَوْ كِلَيْهِمَا فَلَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ» رواه مسلم.

۱- متفق عليه است: [خ (۵۲۷)، م (۸۵)].

۲- متفق عليه است: [خ (۶۱۳۸)، م (۴۷)].

۳- متفق عليه است: [خ (۵۹۷۱)، م (۲۵۴۸)].

۲۰۹. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به خاک مالیده شود، به خاک مالیده شود، و باز به خاک مالیده شود، بینی کسی که پدر و مادرش - یکی یا هر دو نفرشان - را (زنده و به ویژه) در حال پیری آنها ببیند و (با خدمت آنها) داخل بهشت نشود»^۱.

۲۱۰- وعن أنس رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُبَسِّطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ، وَيُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ، فَلْيَصِلْ رَحْمَةً» متفق عليه.

۲۱۰. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس دوست دارد که روزی او زیاد و پر برکت و در اجلش تأخیر واقع و عمرش طولانی شود، صله‌ی رحم را انجام دهد و پیوندهای خویش را نگه دارد»^۲.

۲۱۱- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما قال: أقبل رجل إلى نبي الله صلى الله عليه وسلم، فقال: أبأبعك على الهجرة والجهاد أبتغي الأجر من الله تعالى. قال: «فهل من والدك أحد حي؟» قال: نعم بل كلاهما قال: «فتبتغي الأجر من الله تعالى؟» قال: نعم. قال: «فارجع إلى والدك، فأحسن صحبتهما». متفق عليه.

وفي رواية: «ففيهما فجاهد».

۲۱۱. و از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: بر هجرت و جهاد با تو بیعت می‌کنم و (برای این کار) اجر خود را از خداوند متعال می‌طلبم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا از پدر یا مادرت یکیشان زنده است؟» گفت: بله، هر دو زنده‌اند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «و از خدا اجر می‌طلبی؟» گفت: بله، فرمودند: «پس برگرد پیش پدر و مادرت و با آنها به نیکی مصاحبت و معاشرت کن»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۵۱].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۸۶)، م (۲۵۵۷)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۳۰۰۴)، م (۲۵۴۹)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت مسلم است.

و در روایتی دیگر پیامبر ﷺ فرمودند: «پس (در خدمت به) ایشان بکوش و جهاد کن».

۲۱۲- وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَيْسَ الْوَاصِلُ بِالْمُكَافِي وَلَكِنَّ الْوَاصِلَ الَّذِي إِذَا قُطِعَتْ رَحْمَةُ وَصَلَهَا» رواه البخاري.

۲۱۲. و از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «واصل (انجام دهنده‌ی صله‌ی رحم) آن نیست که با شخصی که با وی صله‌ی رحم انجام داده است، صله‌ی رحم به جای آورد و تلافی کند؛ بلکه واصل کسی است که با شخصی که پیوند و صله‌ی او را قطع کرده و با او صله‌ی رحم انجام نمی‌دهد، صله‌ی رحم، به جای آورد»^۱.

۲۱۳- وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الرَّحِمُ مَعْلَقَةٌ بِالْعَرْشِ تَقُولُ: مَنْ وَصَلَنِي وَصَلَهُ اللَّهُ، وَمَنْ قَطَعَنِي، قَطَعَهُ اللَّهُ» متفق عليه.

۲۱۳. و از عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «رحم، بر عرش معلق و آویزان است و می‌گوید: هر کس صله‌ی مرا به جای آورد، خداوند صله‌ی او را به جای می‌آورد و هر کس من را قطع کند، خداوند از او قطع صله و پیوند می‌کند»^۲.

۲۱۴- وعن عمرو بن العاص رضي الله عنهما قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَهَاراً غَيْرَ سِرٍّ يَقُولُ: «إِنَّ آلَ بَنِي فُلَانٍ لَيَسُوا بِأَوْلِيَائِي، إِنَّمَا وَلِيِّيَ اللَّهُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ. وَلَكِنْ لَهُمْ رَحِمٌ أَثْلُهَا بِأَثْلِهَا» متفق عليه.

۲۱۴. و از عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر ﷺ آشکارا، نه مخفیانه شنیدم که می‌فرمودند: «طایفه‌ی بنی فلان، از دوستان و یاری دهندگان من

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۵۹۹۱].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۸۹)، م (۲۵۵۵)].

نیستند و دوست و یاریگر من، فقط خدا و بندگان شایسته‌ی او هستند؛ ولی آنها رحمی (و نسبی با من) دارند که من آن را شاد و تازه نگه می‌دارم.^۱

۲۱۵- وعن أبي أيوب خالد بن زيد الأنصاري رضي الله عنه أن رجلاً قال: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ، وَيُبَاعِدُنِي مِنَ النَّارِ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «تَعْبُدُ اللَّهَ، وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصِلُ الرَّحِمَ» متفق عليه.

۲۱۵. و از ابویوب خالد بن زید انصاری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا! مرا از عملی آگاه کن که مرا وارد بهشت کند و از آتش دوزخ دور گرداند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خدا را عبادت کن و برای او شریکی قرار نده و نماز را به پای دار و زکات را ادا کن و صله‌ی رحم را انجام بده»^۲.

۲۱۶- وعن سلمان بن عامر رضي الله عنه، عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «إِذَا أَفْطَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيُفْطِرْ عَلَى تَمْرٍ، فَإِنَّهُ بَرَكَةٌ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ تَمْرًا، فَأَلْمَاءً، فَإِنَّهُ طَهُورٌ» وقال: «الْصَّدَقَةُ عَلَى الْمِسْكِينِ صَدَقَةٌ، وَعَلَى ذِي الرَّحِمِ ثِنْتَانِ: صَدَقَةٌ وَصِلَةٌ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۲۱۶. از سلمان بن عامر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر گاه یکی از شما افطار کرد، با خرما افطار کند؛ زیرا در آن برکت موجود است و اگر خرما نیافت، با آب؛ زیرا آب پاک (و پاک کننده) است». و نیز فرمودند: «صدقه به مسکین، یک صدقه است (یک اجر دارد) و صدقه به خویشاوند، دو صدقه (دو اجر): یکی (اجر) صدقه و دیگری (اجر) صله‌ی رحم»^۳.

۲۱۷- وعن البراء بن عازب رضي الله عنهما، عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «الْخَالَةُ بِمَنْزِلَةِ الْأُمِّ» رواه الترمذي: وقال حديث صحيح.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۹۰)، م (۲۱۵)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت بخاری است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۳۹۶)، م (۱۳)].

۳- ترمذی روایت کرده [۶۵۸] و گفته است: حدیثی حسن است.

۲۱۷. از براء بن عازب رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «خاله به منزله‌ی مادر است»^۱.

۱- ترمذی روایت کرده [۱۹۰۵] و گفته است: حدیث صحیح است.

۴۱- باب تحریم العقوق و قطیعة الرحم

باب تحریم نافرمانی و آزار پدر و مادر و قطع صلهی رحم

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ ۗ ﴾ (محمد / ۲۲-۲۳)

«آیا اگر (از قرآن و برنامه‌ی اسلام) رویگردان شوید، جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی میان خویش را بگسلید؟ آنان (که چنین می‌کنند) کسانی هستند که خداوند آنان را نفرین کرده و از رحمت خویش به دور داشته و آن‌گاه گوش‌هایشان را (از شنیدن حق) و چشمانشان را (از دیدن راه هدایت و سعادت) کور کرده است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۚ ﴾ (الرعد / ۲۵)

«و آنان که پیمان الهی را بعد از بستن و محکم کردن آن می‌شکنند و آنچه (صله‌ی رحم و ایمان) را که خداوند در باره‌اش امر کرده که وصل (و نگهداری و به جا آورده) شود، قطع می‌کنند و از هم می‌گسلند و بر روی زمین (با کفر و گناه) فساد می‌کنند، آنان را لعنت (دوری از رحمت خدا) و عاقبت و سرانجام بد (جهنم) است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا ۖ إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۝ وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾
(الإسراء / ۲۳-۲۴)

«وپروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هر گاه یکی از آن دو یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری رسیدند، (کوچک اهانتی به آنها نکن و حتی کمترین تعبیر نامؤدبانانه همچون) «اف» را به آنان نگو! و بر سرشان فریاد نزن (و آنان را از پیش خود مران) و با سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو. و بال تواضع و فروتنی را از روی مهربانی بر ایشان فرود آور و بگو: پروردگارا! به ایشان رحم فرما همان گونه که آنان در کوچکی مرا تربیت و بزرگ کردند».

۲۱۸- وعن أبي بكره - رضي الله عنه - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلَّا أَنْبِئَكُمْ بِكَبِيرِ الْكِبَائِرِ؟» ثَلَاثًا قُلْنَا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «الإِشْرَاكُ بِاللَّهِ، وَغُفُوقُ الْوَالِدَيْنِ» وَكَانَ مُتَكِنًا فَجَلَسَ، فَقَالَ: «أَلَّا وَقَوْلُ الزُّورِ وَشَهَادَةُ الزُّورِ» فَمَا زَالَ يَكْرُرُهَا حَتَّى قُلْنَا: لَيْتَهُ سَكَتَ. متفق عليه.

۲۱۸. و از ابوبکره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم سه بار فرمودند: «آیا شما را از بزرگترین گناه کبیره آگاه کنم؟» گفتیم: بله، ای رسول خدا! فرمودند: «شرک به خدا و نافرمانی و آزار پدر و مادر»، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم (وقتی این را فرمودند) تکیه زده بودند، آن گاه نشست و فرمودند: «آگاه باشید! (دیگری) سخن دروغ و شهادت باطل است»، و این جمله را همچنان تکرار می فرمود تا این که با خود گفتیم: کاش سکوت می فرمود!¹

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۶۵۴)، م (۸۷)].

۲۱۹- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الْكِبَائِرُ: الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ، وَغُفُوقُ الْوَالِدَيْنِ، وَقَتْلُ النَّفْسِ، وَالْيَمِينُ الْغُمُوسُ» رواه البخاري.

۲۱۹. و از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «گناهان کبیره عبارتند از: شریک قرار دادن برای خدا، سرپیچی از دستورات پدر و مادر و آزارشان، قتل نفس و سوگند غموس (فرو برنده در سختی)»^۱.

سوگند غموس: سوگندی که عمداً به دروغ [برای تصاحب ناحق مال دیگری] یاد شود، به آن غموس [فرو برنده در سختی] گفته می‌شود، زیرا فاعلش را در گناه [و عذاب] فرو می‌برد.

۲۲۰- وعنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ الْكِبَائِرِ شَتَمَ الرَّجُلَ وَالِدَيْهِ!» قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَهَلْ يَشْتُمُ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ؟ قَالَ: «نَعَمْ، يَسُبُّ أَبَا الرَّجُلِ، فَيَسُبُّ أَبَاهُ، وَيَسُبُّ أُمَّهُ، فَيَسُبُّ أُمَّهُ» متفقٌ عليه.

۲۲۰. و از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از گناهان کبیره، بدگویی و دشنام دادن شخص به پدر و مادرش است؛ گفتند: ای رسول خدا! مگر شخص به پدر و مادر خودش دشنام می‌دهد؟! فرمودند: «بله، به پدر و مادر شخصی دشنام می‌دهد و او نیز (در مقابل) به پدر و مادر این دشنام می‌دهد»^۲.

۲۲۱- وعن جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ» قال سفيان في روايته: يَعْنِي: قَاطِعٌ رَجْمٌ. متفقٌ عليه.

۲۲۱. و از جبیر بن مطعم رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «قاطع، داخل بهشت نمی‌شود».

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۶۷۵].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۷۳)، م (۹۰)].

«سفیان» در روایت خود گفته است: منظور شش، قاطع (صله‌ی) رحم است»^۱.

۲۲۰- وعن الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ عَلَيْكُمْ عُقُوقَ الْأُمّهَاتِ، وَمَنْعاً وَهَاتِ، وَوَأْدَ الْبَنَاتِ، وَكَرِهَ لَكُمْ قِيلَ وَقَالَ، وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ، وَإِضَاعَةَ الْمَالِ» متفقٌ عليه.

۲۲۰. از مغیره بن شعبه رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: « خداوند بر شما حرام کرده است آزار پدر و مادر و ندادن آنچه را که دادن آن بر شما واجب است و طلب آنچه را که از شما نیست و زنده به گور کردن دختران را و نمی‌پسندد برای شما قیل و قال (گفتگوی زیاد) و کثرت سؤال و ضایع کردن مال را، و زیاد سؤال کردن (در چیزی که فایده‌ای ندارد)، ضایع کردن مال و صرف آن در مصارف غیرمشروع را از شما مکروه و ناپسند دانسته است»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۸۷)، م (۲۵۵۶)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۷۷)، م (۱۷۱۵)].

۴۲- باب فضل بر أصدقاء الأب والأم والأقارب والزوجة وسائر من

يندب إكرامه

باب فضیلت نیکوکاری به دوستان پدر و مادر و نزدیکان و

همسر و دیگر کسانی که احترامشان سفارش شده و

پسندیده ست

۲۲۳- وعن مالك بن ربيعة السَّاعِدِيِّ رضي الله عنه قال: بَيْنَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ مِنْ بَنِي سَلَمَةَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ بَقِيَ مِنْ بَرِّ أَبَوَيَّ شَيْءٌ أَبْرُهُمَا بِهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا؟ فَقَالَ: «نَعَمْ، الصَّلَاةُ عَلَيْهِمَا، وَالِاسْتِغْفَارُ لَهُمَا، وَإِنْفَاذُ عَهْدِهِمَا، وَصِلَةُ الرَّحِمِ الَّتِي لَا تُوصَلُ إِلَّا بِهِمَا، وَإِكْرَامُ صَدِيقِهِمَا» رواه أبو داود.

۲۲۳. از مالک بن ربیعہ ساعدی رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: یکبار وقتی که ما نزد پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نشسته بودیم، مردی از بنی سلمه پیش ایشان آمد و گفت: ای رسول خدا! آیا از نیکوکاری و احسان نسبت به پدر و مادرم چیزی مانده است که به وسیله‌ی آن، بعد از مرگشان، به ایشان نیکی کنم؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «بله، دعای خیر کردن برای آنها، طلب مغفرت برای آنان، اجرای پیمان‌ها و وصیت‌های ایشان بعد از مرگشان، صله‌ی رحمی که جز به وسیله‌ی آنان امکان‌پذیر نیست و بزرگداشت دوستان آنان»^۱.

۲۲۴- عن ابن عمر -رضی الله عنهما- أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ أَبْرَ الْبَرِّ أَنْ يَصِلَ الرَّجُلُ وَدَّ أَبِيهِ». متفق عليه.

۲۲۴- از عبدالله بن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بهترین نیکی اینست که شخص صله‌ی رحم با دوستان پدرش را ادامه دهد».

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [(۵۱۴۲)].

۲۲۵- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: مَا غَرْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ نِسَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا غَرْتُ عَلَى خَدِيجَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا. وَمَا رَأَيْتُهَا قَطُّ، وَلَكِنْ كَانَ يُكْثِرُ ذِكْرَهَا، وَرُبَّمَا ذَبَحَ الشَّاةَ، ثُمَّ يَقْطَعُهَا أَغْصَاءً، ثُمَّ يَبْعُثُهَا فِي صَدَائِقِ خَدِيجَةَ، فَرُبَّمَا قُلْتُ لَهُ: كَأَنَّ لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا إِلَّا خَدِيجَةُ! فَيَقُولُ: «إِنَّهَا كَانَتْ وَكَانَتْ وَكَانَ لِي مِنْهَا وَلَدٌ» متفق عليه.

۲۲۵. از حضرت عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: هر هیچ یک از همسران پیامبر ﷺ به اندازه‌ی رشکی که به حضرت خدیجه بردم، رشک نبردم، گرچه هرگز او را ندیده بودم، اما پیامبر ﷺ از او بسیار نام می‌بردند و یاد می‌کردند و چه بسا گوسفندی را سر می‌برید و گوشت آن را قطعه‌قطعه می‌نمود و آن را برای دوستان خدیجه می‌فرستاد، گاهی به او می‌گفتم: گویی در دنیا زنی به جز خدیجه نبوده است! و پیامبر ﷺ می‌فرمودند: «او (در خوبی) چنین و چنان بود و (به علاوه) من از او اولاد دارم»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۸۱۶)، م (۲۴۳۵) و (۲۴۳۷)].

۴۳- باب إكرام أهل بيت رسول الله ﷺ وبيان فضلهم
باب احترام اهل بيت پیامبر ﷺ و بیان فضیلت ایشان

قال الله تعالى:

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾

(الأحزاب / ۳۳)

«خداوند فقط می‌خواهد (که به این وسیله) پلیدی و گناه را از شما اهل بیت (زنان و فرزندان و نزدیکان پیامبر ﷺ) دور کند و شما را کاملاً پاک سازد».

وقال تعالى:

﴿ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴾

(الحج / ۳۳)

«هر کس شعائر و برنامه‌های الهی را بزرگ و محترم دارد، یقیناً (بزرگداشت) آنها از پرهیزگاری دل‌هاست».

۲۲۶- وعن يزيد بن حيان قال: انطلقت أنا وحصين بن سيرة، وعمرؤ بن مسلم إلى زيد بن أرقم رضي الله عنهم، فلما جلسنا إليه قال له حصين: لقد لقيت يا زيد خيراً كثيراً، رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم، وسمعت حديثه، وغزوت معه، وصليت خلفه: لقد لقيت يا زيد خيراً كثيراً، حدثنا يا زيد ما سمعت من رسول الله صلى الله عليه وسلم. قال: يا ابن أخي والله لقد كبرت سني، وقدم عهدي، ونسيت بعض الذي كنت أعي من رسول الله صلى الله عليه وسلم، فما حدثتكم، فاقبلوا، ومالا فلا تكلفونيهِ ثم قال: قام رسول الله صلى الله عليه وسلم يوماً فينا خطيباً بماءٍ يدعى خُمًا بين مكة والمدينة، فحمد الله، وأثنى عليه، ووعظ، وذكر، ثم قال: «أما بعد: ألا أيُّها الناس، فإنَّما أنا بشرٌ يوشكُ أن يأتي رسولُ ربِّي فأجيب، وأنا تاركٌ فيكم ثقلين: أولُهُما كتابُ اللهِ، فيه الهدى والنور، فخذوا بكتابِ اللهِ، واستمسكوا به» فحث على كتابِ اللهِ، ورغب فيه. ثم قال «وأهلُ بَيْتي، أذكركمُ اللهُ في أهلِ بَيْتي، أذكركمُ اللهُ في أهلِ بَيْتي» فقال له حصين: ومن أهلِ بَيْته يا زيد؟ أليس نساؤه من أهلِ بَيْته؟

قَالَ: نِسَاؤُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَلَكِنْ أَهْلُ بَيْتِهِ مَنْ حُرِّمَ الصَّدَقَةُ بَعْدَهُ، قَالَ: وَمَنْ هُمْ؟ قَالَ: هُمْ آلُ عَلِيٍّ، وَآلُ عَقِيلٍ، وَآلُ جَعْفَرٍ، وَآلُ عَبَّاسٍ، قَالَ: كُلُّ هَؤُلَاءِ حُرِّمَ الصَّدَقَةُ؟ قَالَ: نَعَمْ. رواه مسلم.

۲۲۶. و از یزید بن حیان روایت شده است که فرمود: من و «حصین بن سبره» و «عمرو بن مسلم» نزد «زید بن ارقم» (رضی الله عنهم) رفتیم؛ وقتی پیش او نشستیم، حصین به او گفت: ای زید! خیر و برکت زیادی به تو رسیده است؛ پیامبر ﷺ را دیده‌ای و فرموده‌های او را شنیده‌ای و با او به جهاد رفته‌ای و پشت سرش نماز خوانده‌ای، یقیناً به خیرات و برکات زیادی دست یافته‌ای؛ ای زید! آنچه را از پیامبر ﷺ شنیده‌ای، برای ما بیان کن، زید گفت: ای برادرزاده! به خدا سوگند، من پیر شده‌ام و زمان از من گذشته است و بعضی از مطالبی را که از پیامبر ﷺ حفظ کرده بودم، فراموش کرده‌ام، پس هر چه را برایتان گفتم، قبول کنید و آنچه را که نگفتم، مرا به گفتن آن مکلف نکنید. سپس گفت: روزی پیامبر ﷺ بر سر آبی که «خُم» می‌نامیدند و در بین مکه و مدینه واقع است، برای ما خطبه‌ای خواند؛ ابتدا ستایش و نیایش خدا را به جای آوردند و سپس پند و تذکر دادند و آن‌گاه فرمودند: «آگاه باشید ای مردم! من بشری هستم و نزدیک است که فرستاده‌ی خدایم (ملک‌الموت) نزد من بیاید و به ندای او لبیک گویم و بعد از خود، در میان شما، دو بار سنگین و دو چیز ارزنده باقی می‌گذارم: اول، کتاب خدا که در آن هدایت و نور موجود است، پس آن را محکم بگیرید و به آن تمسک و توسل بجوئید (و آن را پیشوای خود قرار دهید)» و در مورد قرآن، مردم را زیاد تشویق و ترغیب نمودند و سپس فرمودند: «و (دوم)، اهل بیت من است، خدا را در مورد اهل بیتم به یادتان می‌آورم! خدا را در مورد اهل بیتم به یادتان می‌آورم!» سپس حصین به زید گفت: ای زید! اهل بیت رسول خدا چه کسانی هستند؟ آیا مگر همسران پیامبر ﷺ نیز جزو اهل بیت ایشان نیستند؟ زید گفت: بله، زنان او نیز از اهل بیتش می‌باشند، اما اهل بیت او کسانی هستند که بعد از پیامبر ﷺ صدقه (زکات) بر ایشان حرام شده است، حصین گفت: آنان چه کسانی هستند؟ زید

جواب داد: «آل علی»، «آل عباس»، «آل عقیل»، و «آل جعفر»؛ گفت: آیا بر تمام این‌ها صدقه حرام است؟ زید گفت: بله^۱.

۲۲۷- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصَّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مَوْقُوفاً عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ: ارْقُبُوا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ، رَوَاهُ الْبَخَارِيُّ.

۲۲۷. و از ابن عمر رضی الله عنهما از حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه به صورت حدیث موقوف، روایت شده است که فرمودند: «حق حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در اهل بیتش نگه دارید و رعایت کنید (به اهل بیت، احترام بگذارید)»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [خ (۲۴۰۸)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [خ (۳۷۵۱)].

۴۴- باب توقیرالعلماء والكبار وأهل الفضل وتقديمهم على غيرهم،
ورفع مجالسهم، وإظهار مرتبتهم.

**باب بزرگداشت علما و بزرگان اهل دین و برتر شمردن
آنان بر دیگران و بالا بردن جایگاه و اظهار رتبه‌ی ایشان**

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا

الْأَلْبَابِ ﴾ (الزمر / ۹)

«ای پیامبر ﷺ بگو: آیا کسانی که معرفت و دانش دارند و کسانی که بی‌بهره از معرفت و دانش‌اند، یکسانند؟ فقط خردمندان متذکر می‌شوند».

۲۲۸- وعن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَيْلِي مِنْكُمْ أُولُوا الْأَخْلَامِ وَالنُّهَى، ثُمَّ الَّذِينَ يُلُونَهُمْ» ثَلَاثًا «وَأَيَّاكُمْ وَهَيْشَاتِ الْأَسْوَاقِ» رواه مسلم.

۲۲۸. و از عبدالله بن مسعود رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «بالغان و کامل‌مردان و عالمان و خردمندان پشت سر من بایستند، سپس کسانی که از لحاظ رتبه، پشت سر آنها هستند و سپس کسانی دیگر قرار گیرند» و سه بار این را تکرار کرد و بعد فرمودند: «(در مسجد و نماز جماعت) از بی‌نظمی و های و هوی بازارها بپرهیزید»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [خ (۴۳۲)].

۲۲۹- وعن جابر رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَجْمَعُ بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ مِنْ قَتَلَى أَحَدٍ يَعْنِي فِي الْقَبْرِ، ثُمَّ يَقُولُ: «أَيُّهُمَا أَكْثَرُ أَخْذًا لِلْقُرْآنِ؟» فَإِذَا أُشِيرَ لَهُ إِلَى أَحَدِهِمَا قَدَّمَهُ فِي اللَّحْدِ. رواه البخاري.

۳۵۲. و از جابر رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم دو نفر از شهدای «احد» را در یک قبر جمع و دفن می کرد و سپس می فرمودند: «کدام یک از آن دو بیشتر از قرآن بهره گرفته و عالم تر به آن بود؟» و هنگامی که به یکی از آنها اشاره می شد، او را در لحد در جلو قبر قرار می داد^۱.

۲۳۰- وعن سَهْلِ بْنِ أَبِي حَثْمَةَ الْأَنْصَارِيِّ رضي الله عنه قال: انْطَلَقَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَهْلٍ وَمُحْيِصَةُ ابْنُ مَسْعُودٍ إِلَى خَيْبَرَ وَهِيَ يَوْمَئِذٍ صُلْحٌ، فَتَفَرَّقَا. فَأَتَى مُحْيِصَةُ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَهْلٍ وَهُوَ يَتَشَحَّطُ فِي دَمِهِ قَتِيلًا، فَدَفَنَهُ، ثُمَّ قَدِمَ الْمَدِينَةَ فَانْطَلَقَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَهْلٍ وَمُحْيِصَةُ وَحُويصَةُ ابْنَا مَسْعُودٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَذَهَبَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ يَتَكَلَّمُ فَقَالَ: «كَبُرَ كِبَرٌ» وَهُوَ أَخَذْتُ الْقَوْمَ، فَسَكَتَ، فَتَكَلَّمَا فَقَالَ: «أَتَحْلِفُونَ وَتَسْتَحِقُّونَ قَاتِلَكُمْ؟» وَذَكَرَ تَمَامَ الْحَدِيثِ. متفق عليه.

۲۳۰. و از سهل بن ابی حثمه انصاری رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: «عبدالله بن سهل» و «محیصه بن مسعود» به «خیبر» رفتند و خیبر در آن روز در صلح بود، سپس از هم جدا شدند؛ (پس از مدتی) محیصه نزد عبدالله بن سهل آمد در حالی که او کشته شده و در خون خود غوطه ور بود، او را دفن کرد، و سپس به مدینه آمد و عبدالرحمن بن سهل و محیصه و حویصه پسران مسعود، نزد پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم آمدند؛ و عبدالرحمن خواست صحبت کند که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «بزرگ تر صحبت کند» - و عبدالرحمن جوان ترین آنها بود - ساکت شد و آن دو نفر دیگر صحبت کردند، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «آیا سوگند یاد می کنید تا حق شما بر قاتل ثابت شود؟» و بقیه ی حدیث را نقل کرد^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [خ (۳۱۴۳)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۸۹۸)، م (۱۶۹۷)].

۲۳۱- وعن ابن عمر رضي الله عنهما أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَرَانِي فِي الْمَنَامِ أَتَسْوُكُ بِسَوَاكِ، فَجَاءَنِي رَجُلَانِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ، فَنَاولْتُ السَّوَاكَ الْأَصْغَرَ، فَقِيلَ لِي: كَبِّرْ، فَدَفَعْتُهُ إِلَى الْأَكْبَرِ مِنْهُمَا» رواه مسلم مُسْنَدًا وَالبخاريُّ تَعْلِيْقًا.

۲۳۱. و از ابن عمر رضی اللہ عنہما روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «خود را در خواب دیدم که با سواکی مسواک می‌زد؛ دو مرد پیش من آمدند که یکی از آنها بزرگ‌تر از دیگری بود، مسواک را به کوچک‌تر دادم، به من گفته شد: بزرگ‌تر را در نظر بگیر، پس آن را به بزرگ‌تر دادم»^۱.

۲۳۲- وعن أبي موسى رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ تَعَالَى إِكْرَامَ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ، وَحَامِلِ الْقُرْآنِ غَيْرِ الْعَالِي فِيهِ، وَالْجَافِي عَنْهُ وَإِكْرَامَ ذِي السُّلْطَانِ الْمُفْسِطِ» حديثٌ حسنٌ رواه أبو داود.

۲۳۲. از ابو موسی رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «از (نشانه‌های) بزرگداشت و تعظیم خداوند، احترام و اکرام پیرمرد سفیدموی مسلمان، و قاری قرآن است که در آن مبالغه ننماید و خواندن و عمل به آن را نیز ترک نکند و (نیز) احترام و اکرام شخص) صاحب قدرت عادل است»^۲.

۲۳۳- وعن عمرو بن شعيب، عن أبيه، عن جده رضي الله عنهم قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَيْسَ مِمَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا، وَيَعْرِفْ شَرَفَ كَبِيرِنَا» حديثٌ صحيحٌ رواه أبو داود والترمذي، وقال الترمذي: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ.

۲۳۳. و از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش صلی اللہ علیہ وسلم روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «کسی که به کوچک‌تر ما رحم نکند (و نسبت به او دلسوز

۱- مسلم [(۲۲۷۱)] به عنوان حدیث مسند و بخاری [(۲۴۶)] به تعلیق روایت کرده‌اند.

۲- حدیثی حسن است که ابوداود روایت کرده است؛ [(۴۸۴۳)].

نباشد) و شرف و بزرگواری بزرگ‌تر ما را نشناسد (و او را احترام نکند)، از ما نیست»^۱.

۱- حدیثی حسن است که ابوداود [۴۹۴۳] و ترمذی [۱۹۲۱] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی صحیح است.

۴۵- باب زیارة اهل الخير ومجالستهم وصحبتهم ومحبتهم وطلب

زیارتهم والدعاء منهم وزیارة المواضع الفاضلة

باب زیارت اهل خير و همنشینی و معاشرت و دوستی آنان

و درخواست دیدار و ملاقات و دعای خیر از آنها و دیدار

از جاهای خوب

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتْنِهِ لَا أُبْرَحُ حَتَّىٰ أَتِلُّغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا﴾ إِلَىٰ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا﴾ (الكهف / ۶۰-۶۶)

«(به یاد آور) زمانی را که موسی به جوان (خدمتگزار و شاگرد) خود گفت: من هرگز از پای نمی‌نشینم و همچنان می‌روم تا این که به محل برخورد دو دریا برسم و یا این که روزگاران زیادی را در رفتن بگذرانم (تا او را بیابم)» تا آنجا که می‌فرماید: «موسی به او گفت: آیا (می‌پذیری که من همراه تو شوم و از تو) پیروی کنم، به این شرط که از آنچه به تو آموخته شده است، مایه‌ی رشد و صلاح مرا، به من بیاموزی؟».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ﴾ (الكهف / ۲۸)

«(ای پیامبر ﷺ!) با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان، خدای خود را می‌خوانند و عبادت می‌کنند (و تنها رضای) ذات او را می‌طلبند».

۲۳۴- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال أبو بكر لعمر رضي الله عنهما بعد وفاة رسول الله صلى الله عليه وسلم: انطلق بنا إلى أم أيمن رضي الله عنها نزوجها كما كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يزورها، فلما انتهيا إليها، بكّت، فقالا لها: ما يبكيك أما تعلمين أن ما عند الله خير لرسول الله صلى الله عليه وسلم؟ فقالت: إني لا أبكي أنني لأعلم أن ما عند الله تعالى خير لرسول الله صلى الله عليه وسلم، ولكن أبكي أن الوحي قد انقطع من السماء. فهجّتهما على البكاء، فجعلتا يبكيان معها. رواه مسلم.

۲۳۴. و از انس رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: حضرت ابوبکر رضی اللہ عنہ بعد از وفات پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم به حضرت عمر رضی اللہ عنہ گفت: به دیدار ام ایمن^۱ برویم همان گونه که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم به دیدن او می رفت، چون پیش او رفتند، گریه کرد، به او گفتند: چه چیز تو را به گریه واداشت؟ چرا گریه می کنی؟ مگر نمی دانی که آنچه نزد خداست، برای پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بهتر (از زندگی دنیا) است؟ ام ایمن جواب داد: برای این گریه نمی کنم که ندانم آنچه پیش خداست، برای پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بهتر است، بلکه گریه ام برای آن است که وحی از آسمان قطع شده است؛ این سخن ام ایمن، آنها را نیز به گریه واداشت و هر دو با او به گریه افتادند.^۲

۲۳۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم: «أن رجلاً رآه أخاً له في قرية أخرى، فأرصد الله تعالى على مدرجته ملكاً، فلما أتى عليه قال: أين تريد؟ قال: أريد أخاً لي في هذه القرية. قال: هل لك عليه من نعمة تربتها عليه؟ قال: لا، غير أنني أحببته في الله تعالى، قال: فإني رسول الله إليك بأن الله قد أحبك كما أحببته فيه» رواه مسلم.

۲۳۵. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «مردی به دیدار برادر دینی خود، در دهی دیگر رفت؛ خداوند بر سر راه او فرشته ای را منتظر گماشت و وقتی که او به فرشته رسید، فرشته به وی گفت: می خواهی کجا بروی؟ گفت: به دیدن برادر دینیم در این دهکده؛ گفت: آیا تو نزد او مال و نعمتی داری

۱- «ام ایمن برکه دختر ثعلبه»، حضانت و مراقبت کننده از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم در کودکی ایشان و کنیز آزاد

شده ی آن حضرت و همسر «زید بن حارثه» و مادر «اسامه بن زید» رضی اللہ عنہ - ویراستاران.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۴۵۴].

که به واسطه‌ی او، آن را افزایش دهی (یا کاری به او داری)؟ گفت: نه، فقط برای رضای خدا او را دوست دارم، فرشته گفت: پس من از طرف خدا به سوی تو فرستاده شده‌ام و مأمورم که (به تو بگویم): خداوند تو را دوست دارد، همچنان که تو او را به خاطر وی دوست داری»^۱.

۲۳۶- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّمَا مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَجَلِيسِ السُّوءِ كَمَثَلِ الْمِسْكِ، وَنَافِخِ الْكَبِيرِ، فَحَامِلُ الْمِسْكِ، إِمَّا أَنْ يُخْدِيكَ، وَإِمَّا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحاً طَيِّبَةً. وَنَافِخُ الْكَبِيرِ إِمَّا أَنْ يَحْرِقَ ثِيَابَكَ وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحاً مُنْتَنَةً» متفقٌ عليه.

۲۳۶. و از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مثال همنشین صالح و همنشین بد، مانند دارنده‌ی مشک و دمنده‌ی کوره‌ی آهنگر است؛ دارنده‌ی مشک، یا از آن به تو می‌بخشد، یا آن را از او می‌خرد، یا از او بوی خوشی را استشمام می‌کنی؛ اما دمنده‌ی کوره، یا لباس را می‌سوزاند، یا از او بوی ناخوشی استشمام می‌کنی»^۲.

۲۳۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ». رواه أبو داود والترمذي بإسنادٍ صحيح.

۲۳۷. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مرد بر دین دوست و همنشینش می‌باشد (دوست و همنشین در عقیده و دین دوستش تأثیر فراوان دارد) پس باید هر کدام از شما دقت کند که با چه کسی دوست و همنشین است»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۶۷].

۲- متفق علیه است؛ [۵۵۳۴]، م [۲۶۲۸].

۳- ابوداود [۴۸۳۳] و ترمذی [۲۳۷۸] با اسناد صحیح روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۲۳۸- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ». متفق عليه

وفي رواية: قال: قيل للنبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الرجلُ يُحِبُّ القومَ وَلَمَّا يُلْحَقُ بِهِمْ؟ قَالَ: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ».

۲۳۸. و از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شخص با کسی (محشور) است که او را دوست دارد»^۱.

در روایتی دیگر آمده است: ابوموسی رضی الله عنه گفت: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: انسان، گروهی را دوست دارد و هنوز (در عمل) به آن گروه نپیوسته است (حال او چگونه است؟)؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شخص (در روز قیامت)، با کسی (محشور) است که او را دوست دارد».

۲۳۹- وعن أنس رضي الله عنه أَنَّ أَعْرَابِيًّا قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَتَى السَّاعَةُ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا أَعَدَدْتُ لَهَا؟» قَالَ: حُبُّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ قَالَ: «أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحَبَّتَ». متفق عليه.

۲۳۹. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: شخصی اعرابی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: قیامت چه زمانی فرا می‌رسد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چه چیزی برای آن آماده کرده‌ای؟» مرد گفت: محبت خدا و پیامبر او؛ پیامبر فرمودند: «تو با کسی خواهی بود که او را دوست داری»^۲.

۲۴۰- وعن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قَالَ: اسْتَأْذَنْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْعُمْرَةِ، فَأَذِنَ لِي، وَقَالَ: «لَا تَنْسَنَا يَا أُخَيَّ مِنْ دُعَائِكَ» فَقَالَ كَلِمَةً مَا يَسُرُّنِي أَنَّ لِي بِهَا الدُّنْيَا.

وفي رواية قال: «أَشْرَكُنَا يَا أُخَيَّ فِي دُعَائِكَ». حديث صحيح رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۱۷۰)، م (۲۶۴۰)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۳۶۸۸)، م (۲۶۳۹)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت مسلم است.

۲۴۰. و از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه‌ی انجام عمره خواستم، به من اجازه دادند و فرمودند: «برادرم! ما را از دعای خیر فراموش نکن»، حضرت عمر رضی الله عنه گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله جمله‌ای فرمود که دوست ندارم آن را با تمام دنیا عوض کنم!.

در روایتی دیگر آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برادرم! ما را در دعای خود شریک کن».

۲۴۱- وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَزُورُ قُبَاءَ رَاكِبًا وَمَاشِيًا، فَيُصَلِّي فِيهِ رَكْعَتَيْنِ. متفقٌ عليه.

۲۴۱- و از ابن عمر (رضی الله عنهما) روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله سواره و پیاده به زیارت «مسجد قبا» می‌رفت و در آنجا دو رکعت نماز می‌خواند.

۱- حدیثی صحیح است که ابوداود [۱۴۹۸] و ترمذی [۳۵۵۷] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۴۶- باب فضل الحب فی الله والحث علیه وإعلام الرجل من یحبه،
أنه یحبه، وماذا یقول له إذا أعلمه

**باب فضیلت محبت در راه خدا و تشویق مردم به آن و
آگاه نمودن کسی را که دوست دارد از دوستی خود و
آنچه مخاطب بعد از خبر دادن او به وی می گوید**

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾

(فتح / ۲۹)

إلى آخر السورة.

«محمد فرستاده‌ی خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کافران،
تند و سرسخت، و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوز می‌باشند».

تا آخر سوره.

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ تُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ﴾

(الحشر / ۹)

«و [نیز] کسانی راست که پیش از آنان در دار الإسلام جای گرفتند و
ایمان [نیز] در دلشان جای گرفت. کسانی را که به سوی آنان هجرت
کنند دوست می‌دارند».

۲۴۲- وعن أنس رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ
وَجَدَ بِهِنَّ حِلَاوَةَ الْإِيمَانِ: أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا، وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا
يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ، وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ بَعْدَ أَنْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهُ، كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقْدَفَ فِي
النَّارِ» متفق عليه.

۲۴۲. و از انس رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سه خصلت وجود
دارد که در هر کس باشد، حلاوت ایمان را با آنها درمی‌یابد: (۱) خدا و رسول را از

همه کس بیشتر دوست بدارد؛ (۲) کسی را که دوست دارد، تنها برای خدا دوست بدارد؛ (۳) پس از آن که خداوند او را از کفر نجات داده است، از بازگشتن به آن، همان گونه که از انداخته شدن به درون آتش بدش می آید، نفرت داشته باشد.^۱

۲۴۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: إِمَامٌ عَادِلٌ، وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مَعْلُوقٌ بِالْمَسَاجِدِ وَرَجُلَانِ تَخَابَا فِي اللَّهِ اجْتِمَعَا عَلَيْهِ، وَتَفَرَّقَا عَلَيْهِ، وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالٍ، فَقَالَ: إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ، وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ، فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا تُنْفِقُ يَمِينُهُ، وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ» متفق عليه.

۲۴۳. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هفت نفر هستند که خداوند در روزی که جز سایه‌ای او سایه‌ای نیست، ایشان را در سایه‌ی خود پناه می‌دهد: (۱) حاکم عادل؛ (۲) جوانی که در عبادت خداوند متعال رشد و نشأت یافته باشد؛ (۳) مردی که دلش به مسجد وابسته است؛ (۴) دو مرد که برای رضای خدا همدیگر را دوست دارند و با آن محبت، با هم جمع و از هم جدا می‌شوند؛ (۵) مردی که زنی صاحب‌مقام و زیبا، او را پیش خودش (برای زناکردن) بخواند و او در جواب بگوید: من از خدا می‌ترسم؛ (۶) مردی که صدقه دهد و آن را چنان پنهان کند، که دست چپ او از انفاق دست راستش بی‌خبر باشد؛ (۷) مردی که در حالت تنهایی و خلوت، خدا را یاد کند و چشمانش پر از اشک گردد»^۲.

۲۴۴- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَيُّنَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي؟ الْيَوْمَ أَظِلُّهُمْ فِي ظِلِّي يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلِّي» رواه مسلم.

۲۴۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «خداوند متعال در روز قیامت می‌گوید: کجایند آنانی که در راه جلال من یکدیگر را دوست

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۶)، م (۴۳)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۶۰)، م (۱۰۳۱)].

داشته‌اند؟ من امروز آنان را در سایه‌ی خود خواهم گرفت؛ روزی که سایه‌ای جز سایه‌ی من وجود ندارد»^۱.

۲۴۵- وعنه قال: قال رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا، وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا، أَوْ لَا أَذْلكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمْوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفَشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ» رواه مسلم.

۲۴۵. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سوگند به کسی که جان من در دست اوست، وارد بهشت نمی‌شوید تا این که ایمان داشته باشید و ایمان نخواهید داشت تا آن‌که همدیگر را دوست داشته باشید؛ آیا شما را راهنمایی کنم به چیزی که اگر آن را انجام دهید، همدیگر را دوست خواهید داشت؟ سلام را در میان خودتان پراکنده و عمومی کنید»^۲.

۲۴۶- وعن البراء بن عازب رضي الله عنهما عن النبي صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ فِي الْأَنْصَارِ: «لَا يُحِبُّهُمْ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضُهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ، مَنْ أَحَبَّهُمْ أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ أَبْغَضَهُ اللَّهُ» متفق عليه.

۲۴۶. و از براء بن عازب (رضی الله عنهما) روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی «انصار» فرمودند: «تنها شخص مؤمن، ایشان را دوست دارد و تنها شخص منافق، از ایشان نفرت دارد و کسی که انصار را دوست بدارد، خداوند نیز او را دوست می‌دارد و هر کس از انصار تنفر داشته باشد، خداوند نیز از او متفر است»^۳.

۲۴۷- وعن مُعَاذٍ رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: الْمُتَحَابُّونَ فِي جَلَالِي، لَهُمْ مَنَابِرُ مِنْ نُورٍ يَغْطِيهِمُ النَّبِيُّونَ وَالشُّهَدَاءُ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۶۶].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۵۴].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۳۷۸۳)، م (۷۵)].

۲۴۷. و از معاذ رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «خداوند - عز و جل - می فرماید: «برای کسانی که همدیگر را به خاطر عظمت من دوست دارند، برایشان منبرهایی از نور آماده است که (به سبب آن) پیامبران و شهیدان به منزلت آنها غبطه می خورند»^۱.

۲۴۸- وعن أنس، رضي الله عنه، أَنَّ رَجُلًا كَانَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَمَرَّ رَجُلٌ بِهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي لِأَحِبُّ هَذَا، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَأَعْلَمْتَهُ؟» قَالَ: لَا قَالَ: «أَعْلَمُهُ» فَلَحِقَهُ، فَقَالَ: إِنِّي أُحِبُّكَ فِي اللَّهِ، فَقَالَ: أَحَبَّكَ الَّذِي أَحَبَّنِي لَهُ. رواه أبو داود بإسنادٍ صحيح.

۲۴۸. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود، مردی دیگر از آنجا عبور کرد، مرد گفت: ای رسول خدا! من این شخص را دوست دارم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا او را از این محبت آگاه کرده ای؟» گفت: خیر، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «او را از آن آگاه کن» و مرد، نزد دیگری رفت و گفت: من تو را به خاطر خدا دوست دارم، او هم گفت: آن کسی که تو مرا به خاطر او دوست داری، تو را دوست بدارد!^۲.

(حدیث شماره: ۲۳۵ را نیز بخوانید)

۱- ترمذی روایت کرده است [۲۳۹۱] و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- ابوداود [۵۱۲۵] با اسناد صحیح روایت کرده است.

۴۷- باب علامات حبّ الله تعالى للعبد والحثّ على التخلق بها

والسعى في تحصيلها

**باب نشانه‌های محبت خدا نسبت به بنده و تشویق به خو
گرفتن به آن علامتها و تلاش و کوشش در به دست
آوردن آنها**

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

﴿ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ

غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾ (آل عمران / ۳۱)

«ای پیامبر ﷺ) بگو: اگر شما خداوند یکتا را دوست دارید، پس از من پیروی کنید که در این صورت خداوند نیز شما را دوست خواهد داشت و گناهان شما را خواهد آمرزید و خدا، آمرزنده و مهربان است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ

وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴾

(المائدة / ۵۴)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از آیین خود باز گردد (کوچک‌ترین زیانی به خداوند نمی‌رساند و) در آینده خداوند جمعیتی را (به جای آنان بر روی زمین) خواهد آورد که خداوند آنان را دوست دارد و آنها هم خداوند را دوست دارند و ایشان نسبت به مؤمنان نرم‌خو و فروتن بوده و در برابر کافران سرسخت و با عزت می‌باشند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌گری،

هراسی به خود راه نمی‌دهند، این هم فضل خداست و خداوند آن را به هر کس که بخواهد، عطا می‌کند و خداوند دارای فضل فراوان و (از مستحقان آن) آگاه است».

۲۴۹- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، قال: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ تَعَالَى الْعَبْدَ، نَادَى جِبْرِيلَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ فُلَانًا، فَأَخْبَنَهُ، فَيُحِبُّهُ جِبْرِيلُ، فَيُنَادِي فِي أَهْلِ السَّمَاءِ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا، فَأَجِيبُوهُ، فَيُحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ، ثُمَّ يُوضَعُ لَهُ الْقَبُولُ فِي الْأَرْضِ» متفقٌ عليه.

۲۴۹. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «وقتی که خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، به جبرئیل اعلام می‌کند که خداوند فلانی را دوست دارد، پس تو هم او را دوست بدار، پس جبرئیل هم او را دوست می‌دارد و در میان اهل آسمان ندا می‌دهد که خداوند فلان را دوست دارد، شما هم او را دوست بدارید، پس ساکنان آسمان نیز او را دوست خواهند داشت، آن‌گاه مقبولیت (و محبت) او در زمین هم بنا گذاشته می‌شود»^۱.

۲۵۰- وعن عائشة رضي الله عنها، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بَعَثَ رَجُلًا عَلَى سَرِيَّةٍ، فَكَانَ يَقْرَأُ لِأَصْحَابِهِ فِي صَلَاتِهِمْ، فَيَخْتِمُ بِـ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ﴿١﴾ فَلَمَّا رَجَعُوا، ذَكَرُوا ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «سَلُّوهُ لِأَيِّ شَيْءٍ يَصْنَعُ ذَلِكَ؟» فَسَأَلُوهُ، فَقَالَ: لَأَنَّهَا صِفَةُ الرَّحْمَنِ، فَأَنَا أُحِبُّ أَنْ أَقْرَأَ بِهَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَخْبِرُوهُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّهُ» متفقٌ عليه.

۲۵۰. و از عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و سلم مردی را رئیس یک سریه (گروهی از لشکر که مخفیانه به جنگ می‌رود) کرد و او در نماز جماعت برای دوستانش، قرآن می‌خواند و پس از آن سوره‌ی ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ﴿١﴾ را قرائت و رکعت را بدان ختم می‌کرد، وقتی بازگشتند، همراهان وی موضوع را به اطلاع پیامبر صلی الله علیه و سلم رسانیدند، ایشان فرمودند: «از او بپرسید که به چه منظور این

۱- متفقٌ عليه است؛ [خ (۳۲۰۹)، م (۲۶۳۷)].

کار را می‌کرده است»، از او پرسیدند، جواب داد: زیرا که ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾^(۱) صفت خدای بخشنده است و من دوست دارم که همیشه [به قصد ذکر خدا]، آن را قرائت کنم؛ پیامبر ﷺ فرمودند: «به او خبر دهید که خداوند او را دوست دارد».
(به حدیث شماره: ۶۲ مراجعه شود).

۴۸- باب التحذير من إيذاء الصالحين والضعفة والمساكين

باب بیم دادن از آزار صلحا و ضعفا و فقرا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيٍ مَا أَكْتَسَبُوا فَقَدِ

أَحْتَمَلُوا بُهْتَنًا وَإِثْمًا مُبِينًا﴾ (الأحزاب / ۵۸)

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند، می آزارند، به راستی [بار] بهتان و گناهی آشکار را بر دوش کشیده اند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَفْهَرْ ۖ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ (الضحى / ۹-۱۰)

«ای پیامبر ﷺ یتیمان را مورد قهر و خشم قرار مده و گدا را از خود مران».

۲۵۱- وعن جُنْدُبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ صَلَّى صَلَاةَ الصُّبْحِ، فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ، فَلَا يَطْلُبُكُمُ اللَّهُ مِنْ ذِمَّتِهِ بِشَيْءٍ، فَإِنَّهُ مَنْ يَطْلُبُهُ مِنْ ذِمَّتِهِ بِشَيْءٍ، يُدْرِكُهُ، ثُمَّ يَكْبُهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» رواه مسلم.

۲۵۱. و از جندب بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که نماز صبح را (بموقع) بخواند، در پناه و ضمانت خداست، مواظب باشید که خداوند، شما را به خاطر آنچه در ذمه اش است (که از آن چنین انسانی باشد) بازخواست نکند، (یعنی هشیار باشید که کمترین بی ادبی یا تعرضی در حق او از

شما سر نزنند)، زیرا که خداوند هر کس را به خاطر بنده‌ی مورد ضمانت خود مطالبه کند، می‌گیرد و آن‌گاه، او را به آتش جهنم می‌اندازد^۱.
(به حدیث شماره: ۶۲ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۶۵۷].

۴۹- باب إجراء أحكام الناس على الظاهر وسرائرهم إلى الله تعالى
باب قضاوت در باره‌ی مردم برحسب ظاهر و (ارجاع) نهاد و
درون آنها به خداوند متعال

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ ﴾ (التوبة / ۵)

«اگر توبه کردند و نماز خواندند و زکات دادند، دیگر آنها را به حال خود بگذارید».

۲۵۲- وعن طَارِقِ بْنِ أَشْيَمٍ -رضي الله عنه- قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَكَفَرَ بِمَا يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ، حَرَّمَ مَالُهُ وَدَمُهُ، وَحِسَابُهُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى» رواه مسلم.

۳۹۱. و از طارق بن اشیم رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می‌فرمودند: «هر کس بگوید: لا إله إلا الله (جز الله، هیچ معبودی نیست) و همه‌ی آنچه را که عبادت می‌شود - جز خدا - انکار کرد و به آن کافر شد، مال و خون او حرام و حساب (اعمال پنهان و درون) او با خداست»^۱.

۲۵۳- وعن الْمُقَدَّادِ بْنِ الْأَسْوَدِ، رضي الله عنه، قَالَ: قُلْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَرَأَيْتَ إِنْ لَقِيتُ رَجُلًا مِنَ الْكُفَّارِ، فَافْتَسَلْنَا، فَضَرَبَ إِحْدَى يَدَيَّ بِالسَّيْفِ، فَقَطَعَهَا ثُمَّ لَاذَ مِنِّي بِشَجَرَةٍ، فَقَالَ: أَسَلَمْتُ لِلَّهِ، أَأَقْتُلُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَعْدَ أَنْ قَالَهَا؟ فَقَالَ: «لَا تَقْتُلْهُ»، فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَطَعَ إِحْدَى يَدَيَّ، ثُمَّ قَالَ ذَلِكَ بَعْدَمَا قَطَعَهَا؟ فَقَالَ: «لَا تَقْتُلْهُ، فَإِنْ قَتَلْتَهُ، فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَتِكَ قَبْلَ أَنْ تَقْتُلَهُ. وَإِنَّكَ بِمَنْزِلَتِهِ قَبْلَ أَنْ يَقُولَ كَلِمَتَهُ الَّتِي قَالَ» متفق عليه.

و معنی «إِنَّهُ بِمَنْزِلَتِكَ» أَي: مَعْصُومُ الدِّمِّ مَحْكُومٌ بِإِسْلَامِهِ، ومعنى «إِنَّكَ بِمَنْزِلَتِهِ» أَي: مُبَاحُ الدِّمِّ بِالْقِصَاصِ لَوَرَّثْتَهُ، لَا أَنَّهُ بِمَنْزِلَتِهِ فِي الْكُفْرِ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۳)].

۲۵۳. و از مقداد بن اسود رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: اگر با مردی از کافران برخورد کنم و در بین ما جنگ واقع شود و او یک دست مرا با شمشیر قطع کند، و سپس (از ترس) من به درختی پناه ببرد و بگوید: به خدا تسلیم شدم و اسلام آوردم، آیا بعد از آن که این را گفت (کلمه‌ی طیه را بر زبان آورد)، او را بکشم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نه، او را نکش؛ گفتم: ای رسول خدا! یک دست مرا قطع کرده و بعد از قطع آن، این کلمه را گفته است! فرمودند: او را نکش که اگر او را بکشی، او به منزله‌ی تو در قبل از وقتی است که او را بکشی (مسلمان است) و تو به منزله‌ی او هستی در پیش از زمانی که آن حرفش را بزند^۱.

معنی این که می‌فرماید: «او به منزله‌ی دوست» این است که خونس محفوظ و حرام است و مسلمان به حساب می‌آید و این که: «تو به منزله‌ی او هستی»، یعنی: خونت برای قصاص از طرف ورثه‌ی او مباح است و می‌تواند تو را [چون مسلمانی را کشته‌ای]، قصاص کنند و بکشند و به این معنی نیست که: «تو در کافر بودن به منزله‌ی او هستی» - و خداوند آگاه‌تر است.

۲۵۴- وعن عبد الله بن عتبة بن مسعود قال: سمعتُ عمر بن الخطاب، رضي الله عنه يقول: «إِنَّ نَاسًا كَانُوا يُؤْخَذُونَ بِالْوَحْيِ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَإِنَّ الْوَحْيَ قَدْ انْقَطَعَ، وَإِنَّمَا نَأْخُذُكُمُ الْآنَ بِمَا ظَهَرَ لَنَا مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَمَنْ أَظْهَرَ لَنَا خَيْرًا، أَمَّنَّا، وَقَرَّبَنَاهُ وَلَيْسَ لَنَا مِنْ سَرِيرَتِهِ شَيْءٌ، اللَّهُ يُحَاسِبُهُ فِي سَرِيرَتِهِ، وَمَنْ أَظْهَرَ لَنَا سُوءًا، لَمْ نَأْمَنَّهُ، وَلَمْ نُصَدِّقْهُ وَإِنْ قَالَ: إِنَّ سَرِيرَتَهُ حَسَنَةٌ» رواه البخاري.

۲۵۴. و از عبدالله بن عتبه بن مسعود روایت شده است که فرمود: از عمر بن خطاب رضی الله عنه شنیدم که می‌فرمودند: بعضی از مردم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله با وحی مؤاخذه می‌شدند، اما اکنون وحی قطع شده است و ما شما را با اعمالتان مؤاخذه می‌کنیم، هر کس کار نیک انجام دهد و از او ظاهر شود، ما او را امان می‌دهیم و به خود نزدیک می‌کنیم و به اعمال پنهان و نهاد او اطلاعی و کاری نداریم، و خداوند خود، او را در مورد آن محاسبه می‌کند و هر کس کار بد انجام دهد و از او ظاهر

۱- متفق علیه است؛ [خ (۴۰۱۹)، م (۹۵)].

شود، او را امان نمی‌دهیم و رفتار او را تصدیق نمی‌کنیم، هر چند که بگوید: اعمال پنهان و نهاد و درون او خوب است^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۶۴۱)].

۵۰- باب الخوف
باب خوف از خدا

قال الله تعالى:

﴿وَأَيُّيَ فَارَّهَبُونَ﴾ (البقره / ۴۰)

«فقط از من بترسید».

وقال تعالى:

﴿إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ﴾ (البروج / ۱۲)

«همانا گرفت ناگهانی خدای تو بسیار سخت است».

وقال تعالى:

﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿١٠٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَن خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ﴿١٠٧﴾ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ ﴿١٠٨﴾ وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ ﴿١٠٩﴾ يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۖ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿١١٠﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَيُنْفَذُونَ النَّارَ هُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهيقٌ﴾ (هود / ۱۰۶-۱۰۲)

«عقاب پروردگار تو این چنین است، هر گاه که شهرها و آبادی‌هایی را - که ستمکار باشند - عقاب کند و بگیرد، به راستی عقاب خدا، دردناک و سخت است. به حقیقت در این (مجازات و نابودی ملت‌های ستمگر) عبرت بزرگی است برای کسی که از عذاب آخرت بترسد، آن روزی که مردمان را در آن (برای حساب و کتاب) گرد می‌آورند و روزی است که مشاهده می‌گردد. ما چنین روزی را فقط تا زمان اندکی به تأخیر می‌اندازیم. روزی که آن (قیامت) فرا می‌رسد، کسی یارای سخن گفتن ندارد، مگر با اجازه‌ی خدا و دسته‌ای از مردم

بدبختند و دسته‌ای خوشبختند. اما آنان که اهل شقاوت هستند، در آتش دوزخ جای دارند و در آنجا، ناله و فریاد سر می‌دهند.»
وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ﴾ (آل عمران / ۲۸)
«خداوند شما را از (نافرمانی) خود بر حذر می‌دارد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿١﴾ وَأُمِّهِ ﴿٢﴾ وَأَبِيهِ ﴿٣﴾ وَصَحْبَتِهِ ﴿٤﴾ وَبَنِيهِ ﴿٥﴾ لِكُلِّ أَمْرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ﴾ (عبس / ۳۴-۳۷)
«روزی که انسان از برادر و مادر و پدرش و همسر و فرزندان، فرار می‌کند. در آن روز، هر کدام از آنان وضعی و گرفتاری بزرگی دارد که او را به خود سرگرم می‌کند و از هر چیز دیگری باز می‌دارد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ أَتَقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾ (الحج / ۱-۲)
«ای مردم! (از عقاب و عذاب) پروردگارتان بترسید، زلزله‌ی رستاخیر، واقعاً چیز بزرگی (و حادثه‌ی هراس‌انگیزی) است. روزی که زلزله‌ی رستاخیر را می‌بینید، (می‌بینید که) هر زن شیردهی، کودک شیرخوار خود را رها و فراموش می‌کند و هر زن بارداری، سقط جنین می‌نماید و مردمان را مست می‌بینی، ولی مست نیستند، بلکه عذاب خداوند سخت است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَمَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾ (الرحمن / ۴۶)

«و برای آن کس که از ایستادن خود در برابر پروردگارش می ترسد (و گناهی مرتکب نمی شود) دو باغ در بهشت مهیاست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٥﴾ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿٢٦﴾ فَمَنْ أَلَّهِ عَلَيْهِ عَلَيْنَا وَوَقَنَّا عَذَابَ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ﴾ (الطور / ۲۵-۲۸)

«(بهشتیان) پرسش کنان روی به همدیگر می کنند، می گویند: ما پیش از این (در دنیا) در میان خانواده و فرزندانمان (از خشم خدا و حساب و کتاب و جزاء و سزای قیامت) بیمناک بودیم. سرانجام خداوند بر ما (منت نهاد) و مرحمت فرمود و ما را از عذاب سراپا شعله‌ی دوزخ، به دور داشت. ما پیش از این (هم) فقط او را عبادت می کردیم، او واقعا نیکوکار و مهربان است».

والآیات في الباب كثيرة جداً.

آیات در این مورد بسیار زیاد است.

۲۵۵- وعن الثُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: «إِنَّ أَهْلَ النَّارِ عَذَاباً يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَرَجُلٌ يُوضَعُ فِي أَحْمَصِ قَدَمَيْهِ جَمْرَتَانِ يَغْلِي مِنْهُمَا دِمَاعُهُ مَا يَرَى أَنَّ أَحَدًا أَشَدُّ مِنْهُ عَذَابًا، وَإِنَّهُ لَأَهْوَنُهُمْ عَذَابًا» متفق عليه.

۲۵۵. و از نعمان بن بشیر رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمودند: «سبک ترین عذاب اهل دوزخ، عذاب مردی است که زیر فرو رفتگی دو پای او، دو اخگر آتش گرفته می شود که مغزش از شدت حرارت آنها جوش می زند و تصور نمی کند که عذابی سخت تر از آن باشد، در حالی که او دارای خفیف ترین عذاب دوزخیان است»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۵۶۱)، م (۲۱۳)].

۲۵۶- وعن ابن عمر رضي الله عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ حَتَّى يَغِيبَ أَحَدُهُمْ فِي رَشْحِهِ إِلَى أَنْصَافِ أُذُنَيْهِ» متفق عليه.

۲۵۶. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردم در پیشگاه خدای جهانیان می ایستند، تا جایی که بعضی از آنها تا نیمه‌ی گوش در عرق خودش غرق می شود»^۱.

۲۵۷- وعن أنس، رضي الله عنه، قَالَ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خُطْبَةً مَا سَمِعْتُ مِثْلَهَا قَطُّ، فَقَالَ: «لَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمُ لَضَحَكْتُمْ قَلِيلًا وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا» فَغَطَّى أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجُوهَهُمْ، وَلَهُمْ خَنِينٌ. متفق عليه.

۲۵۷. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: یک بار، پیامبر صلی الله علیه و آله خطبه‌ای برای ما ایراد فرمود که هرگز مانند آن را نشنیده بودم، فرمودند: «اگر آنچه من می دانم، شما می دانستید، کمتر می خندیدند و بیشتر گریه می کردید»، آن گاه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله صورت های خود را پوشیدند و در گلو می گریستند»^۲.

۲۵۸- وعن أبي بَرْزَةَ الْأَسْلَمِيِّ -رضي الله عنه- قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَ أَفْنَاهُ، وَعَنْ عِلْمِهِ فِيمَ فَعَلَ فِيهِ، وَعَنْ مَالِهِ مَنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ، وَفِيمَ أَنْفَقَهُ، وَعَنْ جِسْمِهِ فِيمَ أَبْلَاهُ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۲۵۸. و از ابو بَرزَه اسلمی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در قیامت) هیچ بنده‌ای قدم از قدم بر نمی دارد، مگر این که مورد سؤال قرار می گیرد؛ از عمرش: آن را در چه چیزی سپری کرده؟ از علمش: آن را در چه چیزی به کار گرفته؟ ثروتش: آن را چگونه جمع و در چه چیزی انفاق کرده؟ و از بدنش: آن را در چه چیزی به کار گرفته است؟»^۳.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۵۳۱)، م (۲۸۶۲)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۴۶۲۱)، م (۲۳۹۵)].

۳- ترمذی روایت کرده [۲۴۱۹] و گفته است: حدیثی حسن صحیح است.

۲۵۹- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ خَافَ أَذْلَجَ، وَمَنْ أَذْلَجَ، بَلَغَ الْمَنْزِلَ، أَلَا إِنَّ سِلْعَةَ اللَّهِ غَالِيَةٌ، أَلَا إِنَّ سِلْعَةَ اللَّهِ الْجَنَّةُ» رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ.

۲۵۹. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس بترسد، از اول شب حرکت می‌کند و می‌رود و هر کس اول شب حرکت کند، به منزل خواهد رسید (منظور سرعت و سبقت و آمادگی همیشه در طاعت و عبادت خداست)، آگاه باشید که کالای خدا گران‌بهاست! آگاه باشید که کالای خدا بهشت است!»^۱.

۲۶۰- وعن عائشة، رضي الله عنها، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: «يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خُفَاءَ عُرَاءَ غُرْلًا» قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! الرِّجَالُ وَالنِّسَاءُ جَمِيعًا يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ؟ قَالَ: «يَا عَائِشَةُ! الْأَمْرُ أَشَدُّ مِنْ أَنْ يُهْمَّهُمْ ذَلِكَ».

وفي رواية: «الْأَمْرُ أَهَمُّ مِنْ أَنْ يَنْظُرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ» متفقٌ عليه.

۲۶۰. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «روز قیامت مردم در حالی حشر می‌شوند که پابرهنه و لخت و ختنه نشده هستند، (مانند روزی که از مادر به دنیا آمده‌اند)، گفتم: ای رسول خدا! مردان و زنان با هم، همدیگر را نگاه می‌کنند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای عایشه! وضعیت سخت‌تر از آن است که چنان قصدی داشته باشند». [و در روایتی دیگر -] مسأله مهم‌تر از آن است که اهل محشر به همدیگر نگاه کنند»^۲.

(به حدیث شماره: ۹۱ مراجعه شود)

۱- ترمذی روایت کرده [۲۴۵۲] و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۳۵۲۷)، م (۲۸۵۹)].

۵۱- باب الرجاء

باب رجا (امید به رحمت خدا)

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ قُلْ يَعْبادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴾ (الزمر / ۵۳)

«ای پیامبر ﷺ! از قول خدا به مردمان) بگو: ای بندگانم! ای کسانی که در معاصی و گناهان زیاده‌روی کرده‌اید، از لطف و مرحمت خدا، مأیوس و ناامید نگردید، قطعاً خداوند همه‌ی گناهان را می‌آمرزد، چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَهَلْ يُجْزَى إِلَّا الْكُفُورَ ﴾ (سبا / ۱۷)

«آیا مگر ما جز کافر و ناسپاس را مجازات می‌کنیم؟!».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴾ (طه / ۴۸)

«(از قول موسی علیه السلام خطاب به فرعون:) به ما وحی شده است که عذاب (شدید الهی) دامنگیر کسی می‌گردد که (آیات آسمانی و معجزات) را تکذیب نماید و از (دعوت ما و ایمان به خدا) روی بگرداند».

﴿ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ﴾ (الاعراف / ۱۵۶)

«رحمت من همه چیز را فرا گرفته است».

۲۶۱- وعن عبادة بن الصامت، رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من شهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ عِيسَى عَبْدُ اللَّهِ

وَرَسُولُهُ، وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ، أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ عَلَى مَا كَانَ مِنَ الْعَمَلِ». متفقٌ عليه.

۲۶۱. و از عبادۀ بن صامت رضی اللہ عنہ روایت شدہ است کہ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «کسی کہ شہادت دہد کہ: جز اللہ معبودی نیست و او تنها و بی شریک است و محمد صلی اللہ علیہ وسلم بندہ و فرستادہی اوست، و «عیسی» بندہ و رسول او و کلمہی اوست کہ بہ «مریم» القا کرد و روح خداست، و بہشت و دوزخ حق و راست است، ہر عملی کہ داشتہ باشد، او را بہ بہشت داخل خواہد کرد».

۲۶۲- وعن أبي ذرٍّ، رضي الله عنه، قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «يقول الله عز وجل: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ، فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا أَوْ أَزِيدُ، وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ، فَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ مِثْلُهَا أَوْ أَغْفِرُ. وَمَنْ تَقَرَّبَ مِنِّي شِبْرًا، تَقَرَّبْتُ مِنْهُ ذِرَاعًا، وَمَنْ تَقَرَّبَ مِنِّي ذِرَاعًا، تَقَرَّبْتُ مِنْهُ بَاعًا، وَمَنْ أَتَانِي يَمْشِي، أَتَيْتُهُ هَرْوَلَةً، وَمَنْ لَقِيَني بِقُرَابِ الْأَرْضِ خَطِيئَةً لَا يُشْرِكُ بِي شَيْئًا، لَقِيْتُهُ بِمِثْلِهَا مَغْفِرَةً» رواه مسلم.

۲۶۲. و از ابوذر رضی اللہ عنہ روایت شدہ است کہ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «خدای عزوجل می فرماید: ہر کس کار نیکی بکند، دہ برابر آن پاداش نیک می یابد یا پاداشش را بیشتر می کنم و ہر کس عمل بدی انجام دہد، جزای آن یک بدی مانند آن است یا این کہ او را می بخشم، و ہر کس یک وجب بہ من نزدیک شود، من یک ذراع (نیم متر) بہ او نزدیک می شوم و کسی کہ بہ اندازہی ذراعی بہ من نزدیک گردد، من بہ اندازہی فاصلہی دو دست باز و کشیدہ بہ او نزدیک می شوم، و کسی کہ پیادہ بہ سوی من بیاید، دوان دوان بہ سوی او می روم و ہر کس با داشتن گناہانی بہ وسعت زمین با من ملاقات کند در حالی کہ بہ من شرکی نورزیدہ، من بہ همان میزان مغفرت (بہ اندازہی ظرفیت زمین)، او را ملاقات می کنم»^۱.

۲۶۳- وعن أنسٍ، رضي الله عنه، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَمُعَاذٌ رَدِيفُهُ عَلَى الرَّحْلِ قَالَ: «يَا مُعَاذُ» قَالَ: لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَسَعْدَيْكَ، قَالَ: «يَا مُعَاذُ» قَالَ: لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَسَعْدَيْكَ ثَلَاثًا، قَالَ: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَشْهَدُ

۱- مسلم روایت کردہ است؛ [۲۶۸۷].

أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صِدْقًا مِنْ قَلْبِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ» قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَفَلَا أُخْبِرُ بِهَا النَّاسَ فَيَسْتَبْشِرُوا؟ قَالَ: «إِذَا يَتَكَلَّمُوا» فَأَخْبَرَ بِهَا مُعَاذٌ عِنْدَ مَوْتِهِ تَأْتُمًا. متفقٌ عليه.

۲۶۳. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به معاذ - در حالی که بر ترک راحله‌ی او سوار بود - فرمودند: «ای معاذ!» گفت: بله، ای رسول خدا! در خدمتم و گوش به فرمانم؛ آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر بنده‌ای که از روی صداقت قلب، شهادت بدهد که تنها الله معبود است و محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده‌ی اوست، خداوند بدن او را بر آتش حرام می‌گرداند»، معاذ رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا! آیا این خبر را به مردم نرسانم تا خوشحال شوند؟ فرمودند: «آن‌گاه بر آن تکیه و توکل می‌کنند (و از عبادت باز می‌ایستند)»، و معاذ رضی الله عنه تنها هنگام مرگش آن را به مردم گفت که مبدا به علت پنهان کردن آن گناهکار شود.^۱

۲۶۴- وَعَنْ عِثْبَانَ بْنِ مَالِكٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَهُوَ مِمَّنْ شَهِدَ بَدْرًا، قَالَ: كُنْتُ أَصْلِي لِقَوْمِي بَنِي سَالِمٍ، وَكَانَ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ وادٍ، إِذَا جَاءَتِ الْأَمْطَارُ، فَيَشْقُ عَلَيَّ اجْتِيَازُهُ قَبْلَ مَسْجِدِهِمْ، فَجِئْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقُلْتُ لَهُ: إِنِّي أَنْكَرْتُ بَصَرِي، وَإِنَّ الْوَادِيَ الَّذِي بَيْنِي وَبَيْنَ قَوْمِي يَسِيلُ إِذَا جَاءَتِ الْأَمْطَارُ، فَيَشْقُ عَلَيَّ اجْتِيَازُهُ، فَوَدِدْتُ أَنَّكَ تَأْتِي، فَتُصَلِّيَ فِي بَيْتِي مَكَانًا أَتَّخِذُهُ مُصَلًّى، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَأَفْعَلُ» فَعَدَا عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَبُو بَكْرٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، بَعْدَ مَا اشْتَدَّ النَّهَارُ، وَاسْتَأْذَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَذِنْتُ لَهُ، فَلَمْ يَجْلِسْ حَتَّى قَالَ: «أَيُّنَ تُحِبُّ أَنْ أَصْلِيَ مِنْ بَيْتِكَ؟» فَأَشْرَفْتُ لَهُ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي أُحِبُّ أَنْ يُصَلِّيَ فِيهِ، فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَكَبَّرَ وَصَفَّقَنَا وَرَاءَهُ، فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ سَلَّمَ وَسَلَّمْنَا حِينَ سَلَّمَ، فَحَبَسْتُهُ عَلَى خَزِيرَةٍ تُصْنَعُ لَهُ، فَسَمِعَ أَهْلَ الدَّارِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَيْتِي، فَثَابَ رِجَالٌ مِنْهُمْ حَتَّى كَثُرَ الرِّجَالُ فِي الْبَيْتِ، فَقَالَ رَجُلٌ: مَا فَعَلَ مَالِكٌ لَا أَرَاهُ، فَقَالَ رَجُلٌ: ذَلِكَ مُنَافِقٌ لَا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «لَا تَقُلْ ذَلِكَ أَلَا تَرَاهُ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى؟». فَقَالَ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، أَمَّا نَحْنُ فَوَاللَّهِ مَا نَرَى وَدَّهْ، وَلَا

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۲۸)، م (۳۲)].

حَدِيثُهُ إِلَّا إِلَى الْمُنَافِقِينَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ عَلَى النَّارِ مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَتَّبِعِي بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ» متفقٌ عليه.

۲۶۴. از عتبان بن مالک رضی الله عنه - که از شرکت کنندگان غزوه‌ی بدر بود - روایت شده است که فرمود: من برای قوم خود «بنی سالم» امامت می‌کردم و در وقتی که باران می‌آمد (سیلاب) دره‌ای در بین من و ایشان حائل و گذشتن من از آن به طرف مسجد ایشان سخت می‌شد، پس به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم و گفتم: من چشمم ضعیف است و دره‌ای را که میان من و طایفه‌ام حائل است هنگام باران، سیل فرا می‌گیرد و عبور از آن برای من دشوار می‌شود؛ دوست دارم که تشریف بیاوری و در یک جای منزل من نماز بخوانی، تا آن را جای نماز قرار دهم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به زودی چنان می‌کنم»؛ ظهر فردای آن روز، پیامبر صلی الله علیه و آله و ابوبکر رضی الله عنه تشریف آوردند و پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه‌ی ورود خواست، به او اجازه‌ی ورود دادم و قبل از نشستن فرمودند: «دوست داری در کجای خانه‌ات نماز بخوانم؟» و من به جایی که دوست داشتم در آن نماز بخواند، اشاره کردم و پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز ایستاد و الله اکبر گفت و ما پشت سر او به صف ایستادیم و دو رکعت نماز خواند و سلام داد و ما نیز در وقت سلام ایشان، سلام دادیم و آن‌گاه ایشان را برای صرف خزیره^۱ که برایشان پخته شود، نگه داشتم، اهل محل شنیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله در **خانه** **ی** من است و عده‌ی زیادی از مردانشان در آنجا گرد آمدند و مردی گفت: چرا مالک را در این جمع نمی‌بینم؟ و دیگری گفت: او منافق است و خدا و رسول او را دوست ندارد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چنین مگو! مگر نمی‌دانی که او لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گفته و از گفتن آن کلمه تنها رضای خدا را خواسته است؟!» آن مرد گفت: خدا و رسول او داناترند، ولی به خدا سوگند، ما محبت و سخن او را تنها نسبت به منافقان مشاهده کرده‌ایم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اما خداوند دوزخ را بر کسی که بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و منظورش از آن رضای خدا باشد، حرام کرده است»^۲.

۱- نوعی خوردنی که با آرد و گوشت و پیه درست می‌کردند.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۴۲۵)، م (۳۳)].

۲۶۵- وعن عمر بن الخطاب، رضي الله عنه، قال: قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِسَيِّئَةٍ فَإِذَا امْرَأَةٌ مِنَ السَّيِّئَةِ تَسْعَى، إِذْ وَجَدَتْ صَبِيًّا فِي السَّيِّئَةِ أَخَذَتْهُ فَأَلْزَقَتْهُ بَبَطْنِهَا، فَأَرْضَعَتْهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَتُرَوْنَ هَذِهِ الْمَرْأَةَ طَارِحَةً وَلَدَهَا فِي النَّارِ؟ قُلْنَا: لَا وَاللَّهِ. فَقَالَ: «لِلَّهِ أَزْحَمُ بَعَادِهِ مِنْ هَذِهِ بَوْلَدِهَا» متفقٌ عليه.

۲۶۵. و از عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بر عده‌ای اسیر زن و کودک گذشتند، ناگهان زنی از اسرا به سبب آن که کودکی را در میان اسیران دید، (به سوی او) دوید، او را گرفت و به سینه‌اش چسباند و به او شیر داد؛ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم خطاب به حاضران فرمودند: «آیا فکر می‌کنید که این زن فرزند خود را در آتش بیندازد؟!» گفتیم: خیر، به خدا سوگند. پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «خداوند نسبت به بندگان خود، از این زن نسبت به کودکش هم مهربان‌تر است»^۱.

۲۶۶- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْخَلْقَ، كَتَبَ فِي كِتَابٍ، فَهُوَ عِنْدَهُ فَوْقَ الْعَرْشِ: إِنَّ رَحْمَتِي تَغْلِبُ غَضَبِي». وفي رواية: «غَلَبَتْ غَضَبِي» وفي رواية: «سَبَقَتْ غَضَبِي» متفقٌ عليه.

۲۶۶. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «وقتی که خداوند دستگاه آفرینش را آفرید، در کتابی که بر عرش و نزد خود او بود نوشت: «رحمت من بر خشم من غالب است»^۲. در روایتی دیگر آمده است: «رحمتم بر خشمم غلبه کرد و سبقت گرفت».

۲۶۷- وعنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ لَمْ تُذْنِبُوا، لَدَهَبَ اللَّهُ بِكُمْ، وَجَاءَ بِقَوْمٍ يُذْنِبُونَ، فَيَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ تَعَالَى، فَيَغْفِرُ لَهُمْ» رواه مسلم.

۲۶۷. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «سوگند به کسی که جانم در دست اوست، اگر شما گناه نمی‌کردید، خداوند شما را از میان بر

۱- متفق عليه است: [خ (۵۹۹۹)، م (۲۷۵۴)].

۲- متفق عليه است: [خ (۷۴۰۴)، م (۲۷۵۱)].

می داشت و مردمی دیگر می آورد که گناه کنند و از خداوند طلب آمرزش نمایند تا آن گاه، خداوند آنها را بیامرزد»^۱.

۲۶۸- وعن جابرٍ، رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَثَلُ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ كَمَثَلِ نَهْرٍ جَارٍ غَمْرٍ عَلَى بَابٍ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ» رواه مسلم.

۲۶۸. و از جابر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مثال نمازهای پنجگانه، مانند رودخانه‌ی جاری پرآب و بزرگی است که در جلوی خانه‌ی یکی از شماست و او هر روز، پنج مرتبه خود را در آن می‌شوید»^۲.

۲۶۹- وعن ابن عباسٍ، رضي الله عنهما، قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فَيَقُومُ عَلَى جَنَازَتِهِ أَرْبَعُونَ رَجُلًا لَا يُشْرِكُونَ بِاللَّهِ شَيْئًا إِلَّا شَفَعَهُمُ اللَّهُ فِيهِ» رواه مسلم.

۲۶۹. و از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هیچ مرد مسلمانی نیست که بمیرد و چهل مرد - که به خدا شرک نمی‌ورزند - بر جنازه‌ی او حاضر شوند، مگر آن که خداوند آنان را شفیع او قرار می‌دهد»^۳.

۲۷۰- وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «يُدْنِي الْمُؤْمِنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ رَبِّهِ حَتَّى يَضَعَ كَنَفَهُ عَلَيْهِ، فَيَقَرُّهُ بِذُنُوبِهِ، فَيَقُولُ: أَتَعْرِفُ ذَنْبَ كَذَا؟ أَتَعْرِفُ ذَنْبَ كَذَا؟ فَيَقُولُ: رَبِّ أَعْرِفُ، قَالَ: فَإِنِّي قَدْ سَتَرْتُهَا عَلَيْكَ فِي الدُّنْيَا، وَأَنَا أَغْفِرُهَا لَكَ الْيَوْمَ، فَيُعْطَى صَحِيفَةً حَسَنَاتِهِ» متفقٌ عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۴۹].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۶۶۸].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۹۴۸].

۲۷۰. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «شخص مؤمن در روز قیامت به پروردگارش نزدیک می شود تا آنجا که خداوند، پوشش (رحمت و حمایت) خود را بر او می گسترد و او را به اقرار به گناهانش وادار می کند و می فرماید: «آیا فلان گناه و فلان گناه را به یاد داری؟» می گوید: خداوند! می دانم و خداوند می فرماید: «من در دنیا آنها را برای تو پوشاندم و امروز نیز آنها را برای تو می آمرزم» و بعد از آن، نامه ای اعمال نیکویش به او عطا می شود»^۱.

۲۷۱- وعن ابن مسعود رضي الله عنه أَنَّ رَجُلًا أَصَابَ مِنْ امْرَأَةٍ قُبْلَةً، فَأَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَخْبَرَهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنْ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ [هود: ۱۱۴] فَقَالَ الرَّجُلُ: أَلَيْ هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «لِجَمِيعِ أُمَّتِي كُلِّهِمْ» متفق عليه.

۲۷۱. و از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی، زنی را بوسید و آن گاه به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و ماجرا را به او خبر داد، خداوند متعال این آیه را نازل کرد:^۲

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنْ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾

(هود / ۱۱۴)

«در دو طرف روز (صبح و ظهر و عصر) و در قسمتی از شب (مغرب و عشا)، (چنان که باید)، نماز را به جای آور (ید)؛ بی گمان نیکی ها، بدی ها را از میان می برد».

آن مرد گفت: آیا این آیه تنها برای من است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(به طور کلی و) برای عموم امت من است».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۴۶۸۵)، م (۲۷۶۸)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۴۶۸۷)، م (۲۷۶۳)].

۲۷۲- وعن أبي موسى، رضي الله عنه، عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قال: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى، يَبْسُطُ يَدَهُ بِاللَّيْلِ لِيُتُوبَ مُسِيءُ النَّهَارِ، وَيَبْسُطُ يَدَهُ بِالنَّهَارِ لِيُتُوبَ مُسِيءُ اللَّيْلِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا» رواه مسلم.

۲۷۲. و از ابوموسی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند متعال شبانه دستش را می‌گشاید تا بنده‌ای که در روز گناه کرده است، توبه کند و در روز، دستش را می‌گشاید، تا گناهکار از گناه شبش توبه کند، و این وضع، تا وقت طلوع خورشید از مغرب، (روز قیامت) ادامه دارد»^۱.
(به حدیث شماره: ۹۲ مراجعه نمائید).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۵۹].

۵۲- باب فضل الرجاء

باب فضیلت رجاء (امید به رحمت خداوند)

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ:

﴿ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴾ فَوَقَدَهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ

مَا مَكَّرُوا ﴿ (غافر / ۴۴-۴۵)

خداوند از زبان عبد صالح (مؤمن خانواده‌ی فرعون) می‌گوید: «... و کار خود را به خدا واگذار می‌نمایم، (چرا که) خداوند بر بندگان بینا و آگاه است. خداوند نیز (چنین بنده‌ی مؤمنی را تنها نگذاشت و) او را از بدی‌های توطئه‌ها و نیرنگ‌های آنان، محفوظ و مصون داشت».

۲۷۴- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، عن رسول الله صلى الله عليه وسلم أنه قال: «قال الله، عز وجل: أنا عند ظن عبدي بي، وأنا معه حيث يدكُرني» متفق عليه.

۲۷۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند عزوجل می‌فرماید: من با گمان بنده‌ام نسبت به من، همراهم (با او چنان رفتار می‌کنم که او گمان می‌برد) و در هر جا مرا یاد کند، (با توفیق و هدایت خود) با او خواهم بود»^۱.

۲۷۵- وعن جابر بن عبد الله، رضي الله عنهما، أنه سمع النبي صلى الله عليه وسلم، قبل موته بثلاثة أيام يقول: «لا يموتن أحدكم إلا وهو يحسن الظن بالله عز وجل» رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۴۰۵)، م (۲۶۷۵)]. آنچه در متن آمده، لفظ یکی از روایت‌های مسلم است.

۲۷۵. و از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: او سه روز قبل از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان شنیدند که می فرمودند: «هر یک از شما باید قبل از وفات، گمان و ظنش را به خداوند متعال نیکو کند»^۱.

۲۷۵- وعن أنس، رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنْكَ وَلَا أُبَالِي، يَا ابْنَ آدَمَ، لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ، ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ، يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الْأَرْضِ خَطَايَا، ثُمَّ لَقَيْتَنِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا، لِأَتَيْتَكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۲۷۵. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «خداوند متعال می فرماید: ای فرزند آدم! تا وقتی که مرا بخوانی و به من امیدوار باشی، همه ی آنچه از تو صادر شده (گناهان گذشته ی تو) را می بخشم و (به چگونگی گناه) توجه نمی کنم، ای فرزند آدم! اگر گناهان تو از کثرت و بزرگی به ابرهای آسمان برسد و سپس از من آمرزش بخواهی، تو را می آمرزم، ای فرزند آدم! اگر به اندازه ی گنجایش زمین، گناه به سوی من بیاوری و سپس در حالی به من برسی که چیزی را شریک من قرار نمی دهی، با گنجایش زمین مغفرت و آمرزش به استقبال تو می آیم»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۷۷)].

۲- ترمذی روایت کرده [(۳۱۵۵)] گفته است: حدیثی حسن است.

۵۳- باب الجمع بین الخوف والرجاء

باب جمع میان خوف و رجا

بدان که برای بنده در هنگام سلامتی‌اش، بهتر آن است که ترسان و امیدوار، و بیم و امید او یکسان باشد. و در حال بیماری، فقط امید و رجا داشته باشد و پایه‌های شرع از نصوص کتاب و سنت و... بر تأیید این مدعا، پشتیبان همدیگرند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ﴾ (الأعراف / ۹۹)

«از مجازات ناگهانی خداوند، جز زیان‌کاران، کسی ایمن و غافل نمی‌گردد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّهُ لَا يَأْتِئُكَ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴾ (یوسف / ۸۷)

«جز کافران، کسی از رحمت و گشایش خدا، مأیوس نمی‌شود».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ ﴾ (آل عمران / ۱۰۶)

«روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه می‌شوند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ ۖ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾ (الأعراف / ۱۶۷)

«بی‌گمان پروردگار تو در عذاب و عقاب (نسبت به عاصیان و طاغیان) سریع و شتابنده و (نسبت به مطیعان و توبه‌کاران)، آمرزنده و مهربان است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۖ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي حَجِيمٍ ﴾ (الانفطار / ۱۳-۱۴)

«قطعاً نیکان در میان نعمت‌های فراوان بهشتی به سر خواهند برد و قطعاً بدکاران در میان آتش سوزان دوزخ به سر خواهند برد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ۖ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٩﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ

مَوَازِينُهُ ۖ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ۖ﴾ (القارعة / ۶-۹)

«پس آن کس که (در ترازوی حساب) کفه (ی نیکی‌ها) یش سنگین باشد، او در زندگی خوشایندی (بهشت) خواهد بود، اما کسی که کفه (ی نیکی‌ها) یش سبک باشد، مادر و جایگاه او، پرتگاه (ژرف دوزخ) است».

آیات در این مورد فراوان هستند، چنان که خوف و رجا، در دو آیه‌ی پشت سر هم، یا چند آیه، یا یک آیه، جمع شده‌اند.

۲۷۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعُقُوبَةِ. مَا طَمِعَ بِجَنَّتِهِ أَحَدٌ، وَلَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ مَا عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الرَّحْمَةِ، مَا قَنَطَ مِنْ جَنَّتِهِ أَحَدٌ» رواه مسلم.

۲۷۶. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر مؤمن آن شکنجه و عقوبت را که نزد خداوند است می‌دانست، هیچ‌کس در بهشت طمع نمی‌کرد و امید نمی‌بست و اگر شخص کافر آن رحمتی را که نزد خداوند است، می‌دانست، هیچ‌کس از رحمت و بهشت خدا مأیوس نمی‌شد»^۱.

۲۷۷- وعن ابن مسعودٍ رضي الله عنه، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْجَنَّةُ أَقْرَبُ إِلَى أَحَدِكُمْ مِنْ شِرَاكِ نَعْلِهِ وَالنَّارُ مِثْلُ ذَلِكَ» رواه البخاري.

۲۷۷. و از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهشت از بند کفش هر یک از شما، به او نزدیک‌تر می‌باشد و دوزخ نیز چنین است»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۵۵)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۴۸۸)].

۵۴- باب فضل البكاء خشية الله تعالى وشوقاً إليه
باب فضیلت گریه از خوف خدا و شوق وصال او

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَيَحْزُونُونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ (الإسراء / ۱۰۹)

«و گریه‌کنان به رو در می‌افتند و [شنیدن قرآن] بر فروتنی و خشوعشان می‌افزاید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ﴿٥٩﴾ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَتَّبِعُونَ﴾ (النجم / ۵۹-۶۰)

«آیا از این سخن تعجب می‌کنید؟ و آیا می‌خندید و گریه نمی‌کنید».

۲۷۸- وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ لِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اقْرَأْ عَلَيَّ الْقُرْآنَ» قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَقْرَأُ عَلَيْكَ، وَعَلَيْكَ أَنْزَلَ؟، قَالَ: «إِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْ غَيْرِي» فَقَرَأْتُ عَلَيْهِ سُورَةَ النَّسَاءِ، حَتَّى جِئْتُ إِلَى هَذِهِ الْآيَةِ: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ [الآية: ٤١] قَالَ: «حَسْبُكَ الْآنَ» فَالْتَفَتُ إِلَيْهِ. فَإِذَا عَيْنَاهُ تَذْرِفَانِ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۲۷۸. و از ابن مسعود رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم به من فرمودند: «برای من قرآن بخوان»، گفتم: ای رسول خدا! من برای شما قرآن بخوانم، در حالی که قرآن بر شما نازل شده است؟! فرمودند: «من دوست دارم که آن را از غیر خود بشنوم» و من، سوره‌ی نساء را برای پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم تلاوت کردم تا به این آیه رسیدم:

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾

(النساء / ۴۱)

«ای پیامبر ﷺ) حال اینان چگونه خواهد بود، آن‌گاه که از هر ملتی گواهی بیاوریم و تو را نیز شاهی بر اینان بیاوریم؟!». آن‌گاه فرمودند: «کافی است!»، به طرف ایشان متوجه شدم، از چشم‌های مبارکش اشک می‌بارید.

۲۷۹- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَا يُلْجُ النَّارَ رَجُلٌ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ حَتَّى يُعَوِّدَ اللَّبَنُ فِي الصَّرْعِ وَلَا يَجْتَمِعُ عُبَارٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدُخَانُ جَهَنَّمَ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۲۷۹- و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردی که از خوف خدا گریه کند، داخل دوزخ نمی‌شود، مگر وقتی که شیر به پستان برگردد! و غبار در راه خدا (جهاد و تحمل مشقات و زحمات در راه اجرای فرمان خدا) با دود جهنم جمع نمی‌شود»^۱.

۲۸۰- وعن عبد الله بن الشَّخِيرِ رضي الله عنه قال: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يُصَلِّي وَلِجَوْفِهِ أَرْبُزٌ كَأَرْبِزِ الْمَرْجَلِ مِنَ الْبُكَاءِ. حَدِيثٌ صَحِيحٌ رواه أبو داود. وَالتِّرْمِذِيُّ فِي الشُّمَائِلِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ.

۲۸۰. از عبدالله بن الشخیر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم، ایشان نماز می‌خواند و درون وی، از شدت گریه، صدایی همانند صدای جوشش دیگ داشت^۲.

۲۸۱- وعن أنسٍ رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم، لأبي بن كعب رضي الله عنه: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أَفْرَأَ عَلَيْكَ: لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا» قَالَ: وَسَمَانِي؟ قَالَ: «نَعَمْ» فَبَكَى أَبِي. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ. وَفِي رَوَايَةٍ: فَجَعَلَ أَبِي يَبْكِي.

۱- ترمذی [۱۶۳۳] روایت کرده و گفته است «حدیث حسن صحیح است».

۲- حدیثی صحیح است که ابوداود [۹۰۴] و ترمذی در کتاب شمائل پیامبر صلی الله علیه و آله [۳۱۵] به اسناد صحیح، روایت کرده است.

۲۸۱. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به «أبی بن کعب» رضی الله عنه فرمودند: «خداوند - عز و جل - به من امر کرده است که این سوره را بر تو قرائت کنم: ﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (البینة / ۱)

«کافران، از اهل کتاب و مشرکین، از کفر و دین خود دست برنمی دارند و برنمی گردند تا دلیلی روشن و بزرگ پیش آنان نیاید». اُبی گفت: خداوند نامم را هم ذکر کرد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بله»، و اُبی، به گریه درآمد.^۱

در روایتی دیگر آمده است: پس اُبی شروع به گریه کرد.

۲۸۲- وعن ابن عمر، رضي الله عنهما، قال: «لَمَّا اشْتَدَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجَعُهُ قِيلَ لَهُ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ: «مُرُوا أَبَا بَكْرٍ فَلْيُصَلِّ بِالنَّاسِ» فَقَالَتْ عَائِشَةُ، رضي الله عنها: إِنَّ أَبَا بَكْرٍ رَجُلٌ رَقِيقٌ إِذَا قَرَأَ الْقُرْآنَ غَلَبَهُ الْبُكَاءُ» فقال: «مُرُوهُ فَلْيُصَلِّ».

وفي رواية عن عائشة، رضي الله عنها، قالت: قلت: إِنَّ أَبَا بَكْرٍ إِذَا قَامَ مَقَامَكَ لَمْ يُسْمِعِ النَّاسَ مِنَ الْبُكَاءِ. متفق عليه.

۲۸۲. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: هنگامی که بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر و شدیدتر شد، به او گفتند: در مورد نماز چکار کنیم؟ فرمودند: «به ابوبکر امر کنید که برای مردم نماز بخواند»، حضرت عایشه رضی الله عنها می گوید: گفتم: حضرت ابوبکر رضی الله عنه مردی رقیق القلب است و وقتی قرآن بخواند، گریه بر او غالب می شود، باز فرمودند: «او را امر کنید که، (برای مردم) نماز بخواند».^۲

در روایتی دیگر آمده است: حضرت عایشه رضی الله عنها گفت: گفتم: هر گاه حضرت ابوبکر رضی الله عنه به جای شما برای نماز بایستد، از گریه نمی تواند (قرآن و نماز را) به گوش مردم برساند.

۱- متفق علیه است: [خ (۳۸۰۹)، م (۷۹۹)].

۲- متفق علیه است: [خ (۶۶۴)، م (۴۱۸)].

۳۸۳- وعن أبي أُمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ قَطْرَتَيْنِ وَأَثَرَيْنِ: قَطْرَةُ دُمُوعٍ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَقَطْرَةُ دَمٍ تُهْرَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى، وَأَمَّا الْأَثَرَانِ: فَأَثَرٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى وَأَثَرٌ فِي فَرِيضَةٍ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ تَعَالَى» رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ.

(اقرأ: ۱۰۶ و ۲۴۳ و ۲۵۷).

۲۸۳. از ابو امامه باهلی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «نزد خداوند متعال، چیزی محبوب‌تر از دو قطره و دو قدم نیست: قطره‌ی اشکی که از خوف خدا و قطره‌ی خونی که در راه خدا ریخته می‌شود و اما دو قدم: قدمی که در راه خدا و قدمی که در به جای آوردن فریضه‌ای از فرایض خداوند متعال برداشته شود»^۱.

در این مورد احادیث زیاد روایت شده است، از جمله حدیث شماره: (۱۰۶ و ۲۴۳ و ۲۵۷).

۱- ترمذی روایت کرده [۱۶۶۹] و گفته است: حدیثی حسن است.

۵۵- باب فضل الزهد فی الدنيا والحث علی التقلل منها وفضل الفقر

**باب فضیلت زهد در دنیا و تشویق به کم داشتن از دنیا و
فضیلت فقر**

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنْ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ
الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا
وَأَزْيَنْتَ وَطَرَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهِمْ أُنْتَهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا
فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغِبْ بِالْأَمْسِ ۚ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
يَتَفَكَّرُونَ ﴾ (یونس / ۲۴)

«مثال دنیا مانند آبی است که از آسمان می بارانیم و بر اثر آن گیاهان
زمین که انسان ها و حیوانات از آنها می خورند، به هم می آمیزند تا
آنجا که زمین کاملاً آراسته و زیبا می گردد و اهل زمین یقین پیدا
می کنند که بر (بهره وری از) زمین تسلط دارند؛ (در این هنگام)، فرمان
ما (مبنی بر ویران کردن آن) در شب یا روز در می رسد و گیاهانش را
از ریشه درآورده و درویده و نابود می کنیم. انگار که دیروز (در آنجا)
نبوده است. ما این چنین، نشانه های خویش را برای قومی که
می اندیشند، تشریح و تبیین می کنیم».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَأَضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ
نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
مُقْتَدِرًا ۝ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ
عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴾ (الکهف / ۴۵-۴۶)

«ای پیامبر ﷺ! برای آنان (مردم) مثال زندگی (این) دنیا را بیان کن که همچون آبی است که از آسمان فرو می‌فرستیم؛ سپس گیاهان زمین از آن به هم می‌آمیزند و در هم می‌پیچند و سپس (گیاهی) خشک و پرپر می‌شوند که باد آنها را پخش و پراکنده می‌سازد و خداوند بر هر چیزی تواناست. دارایی و فرزندان، زینت زندگی دنیا (و زوال‌پذیر و گذرا هستند) ولی اعمال شایسته‌ای که (نتایج آنها) جاودانه است، بهترین پاداش را در پیشگاه پروردگارت دارد و بهترین امید و آرزو است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴾ (الحديد / ۲۰)

«بدانید که زندگی دنیا، تنها بازی و سرگرمی و زینت و فخر فروشی در میان شما بر همدیگر و مسابقه در افزایش اموال و اولاد است و بس؛ همچون بارانی است که گیاهان آن (در رشد و سرسبزی)، کشاورزان را به شگفت می‌آورد، سپس گیاهان خشک می‌شوند، پس از مدتی، آنها را زرد و پژمرده می‌بینی و آن‌گاه خرد و پرپر می‌گردند و در آخرت، عذاب شدیدی (برای دنیاپرستان) و آمرزش و خشنودی خدا (برای خداپرستان) است و زندگی دنیا، چیزی جز کالای فریب نیست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَاقِ ﴾ (آل عمران / ۱۴)

«برای انسان، محبت شهوات (و دلبستگی به امور مادی) آراسته شده است، از قبیل: عشق به زنان و فرزندان و ثروت و مالهای انباشته شده از طلا و نقره و اسبهای نشاندار و چهارپایان و کشت و زرع، اینها کالای زندگی پست دنیا است و سرانجام نیک (برای کسانی که در راه حق تلاش می کنند) در پیشگاه خداست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾
(فاطر / ۵)

«ای مردم! بی تردید وعده خدا [درباره قیامت] حق است، پس این زندگی دنیا [ی زودگذر] شما را نفریبد و شیطان فریبنده، شما را [به کرم] خدا مغرور نکند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿الْهَدْيُ الْتَّكَاثُرُ ۖ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۖ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۖ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۖ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ﴾
(التكاثر / ۱-۵)

«مسابقه ی افزون طلبی و نازش به بسیاری مال، شما را به خود مشغول و سرگرم می دارد؛ تا آن گاه که به گورستان ها می روید! نه، هرگز چنین نیست (که شما می پندارید)، هرگز چنین نیست (و) به زودی (این را) خواهید دانست؛ به طور حتم، اگر (شما عاقبت تفاخر و زیاده طلبی را به علم یقینی بدانید (از آن دست برمی دارید))».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ ۚ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾
(العنكبوت / ۶۴)

«این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می دانستند!». آیات در این مورد فراوان و مشهور است.

احادیث هم در این باره، بیشتر از آن است که شمارش شوند و ما به ذکر بعضی از آنها، بسنده می‌کنیم.

۲۸۴- عن عمرو بن عوفٍ الأنصاري رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِلْأَنْصَارِ: «أَبْشِرُوا وَأَمْلُوا مَا يَسُرُّكُمْ، فَوَاللَّهِ مَا الْفَقْرُ أَخْشَى عَلَيْكُمْ. وَلَكِنِّي أَخْشَى أَنْ تُبْسَطَ الدُّنْيَا عَلَيْكُمْ كَمَا بُسِطَتْ عَلَى مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، فَتَنَافَسُوهَا كَمَا تَنَافَسُوهَا، فَتُهْلِكُكُمْ كَمَا أَهْلَكْتَهُمْ» متفقٌ عليه.

۲۸۴. از عمرو بن عوف انصاری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله برای انصار فرمودند: «مژده دهید و منتظر چیزی باشید که شما را خوشحال می‌کند! به‌خدا سوگند، من بر شما از فقر نمی‌ترسم، بلکه از آن می‌ترسم که دنیا بر شما وسعت یابد، چنان که برای مردمان پیش از شما وسعت یافت و در آن با همدیگر رقابت کنید، آن‌چنان که رقابت کردند، و شما را نابود کند، چنان‌که ایشان را نابود کرد»^۱.

۲۸۵- وعن أبي سعيدٍ الخدري، رضي الله عنه قَالَ: جَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمِنْبَرِ، وَجَلَسْنَا حَوْلَهُ فَقَالَ: «إِنَّ مِمَّا أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي مَا يُفْتَحُ عَلَيْكُمْ مِنْ زَهْرَةِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا» متفقٌ عليه.

۲۸۵. و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله بر منبر نشستند و ما هم گرد او نشستیم، آن‌گاه فرمودند: «از جمله‌ی آنچه که برای بعد از خودم، از آن بر شما می‌ترسم، آن چیزی از نعمت و زیبایی و جاذبه‌ی دنیاست که (درهای) آن بر شما گشوده شود»^۲.

۲۸۶- وعنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «إِنَّ الدُّنْيَا خُلُوةٌ خَصِرَةٌ وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا، فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النَّسَاءَ» رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۱۵۸)، م (۲۹۶۱)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۱۴۶۵)، م (۱۰۵۲)].

۲۸۶. و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دنيا، شیرین و سبز است و خداوند شما را در آن جانشین و وارث خود قرار داده است و به رفتارتان نگاه می کند که چگونه است و چگونه عمل می کنید، بنابراین از دنیا و (فتنه‌ی) زنان بپرهیزید»^۱.

۲۸۷- وعن أنس رضي الله عنه قال قال: «يَتَّبِعُ الْمَيِّتَ ثَلَاثَةٌ: أَهْلُهُ وَمَالُهُ وَعَمَلُهُ: فَيَرْجِعُ اثْنَانِ وَبَيَقَى وَاحِدٌ: يَرْجِعُ أَهْلُهُ وَمَالُهُ وَيَبْقَى عَمَلُهُ» متفق عليه.

۲۸۷. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سه چیز مرده را همراهی می کند، خانواده و مال و عمل او، سپس دو تای آنها برمی گردند و یکی با او می ماند؛ خانواده و مالش او را ترک می کنند و عملش با او می ماند»^۲.

۲۸۸- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «يُؤْتَى بِأَنْعَمِ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيُصْبَغُ فِي النَّارِ صَبْغَةً ثُمَّ يُقَالُ: يَا ابْنَ آدَمَ! هَلْ رَأَيْتَ خَيْرًا قَطُّ؟ هَلْ مَرَّ بِكَ نَعِيمٌ قَطُّ؟ فَيَقُولُ: لَا وَاللَّهِ يَارَبِّ. وَيُؤْتَى بِأَشَدِّ النَّاسِ بُؤْسًا فِي الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيُصْبَغُ صَبْغَةً فِي الْجَنَّةِ، فَيَقَالُ لَهُ: يَا ابْنَ آدَمَ! هَلْ رَأَيْتَ بُؤْسًا قَطُّ؟ هَلْ مَرَّ بِكَ شِدَّةٌ قَطُّ؟ فَيَقُولُ: لَا، وَاللَّهِ، مَا مَرَّ بِي بُؤْسٌ قَطُّ، وَلَا رَأَيْتُ شِدَّةً قَطُّ» رواه مسلم.

۲۸۸. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «روز قیامت، خوشگذراننده ترین و پر نعمت ترین اهل دنیا از دوزخیان آورده و یک مرتبه در آتش فرو برده می شود، آن گاه به او گفته می شود: ای پسر آدم! آیا هرگز خوشی و خیری دیده ای؟ آیا هرگز نعمتی به تو رسیده است؟ و او می گوید: به خدا سوگند، خیر، ای پروردگار من! آن گاه، بلازده ترین و فقیرترین مردمان دنیا از بهشتیان آورده و یک مرتبه به بهشت برده می شود، آن گاه به او گفته می شود: ای پسر آدم! آیا هرگز ناراحتی و فقری دیده ای؟ آیا هرگز بر تو سختی ای گذشته است؟ و او جواب

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۴۲)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۵۱۴)، م (۲۹۶۰)].

می‌دهد: خیر، به خدا سوگند، هرگز فقری ندیده‌ام، هرگز ناراحتی و سختی نکشیده‌ام»^۱.

۲۸۹- وعن المُسْتَوْدِدِ بْنِ شَدَّادٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مِثْلُ مَا يَجْعَلُ أَحَدُكُمْ أُصْبَعَهُ فِي الْيَمِّ، فَلْيَنْظُرْ بِمَ يَرْجِعُ؟» رواه مسلم.

۲۸۹. و از مستورد بن شداد رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دنیا در برابر آخرت، تنها مانند آن است که یکی از شما انگشتش را به دریا فرو برد، (و اینک چنین کسی انگشتش را درآورد) و ببیند که انگشتش چه مقدار آب با خود آورده است؟!»^۲.

۲۹۰- وعن جابرٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِالسُّوقِ وَالنَّاسُ كَنَفَتِيهِ، فَمَرَّ بِجَدِّي أَسْكَ مَيِّتٍ، فَتَنَاوَلَهُ، فَأَخَذَ بِأُذُنِهِ، ثُمَّ قَالَ: «أَيُّكُمْ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ هَذَا لَهُ بِدَرَاهِمٍ؟» فَقَالُوا: مَا نُحِبُّ أَنَّهُ لَنَا بِشَيْءٍ، وَمَا نَصْنَعُ بِهِ؟ ثُمَّ قَالَ: «أَتُحِبُّونَ أَنَّهُ لَكُمْ؟» قَالُوا: وَاللَّهِ لَوْ كَانَ حَيًّا كَانَ غَنِيًّا، إِنَّهُ أَسْكُ. فَكَيْفَ وَهُوَ مَيِّتٌ، فَقَالَ: «فَوَ اللَّهُ لِلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا عَلَيْكُمْ» رواه مسلم.

۲۹۰. و از جابر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که مردم در دو طرف او بودند، از بازار عبور کرد؛ ایشان از کنار بزغاله‌ء گوش کوتاه مرده‌ای گذشته گوش او را گرفت و سپس فرمودند: «کدام یک از شما دوست دارد که این را به یک درهم بگیرد؟» گفتند: دوست نداریم که در برابر او چیزی بدهیم، او را چه کنیم؟! پیامبر فرمودند: «دوست دارید که مال شما باشد؟» گفتند: به خدا سوگند، اگر زنده هم می‌بود، باز معیوب بود (و ارزشی نداشت) چه رسد به این که مرده

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۰۷)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۹۵۸)].

است! آن‌گاه پیامبر فرمودند: «پس به خدا سوگند، دنیا نزد خدا، از این مردار در نزد شما، بی‌ارزش‌تر و خوارتر است»^۱.

۲۹۱- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لو كان لي مثل أحد ذهبا، لسرّني أن لا تمرّ عليّ ثلاث لَيالٍ وعندي منه شيء إلا شيء أُرصدّه لِدِينٍ متفقٌ عليه.

۲۹۱. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر به اندازه‌ی کوه احد طلا داشته باشم، خوشحال می‌شدم که بعد از گذشت سه شب، چیزی از آن نزد من باقی نماند مگر آن مقدار که برای پرداخت قرض خویش نگه می‌دارم»^۲.

۲۹۲- وعنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «انظروا إلى من هو أسفل منكم ولا تنظروا إلى من فوقكم فهو أجدر أن لا تزدروا نعمة الله عليكم» متفقٌ عليه.

۲۹۲. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در ثروت، و مقام دنیوی)، پایین‌تر از خود را بنگرید، نه بالاتر را که این‌گونه سزاوارتر و بیشتر مانع آن است که نعمت خداوند بر خودتان را خوار بدانید و تحقیر کنید»^۳.

۲۹۳- وعنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «تَعَسَّ عَبْدُ الدِّينَارِ وَالذَّرْهَمِ وَالْقَطِيفَةِ وَالْخَمِصَةِ، إِنَّ أُعْطِيَ رَضِيَ، وَإِنْ لَمْ يُعْطَ لَمْ يَرْضَ» رواه البخاري.

۲۹۳. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نابود باد و به هلاکت افتد، اهل دینار و درهم و لباس زیبا و تجمل! که هر گاه اموال و دارایی دنیوی به او داده شود، خشنود است و هر گاه به او نرسد، ناراضی و ناسپاس»^۴.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۹۵۷].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۴۵)، م (۹۹۱)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۹۰)، م (۲۹۶۳)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت مسلم است.

۴- بخاری روایت کرده است؛ [۲۸۸۶].

۲۹۴- وعنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ» رواه مسلم.

۲۹۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است»^۱.

۲۹۵- وعن سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! ذُلِّي عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمَلْتُهُ أَحَبَّنِي اللَّهُ، وَأَحَبَّنِي النَّاسُ، فَقَالَ: «أَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبُّكَ اللَّهُ، وَأَزْهَدْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبُّكَ النَّاسُ» حديثٌ حسنٌ رواه ابن مَاجَه وغيره بأسانيد حسنة.

۲۹۵. و از سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! مرا به کاری راهنمایی کن که چون آن را انجام دهم، خداوند و مردم مرا دوست بدانند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از دنیا دوری کن، خداوند تو را دوست خواهد داشت و از آنچه نزد مردم است، دوری کن (و به مال آنها چشم طمع نداشته باش)، مردم تو را دوست خواهند داشت»^۲.

۲۹۶- وعن الثُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: ذَكَرَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، مَا أَصَابَ النَّاسُ مِنَ الدُّنْيَا، فَقَالَ: لَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَظِلُّ الْيَوْمَ يَلْتَوِي مَا يَجِدُ مِنَ الدَّقْلِ مَا يَمْلَأُ بِهِ بَطْنُهُ. رواه مسلم.

۲۹۶. و از نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: عمر بن خطاب رضی الله عنه آنچه را که از دنیا به مردم رسیده است، ذکر کرد و فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که تمام روز را در حالی می گذرانید که از گرسنگی به خود می پیچید، و به اندازه ای که شکمش را سیر کند، حتی خرمای خشک و بد هم نداشت»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۹۵۶].

۲- حدیثی حسن است که ابن ماجه [۴۱۰۲] و غیر او با اسنادهایی حسن (نیکو) روایت کرده اند.

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۲۹۷۸].

۲۹۷- وعن عمرو بن الحارث رضي الله عنه، قال: «مَا تَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، عِنْدَ مَوْتِهِ دِينَاراً وَلَا دِرْهَمًا، وَلَا عَبْدًا، وَلَا أَمَةً، وَلَا شَيْئًا إِلَّا بَغْلَتُهُ الْبَيْضَاءُ الَّتِي كَانَ يَرْكُبُهَا، وَسِلَاحُهُ، وَأَرْضًا جَعَلَهَا لِابْنِ السَّبِيلِ صَدَقَةً» رواه البخاري.

۲۹۷. و از عمرو بن حارث رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم در وقت وفات خود، دینار و درهم و بنده و کنیز و هیچ چیزی به جا نگذاشت، جز استر سفیدی که سوار آن می شد و اسلحه اش و زمینی که آن را صدقه ی رهگذران غریب کرده بود^۱.

۲۹۸- وعن أبي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه، قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى الله عليه وسلم يقول: «أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ، مَلْعُونٌ مَا فِيهَا، إِلَّا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى، وَمَا وَالَاهُ وَعَالَمًا وَمُتَعَلِّمًا». رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ.

۲۹۸. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می فرمودند: «آگاه باشید! دنیا نفرین شده است و هر چه در آن است مورد نفرین خداست، جز ذکر و یاد خدای بلند مرتبه و هر چه که همانند و نزدیک به آن است و استاد و شاگرد (عالم و متعلم)»^۲.

۲۹۹- وعن كَعْبِ بْنِ عِيَاضٍ، رضي الله عنه، قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى الله عليه وسلم يقول: «إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةً، فِتْنَةُ أُمَّتِي الْمَالُ» رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ.

۲۹۹. و از کعب بن عیاض رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می فرمودند: «برای هر امتی، وسیله ی امتحانی وجود دارد و وسیله ی امتحان امت من، ثروت و مال دنیا است»^۳.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۲۷۳۹].

۲- ترمذی روایت کرده است؛ [۲۳۲۳] و گفته است: حدیثی حسن است.

۳- ترمذی روایت کرده است؛ [۲۳۳۷] و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۳۰۰- وعن عبد الله بن الشَّخِيرِ «بكسر الشين والخاء المشددة المعجمتين» رضي الله عنه، أَنَّهُ قَالَ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَقْرَأُ: ﴿أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ﴾ قَالَ: «يَقُولُ ابْنُ آدَمَ: مَالِي، مَالِي، وَهَلْ لَكَ يَا ابْنَ آدَمَ مِنْ مَالِكَ إِلَّا مَا أَكَلْتُ فَأَفْنَيْتَ، أَوْ لَبِسْتُ فَأَبْلَيْتَ، أَوْ تَصَدَّقْتُ فَأَمْضَيْتَ؟» رواه مسلم.

۳۰۰. و از عبدالله بن شخیر رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: به نزد پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم رفتم و ایشان سوره‌ی ﴿أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ...﴾ را می‌خواند، فرمودند: «انسان می‌گوید: مالم! مالم! ولی ای ابن آدم! مگر از ثروتت جز آنچه که خوردی و تمام کردی یا پوشیدی و کهنه ساختی، یا صدقه دادی و از دل بخشیدی و ذخیره‌ی خود ساختی، چیز دیگری متعلق به تو می‌باشد؟!»

۳۰۱- وعن كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ، رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَادُنْبَانِ جَائِعَانِ أُرْسِلَا فِي غَنَمٍ بَأْفَسَدَ لَهَا مِنْ حِرْصِ الْمَرْءِ عَلَى الْمَالِ وَالشَّرَفِ، لِدِينِهِ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۳۰۱. و از کعب بن مالک رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «دو گرگ گرسنه، اگر در گله‌ای رها شوند، آن‌طور فساد و ویرانی به‌بار نمی‌آورند که حرص انسان بر مال‌اندوزی و طلب جاه و مقام، در دینش به‌بار می‌آورد»^۱.

۳۰۲- وعن أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ رضي الله عنهما، عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «قُمْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ، فَكَانَ عَامَّةُ مَنْ دَخَلَهَا الْمَسَاكِينُ. وَأَصْحَابُ الْجَدِّ مُحْبُوسُونَ، غَيْرَ أَنَّ أَصْحَابَ النَّارِ قَدْ أُمِرَ بِهِمْ إِلَى النَّارِ» متفق عليه.

۳۰۲. و از اسامه بن زید رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «بر دروازه‌ی بهشت ایستادم، بیشتر کسانی که داخل آن می‌شدند، فقرا و مسکینان بودند و ثروتمندان و بهره‌مندان از دنیا (بخاطر حساب دادن)، متوقف شده بودند (و هنوز

۱- ترمذی روایت کرده است؛ [(۲۳۷۷)] و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

اجازه‌ی دخول به بهشت به آنها داده نشده بود) جز آن که به دوزخیان و اهل آتش، فرمان ورود به آتش داده شده بود»^۱.

۳۰۳- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «أَصْدَقُ كَلِمَةٍ قَالَهَا شَاعِرٌ، كَلِمَةُ لَبِيدٍ: أَلَا كُلُّ شَيْءٍ مَا خَلَا اللَّهَ بَاطِلٌ» متفقٌ عليه.

۳۰۳. و از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «راست‌ترین سخنی که یک شاعر گفته است، سخن «لبید» (از شاعران جاهلی) است که: «هان! هر چیزی غیر از خدا باطل (و هلاک شدنی) است»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۱۹۶)، م (۲۷۳۶)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۳۸۴۱)، م (۲۲۵۶)].

۵۶- باب فضل الجوع وخشونة العيش والاقتصار على القليل من
المأكل والمشروب والملبوس وغيرها من حظوظ النفس وترك
الشهوات

باب فضیلت گرسنگی و زندگی سخت داشتن و به کم
بسنده کردن در خوردن و آشامیدن و لباس و غیر آن از
بهره‌های نفس و ترک نمودن شهوات و آرزوها

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ خَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ
عَذَابًا ۖ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا
يُظْلَمُونَ شَيْئًا ۖ ﴾

«سپس بعد از آنان نسلی جایگزین [آنان] شد که نماز را ضایع کردند و از
شهوات پیروی نمودند پس به زودی [کیفر] گمراهی خود را [که عذابی
دردناک است] خواهند دید * مگر آنان که توبه کرده و ایمان آورده و کار
شایسته انجام داده‌اند، پس آنان به بهشت درآیند و ذره‌ای مورد ستم قرار
نمی‌گیرند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ ۖ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
يَلَيَّتْ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قُرُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ۚ وَقَالَ الَّذِينَ
أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ۖ ﴾

(القصص / ۷۹-۸۰)

«(قارون) با تمام زینت خود در برابر قوم خویش نمایان گردید؛ آنان که طالب زندگی دنیا بودند، گفتند: ای کاش! همان چیزهایی که به قارون داده شده است، ما هم داشتیم، واقعاً او دارای بهره‌ی بزرگ و شانس سترگ است. و کسانی که دانش و آگاهی داشتند، گفتند: وای بر شما! اجر و پاداش خداوند برای کسی که ایمان داشته باشد و کارهای شایسته انجام دهد، برتر و والاتر است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ (التكاثر / ۸)

«سپس در چنین روزی (قیامت) یقیناً در مورد نعمت‌ها و لذت‌های دنیا، مورد سؤال قرار می‌گیرید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ

جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا﴾ (الاسراء / ۱۸)

«هر کس که دنیای زودگذر (این جهان) را بخواهد، آن اندازه که خود می‌خواهیم و به هر کس که صلاح می‌دانیم، هر چه زودتر در دنیا به او عطا خواهیم کرد. به دنبال آن، دوزخ را بهره‌ی او می‌کنیم که وارد آن می‌شود و به آتش آن می‌سوزد، در حالی که (به سبب کارهایی که در دنیا کرده است) مورد سرزنش است و (از رحمت خدا) رانده و مانده است».

آیات در این مورد فراوان و معلوم است.

۳۰۴- وعن عائشة، رضي الله عنها، قالت: ما شيع آل محمد صلى الله عليه وسلم من خير شعير يؤمن متتابعين حتى قبض. متفق عليه.

۳۰۴. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: تا وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت فرمود، اهل خانه‌ی او (پیامبر صلی الله علیه و آله و خانواده‌اشان) هرگز دو روز پشت سر هم از نان جو، سیر نشدند.^۱

۳۰۵- وعن عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، أَنَّهَا كَانَتْ تَقُولُ: وَاللَّهِ يَا ابْنَ أُخْتِي إِنْ كُنَّا لَنَنْظُرُ إِلَى الْهَلَالِ ثُمَّ الْهَلَالِ ثُمَّ الْهَلَالِ، ثَلَاثَةَ أَهْلَةٍ فِي شَهْرَيْنِ، وَمَا أُوقِدَ فِي أَنْبِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَارٌ. قُلْتُ: يَا خَالَهٗ، فَمَا كَانَ يُعِيشُكُمْ؟ قَالَتْ: الْأَسْوَدَانِ: التَّمْرُ وَالْمَاءُ إِلَّا أَنَّهُ قَدْ كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِيرَانٌ مِنَ الْأَنْصَارِ، وَكَانَتْ لَهُمْ مَنَائِحُ وَكَانُوا يُرْسِلُونَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَلْبَانِهَا فَيَسْقِينَا. متفقٌ عليه.

۳۰۵. از عروه (پسر اسماء دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنه) از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که او (به عروه) می‌گفت: ای خواهر زاده‌ی من! سوگند به خدا ما سه هلال را می‌دیدیم و در ظرف دو ماه، در خانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله برای پختن غذا آتشی افروخته نمی‌شد، گفتم: ای خاله! پس زندگی شما با چه چیزی سپری می‌شد (می‌خوردید)؟ فرمودند: دو سیاه (خرما و آب)، به علاوه‌ی آن که پیامبر صلی الله علیه و آله همسایه‌هایی از انصار داشت که حیوانهای شیردهی داشتند که از شیر آنها برای پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرستادند و پیامبر صلی الله علیه و آله ما را از آن می‌نوشاند.^۲

۳۰۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ أَوْ لَيْلَةٍ، فَإِذَا هُوَ بِأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، فَقَالَ: «مَا أَخْرَجَكُمَا مِنْ بُيُوتِكُمَا هَذِهِ السَّاعَةَ؟» قَالَا: الْجُوعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: «وَأَنَا، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لِأَخْرَجَنِي الَّذِي أَخْرَجَكُمَا. فَوَمَا مَعَهُ، فَأَتَى رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ، فَإِذَا هُوَ لَيْسَ فِي بَيْتِهِ، فَلَمَّا رَأَتْهُ الْمَرْأَةُ قَالَتْ: مَرْحَبًا وَأَهْلًا. فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَيْنَ فُلَانٌ» قَالَتْ: ذَهَبَ يَسْتَعْدِبُ لَنَا الْمَاءَ، إِذْ جَاءَ الْأَنْصَارِيُّ، فَتَنَظَّرَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصَاحِبِيهِ، ثُمَّ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، مَا أَحَدُ الْيَوْمِ أَكْرَمَ أَضْيَافًا مِنِّي فَاَنْطَلَقَ فَجَاءَهُمْ بِعِدْقٍ فِيهِ بُسْرٌ وَتَمْرٌ وَرُطْبٌ، فَقَالَ: كُلُوا، وَأَخَذَ الْمُدِّيَّةَ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِيَّاكَ وَالْحُلُوبَ» فَذَبَحَ لَهُمْ، فَأَكَلُوا مِنَ الشَّاةِ وَمِنْ ذَلِكَ الْعِدْقِ وَشَرِبُوا. فَلَمَّا أَنْ شَبِعُوا وَرَوُّوا قَالَ

۱- متفق عليه است: [خ (۵۴۱۶)، م (۲۹۷۰)].

۲- متفق عليه است: [خ (۲۵۶۷)، م (۲۹۷۲)].

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لأبي بكرٍ وعُمَرَ رضي الله عنهما: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَتَسْأَلَنَّ عَنْ هَذَا النَّعِيمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمُ الْجُوعُ، ثُمَّ لَمْ تَرْجِعُوا حَتَّى أَصَابَكُمْ هَذَا النَّعِيمُ» رواه مسلم.

۳۰۶. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله روزی یا شبی بیرون آمد، ناگهان با ابوبکر و عمر رضی الله عنهما برخورد کرد و به آنان فرمودند: «چه چیزی شما را در این موقع از خانه خارج کرده است؟» گفتند: گرسنگی ای رسول خدا. فرمودند: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، من را نیز همین علت که شما را از خانه‌ی تان خارج ساخته، از خانه خارج ساخته است؛ برخیزید» پس به همراه او برخاستند. پس به خانه‌ی مردی از انصار آمدند در حالی که او در خانه‌اش نبود، وقتی که زن انصاری پیامبر صلی الله علیه و آله را دید، گفت: خوش آمدید، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: شوهرت کجاست؟ زن گفت: رفته که برایمان آب آشامیدنی بیاورد؛ ناگهان مرد انصاری از راه رسید و پیامبر صلی الله علیه و آله و دو یار او را دید، (از نهایت خوشحالی گفت): الحمدلله! (سپاس و ستایش سزاوار خداوند است)، امروز هیچ‌کس مهمان‌هایی همچون مهمانان بزرگوار من ندارد، سپس رفت و یک شاخه خرما آورد که بر آن خرمای نارس و رسیده و خرمای نیم رس موجود بود و گفت: بفرمایید و (به قصد ذبح حیوانی) چاقو برگرفت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از کشتن گوسفند شیرده بپرهیز»، سپس گوسفندی ذبح کرد و آنان از آن گوسفند و خرما تناول فرمودند و آب نوشیدند و وقتی از غذا و آب سیر شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله به یارانش فرمودند: «سوگند به کسی که جانم در دست اوست، در مورد این نعمت‌ها، از شما سؤال خواهد شد، گرسنگی شما را از خانه‌هایتان خارج کرد و برنگشتید تا که به این نعمت‌ها رسیدید»^۱.

[سؤال از این نعمت‌ها، سؤال از فراوانی و تعدد آنهاست، نه سؤال سرزنش و عذاب - و خداوند آگاه‌تر است. و آن صحابی انصاری که ایشان به خانه‌اش رفتند، «ابوالهيثم بن تيهان» بود، چنان که در روایت ترمذی و غیر او ذکر شده است.]

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۰۳۸].

۳۰۷- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: أَخْرَجَتْ لَنَا عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا كِسَاءً وَإِزَارًا غَلِيظًا قَالَتْ: فُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي هَذَيْنِ. متفقٌ عليه.

۳۰۷. و از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: حضرت عایشه رضی الله عنها پیراهن و شلوار خشن و ستبری را برای ما آورد و فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در میان این دو تکه لباس رحلت کرد (در زمان رحلت، اینها را به تن داشت)^۱.

۳۰۸- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ رِزْقَ آلِ مُحَمَّدٍ قُوتًا» متفقٌ عليه.

۳۰۸. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند، روزی آل محمد را تنها قوت گردان (فقط چیزی که مایه‌ی سد رمق شود، به ما عطا کن و نه بیشتر)»^۲.

۳۰۹- وعن عائشة، رضي الله عنها، قالت: تُؤْفَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَدِرْعُهُ مَرْهُونَةٌ عِنْدَ يَهُودِيٍّ فِي ثَلَاثِينَ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ. متفقٌ عليه.

۳۰۹. و از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی رحلت فرمودند که زره جنگی او نزد مردی یهودی، در برابر سی صاع جو، در گرو بود.^۳

۳۱۰- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، قال: لَقَدْ رَأَيْتُ سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ الصُّفَّةِ، مَا مِنْهُمْ رَجُلٌ عَلَيْهِ رِدَاءٌ، إِلَّا إِزَارٌ وَإِمَّا كِسَاءٌ، قَدْ رَتَبُوا فِي أَعْنَاقِهِمْ مِنْهَا مَا يَبْلُغُ نِصْفَ السَّاقَيْنِ، وَمِنْهَا مَا يَبْلُغُ الْكَعْبَيْنِ، فَيَجْمَعُهُ بِيَدِهِ كَرَاهِيَةً أَنْ تُرَى عَوْرَتُهُ. رواه البخاري.

۳۱۰. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: هفتاد نفر از اهل صفه را دیدم که در میان آنها مردی نبود که ردایی (بالاپوشی) داشته باشد، یا شلواری بود یا پیراهنی که آن را بر گردن خود می‌بستند و بعضی از آنها تا نصف ساق پا و بعضی

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۱۰۸)، م (۲۰۸۰)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۶۰)، م (۱۰۵۵)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۱۹۱۶)، م (۱۶۰۳)].

تا دو قوزک می‌رسید و شخص آن را با دست خود جمع می‌کرد که مبادا عورتش آشکار گردد.^۱

۳۱۱- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كَانَ فِرَاشُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَدَمٍ حَشْوُهُ لَيْفٌ. رواه البخاري.

۳۱۱. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: بستر پیامبر صلی الله علیه و آله از پوستی دباغی شده بود که داخل آن از لیف خرما پر شده بود.^۲

۳۱۲- وعن أبي أُمَامَةَ رضي الله عنه قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا ابْنَ آدَمَ! إِنَّكَ إِنْ تَبَدَّلَ الْفَضْلُ خَيْرٌ لَكَ، وَأَنْ تُمَسِّكَهُ شَرٌّ لَكَ، وَلَا تُلَامُ عَلَى كِفَافٍ، وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۳۱۲. و از ابوامامه رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای فرزند آدم! همانا تو اگر بخشش کنی و مازاد مال خود را بذل نمایی، برای تو بهتر است و اگر زیادی مال خود را نگه داری و نبخشی، برای تو بد خواهد بود، اما به خاطر داشتن در حد کفاف و برای گذراندن زندگی، مورد ملامت و سرزنش واقع نمی‌شوی و در انفاق، از کسی شروع کن که مخارج او بر ذمه‌ی توست».^۳

۳۱۳- وعن عِمْرَانَ بْنِ الْحُصَيْنِ رضي الله عنهما، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «خَيْرُكُمْ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ» قَالَ عِمْرَانُ: فَمَا أَدْرِي قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا «ثُمَّ يَكُونُ بَعْدَهُمْ قَوْمٌ يَشْهَدُونَ وَلَا يُسْتَشْهَدُونَ، وَيَخُونُونَ وَلَا يُؤْتَمَنُونَ، وَيَنْدَرُونَ وَلَا يُؤْفُونَ، وَيَظْهَرُ فِيهِمُ السَّمَنُ» متفقٌ عليه.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۴۴۲].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۶۴۵۶].

۳- ترمذی روایت [۲۳۴۴] و گفته است: حدیث حسن صحیح است. [این حدیث در صحیح مسلم [۱۰۳۶] هم آمده است].

۳۱۳. و از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهترین شما کسانی هستند که در قرن من هستند، سپس کسانی که بعد از آنان می آیند، سپس کسانی که بعد از آنان می آیند». عمران می گوید: نمی دانم پیامبر صلی الله علیه و آله دو بار جمله ی «سپس کسانی که بعد از آنان می آیند» را تکرار فرمودند: یا سه بار؛ (بعد پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه داد که: «و بعد از آنها، عده ای می آیند که شهادت می دهند در حالیکه کسی از آنها شهادت نمی خواهد، خیانت می کنند و امانتدار و محل اعتبار برای امانت نیستند، نذر می کنند و به نذر خود وفا نمی کنند و چاقی در بین آنها ظاهر می شود»^۱.

۳۱۴- وعن عُبيدِ اللَّهِ بْنِ مُحْصِنٍ الْأَنْصَارِيِّ الْخَطْمِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِنًا فِي سِرِّهِ، مُعَافًى فِي جَسَدِهِ، عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ، فَكَأَنَّمَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا بِحِذَائِهَا». رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ.

۳۱۴. و از عبيدالله بن محصن انصاری خطمی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر کسی از شما، شب را در حالی به صبح برساند که در میان قوم و نفس خود، امنیت و در بدنش، سلامت داشته و پیش او خوراک آن روز موجود باشد، مثل این است که دنیا به طور کلی و با همه ی جوانبش، برای او آماده و جمع (و او به همه ی آرزوهای خود نایل) شده باشد»^۲.

۳۱۵- وعن عبدِ اللَّهِ بن عمرو بن العاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ أَسْلَمَ، وَكَانَ رِزْقُهُ كَفَافًا، وَقَنَعَهُ اللَّهُ بِمَا آتَاهُ» رواه مسلم.

۳۱۵. و از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به تحقیق، کسی که مسلمان و تسلیم امر خدا بوده و رزق کافی، برای

۱- متفق علیه است: [خ (۲۶۵۱)، م (۲۵۳۵)].

۲- ترمذی [۲۳۴۷] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

اداره‌ی زندگیش، به او داده شده باشد و خداوند او را به آنچه که به وی داده است، قانع کرده باشد، رستگار است»^۱.

۳۱۶- وعن أبي أُمَامَةَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: ذَكَرَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا عِنْدَهُ الدُّنْيَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلَا تَسْمَعُونَ؟ أَلَا تَسْمَعُونَ؟ إِنَّ الْبِدَاةَ مِنَ الْإِيمَانِ، إِنَّ الْبِدَاةَ مِنَ الْإِيمَانِ» يَعْنِي: التَّقْوَى. رواه أبو داود.

۳۱۶. و از ابوامامه انصاری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: روزی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او از دنیا صحبت می‌کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا نمی شنوید؟ آیا نمی شنوید؟ کهنه‌پوشی (و ساده‌پوشی و دوری از خوشگذرانی)، از ایمان است، کهنه‌پوشی (و ساده‌پوشی و دوری از خوشگذرانی)، از ایمان است»^۲.
(به حدیث شماره: ۲۹۷ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۰۵۴)].

۲- ابوداود روایت کرده [(۴۱۶۱)].

۵۷- باب القناعة والعفاف والاقتصاد فى المعيشة والإنفاق وذم السؤال

من غير ضرورة

باب قناعت و عزت نفس و میانه روی در زندگی و بخشش، و
نکوهش گدایی بدون ضرورت

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا ﴾ (هود / ۶)

«هیچ جنبه‌ای بر روی زمین نیست، مگر این که روزی او برعهده‌ی خداست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا ﴾ (البقرة / ۲۷۳)

«(احسان و صدقه) برای فقرایی است که خود را در راه خدا و جهاد وقف کرده و به تنگنا افتاده‌اند و نمی‌توانند (برای تجارت)، در زمین به مسافرت بپردازند و به خاطر خوشتنداری، شخص نادان می‌پندارد که اینان دارا و بی‌نیاز هستند و آنان را از روی سیمایشان می‌شناسی و با اصرار (چیزی) از مردم نمی‌خواهند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ﴾

(الفرقان / ۶۷)

«کسانی که هنگام خرج کردن (مال برای خود و خانواده و صدقه دادن) نه زیاده‌روی می‌کنند و نه سخت‌گیری و بلکه در میان این دو (اسراف و بخل) میانه‌روی و اعتدال را رعایت می‌کنند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ﴿٥٧﴾﴾ (الذاریات / ۵۶-۵۷)

«من، جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام، من از آنان، نه درخواست رزق و روزی می‌کنم و نه می‌خواهم که مرا خوراک دهند».

۳۱۷- عن أبي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ، وَلَكِنَّ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ» متفقٌ عليه.

۳۱۷. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ثروت و بی‌نیازی، از زیادی مال نیست، بلکه ثروت و بی‌نیازی، بی‌نیازی نفس (عزت نفس و غنای درونی) است»^۱.

۳۱۸- وعن حَكِيمِ بْنِ حَزَامٍ رضي الله عنه قال: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَعْطَانِي، ثُمَّ سَأَلْتُهُ فَأَعْطَانِي، ثُمَّ سَأَلْتُهُ فَأَعْطَانِي، ثُمَّ قَالَ: «يَا حَكِيمُ، إِنَّ هَذَا الْمَالَ خَضِرٌ خُلُو، فَمَنْ أَخَذَهُ بِسَخَاوَةِ نَفْسٍ بُورِكَ لَهُ فِيهِ، وَمَنْ أَخَذَهُ بِإِشْرَافِ نَفْسٍ لَمْ يُبَارَكْ لَهُ فِيهِ، وَكَانَ كَالَّذِي يَأْكُلُ وَلَا يَشْبَعُ، وَالْيَدُ الْغُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى» قَالَ حَكِيمٌ: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ لَا أُرْزَأُ أَحَدًا بَعْدَكَ شَيْئًا حَتَّى أَفَارِقَ الدُّنْيَا، فَكَانَ أَبُو بَكْرٍ رضي الله عنه يَدْعُو حَكِيمًا لِيُعْطِيَهُ الْعَطَاءَ، فَيَأْتِي أَنْ يَقْبَلَ مِنْهُ شَيْئًا. ثُمَّ إِنَّ عُمَرَ رضي الله عنه دَعَاهُ لِيُعْطِيَهُ، فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهُ. فَقَالَ: يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ، أَشْهَدُكُمْ عَلَى حَكِيمٍ أَنِّي أَعْرِضُ عَلَيْهِ حَقَّهُ الَّذِي قَسَمَهُ اللَّهُ لَهُ فِي هَذَا الْفَيْءِ، فَيَأْتِي أَنْ يَأْخُذَهُ. فَلَمْ يَزِرْ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى تُوفِّي. متفقٌ عليه.

۳۱۸. و از حکیم بن حزام رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی خواستم، عطا فرمودند: باز هم چیزی طلب کردم، باز عطا فرمودند: باز خواستم، دوباره عطا فرمودند: سپس فرمودند: «ای حکیم! این مال (دنیا) سبز و شیرین است،

۱- متفقٌ عليه است؛ [خ (۶۴۴۶)، م (۱۰۵۱)].

هر کس آن را با سخاوت نفس و بدون طمع و درخواست و بی‌مبالا به آن، تصاحب کند، برای او مبارک خواهد بود و هر کس با رغبت و حرص و طمع، آن را به دست آورد، برای او مبارک نمی‌شود و او همانند کسی است که می‌خورد و سیر نمی‌شود و دست بالا (بخشنده) از دست پایین (گیرنده) بهتر است». حکیم می‌گوید: گفتم ای رسول خدا! سوگند به کسی که تو را به حق فرستاده است، بعد از (این سخن تو یا بعد از وفات) تو از هیچ‌کس چیزی نمی‌گیرم تا وقتی که از دنیا می‌روم؛ (پس از رحلت پیامبر ﷺ) ابوبکر صدیق ﷺ حکیم را فرا می‌خواند تا چیزی به او بدهد، اما حکیم از قبول آن ابا کرد و حضرت عمر ﷺ او را دعوت کرد که چیزی به او بدهد، قبول نکرد، سپس حضرت عمر ﷺ گفت: ای گروه مسلمانان! شما را شاهد می‌گیرم که من سهم حکیم را از این غنیمت که خدا به او داده است، بر او عرضه می‌کنم و او از قبولش امتناع می‌کند و حکیم بعد از پیامبر ﷺ تا وقتی که وفات کرد، از هیچ‌یک از مردم، هرگز چیزی قبول نکرد.^۱

۳۱۹- وعن عمرو بن تغلب رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَى بِمَالٍ أَوْ سَبْيٍ فَقَسَّمَهُ، فَأَعْطَى رَجُلًا، وَتَرَكَ رَجُلًا، فَبَلَغَهُ أَنَّ الَّذِينَ تَرَكَ عَتَبُوا، فَحَمَدَ اللَّهُ، ثُمَّ أَتَنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: «أَمَّا بَعْدُ، فَوَاللَّهِ إِنِّي لَأُعْطِي الرَّجُلَ وَأَدْعُ الرَّجُلَ، وَالَّذِي أَدْعُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الَّذِي أُعْطِي، وَلَكِنِّي إِنَّمَا أُعْطِي أَقْوَامًا لِمَا أَرَى فِي قُلُوبِهِمْ مِنَ الْجَزَعِ وَالْهَلَعِ، وَأَكُلُ أَقْوَامًا إِلَى مَا جَعَلَ اللَّهُ فِي قُلُوبِهِمْ مِنَ الْغِنَى وَالْخَيْرِ، مِنْهُمْ عَمْرُو بْنُ تَغْلِبَ» قَالَ عَمْرُو بْنُ تَغْلِبَ: فَوَاللَّهِ مَا أَحَبُّ أَنْ لِي بِكَلِمَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حُمْرَ النَّعَمِ. رواه البخاري.

۳۱۹. و از عمرو بن تغلب ﷺ روایت شده است که فرمود: مالی یا برده‌هایی برای پیامبر ﷺ آوردند، آن را تقسیم فرمود و به بعضی از مردان سهمی عطا کرد و به بعضی سهمی نداد، بعداً به او خبر رسید که محروم‌شدگان از سهم گله کرده‌اند؛ پس حمد خدای را به جای آورد و او را ثنا گفت و سپس فرمودند: «اما بعد، به خدا سوگند من به یک مرد می‌دهم و مرد دیگر را ترک می‌کنم، و آن شخص را که ترک می‌کنم محبوب تر است نزد من از آن شخصی که به او

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۷۲)، م (۱۰۳۵)].

چیزی می‌دهم، ولیکن عطای من به عده‌ای، به واسطه‌ی ناشکیبایی و شدت بی‌صبری‌ای است که در دل آنها می‌بینم و عده‌ای را هم به آنچه که خداوند از بی‌نیازی و نیکی در قلب آنها انداخته است، حواله می‌کنم و از جمله‌ی آنها عمرو بن تغلب است؛ عمرو بن تغلب می‌گوید: به خدا سوگند، دوست ندارم که به جای فرمایش پیامبر ﷺ شتران سرخ‌موی داشته باشم.^۱

۳۲۰- وعن حکیم بن حزام رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْيَدُ الْغُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى، وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ، وَخَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنَى، وَمَنْ يَسْتَغْفِرْ يُعْفُهِ اللَّهُ، وَمَنْ يَسْتَعِنْ يُغْنِهِ اللَّهُ» متفقٌ عليه. وهذا لفظ البخاري، ولفظ مسلم أخصر.

۳۲۰. و از حکیم بن حزام رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «دست بالاتر (بخشنده) از دست پایین‌تر (طلب کننده و گیرنده‌ی بخشش) بهتر است و (انفاق را) از خانواده‌ات شروع کن و بهترین صدقه آن است که شخص بعد از برآوردن نیازهای خود و خانواده‌اش پرداخت کند و کسی که از گدایی و طلب کردن مال از مردم خودداری کند، خداوند او را غنی و بی‌نیاز می‌سازد و هر کس استغنا بورزد و دارای عزت نفس باشد، خداوند او را بی‌نیاز می‌گرداند».^۲

۳۲۱- وعن عوف بن مالك الأشجعي رضي الله عنه قال: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تِسْعَةً أَوْ ثَمَانِيَةً أَوْ سَبْعَةً، فَقَالَ: «أَلَا تُبَايِعُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ وَكُنَّا حَدِيثِي عَهْدٍ بِبَيْعَةٍ، فَقُلْنَا: قَدْ بَايَعْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: «أَلَا تُبَايِعُونَ رَسُولَ اللَّهِ؟» فَبَسَطْنَا أَيْدِيَنَا وَقُلْنَا: قَدْ بَايَعْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَعَلَّامَ نَبَايَعُكَ؟ قَالَ: «عَلَى أَنْ تَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَالصَّلَاةَ الْخَمْسَ وَتُطِيعُوا» وَأَسْرَرَ كَلِمَةً خَفِيَّةً: «وَلَا تَسْأَلُوا النَّاسَ شَيْئًا» فَلَقَدْ رَأَيْتُ بَعْضَ أَوْلِيكَ النَّفَرِ يَسْقُطُ سَوْطُ أَحَدِهِمْ فَمَا يَسْأَلُ أَحَدًا يُنَاوِلُهُ إِيَّاهُ. رواه مسلم.

۳۲۱. و از عوف بن مالک اشجعی رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: ما، در خدمت پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بودیم و نه یا هشت یا هفت نفر بودیم که فرمودند: «آیا با رسول

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۹۲۳].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۲۶)، م (۱۰۳۴)]. آنچه در متن نامه آمده، لفظ روایت بخاری است و لفظ روایت مسلم، مختصرتر است.

خدا بیعت نمی‌کنید؟» در حالی که ما تازه بیعت کرده بودیم، به همین علت گفتیم: ما با شما بیعت کرده‌ایم ای رسول خدا! سپس فرمودند: «آیا با رسول خدا بیعت نمی‌کنید؟» و ما دست‌های خود را دراز کردیم و گفتیم: با شما بیعت کرده‌ایم، اکنون بر چه چیزی بیعت کنیم؟ فرمودند: «بر اینکه الله را عبادت کرده و با او شریک قرار ندهید و نمازهای پنج‌گانه را انجام دهید، و اطاعت کنید» و جمله‌ای را پنهانی گفت: «و این که از مردم چیزی نخواهید»؛ عبدالرحمن می‌گوید: پس از آن، من چند نفر از آنان را دیدم که تازیانه‌ی یکی از آنها به زمین می‌افتاد و او از کسی نمی‌خواست که آن را بردارد و به او بدهد.^۱

۳۲۲- وعن ابن عمر رضي الله عنهما أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَزَالُ الْمَسْأَلَةُ بِأَحَدِكُمْ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى وَلَيْسَ فِي وَجْهِهِ مُزْعَةٌ لَحْمٍ» متفقٌ عليه.

۳۲۲. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «شخص همواره با خواهش کردن از دیگران کارش را انجام می‌دهد تا وقتی که خداوند را ملاقات می‌کند، در حالی که در صورت او یک قطعه گوشت نیست».^۲

۳۲۳- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَصَابَتْهُ فَاقَةٌ فَأَنْزَلَهَا بِالنَّاسِ لَمْ تُسَدِّ فَاقَتَهُ، وَمَنْ أَنْزَلَهَا بِاللَّهِ، فَيُوشِكُ اللَّهُ لَهُ بِرِزْقٍ عَاجِلٍ أَوْ آجِلٍ» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۳۲۳. و از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هر کس در تنگدستی و فقری بیفتد و آن را پیش مردم ببرد و بازگوید (و حل آن را از ایشان بخواهد)، فقرش هرگز برطرف نخواهد شد و (هر کس چنان شود) و آن را بر خدا عرضه کند (و رفعش را از او بجوید)، خداوند به سرعت روزی‌ای - دیر یا زود - به او می‌دهد».^۳

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۰۴۳)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۷۴)، م (۱۰۴۰)].

۳- ابوداود [(۱۶۴۵)] و ترمذی [(۲۳۲۷)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۳۲۴- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ سَأَلَ النَّاسَ تَكْثُرًا فَإِنَّمَا يَسْأَلُ جُمْرًا، فَلْيَسْتَقِلَّ أَوْ لِيَسْتَكْثِرْ» رواه مسلم.

۳۲۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که برای زیاد شدن مال گدایی کند، در واقع اخگر آتش (جهنم) را گدایی کرده است (آن مال، اخگر آتش می‌شود)، (با این حال) پس اگر می‌خواهد کم گدایی کند، واگر می‌خواهد زیاد^۱».

۳۲۵- وَعَنْ ثَوْبَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَكَفَّلَ لِي أَنْ لَا يَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا، وَأَتَكَفَّلَ لَهُ بِالْجَنَّةِ؟» فَقُلْتُ: أَنَا، فَكَانَ لَا يَسْأَلُ أَحَدًا شَيْئًا، رواه أبو داود بإسنادٍ صحيح.

۳۲۵. و از ثوبان رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چه کسی برای من تعهد می‌کند که از مردم چیزی و حاجتی نخواهد، و من در مقابل، بهشت را برای او ضمانت کنم؟» گفتم: من تعهد می‌کنم. پس از آن دیگر ثوبان رضی الله عنه از کسی چیزی نمی‌خواست^۲.

۳۲۶- وعن قبيصة بن المخارق رضي الله عنه قال: تحمّلت حمالة فأتيت رسول الله صلى الله عليه وسلم أسأله فيها، فقال: «أقم حتى تأتين الصدقة فنامر لك بها» ثم قال: «يا قبيصة! إن المسألة لا تحل إلا لأحد ثلاثة: رجل تحمّل حمالة، فحلّت له المسألة حتى يصيبها، ثم يمسل. ورجل أصابته جائحة اجتاحت ماله، فحلّت له المسألة حتى يصيب قواماً من عيش، أو قال: سداً من عيش، ورجل أصابته فاقة، حتى يقول ثلاثة من ذوي الحجة من قومه: لقد أصابت فلاناً فاقة، فحلّت له المسألة حتى يصيب قواماً من عيش، أو قال: سداً من عيش. فما سواهن من المسألة يا قبيصة سحت، يأكلها صاحبها سحتاً» رواه مسلم.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۰۴۱)].

۲- ابوداود [(۱۶۴۳)] با اسناد صحیح روایت کرده است.

۳۲۶. و از قبیصه بن مخارق رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مال الصلحی را تعهد کردم و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم تا از او در این مورد یاری بخواهم، فرمودند: «بمان تا صدقه‌ای به ما برسد و امر کنیم که از آن سهمی به تو داده شود، سپس فرمودند: «ای قبیصه! سؤال (گدایی و از مردم طلب مال کردن) تنها برای سه نفر حلال است: (۱) مردی که مال الصلحی را برای سازش و آشتی بین دو گروه تعهد کند؛ سؤال برای او حلال است تا وقتی که به مقصود خود (پولی که تعهد کرده است) می‌رسد و سپس باید از آن خودداری کند و (۲) مردی که ضرری به مال او برسد و مال او را از بین ببرد، سؤال برای او نیز حلال است تا هنگامی که زندگی او به سر و سامانی برسد - یا فرمودند: در حد کفایت تأمین شود و (۳) مردی که فقر و تنگدستی ای بر او وارد آید تا اندازه‌ای که سه نفر از خردمندان طایفه‌اش بگویند که: او فقیر شده است، سؤال برای او حلال است تا زندگی او سر و سامانی بگیرد - یا فرمودند: در حد کفایت تأمین شود؛ ای قبیصه! در غیر این سه مورد، سؤال و گدایی، حرام است و صاحبش آن را به حرامی مصرف می‌کند»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۰۴۴].

۵۸- باب جواز الأخذ من غير مسألة ولا تطلع إليه
 باب جواز قبول (چیزی از کسی) بدون خواستن و
 چشمداشت آن

۳۲۷- عَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْطِينِي الْعَطَاءَ، فَأَقُولُ: أَعْطِهِ مَنْ هُوَ أَفْقَرُ إِلَيْهِ مِنِّي، فَقَالَ: «خُذْهُ، إِذَا جَاءَكَ مِنْ هَذَا الْمَالِ شَيْءٌ، وَأَنْتَ غَيْرُ مُشْرِفٍ وَلَا سَائِلٍ، فَخُذْهُ فَتَمَوَّلْهُ فَإِنْ شِئْتَ كُلُّهُ، وَإِنْ شِئْتَ تَصَدَّقْ بِهِ، وَمَا لَا، فَلَا تُتْبِعْهُ نَفْسَكَ» قَالَ سَالِمٌ: فَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ لَا يَسْأَلُ أَحَدًا شَيْئًا، وَلَا يَرُدُّ شَيْئًا أُعْطِيَهِ. متفق عليه.

۳۲۷. از سالم بن عبدالله بن عمر از پدرش عبدالله از جدش حضرت عمر رضی الله عنه روایت شده است که حضرت عمر رضی الله عنه گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله گاهی چیزی به من عطا می فرمود و من می گفتم: به کسی که از من محتاج تر است مرحمت فرما، فرمودند: «آن را بگیر و هر گاه از این مال (مال حلال) چیزی به تو رسید در حالی که تو بر آن حرص و طمعی نداشته و آن را درخواست نکرده بودی، آن را بگیر و از آن استفاده کن، اگر خواستی، بخور و اگر خواستی، آن را صدقه بده و اگر بدین گونه نبود (بدون درخواستت به تو داده نشد) دیگر آن را نخواه و دنبال آن نرو» سالم می گوید: به همین سبب، پدرم عبدالله هم از کسی چیزی نمی خواست و اگر چیزی به او عطا می شد، رد نمی کرد.^۱

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۷۳)، م (۱۰۴۵)].

۵۹- باب الحثَّ على الأكل من عمل يده والتعفف به من السؤال
والتعرض للإعطاء

باب تشویق بر خوردن از دسترنج خود و خودداری از
گدایی به وسیله‌ی آن و خود را در معرض بخشش قرار
دادن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ﴾

(الجمعة / ۱۰)

«وقتی نماز (جمعه) انجام شد، در زمین پراکنده گردید و از بخشش
خدا، رزق و روزی بجوئید».

۳۲۸- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَأَنْ
يَحْتَطَبَ أَحَدُكُمْ حُزْمَةً عَلَى ظَهْرِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ أَحَدًا، فَيُعْطِيَهُ أَوْ يَمْنَعَهُ» متفقٌ عليه.

۳۲۸. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر یکی از شما
یک پشته هیزم بر پشت بیاورد، برای او بهتر است از این که، از کسی چیزی
بنخواهد، چه به او بدهد یا ندهد»^۱.

۳۲۹- وعنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كَانَ زَكْرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ نَجَارًا» رواه
مسلم.

۳۲۹. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «زکریا علیه السلام
نجار بود»^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۴۷۰)، م (۱۰۴۲)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۳۷۹)].

۳۳۰- وعن الْمُقَدَّادِ بْنِ مَعْدِيكَرَبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلٍ يَدِهِ، وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلٍ يَدِهِ» رواه البخاري.

۳۳۰. از مقداد بن معدیکرب رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگز هیچ کس، غذایی (روزی‌ای) بهتر از این نخورده است که از دسترنج خود بخورد و پیامبر خدا داود علیه السلام از دسترنج خود می‌خورد»^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۰۷۲)].

۶۰- باب الكرم والجود والإنفاق في وجوه الخير ثقة بالله تعالى
باب بخشش و سخاوت و خرج کردن در کارهای خیر به
امید خدا و توکل بر او

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ﴾ (سبا / ۳۹)

«هر چه را (در راه خدا) ببخشید و صرف کنید، خداوند جای آن را پر می کند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا يُنْفِسْكُمْ ۖ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ ۖ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (البقرة / ۲۷۲)

«ای اهل ایمان! و هر مالی را که انفاق کنید به سود خود شماست، و این در صورتی است که انفاق نکنید جز برای طلب خشنودی خدا. و آنچه از مال [بازارش و بی عیب] انفاق کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (البقرة / ۲۷۳)

«هر چیز مال (خوب و نیکی) را که انفاق می نمایید، خداوند از آن آگاه است».

۳۳۱- وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَتَيْنِ: رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَسَلَّطَهُ عَلَىٰ هَلَكَةٍ فِي الْحَقِّ، وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ حِكْمَةً، فَهُوَ يَقْضِي بِهَا وَيُعَلِّمُهَا» متفقٌ عليه.

۳۳۱. و از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «جز به دو چیز، حسد و رشک برده نمی‌شود: (۱) مردی که خدا مالی به او داده و او را به صرف کردن آن در راه حق و درست، نیرو داده و مسلط کرده است (۲) مردی که خداوند علم و حکمتی به او داده و او به آن عمل می‌کند و به مردم نیز می‌آموزد»^۱.

۳۳۲- وعنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَيُّكُمْ مَالُ وَارِثِهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ مَالِهِ؟» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا مِثْلًا أَحَدٌ إِلَّا مَالُهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ. قَالَ: «فَإِنَّ مَالَهُ مَا قَدَّمَ وَمَالُ وَارِثِهِ مَا آخَرَ» رواه البخاري.

۳۳۲. و از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کدام یک از شما مال وارث خویش را از مال خود بیشتر دوست دارد؟ گفتند: ای رسول خدا! در میان ما کسی نیست که مال خود را از مال دیگران، بیشتر دوست نداشته باشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «پس مال هر شخص، همان است که آن را پیش اندازد (آن را در راه خدا بدهد یا برای زندگی خود خرج کند) و مال وارث او، آن است که آن را به بعد از خود اندازد (خود بخشش و یا خرج نکند)»^۲.

۳۳۳- وعن جابر رضي الله عنه قال: ما سئل رسول الله صلى الله عليه وسلم شيئا قط فقال: لا. متفق عليه.

۳۳۳. و از جابر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: هرگز از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی خواسته نشد که در جواب بفرماید: نه^۳.

۳۳۴- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ، فَيَقُولُ أَحَدُهُمَا: اللَّهُمَّ أَعْطِ مُنْفِقًا خَلْفًا، وَيَقُولُ الْآخَرُ: اللَّهُمَّ أَعْطِ مُمْسِكًا تَلَفًا» متفق عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۳)، م (۸۱۶)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۴۴۲)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۶۰۲۴)، م (۲۳۱۱)].

۳۳۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر روز که بندگان صبح می کنند، دو فرشته پایین می آیند؛ یکی از آنها می گوید: خداوند! به بخشنده و خرج کننده، عوض عطا کن و دیگری می گوید: خداوند! به بخیل و خودداری کننده از خرج، تلف و ضرری برسان»^۱.

۳۳۵- وعنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَنْفَقَ يَا ابْنَ آدَمَ يُنْفَقَ عَلَيْكَ» متفق عليه.

۳۳۵. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند متعال می فرماید: «ای فرزند آدم! خرج کن و ببخش تا بر تو انفاق شود»^۲.

۳۳۶- وعن جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: بَيْنَمَا هُوَ يَسِيرُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَقْفَلَهُ مِنْ حُنَيْنٍ، فَعَلِقَهُ الْأَعْرَابُ يَسْأَلُونَهُ، حَتَّى اضْطَرُّوهُ إِلَى سَمْرَةٍ فَخَطَفَتْ رِذَاءَهُ، فَوَقَفَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: أَعْطُونِي رِذَائِي، فَلَوْ كَانَ لِي عَدَدُ هَذِهِ الْعِصَاهِ نَعْمًا، لَقَسَمْتُهِ بَيْنَكُمْ، ثُمَّ لَا تَجِدُونِي بَخِيلًا وَلَا كَذَّابًا وَلَا جَبَانًا» رواه البخاري.

۳۳۶. و از جبیر بن مطعم رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: وقتی که موقع بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از «حنین»، با ایشان راه می رفتم، اعراب اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفتند و با اصرار از او درخواست مال می کردند، چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله را ناچار کردند که از کنار درختی خاردار بگذرد، خار درخت، ردای او را کشید، پیامبر ایستادند و فرمودند: «ردایم را به من بدهید که اگر به تعداد این خارها، چهارپا و شتر می داشتم، آن را میان شما تقسیم می کردم و آن وقت، شما مرا بخیل و دروغگو و ترسو نمی یافتید»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۴۲)، م (۱۰۱۰)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۳۵۲)، م (۳۹۳)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [(۳۱۴۸)].

۳۳۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أنَّ رسولَ الله صَلَّى الله عليه وسلم قال: «مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ مِنْ مَالٍ، وَمَا زَادَ اللَّهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ إِلَّا عِزًّا، وَمَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا» رواه مسلم.

۳۳۷. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگز صدقه، از مال کم نمی‌کند، و یقیناً خداوند در برابر گذشت بنده‌اش، عزت او را زیاد می‌کند، و هر بنده‌ای برای خدا تواضع کند، خداوند عز و جل (مقام) او را بلند می‌گرداند»^۱.

۳۳۸- وعن أبي كبشة الأنماري رضي الله عنه أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «ثَلَاثَةٌ أَقْسِمُ عَلَيْهِنَّ وَأُحَدِّثُكُمْ حَدِيثًا فَاحْفَظُوهُ: مَا نَقَصَ مَالُ عَبْدٍ مِنْ صَدَقَةٍ، وَلَا ظَلَمَ عَبْدٌ مَظْلَمَةً صَبَرَ عَلَيْهَا إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عِزًّا، وَلَا فَتَحَ عَبْدٌ بَابَ مَسْأَلَةٍ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ، أَوْ كَلِمَةً نَحْوَهَا. وَأُحَدِّثُكُمْ حَدِيثًا فَاحْفَظُوهُ. قَالَ: إِنَّمَا الدُّنْيَا لِأَرْبَعَةِ نَفَرٍ: عَبْدٍ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا وَعِلْمًا، فَهُوَ يَتَّقِي فِيهِ رَبَّهُ، وَيَصِلُ فِيهِ رَحْمَهُ، وَيَعْلَمُ لِلَّهِ فِيهِ حَقًّا فَهَذَا بِأَفْضَلِ الْمَنَازِلِ.

وَعَبْدٍ رَزَقَهُ اللَّهُ عِلْمًا، وَلَمْ يَرْزُقْهُ مَالًا فَهُوَ صَادِقُ النَّيَّةِ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ لِي مَالًا لَعَمِلْتُ بِعَمَلِ فُلَانٍ، فَهُوَ نِيَّتُهُ، فَأَجْرُهُمَا سَوَاءٌ.

وَعَبْدٍ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا، وَلَمْ يَرْزُقْهُ عِلْمًا، فَهُوَ يَخْطِئُ فِي مَالِهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ، لَا يَتَّقِي فِيهِ رَبَّهُ وَلَا يَصِلُ رَحْمَتَهُ، وَلَا يَعْلَمُ لِلَّهِ فِيهِ حَقًّا، فَهَذَا بِأَخْبَثِ الْمَنَازِلِ.

وَعَبْدٍ لَمْ يَرْزُقْهُ اللَّهُ مَالًا وَلَا عِلْمًا، فَهُوَ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ لِي مَالًا لَعَمِلْتُ فِيهِ بِعَمَلِ فُلَانٍ، فَهُوَ نِيَّتُهُ، فَوَزْرُهُمَا سَوَاءٌ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۳۳۸. و از ابو كبشه انماري رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «سه چیز هست که من بر آنها سوگند می‌خورم و سخنی برای شما می‌گویم، آن را به یاد داشته باشید و فراگیرید: (۱) هرگز ثروت هیچ شخصی، با صدقه دادن کم نشده است؛ (۲) هر بنده‌ای که به او ظلمی بشود و او بر آن صبر کند، یقیناً خداوند عزت او را زیاده‌تر می‌کند؛ (۳) هر بنده‌ای دری برای گدایی باز کند، حتماً خداوند دری از تنگدستی و فقر (یا ناراحتی‌های دیگری) بر او

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۸۸].

می‌گشاید. و سخنی برای شما می‌گویم، آن را حفظ کنید و آن این‌که: دنیا برای چهار نفر است (انسان‌ها در دنیا به چهار دسته‌اند): (۱) بنده‌ای که خداوند ثروت و علمی به او عطا کرده و او در آنها از خدای خود می‌ترسد و صله‌ی رحم خود را انجام می‌دهد و حق خدا را در مال خود می‌داند و می‌شناسد، چنین شخصی در بالاترین درجات است؛ (۲) بنده‌ای که خداوند دانشی به او داده، ولی مالی به او نداده است و او دارای نیتی درست است و می‌گوید: اگر مالی داشتم، مانند فلان کس رفتار می‌کردم، چنین شخصی، با نیتش سنجیده می‌شود، پس با شخص مالدار و بخشنده، مساوی است و پاداش هر دو یکسان است؛ (۳) بنده‌ای که خداوند ثروت به او داده، ولی علم نداده است و او در مالش بدون علم و ناآگاهانه اقدام می‌کند و در آن از خدا نمی‌ترسد و صله‌ی رحم انجام نمی‌دهد و در مالش، حقی برای خدا قایل نیست، چنین کسی در پایین‌ترین درجات است؛ (۴) بنده‌ای که خداوند علم و مال به او نداده است و او می‌گوید: اگر مالی داشتم، مانند فلان کس رفتار (و اقدام به افسار گسیختگی) می‌کردم، چنین کسی با نیتش سنجیده می‌شود، پس گناهشان (با نفر سوم) یکی است»^۱.

۳۳۹- وعن عائشة رضي الله عنها أَنَّهُمْ ذَبَحُوا شَاةً، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا بَقِيَ مِنْهَا؟» قَالَتْ: مَا بَقِيَ مِنْهَا إِلَّا كَتِفُهَا، قَالَ: «بَقِيَ كُلُّهَا غَيْرَ كَتِفِهَا» رواه الترمذي وقال حديث صحيح.

۳۳۹. و از حضرت عایشه رضی الله عنہا روایت شده است که ایشان گوسفندی سر بریدند، (و میان مردم تقسیم کردند) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چقدر از آن مانده است؟» حضرت عایشه رضی الله عنہا گفت: جز شانه‌اش چیزی نمانده است، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همه‌ی آن باقی مانده است، جز شانه‌اش!»^۲.

۳۴۰- وعن أسماء بنت أبي بكر الصديق رضي الله عنهما قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تُؤْكَلِي فَيُؤْكَلِي عَلَيْكَ».

۱- ترمذی روایت کرده است؛ [۲۳۲۶] و گفته است: حدیث صحیح است.

۲- ترمذی روایت کرده است؛ [۲۴۷۲] و گفته است: حدیث صحیح است.

وفي رواية: «أَنْفَقِي أَوْ أَنْفِقِي أَوْ أَنْصَحِي، وَلَا تُحْصِي فَيُحْصِيَ اللَّهُ عَلَيْكَ، وَلَا تُوعِي فَيُوعِي اللَّهُ عَلَيْكَ» متفق عليه.

۳۴۰. و از اسماء دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمودند: «ذخیره نکن و سر ظرف را سخت مبنده (کنایه از عدم بخشش) که سخت گرفته می شود (خداوند برکت و نعمت خود را از تو باز می دارد)»^۱.

در روایتی دیگر آمده است که فرمودند: «خرج کن، یا ببخش، یا هدیه بده و مالت را برای آن که اضافه شود و به کسی ندهی تا کم گردد) شمار که خداوند (آن را) به ضرر تو خواهد شمرد و فضلش را از تو منع خواهد کرد و جمع و نگهداری و ذخیره نکن (مال را از مستحق پنهان و منع نکن) که خداوند رحمت و نعمت خود را از تو پنهان می کند».

۳۴۱- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي بِفَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ، فَسَمِعَ صَوْتًا فِي سَحَابَةٍ: اسْقِ حَدِيقَةَ فُلَانٍ، فَتَنَحَّى ذَلِكَ السَّحَابَ فَأَفْرَغَ مَاءَهُ فِي حَرَّةٍ، فَإِذَا شَرْجَةٌ مِنْ تِلْكَ الشَّرَاجِ قَدْ اسْتَوْعَبَتْ ذَلِكَ الْمَاءَ كُلَّهُ فَتَتَبَعَ الْمَاءَ، فَإِذَا رَجُلٌ قَائِمٌ فِي حَدِيقَتِهِ يُحَوِّلُ الْمَاءَ بِمَسْحَاتِهِ، فَقَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، مَا اسْمُكَ؟ قَالَ: فُلَانٌ، لِلْأَسْمِ الَّذِي سَمِعَ فِي السَّحَابَةِ، فَقَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، لِمَ تَسْأَلُنِي عَنْ اسْمِي؟ فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ صَوْتًا فِي السَّحَابِ الَّذِي هَذَا مَاؤُهُ يَقُولُ: اسْقِ حَدِيقَةَ فُلَانٍ لِاسْمِكَ، فَمَا تَصْنَعُ فِيهَا؟ فَقَالَ: أَمَا إِذْ قُلْتُ هَذَا، فَإِنِّي أَنْظُرُ إِلَى مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، فَأَتَصَدَّقُ بِثُلُثِهِ، وَأَكُلُ أَنَا وَعِيَالِي ثُلُثًا، وَأَرَدُ فِيهَا ثُلُثَهُ». رواه مسلم.

۳۴۱. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردی در بیابانی بی آب راه می رفت که صدایی را در ابر شنید: باغ فلان را آبیاری کن! و آن ابر کنار رفت و آب خود را در سنگلاخی سیاه خالی کرد و همه ی آب را آبراهه ای در خود گرفت و سرازیر شد، مرد به دنبال آب رفت، مردی را دید که در باغ خود ایستاده بود و با بیل آبیاری می نمود و به آن مرد گفت: ای بنده ی خدا! اسمت چیست؟ مرد

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۳۳)، م (۱۰۲۹)].

گفت: فلان، - همان اسمی که از داخل قطعه‌ی ابر شنیده بود - و سپس گفت: ای بنده‌ی خدا! چرا اسم مرا می‌پرسی؟ مرد گفت: من از ابری که این آب از آن فرو ریخت، صدایی شنیدم که می‌گفت: باغ فلان را آبیاری کن و اسم تو را برد، تو در باغ چه کار می‌کنی؟ صاحب باغ گفت: اکنون که تو این را گفتی، می‌گویم: من به نتیجه‌ی حاصل از باغ نگاه می‌کنم و سپس یک سوم آن را صدقه می‌دهم و من و خانواده‌ام یک سوم می‌خوریم و یک سوم دیگر را به باغ (برای بذر و...) برمی‌گردانم^۱.

(به حدیث شماره: ۳۱۲، ۹۱ مراجعه فرمائید).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۹۸۴].

۶۱- باب النهی عن البخل والشح

باب نهی از بخل و خست

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٩﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ ﴿١٠﴾

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ﴾ (اللیل / ۸-۱۱)

«و اما کسی که تنگ چشمی کند و خود را از خداوند بی نیاز بداند؛ و پاداش خوب و بهشت را تکذیب کند (و بدان ایمان و باور نداشته باشد)؛ ما نیز او را برای سختی و مشقت (و جهنم)، آماده می نماییم، در آن هنگام که (به گور و دوزخ) پرت می گردد، دارایی اش سودی به حال او نخواهد داشت».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

(الحشر / ۹، التغابن / ۱۶)

«وکسانی که از بخل و خست نفس خود محفوظ شوند، قطعاً رستگارند».

و اما احادیث در این باب، تعدادی از آنها در باب قبلی بیان شد.

۳۴۲- وعن جابر رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اتَّقُوا الظُّلْمَ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاتَّقُوا الشُّحَّ، فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، حَمَلَهُمْ عَلَى أَنْ سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَاسْتَحْلَوْا مَحَارِمَهُمْ» رواه مسلم.

۳۴۲. و از جابر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از ظلم بپرهیزید؛ زیرا که ظلم در روز قیامت، تاریکی است و از بخل و آز دوری کنید؛ زیرا بخل،

امت‌های پیش از شما را هلاک کرد و آنها را واداشت که خون همدیگر را بریزند و حرام‌ها را حلال کنند»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۷۸].

۶۲- باب الإيثار والمواساة
باب ایثار و کمک به یکدیگر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ﴾ (الحشر / ۹)

خداوند متعال در وصف انصار می‌فرماید: «و محتاجان و دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند، هر چند که خود سخت نیازمند باشند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴾ (الإنسان / ۸)

«و طعام را با وجود علاقه و اشتهايي که خود به آن دارند، به مسکین و یتیم و اسیر، اطعام می‌کنند».

۳۴۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: جاء رجلٌ إلى النبيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقال: إني مجْهُودٌ، فأرسلَ إلى بعضِ نسائه، فقالت: والذي بعثك بالحقِّ ما عندي إلا ماءٌ، ثمَّ أرسلَ إلى أخرى. فقالت مثلَ ذلك، حتَّى قلنَ كُلُّهُنَّ مثلَ ذلك: لا والذي بعثك بالحقِّ ما عندي إلا ماءٌ. فقال النبيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «من يُضِيفُ هذا، اللَّيْلَةَ؟» فقال رجلٌ من الأنصار: أنا يا رسولَ اللهِ، فأنطلقَ به إلى رَحْلِهِ، فقال لامرأته: أكرمي ضيفَ رسولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

وفي رواية قال لامرأته: هل عندك شيء؟ فقالت: لا، إلا قُوتَ صبياني قال: علَّيهم بشيءٍ وإذا أرادوا العشاءَ، فتؤمِّمهم، وإذا دخلَ صيفُنَا، فأطفئي السَّراجَ، وأريه أنا نأكلُ، فقعدوا وأكلَ الصَّيفُ وباتا طاويين، فلما أصبحَ، عدا على النبيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فقال: «لقد عَجِبَ اللهُ من صَنِيعكما بِضَيْفِكما اللَّيْلَةَ» متفقٌ عليه.

۳۴۳. و از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من در تنگنا و به شدت گرسنه‌ام، پیامبر صلی الله علیه و آله پیش یکی از زنان خود فرستاد که اگر غذایی هست به او بدهند، گفت: سوگند به کسی که تو را به حق مبعوث

کرده، جز آب چیزی ندارم، بعد نزد زن دیگرش فرستاد، همان جواب را شنید، تا همین جمله را از تمام زنانش شنید و سپس فرمودند: «چه کسی امشب این را مهمان می‌کند؟» یکی از انصار جواب داد: من، ای رسول خدا! و او را به خانه برد و به زنش گفت: از مهمان پیامبر ﷺ پذیرایی کن.^۱

در روایتی دیگر آمده است: به زنش گفت: آیا نزد تو چیزی هست؟ گفت: جز غذای کودکانم چیزی ندارم، گفت: آنها را به چیزی مشغول کن و هر وقت غذا خواستند آنها را بخوابان و هر وقت مهمان وارد شد، چراغ را خاموش و به او چنان وانمود کن که ما هم غذا می‌خوریم، بعد نشستند و مهمان غذا را خورد و خود و زنش گرسنه و با شکم خالی شب را گذراندند و وقتی که صبح شد، به نزد پیامبر ﷺ رسید، پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند از رفتار شب گذشته‌ی شما با مهمانان تعجب کرد».

۳۴۴- وعنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «طَعَامُ الْاِثْنَيْنِ كَافِي الْثَلَاثَةِ، وَطَعَامُ الثَّلَاثَةِ كَافِي الْارْبَعَةِ» متفق عليه.

۳۴۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «خوراک دو نفر برای سه نفر و خوراک سه نفر برای چهار نفر، کافی است».^۲

۳۴۵- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: بَيْنَمَا نَحْنُ فِي سَفَرٍ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذْ جَاءَ رَجُلٌ عَلَى رَاحِلَةٍ لَهُ، فَجَعَلَ يَصْرِفُ بَصَرَهُ يَمِينًا وَشِمَالًا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ كَانَ مَعَهُ فَضْلٌ ظَهَرَ فَلْيَعُدْ بِهِ عَلَى مَنْ لَا ظَهَرَ لَهُ، وَمَنْ كَانَ لَهُ فَضْلٌ مِنْ زَادٍ، فَلْيَعُدْ بِهِ عَلَى مَنْ لَا زَادَ لَهُ» فَذَكَرَ مِنْ أَصْنَافِ الْمَالِ مَا ذَكَرَ حَتَّى رَأَيْنَا أَنَّهُ لَا حَقَّ لِأَحَدٍ مِنَّا فِي فَضْلٍ. رواه مسلم.

۳۴۵. و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: وقتی که یک بار با پیامبر ﷺ در سفری بودیم، مردی که بر شترش سوار بود، آمد و (از نهایت

۱- متفق عليه است: [خ (۳۷۹۸)، م (۲۰۵۴)].

۲- متفق عليه است: [خ (۵۳۹۲)، م (۲۰۵۸)].

گرسنگی و نیاز) شروع به نگاه کردن و توجه به چپ و راست خود نمود، پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که دارای حیوان سواری اضافی است، آن را برای کسی که ندارد، آماده کند و کسی که توشه‌ای اضافی دارد، آن را برای بی‌توشگان حاضر و احسان نماید»، سپس (صدقه دادن اضافه‌ها در) انواع مال را ذکر نمود تا این که فهمیدیم که هیچ‌کدام از ما، در اضافه‌ها (ی مالی) حقی ندارد (و باید آن را ببخشند).^۱

۳۴۶- وعن سهل بن سعد رضي الله عنه أَنَّ امْرَأَةً جَاءَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِرُودَةٍ مَنسُوجَةٍ، فَقَالَتْ: نَسَجْتُهَا بِيَدَيَّ لَأَكْسُوَكَهَا، فَأَخَذَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُحْتَاجاً إِلَيْهَا، فَخَرَجَ إِلَيْنَا وَإِنَّهَا لِإِزَارُهُ، فَقَالَ فُلَانٌ: اكْسُوبِهَا مَا أَحْسَنَهَا، فَقَالَ: «نَعَمْ» فَجَلَسَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَجْلِسِ، ثُمَّ رَجَعَ فَطَوَّاهَا، ثُمَّ أَرْسَلَ بِهَا إِلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ الْقَوْمُ: مَا أَحْسَنْتَ! لِبَسَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُحْتَاجاً إِلَيْهَا، ثُمَّ سَأَلْتُهُ، وَعَلِمْتُ أَنَّهُ لَا يَرُدُّ سَائِلاً، فَقَالَ: إِنِّي وَاللَّهِ مَا سَأَلْتُهُ لِأُبْسِئَهَا، إِنَّمَا سَأَلْتُهُ لِتَكُونَ كَفَنِي. قَالَ سَهْلٌ: فَكَانَتْ كَفَنَهُ. رواه البخاري.

۳۴۶. از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: زنی، جامه‌ی پشمین بافته شده‌ای به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و گفت: آن را با دستان خود بافته‌ام که شما بپوشید، پیامبر صلی الله علیه و آله آن را از او قبول کرد و به آن نیاز هم داشت و پس (از مدتی بیرون رفت و) در حالی پیش ما برگشت که آن پارچه، ازار ایشان بود و فلان شخص، به ایشان گفت: چه قدر خوب و زیباست! آن را به من بدهید که بپوشم، پیامبر فرمودند: «بله»، و در مجلس نشست و سپس به خانه برگشت و آن را پیچید و بست و برای آن شخص فرستاد، جماعت به آن فرد گفتند: کار خوبی نکردی! پیامبر صلی الله علیه و آله آن را پوشیده بود و به آن نیاز داشت و تو در چنین **حالی** آن را از ایشان خواستی و می‌دانستی که او به کسی جواب رد نمی‌دهد، مرد گفت: والله من آن را

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۷۲۸].

از او نخواستم که بپوشم، بلکه برای آن خواستم که کفن من باشد؛ سهل می‌گوید:
بعداً آن پارچه کفن او شد^۱.

۳۴۷- وعن أبي موسى رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ الْأَشْعَرِيَّينَ إِذَا أَرْمَلُوا فِي الْغَزْوِ، أَوْ قَلَّ طَعَامُ عِيَالِهِمْ بِالْمَدِينَةِ، جَمَعُوا مَا كَانَ عَنْدهُمْ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ، ثُمَّ اقْتَسَمُوهُ بَيْنَهُمْ فِي إِنَاءٍ وَاحِدٍ بِالسَّوِيَّةِ فَهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ» متفقٌ عليه.

۳۴۷. از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:
«اشعری‌ها (طایفه‌ی اشعری)، وقتی در جنگ توشه‌ای شان تمام یا در شهر، طعام زن و فرزندانشان کم شود، هر چه دارند، در یک جامه جمع و با پیمانه‌ای یکسان، بین خود تقسیم می‌کنند، پس آنان از من هستند و من از ایشانم»^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۱۲۷۷].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۴۸۶)، م (۲۵۰۰)].

۶۳- باب التنافس في أمور الآخرة والاستكثار مما يُتبرَّكُ به

باب رقابت در امور آخرت و زياد بهره بردن از چيزهايي

كه به آنها تبرك جسته مي شود

قال الله تعالى:

﴿وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ﴾ (المطففين / ۲۶)

«مسابقه دهندگان بايد براي به دست آوردن اين (نعمت هاي بهشت) با مبادرت به عبادت خداوند) با همدیگر مسابقه بدهند و بر یکدیگر پیشی بگیرند».

۳۴۸- وعن سهل بن سعد رضي الله عنه أنَّ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُتِيَ بِشَرَابٍ، فَشَرِبَ مِنْهُ وَعَنْ يَمِينِهِ غُلامٌ، وَعَنْ يَسَارِهِ الْأَشْيَاحُ، فَقَالَ لِلْغُلامِ: «أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أُعْطِيَ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ الْغُلامُ: لَا، وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَا أُؤْثِرُ بِنَصِيْبِي مِنْكَ أَحَدًا، فَتَلَّهَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي يَدِهِ. متفقٌ عليه.

۳۴۸. از سهل بن سعد رضي الله عنه روایت شده است که گفت: نوشیدنی ای برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورده شد، از آن نوشید، در سمت راست پیامبر صلی الله علیه و آله پسر بچه ای بود و در سمت چپش اشخاصی مسن بودند و ایشان به آن پسر بچه فرمودند: «اجازه می دهی که به اینان بدهم؟» پسر بچه گفت: خیر، به خدا سوگند، ای رسول خدا! هیچ کس را در سهم خودم که از طرف شما به من رسیده بر خود ترجیح نمی دهم و پیامبر صلی الله علیه و آله ظرف را در دست او نهاد^۱.

[این پسر بچه، عبدالله بن عباس رضی الله عنه بوده است]

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۴۵۱)، م (۲۰۳۰)].

۶۴- باب فضل الغنی الشاکر وهو من أخذ المال من وجه وصرفه فی

وجوهه المأمور بها

**باب فضیلت ثروتمند شاکر و او کسی است که ثروت خود
را از راه (صحیح) آن به دست آورد و در مصارف مشروع
آن هزینه کند**

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ۖ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ۖ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ۖ ﴾

(اللیل / ۵-۷)

«کسی که (در راه خدا)، بخشش کند و پرهیزگاری پیشه سازد و پاداش خوب و بهشت را تصدیق کند (و بدان ایمان و باور داشته باشد)، ما نیز او را آماده‌ی رفاه و آسایش (و بهشت) می‌نماییم».

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَسَيَجْزِيهَا الْآتَىٰ ۖ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ۖ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ

نِعْمَةٍ حُزَىٰ ۖ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ۖ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ۖ ﴾

(اللیل / ۱۷-۲۱)

«و بزودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می‌شود * همان کس که مال خود را (در راه خدا) می‌بخشد تا پاک شود. * و هیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد (به این وسیله) او را جزا دهد، * بلکه تنها هدفش جلب رضای پروردگار بزرگ اوست * و بزودی راضی و خشنود می‌شود!».

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنْ تَبَدُّوا أَلَصَّدَقَتِ فَنِعِمَّا هِيَ ۖ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۚ وَيُكَفِّرُ عَنْكُم مِّن سَيِّئَاتِكُمْ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾

(البقرة / ۲۷۱)

«اگر انفاقها را آشکار کنید، خوب است! و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است! و قسمتی از گناهان شما را می‌پوشاند (و در پرتو بخشش در راه خدا، بخشوده خواهید شد.) و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است».

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾

(آل عمران / ۹۲)

«به نیکی دست نمی‌یابید، مگر آن‌که از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) ببخشید و هر چه را ببخشید، خدا بر آن آگاه است».

آیات در فضیلت انفاق در طاعات، فراوان و معلوم است.

۳۴۹- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ فُقَرَاءَ الْمُهَاجِرِينَ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالُوا: ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالدرجاتِ العُلى، والنَّعِيمِ الْمُقِيمِ. فَقَالَ: «وَمَا ذَاكَ؟» فَقَالُوا: يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي، وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ. وَيَتَصَدَّقُونَ وَلَا نَتَصَدَّقُ، وَيَعْتَقُونَ وَلَا نَعْتِقُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفَلَا أَعْلَمُكُمْ شَيْئاً تَدْرِكُونَ بِهِ مَنْ سَبَقَكُمْ، وَتَسْبِقُونَ بِهِ مَنْ بَعْدَكُمْ وَلَا يَكُونُ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْكُمْ إِلَّا مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعْتُمْ؟» قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «تُسَبِّحُونَ، وَتُحَمِّدُونَ وَتُكَبِّرُونَ، ذُبُرُ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ مَرَّةً» فَرَجَعَ فُقَرَاءُ الْمُهَاجِرِينَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالُوا: سَمِعَ إِخْوَانُنَا أَهْلُ الْأَمْوَالِ بِمَا فَعَلْنَا، فَفَعَلُوا مِثْلَهُ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ» متفق عليه، وهذا لفظ رواية مسلم.

۳۴۹. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: فقرای مهاجرین به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند: ثروتمندان، درجات بالا و بزرگ و نعمت جاویدان را

بردند، فرمودند: «چگونه؟» گفتند: ایشان نماز می خوانند، همچنان که ما می خوانیم و روزه می گیرند، چنان که ما روزه می گیریم و صدقه می دهند و ما نمی دهیم، (نداریم) و بنده آزاد می کند و ما نمی کنیم؛ پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا چیزی به شما یاد بدهم که به وسیله ی آن به اشخاصی که از شما پیشی گرفته اند، برسید و برآیندگان بعد از خود سبقت یابید و کسی بالاتر از شما نباشد، جز کسی که مثل عمل شما رفتار می کند؟» گفتند: بله، ای رسول خدا! فرمودند: «تسبیح و تحمید و تکبیر (سبحان الله، الحمد لله، الله اکبر) را بعد از هر نماز ۳۳ بار بگویید»، بعداً فقرای مهاجر، بار دیگر به نزد پیامبر ﷺ آمدند و گفتند: برادران ثروتمند ما شنیده اند که ما چکار کرده ایم و آنان نیز مانند ما آن را انجام می دهند، پیامبر ﷺ فرمودند: «آن، از فضل خداست که به هر کس بخواهد عطا می فرماید»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۸۴۳)، م (۵۹۵)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت مسلم است.

۶۵- باب ذکر الموت وقصر الأمل
باب یاد مرگ و کوتاه کردن آرزو

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتْنَعُ الْغُرُورِ﴾
(آل عمران / ۱۸۵)

«هر موجود زنده‌ای چشنده [طعم] مرگ است. و جز این نیست که پادشاهیتان را در روز قیامت، به تمام و کمال خواهید یافت. پس هر کس که از آتش [جهنم] دور داشته و به بهشت در آورده شود، بی شک رستگار شده است. و زندگانی دنیا جز مایه فریب نیست.»

قَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ﴾
(لقمان / ۳۴)
«هیچ کس نمی‌داند که فردا چه کسب و عملی خواهد کرد و هیچ کس نمی‌داند که در چه سرزمینی می‌میرد.»

قَالَ تَعَالَى:

﴿فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَخْرُوتُ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾

(النحل / ۶۱)

«پس هر گاه وعده‌ی مرگ آنان فرا رسد، یک لحظه از آن عقب نمی‌افتند و بر آن پیشی نمی‌گیرند.»

قَالَ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٠٠﴾ وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ

يَأْتِي أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ
وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٩﴾ وَلَن يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا
تَعْمَلُونَ ﴿١٠﴾ (المنافقون / ۹-۱۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و اولادتان، شما را از یاد خدا غافل نکند و کسانی که چنین کنند، ایشان زیانکارند؛ و از چیزهایی که به شما داده‌ایم، بذل و بخشش و صدقه و احسان کنید، پیش از آن که مرگ یکی از شما در رسد و بگوید: پروردگارا! چه می‌شود اگر مدت کمی مرگ مرا به تأخیر اندازی (و زنده‌ام بگذاری) تا (احسان و) صدقه بدهم و از زمره‌ی صالحان و خوبان شوم؟! (ولی) خداوند هرگز مرگ کسی را به تأخیر نمی‌اندازد هنگامی که اجل او فرا رسیده باشد و خداوند کاملاً آگاه از کارهایی است که انجام می‌دهید».

قَالَ تَعَالَى:

﴿ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿١١﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٢﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿١٣﴾ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٤﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١٥﴾ تَلَفُحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٦﴾ أَلَمْ تَكُنْ ءَايَتِي تَتْلُو عَلَيْنَا فَنُكْذِبُونَ ﴿١٧﴾ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٨﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿١٩﴾ قَالَ أَحْسَسُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿٢٠﴾ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿٢١﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُم ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿٢٢﴾ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآيُزُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿٢٤﴾ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ

بَعْضَ يَوْمٍ فَسْئَلُ الْعَادِينَ ﴿٩٩﴾ قُلْ إِنْ لَبِيتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۖ لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٠٠﴾ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١٠١﴾

(المؤمنون / ۹۹-۱۱۵)

«زمانی که مرگ یکی از آنها (کافران و بدکاران) فرا می‌رسد، می‌گوید: پروردگارا! مرا (به دنیا) باز گردانید تا کارهای شایسته انجام بدهم در مقابل فرصت‌هایی که از دست داده‌ام و کار نیکی نکرده‌ام، خیر، هرگز! این سخنی است که او بر زبان می‌راند و بی‌فایده است (و اگر به فرض، به دنیا بازگردد، باز همان برنامه و روش قبلی خود را در پیش می‌گیرد) در پیش روی این جهانیان، برزخ است تا روزی که برانگیخته می‌شوند. هنگامی که (برای بار دوم) در «صور» دمیده شد، هیچ‌گونه خویشاوندی و نسبتی در میان آنان نمی‌ماند و در آن روز از همدیگر نمی‌پرسند؛ و کسانی که سنجیده‌های (اعمال) آنها سنگین و ارزشمند شود، اینان رستگاران و کسانی که سنجیده‌های (اعمال) آنها سبک و بی‌ارزش باشد، اینان آن کسانی هستند که خویشان را زیانمند نموده‌اند و در دوزخ جاودانه خواهند ماند؛ شعله‌های آتش دوزخ صورت‌های آنان را می‌سوزاند و آنان در میان آن، با چهره‌های عبوس و لب‌های برچیده (و پریشان و نالان) به سر می‌برند؛ (خداوند خطاب به آنان می‌فرماید): مگر آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما آنها را انکار و تکذیب کردید؟! تا آنجا که می‌فرماید: «(خداوند به زبان فرشتگان به ایشان) می‌گوید: چه مدت در زمین زیسته و ماندگار بوده‌اید؟ می‌گویند: یک روز یا بخشی از یک روز! (ما سخت گرفتار عذاب بوده‌ایم) پس، از کسانی که قادر به شمارش اعمال آدمیان (ملایکه) هستند، بپرس (خداوند به آنان) می‌گوید: جز مدت کمی (در زمین) ماندگار نبوده‌اید، اگر شما کمترین آگاهی و دانشی می‌داشتید. آیا گمان کرده‌اید ما شما را بیهوده آفریده‌ایم، و شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟!».

قَالَ تَعَالَى:

﴿ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ^ط وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴾
(الحديد / ۱۶)

«آیا وقت آن برای مومنان فرا نرسیده است که دل‌هایشان به هنگام یاد خدا و در برابر حق و حقیقتی که خدا فرو فرستاده است، بلرزد و خوار و رام شود؟ و همچون کسانی نشوند که برای آنان قبلاً کتاب فرستاده شد و سپس زمانی طولانی بر آنان سپری گشته و آن‌گاه، دل‌هایشان سخت شد و بیشترشان فاسق و خارج (از حدود دین خدا) هستند؟».

آیات در این مورد، فراوان و معلوم است.

۳۵۰- وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَنْكِبِي فَقَالَ: «كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرُ سَبِيلٍ» وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ رضي الله عنهما يَقُولُ: إِذَا أَمْسَيْتَ، فَلَا تَنْتَظِرِ الصَّبَاحَ، وَإِذَا أَصْبَحْتَ، فَلَا تَنْتَظِرِ الْمَسَاءَ، وَخُذْ مِنْ صِحَّتِكَ لِمَرَضِكَ وَمِنْ حَيَاتِكَ لِمَوْتِكَ» رواه البخاري.

۳۵۰. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هر دو شانه‌ی مرا گرفتند و فرمودند: «در دنیا چنان باش که گویی غریب یا عابری در راه (رهگذر) هستی».

و ابن عمر رضی الله عنهما می‌فرمود: وقتی غروب کردی، در انتظار صبح نباش و وقتی صبح کردی، در انتظار غروب نباش. و در تندرستی، چیزی را برای ایام بیماری و در زندگی، چیزی را برای مرگ آماده کن^۱.

۳۵۱- وعنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا حَقُّ امْرِئٍ مُّسْلِمٍ لَهُ شَيْءٌ يُوصِي فِيهِ، يَبِيتُ لَيْلَتَيْنِ إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ» متفقٌ عليه. هذا لفظ البخاري.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۴۱۶].

وفي رواية لمسلم: «يَبِيتُ ثَلَاثَ لَيَالٍ» قَالَ ابْنُ عُمَرَ: مَا مَرَّتْ عَلَيَّ لَيْلَةٌ مُنْذُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ذَلِكَ إِلَّا وَعِنْدِي وَصِيَّتِي.

۳۵۱. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای مرد مسلمانی که چیزی برای وصیت کردن دارد، حق و روا نیست که دو شب را بدون اینکه وصیت‌نامه‌اش نوشته شده و پیشش حاضر باشد، سپری کند»^۱.
در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «سه شب را بگذرانند». ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید:
«از وقتی که این فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را شنیده‌ام، یک شب بدون وصیت‌نامه، بر من نگذشته است».

۳۵۲- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: خَطَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَطًّا مُرَبَّعًا، وَخَطَّ خَطًّا فِي الْوَسْطِ خَارِجًا مِنْهُ، وَخَطَّ خُطَطًا صِغَارًا إِلَى هَذَا الَّذِي فِي الْوَسْطِ مِنْ جَانِبِهِ الَّذِي فِي الْوَسْطِ، فَقَالَ: «هَذَا الْإِنْسَانُ، وَهَذَا أَجَلُهُ مُحِيطًا بِهِ أَوْ قَدْ أَحَاطَ بِهِ، وَهَذَا الَّذِي هُوَ خَارِجٌ أَمَلُهُ وَهَذِهِ الْخُطَطُ الصِّغَارُ الْأَعْرَاضُ، فَإِنْ أَخْطَأَهُ هَذَا، نَهَشَهُ هَذَا، وَإِنْ أَخْطَأَهُ هَذَا نَهَشَهُ هَذَا».

۳۵۲. و از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله مربعی رسم فرمودند و یک خط، در وسط آن کشید که از مربع خارج شده بود و خط‌های کوچکی نیز از قسمت داخل به طرف آن خط وسطی رسم فرمودند و آن‌گاه فرمودند: «این، انسان است و این، اجل اوست که بر او احاطه دارد، و خطی که خارج از مربع است آرزوی اوست و این خطوط کوچک، عوارض و آفات می‌باشند که اگر از این آفت‌رهایی یابد، آن آفت دیگر او را می‌گزد و اگر از این یکی نیز رهایی یابد، دیگری وی را می‌گزد».
(به حدیث شماره: ۶۱ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۷۳۸)، م (۱۶۲۷)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت بخاری است.

۶۶- باب الورع وترك الشبهات

باب ورع و ترك شبهات

قال الله تعالى:

﴿وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ﴾ (النور / ۱۵)

«گناهی بزرگ انجام می‌دهید) و آن را سبک و آسان می‌شمارید، در صورتی که نزد خدا بسیار بزرگ است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ (الفجر / ۱۴)

«همانا خدای تو در کمین (و مراقب اعمال) شماست».

۳۵۳- وعن النعمان بن بشير رضي الله عنهما قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ الْحَالَ بَيْنَ، وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيْنَ، وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ، اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ، وَقَعَ فِي الْحَرَامِ، كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ، أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ، أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضَغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ: أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ» متفقٌ عليه. ورواه من طُرُقٍ بِالْفَاظِ مُتَقَارِبَةٍ.

۳۵۳. و از نعمان بن بشیر رضی الله عنهما روایت شده است که گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «همانا حلال روشن و آشکار و حرام روشن و آشکار است، و بین آن دو، کارها و چیزهایی مشتبهی قرار دارد که بسیاری از مردم آنها را نمی‌دانند، پس هر کس از این مشتبهات دوری کند، در دین و آبرویش به پاکی دست می‌یابد و کسی که در این مشتبهات بیفتد، در حرام نیز خواهد افتاد؛ مانند چوپان که گله را در اطراف قُرُق (علفزاری که چریدن ستوران در آن ممنوع شده باشد) می‌چراند و ممکن است گاهی در داخل آن نیز گله را بچراند، آگاه باش! که برای هر پادشاهی،

حد و مرز و قُرْقُی وجود دارد (که مردم را از آن منع می‌کند) و قُرْقُ خدای محرمات اوست، آگاه باشید، همانا در بدن انسان پاره گوشتی وجود دارد که اگر سالم و صالح شود، تمام بدن سالم و اگر فاسد و تباه شود، تمام بدن فاسد می‌شود، بدان که آن پاره گوشت، قلب است»^۱.

۳۵۴- وعن التَّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ، وَكَرِهْتَ أَنْ يَطَّلَعَ عَلَيْهِ النَّاسُ» رواه مسلم.

۳۵۴. و از نواس بن سمعان رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نیکی عبارت از خوشرویی و خوش رفتاری است و گناه و بدی، آن است که در مورد آن متردد باشی (دلت بر درستی آن ثابت نباشد) و دوست نداشته باشی که مردم بر آن مطلع شوند»^۲.

۳۵۵- وعن عُقْبَةَ بْنِ الْحَارِثِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ تَزَوَّجَ ابْنَةً لِأَبِي إِيَّاهَبِ بْنِ عَزِيزٍ، فَأَتَتْهُ امْرَأَةٌ فَقَالَتْ: إِنِّي قَدْ أَرْضَعْتُ عُقْبَةَ وَالَّتِي قَدْ تَزَوَّجَ بِهَا، فَقَالَ لَهَا عُقْبَةُ: مَا أَعْلَمُ أَنَّكَ أَرْضَعْتَنِي وَلَا أَخْبَرْتَنِي، فَرَكَبَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْمَدِينَةِ، فَسَأَلَهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَيْفَ، وَقَدْ قِيلَ؟!» فَفَارَقَهَا عُقْبَةُ وَنَكَحَتْ زَوْجًا غَيْرَهُ. رواه البخاري.

۳۵۵. و از «عقبه بن حارث» رضی الله عنه روایت شده است که او با دختر «اهاب بن عزیز» ازدواج کرد و سپس زنی نزد او آمد و اظهار کرد که: من هم به عقبه و هم به دختری که با او ازدواج کرده است شیر داده‌ام، عقبه بدان زن گفت: گمان نمی‌کنم که تو به من شیر داده باشی، در حالی که تاکنون مرا با خبر نکرده‌ای؛ و بعد سوار شد و به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه آمد و از او سؤال نمود، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «این ازدواج چگونه درست است، در حالی که چنین سخنی (همشیره بودن شما) گفته و مشهور شده است؟! بعد عقبه از او جدا شد و زن با مردی دیگر ازدواج کرد. (به حدیث شماره: ۳۷ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۲)، م (۱۵۹۹)]. و بخاری و مسلم از راویان دیگر با لفظ‌هایی نزدیک به هم روایت کرده‌اند.

۲- مسلم روایت کرده [۲۵۵۳].

۶۷- باب استحباب العزلة عند فساد الناس والزمان أو الخوف من
فتنة في الدين أو وقوع في حرام وشبهات ونحوها
باب فضیلت کناره گیری در هنگام فساد مردم و زمانه و
خوف از فتنه در دین یا وقوع در محرمات و شبهه ها و
مانند آنها

قال الله تعالى:

﴿ فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴾ (الذاريات / ۵۰)

«(از همه چیز بگریزید) و به سوی خدا بگریزید و رو نهید که (من پیامبر)
از جانب او (خداوند) برای شما ترساننده‌ی آشکاری هستم».

۳۵۶- وعن سعد بن أبي وقاص رضي الله عنه، قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ التَّقِيَّ الْغَنِيَّ الْخَفِيَّ» رواه مسلم.

۳۵۶. و از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمودند: «خداوند بنده‌ی پرهیزگار و بی نیاز و عزلت گزیده را دوست دارد».

۳۵۷- وعنه قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُوشِكُ أَنْ يَكُونَ خَيْرَ مَالِ الْمُسْلِمِ غَنَمٌ يَتَّبِعُ بِهَا شَعَفَ الْجِبَالِ وَمَوَاقِعَ الْقَطْرِ، يَفَرُّ بِدِينِهِ مِنَ الْفِتَنِ» رواه البخاري.

۳۵۷. و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «نزدیک است زمانی (برسد) که بهترین ثروت شخص مسلمان، گوسفندی باشد که وی به

دنبال آن به قلعه‌ی کوه‌ها و محل‌های بارش باران می‌رود و (به این وسیله)،
دین خویش را از فتنه‌ها رها می‌سازد»^۱.

۱- بخاری روایت کرده [۱۹].

۶۸- باب فضل الاختلاط بالناس وحضور جمعهم وجماعاتهم
ومشاهد الخير ومجالس الذكر معهم وعبادة مريضهم وحضور
جنازهم ومواساة محتاجهم وإرشاد جاهلهم وغير ذلك من
مصالحتهم لمن قدر على الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر وقمع
نفسه عن الإيذاء وصبر على الأذى.

**باب فضیلت اختلاط با مردم و حضور یافتن در جمعه‌ها
و جماعات و اجتماعات و جاهای خیر و مجلس ذکر با
ایشان و عیادت بیمار و حاضر شدن در تشییع جنازه و
دستگیری نیازمندان و ارشاد نادانان و غیر اینها از مصالح
مردم برای کسانی که قادر بر امر به معروف و نهی از
منکر و خودداری از آزار مردم و تحمل و صبر و
بردباری بر آزار و اذیت‌ها هستند**

اعلم أنَّ الاختلاطَ بالنَّاسِ عَلَى الْوَجْهِ الَّذِي ذَكَرْتُهُ هُوَ الْمُخْتَارُ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ
- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَسَائِرُ الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ، وَكَذَلِكَ الْخُلَفَاءُ
الرَّاشِدُونَ، وَمَنْ بَعْدَهُمْ مِنَ الصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِينَ، وَمَنْ بَعْدَهُمْ مِنْ عُلَمَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَأَخْيَارِهِمْ،
وَهُوَ مَذْهَبُ أَكْثَرِ التَّابِعِينَ وَمَنْ بَعْدَهُمْ، وَبِهِ قَالَ الشَّافِعِيُّ وَأَحْمَدُ وَأَكْثَرُ الْفُقَهَاءِ رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُمْ أَجْمَعِينَ.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(المائدة ۲/)

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾

والآيات في معنى ما ذكرته كثيرة معلومة.

بدان که اختلاط و آمیزش با مردم به طریقی که ذکر کردم، عمل مورد پسند و
برگزیده‌ای است که پیامبر ﷺ و دیگر پیامبران - درود و سلام بر همه‌ی آنان باد -
و همچنین «خلفای راشدین» و کسانی که بعد از ایشان بوده اند؛ از صحابه و تابعین

و بعد از آنها از علمای مسلمین و نیکان ایشان، بر این روش بوده‌اند. و آن، روش مذهب اکثر تابعین و کسان بعد از ایشان است و «شافعی و احمد بن حنبل» و اکثر فقها - خداوند از همه‌ی ایشان خوشنود باد - به این روش معتقد بوده‌اند. و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ﴾ (المائدة ۲)

«همدیگر را برای اعمال خیر و تقوا یاری کنید».

۶۹- باب التواضع وخفض الجناح للمؤمنين

باب تواضع و فروتنی در برابر مؤمنان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الشعراء / ۲۱۵)

«ای پیامبر ﷺ) بال (تواضع و فروتنی) خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، بگستران.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ

وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ (المائدة / ۵۴)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما از آئین خود باز گردد (کوچک ترین زیانی به خداوند نمی رساند و) در آینده خداوند جمعیتی را (به جای آنان بر روی زمین) خواهد آورد که خداوند آنان را دوست دارد و آنها هم خداوند را دوست دارند و ایشان نسبت به مؤمنان نرمخو و فروتن بوده و در برابر کافران سرسخت و با عزت می باشند.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ

لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ﴾ (الحجرات / ۱۳)

«ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریده ایم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید. بی گمان گرامی ترین شما نزد خداوند، متقی ترین شماست.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ فَلَا تَرْكُؤُوا أَنْفُسَكُمْ ۖ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى ۖ ﴾ (النجم / ۳۲)

«پس از پاک بودن خود سخن نگوئید و خود را ستایش نکنید، زیرا که او پرهیزگاران را بهتر می‌شناسد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رَجُلًا لَا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِمَتِهِمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٨﴾ أَهْتُولَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴾

(الأعراف / ۴۸-۴۹)

«و اهل اعراف مردانی را که از نشانه‌هایشان می‌شناسند، آواز می‌دهند [و به عنوان سرزنش] می‌گویند: [امکانات مادی و] جمعیت [انسانی] شما و تکبری که می‌ورزیدید، عذابی را از شما دفع نکرد * [سپس با توجه دادن دوزخیان به سوی اهل ایمان می‌گویند:] آیا اینان کسانی نبودند که در دنیا سوگند یاد می‌کردید که خدا آنان را به رحمتی نمی‌رساند؟ [پس به مؤمنان می‌گویند:] به بهشت در آید که نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید».

۳۵۸- وعن عِيَاضِ بْنِ حِمَارٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ أَوْحَىٰ إِلَيَّ أَنْ تَوَاضَعُوا حَتَّى لَا يَفْخَرَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ، وَلَا يَبْغِيَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ» رواه مسلم.

۳۵۸. و از عیاض بن حمار رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند به من وحی فرمود که نسبت به همدیگر متواضع باشید، تا کسی بر دیگری تفاخر نکند و یکی بر دیگری ستم روا ندارد»^۱.

۱- مسلم روایت کرده [۲۸۶۵].

۳۵۹- وعن أنس رضي الله عنه أنه مرَّ على صبيانٍ فسَلَّم عليهم وقال: كان النَّبيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَفْعَلُهُ. متفقٌ عليه.

۳۵۹. و از انس رضي الله عنه روایت شده است که او از کنار جمعی از کودکان گذشت و بر آنها سلام کرد و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله چنین می کردند.^۱

۳۶۰- وعنه قال: إن كانت الأمة من إماء المدينة لتأخذ بيد النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فتَنطَلِقُ بِهِ حَيْثُ شَاءَتْ. رواه البخاري.

۳۶۰. و از انس رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: اگر کنیزی از کنیزان مدینه، دست پیامبر صلی الله علیه و آله را می گرفت، و او را به هر کجا که می خواست، می برد، می توانست. (یعنی: اگر برای پیامبر صلی الله علیه و آله چنین اتفاقی می افتاد، ایشان به قدری متواضع بودند که از انجام چنین کاری هیچ ابایی نداشتند).^۲

۳۶۱- وعن الأسود بن يزيد قال: سئلت عائشة رضي الله عنها: ما كان النَّبيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يصنع في بيته؟ قالت: كان يكون في مهنة أهله يعني: خدمة أهله فإذا حضرت الصلاة، خرج إلى الصلاة، رواه البخاري.

۳۶۱. و از اسود بن یزید روایت شده است که فرمود: از حضرت عایشه رضي الله عنها پرسیدم: پیامبر صلی الله علیه و آله در منزل چکار می کرد؟ گفت: ایشان در خدمت اهل خانه مشغول بودند (یعنی کمک به آنها در انجام دادن کارهای خانه) و چون وقت نماز فرا می رسید، برای ادای آن از خانه خارج می شد.^۳

۳۶۲- وعن تميم بن أسيد رضي الله عنه قال: انتهيت إلى رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وهو يخطب، فقلت: يا رسول الله، رجلٌ غريبٌ جاء يسأل عن دينه لا يدري ما دينه؟ فأقبل عليَّ رسولُ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وترك خطبته حتى انتهى إليَّ، فأتي بكُرسِيٍّ، فقعده عليه، وجعل يعلمني ممَّا علَّمه الله، ثم أتى خطبته، فأتمَّ آخرها. رواه مسلم.

۱- متفق عليه است: [خ (۶۲۴۷)، م (۲۱۶۸)].

۲- بخاری روایت کرده [۶۰۷۲].

۳- بخاری روایت کرده [۶۷۶].

۳۶۲. و از تمیم بن أسید رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله که خطبه می‌خواند، رفتم و گفتم: ای رسول خدا! مردی غریب است (هستم) و آمده است که از دینش سؤال می‌کند و نمی‌داند دین چگونه است! پیامبر صلی الله علیه و آله خطبه را قطع کرد و به من روی کرد و نزد من تشریف آورد، یک صندلی آوردند، ایشان بر آن نشست و از چیزهایی که خداوند به او تعلیم داده بود، به من آموخت، سپس به خطبه‌اش پرداخت و ادامه‌ی خطبه را تا پایان ایراد فرمود^۱.

۳۶۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «ما بعث الله نبيًّا إلا رعى الغنم» قال أصحابه: وأنت؟ فقال: «نعم كُنْتُ أَرْعَاهَا عَلَى قَرَارِيطَ لِأَهْلِ مَكَّةَ» رواه البخاري.

۳۶۳. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده مگر آن‌که پیامبر، گوسفند را شبانی کرده است»، اصحاب رضی الله عنهم گفتند: شما هم؟ فرمودند: «بله، من هم گوسفندان را برای اهل مکه در مقابل چند قیراط (یک دوازدهم درهم) مزد، شبانی می‌کردم»^۲.

۳۶۴- وعنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «لَوْ دُعِيتُ إِلَى كُرَاعٍ أَوْ ذِرَاعٍ لَأَجَبْتُ، وَلَوْ أُهْدِيَ إِلَيَّ ذِرَاعٌ أَوْ كُرَاعٌ لَقَبِلْتُ». رواه البخاري.

۳۶۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر مرا به پاچه یا ساق دست حیوانی دعوت کنند، قبول می‌کنم و اگر دست حیوان یا پاچه‌ای به من اهدا شود، می‌پذیرم»^۳.

۱- مسلم روایت کرده [(۸۷۶)].

۲- بخاری روایت کرده [(۲۲۶۲)].

۳- بخاری روایت کرده [(۲۵۶۸)].

۷۰- باب تحریم الکبر والإعجاب
باب تحریم تکبر و خودپسندی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ تِلْكَ الْأْدَارُ الْأَخْرَةُ حَجَعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا
وَالْعُقْبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴾ (القصص / ۸۳)

«ما آن سرای آخرت را تنها نصیب کسانی می‌نماییم که در زمین خواهان تکبر و برتری و فساد و تباهی نیستند و عاقبت از آن پرهیزگاران است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ﴾ (الإسراء / ۳۷)

«در زمین متکبرانه راه نرو».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴾ (لقمان / ۱۸)

«با تکبر و بی‌اعتنایی از مردم روی نگردان و مغرورانه در زمین راه نرو، چرا که خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ قُرُونًا كَانَتْ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُتُوبِ مَا
إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوزُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا
يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴾ إلى قوله تعالى: ﴿ لَحَسَفْنَا بِهِءَ وَبِدَارِهِ الْأَرْضُ ﴾

(القصص / ۷۶-۸۱)

«قارون از قوم موسی بود و (بر اثر دارایی زیاد) بر آنان دراز دستی کرد و تکبر ورزید، ما آن اندازه گنج به او داده بودیم که تنها حمل کلیدهای خزاین آن بر گروه پر زور و با قدرت سنگینی می کرد. وقتی که قوم او، به او گفتند: (از روی ناسپاسی و گردنکشی) شادمانی نکن که خداوند شادمانان (سرمست از غرور) را دوست ندارد». تا آنجا که می فرماید: «ما او و خانه اش را به زمین فرو بردیم».

۳۶۵- وعن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ» فَقَالَ رَجُلٌ: إِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ ثَوْبُهُ حَسَنًا، وَنَعْلُهُ حَسَنًا قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، الْكِبَرُ بَطْرُ الْحَقِّ وَغَمْطُ النَّاسِ» رواه مسلم.

بَطْرُ الْحَقِّ: دَفْعُهُ وَرُدُّهُ عَلَى قَائِلِهِ. وَغَمْطُ النَّاسِ: اخْتِقَارُهُمْ.

۳۶۵. و از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «کسی که به اندازه ی یک ذره تکبر و خودخواهی در قلبش باشد، داخل بهشت نمی شود»؛ شخصی گفت: مرد دوست دارد لباس و کفشش خوب و زیبا باشد؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «(کبر آن نیست، زیرا که) خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد؛ کبر، نپذیرفتن و گردنکشی و سرپیچی از حق و کوچک شمردن مردم است»^۱.

۳۶۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «الْعِزُّ إِزَارِي، وَالْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي، فَمَنْ يَنَازِعْنِي فِي وَاحِدٍ مِنْهُمَا فَقَدْ عَذَّبْتُهُ» رواه مسلم.

۳۶۶. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «خداوند - عز و جل - می فرماید: «عزت ازار من است و عظمت و بی نیازی، بالا پوش من و کسی که در یکی از این دو با من نزاع کند، او را عذاب می دهم»^۲.

۱- مسلم روایت کرده [(۹۱)].

۲- مسلم روایت کرده [(۲۶۲۰)].

۳۶۷- وعنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي فِي حُلَّةٍ تُعْجِبُهُ نَفْسُهُ، مُرَجِّلٌ رَأْسَهُ، يَخْتَالُ فِي مِشْيَتِهِ، إِذْ خَسَفَ اللَّهُ بِهِ، فَهُوَ يَتَجَلَّجَلُ فِي الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» متفقٌ عليه.

۳۶۷. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در اثنای آن که مردی در پوششی فاخر، با تکبر و خودفریفتگی و موهایی شانه زده و مرتب، راه می رفت و در راه رفتنش کبر می نمود، ناگهان خداوند او را در زمین فرو برد و او تا روز قیامت (به همین خسف دچار است و) پایین می رود»^۱.

۳۶۸- وعن سلمة بن الأكوع رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَذْهَبُ بِنَفْسِهِ حَتَّى يُكْتَبَ فِي الْجَبَّارِينَ، فَيُصِيبُهُ مَا أَصَابَهُمْ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۳۶۸. و از سلمه بن اکوع رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مرد (متکبر)، همواره خود را بالا می کشد و تکبر و خودخواهی را ادامه می دهد، تا این که جزو ظالمان نوشته می شود و آن گاه آنچه که آنان بدان گرفتارند، او نیز بدان گرفتار می گردد»^۲.
(به حدیث شماره: ۱۷۰ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است: [خ (۵۷۹۰)، م (۲۰۸۸)].

۲- ترمذی روایت کرده [(۲۰۰۱)] و گفته است: حدیثی حسن است.

۷۱- باب حسن الخلق
باب حسن خلق (نیکورفتاری)

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم / ۴)

«ای پیامبر ﷺ تو دارای خوبی سترگ (صفات پسندیده و نیک)

هستی».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالْكَافِرِينَ الْغِيَظُ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾ (آل عمران / ۱۳۴)

«کسانی که خشم خود را فرو می‌خورند و از مردم گذشت می‌کنند...».

۳۶۹- وعن أنسٍ رضي الله عنه قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا. متفق عليه.

۳۶۹. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ بهترین مردم از لحاظ اخلاق بود و زیباترین اخلاق را داشت.^۱

۳۷۰- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما قال: لم يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاحِشًا وَلَا مُتَفَحِّشًا. وَكَانَ يَقُولُ: «إِنَّ مِنْ خِيَارِكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا» متفق عليه.

۳۷۰. از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ بداخلاق و دشنام دهنده و بددهن نبود و می‌فرمودند: «به یقین از بهترین شما، کسی است که اخلاقش نیکوتر باشد».^۲

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۲۰۳)، م (۲۱۵۰)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۳۵۵۹)، م (۲۳۲۱)].

۳۷۱- وعن عائشة رضي الله عنها، قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُدرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ» رواه أبو داود.

۳۷۱. از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «مؤمن، با خوشرفتاری و حسن خلق خود، به درجه‌ی روزه‌دار شب زنده‌دار می‌رسد (کسی که روز، روزه و شب، به عبادت خدا ایستاده است)»^۱.

۳۷۲- وعن أبي أُمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَنَا زَعِيمٌ بِبَيْتٍ فِي رِضِّ الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا، وَبَيْتٍ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْكَذِبَ، وَإِنْ كَانَ مَارِحًا، وَبَيْتٍ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ لِمَنْ حَسَنَ خُلُقُهُ» حديث صحيح، رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۳۷۲. از ابوامامه‌ی باهلی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «من، ضامن خانه‌ای در اطراف بهشت برای کسی هستم که ستیز و دشمنی و خصومت و ناسازگاری را ترک کند، اگرچه در اختلاف و ستیزه حق به جانب او باشد. و ضامن خانه‌ای در وسط بهشت برای کسی هستم که دروغ را ترک کند، هر چند که به عنوان شوخی باشد و ضامن خانه‌ای در بالای بهشت برای شخصی هستم که خوش اخلاق باشد»^۲.

۳۷۳- وعن جابر رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ مِنْ أَحَبِّكُمْ إِلَيَّ، وَأَقْرَبَكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا. وَإِنَّ أَبْغَضَكُمْ إِلَيَّ وَأَبْعَدَكُمْ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، الثَّرَثَارُونَ وَالْمُتَشَدِّقُونَ وَالْمُتَفَيِّهُونَ» قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَدْ عَلِمْنَا الثَّرَثَارُونَ وَالْمُتَشَدِّقُونَ، فَمَا الْمُتَفَيِّهُونَ؟ قَالَ: «الْمُتَكَبِّرُونَ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۳۷۳. از جابر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «محبوب‌ترین کسان شما نزد من و نزدیک‌ترین شما به همنشینی من در روز قیامت، خوش اخلاق‌ترین شماست؛ و مبغوض‌ترین شما نزد من و دورترین شما در روز قیامت از من ثرثران

۱- ابوداود روایت کرده است [۴۷۹۷].

۲- حدیثی صحیح است که ابوداود [۴۸۰۰] به اسناد صحیح روایت کرده است.

و متشدقان و متفیهقان (: پرگویان متکلف و لافزنان و متظاهران و خودنمایان به فصاحت در کلام و کسانی که غلیظ سخن می‌گویند) هستند»، صحابه گفتند: ای رسول خدا! ثرثار و مشدق را می‌دانیم، متفیهقان چه کسانی هستند؟ فرمودند: «متکبرانند»^۱.

(به احادیث شماره: ۱۸۵، ۳۵۴ مراجعه شود).

۱- ترمذی روایت کرده [۲۰۱۹] و گفته است: حدیثی حسن است.

۷۲- باب الحلم والأناة والرفق

باب بردباری و درنگ کردن و شکیبایی و سازگاری

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾

(آل عمران / ۱۳۴)

«کسانی که خشم خود را فرو می‌خورند و از مردم گذشت می‌کنند (و بدین وسیله در صف نیکوکاران جایگزین می‌شوند) و خداوند (هم) نیکوکاران را دوست دارد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (الأعراف / ۱۹۹)

«عفو و گذشت داشته باش و به کار نیک امر کن و از نادانان چشم‌پوشی کن».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ

وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِنَهَا

إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ﴾ (فصلت / ۳۴-۳۵)

«نیکی و بدی یکسان نیست؛ (بدی را) با زیباترین شیوه پاسخ بده، نتیجه‌ی این کار آن خواهد شد که کسی که میان تو و او دشمنی است، به ناگاه همچون دوست مهربان صمیمی گردد. به این خوی نمی‌رسند و دارای آن نمی‌شوند، مگر کسانی که صبر و استقامت بورزند و به آن نمی‌رسند مگر کسانی که بهره‌ی بزرگی (از ایمان و ثواب و سعادت) داشته باشند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (الشوری ۴۳)

«و کسی که [با قدرت داشتن بر انتقام به اختیار خود] شکیبایی ورزد و [از انتقام] گذشت کند، بی تردید این از اموری است که ملازمت بر آن از کارهای استوار و ستوده است».

۳۷۴- وعن ابن عباس رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لأشج عبد القيس: «إِنَّ فِيكَ خَصْلَتَيْنِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ: الْحِلْمُ وَالْأَنَاءُ» رواه مسلم.

۳۷۴. و از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به «اشج عبد القیس» رضی الله عنه فرمودند: «در تو دو خصلت وجود دارد که خداوند آنها را دوست دارد: بردباری و تأنی کردن»^۱.

۳۷۵- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ» متفق عليه.

۳۷۵. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند مهربان است و نرمخویی و مهربانی را در تمام کارها دوست دارد»^۲.

۳۷۶- وعن عائشة رضي الله عنها أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِنَّ الرَّفْقَ لَا يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ، وَلَا يُنْزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ» رواه مسلم.

۳۷۶. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نرمخویی و میانه‌روی و سازگاری در هر کاری عملی شود، آن‌کار را آراسته و بهتر می‌کند و از هر چیزی جدا شود، آن چیز را معیوب می‌نماید»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۷].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۰۲۴)، م (۲۱۶۵)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۹۴].

۳۷۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: بَالَ أَعْرَابِيٌّ فِي الْمَسْجِدِ، فَقَامَ النَّاسُ إِلَيْهِ لِيَقْعُوا فِيهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: دَعُوهُ وَأَرِيقُوا عَلَى بَوْلِهِ سَجَلًا مِنْ مَاءٍ، أَوْ ذُنُوبًا مِنْ مَاءٍ، فَإِنَّمَا بُعِثْتُمْ مُيسَّرِينَ وَلَمْ تُبْعَثُوا مُعَسَّرِينَ» رواه البخاري.

۳۷۷. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: اعرابی ای (بادیه‌نشین) در مسجد ادرار کرد، مردم برخاستند که او را بزنند، که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: او را بگذارید (تا ادرارش را تمام کند) و یک سطل یا چند سطل آب بر محل ادرار او بریزید زیرا شما برانگیخته شده‌اید که آسان‌گیر باشید نه سخت‌گیر.^۱

۳۷۸- وعن أنس رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «يسرُّوا ولا تُعسِّروا، وبشِّروا ولا تُنفرُوا» متفقٌ عليه.

۳۷۸. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در دعوت و تبلیغ و معاشرت با مردم) آسان بگیرید و سخت نگیرید و (مردم را) خوشحال کنید و مژده بدهید و با روی باز بپذیرید و (آنها را) از خود نرانید و متنفر نسازید».^۲

۳۷۹- وعن جرير بن عبد الله رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ يُحَرِّمِ الرَّفْقَ يُحَرِّمِ الْخَيْرَ كُلَّهُ» رواه مسلم.

۳۷۹. و از جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هر کس از نرم‌خویی و مدارا محروم گردد، از تمام نیکی‌ها محروم می‌شود».^۳

۳۸۰- وعن أبي يعلى شَدَّاد بن أَوْسٍ رضي الله عنه، عن رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَةَ وَلْيُحِدِّ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ وَلْيُرِحْ ذَبِيحَتَهُ» رواه مسلم.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۲۲۰].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۹)، م (۱۷۳۴)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۹۲].

۳۸۰. و از ابویعلی شداد بن اوس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همانا خداوند در همه چیز و هر کاری نیکوکاری و احسان را برای شما مقرر داشته و فرض کرده است، پس وقتی (کافری را در جنگ یا شخص مستحق قصاصی را) کشتید، نیکو بکشید (با زجر و بریدن اعضا و شکنجه توأم نباشد) و وقتی حیوانی را ذبح کردید، نیکو ذبح کنید و باید هر کدام از شما چاقویش را تیز کند و حیوانش را که می‌خواهد ذبح کند، (زود) راحت کند و او را نیازارد»^۱.

۳۸۱- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: ما خيّر رسول الله صلى الله عليه وسلم بين أمرين قط إلا أخذ أيسرهما، ما لم يكن إثماً، فإن كان إثماً كان أبعد الناس منه. وما انتقم رسول الله صلى الله عليه وسلم لنفسه في شيء قط، إلا أن تنتهك حرمة الله، فينتقم لله تعالى. متفق عليه.

۳۸۱. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله در بین دو چیز (کار) مخیر می‌گردید، آسان‌ترین آنها را انتخاب می‌کرد، مادامی که گناه نبود و اگر گناه می‌بود، دورترین مردم از آن بود و نیز هیچ‌وقت در هیچ کاری برای خود انتقام نگرفت، مگر در کاری که حرمت حدود خدا شکسته می‌شد که در این صورت، به‌خاطر خدا انتقام می‌گرفت^۲.

۳۸۲- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ألا أخبركم بمن يحرم على النار أو بمن تحرم عليه النار؟ تحرم على كل قريب هين لين سهل». رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۳۸۲. از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا به شما خبر ندهم از کسی که بدن او بر آتش حرام است؟ - یا: از کسی که آتش دوزخ بر او

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۹۵۵)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۳۵۶۰)، م (۲۳۲۷)].

حرام است - آتش دوزخ، بر هر انسان مردمی، نرمخو، گشاده‌رو، آسانگیر و خوش‌برخوردی حرام است»^۱.

۱- ترمذی روایت کرده است؛ [۲۴۹۰] و گفته است: حدیثی حسن است.

۷۳- باب العفو والإعراض عن الجاهلین
باب عفو و گذشت و چشم‌پوشی از جاهلان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴾ (الأعراف / ۱۹۹)

«عفو و گذشت داشته باش و به کار نیک امر کن و از نادانان چشم‌پوشی کن».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴾ (الحجر / ۸۵)

«عفو کن و درگذر، عفو نیکو و پسندیده».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا ۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ﴾ (النور / ۲۲)

«باید عفو کنند و از دیگران درگذرند، مگر دوست ندارید که خداوند شما را بیامرزد؟!».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴾ (آل عمران / ۱۳۴)

«کسانی که از مردم گذشت می‌کنند (و بدین وسیله در صف نیکوکاران جایگزین می‌شوند) و خداوند (هم) نیکوکاران را دوست دارد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴾ (الشوری / ۴۳)

«کسی که شکیبایی کند و (از گناه دیگران) درگذرد، از زمره کارهای مطلوب است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ماندگار شد».

آیات در این مورد فراوان و معلوم است.

۳۸۳- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: ما ضَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَيْئًا قَطُّ بِيَدِهِ، وَلَا امْرَأَةً وَلَا خَادِمًا، إِلَّا أَنْ يُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَمَا نِيلَ مِنْهُ شَيْءٌ قَطُّ فَيَنْتَقِمَ مِنْ صَاحِبِهِ إِلَّا أَنْ يَنْتَهَكَ شَيْءٌ مِنْ مَحَارِمِ اللَّهِ تَعَالَى: فَيَنْتَقِمَ لِلَّهِ تَعَالَى. رواه مسلم.

۳۸۳. و از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز با دست خود چیزی یا زنی یا خدمتکاری را نزد، مگر در زمانی که در راه خدا جهاد می کرد و هرگز به خاطر ضرری که به او وارد شد، از صاحبش انتقام نگرفت، مگر این که چیزی از محارم (و حدود) خدا شکسته می شد که در آن صورت برای خدا انتقام می گرفت.^۱

۳۸۴- وعن أنس رضي الله عنه قال: كُنْتُ أَمْشِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِ بُرْدٌ نَجْرَانِي غُلِيطُ الْحَاشِيَةِ، فَأَدْرَكُهُ أَعْرَابِيٌّ، فَجَبَذَهُ بِرِدَائِهِ جَبَذَةً شَدِيدَةً، فَنَظَرْتُ إِلَى صَفْحَةِ عَاتِقِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَقَدْ أَثَرَتْ بِهَا حَاشِيَةُ الرِّدَاءِ مِنْ شِدَّةِ جَبَذَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! مُرْ لِي مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَكَ. فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ، فَضَحِكَ، ثُمَّ أَمَرَ لَهُ بِعَطَاءٍ. متفق عليه.

۳۸۴. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: من با پیامبر صلی الله علیه و آله راه می رفتم، ایشان ردایی نجرانی بر تن داشت که دارای حاشیه ای ضخیم بود، شخص بادیه نشینی به ایشان رسید و ردای پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفت و سخت کشید. به دور گردن مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله نگاه کردم، از شدت کشیدن، حاشیه ی ردا بر دور گردن ایشان اثر گذاشته بود؛ سپس گفت: ای محمد! امر کن از مال خدا که نزد توست، به من داده شود! پیامبر صلی الله علیه و آله به طرف او رو کرد و تبسم فرمود و دستور داد که چیزی به او ببخشند.^۲ (به حدیث شماره: ۳۱، ۳۳ مراجعه شود)

۱- مسلم روایت کرده است: [۲۳۲۸].

۲- متفق علیه است: [خ (۵۸۰۹)، م (۱۰۵۷)].

۷۴- باب احتمال الأذى
باب تحمل کردن آزارها

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾

(آل عمران / ۱۳۴)

«وکسانی که خشم خود را فرو می‌خورند و از مردم گذشت می‌کنند
(و بدین وسیله در صف نیکوکاران جایگزین می‌شوند) و خداوند
(هم) نیکوکاران را دوست دارد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾

(الشوری / ۴۳)

«کسی که شکیبایی کند و از گناه دیگران درگذرد، این از زمره‌ی
کارهای مطلوب است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ماندگار شد».
و از احادیث مربوط به موضوع این باب، احادیثی است که در باب قبل گذشت.

۳۸۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رجلاً قال: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ لِي قَرَابَةً أَصْلُهُمْ وَيَقْطَعُونِي، وَأُحْسِنُ إِلَيْهِمْ وَيُسِيئُونَ إِلَيَّ، وَأَحْلُمُ عَنْهُمْ وَيَجْهَلُونَ عَلَيَّ، فَقَالَ: «لَسِنَ كُنْتَ كَمَا قُلْتَ فَكَأَنَّمَا تُسِفُّهُمْ الْمَلَّ وَلَا يَزَالُ مَعَكَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى ظَهِيرٌ عَلَيْهِمْ مَا دُمْتَ عَلَى ذَلِكَ» رواه مسلم.

۳۸۵. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی (به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: ای رسول خدا! من خویشاوندانی دارم که نسبت به آنها صله‌ی رحم به جای می‌آورم، اما آنان نسبت به من قطع رحم می‌کنند؛ من با ایشان نیکی می‌کنم، اما آنها به من بدی می‌کنند؛ من در مقابل آنان بردباری و صبر می‌کنم، اما آنها نسبت به من ستم و بدخویی و بدگویی می‌کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «اگر تو چنین باشی که

می‌گویی، مثل این است که (با این کارت) خاکستر داغ به آنان می‌خورانی و پیوسته تا هنگامی که بر این روش باشی، پشتیبانی از جانب خدا و علیه آنان همراه تو خواهد بود»^۱.

(به حدیث شماره: ۳۱، ۳۳ مراجعه شود)

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۵۸].

۷۵- باب الغضب إذا انتهكت حرمت الشرع

والإنتصار لدين الله تعالى

باب خشم و غضب هنگام هتک حرمت احکام شریعت و یاری کردن دین خدا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ﴾ (الحج / ۳۰)

«و هر کس اوامر و نواهی خداوند را (در مراسم و امور مربوط به حج و جاهای دیگر) بزرگ و محترم دارد، نزد خدا چنین کاری برای او بهتر است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد / ۷)

«اگر خداوند را یاری کنید، او نیز شما را یاری می‌کند و قدم‌هایتان را ثابت و استوار می‌نماید».

۳۸۶- وعن أبي مسعود البدری رضي الله عنه قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: إِنِّي لَأَتَأَخَّرُ عَنْ صَلَاةِ الصُّبْحِ مِنْ أَجْلِ فَلَانٍ مِمَّا يُطِيلُ بِنَا، فَمَا رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَضِبَ فِي مَوْعِظَةٍ قَطُّ أَشَدَّ مِمَّا غَضِبَ يَوْمَئِذٍ، فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ مِنْكُمْ مُنْفَرِّينَ، فَأَيُّكُمْ أَمَّ النَّاسَ فَلْيُوجِزْ، فَإِنَّ مِنْ وَرَائِهِ الْكَبِيرَ وَالصَّغِيرَ وَذَا الْحَاجَةِ» متفق عليه.

۳۸۶. از ابومسعود بدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من، به خاطر فلان شخص، نماز صبح را به تأخیر می‌اندازم، از بس که او در امامتش نماز را طول می‌دهد (و ما را ننگه می‌دارد)! (ابومسعود می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی این سخن را شنید، چنان عصبانی شد که) من، هرگز ایشان را در هیچ موعظه‌ای به شدت عصبانیت آن روز ندیده بودم، و آن‌گاه فرمودند: «ای مردم!

بعضی از شما گریزاننده (ی مردم) و ایجاد کننده‌ی نفرت (در آنها) هستید؛ از این پس، هر کدام از شما، برای مردم امامت کرد، نمازش را کوتاه کند (و تنها به اندازه‌ای بماند که واجبات نمازش ترک نشود)، زیرا در پشت سر او، سالخورده و بچه و کسی که کار دارد، هست»^۱.

۳۸۷- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ سَفَرٍ، وَقَدْ سَتَرْتُ سَهْوَةً لِي بِقِرَامٍ فِيهِ تَمَائِيلٌ، فَلَمَّا رَأَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَتَكَهُ وَتَلَوْنَ وَجْهَهُ وَقَالَ: «يَا عَائِشَةُ! أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُضَاهَوْنَ بِخَلْقِ اللَّهِ» متفق عليه.

۳۸۷. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از سفری برگشتند در حالی که من یک طاقچه‌ی منزل را با پرده‌ای نازک که دارای صورت‌هایی بود، پوشانده بودم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که آن را دید، چهره‌ء مبارک شان دگرگون شد، شکل‌های آن را پاک کرده و فرمودند: «ای عایشه! شدیدترین عذاب را نزد خداوند در روز قیامت، کسانی دارند که به آفرینش خداوند تشبه می‌جویند (یعنی جانداران را ترسیم می‌کنند یا از روی آنها مجسمه می‌سازند)»^۲.
(به حدیث شماره: ۳۸۳ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۷۰۲)، م (۴۶۶)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۵۴)، م (۹۲)].

۷۶- باب أمر ولادة الأمور بالرفق برعاياهم ونصيحتهم والشفقة عليهم والنهي عن غشهم والتشديد عليهم وإهمال مصالحهم والغفلة عنهم وعن حوائجهم

باب امر به واليان و کارفرمایان به مدارا با زیردستان و
خیرخواهی نسبت به آنها و مهربانی با ایشان و نهی از
خیانت با ایشان و سختگیری بر آنان و سهل انگاری در
مصالح آنها و غفلت از آنان و احتیاجات ایشان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الشعراء / ۲۱۵)

«ای پیامبر ﷺ) بال (تواضع و فروتنی) خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، بگستران.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَنِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ
الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾

(النحل / ۹۰)

«خداوند به عدالت و نیکوکاری و نیز بخشش به نزدیکان دستور می دهد و از ارتکاب گناهان بزرگ و انجام کارهای ناشایست و دست درازی و ستمگری نهی می کند؛ خداوند شما را اندرز می دهد، تا این که پند بگیرید.»

۳۸۸- وعن مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرْعِيهِ اللَّهُ رَعِيَّةً، يَمُوتُ يَوْمَ يَمُوتُ وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ، إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ» متفقٌ عليه.

وفي روايةٍ لِلْمُسْلِمِ: «ما مِنْ أَمِيرٍ يَلِي أُمُورَ الْمُسْلِمِينَ، ثُمَّ لَا يَجْهَدُ لَهُمْ، وَيَنْصَحُ لَهُمْ، إِلَّا لَمْ يَدْخُلْ مَعَهُمُ الْجَنَّةَ».

۳۸۸. و از معقل بن یسار رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هر بنده‌ای که خداوند رعیتی (گروهی) را به او سپرده باشد و او روزی که می‌میرد در حالی بمیرد که نسبت به زیردستانش خیانت‌کار بوده است، قطعاً خداوند بهشت را بر او حرام می‌گرداند»^۱.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «هر امیری که امور مسلمانان را به دست بگیرد ولی برای (خیر و صلاح) ایشان نکوشد و نسبت به آنان دلسوزی و خیرخواهی نکند، با ایشان داخل بهشت نخواهد شد».

۳۸۹- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي بَيْتِي هَذَا: «اللَّهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَشَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشْقُقْ عَلَيْهِ، وَمَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَرَفَقَ بِهِمْ فَارْفُقْ بِهِ». رواه مسلم.

۳۸۹. از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که در همین خانه‌ی محل سکونت من می فرمودند: «بار خدایا، هر کس قسمتی از کار امت مرا بر عهده گرفت و با آنها سخت‌گیری نمود، بر او سخت بگیر و هر کس قسمتی از کار امت مرا بر عهده گرفت و با آنان مدارا کرد و سهل گرفت، تو هم بر او آسان بگیر»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۷۱۵۰)، م (۱۴۲)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۱۸۲۸].

۷۷- باب الوالی العادل

باب فرمانروای عادل

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (النحل / ۹۰)

«همانا خداوند به دادگری و نیکوکاری فرمان می‌دهد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (الحجرات / ۹)

«به دادگری رفتار نمایید، که خداوند دادگران را دوست دارد».

۳۹۰- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ الْمُقْسِطِينَ عِنْدَ اللَّهِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ: الَّذِينَ يَعْدِلُونَ فِي حُكْمِهِمْ وَأَهْلِيهِمْ وَمَا وَلُّوا» رواه مسلم.

۳۹۰. از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همانا دادگران و اهل قسط، نزد خدا بر منابری از نور قرار دارند، آن کسانی که در حکمشان و در میان خانواده‌ی خود و در آنچه که در تحت سرپرستی دارند، عدالت می‌ورزند»^۱.

۳۹۱- وَعَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «خِيَارُ أُمَّتِكُمُ الَّذِينَ تُحِبُّونَهُمْ وَيُحِبُّونَكُمْ، وَتُصَلُّونَ عَلَيْهِمْ وَيُصَلُّونَ عَلَيْكُمْ، وَشِرَارُ أُمَّتِكُمُ الَّذِينَ تُبْغِضُونَهُمْ وَيُبْغِضُونَكُمْ، وَتَلْعَنُونَهُمْ وَيَلْعَنُونَكُمْ» قَالَ: قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَلَا نُنَابِذُهُمْ؟ قَالَ: «لَا، مَا أَقَامُوا فِيكُمْ الصَّلَاةَ، لَا، مَا أَقَامُوا فِيكُمْ الصَّلَاةَ» مسلم.

۳۹۱. از عوف بن مالک رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «بهترین پیشوایان و رهبران شما، کسانی هستند که شما ایشان را

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۸۲۸].

دوست دارید و ایشان نیز شما را دوست دارند و شما برای آنان دعای خیر می‌کنید و ایشان نیز برای شما دعای خیر می‌کنند و بدترین پیشوایان شما، آنانی هستند که شما از ایشان متنفرید و ایشان نیز از شما تنفر دارند و شما ایشان را نفرین می‌کنید و ایشان نیز شما را نفرین می‌کنند»، عوف می‌گوید: عرض کردیم: آیا با اینان (حاکمان بد)، مبارزه و جنگ نکنیم، پیامبر ﷺ فرمودند: «نه، تا آن زمان که در میان شما نماز اقامه می‌کنند، نه، تا آن زمان که در میان شما نماز اقامه می‌کنند»^۱.

۳۹۲- وَعَنْ عِيَاضِ بْنِ حِمَارٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «أَهْلُ الْجَنَّةِ ثَلَاثَةٌ: ذُو سُلْطَانٍ مُقْسِطٌ مُوَفَّقٌ، وَرَجُلٌ رَحِيمٌ رَقِيقُ الْقَلْبِ لِكُلِّ ذِي قُرْبَى وَمُسْلِمٍ، وَغَفِيفٌ مُتَعَفِّفٌ ذُو عِيَالٍ» رواه مسلم.

۳۹۲. و از عیاض بن حمار رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمودند: «اهل بهشت سه گروه هستند: (۱) حاکم و صاحب قدرت دادگری که در امثال او امر خداوند و اجتناب از نواهی او موفق باشد؛ (۲) مرد مهربان و دلسوز نسبت به هر خویشاوند نزدیک و هر مسلمان؛ (۳) مرد عیالدار پاکدامن و خویشتندار با عزت»^۲.

(به حدیث شماره: ۲۴۳ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۸۵۵].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۸۶۵].

۷۸ - باب وجوب طاعة ولاة الأمور فی غیر معصیة و تحریم طاعتهم

فی المعصیة

باب وجوب اطاعت از والیان و فرمانروایان در امور شرع و
تحریم اطاعت آنان در غیر مشروع

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾

(النساء / ۵۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا (با پیروی از قرآن) و رسول (با تمسک به سنت او) و از فرمانروایان مسلمان خود (مادام که دادگر بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند) فرمانبرداری نمایید».

۳۹۳- وعن ابن عمر رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «عَلَى الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ فِيمَا أَحَبَّ وَكَرِهَ، إِلَّا أَنْ يُؤْمَرَ بِمَعْصِيَةٍ فَإِذَا أُمِرَ بِمَعْصِيَةٍ فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ» متفق عليه.

۳۹۳. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بر مسلمان، گوش دادن به فرمان و اطاعت فرمانروایان، در هر چه دوست دارد یا ندارد (خواه آن فرمان‌ها را بپسندد، خواه نپسندد) واجب است، مگر این که به گناهی (خلاف شرعی) امر شود که هر گاه به معصیت و گناه امر شود، دیگر هیچ گوش دادن و اطاعتی در کار او واجب نیست»^۱.

۳۹۴- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا، وَإِنْ اسْتُعْمِلَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ، كَأَنَّ رَأْسَهُ زَبِيَّةٌ» رواه البخاري.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۱۴۴)، م (۱۸۳۹)].

۳۹۴. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «گوش دهید و اطاعت کنید، هر چند بنده‌ای حبشی بر شما گماشته شده باشد که گویی سرش دانه کشمشی است (یعنی: هر چند کسی هم باشد که نسب یا قیافه‌اش، چنگی به دل نمی‌زند!)»^۱.

۳۹۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «عَلَيْكَ السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ فِي عُسْرِكَ وَيُسْرِكَ وَمُنْشَطِكَ وَمَكْرَهِكَ وَأَثَرَةٍ عَلَيْكَ» رواه مسلم.

۳۹۵. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «گوش دادن و فرمانبرداری (از فرمانروایان) در (هر کاری) بر تو سخت باشد یا آسان، دوست داشته باشی یا نداشته باشی و (حتی اگر) نسبت به تو تبعیض روا داشته شود و حقی که تو بر آنان داری، ادا نشود، واجب است»^۲.

۳۹۶- وعن ابن عباس رضي الله عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ كَرِهَ مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئاً فَلْيَصْبِرْ، فَإِنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ شِبراً مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» متفقٌ عليه.

۳۹۶. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس کاری (از کارهای) امیر خود را ناپسند دانست و منکر یافت، باید صبر و تحمل کند؛ زیرا کسی که از فرمان سلطان حتی به اندازه‌ی یک وجب خارج شود، به مرگ جاهلیت (یعنی گمراهی) مرده است»^۳.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۹۳].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۱۸۳۶].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۷۱۴۳)، م (۱۸۴۹)].

۷۹- باب النهی عن سؤال الإمارة واختیار ترک الولايات

إذا لم يتعين عليه أو تدع حاجة إليه

**باب نهی از طلب مقام و حکم‌داری و بهتر بودن ترک
مسئولیت‌ها (برای انسان) اگر او را انتخاب نکرده باشند، یا
نیازی به او نباشد**

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ جَعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا ۚ

وَالْعَنَقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴾ (القصص / ۸۳)

«ما آن سرای آخرت را تنها نصیب کسانی می‌نماییم که در زمین
خواهان تکبر و برتری و فساد و تباهی نیستند و عاقبت از آن
پرهیزگاران است».

۳۹۷- وعن عبد الرحمن بن سمره رضي الله عنه، قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم: «يا عبد الرحمن بن سمره! لا تسأل الإمارة، فإنك إن أُعطيَتْها عن غير مسألة أُعنتَ عليها، وإن أُعطيَتْها عن مسألة وُكِلتَ إليها، وإذا خلقتَ على يمينٍ، فرأيتَ غيرها خيراً منها، فأنت الذي هو خيرٌ، وكفّر عن يمينك» متفق عليه.

۳۹۷. از عبدالرحمن بن سمره رضي الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم به من فرمودند: «ای عبدالرحمن بن سمره! خواستار حکومت نشو، زیرا اگر بدون خواست خودت به تو داده شود، در آن از جانب خدا یاری می‌شوی و اگر به خواست و تقاضای خودت به تو داده شود، به تو واگذار می‌شود (بدون کمک و یاری خداوند و در آن رها و تنها خواهی شد) و اگر بر انجام دادن کاری سوگند خوردی و سپس

کاری غیر از آن را، بهتر از آن دیدی، کار بهتر را انجام بده و برای سوگندت کفاره بپرداز»^۱.

۳۹۸- وعن أبي ذر رضي الله عنه قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم: «يا أبا ذر! أراك ضعيفاً، وإنني أحبُّ لك ما أحبُّ لنفسي، لا تأمرنَّ على اثنين ولا تولين مال يتيم» رواه مسلم.

۳۹۸. از ابوذر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای اباذر! من ترا ناتوان می بینم، و من برایت دوست دارم آنچه را که برای خویش دوست می دارم، بر دو نفر امیر مشو، و سرپرستی مال یتیم را بر دوش مگیر».

۳۹۹- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إنكم ستخرون على الإمارة، وستكون ندامة يوم القيامة» رواه البخاري.

۳۹۹. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شما بر تصدی امر ولایت و حکومت حرص خواهید ورزید و همان (تصدی امر)، در روز قیامت، موجب پشیمانی (شما) می شود»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸۲۶)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۷۱۴۸)].

۸۰- باب حَتَّ السُّلْطَانُ وَالْقَاضِي وَغَيْرُهُمَا مِنْ وِلَاةِ الْأُمُورِ عَلَى اتِّخَاذِ
وَزِيرٍ صَالِحٍ وَتَحْذِيرِهِمْ مِنْ قِرْنَاءِ السُّوءِ وَالْقَبُولِ مِنْهُمْ
باب تشویق فرمانروایان و قاضی و غیر ایشان از والیان بر
انتخاب وزیر صالح و تحذیر آنها از همنشینان بد و از قبول
انتخاب آنان به همکاری

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾ (الزخرف / ۶۷)

«دوستان، در آن روز، بعضی از ایشان، دشمن بعضی دیگرند، مگر
پرهیزگاران».

۴۰۰- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا أَرَادَ
اللَّهُ بِالْأَمِيرِ خَيْرًا، جَعَلَ لَهُ وَزِيرَ صِدْقٍ، إِنْ نَسِيَ ذِكْرَهُ، وَإِنْ ذَكَرَ أَعَانَهُ، وَإِذَا أَرَادَ بِهِ غَيْرَ ذَلِكَ
جَعَلَ لَهُ وَزِيرَ سُوءٍ، إِنْ نَسِيَ لَمْ يُذَكِّرْهُ، وَإِنْ ذَكَرَ لَمْ يُعْنَهُ». رواه أبو داود بإسناد جيد على
شرط مسلم.

۴۰۰. از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند
هر گاه خیر و خوشبختی حاکم را بخواهد، برای او وزیری درستکار و راست‌کردار
قرار می‌دهد که اگر حاکم (حق را) فراموش کرد، به او یادآوری نماید و اگر خود
حاکم (حق را) به یاد آورد، او را بر انجام دادن آن یاری دهد؛ و هر گاه غیر آن را
برای او بخواهد، برای او وزیری ناباب قرار می‌دهد که اگر حاکم (حق را) فراموش
کرد، به او تذکر ندهد و اگر خود حاکم (حق را) به یاد آورد، او را بر انجام دادن
آن یاری نکند».

۸۱- باب النهی عن تولیة الإمارة والقضاء وغيرهما من الولايات لمن سألها

أو حرص عليها فعرض بها

**باب نهی از تحویل دادن امارت و قضاوت و غیر آن از
ریاست‌ها به کسی که خود آن را خواستار شود یا بر آن حرص
بورزد و به کنایه آن را بخواهد**

۴۰۱- عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: دخلتُ على النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا وَرَجُلَانِ مِنْ بَنِي عَمِّي، فَقَالَ أَحَدُهُمَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَمَرْنَا عَلَى بَعْضِ مَا وَلَّاكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَقَالَ الْآخَرُ مِثْلَ ذَلِكَ، فَقَالَ: «إِنَّا وَاللَّهِ لَا نُؤَلِّي هَذَا الْعَمَلَ أَحَدًا سَأَلَهُ، أَوْ أَحَدًا حَرَصَ عَلَيْهِ».

۴۰۱. از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: من و دو مرد از پسرعموهایم به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتیم، یکی از آنها گفت: ای رسول خدا! ما را بر بعضی از آنچه که خداوند مسئولیتش را به تو عطا کرده است، بر گمار و مشغول کن و دیگری نیز چنان گفت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به خدا سوگند، ما کسی را که خودش این عمل (امارت و حکمداری) را درخواست کند یا کسی را که بر (بدست آوردن) آن حرص بورزد، مسؤول و سرپرست آن نمی‌کنیم»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۷۱۴۹)، م (۱۷۳۳)].

بخش دوم

کتاب ادب

۸۲- باب الحياء وفضله والحث على التخلق به
باب حیا و فضیلت آن و تشویق بر تخلق بدان

۴۰۲- وعن عُمَرَ بْنِ حُصَيْنٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْحَيَاءُ لَا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ» متفق عليه.

۴۰۲. از عمران بن حصین رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «حیا جز خیر و سعادت، چیز دیگری به دنبال ندارد»^۱.
(به حدیث شماره: ۸۰ مراجعه شود)

۸۳- باب حفظ السر
باب حفظ سرّ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَاتِبٌ مَسْئُولًا﴾ (الاسراء / ۳۴)

«به عهد و پیمان خود وفا کنید، چرا که (روز قیامت)، عهد و پیمان مورد پرسش است».

۴۰۳- وعن أبي سعيد الخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ مِنْ أَشَرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّجُلُ يُفْضِي إِلَى الْمَرْأَةِ وَتُفْضِي إِلَيْهِ ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا» رواه مسلم.

۴۰۳. و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «صاحب بدترین منزلت از مردم در نزد خدا در روز قیامت، مردی است که با زنش

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۱۷۷)، م (۳۷)].

همبستر می شود و زنش با او همبستر می شود و آن گاه سر زن را فاش می کند»^۱.

۴۰۴- وعن ثابتٍ عن أنس، رضي الله عنه قال: أتى عليَّ رسولُ الله صَلَّى الله عليه وسلَّم وأنا ألعبُ مع الغلمانِ، فسَلَّمَ عَلَيْنَا، فَبَعَثَنِي فِي حَاجَةٍ، فَأَبْطَأْتُ عَلَى أُمِّي، فَلَمَّا جِئْتُ قَالَتْ: مَا حَبَسَكَ؟ فَقُلْتُ: بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِحَاجَةٍ، قَالَتْ: مَا حَاجَتُهُ؟ قُلْتُ: إِنَّهَا سُرٌّ. قَالَتْ: لَا تُخْبِرَنَّ بِسِرِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَدًا. قَالَ أَنَسٌ: وَاللَّهِ لَوْ حَدَّثْتُ بِهِ أَحَدًا لَحَدَّثْتُكَ بِهِ يَا ثَابِتُ. رواه مسلم. وروى البخاري بَعْضُهُ مُخْتَصَرًا.

۴۰۴. و از ثابت از انس رضی الله عنه روایت شده است که انس گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله بر من وارد شد در حالی که من با پسران (همسالم) بازی می کردم^۲، بر ما سلام کرد و مرا به دنبال کاری فرستاد و به همین علت تأخیر کردم و دیر به نزد مادرم برگشتم، وقتی برگشتم، مادرم گفت: چه چیز موجب تأخیر تو گردید؟ گفتم: پیامبر صلی الله علیه و آله مرا به دنبال کاری فرستاد، گفت: کارش چه بود، گفتم: آن سری است، مادرم گفت: سر پیامبر صلی الله علیه و آله را هرگز به هیچ کس نگو. (ثابت می گوید که) انس رضی الله عنه (به من) گفت: ای ثابت! به خدا سوگند، اگر برای کسی می گفتم، برای تو نیز گفته بودم^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۴۳۷)].

۲- انس بن مالک انصاری، صحابی و ده سال خادم پیامبر صلی الله علیه و آله بود، وی در زمان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله حدود ۲۲ سال داشت - ویراستاران.

۳- مسلم [(۲۴۸۲)] روایت کرده و بخاری [(۶۲۸۹)] نیز بعضی از آن را روایت کرده است.

۸۴- باب الوفاء بالعهد وإنجاز الوعد

باب وفا به وعده و بر آوردن آن

قال الله تعالى:

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَرِهَ مَسْئُولًا﴾ (الإسراء / ۳۴)

«به عهد و پیمان خود وفا کنید، چرا که (روز قیامت)، عهد و پیمان مورد پرسش است».

وقال تعالى:

﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ﴾ (النحل / ۹۱)

«به پیمان خدا (که با همدیگر می‌بندید) وفا کنید، هر گاه که بستید».

وقال تعالى:

﴿يَتَذَكَّرُ الَّذِينَ آمَنُوا وَأَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (المائدة / ۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها و قراردادها وفا کنید».

وقال تعالى:

﴿يَتَذَكَّرُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ۚ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ

أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (الصف / ۲-۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی را می‌گویید که خود به آن عمل نمی‌کنید؟ این که چیزی را بگویید که خود به آن عمل نمی‌کنید، گناهی بسیار بزرگ و موجب خشم عظیم خداوند است».

۴۰۵- عن أبي هريرة رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ» متفق عليه.

زاد فی روایۃ لمسلم: «وَإِنْ صَامَ صَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ».

۴۰۵. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نشانه‌ی منافق (و نفاق) سه چیز است: ۱. هنگامی که صحبت کند، دروغ می‌گوید؛ ۲. هنگامی که وعده‌ای دهد، به آن وفا نمی‌کند؛ هنگامی که چیزی را به‌عنوان امانت به او بسپارند، در آن خیانت می‌کند»^۱.

در روایت مسلم این را اضافه دارد: (هر کس این سه صفت را داشته باشد، منافق است)، هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند یا گمان کند که مسلمان است.

۴۰۶- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا. وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدْعَهَا: إِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ، وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ، وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ» متفق عليه.

۴۰۶. و از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چهار خصلت هست که در هر کس وجود داشته باشند، او منافقی خالص است و هر کس یکی از خصایل در او باشد، خصلتی از نفاق را دارد تا وقتی که آن را ترک کند: (۱) وقتی که امانتی به او سپرده شود، در آن خیانت می‌کند؛ (۲) وقتی که حرف می‌زند، دروغ می‌گوید؛ (۳) هرگاه پیمانی ببندد، عهدشکنی می‌کند؛ (۴) هرگاه با کسی دشمنی و دعوا کند، از حق و حد می‌گذرد و حرف زشت می‌زند و دشنام می‌دهد»^۲.

۱- متفق علیه است: [خ (۲۳)، م (۵۹)].

۲- متفق علیه است: [خ (۲۶۸۳)، م (۲۳۱۴)].

۸۵- باب المحافظة على ما اعتاده من الخير
باب امر به محافظت بر عادات و روش های نیکوی خود

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (الرعد / ۱۱)
«خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَظَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا﴾ (النحل / ۹۲)
«مانند آن زنی نباشید که (به سبب دیوانگی، پشم های) رشته ی خود را بعد از تابیدن از هم باز می کرد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ﴾ (الحديد / ۱۶)
«و همچون کسانی نشوید که برای آنان قبلاً کتاب فرستاده شد و سپس زمانی طولانی بر آنان سپری گشته و آن گاه، دل هایشان سخت شد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا﴾ (الحديد / ۲۷)
«اما (مسیحیان) آن (رهبانیتی که خود ابداع کرده بودند) را چنانکه باید، رعایت نکردند».

(به حدیث شماره: ۱۰۳ مراجعه شود)

۸۶- باب استحباب طیب الکلام وطلاقة الوجه عند اللقاء
باب مستحب بودن خوشزبانی و خوشرویی در هنگام برخورد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (الحجر / ۸۸)

«برای مؤمنان بال (تواضع و مهربانی) را بگستران.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران / ۱۵۹)

«(ای پیامبر ﷺ!) اگر تو درشتخوی و سنگدل بودی، از پیرامون تو پراکنده می شدند.»

۴۰۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «والكلمة الطيبة صدقة» متفق عليه.

۴۰۷- و از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «سخن نیکو گفتن صدقه است.»

(حدیث شماره: ۷۷، ۹۱ مراجعه شود).

۸۷- باب استحباب بیان الکلام وإيضاحه للمخاطب وتكريره ليفهم إذا

لم يفهم إلا بذلك

باب استحباب روشنی کلام و واضح ساختن آن برای
مخاطب و تکرار آن تا او بفهمد، اگر جز به تکرار نفهمد

۴۰۸- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كَانَ كَلَامُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَلَامًا فَصْلًا يَفْهَمُهُ كُلُّ مَنْ يَسْمَعُهُ. رواه أبو داود.

۴۰۸. و از حضرت عایشه رضی اللہ عنہا روایت شده است که فرمود: سخن پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم سخنی روشن و آشکار بود که هر کس آن را می شنید، می فهمید.^۱

۴۰۹- عن أنس رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَعَادَهَا ثَلَاثًا حَتَّى تُفْهَمَ عَنْهُ، وَإِذَا أَتَى عَلَى قَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ سَلَّمَ عَلَيْهِمْ ثَلَاثًا. رواه البخاري.

۴۰۹. و از انس رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم هر گاه سخنی می فرمود، (اگر مقام و حال ایجاب می کرد) سه بار آن را تکرار می فرمود تا از او فهمیده شود و هر گاه بر عده ای وارد می شد و بر آنان سلام می کرد، سه بار سلام می فرمود (به خاطر کثرت حضار یا احتمال غفلت و نشنیدن آنها).^۲

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [(۴۸۳۹)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۹۴)].

۸۸- الوعظ والاقتصاد فيه
باب موعظه و میانه روی در آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ (النحل / ۱۲۵)

«ای پیامبر ﷺ! مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهای نیکو و زیبا، به راه پروردگارت فرا خوان.»

۴۱۰- وعن شَقِيقِ بْنِ سَلَمَةَ قَالَ: كَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يُدَكِّرُنَا فِي كُلِّ خَمِيسٍ مَرَّةً، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ! لَوَدِدْتُ أَنَّكَ ذَكَّرْتَنَا كُلَّ يَوْمٍ، فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ يَمْنَعُنِي مِنْ ذَلِكَ أَنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَمْلِكُكُمْ وَإِنِّي أَتَخَوَّلُكُمْ بِالْمَوْعِظَةِ، كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَخَوَّلُنَا بِهَا مَخَافَةَ السَّامَةِ عَلَيْنَا. متفقٌ عليه.

۴۱۰. و از شقیق بن سلمه رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: ابن مسعود رضی الله عنه هر پنجشنبه یک بار ما را موعظه می گفت و پند و اندرز می داد، مردی به او گفت: ای ابوعبدالرحمن! دوست دارم که هر روز ما را پند و اندرز دهی، گفت: چیزی که مرا از این کار منع می کند، این است که من دوست ندارم که شما را خسته و ملول کنم و حال شما را در هنگام موعظه در نظر دارم (طوری موعظه می کنم که بی حوصله و خسته نشوید)، چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله در موعظه، همیشه حال ما را رعایت می فرمود، مبادا که ما خسته و ملول شویم.^۱

۴۱۱- وعن عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ طُولَ صَلَاةِ الرَّجُلِ، وَقِصَرَ خُطْبَتِهِ، مِثْنَةٌ مِنْ فِقْهِهِ، فَأَطِيلُوا الصَّلَاةَ، وَأَقْصِرُوا الْخُطْبَةَ» رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۷۰)، م (۲۸۲۱)].

۴۱۱. و از عمار بن یاسر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «طول نماز شخص و کوتاهی خطبه‌ی او، علامت دانایی و اطلاع او در دین است، پس نماز را طول دهید و خطبه را کوتاه کنید»^۱.

۴۱۲- وعن معاوية بن الحكم السلمي - رضي الله عنه -، قال: بينا أنا أصلي مع رسول الله صلى الله عليه وسلم، إذ عطس رجل من القوم، فقلت: يرحمك الله، فرماني القوم بأبصارهم! فقلت: واثكل أمياه، ما شأنكم تنظرون إلي؟! فجعلوا يضربون بأيديهم على أفخاذهم! فلما رأيتهم يصمتونني لكتي سكّت، فلما صلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، فبأي هو وأمي، ما رأيت معلماً قبله ولا بعده أحسن تعليماً منه، فوالله ما كهرني، ولا ضربني، ولا شتمني. قال: «إن هذه الصلاة لا يصلح فيها شيء من كلام الناس، إنما هي التسبيح والتكبير، وقراءة القرآن»، أو كما قال رسول الله صلى الله عليه وسلم. قلت: يا رسول الله، إنني حديث عهد بجاهلية، وقد جاء الله بالإسلام، وإن من رجال يأتون الكهان؟ قال: «فلا تأتاهم» قلت: ومن رجال يتطيّرون؟ قال: «ذاك شيء يجدونه في صدورهم، فلا يصدّونهم». رواه مسلم.

۴۱۲. و از معاویه بن حکم سلمی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: یکبار وقتی که من با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می خواندم، ناگهان مردی از جماعت عطسه کرد، گفتم: یرحمک الله (خداوند بر تو رحمت کند)! و ناگاه همه‌ی جماعت، به من چشم دوختند، گفتم: مادر من مصیبت من نشیند! به چه منظور به من نگاه می کنید؟ آنها دست‌های خود را بر روی زانوهای خود زدند، وقتی ایشان را دیدم که مرا به سکوت وامی دارند، (عصبانی شدم)، اما سکوت کردم؛ هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را تمام کرد - پدر و مادر من فدای او باد! - که هیچ معلمی را ندیدم نه پیش از او و نه بعد از او که از لحاظ آموزش و تعلیم، از او بهتر باشد، به خدا سوگند، نه به نظر خشم به من نگاه کرد و نه مرا زد و نه به من بد گفت؛ (بلکه) فرمودند: «در این نماز، گفتن چیزی از سخن (عادی) مردم درست نیست، زیرا که نماز، جز تسبیح و تکبیر و قرائت قرآن چیزی نیست»، یا چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند. گفتم: ای رسول خدا! من، زمانم به جاهلیت نزدیک است و تازه مسلمان شده‌ام و اینک خداوند

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۸۶۹].

اسلام را نازل کرده است؛ در میان ما کسانی هستند که پیش کاهنان می‌روند (حکمشان چیست؟ پیش آنها بروم یا نه)، فرمودند: «تو نزد آنها نرو»، گفتم: و در میان ما اشخاصی هستند که فال می‌گیرند؟ فرمودند: «آن چیزی (وسوسه‌ای) است که در سینه‌های خویش می‌یابند و آنها را از هیچ شری منع نمی‌کند (فایده‌ای برایشان ندارد)»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۳۷)].

۸۹- باب الوقار والسکینه
باب در فضیلت وقار و سکینه (متانت و آرامش)

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ
الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ (الفرقان / ۶۳)

«بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و
بی تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب
سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با
بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند)».

۴۱۳- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مُسْتَجْمِعًا قَطُّ ضَاحِكًا حَتَّى تُرَى مِنْهُ لَهَوَاتُهُ، إِنَّمَا كَانَ يَتَبَسَّمُ. متفق عليه.

۴۱۳. از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: هرگز پیامبر صلی الله علیه و آله را
ندیدم که با تمام ظرفیت (و) آنچنان که زبان کوچک (داخل دهان) ایشان دیده
شود، بخندد، (بلکه) ایشان (در موقع خنده)، فقط تبسم می‌فرمود^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۴۲۸)، م (۸۹۹)].

۹۰- باب النذب إلى إتيان الصلاة والعلم ونحوهما من العبادات

بالسكينة والوقار

باب تشویق به آرامش و متانت در رفتن به نماز و آموختن و
نیز عبادت‌های مانند آنها

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَمَنْ يُعْظِمِ شَعْبِيرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (الحج / ۳۲)

«هر کس شعائر و برنامه‌های الهی را بزرگ و محترم دارد، یقیناً
(بزرگداشت) آنها از پرهیزگاری دل‌هاست».

۴۱۴- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، فَلَا تَأْتُوهَا وَأَنْتُمْ تَسْعَوْنَ، وَأَنْتُمْ تَمَشُونَ، وَعَلَيْكُمْ السَّكِينَةُ، فَمَا أَدْرَكْتُمْ فَصَلُّوا، وَمَا فَاتَكُمْ فَأَتِمُّوا» متفق عليه.

۴۱۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هر گاه نماز بر پا شد، با عجله و دویدن به سوی آن نروید، بلکه به شیوه‌ی راه رفتن (و با وقار مؤدبانه) بروید و در آن شرکت کنید و متانت و آرامش را رعایت کنید؛ آن‌گاه به هر مقدار از جماعت که رسیدید، آن را بخوانید و هر مقدار از جماعت که بر شما فوت شد و نرسیدید، آن را تمام کنید»^۱.

۴۱۵- وعن ابن عباس رضي الله عنهما أَنَّهُ دَفَعَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ عَرَفَةَ فَسَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَاءَهُ زَجْرًا شَدِيدًا وَضَرْبًا وَصَوْتًا لِلَّيْلِ، فَأَشَارَ بِسَوْطِهِ إِلَيْهِمْ وَقَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ! عَلَيْكُمْ بِالسَّكِينَةِ فَإِنَّ الْبِرَّ لَيْسَ بِالْإِضْطَاعِ» رواه البخاري.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۹۰۸)، م (۶۰۲)].

۴۱۵. از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: او «روز عرفه» با پیامبر صلی الله علیه و آله از «صحرای عرفات» خارج شد که پیامبر صلی الله علیه و آله صداهای بلند (مردم در) هی کردن و زدن شترها و ناله‌ی شترها را در پشت سرش شنید و با تازیانه‌اش به آنها اشاره کردند و فرمودند: «ای مردم! (در آمدن) متانت و وقار را پیشه و ملازمت کنید، زیرا طاعت و نیکی به تند رفتن و سرعت نیست»^۱.

۱- بخاری [۱۶۷۱] روایت کرده و مسلم [۱۲۸۲] نیز بعضی از آن را روایت کرده است.

۹۱- باب إكرام الضيف

باب احترام مهمان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٤﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٢٥﴾ فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿٢٦﴾ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴾
(الذاريات / ٢٤-٢٧)

«ای پیامبر ﷺ! آیا خبر مهمانان بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ وقتی که وارد شدند و گفتند: سلام! گفت: سلام بر شما! مردمان ناآشنا و ناشناسی هستید و به دنبال آن، پنهانی به سوی خانواده‌ی خود رفت و گوساله‌ی (بریان) فربه‌ی را آورد و آن را به ایشان نزدیک کرد و گفت: آیا نمی‌خورید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ ﴿٧٦﴾ قَالَ يَتَقَوَّمُ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَحْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ ﴾
(هود / ٧٨)

«قوم لوط شتابان به سوی لوط آمدند و آنان، از پیش از آن، اعمال زشت و پلشتی انجام می‌دادند؛ (لوط) به آنها گفت: ای قوم من! این‌ها دختران من هستند و برای شما پاکیزه‌ترند، پس از خدا بترسید و در مورد مهمانانم مرا خوار و رسوا نکنید؛ آیا در میان شما مرد رهیافته و صالح راهنمایی، یافته نمی‌شود؟!»

۴۱۶- وعن أبي شريح خويلد بن عمرو الخزاعي رضي الله عنه قال: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى الله عليه وسلم يقول: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ جَائِزَتَهُ» قَالُوا: وما جَائِزَتُهُ يا رسولَ الله؟ قال: «يَوْمُهُ وَلَيْلَتُهُ. وَالضَّيَافَةُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ، فَمَا كَانَ وَرَاءَ ذَلِكَ فَهُوَ صَدَقَةً» متفقٌ عليه.

وفي روايةٍ لمسلم: «لا يَجِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يُقِيمَ عِنْدَ أَخِيهِ حَتَّى يُؤْتِمَهُ» قالوا: يا رسولَ الله. وَكَيْفَ يُؤْتِمُهُ؟ قال: «يُقِيمُ عِنْدَهُ وَلَا شَيْءَ لَهُ يَقْرِيهِ بِهِ».

۴۱۶. از ابوشریح خویلد بن عمرو خزاعی رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم که می فرمودند: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به مهمانش احترام بگذارد در مدت جایز آن»، گفتند: ای رسول خدا! مدت جواز مهمان چیست؟ فرمودند: «یک روز و یک شب ماندن اوست. و مهمانی، سه روز است و بالاتر یا بیشتر از آن، برای صاحب خانه، صدقه و احسان است»^۱.

و در روایتی از مسلم آمده که: «روا نیست برای هیچ مسلمانی که نزد برادرش اقامت کند، تا حدی که او را گنهکار سازد.» گفتند: یا رسول الله! چگونه برادرش را گنهکار می کند؟ فرمودند: «در نزدش می ماند در حالیکه نزد او چیزی وجود ندارد که بدان مهمانداری او را بجای آورد».

(به حدیث شماره: ۲۰۴ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۱۳۵)، م (۱۳۵۲/۳)].

۹۲- باب استحباب التبشیر والتهنئة بالخیر

باب استحباب مؤده دادن و تبریک گفتن مسائل خیر و نیک

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ ۖ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۚ﴾

(الزمر / ۱۷-۱۸)

«ای پیامبر ﷺ! مؤده بده به بندگانم، آن کسانی که به (همه‌ی) سخنان گوش فرا می‌دهند و از نیکوترین و بهترین آنها پیروی می‌کنند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ﴾

(التوبة / ۲۱)

«پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش)، و باغهایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن، نعمتهای جاودانه دارند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾

(فصلت / ۳۰)

«شما را بشارت باد به بهشتی که به شما وعده داده می‌شد!».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَبَشِّرْنَهُ بِلِغْلَمٍ حَلِيمٍ﴾

(الصفات / ۱۰۱)

«ما او (ابراهیم) را به پسری بردبار و خردمند مؤده دادیم».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ﴾ (هود / ۶۹)

«فرستادگان ما، همراه با مژدگانی، به پیش ابراهیم آمدند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَلَبَسَ رَنَّهَُا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبُ﴾

(هود / ۷۱)

«و همسر ابراهیم، ایستاده بود و خندید، ما به او مژده‌ی (تولد) اسحاق و به دنبال وی یعقوب را دادیم».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمَحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ﴾

(آل عمران / ۳۹)

«(زکریا) در حالی که در عبادتگاه به نیایش ایستاده بود، فرشتگان او را ندا در دادند که خداوند تو را به یحیی مژده می‌دهد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَمْرَأَتُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ﴾

(آل عمران / ۴۵)

«آن‌گاه فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای از خود که نامش (عیسی) مسیح است، مژده می‌دهد».

آیات در این مورد فراوان و معلوم است.

۴۱۷- وعن عبد الله بن أبي أوفى رضي الله عنه أنَّ رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَشَّرَ خَدِيجَةَ، رضي الله عنها، بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ، لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ. متفقٌ عليه.

۴۱۷. و از عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله ام‌المؤمنین خدیجه رضی الله عنها را به خانه‌ای از مروارید مجوف در بهشت مژده داد که هیچ ناله و فریاد و خستگی و رنجی، در آن یافت نمی‌شود.^۱

۴۱۸- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه، أَنَّهُ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ، ثُمَّ خَرَجَ فَقَالَ: لَأُزِمَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَأَكُونَنَّ مَعَهُ يَوْمِي هَذَا، فَجَاءَ الْمَسْجِدَ، فَسَأَلَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوا: وَجَّهْ هَهُنَا، قَالَ: فَخَرَجْتُ عَلَى أَثَرِهِ أَسْأَلُ عَنْهُ، حَتَّى دَخَلَ بَيْتَ أَرِيْسٍ فَجَلَسْتُ عِنْدَ الْبَابِ حَتَّى قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَاجَتَهُ وَتَوَضَّأَ، فَقُمْتُ إِلَيْهِ، فَإِذَا هُوَ قَدْ جَلَسَ عَلَى بَيْتِ أَرِيْسٍ، وَتَوَسَّطَ قُفَّهَا، وَكَشَفَ عَنْ سَاقَيْهِ وَدَلَّاهُمَا فِي الْبَيْتِ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ انْصَرَفْتُ. فَجَلَسْتُ عِنْدَ الْبَابِ فَقُلْتُ: لَأَكُونَنَّ بَوَّابَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْيَوْمَ.

فَجَاءَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَدَفَعَ الْبَابَ فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا؟ فَقَالَ: أَبُو بَكْرٍ، فَقُلْتُ: عَلَى رِسْلِكَ، ثُمَّ ذَهَبْتُ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَذَا أَبُو بَكْرٍ يَسْتَأْذِنُ، فَقَالَ: «أَنْذَنْ لَهُ وَيَشْرُهُ بِالْجَنَّةِ» فَأَقْبَلْتُ حَتَّى قُلْتُ لِأَبِي بَكْرٍ: ادْخُلْ وَرَسُولُ اللَّهِ يُبَشِّرُكَ بِالْجَنَّةِ، فَدَخَلَ أَبُو بَكْرٍ حَتَّى جَلَسَ عَنِ يَمِينِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَعَهُ فِي الْقُفِّ، وَدَلَّى رِجْلَيْهِ فِي الْبَيْتِ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَشَفَ عَنْ سَاقَيْهِ، ثُمَّ رَجَعْتُ وَجَلَسْتُ، وَقَدْ تَرَكْتُ أُحْيِي تَتَوَضَّأُ وَيَلْحَقْنِي، فَقُلْتُ: إِنْ يُرِدِ اللَّهُ بِفُلَانٍ - يُرِيدُ أَخَاهُ - خَيْرًا يَأْتِ بِهِ.

فَإِذَا إِنْسَانٌ يُحَرِّكُ الْبَابَ، فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا؟ فَقَالَ: عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ، فَقُلْتُ: عَلَى رِسْلِكَ، ثُمَّ جِئْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَقُلْتُ: هَذَا عُمَرُ يَسْتَأْذِنُ؟ فَقَالَ: «أَنْذَنْ لَهُ وَيَشْرُهُ بِالْجَنَّةِ» فَجِئْتُ عُمَرَ، فَقُلْتُ: أَذِنَ ادْخُلْ وَيُبَشِّرُكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْجَنَّةِ، فَدَخَلَ فَجَلَسَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْقُفِّ عَنْ يَسَارِهِ وَدَلَّى رِجْلَيْهِ فِي الْبَيْتِ، ثُمَّ رَجَعْتُ فَجَلَسْتُ فَقُلْتُ: إِنْ يُرِدِ اللَّهُ بِفُلَانٍ خَيْرًا يَعْنِي أَخَاهُ يَأْتِ بِهِ.

فَجَاءَ إِنْسَانٌ فَحَرَّكَ الْبَابَ فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا؟ فَقَالَ: عُثْمَانُ بْنُ عَفَانَ. فَقُلْتُ: عَلَى رِسْلِكَ، وَجِئْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ: «أَنْذَنْ لَهُ وَيَشْرُهُ بِالْجَنَّةِ مَعَ بَلَوَى تُصِيبُهُ» فَجِئْتُ فَقُلْتُ: ادْخُلْ وَيُبَشِّرُكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْجَنَّةِ مَعَ بَلَوَى تُصِيبُكَ،

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۸۱۹)، م (۲۴۳۳)].

فَدَخَلَ فَوَجَدَ الْقُفَّ قَدْ مُلِيَ، فَجَلَسَ وَجَاهَهُمْ مِنَ الشَّقِّ الْآخِرِ. قَالَ سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيَّبِ: فَأَوَّلُهَا قُبُورُهُمْ. متفقٌ عليه.

۷۰۹. از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت شده است که او در منزل خود وضوء گرفت و سپس بیرون آمد و گفت: امروز حتماً ملازم پیامبر صلی الله علیه و آله و با او خواهم بود، بعد به مسجد آمد و جویای پیامبر صلی الله علیه و آله شد، گفتند: از این طرف رفت، ابوموسی رضی الله عنه می‌گوید: به دنبال ایشان (از مسجد) خارج شدم و سراغ ایشان را می‌گرفتم تا (دیدم که) داخل (باغی که) «چاه اریس» (در آن بود) شد آن‌گاه من کنار در نشستم تا این‌که پیامبر صلی الله علیه و آله قضای حاجت نموده و وضوء گرفت، آن‌وقت، برخاستم و در خدمت او ایستادم و دیدم که ایشان بر لب چاه و در وسط سکوی کناره‌ی آن نشست و ساق پای مبارک خود را برهنه و در چاه آویزان کرد، (پیش رفتم) و به ایشان سلام کردم و برگشتم و کنار در نشستم و (با خود) گفتم: امروز دربان پیامبر صلی الله علیه و آله خواهم شد که حضرت ابوبکر رضی الله عنه آمد و در را فشار داد (که وارد شود)، گفتم: کیست؟ گفت: ابوبکر، گفتم: صبر کن! سپس نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم: ای رسول خدا! اینک حضرت ابوبکر رضی الله عنه اجازه‌ی ورود می‌خواهد، فرمودند: «به او اجازه بده و او را به بهشت، مژده بده»، به طرف حضرت ابوبکر رضی الله عنه روی آوردم و گفتم: داخل شو و پیامبر صلی الله علیه و آله به تو مژده‌ی بهشت می‌دهد؛ حضرت ابوبکر رضی الله عنه وارد شد و در سمت راست پیامبر صلی الله علیه و آله بر روی سکو نشست و همانند پیامبر صلی الله علیه و آله دو پایش را داخل چاه آویزان و ساق‌هایش را برهنه کرد و سپس بازگشتم و نشستم؛ من هنگام خروج از خانه، برادرم را جا گذاشته بودم که وضوء بگیرد و به من ملحق شود؛ (با خود) گفتم: اگر خداوند، خیر و خوشبختی برادرم را بخواهد، او را به این‌جا می‌آورد که ناگهان متوجه شدم که کسی در را حرکت می‌دهد، گفتم: کیست؟ گفت: عمر بن خطاب، گفتم: صبر کن! سپس نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و سلام کردم و گفتم: اینک عمر آمده و اجازه‌ی ورود می‌خواهد، فرمودند: «بگو وارد شو و به او مژده‌ی بهشت بده»، پس نزد حضرت عمر رضی الله عنه برگشتم و گفتم: داخل شو و پیامبر صلی الله علیه و آله به تو مژده‌ی بهشت می‌دهد؛ حضرت عمر رضی الله عنه وارد شد و در سمت چپ پیامبر صلی الله علیه و آله در سکوی کنار چاه نشست و دو پایش را در چاه آویزان نمود، سپس

بازگشتم و نشستم و (با خود) گفتم: اگر خداوند نسبت به فلانی (برادر خودش) خیر بخواهد، او را به این جا می آورد که کسی آمد و در را حرکت داد، گفتم: کیست؟ گفت: عثمان بن عفان، گفتم: صبر کن! سپس نزد پیامبر ﷺ آمدم و به او خبر دادم، فرمودند: «به او اجازه بده و او را به بهشت و بلا و فتنه ای که دامنگیر او می شود، مژده و خبر ده»، آمدم و گفتم: داخل شو و پیامبر ﷺ تو را مژده ای بهشت می دهد، با فتنه ای که دامنگیر تو می شود. وی داخل شد و دید که سکوی اطراف چاه پر شده و جایی برای نشستن ندارد و بدان سبب در مقابل آنان در قسمت دیگر لب چاه نشست؛ «سعید بن مسیب» (که این حدیث را از ابوموسیٰ ﷺ روایت می کند)، می گوید: «من این را به جای قبور آنان تأویل کردم که قبر پیامبر ﷺ و ابوبکر ﷺ و عمر ﷺ در یک جا و قبر عثمان ﷺ در برابر آنها در «بقیع» جای دارد»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۶۷۴)، م (۲۴۰۳)].

۹۳- باب وداع صاحب ووصیته عند فراقه للسفر وغيره والدعاء له وطلب

الدعاء منه

**باب خداحافظی با دوست و سفارش او هنگام رفتن به مسافرت و
غیر آن و دعای خیر برای او و طلب دعای خیر از او**

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (۱۳۳) أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ (البقرة / ۱۳۲-۱۳۳)

«و ابراهیم پسران خود را به این آیین سفارش کرد و یعقوب (نیز به پسرانش سفارش کردند که): ای فرزندان من! خداوند آیین (توحیدی اسلام) را برای شما برگزیده است و نمیرید، جز این که مسلمان باشید. آیا (شما یهودیان و مسیحیان که محمد ﷺ را تکذیب می‌نمایید و ادعا دارید که بر آیین یعقوب ﷺ هستید) هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، حاضر بودید؟ آن هنگام که به فرزندان خود گفت: پس از من چه چیزی را می‌پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و خداوند یگانه را می‌پرستیم و ما تسلیم او هستیم».

۴۱۹- وعن أبي سليمان مالك بن الحويرث رضي الله عنه قال: أتينا رسول الله صلى الله عليه وسلم ونحن شعبة متقاربون، فأقمنا عنده عشرين ليلة، وكان رسول الله صلى الله عليه وسلم رحيمًا رفيقًا، فظننا أننا قد اشتقنا أهلنا. فسألنا عمَّن تركنا من أهلنا، فأخبرناه، فقال:

«ارْجِعُوا إِلَىٰ أَهْلِيكُمْ فَاَقِيمُوا فِيهِمْ، وَعَلِّمُوهُمْ وَمُرُوهُمْ، وَصَلُّوا صَلَاةَ كَذَا فِي حِينَ كَذَا، وَصَلُّوا كَذَا فِي حِينَ كَذَا، فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَلْيُؤْذِّنْ لَكُمْ أَحَدُكُمْ، وَلْيُؤْمِّكُمْ أَكْبَرُكُمْ» متفقٌ عليه.

زاد البخاري في رواية له: «وَصَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي».

۴۱۹. از ابوسلیمان مالک بن حویرث رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: ما جوانان هم سن و سالی بودیم که به نزد پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم رفتیم و در خدمت ایشان، بیست شب ماندگار شدیم، پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بسیار مهربان و مشفق بود، به همین سبب گمان برد (دانست) که ما مشتاق دیدار اهل و کسان خود شده ایم و از حال افراد خانواده‌ی ما که آنها را به جا گذاشته بودیم، جويا شد و ما به ایشان خبر دادیم، سپس فرمودند: «به سویی خانواده‌ی خود بازگردید و نزد آنها اقامت کنید و آنها را تعلیم دهید و به نماز امر کنید و فلان نماز را در فلان وقت انجام دهید و فلان نماز دیگر را در فلان وقت دیگر و هنگامی که وقت نماز فرا رسید، یکی از شما اذان بگوید، و بزرگ‌ترین شما برایتان امامت کند»^۱.

و بخاری در روایت خود اضافه کرده است: «نماز را آن‌چنان که می‌بینید من می‌خوانم، بخوانید».

۴۲۰- وعن سالم بن عبد الله بن عمر أن عبد الله بن عمر رضي الله عنهما كان يقول للرجل إذا أراد سفرًا: اذن مني حتى أودعك كما كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يودعنا فيقول: «أستودع الله دينك، وأمانتك، وخواتيم عملك». رواه الترمذي، وقال: حديث حسن صحيح.

۴۲۰. از سالم بن عبدالله بن عمر روایت شده است که فرمود: عبدالله بن عمر رضی اللہ عنہما به هر مردی که قصد سفر داشت، می‌گفت: به من نزدیک شو تا چنان که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم با ما وداع می‌فرمود، با تو وداع کنم، سپس می‌گفت: «دین و امانت و خاتمه‌ی کارهایت را به خدا می‌سپارم»^۲.

۱- متفق عليه است [خ (۶۲۸)، م (۶۷۴)].

۲- ترمذی [۳۴۳۹] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۴۲۱- وعن أنس رضي الله عنه قال: جاء رجلٌ إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقال: يا رسول الله، إني أريدُ سفرًا، فزوّدني، فقال: «زَوِّدَكَ اللَّهُ التَّقْوَى». قال: زدني، قال: «وَعَفَرَ ذَنْبَكَ» قال: زدني، قال: «وَيَسِّرْ لَكَ الْخَيْرَ حَيْثُمَا كُنْتَ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۴۲۱. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! قصد سفری دارم، توشه‌ای به من مرحمت فرما! فرمودند: «خداوند تقوا را توشه‌ی تو گرداند!» گفت: بیشتر مرحمت فرما! فرمودند: «و (خداوند) گناهان تو را بیامرزد!» گفت: بیشتر لطف بفرما، فرمودند: «و (خداوند) هر جا که باشی، خیر و سعادت و منفعت را برای تو آسان و بسیار گرداند»^۱.
(به حدیث شماره: ۲۴۰ مراجعه شود).

۱- ترمذی [۳۴۴۰] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۹۴- باب الاستخاره والمشاورة

باب استخاره و مشورت

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ (آل عمران / ۱۵۹)

«(ای پیامبر ﷺ!) در کارها با مسلمانان مشورت کن».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ (الشورى / ۳۸)

«و کارشان (مؤمنان) بر پایه‌ی مشورت است (یعنی: در آن، بین خود مشورت می‌کنند)».

۴۲۲- عن جابر رضي الله عنه قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعَلِّمُنَا الْاِسْتِخَارَةَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا كَالسُّورَةِ مِنَ الْقُرْآنِ، يَقُولُ إِذَا هُمْ أَحَدُكُمْ بِالْأَمْرِ، فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ لِيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ، وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي» أَوْ قَالَ: «عَاجِلْ أَمْرِي وَآجِلِهِ، فَاقْدُرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي، ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي» أَوْ قَالَ: «عَاجِلْ أَمْرِي وَآجِلِهِ، فَاصْرِفْهُ عَنِّي، وَاصْرِفْنِي عَنْهُ، وَاقْدُرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ، ثُمَّ رَضِّنِي بِهِ» قَالَ: وَيُسَمِّي حَاجَتَهُ. رواه البخاري.

۴۲۲. از جابر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله استخاره در تمام کارها را مانند آموختن سوره‌ای از قرآن به ما می‌آموخت و می‌فرمودند: «هر گاه یکی از شما قصد کاری کرد، دو رکعت نماز سنت بخواند و سپس بگوید: خدایا! من به سبب علم تو، از تو طلب خیر را می‌نمایم و به سبب قدرت تو، از تو قدرت می‌خواهم و از تو جود و بخشش فراوانت را مسألت می‌کنم، زیرا که تو می‌توانی و

من نمی‌توانم و تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو دانا و آگاه به همه‌ی غیب‌ها و رازهای پنهانی، پروردگارا! اگر تو می‌دانی که این کار برای من در دین و زندگی و سرانجام کار» - یا فرمودند: «حال و آینده‌ی کار - من خیر است، آن را برای من مقدر فرما و آسان گردان و در آن برکت‌انداز و اگر می‌دانی که این کار برای من در دین و زندگی و سرانجام کار» - یا فرمودند: «حال و آینده‌ی کار - من بد است، آن را از من دور کن و مرا از آن پشیمان گردان و خیر را در هر جا هست، برای من مقدر فرما و آن‌گاه مرا بدان خوشنود کن»، و فرمودند: «(در این هنگام) نیاز خود را بگوید و نام بگیرد»^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۱۱۶۲)].

۹۵- باب استحباب الذهاب إلى العيد وعبادة المريض والحج والغزو
والجنازة ونحوها من طريق والرجوع من طريق آخر لتكثير مواضع العبادة

**باب استحباب رفتن به جلسات عید و عیادت بیمار و حج و جهاد
و تشیع جنازه و مانند آنها، از یک راه و برگشتن از راه دیگر
برای زیاد کردن جاهای عبادت**

۴۲۳- عن جابر رضي الله عنه قال: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ يَوْمُ عِيدٍ خَالَفَ الطَّرِيقَ. رواه البخاري.

۴۲۳. از جابر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: هر گاه روز عید می شد، پیامبر صلی الله علیه و آله راه (رفتن به مصلی) را تغییر می داد؛ (یعنی از یک راه می رفتند و از راه دیگر بازمی گشتند).^۱

۴۲۴- وعن ابن عمر رضي الله عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَخْرُجُ مِنْ طَرِيقِ الشَّجَرَةِ وَيَدْخُلُ مِنْ طَرِيقِ الْمُعَرَّسِ، وَإِذَا دَخَلَ مَكَّةَ دَخَلَ مِنَ الثَّنِيَّةِ الْعُلْيَا وَيَخْرُجُ مِنَ الثَّنِيَّةِ السُّفْلَى. متفقٌ عليه.

۴۲۴. از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله (هنگام خروج از مدینه) از «راه شجره» بیرون می رفت و (هنگام ورود) از «راه معرّس» داخل می شد و هنگامی که داخل مکه می شد، از تپه ی بالایی (شهر) داخل می شد و (هنگام خروج) از تپه ی پایینی (شهر) خارج می گردید.^۲

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۹۸۶)].

۲- متفق علیه است [خ (۱۵۳۳)، م (۱۲۵۷)].

۹۶- باب استحباب تقدیم الیمین فی کل ما هو من باب التکریم

کَالْوُضُوءِ وَالْعُسْلِ وَالتَّيْمُمِ، وَلُبْسِ الثَّوْبِ وَالتَّغْلِ وَالْحُفِّ وَالسَّرَاوِيلِ وَدُخُولِ الْمَسْجِدِ، وَالسَّوَالِكِ، وَالْاِكْتِحَالِ، وَتَقْلِيمِ الْأَطْفَارِ، وَقَصِّ الشَّارِبِ، وَتَنْفِ الْإِبْطِ، وَحَلْقِ الرَّأْسِ، وَالسَّلَامِ مِنَ الصَّلَاةِ، وَالْأَكْلِ، وَالشُّرْبِ، وَالْمَصَافِحَةِ، وَاسْتِلاَمِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ، وَالخُرُوجِ مِنَ الْخَلَاءِ، وَالْأَخْذِ وَالْعِطَاءِ وَغَيْرِ ذَلِكَ بِمَا هُوَ فِي مَعْنَاهُ.

وَيُسْتَحَبُّ تَقْدِيمُ الْيَسَارِ فِي ضِدِّ ذَلِكَ،

كَالامْتِخَاطِ وَالْبُصَاقِ عَنِ الْيَسَارِ، وَدُخُولِ الْخَلَاءِ، وَالخُرُوجِ مِنَ الْمَسْجِدِ، وَخَلْعِ الْحُفِّ وَالتَّغْلِ وَالسَّرَاوِيلِ وَالثَّوْبِ، وَالاسْتِنْجَاءِ وَفِعْلِ الْمُسْتَقْدَرَاتِ وَأَشْبَاهِ ذَلِكَ.

باب استحباب جلو انداختن راست در تمام کارهای محترم

مانند وضو، غسل، تیمم، پوشیدن لباس و کفش و موزه و شلوار، دخول مسجد، مسواک زدن، چشم سرمه کشیدن، ناخن گرفتن، کوتاه کردن سبیل، زدودن موی زیر بغل، تراشیدن سر، سلام دادن در نماز، خوردن و نوشیدن، مصافحه، بوسیدن و دست کشیدن بر حجرالاسود، خروج از توالت، چیزی از کسی گرفتن، چیزی به کسی دادن و غیر آنها در هر چه مانند آن است.

و پیش انداختن چپ در ضد آن موارد، مستحب است

مانند آب بینی گرفتن، آب دهان انداختن، دخول به توالت، خروج از مسجد، درآوردن خف و کفش و شلوار و لباس، و استنجا و دفع و انجام کارهایی که آلوده به چرک یا کثافت هستند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿فَأَمَّا مَنْ أَوْفَىٰ كَتَبَهُ بِيَمِينِهِ ۖ فَيَقُولُ هَٰؤُلَاءِ أَقْرَأُ وَأَكْتَبِيَّةٌ﴾ (الحاقة / ۱۹)

«اما آن کس که نامه‌ی اعمالش به دست راست او داده شود، می‌گوید:

نامه‌ی اعمال مرا بگیرید و بخوانید!».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَأَصْحَبُ الِّمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَبُ الِّمَيْمَنَةِ ۖ وَأَصْحَبُ الشَّعْمَةِ مَا أَصْحَبُ الشَّعْمَةِ﴾

(الواقعة / ۸-۹)

الشَّعْمَةِ﴾

«گروه دست راست و چه (بزرگ و خوشبختند) گروه دست راست! و

گروه دست چپ و چه (پست و بدبختند) گروه دست چپ!».

۴۲۵- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْجِبُهُ التَّيْمُنُ فِي شَأْنِهِ كُلِّهِ: فِي طُهُورِهِ، وَتَرْجُلِهِ، وَتَنْعُلِهِ. متفقٌ عليه.

۴۲۵. از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله شروع و انجام از راست و جلو انداختن آن را در تمام کارهایش در غسل و وضو و شانه کردن موی سر و پوشیدن کفش خویش، دوست می داشت^۱.

۴۲۶- وعن عائشة قالت: كَانَتْ يَدُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، الْيُمْنَى لَطُهورِهِ وَطَعَامِهِ، وَكَانَتْ الْيُسْرَى لِحَلَالِهِ وَمَا كَانَ مِنْ أَدَى. حديث صحيح، رواه أبو داود وغيره بإسناد صحيح.

۴۲۶. از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله دست راستش را برای پاکی و خوردن خویش و دست چپش را برای دستشویی و دفع حاجت و هر آلودگی دیگری به کار می گرفت^۲.

۴۲۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا انْتَعَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالْيُمْنَى، وَإِذَا نَزَعَ فَلْيَبْدَأْ بِالشَّمَالِ. لِيَتَكُنِ الْيُمْنَى أَوَّلَهُمَا تُنْعَلُ، وَآخِرَهُمَا تُنْزَعُ» متفقٌ عليه.

۴۲۷. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر گاه یکی از شما کفش پوشید، از راست و وقتی آن را درآورد، از چپ شروع کند، تا پای راست، در پوشیدن اول باشد و در بیرون آوردن آخر»^۳.

۴۲۸- وعنه رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا لَبَسْتُمْ، وَإِذَا تَوَضَّأْتُمْ، فَأَبْدُوا بِأَيَامِنِكُمْ» حديث صحيح. رواه أبو داود والترمذي بإسناد صحيح.

۱- متفق عليه است [خ (۱۶۸)، م (۲۶۸)].

۲- حدیثی صحیح است که ابوداود [(۳۳)] و غیر او به اسناد صحیح روایت کرده اند.

۳- متفق عليه است [خ (۵۸۵۶)، م (۲۰۹۷)].

۴۲۸. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی لباس پوشیدید و وضو گرفتید، از اعضای راستان شروع کنید»^۱.

۱- حدیثی صحیح است که ابوداود [۴۱۴۱] و ترمذی [۱۷۶] به اسناد صحیح روایت کرده‌اند.

بخش سوم

کتاب آداب طعام

۳- کتاب أدب الطعام

۹۷- باب التسمية في أوله والحمد في آخره

باب تسميه (بسم الله گفتن) در اول طعام و حمد گفتن در آخر آن

۴۲۹- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَذْكُرْ اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى، فَإِنْ نَسِيَ أَنْ يَذْكُرَ اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى فِي أَوَّلِهِ، فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ أَوَّلُهُ وَآخِرُهُ». رواه أبو داود، والترمذي، وقال: حديث حسن صحيح.

۴۲۹. از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی که یکی از شما غذا خورد، نام خدای تعالی را ببرد (بسم الله بگوید) و اگر فراموش کرد که در اول غذا بسم الله بگوید، باید بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ أَوَّلُهُ وَآخِرُهُ» (این غذا را با نام خدا شروع می‌کنم و با نام او به پایان می‌برم)»^۱.

۴۳۰- وعن جابر -رضي الله عنه- قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ، فَذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ لِأَصْحَابِهِ: لَا مَيِّتَ لَكُمْ وَلَا عِشَاءَ، وَإِذَا دَخَلَ، فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ دُخُولِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: أَذْرَكْتُمُ الْمَيِّتَ، وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ: أَذْرَكْتُمُ الْمَيِّتَ وَالْعِشَاءَ». رواه مسلم.

۴۳۰. و از جابر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «وقتی مرد (انسان) داخل خانه‌اش شود و در هنگام داخل شدن، نام خدا را ببرد و هنگام غذا خوردن نیز این کار را بکند، شیطان به یاران خود می‌گوید: نه جای خواب شب دارید و نه غذای شب؛ و وقتی کسی داخل خانه شود و هنگام دخول، نام خدا را نبرد، شیطان می‌گوید: جای خواب شب را

۱- ابوداود [۳۷۶۷] و ترمذی [۱۸۵۹] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

دریافتید، و اگر هنگام غذا خوردن اسم خداوند را نیاورد، شیطان می‌گوید: هم استراحتگاه و هم غذای شب را دریافتید»^۱.

۴۳۱- وعن أبي أُمَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا رَفَعَ مَائِدَتَهُ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، غَيْرَ مَكْفِيٍّ وَلَا مُوَدَّعٍ، وَلَا مُسْتَعْنَى عَنْهُ رَبُّنَا» رواه البخاري.

۴۳۱. و از ابوامامه رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که سفره‌اش را برمی‌داشت، و از غذا فراغت می‌یافت، می‌فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، غَيْرَ مَكْفِيٍّ وَلَا مُوَدَّعٍ، وَلَا مُسْتَعْنَى عَنْهُ، رَبُّنَا»: سپاس و ستایش شایسته‌ی الله است، سپاس و ستایشی فراوان و پاک و برکت یافته، ای پروردگار ما! (حمد ما را سپاس قرار ده) که به آن کفایت نشود و ترک نگردد و بی‌نیازی از آن حاصل نیاید»^۲.

(به حدیث شماره: ۲۰۰ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۰۱۸)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۴۵۸)].

۹۸- باب لا یعیب الطعام واستحباب مدحه

باب این که از غذا عیب جویی نکند و سنت بودن تعریف آن

۴۳۲- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: «مَا عَابَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَعَاماً قَطُّ، إِنْ اشْتَهَاهُ أَكَلَهُ، وَإِنْ كَرِهَهُ تَرَكَهُ» متفق عليه.

۴۳۲. از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: «پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم هرگز از غذایی عیب جویی نکرد، اگر دوست می داشت، آن را می خورد و اگر از آن خوشش نمی آمد، آن را ترک می کرد و نمی خورد»^۱.

۴۳۳- وعن جابر رضي الله عنه أن النبي صَلَّى الله عليه وسلم سأل أهله الأدم فقالوا: ما عندنا إلا خلٌّ، فدعا به، فجعل يأكل ويقول: «نعم الأدم الخلُّ، نعم الأدم الخلُّ» رواه مسلم.

۴۳۳. از جابر رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم از اهل خانه اش نانخورشی (آنچه همراه با نان خورده شود) خواست، عرض کردند: چیزی جز سرکه نداریم و پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم آن را طلبید و شروع به خوردن کرد، می فرمودند: «سرکه، نانخورش خوبی است! سرکه، نانخورش خوبی است!»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۴۰۹)، م (۲۰۶۴)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۰۵۲)].

۹۹- باب ما یقولہ من حضر الطعام وهو صائم إذا لم یفطر
 باب بیان آنکہ اگر کسی کہ بر سر غذا حاضر شدہ و روزہ
 است، اگر افطار نکرد، چہ باید بگوید

۴۳۴- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إذا دُعِيَ أَحَدُكُمْ، فَلْيُجِبْ، فَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيُصَلِّ، وَإِنْ كَانَ مُفْطِرًا فَلْيَطْعَمْ» رواه مسلم.

۴۳۴. از ابوہریرہ رضی اللہ عنہ روایت شدہ است کہ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «ہر گاہ یکی از شما (بہ مهمانی یا عروسی) دعوت شد، باید اجابت کند، اگر روزہ دار بود (در حق دعوت کنندہ) دعای خیر کند و اگر روزہ دار نیست، غذا بخورد»^۱.

۱- مسلم روایت کردہ است؛ [(۱۴۳۱)].

۱۰۰- باب ما یقوله من دعی إلى طعام فتبعه غیره

باب آنچه که شخص دعوت شده به غذا، آنگاه که شخص دیگری (بدون دعوت) همراه او رفته است، می گوید

۴۳۵- عن أبي مسعود البدری رضي الله عنه قال: دَعَا رَجُلٌ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِبَطْعَامٍ صَنَعَهُ لَهُ خَامِسَ خَمْسَةٍ، فَتَبِعَهُمْ رَجُلٌ، فَلَمَّا بَلَغَ الْبَابَ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ هَذَا تَبِعَنَا، فَإِنْ شِئْتَ أَنْ تَأْذَنَ لَهُ، وَإِنْ شِئْتَ رَجَعْ» قَالَ: بَلْ أَذْنُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ. متفقٌ عليه.

۴۳۵. از ابومسعود بدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مردی پیامبر صلی الله علیه و آله را به همراه چهار نفر دیگر به غذایی که برای او درست کرده بود، دعوت کرد و مردی (بدون دعوت) به دنبال ایشان ملحق شد و وقتی به جلو در رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله به مرد میزبان فرمودند: «این مرد به دنبال ما آمده است، اگر بخواهی به او اجازه بدهی (اجازه می دهی) و اگر بگویی (که برگردد) باز می گردد»، صاحب خانه عرض کرد: خیر، به او اجازه می دهم ای رسول خدا!.

۱۰۱- باب الأكل مما يليه ووعظه وتأديبه من يُسَىء أكله

باب بیان خوردن غذا از جلو دست خود و وعظ و تأدیب به کسی که بد غذا می خورد

به احادیث شماره: ۱۰۷، ۲۰۰ مراجعه شود.

۱۰۲- باب النهی عن القران بين تمرتين ونحوهما إذا أكل جماعة إلا

بإذن رفقته

باب نهی از خوردن دو خرما با هم و امثال آن هنگامی که
جمعی با هم بخورند؛ مگر این که دوستانش به او اجازه دهند

۴۳۶- عن جبلة بن سحيم قال: أصابنا عام سنة مع ابن الزبير، فُرِزْنَا تَمْرًا، وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ
بْنُ عَمْرِو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَمُرُّ بِنَا وَنَحْنُ نَأْكُلُ، فيقول: لا تُقَارِنُوا، فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الْإِقْرَانِ، ثُمَّ يَقُولُ: «إِلَّا أَنْ يَسْتَأْذِنَ الرَّجُلُ أَخَاهُ» متفق عليه.

۴۳۶. از جبلة بن سحيم روایت شده است که فرمود: سالی در زمان حکمرانی
«ابن زبیر»، قحطی به ما رسید، مقداری خرما به ما دادند که روزی ما شد، در حالی
که ما مشغول خوردن بودیم، عبدالله بن عمر از کنار ما می گذشت و می گفت: دو تا
دو تا نخورید؛ زیرا پیامبر ﷺ از دو تا دو تا خوردن خرما منع فرموده اند، سپس
(ابن عمر) گفت: مگر این که شخص خورنده از برادر (همراه)ش اجازه بگیرد^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۴۵۵)، م (۲۰۴۵)].

۱۰۳- باب ما یقولہ ویفعلہ من یأکل ولا یشبع

**باب بیان آنچه که شخصی می خورد و سیر نمی شود، باید
بگوید و انجام دهد**

۴۳۷- عن وَحْشِيِّ بْنِ حَرْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا نَأْكُلُ وَلَا نَشْبَعُ؟ قَالَ: «فَلَعَلَّكُمْ تَفْتَرِقُونَ» قَالُوا: نَعَمْ. قَالَ: فَاجْتَمِعُوا عَلَى طَعَامِكُمْ، وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ، يُبَارِكْ لَكُمْ فِيهِ» رواه أبو داود

۴۳۷- از وحشی بن حرب رضی اللہ عنہ روایت شده است که اصحاب پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم (به ایشان) گفتند: ای رسول خدا! ما می خوریم ولی سیر نمی شویم، (چه دلیلی دارد یا راه علاج چیست؟) فرمودند: «شاید شما جدا از هم غذا می خورید؟!»، گفتند: بله، فرمودند: «پس بر غذایتان جمع شوید و نام خدا را ببرید، برایتان در غذا برکت انداخته می شود»^۱.

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [(۳۷۶۴)].

۱۰۴- باب الأمر بالأكل من جانب القصعة

والنهي عن الأكل من وسطها

باب امر به خوردن از کنار ظرف غذا و نهی از خوردن از
وسط آن

۴۳۸- عن ابن عباس رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الْبِرْكَةُ تَنْزِلُ
وَسَطَ الطَّعَامِ فَكُلُوا مِنْ حَافَتَيْهِ وَلَا تَأْكُلُوا مِنْ وَسْطِهِ» رواه أبو داود، والترمذي، وقال: حديثٌ
حسنٌ صحيحٌ.

۴۳۸. از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «برکت در
وسط غذا نازل می شود، پس از دو طرفش بخورید و از وسط آن نخورید»^۱.
(به حدیث شماره: ۲۰۰ مراجعه شود).

۱- ابوداود [۳۷۷۲] و ترمذی [۱۸۰۶] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح
است.

۱۰۵- باب کراهية الأكل مُتَكِنًا
باب کراهت خوردن در حال تکیه زدن بر چیزی

۴۳۹- عن أبي جُحَيْفَةَ وَهَبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا آكُلُ مُتَكِنًا» رواه البخاري.

۴۳۹. از «ابوجحیفه وهب بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در حال تکیه زدن غذا نمی خورم»^۱.

۴۴۰- وعن أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَالِسًا مُقْعِيًا يَأْكُلُ تَمْرًا، رواه مسلم.

۴۴۰. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله را در حالی دیدم که بر زمین نشسته و مقعی بود و خرما می خورد»^۲.
«مقعی»: کسی است که در حال نشستن، باسن هایش را بر زمین می گذارد و ساق پاهایش را خم و بلند و جمع می کند.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۵۳۹۸].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۰۴۴].

۱۰۶- باب استحباب الأكل بثلاث أصابع واستحباب لعق الأصابع
وكرهية مسحها قبل لعقها واستحباب لعق القصعة أخذ اللقمة التي
تسقط منه وأكلها وجواز مسحها بعد اللعق بالساعد والقدم وغيرها
باب استحباب خوردن با سه انگشت و استحباب لیسیدن
انگشت‌ها و کاسه و کراحت داشتن پاک کردن انگشتان
قبل از لیسیدن و استحباب برداشتن لقمه‌ای که از دست
می‌افتد و خوردن آن و جواز پاک کردن انگشتان با
ساعد و پا و غیر آنها بعد از لیسیدن

۴۴۱- عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا أَكَلْتَ أَخَذْتُكُمْ طَعَامًا، فَلَا يَمْسُحُ أَصَابِعُهُ حَتَّى يَلْعَقَهَا أَوْ يُلْعَقَهَا» متفق عليه.

۴۴۱. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر گاه یکی از شما غذایی خورد، انگشتانش را با چیزی پاک نکند تا آنها را بلیسد یا برایش بلیسند»^۱.

۴۴۲- وعن كعب بن مالك رضي الله عنه قال: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْكُلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعٍ فَإِذَا فَرَغَ لَعَقَهَا. رواه مسلم.

۴۴۲. از کعب بن مالک رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که با سه انگشت غذا می‌خورد و وقتی از غذا خوردن فراغت می‌یافت، آنها را می‌لیسید^۲.

(به حدیث شماره: ۱۱۱ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۴۵۶)، م (۲۰۳۱)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۰۳۲)].

۱۰۷- باب تکثیر الأیدی علی الطعام

باب استحباب تکثیر دست‌ها بر طعام و خوردن دسته‌جمعی

۴۴۳- عن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «طَعَامُ الاثْنَيْنِ كَافِي الثَّلَاثَةِ، وَطَعَامُ الثَّلَاثَةِ كَافِي الْأَرْبَعَةِ» متفقٌ عليه.

۴۴۳. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خوراک دو نفر برای سه نفر و خوراک سه نفر برای چهار نفر، کافی است»^۱.
(به حدیث شماره: ۳۴۴ مراجعه شود).

۱۰۸- باب أدب الشراب واستحباب التنفس ثلاثاً خارج الإناء وكراهة

التنفس في الإناء واستحباب إدارة الإناء على الأيمن فالأيمن بعد المبتدئ

باب روش نوشیدن و استحباب سه بار تنفس در بیرون ظرف و کراهت نفس کشیدن در ظروف و استحباب دور دادن کاسه‌ی آب از راست (از نفر سمت راست شروع کردن)

۴۴۴- عن أنس رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يتنفس في الشراب ثلاثاً. متفقٌ عليه. يعني: يتنفس خارج الإناء.

۴۴۴. از انس رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله آب و نوشیدنی را با سه نفس می‌خورد (یعنی: سه بار بیرون از ظرف آب و در بین آب خوردن، نفس می‌کشید)^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۳۹۲)، م (۲۰۵۸)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۶۳۱)، م (۲۰۲۸)].

۴۴۵- وعن أبي قتادة رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ يُتَنَفَّسَ فِي الْإِنَاءِ. متفقٌ عليه.
يعني: يُتَنَفَّسُ فِي نَفْسِ الْإِنَاءِ.

۴۴۵. از ابوقتاده رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم از این که در ظرف تنفس شود (یعنی در خود ظرف تنفس و در آن دمیده شود) نهی فرموده‌اند.^۱

۴۴۶- وعن أنس رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُتِيَ بِلَبَنٍ قَدْ شِيبَ بِمَاءٍ، وَعَنْ يَمِينِهِ أَعْرَابِيٌّ، وَعَنْ يَسَارِهِ أَبُو بَكْرٍ رضي الله عنه، فَشَرِبَ، ثُمَّ أَعْطَى الْأَعْرَابِيَّ وَقَالَ: «الْأَيْمَنُ فَالْأَيْمَنُ» متفقٌ عليه.

۴۴۶. و از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: مقداری شیر که با آب مخلوط شده بود، به نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آورده شد و در طرف راست پیامبر صلی الله علیه و سلم یک اعرابی و در سمت چپ او ابوبکر صدیق رضی الله عنه نشسته بود، آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و سلم خود نوشید و سپس به اعرابی عطا فرمود و گفت: «راست، سپس راست!» (شخص طرف راست را جلو بینداز و پس از آن، نفر دست راست او را، و همین طور تا آخر).^۲

(به حدیث شماره: ۳۴۸ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است: [خ (۵۶۳۰)، م (۲۶۷)].

۲- متفق علیه است: [خ (۲۶۱۹)، م (۲۰۲۹)].

۱۰۹- باب کراهة الشرب من فم القربة ونحوها وبيان أنه كراهة تنزيه

لا تحريم

**باب کراهت نوشیدن از دهانه‌ی مشک و مانند آن و بیان
آن که این عمل کراهت تنزیهی است نه تحریمی**

۴۴۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم أن يشرب من في السقاء أو القربة. متفق عليه.

۴۴۷. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از این که از دهانه‌ی مشک آب یا مشک شیر، نوشیده شود، نهی فرموده‌اند.^۱

۴۴۸- وعن كبشة بنت ثابت رضي الله عنها قالت: دخل علي رسول الله صلى الله عليه وسلم، فشرب من في قربة معلقة قائماً، فقامت إلى فيها فقطعت. رواه الترمذي، وقال: حديث حسن صحيح.

۴۴۸. و از كبشه دختر ثابت رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله نزد من آمد و ایستاده، از دهانه‌ی مشک آویزانی، آب نوشید و من برخاستم و دهانه‌ی مشک را بردم (و نگه داشتم برای تبرک).^۲

و این حدیث حمل بر جواز نوشیدن آب از دهان مشک می‌گردد.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۶۲۷)، م (۱۶۰۹) و در مسلم، به‌طور اختصار آمده است].

۲- ترمذی [(۱۸۹۳)] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۱۱۰- باب کراهة النفخ في الشراب
باب کراهت دمیدن در نوشیدنی

۴۴۹- عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه أنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ النَّفْخِ فِي الشَّرَابِ فَقَالَ رَجُلٌ: الْقَذَاةُ أَرَاهَا فِي الْإِنَاءِ؟ فَقَالَ: «أَهْرِفُهَا» قَالَ: فَإِنِّي لَا أُرَوِّى مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ؟ قَالَ: «فَأَبْنِ الْقَدَحَ إِذَا عَنَ فِيكَ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۴۴۹. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از دمیدن در نوشیدنی نهی فرمودند، مردی گفت: خاشاک را در ظرف می بینم (آیا در آن صورت هم در آن فوت نکنم)، فرمودند: «آن را بریز»، گفت: من به یک نفس سیراب نمی شوم، فرمودند: «در این صورت ظرف را از دهانت دور و جدا کن (و پس از نفس کشیدن، آن را بنوش)»^۱.

۴۵۰- وعن ابن عباس رضي الله عنهما أنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ يُتَنَفَّسَ فِي الْإِنَاءِ، أَوْ يُنْفَخَ فِيهِ، رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۴۵۰. و از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از این که در نوشیدنی، نفس کشیده یا دمیده شود، نهی فرموده اند.^۲

۱- ترمذی [(۱۸۸۸)] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- ترمذی [(۱۸۸۹)] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۱۱۱- باب بیان جواز الشرب قائماً و بیان أن الأكمل والأفضل الشرب قاعداً
باب بیان روا بودن نوشیدن در حال ایستادن و این که نوشیدن به
صورت نشسته بهتر است

۴۵۱- وعن ابن عباس رضي الله عنهما قال: سَقَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ زَمْزَمَ، فَشَرِبَ وَهُوَ قَائِمٌ. متفقٌ عليه.

۴۵۱. و از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: از آب «زمزم» به پیامبر صلی الله علیه و آله دادم و ایشان در حال ایستاده، نوشید^۱.

۴۵۲. وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: كُنَّا نَأْكُلُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَنَحْنُ نَمْشِي، وَنَشْرَبُ وَنَحْنُ قِيَامٌ. رواه الترمذي، وقال: حديث حسن صحيح.

۴۵۲. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده که فرمود: ما در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله (و نزد ایشان) در حالی که راه می‌رفتیم، غذا می‌خوردیم و نیز در حالی که ایستاده بودیم، آب می‌نوشیدیم^۲.

۴۵۳- وعن أنس رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ نَهَى أَنْ يَشْرَبَ الرَّجُلُ قَائِمًا. قال قتادة: فَقُلْنَا لِأَنْسٍ: فَلَا كُلُّ؟ قال: ذَلِكَ أَشْرُ أَوْ أَحْبَثُ. رواه مسلم. وفي رواية له: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجَرَ عَنِ الشُّرْبِ قَائِمًا.

۴۵۳. و از انس رضی الله عنه روایت شده است، پیامبر صلی الله علیه و آله از این که کسی در حالت ایستاده، بنوشد، نهی فرموده‌اند، قتاده می‌گوید: به انس گفتیم: خوردن چطور؟ گفت: آن بدتر - یا ناپاک‌تر - است^۳.

در روایتی دیگر از او آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله از نوشیدن در حالت ایستاده، منع فرموده‌اند.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۶۱۷)، م (۲۰۲۷)].

۲- ترمذی [(۱۸۸۱)] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۰۲۴)].

۱۱۲- باب استحباب کون ساقی القوم آخرهم شرباً
باب استحباب نوشیدن ساقی گروه، در آخر

۴۵۴- عن أبي قتادة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «سَاقِي الْقَوْمِ آخِرُهُمْ» يعني: شُرباً. رواه الترمذي، وقال: حديث حسن صحيح.

۴۵۴. از ابوقتاده رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آب دهنده‌ی جماعت، در نوشیدن، نفر آخر آنهاست (باشد)»^۱.

۱۱۳- باب جواز الشرب من جميع الأواني الطاهرة غير الذهب والفضة وجواز الكرع - وهو الشرب بالفم من النهر وغيره - بغير إناء ولا يد وتحريم استعمال إناء الذهب والفضة في الشرب والأكل والطهارة وسائر وجوه الاستعمال
باب جواز نوشیدن از تمام ظروف پاک، غیر از طلا و نقره؛ و جواز خوردن با دهان از رود یا جوی بدون ظرف و بدون دست؛ و تحریم به کار بردن ظروف طلا و نقره در نوشیدن و خوردن و طهارت و سایر وجوه به کار بردن

۴۵۵- وعن عبد الله بن زيد رضي الله عنه قال: أَتَانَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَخْرَجَنَا لَهُ مَاءً فِي تَوْرٍ مِنْ صُفْرٍ فَتَوَضَّأَ. رواه البخاري.

۴۵۵. از عبدالله بن زید رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به میان ما تشریف آورد، در کاسه‌ای مسین به حضور او آب بردیم و ایشان در آن وضو گرفت!

۱- ترمذی [۱۸۹۵] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۴۵۶- وعن جابر رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ، وَمَعَهُ صَاحِبٌ لَهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنْ كَانَ عِنْدَكَ مَاءٌ بَاتَ هَذِهِ اللَّيْلَةَ فِي شَنَّةٍ وَإِلَّا كَرَعْنَا» رواه البخاري.

۴۵۶. و از جابر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله همراه با یک صحابی خود، بر مردی انصاری وارد شد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر نزد تو، آبی هست که دیشب در داخل مشک مانده (و سرد) باشد، (با مشک) می نوشیم وگرنه با دهان (از آب جوی بوستان) می نوشیم»^۱.

۴۵۷- وعن حذيفة رضي الله عنه قَالَ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَانَا عَنِ الْحَرِيرِ وَالذَّبْيَاجِ وَالشُّرْبِ فِي آيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَقَالَ: «هِيَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا، وَهِيَ لَكُمْ فِي الْآخِرَةِ» متفق عليه.

۴۵۷. و از حذیفه رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله ما را از پوشیدن حریر و پارچه های ابریشمی زینتی و نوشیدن در ظروف طلا و نقره، نهی کرده و فرمودند: «آنها در دنیا، برای ایشان (کافران) و در آخرت، برای شماست»^۲.

۴۵۸- وعن أم سلمة رضي الله عنها أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الَّذِي يَشْرَبُ فِي آيَةِ الْفِضَّةِ إِنَّمَا يُجْرَجُ فِي بَطْنِهِ نَارَ جَهَنَّمَ» متفق عليه.

۴۵۸. و از ام‌المؤمنین ام‌سلمه رضی الله عنها روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس در ظروف (طلا و) نقره بنوشد، آتش دوزخ را در شکم خود فرو می ریزد»^۳.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۱۹۷].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۵۱۶۳].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۵۶۳۳)، م (۲۰۶۷)].

۴- متفق علیه است؛ [خ (۵۶۳۴)، م (۲۰۶۵)].

بخش چهارم

کتاب لباس

۴- کتاب اللباس

۱۱۴- باب استحباب الثوب الأبيض وجواز الأحمر والأخضر والأصفر

والأسود وجوازه من قطن وكتان وشعر وصوف وغيرها إلا الحرير

**باب استحباب (پوشیدن) لباس سفید و جواز پوشش لباس
قرمز و سبز و زرد و سیاه و جواز بودن لباس از پنبه و کتان
و موی بز و پشم و غیر آنها به جز ابریشم**

قال الله تعالى:

﴿يَبْنِيْٓ اٰدَمَۙ قَدْ اَنْزَلْنَا عَلَیْكُمْ لِبَاسًا یُّوَارِیْ سَوْءَۤتِکُمْ وَرِیْشًا ۖ وَلِبَاسُ
التَّقْوٰی ذٰلِکَ خَیْرٌ﴾ (الأعراف / ۲۶)

«ای فرزندان آدم! ما لباسی که شرمگاهتان را می پوشاند، و لباسی فاخر
و گران که مایه زینت و جمال است، برای شما نازل کردیم و لباس
تقوا [که انسان را از آلودگی های ظاهر و باطن بازمی دارد] بهتر است».

وَقَالَ تَعَالٰی:

﴿وَجَعَلَ لَکُمْ سَرَیْلَ تَقِیْکُمْ اَلْحَرَّ وَسَرَیْلَ تَقِیْکُمْ بِاَسَکُمْ﴾ (النحل / ۸۱)

«و برای شما پیراهن هایی قرار داد که شما را از (سرما و) گرما و
پیراهن های دیگری که شما را در جنگ، حفظ می کند».

۴۵۹- وعن سَمُرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْبَسُوا
الْبَيَاضَ، فَإِنَّهَا أَطْهَرُ وَأَطْيَبُ، وَكَفَّنُوا فِيْهَا مَوْتَاكُمُ» رواه النسائي، والحاكم وقال: حديث
صحيح.

۴۵۹. و از سمره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(لباس) سفید بپوشید که آن پاک‌تر و بهتر است و مرده‌های خود را در آن کفن کنید»^۱.

۴۶۰- وعن البراء رضي الله عنه قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرْبُوعاً وَلَقَدْ رَأَيْتُهُ فِي حُلَّةٍ حُمْرَاءَ مَا رَأَيْتُ شَيْئاً قَطُّ أَحْسَنَ مِنْهُ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۴۶۰. و از براء بن عازب رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله دارای قامت متوسط بود و من او را در پاپوش و بالاپوشی سرخ رنگ دیدم که هرگز از او زیباتر، چیزی ندیده‌ام.^۲

۴۶۱- وعن أبي رَمْثَةَ رِفَاعَةَ التَّمِيمِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِ ثَوْبَانِ أَخْضَرَانِ. رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَالتِّرْمِذِيُّ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ.

۴۶۱. و از ابی‌رمثه رفاعه‌ی تیمی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم در حالی که دو لباس سبز پوشیده بود.^۳

۴۶۲- وعن جابر رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ وَعَلَيْهِ عِمَامَةٌ سَوْدَاءُ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۴۶۲. و از جابر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله «روز فتح مکه» داخل مکه شد در حالی که عمامه‌ی سیاهی بر سر او بود.^۴

۴۶۳- وعن عائشة رضي الله عنها قَالَتْ: كُنْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي ثَلَاثَةِ أَثْوَابٍ بَيْضٍ سَحُولِيَّةٍ مِنْ كُرْسُفٍ، لَيْسَ فِيهَا قَمِيصٌ وَلَا عِمَامَةٌ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱- نسائی [۲۰۵/۸] و حاکم [۱۸۵/۴] روایت کرده‌اند و حاکم گفته است: حدیثی صحیح است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۸۴۸)، م (۲۳۳۷)].

۳- ابوداود [۴۰۶۵] و ترمذی [۲۸۱۳] به اسناد صحیح روایت کرده‌اند.

۴- مسلم روایت کرده است؛ [۱۳۵۸].

۴۶۳. و از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در سه تکه پارچه‌ی سفید سَحُولی (منسوب به سحول نام دهی در یمن) از جنس پنبه کفن گردید و پیراهن و عمامه، در میان آنها نبود.^۱

۴۶۴- وعن الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ لَيْلَةٍ فِي مَسِيرٍ، فَقَالَ لِي: «أَمْعَكَ مَاءً؟» قُلْتُ: نَعَمْ، فَنَزَلَ عَنِ رَاحِلَتِهِ فَمَشَى حَتَّى تَوَارَى فِي سَوَادِ اللَّيْلِ ثُمَّ جَاءَ فَأَفْرَغْتُ عَلَيْهِ مِنَ الْإِدَاوَةِ، فَغَسَلَ وَجْهَهُ وَعَلَيْهِ جُبَّةٌ مِنْ صُوفٍ، فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُخْرِجَ ذِرَاعَيْهِ مِنْهَا حَتَّى أَخْرَجَهُمَا مِنْ أَسْفَلِ الْجُبَّةِ، فَغَسَلَ ذِرَاعَيْهِ وَمَسَحَ بِرَأْسِهِ ثُمَّ أَهْوَيْتُ لِأَنْزِعَ خُفَّيْهِ فَقَالَ: «دَعُهُمَا فَإِنِّي أَدْخَلْتُهُمَا طَاهِرَتَيْنِ» وَمَسَحَ عَلَيْهِمَا. متفق عليه.

وفي رواية: وَعَلَيْهِ جُبَّةٌ شَامِيَّةٌ صَيِّفَةٌ الْكُمَيْنِ.

۴۶۴. و از مغیره بن شعبه رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: شبی در راهی با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم، به من فرمودند: «آیا همراه تو آب هست؟» گفتم: بله، و ایشان از شترش پایین آمد و پیاده رفت تا در سیاهی شب ناپدید شد، سپس بازگشت و من از مشکی چرمین بر دست او آب ریختم و ایشان صورتش را شست، جبهه‌ای از پشم بر تن داشت و نتوانست دو ساعد خود را از آن خارج کند، تا این که از قسمت پایین جبهه، آنها را بیرون آورد، بعد ساعدهای خود را شست و سر مبارکش را مسح کشید و خواستم که موزه اش را بیرون آورم، فرمودند: «آنها را بگذار! زیرا من آنها را در حال پاکی پوشیده‌ام» و روی آنها مسح کشید.^۲

در روایتی دیگر آمده است: جبهه‌ای شامی که دو آستین آن تنگ بود، بر تن داشت.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۲۶۴)، م (۹۴۱)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۷۹۸)، م (۲۷۴)].

۱۱۵- باب صفة طول القميص والكم والإزار وطرف العمامة وتحريم
إسبال شيء من ذلك على سبيل الخيلاء وكراهته من غير خيلاء
باب چگونگی طول پیراهن و آستین و شلوار و دنباله‌ی
عمامه و تحریم دراز نمودن هر یک از آنها به خاطر تکبر و
کراهت آن در غیر قصد تکبر

۴۶۵- عن أسماء بنت يزيد الأنصارية رضي الله عنها قالت: كان كُم قميص رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى الرُءُف. رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۴۶۵. از اسماء دختر یزید انصاری رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: آستین پیراهن پیامبر صلی الله علیه و آله تا مچ دست بود.^۱

۴۶۶- وعن ابن عمر رضي الله عنهما أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ جَرَّ ثَوْبَهُ خِيَلًا لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ إِزَارِي يَسْتَرْخِي إِلَّا أَنْ أَتَعَاهَدَهُ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّكَ لَسْتَ مِنْ مَنْ يَفْعَلُهُ خِيَلًا». رواه البخاري.

۴۶۶. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس از روی تکبر، لباسش را بر زمین بکشانند، خداوند در روز قیامت به او (از روی رحمت) نگاه نمی‌کند»، حضرت ابوبکر رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا! یا رسول الله! ازار من سست می‌شود (در نتیجه کشانده می‌شود) مگر آن که مواظب آن باشم، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمودند: «تو از آنها نیستی که از روی تکبر چنین عمل می‌کنند».^۲

۱- ابوداود [۴۰۲۷] و ترمذی [۱۷۶۵] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

این حدیث قبلاً هم به شماره‌ی ۵۱۹، آمده است.

۲- بخاری [۳۶۶۵] روایت کرده و مسلم [۲۰۸۵] بعضی از آن را روایت کرده است.

۴۶۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لا ينظر الله يوم القيامة إلى من جرّ إزاره بطراً» متفق عليه.

۴۶۷. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند در روز قیامت به کسی که شلوارش را از روی تکبر بر روی زمین بکشد، نظر (لطف) نمی‌اندازد»^۱.

۴۶۸- وعنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «ما أسفل من الكعبين من الإزار ففي النار» رواه البخاري.

۴۶۸. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر مقدار از شلوار که از دو قوزک پایین‌تر برود، در آتش (جهنم) است»^۲.

۴۶۹- وعن ابن عمر رضي الله عنهما، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الإسبال في الإزار، والقميص، والعمامة، من جرّ شيئاً خيلاً لم ينظر الله إليه يوم القيامة» رواه أبو داود، والنسائي بإسنادٍ صحيح.

۴۶۹. و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دراز کردن و فرو گذاشتن، در شلوار و پیراهن و عمامه هست، کسی که چیزی (از لباسش) را از روی تکبر بر زمین بکشد، خداوند در روز قیامت (از روی رحمت) به او نگاه نمی‌کند»^۳.

۴۷۰- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم «إزرته المسلم إلى نصف الساق، ولا حرج - أو لا جناح - فيما بينه وبين الكعبين، فما كان أسفل من الكعبين فهو في النار، ومن جرّ إزاره بطراً لم ينظر الله إليه». رواه أبو داود بإسنادٍ صحيح.

۴۷۰. و از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شلوار مسلمان، تا نصف ساق است و تا بین ساق و دو قوزک، مانعی - یا گناهی - ندارد

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۷۸۸)، م (۲۰۸۷)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۷۸۷)].

۳- ابوداود [(۴۰۹۴)] و نسائی [(۲۰۸/۰۸)] به اسناد صحیح روایت کرده‌اند.

و هرچه پایین‌تر از دو قوزک باشد، در آتش است و هر کسی از روی تکبر شلوارش را بر زمین بکشد، خداوند (از روی رحمت) به او نگاه نمی‌کند.^۱

۱۱۶- باب استحباب ترک الترفع فی اللباس تواضعاً
باب استحباب ترک خوشپوشی، از روی تواضع

۴۷۲- وعن معاذ بن أنس رضي الله عنه أنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ تَرَكَ اللَّبَاسَ تَوَاضِعاً لِلَّهِ، وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ، دَعَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ حَتَّى يُخَيِّرَهُ مِنْ أَيِّ حُلٍّ الْإِيمَانِ شَاءَ يَلْبِسُهَا». رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۴۷۲. و از معاذ بن انس رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هر کس از روی فروتنی برای خدا، لباس خوب و گرانبه را ترک کند و آن را بپوشد در حالی که بر پوشیدن آن قادر است، خداوند در روز قیامت در انتظار مردم، او را می‌خواند تا او را مخیر می‌کند که از هر حله‌ی ایمان که می‌خواهد، انتخاب کند و بپوشد».^۲

(به حدیث شماره: ۳۰۷، ۳۱۶ مراجعه شود).

۱- ابودرداء [۴۰۹۳] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲- ترمذی [۲۴۸۳] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۱۱۷- باب استحباب التوسط فی اللباس ولا يقتصر علی ما یزری به

لغير حاجة ولا مقصود شرعی

باب استحباب میانه روی در لباس و عدم قناعت به لباسی

که پوشیدن آن در غیر نیاز و منظور شرعی، موجب

عیبجویی می شود

۴۷۳- عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُرَى أَثَرُ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ».

رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۴۷۳. از «عمرو بن شعيب» از پدرش از جدش ﷺ روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند دوست دارد که اثر اکرام و نعمت خود بر بنده اش، دیده شود یا ظاهر گردد»^۱.

۱۱۸- باب تحريم لباس الحرير على الرجال وتحريم جلوسهم عليه

واستنادهم إليه وجواز لبسه للنساء

باب تحريم لباس حرير برای مردان و تحريم نشستن و تکیه

زدن آنان بر آن و جواز پوشیدن آن برای زنان

۴۷۴- عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَا تَلْبَسُوا الْحَرِيرَ، فَإِنَّ مَنْ لَبَسَهُ فِي الدُّنْيَا لَمْ يَلْبَسْهُ فِي الْآخِرَةِ». متفق عليه.

۱- ترمذی [۲۸۲۰] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۴۷۴. از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(لباس) حریر نپوشید، زیرا کسی که در دنیا آن را بپوشد، در آخرت آن را به تن نمی‌کند»^۱.

۴۷۵- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من لبس الحرير في الدنيا لم يلبسه في الآخرة» متفق عليه.

۴۷۵. از انس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس در دنیا (لباس) حریر بپوشد، در آخرت آن را به تن نمی‌کند»^۲.

۴۷۶- وعن علي رضي الله عنه قال: رأيْتُ رسولَ الله صلى الله عليه وسلم أخذَ حريراً، فجعلهُ في يمينه، وذهباً فجعلهُ في شماله، ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ هَذَيْنِ حَرَامٌ عَلَى ذُكُورِ أُمَّتِي». رواهُ أبو داود بإسنادٍ حسن

۴۷۶. از علی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که پارچه‌ای حریر را برگرفت و در دست راست خود قرار داد و مقداری طلا را برگرفت و در دست چپ خود نهاد و فرمودند: «این دو بر مردان امت من حرام است»^۳.

(به حدیث شماره: ۴۵۷ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است: [خ (۵۸۳۰)، م (۲۰۶۹)].

۲- متفق علیه است: [خ (۵۸۳۲)، م (۲۰۷۳)].

۳- ابوداود [۴۰۵۷] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۱۱۹- باب جواز لبس الحریر لمن به حِکَّة

باب جواز پوشیدن حریر برای کسی که بدن او خارش دارد

۴۷۷- عن أنس رضي الله عنه قال: رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلزَّبِيرِ وَعَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ رضي الله عنهما في لبس الحرير لحِكَّةٍ بهما. متفقٌ عليه.

۴۷۷. از انس رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم به «زبیر» و «عبدالرحمن بن عوف» رضی اللہ عنہما به سبب خارش که در بدن آنها بود، اجازه ی پوشیدن حریر دادند.^۱

۱۲۰- باب النهی عن افتراش جلود النمر والركوب عليها

باب نهی از زیر انداختن پوست پلنگ (و درنده‌ها) و سوار شدن بر آنها

۴۷۸- عَنْ مُعَاوِيَةَ رضي الله عنه قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَرْكَبُوا الْخَزَّ وَلَا النَّمَارَ». حديث حسن، رواه أبو داود وغيره بإسنادٍ حسنٍ.

۴۷۸. از حضرت معاویه رضی اللہ عنہ روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «سوار خنز و پلنگ نشوید»^{۲، ۳}.

۴۷۹- وعن أبي المليح عن أبيه، رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنْ جُلُودِ السَّبَاعِ أَنْ تُفْتَرَشَ. رواه الترمذی.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۸۳۹)، م (۲۰۷۶)].

۲- حدیثی حسن است که ابوداود [(۴۱۲۹)] و غیر او روایت کرده‌اند.

۳- یعنی از پوست پلنگ بر روی زین و پالان مرکبتان استفاده نکنید و سوار آن نشوید. نباید از نظر دور داشت که نهی از این عمل، حمل بر کراهت تنزیهی شده است - ویراستاران.

۴۷۹. از ابوالملیح از پدرش رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از به کار گرفتن پوست درندگان نهی فرموده‌اند.^۱

۱۲۱- باب ما يقول إذا لبس ثوباً جديداً

باب بیان آنچه که انسان هنگام پوشیدن لباس تازه می‌گوید

۴۸۰- عن أبي سعيد الخُدْري رضي الله عنه قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا استَجَدَّ ثوباً سَمَّاهُ بِاسْمِهِ عِمَامَةً، أَوْ قَمِيصاً، أَوْ رِدَاءً يَقُولُ: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ، أَسْأَلُكَ خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا صُنِعَ لَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ». رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۴۸۰. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی لباسی تازه می‌پوشید، آن را - عمامه بود یا پیراهن یا بالاپوش - نام می‌برد و می‌فرمودند: «بار خدایا! سپاس و ستایش سزاوار توست، تو این (عمامه یا پیراهن یا...) را به من پوشانده‌ای، از تو خیر آن را و خیر آن چیزی را که برای آن ساخته شده است، مسألت می‌کنم و از شر آن و از شر چیزی که برای آن ساخته شده است، به تو پناه می‌برم»^۲.

۱- ابوداود [(۴۱۳۲)] و ترمذی [(۱۷۷۱)] و نسائی [(۱۷۶/۷)] به اسندهایی صحیح روایت کرده‌اند.

۲- ابوداود [(۴۰۲۰)] و ترمذی [(۱۷۶۷)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

بخش پنجم

کتاب آداب خواب

۵- کتاب آداب النوم والاضطجاع والقعود والمجلس

والجلیس والرؤیا

۱۲۲- باب ما یقولہ عند النوم

باب آنچه که هنگام خواب بگوید

۴۸۱- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ، ثُمَّ اضْطَجَعَ عَلَى شِقِّهِ الْأَيْمَنِ حَتَّى يَجِيءَ الْمُؤَذِّنُ فَيُؤَذِّنُهُ. متفق عليه

۴۸۱. از عایشه رضی اللہ عنہا روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شبها یازده رکعت نماز می خواند و وقتی سپیده می دمید، دو رکعت کوتاه می خواند و سپس بر پهلو راستش دراز می کشید تا مؤذن می آمد و (اجتماع و آمادگی مردم برای جماعت را) به ایشان اعلام می کرد.^۱

۴۸۲- وعن حذيفة رضي الله عنه قال: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ وَضَعَ يَدَهُ تَحْتَ خَدِّهِ، ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ أَمُوتُ وَأَحْيَا» وَإِذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ». رواه البخاري.

۴۸۲. و از حذیفه رضی اللہ عنہ روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم شبها وقتی می خواست بخوابد، دست (راست)ش را زیر (طرف راست) صورت خود می گذاشت و سپس می فرمودند: «خدایا! به نام تو می میرم و به نام تو زنده می شوم» و وقتی بیدار می شد، می فرمودند: «سپاس و ستایش برای خدایی است که ما را زنده کرد، بعد از این که میراند و بازگشت به سوی اوست».^۲

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۳۱۰)، م (۷۳۶)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۳۱۲)].

۴۸۳- وعن يَعِيشَ بْنِ طَخْفَةَ الْغَفَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ أَبِي: «يُنَمَّا أَنَا مُضْطَجِعٌ فِي الْمَسْجِدِ عَلَى بَطْنِي إِذَا رَجُلٌ يُحَرِّكُنِي بِرَجْلِهِ فَقَالَ: «إِنَّ هَذِهِ ضِجَّةٌ يُبْغِضُهَا اللَّهُ» قَالَ: فَتَنَظَّرْتُ، فَإِذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. رواه أبو داود بإسنادٍ صحيح.

۴۸۳. و از یعیش بن طخفه غفاری رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: پدرم گفت: یک بار در اثنای آن که در مسجد بر روی شکم دراز کشیده بودم، ناگهان متوجه شدم که مردی با پای خودش مرا حرکت می‌دهد و سپس گفت: «این خوابیدنی است که خداوند آن را مبغوض می‌دارد»، می‌گوید: نگاه کردم، دیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله است.^۱

۴۸۴- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَعَدَ مَقْعَدًا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى فِيهِ، كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى تِرَةٌ، وَمَنْ اضْطَجَعَ مضطجعاً لَا يَذْكُرُ اللَّهَ تَعَالَى فِيهِ كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ تِرَةٌ» رواه أبو داود بإسنادٍ حسن.

۴۸۴. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس در جایی بنشیند که در آن ذکر خدا را نکرده باشد و هر کس در خوابگاهی بخوابد که در آن ذکر خدا را نمی‌کند، آن نشستن و خوابیدن، ضرر و نقص و عاقبت بدی از سوی خدا برای اوست».^۲

(به حدیث شماره: ۵۲ مراجعه شود).

۱- ابوداود [۵۰۴۰] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲- ابوداود [۴۸۵۶] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۱۲۳- باب جواز الاستلقاء على القفا ووضع إحدى الرجلين على الأخرى إذا لم يخف انكشاف العورة وجواز القعود متربعاً ومحتبياً

باب جواز خوابیدن بر پشت و نهادن یک پا روی پای دیگر

اگر ترس نمایان شدن عورت نداشته باشد و نیز جواز چهار زانو نشستن و چمباتمه زدن

۴۸۵- عن عبد الله بن يزيد رضي الله عنه أنه رأى رسول الله صلى الله عليه وسلم مُسْتَلْقِيًا فِي الْمَسْجِدِ وَاضِعًا إِحْدَى رِجْلَيْهِ عَلَى الْأُخْرَى. متفق عليه.

۴۸۵. از عبدالله بن زید رضی الله عنه روایت شده است که او پیامبر صلی الله علیه و آله را در حالی که بر پشت خوابیده و یک پایش را روی پای دیگر نهاده بود، در مسجد دید.^۱

۴۸۶- وعن جابر بن سمرة رضي الله عنه قال: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا صَلَّى الْفَجْرَ تَرَبَّعَ فِي مَجْلِسِهِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ حَسَنَاءَ» حَدِيثٌ صَحِيحٌ، رواه أبو داود وغيره بأسانيد صحيحة.

۴۸۶. و از جابر بن سمره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی نماز صبح را به جای می آورد، در محل خود تا خورشید به زیبایی طلوع می کرد، چهار زانو می نشست.^۲

۴۸۷- وعن قَيْلَةَ بِنْتِ مَخْرَمَةَ رضي الله عنها قالت: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ قَاعِدٌ الْقَرْفَصَاءَ، فَلَمَّا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُتَخَشَّعَ فِي الْجَلْسَةِ أُرْعِدْتُ مِنَ الْفَرَقِ. رواه أبو داود، والترمذي.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۹۶۹)، م (۲۱۰۰)].

۲- حدیثی صحیح است که ابوداود [(۴۸۵۰)] و غیر او به اسنادهایی صحیح روایت کرده اند.

۴۸۷. و از قیله دختر مخرمه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که به حالت قرفصا (پاهایش را جمع کرده و زانوانش را به شکمش چسپانده) بود و وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله را در حال نشستن چنان خاشع دیدم، از ترس بر خود لرزیدم.^۱

۴۸۸- وعن الشَّريد بن سُوَيْدٍ رضي الله عنه قال: مرَّ بِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا جَالِسٌ هَكَذَا، وَقَدْ وَضَعْتُ يَدَيَّ الْيُسْرَى خَلْفَ ظَهْرِي وَاتَّكَأْتُ عَلَى أَلْيَةِ يَدِي فَقَالَ: «أَنْتُمْ عُدَّةُ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۴۸۸. و از شرید بن سوید رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار من گذشت در حالی که چنین نشسته بودم: دست چپم را در پشتم نهاده و بر کف دستم تکیه زده بودم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا مثل نشستن کسانی که خداوند بر آنان غضب گرفته است، می‌نشینی؟!»^۲.

۱- ابوداود [۴۸۴۷] و ترمذی [۲۸۱۵] روایت کرده‌اند.

۲- ابوداود [۴۸۴۷] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۱۲۴- باب فی آداب المجلس والجلیس
باب آداب مجلس و همنشین

۴۸۹- عن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم «لا يُقِيمَنَّ أَحَدُكُمْ رَجُلًا مِنْ مَجْلِسِهِ ثُمَّ يَجْلِسُ فِيهِ، وَلَكِنْ تَوَسَّعُوا وَتَفَسَّحُوا» وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ إِذَا قَامَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ مَجْلِسِهِ لَمْ يَجْلِسْ فِيهِ. متفق عليه.

۴۸۹. از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگز هیچ کدام از شما کسی را از جایش بلند نکند و سپس خود به جای او بنشیند، اما (برای کسانی که می آیند) جا باز کنید و مجلس را وسعت دهید» و عادت ابن عمر رضی الله عنهما چنان بود که اگر مردی برای نشستن او، از جای خود برمی خاست، او در آنجا نمی نشست^۱.

۴۹۰- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَجْلِسٍ ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ» رواه مسلم.

۴۹۰. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی یکی از شما از جایی (- که برای نماز در مسجد و غیره در نظر گرفته است -) برخاست و سپس به آنجا بازگشت، او سزاوارتر به آنجاست»^۲.

۴۹۱- وعن جابر بن سمرة رضي الله عنهما قال: «كُنَّا إِذَا أَتَيْنَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَلَسَ أَحَدُنَا حَيْثُ يَنْتَهِي». رواه أبو داود والترمذي، وقال: حديث حسن.

۴۹۱. از جابر بن سمره رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: ما، هر گاه به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می رفتیم، هر کداممان در جایی که مجلس پایان یافته بود، می نشست^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۲۶۹)، م (۲۱۷۷)].

۲- ابومسلم روایت کرده است؛ [(۲۱۷۹)].

۴۹۲- وعن أبي عبد الله سلمان الفارسي رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَا يَغْتَسِلُ رَجُلٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَيَتَطَهَّرُ مَا اسْتَطَاعَ مِنْ طَهْرٍ، وَيَدَّهْنُ مِنْ ذَهَبٍ، أَوْ يَمَسُّ مِنْ طِيبٍ بَيْنَهُ ثُمَّ يَخْرُجُ، فَلَا يُفَرِّقُ بَيْنَ اثْنَيْنِ، ثُمَّ يُصَلِّي مَا كُنِبَ لَهُ، ثُمَّ يُنْصِتُ إِذَا تَكَلَّمَ الْإِمَامُ، إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الْأُخْرَى». رواه البخاري.

۴۹۲. از ابو عبدالله سلمان فارسی رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر مردی در روز جمعه غسل کند و تا آنجا که می تواند، خود را آراسته و پاکیزه کند و (مویش را) از روغن خود، روغن بزند و از عطری که در خانه دارد، خود را معطر سازد و سپس از خانه خارج شود و (به مسجد بیاید) و دو نفر را از هم جدا نکند و آن گاه آنچه را از نماز بر او فرض شده است، انجام دهد و سپس هنگامی که امام صحبت می کند، ساکت شود، تمام گناهان و اشتباهات او (در صورتی که کبیره یا حقوق مردم نباشد) تا جمعه ای دیگر آمرزیده می شود»^۲.

۴۹۳- وعن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لَا يَحِلُّ لِرَجُلٍ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنَ اثْنَيْنِ إِلَّا يَذْنِبَهُمَا» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۴۹۳. از عمرو بن شعیب، از پدرش از جدش رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای هیچ مردی حلال و جایز نیست که بدون اجازه، بین دو نفر (برای آن که خود بنشیند)، جدایی اندازد»^۳.

۴۹۴- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ جَلَسَ فِي مَجْلِسٍ فَكَثُرَ فِيهِ لَعَطُهُ فَقَالَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ ذَلِكَ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ: إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا كَانَ فِي مَجْلِسِهِ ذَلِكَ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۱- ابوداود [۴۸۲۵] و ترمذی [۲۷۲۶] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۸۸۳].

۳- ابوداود [۴۸۲۵] و ترمذی [۲۷۵۳] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۴۹۴. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس در مجلسی بنشیند و سخنش در آن بسیار شود - سخنی که از آن خیر آخرت متصور نیست - و قبل از آن که از آن مجلس برخیزد، بگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ» = «خدایا! پاک و منزّه تویی و به سپاس و ستایش تو می‌پردازم، شهادت می‌دهم که جز تو خدایی نیست، از تو آمرزش می‌طلبم و به درگاه تو، توبه می‌نمایم» تمام اشتباهاتی که در آن مجلس از او صادر شده است، بخشیده می‌شود»^۱.

۴۹۵- وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قَلَّمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُومُ مِنْ مَجْلِسٍ حَتَّى يَدْعُو بِهَؤُلَاءِ الدَّعَوَاتِ: «اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا تَحُولُ بِهِ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتِكَ، وَمِنَ الْيَقِينِ مَا تَهْوُنُ بِهِ عَلَيْنَا مَصَائِبَ الدُّنْيَا. اللَّهُمَّ مَتَّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَفُؤَاتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا، وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَأْرَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا، وَانصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَلَا تَبْلُغْ عَلَمِنَا، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۴۹۵. از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: بسیار کم اتفاق می‌افتاد که پیامبر صلی الله علیه و آله از مجلسی برخیزد و به این دعاها، دعا نکند:

«اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا...» = «پروردگارا! خشیت و خوف خودت را به اندازه‌ای نصیب ما کن که میان ما و نافرمانی تو حایل شود و از طاعت خودت آن اندازه را قسمت کن که ما را به بهشت تو برساند و از یقین، آن مقدار را نصیب ما کن که با آن مصایب دنیا را بر ما آسان گرداند؛ بارخدایا! تا وقتی که ما را زنده می‌داری، از گوش‌ها و چشم‌ها و نیروی خودمان برخوردارمان ساز و آن را وارث ما قرار ده (چنان که بعد از مرگ ما از بین برود نه قبل از مرگمان) و چنان کن که انتقام و خونخواهی ما از کسی باشد که به ما ظلم کرده است و ما را بر کسی که با ما دشمنی کرده، پیروز گردان و مصیبتمان را در دینمان قرار نده و دنیا را بزرگ‌ترین

۱- ترمذی [۳۴۲۹] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

هدف ما نگردان و آن را نهایت دانش و علم ما نساز و کسی را بر ما مسلط نکن که به ما رحم نمی‌کند»^۱.

۴۹۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ تَعَالَى فِيهِ وَلَمْ يُصَلُّوا عَلَى نَبِيِّهِمْ فِيهِ إِلَّا كَانَ عَلَيْهِمْ تَرَةٌ، فَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهُمْ، وَإِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُمْ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۴۹۶. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر گروهی در مجلسی بنشینند که در آن خدا را ذکر نکرده و بر پیامبرشان درود نفرستاده باشند، یقیناً آن مجلس، سوءعاقبت و نقص و ضرری (از سوی خدا) برای آنها خواهد بود، و خدا اگر خواست آنان را عذاب می‌دهد و اگر خواست آنان را می‌آمرزد»^۲.

(به حدیث شماره: ۴۸۴ مراجعه شود).

۱- ترمذی [۳۴۹۷] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- ترمذی [۳۳۷۷] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۱۲۵- باب الرؤيا وما يتعلق بها
باب بيان رؤيا و آنچه به آن تعلق دارد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ﴾ (الروم / ۲۳)

«و از نشانه های (قدرت و عظمت) خدا، خواب شما در شب و روز است».

۴۹۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَمْ يَبْقَ مِنَ النَّبُوءَةِ إِلَّا الْمُبَشِّرَاتُ» قَالُوا: وَمَا الْمُبَشِّرَاتُ؟ قَالَ: «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ» رواه البخاري.

۴۹۷. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «از نبوت چیزی جز مبشرات (مژده دهنده ها) باقی نمانده است»، گفتند: مبشرات چیست؟ فرمودند: «رؤیای صالحه و درست»^۱.

۴۹۸- وعنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا اقْتَرَبَ الزَّمَانُ لَمْ تَكْذُ رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ تَكْذِبُ، وَرُؤْيَا الْمُؤْمِنِ جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءَةِ» متفق عليه. وفي رواية: «أَصْدَقُكُمْ رُؤْيَا: أَصْدَقُكُمْ حَدِيثًا».

۴۹۸. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی زمان قیامت نزدیک شود (و به قولی، وقتی شب و روز یکسان شود و به قولی، وقتی اجل انسان نزدیک شود)، رؤیای مؤمن هیچگاه دروغ نیست و رؤیای مؤمن جزئی از چهل و شش جزء نبوت است»^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۹۹۰].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۷۰۱۷)، م (۲۲۶۳)].

در روایتی دیگر آمده است: «صادق‌ترین و راستگوترین شما، صاحب راست و درست‌ترین رؤیاست».

۴۹۹- وعن أبي قتادة رضي الله عنه قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «الرؤيا الصالحة - وفي رواية: الرؤيا الحسنة - من الله، والحلم من الشيطان، فمن رأى شيئاً يكرهه فلينفث عن شماله ثلاثاً، وليتعوذ من الشيطان فإنها لا تضره» متفق عليه.

۴۹۹. و از ابوقتاده رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «رؤیای صالحه - و در روایتی دیگر: رؤیای حسنه - از طرف خداست و خواب پریشان از شیطان است، پس هر کس چیزی را در خواب دید که ناخوشایند می‌دارد، از طرف چپ خود سه بار (بدون آب دهن)، تف و فوت کند و از شر شیطان به خدا پناه ببرد (با زبان و قلب أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بگویند) که آن خواب به او ضرری نمی‌رساند»^۱.

۵۰۰- وَعَنْ وَائِلَةَ بِنِ الْأَسْفَعِ رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ مِنْ أَكْثَرِ الْفَرَى أَنْ يَدْعِيَ الرَّجُلُ إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ، أَوْ يُرِيَ عَيْنُهُ مَا لَمْ تَرَ، أَوْ يَقُولَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا لَمْ يَقُلْ» رواه البخاري.

۵۰۰. و از وائله بن الأسقع رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از بزرگ‌ترین دروغ‌ها، آن است که مردی ادعا کند و خود را به غیر پدرش نسبت دهد یا چیزی را که چشمش ندیده است، چنان نشان دهد که دیده است (خواب دروغ بازگو کند) و یا چیزی از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کند که ایشان نفرموده است»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۹۸۴)، م (۲۲۶۱)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۳۵۰۹)].

بخش ششم

کتاب سلام

۶- کتاب السلام

۱۲۶- باب فضل السلام والأمر بإفشاءه

باب فضیلت سلام و امر به اشاعه ی آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا
وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا﴾ (نور / ۲۷)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وارد خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان نشوید تا زمانی که اجازه بگیرید و بر ساکنان آن سلام کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَرَكَةً طَيِّبَةً﴾ (نور / ۶۱)

«هر وقت داخل خانه‌ای شدید، بر همدیگر سلام کنید، سلام پربرکت و پاکی که از جانب خداست (و بدان پاداش داده می‌شود)».

و قال تعالى:

﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا﴾ (النساء / ۸۶)

«هرگاه به شما درودی فرستادند، به گونه‌ای بهتر و زیباتر و بهتر از آن درود بفرستید یا به همانند آن، آن را پاسخ گوید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِ ۖ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا ۖ قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ﴾ (الذاریات / ۲۴-۲۷)

«ای پیامبر ﷺ! آیا خبر مهمانان بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ وقتی که وارد شدند و گفتند: سلام! گفت: سلام بر شما! مردمی ناشناسید».

۵۰۱- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْإِسْلَامِ خَيْرٌ؟ قَالَ «تُطْعِمُ الطَّعَامَ، وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ». متفق عليه.

۵۰۱. و از عبدالله بن عمرو بن عاص -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: مردی از پیامبر ﷺ سؤال کرد: کدام خصلت اسلام بهتر است؟ فرمودند: «خوراک به دیگران بدهی و بر هر کس که می شناسی و نمی شناسی سلام کنی»^۱.

۵۰۲- وعن البراء بن عازب رضي الله عنهما قَالَ: أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِسَبْعٍ: «بِعِيَادَةِ الْمَرِيضِ، وَاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ، وَتَشْمِيتِ الْعَاطِسِ، وَنَصْرِ الضَّعِيفِ، وَعَوْنِ الْمَظْلُومِ، وَإِفْشَاءِ السَّلَامِ، وَإِبْرَارِ الْمُقْسِمِ» متفق عليه.

۵۰۲. و از براء بن عازب -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ ما را به انجام دادن هفت چیز امر فرمودند:

ما را امر کرد به: (۱) عیادت مریض؛ (۲) تشییع جنازه؛ (۳) دعای خیر کردن برای کسی که عطسه می کند؛ (۴) یاری دادن ناتوان؛ (۵) همکاری با مظلوم؛ (۶) انتشار سلام (با بلند و زیاد گفتن آن) (۷) به جای آوردن قسم کسی که قسم یاد می کند^۲.

(به حدیث شماره: ۲۴۵ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۲)، م (۳۹)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۲۳۹)، م (۲۰۶۶)]. آنچه در متن آمده است، لفظ یکی از روایت های بخاری است.

۱۲۷- باب كيفية السلام

باب چگونگی سلام

يُسْتَحَبُّ أَنْ يَقُولَ الْمُتَبَدِّئُ بِالسَّلَامِ: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». فَيَأْتِ بِضَمِيرِ الْجَمْعِ، وَإِنْ كَانَ الْمُسَلَّمُ عَلَيْهِ وَاحِدًا، وَيَقُولُ الْمُجِيبُ: «وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»، فَيَأْتِي بِوَائِ الْعَطْفِ فِي قَوْلِهِ: «وَعَلَيْكُمْ».

مستحب است که آغاز کننده‌ی سلام بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». (سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد)، و ضمیر جمع «کُم» بیاورد هرچند طرفی که بر او سلام می‌شود یک نفر باشد؛ و جواب دهنده بگوید: «وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» (و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد) و در جوابش، واو عطف بیاورد: «وعلیکم».

۵۰۳- عن عمران بن حصين رضي الله عنهما قال: جاء رجلٌ إلى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، فَرَدَّ عَلَيْهِ ثُمَّ جَلَسَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَشْرٌ» ثُمَّ جَاءَ آخَرُ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ، فَرَدَّ عَلَيْهِ فَجَلَسَ، فَقَالَ: «عَشْرُونَ»، ثُمَّ جَاءَ آخَرُ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، فَرَدَّ عَلَيْهِ فَجَلَسَ، فَقَالَ: «ثَلَاثُونَ». رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن.

۵۰۳. از عمران بن حصین - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: السلام علیکم، پیامبر صلی الله علیه و آله جواب سلام او را داد و مرد نشست، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ده (ده حسنه پاداش برد)» سپس دیگری آمد و گفت: السلام علیکم ورحمة الله، پیامبر صلی الله علیه و آله جواب سلام او را نیز داد و مرد نشست، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بیست (بیست حسنه پاداش برد)» و سپس یکی دیگر آمد و گفت: السلام علیکم ورحمة الله و بركاته، ایشان، جواب سلام او را هم داد و سپس

مرد نشست و پیامبر ﷺ فرمودند: «سی (سی حسنه پاداش برد) ^۱» (زیرا السلام علیکم، یک حسنه، رحمة الله یک حسنه، و برکاته، یک حسنه است و هر حسنه، ده برابر پاداش دارد).

۵۰۴- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «هَذَا جِبْرِيلُ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ» قَالَتْ: قُلْتُ: وَعَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. متفق عليه.

۵۰۴. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ به من فرمودند: «این جبرئیل است و به تو سلام می کند»، گفتیم: وَعَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ (سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد) ^۲.

۵۰۵- وعن المقداد رضي الله عنه في حديثه الطويل قال: كُنَّا نَرْفَعُ لِلنَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نَصِيئَهُ مِنَ اللَّبَنِ فَيَجِيئُ مِنَ اللَّيْلِ فَيُسَلِّمُ تَسْلِيمًا لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَيُسْمِعُ الْيَقْظَانَ، فَجَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَلَّمَ كَمَا كَانَ يُسَلِّمُ... رواه مسلم.

۵۰۵. از مقداد - رضی الله عنه - در حدیث طولانی او روایت شده است که فرمود: ما سهم شیر پیامبر ﷺ را برایشان برمی داشتیم و ایشان در شب می آمد و سلامی می کرد که خوابیده را بیدار نمی کرد و به بیداران می شنواید، سپس پیامبر ﷺ آمد و مانند سابق سلام کرد و...

۵۰۶- عن أسماء بنت يزيد رضي الله عنها أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ فِي الْمَسْجِدِ يَوْمًا وَعُصْبَةٌ مِنَ النِّسَاءِ قُعُودٌ فَأَلْوَى بِيَدِهِ بِالتَّسْلِيمِ. رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

وَهَذَا مَحْمُولٌ عَلَى أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَمَعَ بَيْنَ اللَّفْظِ وَالْإِشَارَةِ، وَيُؤَيِّدُهُ أَنَّ فِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ: «فَسَلَّمَ عَلَيْنَا».

۱- ابوداود [(۵۱۵۹)] و ترمذی [(۲۶۹۰)] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۳۷۶۸)، م (۲۴۴۷)].

۵۰۶. از «اسماء دختر یزید» - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله روزی از میان مسجد گذشت در حالی که عده‌ای از زنان نشسته بودند و ایشان با بلند کردن دست (به زنان) سلام کرد.^۱

و این حمل بر آن شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله لفظ و اشاره را با هم جمع کرده است، و روایت ابوداود: «پس بر ما سلام کرد»، این امر را تأیید می‌کند.^۲

۱۲۸- باب آداب السلام

باب آداب سلام

۵۰۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «يُسَلِّمُ الرَّكَبُ عَلَى الْمَاشِي، وَالْمَاشِي عَلَى الْقَاعِدِ، وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ» متفق عليه. وفي رواية البخاري: «وَالصَّغِيرُ عَلَى الْكَبِيرِ».

۵۰۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سوار بر پیاده و پیاده بر نشسته و گروه کم‌تر بر گروه بیشتر، سلام دهند».^۳

در روایتی دیگر از بخاری آمده است: «و کوچک بر بزرگ».

۵۰۸- عن أبي أمامة رضي الله عنه قيل: يا رسول الله، الرجلان يلتقيان أيُّهُمَا يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ، قَالَ: «أَوَّلَاهُمَا بِاللَّهِ تَعَالَى». قال الترمذي: حديث حسن.

۵۰۸. از ابوامامه رضی الله عنه روایت شده است که گفته شد: ای رسول خدا! دو مرد همدیگر را ملاقات می‌کنند، کدام یک از آنان اول سلام کند؟ فرمودند: «سزاوارترین آن دو به (رحمت و قرب) خدا».^۴

۱- ترمذی [(۲۶۹۸)] روایت کرده است و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- [(۵۲۰۴)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۶۲۳۱)، م (۲۱۶۰)].

۴- [(۲۶۹۵)]؛ ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۱۲۹- باب استحباب إعادة السلام على من تكرر لقاءه على
قرب بأن دخل ثم خرج ثم دخل في الحال ، أو حال بينهما
شجرة ونحوها

**باب استحباب اعاده‌ی سلام بر کسی که دیدارش
تکرار شود به این صورت که داخل و سپس خارج و
آن گاه زود داخل گردد یا درختی و چیزی مانند
آن، در میان آن دو حایل شود**

۵۰۹- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا لَقِيَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُسَلِّمْ عَلَيْهِ، فَإِنْ خَالَتَ بَيْنَهُمَا شَجَرَةٌ أَوْ جِدَارٌ أَوْ حَجَرٌ ثُمَّ لَقِيَهِ فَلْيُسَلِّمْ عَلَيْهِ»
رواه أبو داود.

۵۰۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر وقت یکی از شما با برادر (دینی یا نسبی) ش دیدار کرد، به او سلام کند و اگر بین ایشان درخت یا دیوار و یا سنگی حایل شد و سپس با او دیدار کرد، دوباره به او سلام کند»^۱.

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [(۵۲۰۰)].

۱۳۰- باب استحباب السلام إذا دخل بيته
باب استحباب سلام در وقتی که انسان به خانه‌ی خود
داخل می‌شود

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ خَيْرٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةٌ طَيِّبَةٌ ﴾

(نور / ۶۱)

«هر وقت داخل خانه‌ای شدید، بر همدیگر سلام کنید، سلام پربرکت و پاکی که از جانب خداست (و بدان پاداش داده می‌شود)».

۵۱۰- وعن أنس رضي الله عنه قال: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «يَا بُنَيَّ، إِذَا دَخَلْتَ عَلَى أَهْلِكَ فَسَلِّمْ يَكُنْ بَرَكَهٌ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۵۱۰. و از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمودند: «ای فرزندم! هر وقت بر اهل خانه‌ی خود وارد شدی، سلام کن که آن برای تو و خانواده‌ات خیر و برکتی خواهد شد»^۱.

۱۳۱- باب السلام على الصبيان
باب سلام بر کودکان

(به حدیث شماره: ۳۵۹ مراجعه شود).

۱- ترمذی [۲۶۹۹] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۱۳۲- باب سلام الرجل على زوجته والمرأة من محارمه وعلى
أجنبية وأجنبيات لا يخاف الفتنة بهن وسلامهن بهذا الشرط
باب سلام مرد بر زن خود و زنان محرم دیگرش و بر
زن یا زنان بیگانه‌ای که از سلام بر آنان، خوف فتنه
ندارد و سلام زنان به مردان بیگانه بر همین شرط

۵۱۱- عن سهل بن سعد رضي الله عنه قَالَ: كَانَتْ فَيْنَا امْرَأَةً فِي رَاوِيَةِ: - كَانَتْ لَنَا عَجُوزٌ
تَأْخُذُ مِنْ أُصُولِ السَّلَقِ فَتَطْرَحُهُ فِي الْقَدْرِ وَتُكَرِّرُ حَبَاتٍ مِنْ شَعِيرٍ، فَإِذَا صَلَّيْنَا الْجُمُعَةَ
وَانْصَرَفْنَا نُسَلِّمُ عَلَيْهَا فَتَقْدُمُهُ إِلَيْنَا. رواه البخاري.

۵۱۱. و از سهل بن سعد - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: در میان ما زنی
بود - و در روایتی دیگر: پیرزنی داشتیم - که مقداری چغندر (لببو) را می‌آورد و
آن را در دیگ می‌ریخت و دانه‌های جو را آرد می‌کرد (و بر آن می‌پاشید)، وقتی
نماز جمعه را می‌خواندیم و برمی‌گشتیم، بر او سلام می‌کردیم و او، آن غذا را پیش
ما می‌آورد.^۱

۵۱۲- وعن أم هانئ فاختة بنت أبي طالب رضي الله عنها قَالَتْ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ يَوْمَ الْفَتْحِ وَهُوَ يَغْتَسِلُ وَفَاطِمَةُ تَسْتُرُهُ بِثَوْبٍ، فَسَلَّمْتُ. وَذَكَرْتُ الْحَدِيثَ. رواه مسلم.

۵۱۲. و از ام هانی فاخته دختر ابوطالب - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: در
«روز فتح مکه» نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم و ایشان شستشو و غسل می‌کرد و فاطمه -
رضی الله عنها - او را با پارچه‌ای می‌پوشاند؛ سلام کردم... و بقیه‌ی حدیث را روایت
می‌کند.^۲

(به حدیث شماره: ۵۰۶ مراجعه شود).

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۲۴۸].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۸۰)، م (۳۳۶)].

۱۳۳. باب استحباب السلام إذا قام من المجلس و فارق جلساءه

أو جلسه

باب استحباب سلام وقتی که شخص از مجلس بلند

شود و همنشینان و همنشینش را ترک کند

۵۱۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إذا انتهی أحدکم إلى المجلس فليسلم، فإذا أراد أن يقوم فليسلم، فليست الأولى بأحق من الآخرة» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۵۱۳. و از ابوهریره - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هرگاه یکی از شما به میان مجلس رفت، سلام کند و هنگامی که برخاست، باز سلام کند که سلام اول شایسته‌تر و بهتر از سلام آخری نیست (و هر دو در سنت بودن و ثواب، با هم برابرند)»^۱.

۱۳۴. باب الاستئذان و آدابه

باب اجازه گرفتن و آداب آن

قال الله تعالى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا

وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا﴾ (نور / ۲۷)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وارد خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان نشوید تا زمانی که اجازه بگیرید و بر ساکنان آن سلام کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

۱- ابوداود [۵۲۰۸] و ترمذی [۲۷۰۷] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَعِذُوا كَمَا أَسْتَعِذَنَّ الَّذِينَ مِنْ

قَبْلِهِمْ﴾ (نور / ۵۹)

«هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند، باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بوده‌اند، اجازه گرفته‌اند».

۵۱۴- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الاسْتِئْذَانُ ثَلَاثٌ، فَإِنْ أُذِنَ لَكَ وَإِلَّا فَارْجِعْ، متفق عليه».

۵۱۴. و از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اجازه گرفتن سه مرتبه است، اگر به تو اجازه داده شد (داخل شو)، وگرنه بازگرد»^۱.

۵۱۵- وعن سهل بن سعد رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «إِنَّمَا جُعِلَ الْاسْتِئْذَانُ مِنْ أَجْلِ الْبَصَرِ» متفق عليه.

۵۱۵. و از سهل بن سعد - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اجازه گرفتن، تنها به خاطر چشم (و جلوگیری از دیدن چیزهایی که نهی شده) مقرر شده است»^۲.

۵۱۶- عن كِلْدَةَ بْنِ الْحَنْبَلِ رضي الله عنه قال: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ وَلَمْ أُسَلِّمْ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ارْجِعْ فَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، أَدْخُلْ؟» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۵۱۶. از کلدۀ بن حنبل - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و وارد شدم و سلام نکردم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بازگرد و بگو: السلام عليكم، آیا داخل شوم؟»^۳.

۱- متفق عليه است: [خ (۶۲۵۴)، م (۲۱۵۳)].

۲- متفق عليه است: [خ (۶۲۴۱)، م (۲۱۵۶)].

۳- ابوداود [۵۱۷۶] و ترمذی [۲۷۱۱] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۱۳۵. باب بیان آن‌السنة إذا قيل للمستأذن: من أنت؟ يقول: فلان فيسمى نفسه بما يعرف به من اسم أو كنية وكرهه قوله «أنا» ونحوها

باب بیان آن که سنت، آن است که وقتی به اجازه گیرنده گفته شد: تو کیستی؟ بگوید: فلانم و خود را به چیزی که بدان شناخته می‌شود، از نام یا کنیه (شهرت) نام ببرد و کراهت آن که در جواب بگوید: «منم» و یا کلماتی از این قبیل

۵۱۷- وعن أم هانئ رضي الله عنها قالت: أتيت النبي صلى الله عليه وسلم وهو يغتسل وفاطمة تسترهُ فقال: «من هذه»، فقلت: أنا أم هانئ. متفق عليه.

۵۱۷. از ام هانی - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم و ایشان شستشو و غسل می‌کرد و فاطمه - رضی الله عنها - او را می‌پوشاند؛ فرمودند: «این زن کیست؟ گفتم: منم ام هانی»^۱.

۵۱۸- وعن جابر رضي الله عنه قال: أتيت النبي صلى الله عليه وسلم فدفقت الباب، فقال: «من هذا؟» فقلت: أنا، فقال: «أنا، أنا!» كأنه كرهها. متفق عليه.

۵۱۸. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم و در را زدم، فرمودند: «(پشت در) کیست؟» گفتم: منم، فرمودند: «منم، منم!!» مثل این که از آن (طرز جواب من) خوش نیامد^۲ و^۳.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۸۰)، م (۳۳۶)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۶۲۵۹)، م (۲۱۵۵)].

۳- علمای اسلامی، برای این‌که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله از آن جواب خوشش نیامد، دلالی ذکر کرده‌اند؛ از جمله این که کلمه‌ی «من» در این‌جا مفید فایده‌ای نیست و شخص را نمی‌شناساند و دیگر این‌که ممکن است نشانی از تکبر و خودخواهی با خود داشته باشد - ویراستاران.

۱۴۲. باب استحباب تشمیت العاطس إذا حمد الله تعالى وكرهة تشميته إذا لم

يحمد الله تعالى وبيان آداب التشميت والعطاس والتثاؤب

باب استحباب دعا برای عطسه کننده، اگر الحمد لله بگوید و کراهت دعا برای او اگر حمد خدای را به جای نیاورد و بیان آداب دعا برای عطسه زننده و آداب عطسه و خمیازه

۵۱۹- عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلْيَقُلْ لَهُ أَخُوهُ أَوْ صَاحِبُهُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ. فَإِذَا قَالَ لَهُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ، فَلْيَقُلْ: يَهْدِيكُمُ اللَّهُ وَيُصْلِحُ بَالَكُمْ» رواه البخاري.

۵۱۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه یکی از شما عطسه کرد، بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و برادر یا دوستش، به او بگوید: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ» (خداوند بر تو رحم کند) و چون (دوست) او به او «يَرْحَمُكَ اللَّهُ» گفت، شخص عطسه کننده بگوید: «يَهْدِيكُمُ اللَّهُ وَيُصْلِحُ بَالَكُمْ» (خداوند شما را هدایت و احوالتان را اصلاح کند)¹.

۵۲۰- وعن أبي موسى رضي الله عنه، قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: «إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَحَمِدَ اللَّهَ فَشَمَّتُوهُ، فَإِنْ لَمْ يَحْمِدِ اللَّهَ فَلَا تُشَمَّتُوهُ» رواه مسلم.

۵۲۰. و از ابوموسی - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هرگاه یکی از شما عطسه کرد و سپاس و ستایش خداوند را به جای آورد، (یعنی: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» گفت) او را با دعای خیر خود جواب دهید (یعنی: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ» بگویید) و اگر حمد خدای را به جای نیاورد، برایش دعای خیر نکنید»².

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۲۲۴].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۹۹۲].

۵۲۱- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا عَطَسَ وَضَعَ يَدَهُ أَوْ ثَوْبَهُ عَلَى فِيهِ، وَخَفَضَ - أَوْ غَضَّ - بِهَا صَوْتَهُ. شَكََّ الراوي. رواه أبوداود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۵۲۱. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هر وقت عطسه می‌کرد، دست یا لباسش را بر دهانش می‌گذاشت، و بدین وسیله صدای عطسه‌ی خود را پنهان می‌کرد - پایین می‌آورد - راوی (در بین پایین آوردن یا پنهان کردن) شک کرده است^۱ و^۲.

۵۲۲- وعن أبي موسى رضي الله عنه قال: «كَانَ الْيَهُودُ يَتَغَاطِسُونَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَرْجُونَ أَنْ يَقُولَ لَهُمْ: يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ، فَيَقُولُ: يَهْدِيكُمُ اللَّهُ وَيُصْلِحَ بَالَكُمْ» رواه أبوداود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۵۲۲. و از ابوموسی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: یهودی‌ها نزد پیامبر صلی الله علیه و آله عطسه می‌کردند، به امید این که به آنان بفرماید: «يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ» (خداوند بر شما رحم کند)، اما پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: «يَهْدِيكُمُ اللَّهُ وَيُصْلِحَ بَالَكُمْ» (خداوند شما را هدایت و احوال شما را اصلاح کند)^۳.

۵۲۳- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا تَنَاءَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيُمْسِكْ بِيَدِهِ عَلَى فِيهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَدْخُلُ» رواه مسلم.

۵۲۳. و از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی که یکی از شما خمیازه کشید، دستش را بر دهان خود بگذارد، زیرا شیطان (از آن راه) داخل می‌شود»^۴.

۱- ابوداود [۵۰۲۹] و ترمذی [۲۷۴۶] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- این عمل یکی از توصیه‌های اکید بهداشت فردی در جهان جدید است - ویراستاران.

۳- ابوداود [۵۰۳۸] و ترمذی [۲۷۴۰] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۴- مسلم روایت کرده است؛ [۶۲۶۳].

۱۳۷- باب استحباب المصافحة عند اللقاء وبشاشة الوجه وتقبيل يد الرجل الصالح وتقبيل ولده شفقة ومعانقة القادم من سفر وكرهية الانحناء

باب بیان استحباب مصافحه و خوشرویی هنگام دیدار و بوسیدن دست مرد صالح و بوسیدن فرزند از روی مهر و معانقه با کسی که از سفر می آید و مکروه بودن خم شدن

۵۲۴- وعن البراء رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ مُسْلِمَيْنِ يَلْتَقِيَانِ فَيَتَصَافَحَانِ إِلَّا غُفِرَ لَهُمَا قَبْلُ أَنْ يَفْتَرِقَا» رواه أبو داود.

۵۲۵. از براء - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ دو مسلمانی نیستند که به هم برسند و با هم مصافحه کنند، جز آن که پیش از جدا شدن از همدیگر، گناهانشان آمرزیده می شود»^۱.

۵۲۵- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رجل: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الرَّجُلُ مِمَّا يَلْقَى أَخَاهُ أَوْ صَدِيقَهُ أَيْنَحْنِي لَهُ؟ قَالَ: «لَا» قَالَ: أَفِيَلْتَرِمُهُ وَيُقَبِّلُهُ؟ قَالَ: «لَا» قَالَ: فَيَأْخُذُ بِيَدِهِ وَيُصَافِحُهُ؟ قَالَ: «نَعَمْ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۵۲۵. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: مردی گفت: ای رسول خدا! شخصی از ما با برادر یا دوستش ملاقات می کند، آیا در مقابل او خم شود؟ فرمودند: «نه»، گفت: آیا او را در آغوش بگیرد و ببوسد؟ فرمودند: «نه»، گفت: آیا دستش را بگیرد و با او مصافحه کند؟ فرمودند: «بله»^۲.

۵۲۶- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَدِمَ زَيْدُ بْنُ حَارِثَةَ الْمَدِينَةَ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَيْتِي، فَأَتَاهُ فَقَرَعَ الْبَابَ، فَقَامَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَجُرُّ ثَوْبَهُ فَأَعْتَقَهُ وَقَبَّلَهُ. رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [۵۲۱۲].

۲- ترمذی [۲۷۲۹] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۵۲۶. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: زید بن حارثه (از سفرش) به مدینه بازگشت و (آن روز) پیامبر صلی الله علیه و آله در حجره‌ی من بود، زید نزد او آمد و در را کوبید و پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و در حالی که لباسش را به دنبال خود می‌کشید به طرف او رفت، و با او معانقه کرد و او را بوسید.^۱

۵۲۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قَبِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ رضي الله عنهما، فَقَالَ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ: إِنَّ لِي عَشْرَةَ مِنَ الْوَلَدِ مَا قَبِلْتُ مِنْهُمْ أَحَدًا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ لَا يَرْحَمَ لَا يُرْحَمَ» متفق عليه.

۵۲۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله حسن بن علی - رضی الله عنه - را بوسید، «اقرع بن حابس» گفت: من ده فرزنددارم که هرگز هیچ کدام از آنها را نبوسیده‌ام، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس رحم نکند، به او رحم نمی‌شود».^۲
(به حدیث شماره: ۷۷ مراجعه شود).

۱- ترمذی [۲۷۳۳] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- متفق علیه است، [خ (۵۹۹۷)، م (۲۳۱۹)].

بخش هفتم

کتاب عیادت مریض

۷- کتاب عیادة المريض وتشیيع المیت والصلاة

علیه وحضور دفنه والمکث عند قبره بعد دفنه

۱۳۸- باب الأمر بالعیادة وتشیيع المیت

باب امر به عیادت مریض و تشیيع جنازه میت

۵۲۸- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إن الله عز وجل يقول يوم القيامة: يا ابن آدم، مرضت فلم تعدني! قال: يا رب، كيف أعودك وأنت رب العالمين؟! قال: أما علمت أن عبدي فلاناً مرض فلم تعده! أما علمت أنك لو عدته لوجدتني عنده! يا ابن آدم، استطعمتك فلم تطعمني! قال: يا رب، كيف أطعمك وأنت رب العالمين؟! قال: أما علمت أنه استطعمك عبدي فلاناً فلم تطعمه! أما علمت أنك لو أطعمته لوجدت ذلك عندي! يا ابن آدم، استسقيتك فلم تسقني! قال: يا رب، كيف أسقيك وأنت رب العالمين؟! قال: استسقاك عبدي فلاناً فلم تسقه! أما علمت أنك لو سقيته لوجدت ذلك عندي!» رواه مسلم.

۵۲۸. از ابوهریره - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «خداوند بزرگ و صاحب عظمت در روز قیامت (به بنده اش) می فرماید: ای فرزند آدم! بیمار شدم و مرا عیادت نکردی! جواب می دهد: پروردگارا! چگونه من از تو عیادت کنم در حالی که تو پروردگار عالمیان هستی؟ می فرماید: مگر ندانستی که فلان بنده ای من مریض است و عیادتش نکردی؟ مگر نمی دانستی که اگر به عیادتش می رفتم، مرا نزد او می یافتی؟! ای فرزند آدم! از تو طعام خواستم، به من طعام ندادی! می گوید: ای پروردگارا! من چگونه به تو طعام دهم در حالی که تو پروردگار عالمیان هستی؟! می فرماید: مگر نمی دانی که فلان بنده ای من از تو درخواست طعام کرد و به او ندادی و اگر او را طعام می دادی، پاداش آن را نزد من می یافتی؟ ای فرزند آدم! از تو طلب آب کردم و به من آب ندادی! می گوید: پروردگارا! چگونه

من به تو آب دهم در حالی که تو پروردگار عالمیان هستی؟ می فرماید: فلان بنده‌ی من از تو آب خواست و به او ندادی، مگر نمی دانی که اگر او را سیراب می نمودی، پاداش آن را نزد من می یافتی؟^۱

۵۲۹- وعن ثوبان رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا عَادَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، لَمْ يَزَلْ فِي خُرْفَةِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرْجِعَ» قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا خُرْفَةُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: «جَنَاهَا» رواه مسلم.

۵۲۹. از ثوبان رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شخص مسلمان، هر وقت برادر مسلمان (بیمار) خود را عیادت کند، تا وقتی که (به خانه‌ی خود) برمی گردد، هم چنان در خرفه‌ی بهشت است». گفته شد: ای رسول خدا! خرفه‌ی بهشت چیست؟ فرمودند: «چیدن و استفاده از میوه‌ها و نعمت‌های بهشت است (یعنی ثواب این کار، چنان است که گویی عیادت کننده از هم اکنون به بهشت رفته است)»^۲.

۵۳۰- وعن أنس، رضي الله عنه، قَالَ: كَانَ غُلَامٌ يَهُودِيٌّ يَخْدُمُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَمَرَضَ فَأَتَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعُودُهُ، فَقَعَدَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَقَالَ لَهُ: «أَسْلِمَ» فَنَظَرَ إِلَى أَبِيهِ وَهُوَ عِنْدَهُ؟ فَقَالَ: أَطْعَمَ أَبَا الْقَاسِمِ، فَأَسْلَمَ، فَخَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَهُوَ يَقُولُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْقَذَهُ مِنَ النَّارِ». رواه البخاري.

۵۳۰. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پسری یهودی بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله خدمت می کرد و مریض شد، پیامبر صلی الله علیه و آله به عیادت او رفت و بر بالینش نشست و به او گفت: «مسلمان شو!» پسر به پدرش که پیش او بود نگاه کرد، پدر گفت: از ابوالقاسم (پیامبر صلی الله علیه و آله) اطاعت کن! پسر اسلام آورد و پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آمد در حالی که می فرمودند: «سپاس و ستایش سزاوار خداوندی است که او را از آتش (عذاب) نجات داد»^۳. (به حدیث شماره: ۱۵۹ و ۵۰۲ مراجعه شود)

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۶۹].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۶۸].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [۱۳۵۶].

۱۳۹- باب ما يدعى به للمريض
باب آن چه که با آن برای مریض دعا می شود

۵۳۱- عن عائشة، رضي الله عنها، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا اشْتَكَى الْإِنْسَانُ الشَّيْءَ مِنْهُ، أَوْ كَانَتْ بِهِ قَرْحَةٌ أَوْ جُرْحٌ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بِأُصْبُعِهِ هَكَذَا، وَوَضَعَ سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ الرَّاوي سَبَابَتَهُ بِالْأَرْضِ ثُمَّ رَفَعَهَا وَقَالَ: بِسْمِ اللَّهِ، تُرْبَةُ أَرْضِنَا، بِرِيقَةٍ بَعْضِنَا، يُشْفَى بِهِ سَقِيمُنَا، يَا ذَنْ رَبَّنَا» متفقٌ عليه.

۵۳۱. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: هرگاه کسی از درد جایی از بدنش می نالید یا زخمی چرکین یا بریدگی ای داشت، پیامبر صلی الله علیه و آله با انگشت خود این کار را می کرد: «سفیان بن عیینة» راوی حدیث (برای نشان دادن کار پیامبر صلی الله علیه و آله) انگشت سبابه‌ی خود را (با آب دهان خیس می کرد) و بر زمین می مالید و بلند می کرد (آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله انگشتش را بر زخم یا بریدگی یا جای درد می مالید) و می فرمودند: «به نام خدا، (این) خاک سرزمین ما و مخلوط به آب دهان یکی از ما (است که) به اجازه‌ی پروردگارمان، مریض ما، به وسیله‌ی آن شفا می یابد»^۱.

۵۳۲- وعنها أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُعَوِّذُ بَعْضَ أَهْلِهِ يَمْسَحُ بِيَدِهِ الْيُمْنَى وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، أَذْهَبِ الْبَأْسَ، وَاشْفِ، أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءٌ لَا يُغَادِرُ سَقَمًا» متفقٌ عليه.

۵۳۲. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از یکی از همسران خود عیادت می فرمود (و جای درد) او را با دست راست خود مسح می نمود و می فرمودند: «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، أَذْهَبِ الْبَأْسَ، وَاشْفِ، أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءٌ لَا يُغَادِرُ سَقَمًا: خدایا! ای پروردگار مردم! ناراحتی و درد را بردار و شفا

۱- متفقٌ عليه است؛ [خ (۵۷۴۵)، م (۲۱۹۴)].

بده که تو شفابخشی و هیچ شفایی جز شفای تو نیست، شفایی عطا کن که چیزی از بیماری باقی نگذارد»^۱.

۵۳۳- وعن أنس رضي الله عنه أنه قال لثابت رحمه الله: ألا أُرْقِيكَ بِرُقِيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: بَلَى. قَالَ: «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، مُذْهِبَ الْبَأْسِ، اشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شَافِيَ إِلَّا أَنْتَ، شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا». رواه البخاري.

۵۳۳. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که او به ثابت رضی الله عنه گفت: آیا با رقیه و دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای تو دعا نکنم؟ ثابت گفت: بله، انس گفت: «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، مُذْهِبَ الْبَأْسِ، اشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شَافِيَ إِلَّا أَنْتَ، شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا»: خداوند! پروردگار مردم! ناراحتی و درد را بردار و شفا بده که تو شفا بخشی و هیچ شفایی جز شفای تو نیست، شفایی عطا کن که چیزی از بیماری باقی نگذارد»^۲.

۵۴۴- وعن عثمان بن أبي العاص، رضي الله عنه أنه شكا إلى رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجَعًا يَجِدُهُ فِي جَسَدِهِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ضَعْ يَدَكَ عَلَى الَّذِي يَأْلَمُ مِنْ جَسَدِكَ وَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ - ثَلَاثًا - وَقُلْ سَبْعَ مَرَّاتٍ: أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ» رواه مسلم.

۵۴۴. از عثمان بن ابوالعاص - رضی الله عنه - روایت شده است که او دردی را که در جسم خود داشت، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان (و از ایشان چاره‌جویی) کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمودند: «دستت را بر روی موضعی از بدنت که درد دارد، بگذار و سه مرتبه بگو: بِسْمِ اللَّهِ و هفت مرتبه بگو: أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ: از شر آنچه که حس می‌کنم و در خود می‌یابم و از شر چیزی که از آن می‌ترسم، به عظمت و قدرت خدا پناه می‌برم»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۷۴۳)، م (۲۱۹۱)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۷۴۲)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۲۰۲)].

۵۵۵- وعن ابن عباس رضي الله عنهما أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ عَلَى أَعْرَابِيٍّ يَعُودُهُ، وَكَانَ إِذَا دَخَلَ عَلَى مَنْ يَعُودُهُ قَالَ: «لَا بَأْسَ، طَهُورٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» رواه البخاري.

۵۵۵. از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله نزد یک اعرابی رفت و از او عیادت فرمود و ایشان هر وقت نزد کسی می‌رفت که از او عیادت کند، می‌فرمودند: «هیچ سختی و مشکلی نیست، ان شاء الله پاک کننده (ی گناهان) خواهد بود»^۱.

۵۳۶- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه أَنَّ جَبْرِيلَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، اسْتَكَيْتَ؟ قَالَ: «نَعَمْ» قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ» رواه مسلم.

۵۳۶. از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله (که مریض بود) آمد و گفت: ای محمد! از درد رنج می‌بری؟ (بیمار هستی؟) فرمودند: «بله»، گفت: «بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ»: به نام خدا تو را رقیه و دعا می‌کنم از هر چیز که تو را می‌آزارد و از شر هر کس یا چشم هر حسود، خداوند تو را شفا دهد! به نام خدا برای تو دعا می‌کنم»^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۶۵۶)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۱۸۶)].

۱۴۰- باب استحباب سؤال أهل المریض عن حاله

باب استحباب سؤال از کسان مریض از حال او

۵۳۷- عن ابن عباس، رضي الله عنهما، أنَّ عليَّ بنَ أبي طالبٍ، رضي الله عنه خَرَجَ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي وَجَعِهِ الَّذِي تُوفِّي فِيهِ، فَقَالَ النَّاسُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، كَيْفَ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: أَصْبَحَ بِحَمْدِ اللَّهِ بَارِئًا. رواه البخاري.

۵۳۷. از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: حضرت علی ابن ابی طالب - رضی الله عنه - یک بار زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بیماری ای بودند که در آن رحلت فرمودند، از خدمت ایشان بیرون آمد، مردم گفتند: ای ابوالحسن! حال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چگونه است؟ گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حمد خدا، حالش بهتر است و شفا یافته است^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۲۲۶۶].

۱۴۱- باب ما یقوله من أیس من حیاته

باب آن چه که شخص مأیوس از جان خود می گوید

۵۳۸- عن عائشة رضی الله عنها قالت: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ مُسْتَنِدٌ إِلَيَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَالْحَقِّنِي بِالرَّفِيقِ الْأَعْلَى» متفق عليه.

۵۳۸. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که به من تکیه زده بود، شنیدم که می فرمودند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَالْحَقِّنِي بِالرَّفِيقِ الْأَعْلَى»: خدایا! مرا بیامرزد و بر من رحم بفرما و مرا به رفیق اعلی (حضور خداوند یا جایگاه فرشتگان و پیامبران) بپیوند.^۱

۵۳۹- وعن عائشة قالت: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ بِالْمَوْتِ، عِنْدَهُ قَدَحٌ فِيهِ مَاءٌ، وَهُوَ يُدْخِلُ يَدَهُ فِي الْقَدَحِ، ثُمَّ يَمْسَحُ وَجْهَهُ بِالْمَاءِ، ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ أَعْنِي عَلَى غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَسَكَرَاتِ الْمَوْتِ» رواه الترمذي.

۵۳۹. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که در حالت بیرون رفتن روح بودند و نزد او کاسه ای پر از آب بود و وی دست خود را در آن کاسه فرو می برد و بر سر و روی خود آب می مالید و سپس می فرمودند: «اللَّهُمَّ أَعْنِي عَلَى غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَسَكَرَاتِ الْمَوْتِ»: خدایا! مرا بر سختی ها و غصه ها و سكرات مرگ، كمك بفرما.^۲

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۶۷۴)، م (۲۴۴۴)].

۲- ترمذی روایت کرده است؛ [(۹۷۸)].

۱۴۲- باب استحباب وصیة أهل المريض ومن يخدمه بالإحسان إليه واحتماله والصبر على ما يشق من أمره وكذا الوصية بمن قرب سبب موته بحد أو قصاص ونحوهما

باب استحباب وصیت خویشاوندان مریض و کسانی که او را خدمت می کنند به احسان و مهربانی نسبت به او و بردباری بر سختی های مربوط به او، و هم چنین سفارش نسبت به کسی که مرگش به سبب حد شرعی یا قصاص یا ... نزدیک شده است

۵۴۰- عن عمران بن الحصين رضي الله عنهما أَنَّ امْرَأَةً مِنْ جُهَيْنَةَ أَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهِيَ حُبْلَى مِنَ الزَّانَا، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَصَبْتُ حَدًّا فَأَقِمْنِي عَلَيْهِ، فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلِيِّهَا، فَقَالَ: «أَحْسِنِ إِلَيْهَا، فَإِذَا وَضَعْتَ فَأَتِنِي بِهَا» فَفَعَلَ فَأَمَرَ بِهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَشُدَّتْ عَلَيْهَا ثِيَابُهَا، ثُمَّ أَمَرَ بِهَا فَرُجِمَتْ، ثُمَّ صَلَّى عَلَيْهَا. رواه مسلم.

۵۴۰. از عمران بن حصین رضی الله عنهما روایت شده است که فرمود: زنی از «قبیله جیهینه» که از زنا حامله بود، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! حدی بر من است، آن را اجرا کن! پیامبر صلی الله علیه و آله ولی او را فرا خواندند و فرمودند: «خوب از او پرستاری کن و چون وضع حمل کرد، او را پیش من بیاور، ولی آن زن، بعد از وضع حمل، زن را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و ایشان فرمان رجم او را صادر فرمودند؛ سپس او را سخت در لباسش پیچیدند و رجم کردند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه ی او نماز گزارد!»

۱۴۳- باب جواز قول المريض: أنا وجع، أو شديد الوجع أو
 مَوْعُوكٌ أو وَاَرَأَسَاهُ ونحو ذلك، وبيان أنه لا كراهة في ذلك
 إذا لم يكن على التسخط وإظهار الجزع
 باب جاز بودن گفته بیمار که: من دردمندم، یا: درد
 سختی دارم، یا: بیمارم و تب دارم، یا: آه سرم درد
 می کند! و مانند آن؛ و بیان آن که کراهتی در این ها
 نیست، به شرطی که بر وجه خشم و بی قراری و
 اظهار شکایت نباشد

۵۴۱- وعن القاسم بن محمد قال: قَالَتْ عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: وَارَأَسَاهُ! فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بَلْ أَنَا وَارَأَسَاهُ». وذكر الحديث. رواه البخاري.

۵۴۱. از قاسم بن محمد روایت شده است که فرمود: عایشه رضی الله عنها گفت: آه، سرم درد می کند! و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(نه تنها تو) بلکه من هم آه، سرم درد دارد!» و بقیه ی حدیث را ذکر کرد^۱.

۵۴۲- عن ابن مسعود رضي الله عنه قال: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يُوعَكُ، فَمَسَسْتُهُ، فَقُلْتُ: إِنَّكَ لَتُوعَكُ وَعَكًا شَدِيدًا، فَقَالَ: «أَجَلْ، إِنِّي أُوْعَكُ كَمَا يُوعَكُ رَجُلَانِ مِنْكُمْ» متفقٌ عَلَيْهِ.

۵۴۲- از ابن مسعود رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم، در حالیکه ایشان تب داشتند، پس بر ایشان دست کشیده و گفتم: شما تب شدیدی دارید! فرمودند: «بلی، من به اندازه ی دو نفر شما تب می کنم»^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۵۶۶۶].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۶۴۷)، م (۲۷۵۱)].

۱۴۴- باب تلقین المحتضر: لا إله إلا الله
**باب تلقین کردن: «لا إله إلا الله، به کسی که در حال
 مرگ است**

۵۴۳- عن معاذٍ رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ كَانَ آخِرَ كَلَامِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ» رواه أبو داود والحاكم وقال: صحيح الإسناد.

۵۴۳. از معاذ - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس آخرین سخنش، کلمه‌ی لا اله الا الله باشد، داخل بهشت می‌گردد»^۱.

۵۴۴- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَقِّنُوا مَوْتَاكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» رواه مسلم.

۵۴۴. از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به کسانی که در حال احتضارند، کلمه‌ی لا اله الا الله را تلقین کنید»^۲.

۱- ابوداود [۳۱۱۶] و حاکم [۳۵۱/۱] روایت کرده‌اند و حاکم گفته است: حدیثی صحیح الاسناد است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۹۱۶].

۱۴۵- باب ما یقولہ بعد تغمیض المیت

باب آن چه بعد از بر هم نهادن چشم مرده باید گفت

۵۴۵- عن أم سلمة رضي الله عنها قالت: دخل رسول الله صلى الله عليه وسلم على أبي سلمة وقد شق بصره، فأغمضه، ثم قال: «إنَّ الرُّوحَ إِذَا قُبِضَ، تَبِعَهُ الْبَصَرُ» فَصَجَّ نَاسٌ مِنْ أَهْلِهِ فَقَالَ: «لَا تَدْعُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ إِلَّا بِخَيْرٍ، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُؤْمِنُونَ عَلَى مَا تَقُولُونَ» ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأبي سلمة، وارفع درجته في المهديين، واخلفه في عقبه في الغابرين، واغفر لنا وله يا رب العالمين، وأفسح له في قبره، ونور له فيه» رواه مسلم.

۵۴۵. از ام سلمه - رضی اللہ عنہا - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نزد ابوسلمه (شوهر ام سلمه قبل از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم) رفت که مرده و چشمش باز مانده بود، رفت و چشم او را بر هم نهاد و سپس فرمودند: «وقتی روح قبض و از بدن خارج می شود، چشم، او را دنبال می کند»، عده ای از خویشاوندان ابوسلمه فریاد کشیدند، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: برای خود جز دعای خیر نکنید؛ زیرا ملائکه برای گفته ی شما آمین می گویند، سپس فرمودند: «خدایا! ابوسلمه را بیمارز، و درجه ی او را به درجه ی زمره ی هدایت شدگان بالا ببر و بعد از او، سرپرست بازماندگانش باش و ما و او را بیمارز! ای پروردگار جهانیان! و در قبر او گشایش قرار ده و آن را برای او نورانی گردان»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۹۲۰].

۱۴۶- باب ما يقال عند الميت وما يقوله من مات له ميت
باب آنچه نزد میت گفته می شود و آنچه که صاحب
مرده می گوید

۵۴۶- وعن أم سلمة رضي الله عنها قالت: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ عَبْدٍ تُصِيبُهُ مُصِيبَةٌ، فَيَقُولُ: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: اللَّهُمَّ أَجِرْنِي فِي مُصِيبَتِي، وَاخْلُفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا، إِلَّا أَجَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي مُصِيبَتِهِ وَاخْلُفَ لَهُ خَيْرًا مِنْهَا. قَالَتْ: فَلَمَّا تُوفِّيَ أَبُو سَلَمَةَ، قُلْتُ كَمَا أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَخْلَفَ اللَّهُ لِي خَيْرًا مِنْهُ، رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. رواه مسلم.

۵۴۶. از ام المؤمنین ام سلمه رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمودند: «هر بنده ای که مصیبتی به او برسد و او بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»: اللَّهُمَّ أَجِرْنِي فِي مُصِيبَتِي، وَاخْلُفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا (ما از خدایم و به سوی او باز می گردیم، خدایا! مرا در مصیبتم مأجور بفرما و بهتر از او را برایم جانشین او کن!) خداوند متعال در مصیبتش به او اجر می دهد و بهتر از آنرا به او عطا می فرماید؛» ام سلمه می گوید: وقتی که ابوسلمه فوت کرد، دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را عملی کردم و چنان گفتم و خداوند متعال برای من بهتر از او یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را عطا فرمود.^۱

(به حدیث ۱۹ و ۲۱ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۱۸].

۱۵۳- باب جواز البكاء على الميت بغير ندب ولا نياحة
باب جایز بودن گریه بر میت بدون تعریف و یا نوحه بر او

أَمَّا النَّيَاحَةُ، فَحَرَامٌ وَسَيَأْتِي فِيهَا بَابٌ فِي كِتَابِ النَّهْيِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. وَأَمَّا الْبُكَاءُ فَجَاءَتْ أَحَادِيثُ بِالنَّهْيِ عَنْهُ، وَأَنَّ الْمَيِّتَ يُعَذَّبُ بِبُكَاءِ أَهْلِهِ، وَهِيَ مُتَأَوَّلَةٌ وَمَحْمُولَةٌ عَلَى مَنْ أَوْصَى بِهِ، وَالنَّهْيُ إِنَّمَا هُوَ عَنِ الْبُكَاءِ الَّذِي فِيهِ نَدْبٌ، أَوْ نِيَاحَةٌ، وَالدَّلِيلُ عَلَى جَوَازِ الْبُكَاءِ بِغَيْرِ نَدْبٍ وَلَا نِيَاحَةٍ أَحَادِيثُ كَثِيرَةٌ، مِنْهَا:

نوحه گری برای مرده حرام است - و اگر خدا بخواهد - به زودی در کتاب نهی، در بحث از آن، بابی خواهد آمد؛ ولی گریه کردن بر مرده، احادیثی در نهی از آن و این که مرده به واسطه‌ی گریه‌ی بازماندگانش معذب می‌شود، آمده است، ولی این احادیث (درباره‌ی مرده‌ای که به سبب گریه‌ی کسانش عذاب می‌شود) تأویل و حمل شده است بر مرده‌ای که خود به گریه برای خودش وصیت کرده باشد و نهی فقط از گریه‌ای است که در مرثیه و ثناگویی و بر شمردن صفات مرده و ناله و نوحه‌خوانی باشد، و دلیل بر جواز گریه بدون تعریف و نوحه، احادیث زیادی است، از جمله‌ی آنها:

۵۴۷- عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَادَ سَعْدَ بْنَ عُبَادَةَ، وَمَعَهُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ، وَسَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ، وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، فَبَكَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَمَّا رَأَى الْقَوْمُ بُكَاءَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بَكَوْا، فَقَالَ: «أَلَا تَسْمَعُونَ؟ إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَذِّبُ بِدَمْعِ الْعَيْنِ، وَلَا بِحُزْنِ الْقَلْبِ، وَلَكِنْ يُعَذِّبُ بِهَذَا أَوْ يَرْحَمُ» وَأَشَارَ إِلَى لِسَانِهِ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۵۴۷. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر ﷺ از سعد بن عبادہ عیادت کرد و عبدالرحمن بن عوف و سعد ابن ابی وقاص و عبدالله بن مسعودؓ همراه او بودند، پیامبر ﷺ گریه کرد و هنگامی که آن جماعت گریه‌ی او را دیدند، گریه کردند، پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا گوش نمی‌دهید؟! خداوند به سبب اشک

چشم یا غم دل، عذاب نمی‌کند، بلکه با این و به سبب این، عذاب می‌کند یا رحم می‌فرماید» و به زبان خود اشاره فرمود^۱.

۵۴۸- وعن أسامة بن زيد رضي الله عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وسلم رفع إليه ابن ابنته وهو في الموت، ففاضت عيناً رسول الله صلى الله عليه وسلم، فقال له سعد: ما هذا يا رسول الله؟ قال: «هذه رحمة جعلها الله تعالى في قلوب عباده، وإنما يرحم الله من عباده الرحماء» متفق عليه.

۵۴۸. از اسامه بن زید - رضی الله عنهما - روایت شده است که گفت: پسر دختر پیامبر ﷺ را که در حال مرگ بود به نزد او آوردند و چشمان پیامبر ﷺ پر از اشک شد، سعد به او گفت: ای رسول خدا! گریه‌ی شما از چیست؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «این به سبب رحم و شفقتی است که خداوند متعال در دل‌های بندگان خویش قرار داده است و خداوند فقط به بندگان با رحم و شفقت خود رحم و مهربانی می‌فرماید»^۲.

۵۴۹- وعن أنس رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم دخل على ابنه إبراهيم رضي الله عنه وهو يحد بنفسه فجعلت عيناً رسول الله صلى الله عليه وسلم تدرفان. فقال له عبد الرحمن بن عوف: وأنت يا رسول الله؟ فقال: «يا ابن عوف، إنها رحمة» ثم أتبعها بأخرى، فقال: «إن العين تدمع والقلب يحزن، ولا نقول إلا ما يرضي ربنا، وإنا لفراقك يا إبراهيم لمخزونون». رواه البخاري، وروى مسلم بعضه.

۵۴۹. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: پیامبر ﷺ نزد پسرش ابراهیم - رضی الله عنه - که داشت جان می‌داد، رفت، دو چشم مبارک پیامبر ﷺ پر از اشک شد، عبد الرحمن بن عوف - رضی الله عنه - به ایشان گفت: شما هم (گریه می‌کنید)؟! ای رسول خدا! پیامبر ﷺ فرمودند: «ای ابن عوف! این (اشک) مهر و شفقت است». سپس اشکی دیگر ریخت و فرمودند: «چشم، اشک می‌ریزد و دل، غمناک می‌شود و ما جز کلمه‌ای که خدا به آن راضی باشد، نمی‌گوییم، ما همه در فراق تو غمگین هستیم، ای ابراهیم!»^۳.

۱- متفق عليه است: [خ (۱۳۰۴)، م (۹۲۴)].

۲- متفق عليه است: [خ (۱۲۸۴)، م (۹۲۳)].

۳- بخاری [۱۳۰۳] روایت کرده و مسلم [۲۳۱۵] نیز بعضی از آن را روایت کرده است.

۱۴۸- باب الکف عما یری فی المیت من مکروه
باب خودداری از افشای عیب یا مکروهی که از مرده
(در وقت غسل او) دیده می‌شود

۵۵۰- عن أبي رافعٍ أَسْلَمَ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ غَسَلَ مَيِّتًا فَكَتَمَ عَلَيْهِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً» رواه الحاكم وقال: صحيح على شرط مسلم.

۵۵۰. از ابورافع اسلم، غلام آزاد شده پیامبر ﷺ روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هرکس مرده‌ای را بشوید و اسرار او را بپوشاند، خداوند چهل بار (چهل گناه) او را می‌آمرزد»^۱.

۱- حاکم [۳۵۴/۱] روایت کرده و گفته است: حدیثی صحیح بنا بر شرط مسلم است.

۱۴۹- باب الصلاة على الميت وتشيعه وحضور دفنه وكراهة

اتباع النساء الجنائز

باب نماز بر مرده و تشييع جنازه‌ی او و حضور در دفن

او و كراهت تشييع جنازه توسط زنان

۵۵۱- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ شَهِدَ الْجَنَازَةَ حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَيْهَا فَلَهُ قِيرَاطٌ، وَمَنْ شَهِدَهَا حَتَّى تُدْفَنَ فَلَهُ قِيرَاطَانِ» قِيلَ وَمَا الْقِيرَاطَانِ؟ قَالَ: «مِثْلُ الْجَبَلَيْنِ الْعَظِيمَيْنِ» متفقٌ عليه.

۵۵۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس بر جنازه‌ای حاضر شود (و او را همراهی کند) تا بر او نماز گزارده می‌شود، قیراطی اجر دارد، و هرکس تا وقت دفن بر جنازه حاضر باشد، دو قیراط اجر دارد»، گفته شد: دو قیراط چیست؟ فرمودند: «مانند دو کوه بزرگ»^۱.

۵۵۲- وعن أم عطية رضي الله عنها قالت: نهيننا عن اتباع الجنائز، ولم يُعزَم علينا متفقٌ عليه.

۵۵۲. از ام عطیه - رضی الله عنها - روایت شده است که گفت: ما زنان از رفتن به دنبال جنازه نهی شدیم، اما در این مورد بر ما سخت نگرفته‌اند^۲.
(به حدیث ۲۶۹ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۳۲۵)، م (۹۴۵)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۲۷۸)، م (۹۳۸)].

۱۵۰- باب استحباب تکثیر المصلین علی الجنازة وجعل

صفوفهم ثلاثة فأكثر

باب استحباب افزودن تعداد نمازگزاران بر جنازه و

صف‌هایشان را سه صف یا بیشتر کردن

۵۵۳- وعن مَرْتَدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْيَزَنِيِّ قَالَ: كَانَ مَالِكُ بْنُ هُبَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِذَا صَلَّى عَلَى الْجَنَازَةِ، فَتَقَالَ النَّاسَ عَلَيْهَا، جَزَاءُهُمْ عَلَيْهَا ثَلَاثَةُ أَجْزَاءٍ ثُمَّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ ثَلَاثَةُ صُفُوفٍ، فَقَدْ أُوجِبَ». رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۵۵۳. از مرثد بن عبدالله یزنی روایت شده است که گفت: مالک بن هبیره رضی الله عنه هرگاه بر جنازه‌ای نماز می‌خواند و مردم حاضر بر جنازه را کم تشخیص می‌داد، آنها را به سه دسته تقسیم می‌کرد و می‌گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «هرکس (مرده‌ای) که سه صف مردم بر او نماز بخوانند، قطعاً بخشش و بهشت، برای او واجب گردیده است»^۱.

(به حدیث شماره: ۲۶۹ مراجعه شود).

۱- ابوداود [۳۱۶۶] و ترمذی [۱۰۲۸] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۱۵۱- باب ما یقرأ فی صلاة الجنابة

باب آن چه در نماز جنازه خوانده می شود

يُكَبِّرُ أَرْبَعَ تَكْبِيرَاتٍ، يَتَعَوَّذُ بَعْدَ الْأُولَى، ثُمَّ يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ الثَّانِيَةَ، ثُمَّ يُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَيَقُولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ. وَالْأَفْضَلُ أَنْ يُتِمَّمَهُ بِقَوْلِهِ: كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ - إِلَى قَوْلِهِ: - إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. وَلَا يَقُولُ مَا يَفْعَلُهُ كَثِيرٌ مِنَ الْعَوَامِّ مِنْ قِرَاءَتِهِمْ: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾ [الأحزاب: ۵۶] الْآيَةَ، فَإِنَّهُ لَا تَصِحُّ صَلَاتُهُ إِذَا اقْتَصَرَ عَلَيْهِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ الثَّالِثَةَ، وَيَدْعُو لِلْمَيِّتِ وَلِلْمُسْلِمِينَ بِمَا سَنَدُكُرُّهُ مِنَ الْأَحَادِيثِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى، ثُمَّ يُكَبِّرُ الرَّابِعَةَ وَيَدْعُو. وَمِنْ أَحْسَنِهِ: «اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ، وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ، وَاعْفِرْ لَنَا وَلَهُ». وَالْمُخْتَارُ أَنَّهُ يَطْوِلُ الدُّعَاءَ فِي الرَّابِعَةِ خِلَافَ مَا يَعْتَادُهُ أَكْثَرُ النَّاسِ، لِحَدِيثِ ابْنِ أَبِي أَوْفَى الَّذِي سَنَدُكُرُّهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. وَأَمَّا الْأَدْعِيَةُ الْمَأْثُورَةُ بَعْدَ التَّكْبِيرِ الثَّالِثَةِ، فَمِنْهَا:

(کسی که نماز جنازه را می خواند) چهار بار تکبیر می گوید؛ بعد از تکبیر اول، اعوذ بالله... و سپس سوره ی فاتحه را می خواند، سپس تکبیر دوم را می گوید و بعد از این تکبیر، بر پیامبر ﷺ صلوات می فرستد و می گوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ: بارخدا یا! بر محمد و آل او درود بفرست) و بهتر آن است که آن را با «كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» تمام کند و کارهایی که بسیاری از عامیان انجام می دهند و در هنگام ادای نماز جنازه این آیه را می خوانند: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾ (الأحزاب / ۵۶) نکنند، زیرا اگر به آن اکتفا کند، نمازش درست نیست؛ سپس تکبیر سوم را می گوید و با (دعاهای وارد در) آن چه از احادیث - ان شاء الله - ذکر خواهیم کرد، برای میت و مسلمانان دیگر دعا می کند؛ سپس تکبیر چهارم را می گوید و دعا می کند و از بهترین دعاها در این جا این دعاست: «اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ، وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ، وَاعْفِرْ لَنَا وَلَهُ»: بار خدا یا! ما را از اجر او محروم نفرما و بعد از او ما را به فتنه مبتلا و گمراه نکن و ما و او را بپارز» و پسندیده تر این است که در تکبیر چهارم دعا را طول دهد - برخلاف

آنچه اغلب مردم بدان عادت دارند - به دلیل حدیث «ابن ابی اوفی» که ان شاء الله به زودی آن را ذکر می‌کنیم؛ و اما دعاهاى مأثوره بعد از تکبیر سوم بسیار است از جمله:

۵۵۴- عن أبي عوف بن مالك رضي الله عنه قال: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى جَنَازَةٍ، فَحَفِظْتُ مِنْ دُعَائِهِ وَهُوَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، وَارْحَمْهُ، وَعَافِهِ، وَاعْفُ عَنْهُ، وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ، وَوَسِّعْ مَدْخَلَهُ، وَاعْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا، كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَبْدِلْهُ دَارًا خَيْرًا مِنْ دَارِهِ، وَأَهْلًا خَيْرًا مِنْ أَهْلِهِ، وَزَوْجًا خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ، وَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ، وَأَعِذْهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ» حَتَّى تَمَنَيْتُ أَنْ أَكُونَ أَنَا ذَلِكَ الْمَيِّتَ. رواه مسلم.

۵۵۴. از عوف بن مالک رضی اللہ عنہ روایت شده است که گفت: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بر جنازه‌ای نماز می‌خواند، بعضی از دعای او را حفظ کردم که می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، وَارْحَمْهُ، وَعَافِهِ، وَاعْفُ عَنْهُ، وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ، وَوَسِّعْ مَدْخَلَهُ، وَاعْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا، كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَبْدِلْهُ دَارًا خَيْرًا مِنْ دَارِهِ، وَأَهْلًا خَيْرًا مِنْ أَهْلِهِ، وَزَوْجًا خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ، وَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ، وَأَعِذْهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ». خدایا! او را بیمارز، و به او رحم کن، و وی را خلاصی ده، و خطاهای او را عفو کن، و نصیب او را در بهشت نیکو قرار بده، و قبر و جای او را وسعت ده، و گناه او را با آب و برف و تگرگ بشوی، و او را از گناهان پاک کن، همان‌گونه که لباس سفید را از چرک و پلیدی پاک می‌کنی، و به او خانه‌ای بهتر از خانه‌ی دنیا و خانواده‌ای بهتر از خانواده‌ی خودش و همسری نیکوتر از همسر خودش عوض ده، و مرحمت کن و او را وارد بهشت کن و از عذاب قبر و دوزخ پناه ده»، (راوی می‌گوید: تا اندازه‌ای این دعاها عالی و پرمعنی بود) که تمنا کردم کاش آن مرده، من می‌بودم!.

۵۵۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ صَلَّى عَلَى جَنَازَةٍ فَقَالَ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا، وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، وَذَكَرْنَا وَأُنْثَانَا، وَشَاهِدِنَا وَعَائِنَا. اللَّهُمَّ مَنْ

أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَخِيهِ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِيمَانِ، اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ، وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ» رواه الترمذي.

۵۵۵. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه‌ای نماز خواندند و فرمودند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا، وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، وَذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا، وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا. اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَخِيهِ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِيمَانِ، اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ، وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ». بار خدایا! زنده‌ی ما و مرده‌ی ما، کوچک ما و بزرگ ما، مرد ما و زن ما، و حاضر ما و غایب ما را ببخش و بیامرز؛ پروردگارا! هر کس از ما را زنده گردانیدی، او را بر دین اسلام زنده گردان و هر کدام از ما را میراندی، بر ایمان بمیران؛ خدایا! ما را از اجر او محروم نکن و بعد از او ما را (به گناه و گمراهی) مبتلا نکن!¹.

۵۵۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «إِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَى الْمَيِّتِ، فَأَخْلِصُوا لَهُ الدُّعَاءَ» رواه أبو داود.

۵۵۶. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هر وقت بر مرده نماز خواندید، خالصانه برای او دعا کنید و او را مخصوص به دعا گردانید»².

۵۵۷- وعنه عن النبي صلى الله عليه وسلم في الصلاة على الجنازة: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبُّهَا، وَأَنْتَ خَلَقْتَهَا، وَأَنْتَ هَدَيْتَهَا لِلْإِسْلَامِ، وَأَنْتَ قَبَضْتَ رُوحَهَا، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِسِرِّهَا وَعَلَانِيَتِهَا، وَقَدْ جِئْنَاكَ شُفْعَاءَ لَهَا، فَاغْفِرْ لَهَا». رواه أبو داود.

۱- ترمذی [(۱۰۲۴)] از روایت ابوهریره و اشهلی، و ابوداود [(۳۲۰۱)] از روایت ابوهریره و ابوقتاده، روایت کرده‌اند، حاکم گفته است: حدیث ابوهریره بنا بر شرط بخاری و مسلم، صحیح است؛ ترمذی گفته است: بخاری می گوید: جامع ترین روایات این حدیث، روایت اشهلی است؛ بخاری گفته است: صحیح ترین حدیث در این باب، حدیث عوف بن مالک است.

۲- ابوداود روایت کرده است؛ [(۳۱۹۹)].

۵۵۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه‌ای نماز خواندند و فرمودند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رُبُّهَا، وَأَنْتَ خَلَقْتَهَا، وَأَنْتَ هَدَيْتَهَا لِلْإِسْلَامِ، وَأَنْتَ قَبَضْتَ رُوحَهَا، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِسِرِّهَا وَعَلَانِيَتِهَا، وَقَدْ جِئْنَاكَ شُفَعَاءَ لَهُ، فَاعْفُ لَهُ» بار خدایا! تو پروردگار ما هستی، و تو او را آفریدی، و تو او را به اسلام هدایت نمودی، و تو روح او را گرفتی، و تو به نهان و آشکار او داناتری، ما به عنوان شفیعان او به سوی تو آمده‌ایم، پس او را بیامرزش^۱.

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [۳۲۰۰].

۱۵۲- باب الإسراع بالجنائز
باب تسريع در تشييع و دفن جنازه

۵۵۸- عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «أَسْرِعُوا بِالْجَنَازَةِ، فَإِنْ تَكَ صَالِحَةً، فَخَيْرٌ تُقَدَّمُونَهَا إِلَيْهِ، وَإِنْ تَكَ سَوًى ذَلِكَ، فَشَرٌّ تَصْعُونَهُ عَنْ رِقَابِكُمْ» متفق عليه.

۵۵۸. از ابوهريره - رضي الله عنه - روايت شده است كه پيامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «جنازه را زود راه بيندازيد و دفن كنيد؛ زيرا اگر صالح باشد؛ خيري است كه شما او را به آن نزديك مي كنيد و اگر غير اين باشد، شري است كه او را از گردن خود برمي داريد و خود را از او رها مي سازيد»^۱.

۱۵۳- باب تعجيل قضاء الدين عن الميت والمبادرة إلى تجهيزه
إلا أن يموت فجأة فيترك حتى يتيقن موته
باب تعجيل در پرداخت قرض مرده و اقدام به تجهيز
او، جز کسی که به مرگ ناگهانی بمیرد که هم چنان
گذاشته می شود تا از مرگش يقين حاصل شود

۵۵۹- عن أبي هريرة رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «نَفْسُ الْمُؤْمِنِ مُعَلَّقَةٌ بِدَيْنِهِ حَتَّى يُقْضَى عَنْهُ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۵۵۹. از ابوهريره - رضي الله عنه - روايت شده است كه پيامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: «جان مؤمن به قرض او معلق است، تا وقتی كه بدهكاريش پرداخت شود»^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۳۱۵)، م (۹۴۴)].

۲- ترمذی [۱۰۷۸] روايت کرده و گفته است: حديثي حسن است.

۱۵۴- باب الموعظة عند القبر

باب موعظه در کنار قبر

۵۶۰- عن علي رضي الله عنه قال: كُنَّا فِي جَنَازَةٍ فِي بَقِيعِ الْغَرْقَدِ فَأَتَانَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَعَدَ، وَقَعَدْنَا حَوْلَهُ وَمَعَهُ مِخْصَرَةٌ فَنَكَسَ وَجَعَلَ يَنْكُتُ بِمِخْصَرَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَقَدْ كُتِبَ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ وَمَقْعَدُهُ مِنَ الْجَنَّةِ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَفَلَا نَتَكَلَّى عَلَى كِتَابِنَا؟ فَقَالَ: «اعْمَلُوا، فَكُلُّ مُيَسَّرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ» وَذَكَرَ تَمَامَ الْحَدِيثِ، مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۵۶۰. از حضرت علی - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: ما برای انجام دادن کارهای جنازه‌ای در «بقیع غرقد» بودیم، پیامبر صلی الله علیه و آله به میان ما تشریف آورد و عصایی با خود داشت، سپس نشست و ما هم اطراف او نشستیم، پیامبر صلی الله علیه و آله سرش را فرو انداخت و با نوک عصایش بر زمین می‌زدند و سپس فرمودند: «هر یک از شما محل و موقعیتش در آتش یا بهشت تعیین شده است»، گفتند: ای رسول خدا! پس (وقتی که چنین است) آیا بر نامه‌ی اعمال خود تکیه نکنیم؟ فرمودند: «(نه) عمل کنید زیرا هرکس برای چیزی آماده شده که به منظور آن خلق شده است». و بقیه‌ی حدیث را ذکر کرد^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۳۶۲)، م (۲۶۴۷)].

۱۵۵- باب الدعاء للمیت بعد دفنه والتعود عند قبره ساعة للدعاء له والاستغفار

والقراءة

باب دعا برای مرده بعد از دفن و نشستن کنار قبرش جهت دعا برای او و استغفار و قرائت

۵۶۱- عن أبي عمرو وقيل: أبو عبد الله، وقيل: أبو ليلى عثمان بن عفان رضي الله عنه قال: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا فَرَغَ مِنْ دَفْنِ الْمَيِّتِ وَقَفَ عَلَيْهِ، وَقَالَ: «اسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ وَسَلُّوا لَهُ التَّيِّبَاتِ فَإِنَّهُ الآنَ يُسْأَلُ». رواه أبو داود.

۵۶۱. از ابو عمرو - و گفته‌اند: ابو عبدالله و گفته‌اند: ابولیلی - عثمان بن عفان -
 ﷺ - روایت شده است که گفت: پیامبر ﷺ هرگاه از تجهیز و تکفین مرده‌ای فارغ می‌شد، بر قبر او می‌ایستاد و می‌فرمودند: «برای برادران طلب آمرزش کنید و ثابت ماندن (بر ایمان و شهادت) را برای او (از خدا) بخواهید؛ زیرا اکنون از وی سؤال می‌شود»^۱.

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [(۳۲۲۱)].

۱۵۶- باب الصدقة عن الميت والدعاء له

باب صدقه و دعا برای مرده

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ

سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾ (حشر / ۱۰)

«کسانی که بعد از مهاجرین و انصار (به دنیا) می آیند، می گویند:

پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی

گرفته اند، بیامرز».

۵۶۲- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أُمِّي افْتَلِسَتْ نَفْسَهَا وَأَرَاهَا لَوْ تَكَلَّمْتُ، تَصَدَّقْتُ، فَهَلْ لَهَا أَجْرٌ إِنْ تَصَدَّقْتُ عَنْهَا؟ قَالَ: «نَعَمْ». متفق عليه.

۵۶۲. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: مادرم به مرگ ناگهانی درگذشت و من معتقدم که اگر می توانست صحبت کند صدقه می داد، آیا اگر برای او صدقه بدهم مأجور خواهد بود؟ فرمودند: «بله»^۱.

۵۶۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إذا مات الإنسان انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جارية، أو علم ينتفع به، أو ولد صالح يدعو له» رواه مسلم.

۵۶۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی انسان بمیرد، ثواب عمل او (جز از سه مورد) قطع می شود: (۱) صدقه ای جاریه و همیشگی؛ (۲) علمی که از آن بهره گرفته شود؛ (۳) فرزند صالحی که برای او دعای خیر کند»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۳۸۸)، م (۱۰۰۴)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۶۳۱)].

۱۵۷- باب ثناء الناس على الميت

باب ستایش مردم از مرده

۵۶۴- عن أنس رضي الله عنه قال: مرُّوا بِجَنَازَةٍ، فَأَثْنُوا عَلَيْهَا خَيْرًا، فقال النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَجِبَتْ»، ثم مرُّوا بِأُخْرَى، فَأَثْنُوا عَلَيْهَا شَرًّا، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَجِبَتْ» فَقَالَ عُمَرُ ابْنُ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: مَا وَجِبَتْ؟ قَالَ: «هَذَا أَثْنَيْتُمْ عَلَيْهِ خَيْرًا، فَوَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ، وَهَذَا أَثْنَيْتُمْ عَلَيْهِ شَرًّا، فَوَجِبَتْ لَهُ النَّارُ، أَنْتُمْ شُهَدَاءُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ». متفقٌ عليه.

۵۶۴. از انس - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که گفت: صحابه از کنار جنازه‌ای عبور کردند و بر او ثنا گفتند و به نیکی از او یاد کردند، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «واجب شد!» بعد از کنار جنازه‌ای دیگری گذشتند و از بدی او بحث نمودند، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «واجب شد!» حضرت عمر رضی اللہ عنہ گفت: چه چیز واجب شد؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «این مرده، از او به نیکی یاد کردید، بهشت برای او واجب شد، و آن یکی، شما از بدی او گفتید، دوزخ برای او واجب شد، (زیرا که) شما شاهدان خداوند در زمین هستید»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۳۶۷)، م (۹۴۹)].

۱۵۸- باب فضل من مات له أولاد صغار
باب فضیلت کسی که چند فرزند کوچکش مرده باشند

۵۶۵- عن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ما من مسلم يموت له ثلاثة لم يبلغوا الحنث إلا أدخله الله الجنة بفضل رحمته إياهم». متفق عليه.

۵۶۵. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر مسلمانی که سه فرزند کوچک او که به حد بلوغ نرسیده باشند، بمیرند، خداوند به خاطر فضل رحمت خود نسبت به آن فرزندان، آن شخص را وارد بهشت می‌کند»^۱.

۵۶۶- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: جاءت امرأة إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقالت: يا رسول الله، ذهب الرجال بحديثك، فأجعل لنا من نفسك يوماً نأتيك فيه نعلمنا مما علمك الله، قال: «اجتمعن يوم كذا وكذا» فاجتمعن، فأتاهن النبي صلى الله عليه وسلم فعلمهن مما علمه الله، ثم قال: «ما منكن من امرأة تقدم ثلاثة من الولد إلا كانوا لها حجاباً من النار» فقالت امرأة: وأنتين؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «وأنتين» متفق عليه.

۵۶۶. از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: زنی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! (تنها) مردان به بهره‌گیری از سخن تو توفیق یافته‌اند (و ما زنان بی‌نصیبیم)، پس برای ما هم روزی قرار ده که در آن روز نزد تو بیاییم تا از علمی که خداوند به تو آموخته است به ما یاد بدهی، فرمودند: «فلان روز جمع شوید»، زنان، (در آن روز) جمع شدند و پیامبر صلی الله علیه و آله نزد آنها رفت و از آنچه خداوند به او آموخته بود، به آنها آموخت و سپس فرمودند: «هر زنی از شما سه فرزند خود را (برای دفن) پیش آورده باشد (هر زنی که سه فرزندش مرده باشند) آنها یقیناً برای مادر خود، مانعی از آتش (جهنم) خواهند بود»؛ زنی گفت: (آیا) دو فرزند هم (چنین است)؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(بله)، دو فرزند هم»^۲.

۱- متفق علیه است: [خ (۱۲۴۸)، م (۲۶۳۴)].

۲- متفق علیه است: [خ (۱۲۴۹)، م (۲۶۳۳)].

۱۵۹- باب البكاء والخوف عند المرور بقبور الظالمين ومصارعهم
وإظهار الافتقار إلى الله تعالى والتحذير من الغفلة عن ذلك
باب گریه کردن و ترس در هنگام عبور از کنار قبر ظالمان و
جایگاه هلاکت ایشان و اظهار عجز و نیاز به خدای بزرگ و
پرهیز از غفلت از آن (صفات)

۵۶۷- عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ -
يَعْنِي لَمَّا وَصَلُوا الْحِجْرَ: دِيَارَ ثُمُودَ- : «لَا تَدْخُلُوا عَلَى هَؤُلَاءِ الْمُعَذِّبِينَ إِلَّا أَنْ تَكُونُوا بَاكِينَ،
فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا بَاكِينَ، فَلَا تَدْخُلُوا عَلَيْهِمْ، لَا يُصِيبُكُمْ مَا أَصَابَهُمْ» متفق عليه.

وفي رواية قال: لَمَّا مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحِجْرِ قَالَ: «لَا تَدْخُلُوا مَسَاكِينَ
الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ مَا أَصَابَهُمْ إِلَّا أَنْ تَكُونُوا بَاكِينَ» ثُمَّ قَنَّعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، رَأْسَهُ وَأَسْرَعَ السَّيْرَ حَتَّى أَجَارَ الْوَادِي.

۵۶۷. از ابن عمر - رضی اللہ عنہما - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم - هنگام رسیدن به
«حجر، دیار ثمود» به یارانش فرمودند: «از کنار این (مردگان) اهل عذاب، نگذريد،
مگر آن که گریان باشید و اگر گریان نیستید، به آن جا وارد نشوید تا آن چه به آنها
رسیده است، به شما نرسد»^۱.

در روایتی دیگر آمده است که عبدالله گفت: وقتی پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بر سر زمین حجر
گذشت، فرمودند: «وارد خانه های آنان که بر خود ستم کرده اند، نشوید، مبدا آن چه
که بر آنان گذشته است، به شما نیز برسد، مگر آن که در حال گریه باشید»، سپس
پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم سر خود را پوشانید و به حرکت خود سرعت داد، تا از وادی گذشت.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۴۳۳)، م (۲۹۸۰)].

بخش هشتم

کتاب آداب سفر

۸- کتاب آداب السفر

۱۶۰- باب استحباب الخروج يوم الخميس أول النهار

باب استحباب بیرون رفتن در پنج‌شنبه و استحباب خروج در اول روز

۵۶۸- عن كعب بن مالك، رضي الله عنه، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ يَوْمَ الْخَمِيسِ، وَكَانَ يُحِبُّ أَنْ يَخْرُجَ يَوْمَ الْخَمِيسِ. متفقٌ عليه.
وفي رواية في الصحيحين: «لَقَلَّمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْرُجُ إِلَّا فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ».

۵۶۸. از کعب بن مالک - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای «غزوه ی تبوک» روز پنج‌شنبه حرکت فرمودند و ایشان دوست داشتند که روزهای پنج‌شنبه خارج شوند^۱.

در روایتی دیگر در صحیحین آمده است: خیلی کم اتفاق می‌افتاد که پیامبر صلی الله علیه و آله در غیر روزهای پنج‌شنبه از منزل خود خارج شود و به مسافرت برود.

۵۶۹- وعن صخر بن وداعة الغامديّ الصحابيّ رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا» وَكَانَ إِذَا بَعَثَ سَرِيَّةً أَوْ جَيْشًا بَعَثَهُمْ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ وَكَانَ صَخْرٌ تَاجِرًا، وَكَانَ يَبْعَثُ تِجَارَتَهُ أَوَّلَ النَّهَارِ، فَأَثَرَى وَكَثُرَ مَالُهُ. رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن.

۵۶۹. از «صخر بن وداعه ی غامدی صحابی» - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «پروردگارا! صبح را برای امت من مبارک و پر خیر کن!» و ایشان هر وقت گروهی از لشکر یا لشکری را به مأموریتی جهادی می‌فرستاد، آنها را در ابتدای روز می‌فرستاد و صخر (راوی حدیث) تاجر بود و کاروان تجارت خود را اول روز می‌فرستاد، از اینرو ثروتمند شد و مالش زیاد گردید^۲.

۱- متفق علیه است: [۲۹۴۹]. [مسلم این حدیث را روایت نکرده است].

۲- ابوداود [۲۶۰۶] و ترمذی [۱۲۱۲] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۱۶۱- باب استحباب طلب الرفقة وتأميرهم على أنفسهم واحداً

يطيعونه

باب استحباب جستجوی رفقا و همراهان (در سفر) و

امیر گردانیدن یکی از آنها بر خود که همه از او

اطاعت کنند

۵۷۰- عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ يَعْلَمُونَ مِنَ الْوَحْدَةِ مَا أَعْلَمَ مَا سَارَ رَاكِبٌ لَيْلٍ وَحْدَهُ» رواه البخاري.

۵۷۰. از ابن عمر - رضی اللہ عنہما - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «اگر مردم آن‌طور که من می‌دانم، زیان تنهایی را می‌دانستند، هیچ سواری در شب به تنهایی به سفر نمی‌رفت»^۱.

۵۷۱- وعن أبي سعيدٍ وأبي هريرة رضي الله تعالى عنهما قالا: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا خَرَجَ ثَلَاثَةٌ فِي سَفَرٍ فَلْيُؤَمِّرُوا أَحَدَهُمْ» حديث حسن، رواه أبو داود بإسنادٍ حسن.

۵۷۱. از ابوسعید و ابوهریره - رضی اللہ عنہما - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هر وقت سه نفر برای سفری بیرون رفتند، یکی از خودشان را رئیس خود نمایند»^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۲۹۹۸].

۲- حدیثی حسن است که ابوداود [۲۶۰۸] به اسنادی حسن روایت کرده است.

۱۶۲- باب آداب السیر والنزول والمبيت فی السفر والنوم فی السفر
 واستحباب السُرّی والرفق بالدواب ومراعاة مصلحتها وأمر من قصر فی حقها
 بالقیام بحقها وجواز الإرداف علی الدابة إذا كانت تطیق ذلك
باب آداب حرکت و توقف و شب ماندن و خوابیدن در سفر و
استحباب رفتن در شب و ملایمت با چهارپایان و رعایت
مصلحت آنها و جواز دو نفر دونفر سوار شدن بر حیوان اگر
تحمل آن را داشته باشد و امر به رعایت حق حیوانات به کسی
که کوتاهی کرده باشد

۵۷۲- عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا سَافَرْتُمْ
 فِي الْخَصْبِ فَأَعْطُوا الْإِبِلَ حَظَّهَا مِنَ الْأَرْضِ، وَإِذَا سَافَرْتُمْ فِي الْجَدْبِ، فَاسْرِعُوا عَلَيْهَا السَّيْرَ
 وَبَادِرُوا بِهَا نَفْيَهَا، وَإِذَا عَرَسْتُمْ، فَاجْتَنِبُوا الطَّرِيقَ، فَإِنَّهَا طُرُقُ الدَّوَابِّ، وَمَأْوَى الْهُوَامِّ بِاللَّيْلِ»
 رواه مسلم.

۵۷۲. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر در
 سرزمین پرگیاه و سبزهزار مسافرت کردید، حق شتر را از زمین عطا کنید (یعنی:
 آرام سواری کنید و بگذارید تا حیوان در هنگام حرکت بچرد) و اگر در خشکی و
 ریگزار مسافرت کردید، زود آنها را حرکت دهید و مواظب مغز استخوان آنها باشید
 (یعنی در زمین گرم و خشک، تند برانید تا زود به مقصد برسید و حیوان از ماندن
 زیاد گرما بی تاب و ناتوان نشود) و اگر شب در جایی توقف کردید و ماندید، از
 ماندن و توقف در میان راه، دوری کنید؛ زیرا راه، گذرگاه حیوانات و در شب،
 جایگاه درندگان و حشرات است»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۲۶].

۵۷۳- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «عليكم بالدُّلْجَةِ، فَإِنَّ الْأَرْضَ تُطَوَّى بِاللَّيْلِ» رواه أبو داود بإسناد حسن.

۵۷۳. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «رفتن در شب را به شما توصیه می‌کنم؛ زیرا زمین در شب، طی می‌گردد (یعنی، زود طی می‌شود)»^۱.

۵۷۴- وعن سهل بن عمرو رضي الله عنه قال: مرَّ رسولُ الله صلى الله عليه وسلم بِبَعِيرٍ قَدْ لَحِقَ ظَهْرُهُ بِبَطْنِهِ فَقَالَ: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي هَذِهِ الْبَهَائِمِ الْمُعْجَمَةِ فَارْكَبُوهَا صَالِحَةً، وَكُلُّوهَا صَالِحَةً» رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۵۷۴. از سهل بن عمرو روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار شتری گذشت که از غایت لاغری پشتش به شکمش چسبیده بود، فرمودند: «در حق این چهارپایان زبان بسته، از خدا بترسید و وقتی سوار آنها شوید و آنها را ذبح کنید و بخورید که (به حد کافی به آنها رسیده باشید) و شایسته‌ی آن کارها باشند»^۲.

۵۷۵- وعن أنس رضي الله عنه، قال: كُنَّا إِذَا نَزَلْنَا مَنَزَلًا، لَا نُسَبِّحُ حَتَّى نَحُلَّ الرَّحَالَ. رواه أبو داود بإسناد على شرط مسلم.

وقوله: «لا نُسَبِّحُ» أي لا نُصَلِّي النَّافِلَةَ، ومعناه: أَنَا مَعَ حَرَصِنَا عَلَى الصَّلَاةِ لَا نُقَدِّمُهَا عَلَى حَطِّ الرَّحَالِ وَإِرَاحَةِ الدَّوَابِّ.

۵۷۵. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: ما هر وقت وارد مکانی می‌شدیم و در آنجا نزول و توقف می‌کردیم، تا بار شترها را باز نمی‌کردیم و پایین نمی‌آوردیم، نماز نمی‌خواندیم^۳.

منظور انس رضی الله عنه نماز نفل است؛ یعنی با وجود حرصی که ما برای ادای نماز نفل داشتیم، آن را بر خدمت و تیمار و استراحت چهارپایان، مقدم نمی‌داشتیم.

۱- ابوداود [۲۵۷۱] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۲- ابوداود [۲۵۴۸] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۳- ابوداود [۲۵۵۱] به اسناد مطابق با شرط مسلم روایت کرده است.

۱۶۳- بابُ إعانةِ الرفیقِ

باب کمک به همسفر

۵۷۶- وعن جابر رضي الله عنه، عن رسول الله صلى الله عليه وسلم أنه أراد أن يغزو فقال: «يا معشر المهاجرين والأنصار، إن من إخوانكم قوماً، ليس لهم مال، ولا عشيرة، فليضم أحدكم إليه الرجلين أو الثلاثة، فما لأحدنا من ظهر يحمله إلا عتبة كعبية» يعني أحدهم، قال: فصممتُ إليّ اثنين أو ثلاثة ما لي إلا عتبة كعبية أحدهم من جملي. رواه أبوداود.

۵۷۶. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله تصمیم به جهاد گرفتند و سپس فرمودند: «ای جماعت مهاجر و انصار! از برادران شما طایفه‌ای هستند که ثروت و قوم و قبیله‌ای ندارند، پس باید هر یک از شما (که حیوان سواری و توشه‌ای دارد) دو مرد یا سه مرد را به خود ملحق و شریک خود نماید». لذا هر یک از ما که حیوان سواری داشت فقط یک نوبت سواری داشت. جابر رضی الله عنه می‌گوید: من دو یا سه نفر را با خود همراه کردم و جز مانند نوبت یکی از آنها، از شتر خود حقی نداشتم و تنها در نوبت خود سوار می‌شدم.^۱

۵۷۷- وعنه قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يتخلف في المسير فيزجني الضعيف ويؤدف ويدعو له. رواه أبو داود بإسناد حسن.

۵۷۷. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله (در سفر و جهاد) عمداً خود را عقب می‌انداخت و شتر فرد ضعیف را آرام سوق می‌داد و او را بر شتر خود در پشت سر، سوار می‌کرد و برای آنها دعای خیر می‌فرمود.^۲ (به حدیث شماره: ۱۶۳ مراجعه شود).

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [۲۵۳۴].

۲- ابوداود [۲۶۳۹]. به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۱۶۴- باب ما یقوله إذا ركب الدابة للسفر
باب آن چه كه شخص هنگام سوار شدن می گوید

قال الله تعالى:

﴿..... وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلُكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾ لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِمْ
ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَنَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا
هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ﴾

(الزخرف/۱۲-۱۴)

«..... و برای شما از کشتی ها و چهارپایان، مرکب هایی قرار داده است
که بر آنها سوار می گردید، (خدا این مرکب ها را آفریده است) تا بر
پشت آنها قرار بگیرید و هنگامی که بر آنها سوار شدید، نعمت
پروردگار خود را یاد کنید و بگویید: پاک و منزّه خدایی است که
این ها را به زیر فرمان و تسخیر ما درآورد، وگرنه ما بر آن توانایی
نداشتیم؛ و ما یقیناً به سوی پروردگارمان باز می گردیم».

۵۷۸- وعن ابن عمر رضي الله عنهما، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا اسْتَوَى
عَلَى بَعِيرِهِ خَارِجاً إِلَى سَفَرٍ، كَبَّرَ ثَلَاثًا، ثُمَّ قَالَ: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا
لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَىٰ،
وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى. اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي
السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمُنْظَرِ، وَسُوءِ
الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ وَالْوَلَدِ». وَإِذَا رَجَعَ قَالَهُنَّ وَزَادَ فِيهِنَّ: «أَيُّونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا
حَامِدُونَ». رواه مسلم.

۵۷۸. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر ﷺ وقتی برای خروج از شهر و رفتن به سفری بر شترش سوار می شد، سه مرتبه تکبیر (الله اکبر) می نمود و سپس می فرمودند:

«سُبْحَنَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى، وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى. اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمَنْظَرِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ وَالْوَلَدِ».

«پاک و منزّه است خدایی که این وسیله را برای ما مسخر کرد، در حالی که ما توانایی مسخر کردن آن را نداشتیم و ما یقیناً به سوی پروردگار خود باز می گردیم. خدایا! از تو می خواهیم که در این سفر نیکی و تقوا و عملی را که بدان راضی می شوی، نصیب ما گردانی! خداوند! این سفر ما را بر ما آسان گردان و دوری اش را بر ما کوتاه ساز. پروردگارا! تنها تو همراه و یاور ما، در سفر؛ و جانشین ما، در خانواده ی ما هستی. خدایا! من از سختی های سفر و از حالات غم و اندوه و تغییرات بد و ناخوشایند در مال و خانواده و فرزندانم به تو پناه می برم».

و وقتی برمی گشت، نیز همین دعا را می خواند و این جملات را به آن اضافه می نمود: «آيُؤْن تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ»: ما بازگشتگان و توبه کنندگان و عبادت کنندگانیم و سپاسگزاران و ستایش کنندگان خدای خود هستیم».

۱۶۵- باب تکبیر المسافر إذا صعد الثنایا وشبهها وتسیبها إذا هبط الأودية

ونحوها والنهی عن المبالغة برفع الصوت بالتکبیر ونحوه

باب تکبیر مسافر در وقتی که از گردنه‌ی تند و مانند آن بالا می‌رود و تسبیح او در وقتی که به دره یا شبه دره‌ای پایین می‌آید و منع از مبالغه در بلند نمودن صدای تکبیر و مانند آن

۵۷۹- عن جابر رضي الله عنه قال: كُنَّا إِذَا صَعِدْنَا كَبَّرْنَا، وَإِذَا نَزَلْنَا سَبَّحْنَا. رواه البخاري.

۵۷۹. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: ما (صحابه) وقتی بر بلندی صعود می‌کردیم، تکبیر (الله اکبر) می‌گفتیم و وقتی از بلندی پایین می‌آمدیم، تسبیح (سبحان الله) می‌گفتیم.^۱

۵۸۰- وعنه قال: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَفَلَ مِنَ الْحَجِّ أَوْ الْعُمْرَةِ كُلَّمَا أَوْفَى عَلَى ثِيَابٍ أَوْ فَدَفِدَ كَبَّرَ ثَلَاثًا، ثُمَّ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. آيُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ. صَدَقَ اللَّهُ وَعْدُهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ» متفقٌ عليه.

۵۸۰. از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه از حج یا عمره برمی‌گشت، هر بار از گردنه‌ای بالا می‌رفت یا بر زمین سنگلاخ و بلندی می‌گذشت، سه مرتبه تکبیر (الله اکبر) می‌فرمود و سپس می‌فرمودند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. آيُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ. صَدَقَ اللَّهُ وَعْدُهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ»: هیچ معبودی جز الله نیست و او، تنها و بی‌شریک است، پادشاهی و سپاس و ستایش از آن او و سزاوار اوست و او بر هر چیزی تواناست؛ ما بازگشتگان و توبه‌کنندگان و عبادت‌کنندگان و سجده‌کنندگانیم و سپاسگزاران و ستایش‌کنندگان خدای خود

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۲۹۹۳].

هستیم؛ خداوند به وعده‌ی خود وفا کرد و در آن راست فرمود و بنده‌ی خود را نصرت داد و تمام لشکریان و دسته‌ها (ی کفر) را به تنهایی شکست داد»^۱.

۵۸۱- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ، فَكُنَّا إِذَا أَشْرَفْنَا عَلَى وَادٍ هَلَّلْنَا وَكَبَّرْنَا وَارْتَفَعَتْ أَصْوَاتُنَا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، ارْبِعُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ فَإِنَّكُمْ لَا تَدْعُونَ أَصَمَّ وَلَا غَائِبًا. إِنَّهُ مَعَكُمْ، إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ» متفقٌ عليه.

۵۸۱. از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: ما همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سفری بودیم و هرگاه به بالای دره‌ای می‌رسیدیم، لا إله إلا الله والله أكبر می‌گفتم و صداهايمان بلند می‌شد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمودند: «ای مردم! بر خود رحم کنید (و صدایتان را پایین بیاورید)؛ زیرا شما ناشنوا یا غایبی را صدا نمی‌زنید، همانا او (خدا) با شما و شنوا و نزدیک است»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۳۸۵)، م (۱۳۴۴)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۳۸۴)، م (۲۷۰۴)].

۱۶۶- باب استحباب الدعاء فی السفر

باب استحباب دعا در سفر

۵۸۲- عن أبي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ لَا شَكَّ فِيهِنَّ: دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ، وَدَعْوَةُ الْمُسَافِرِ، وَدَعْوَةُ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ» رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن.

۵۸۲. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سه دعا، بدون تردید، مستجاب است: (۱) دعای مظلوم؛ (۲) دعای مسافر؛ (۳) دعای پدر به ضرر فرزندش»^۱.

۱۶۷- باب ما يدعو به إذا خاف ناساً أو غيرهم

باب دعایی که انسان هنگام ترس از گروهی از مردم یا غیر آنان می خواند

۵۸۳- عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا خَافَ قَوْمًا قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ» رواه أبو داود، والنسائي بإسناد صحيح.

۵۸۳. از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه از طایفه‌ای ترس داشت، می فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ»: خداوندا! ما تو را در (برابر) سینه‌ی ایشان قرار می دهیم و از شر آنها به تو پناه می بریم»^۲.

۱- ابوداود [(۱۵۳۶)] و ترمذی [(۳۴۴۲)] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است؛ ولی در روایت ابوداود «علی ولده» نیست.

۲- ابوداود [(۱۵۳۷)] و نسائی [(۶۰۱)] به اسناد صحیح روایت کرده اند.

۱۶۸- باب ما يقول إذا نزل منزلاً

باب آن چه که انسان هنگام پیاده شدن یا توقف در مکانی می گوید

۵۸۴- عن خولة بنت حكيم رضي الله عنها قالت: سمعتُ رسولَ الله صَلَّى الله عليه وسلم يقول: «مَنْ نَزَلَ مَنْزِلًا ثُمَّ قَالَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ حَتَّى يَرْتَحِلَ مِنْ مَنَزِلِهِ ذَلِكَ» رواه مسلم.

۵۸۴. از خوله دختر حکیم - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هرکس در منزلی فرود آید و سپس بگوید: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»: پناه می برم به کلمات کامل خدا از شر آن چه آفریده است»، تا وقتی که از آن جا کوچ می کند، هیچ چیز به او ضرر نخواهد رساند»^۱.

۱۶۹- باب استحباب تعجيل المسافر الرجوع إلى أهله إذا قضى حاجته

باب استحباب تعجيل مسافر در بازگشتن به سوی خانواده اش وقتی که کارش تمام شد

۵۸۵- عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسولَ الله صَلَّى الله عليه وسلم قال: «السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ، يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ طَعَامَهُ، وَشَرَابَهُ وَنَوْمَهُ، فَإِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ نَهْمَتَهُ مِنْ سَفَرِهِ، فَلْيُعَجِّلْ إِلَى أَهْلِهِ» متفقٌ عليه.

۵۸۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سفر قطعه ای از عذاب است که مانع خوراک و نوشیدن و خواب انسان (به طور کامل) می شود،

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۰۸].

سپس هر کدام از شما هر وقت هدفش از سفرش را برآورد و کارش تمام شد، با شتاب به سوی خانواده‌اش بازگردد»^۱.

۱۷۰- باب استحباب القدوم علی أهله نهاراً و کراهته فی اللیل

لغير حاجة

**باب استحباب رفتن به خانه و نزد خانواده در هنگام
روز وقتی که از سفر بازمی‌گردد و کراهت آن در
شب بدون ضرورت**

۵۸۶- عن جابر رضي الله عنه أنَّ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «إِذَا أَطَالَ أَحَدُكُمْ الْغَيْبَةَ فَلَا يَطْرُقَنَّ أَهْلَهُ لَيْلًا».

وفي رواية: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ يَطْرُقَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ لَيْلًا. متفقٌ عليه.

۵۸۶. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه یکی از شما وقتی به سفری طولانی رفت و غیبتش طول کشید، هرگز در شب به خانه‌ی خود وارد نشود»^۲.

در روایتی دیگر آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله از این که کسی (پس از بازگشت از سفرش) شب هنگام بر اهل خانه‌اش وارد شود، نهی فرموده‌اند.

۵۸۷- وعن أنس رضي الله عنه قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَطْرُقُ أَهْلَهُ لَيْلًا، وَكَانَ يَأْتِيهِمْ غُدُوًّا أَوْ عَشِيَّةً. متفقٌ عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۸۰۴)، م (۱۹۲۷)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۱۸۰۱)، م (۷۱۵)].

۵۸۷. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله (وقتی در مسافرت می بود و برمی گشت)، هرگز در شب، به خانه و نزد خانواده اش باز نمی گشت، بلکه اول صبح یا سر شب، نزد ایشان می رفت^۱.

۱۷۱- باب ما یقوله إذا رجع وإذا رأى بلدته
باب آن چه که انسان در حین بازگشتن و وقتی که شهر
خود را دید، آن را می گوید

۵۸۸- وعن أنسٍ رضي الله عنه قال: أقبلنا مع النبي صلى الله عليه وسلم، حتى إذا كنا بظهر المدينة قال: «آيُون، تَائِيُون، عَابِدُون، لِرَبِّنَا حَامِدُون» فلم يزل يقول ذلك حتى قدمنا المدينة» رواه مسلم.

۵۸۸. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: همراه پیامبر صلی الله علیه و آله برمی گشتیم، وقتی به پشت مدینه رسیدیم، فرمودند: «آيُون، تَائِيُون، عَابِدُون، لِرَبِّنَا حَامِدُون»: ما بازگشتگان و توبه کنندگان و عبادت کنندگانیم و سپاسگزاران و ستایش کنندگان خدای خود هستیم» و مرتب این جمله را (تکرار) می فرمود تا به مدینه رسیدیم^۲.
(به حدیث شماره: ۵۷۸ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۸۰۰)، م (۱۹۲۸)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۳۰۸۸)، م (۲۷۶۹)].

۱۷۲- باب استحباب ابتداء القادِم بالمسجد الذی فی جواره

وصلاته فیهِ رکعتین

باب استحباب این که شخص در هنگام بازگشتن از سفر، ابتدا به مسجد نزدیک منزل خود برود و در آن دو رکعت نماز بگزارد (و سپس به خانه برود)

۵۸۹- عن کعب بن مالک رضي الله عنه أنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ بَدَأَ بِالْمَسْجِدِ فَرَكَعَ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ. متفقٌ عليه.

۵۸۹. از کعب بن مالک - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از سفر برمی‌گشت، ابتدا به مسجد می‌رفت و در آنجا دو رکعت نماز می‌خواند.^۱

۱۷۳- باب تحریم سفر المرأة وحدها

باب تحریم مسافرت زن به تنهایی

۵۹۰- وعن ابن عباس رضي الله عنهما أنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا يَخْلُونَ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلَّا وَمَعَهَا ذُو مَحْرَمٍ، وَلَا تُسَافِرُ الْمَرْأَةُ إِلَّا مَعَ ذِي مَحْرَمٍ» فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ امْرَأَتِي خَرَجَتْ حَاجَةً، وَإِنِّي أَكْتَبْتُ فِي غَزْوَةٍ كَذَا وَكَذَا؟ قَالَ: «انْطَلِقْ فَحُجَّ مَعَ امْرَأَتِكَ» متفقٌ عليه.

۵۹۰. از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که او از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که می‌فرمودند: «هیچ مردی با هیچ زنی خلوت ننماید (تنها نشوند)، مگر این که همراه او، یکی از محارم باشد و زن مسافرت نکند، مگر این که یک محرم همراه او باشد»، مردی گفت: ای رسول خدا! زن من برای انجام دادن حج از شهر بیرون رفته و نام

۱- متفقٌ عليه است؛ [خ (۳۰۸۸)، م (۲۷۶۹)].

من، در گروه شرکت‌کنندگان در فلان غزوه نوشته شده است، (چه کار کنم؟) پیامبر ﷺ فرمودند: «برو و همراه زنت حج را انجام بده»^۱.

۵۹۱- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَحِلُّ لَامْرَأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ تُسَافِرُ مَسِيرَةَ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ إِلَّا مَعَ ذِي مَحْرَمٍ عَلَيْهَا» متفق عليه.

۵۹۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «برای هر زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، حلال نیست که بدون محرم، مسافت یک شبانه‌روز را مسافرت کند»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۸۶۲)، م (۱۳۴۱)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۰۸۸)، م (۱۳۳۹)].

بخش نهم

کتاب فضایل

۹- کتاب الفضائل

۱۷۴- باب فضل قراءة القرآن

باب فضیلت قرائت قرآن

۵۹۲- عن أبي أمامة رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «اقْرَأُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لِأَصْحَابِهِ» رواه مسلم.

۵۹۲. از ابوامامه - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «قرآن بخوانید؛ زیرا قرآن، در روز قیامت برای یاران خود شفاعت می‌کند»^۱.

۵۹۳- وَعَنْ النَّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْقُرْآنِ وَأَهْلُهُ الَّذِينَ كَانُوا يَعْمَلُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا تَقْدُمُهُ سُورَةُ الْبَقَرَةِ وَالْأَلْعَمَرَانِ، تُحَاجَّانِ عَنْ صَاحِبَيْهِمَا» رواه مسلم.

۵۹۳. از نواس بن سمعان - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «روز قیامت، قرآن و اهلش، آنانی که در دنیا به قرآن عمل می‌کردند، آورده می‌شوند و سوره‌های بقره و آل عمران در پیشاپیش او (قرآن) هستند و از یاران شان، دفاع و حمایت می‌کنند»^۲.

۵۹۴- وعن عثمان بن عفان رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ» رواه البخاري.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۰۴)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۰۵)].

۵۹۴. از حضرت عثمان بن عفان - رضی الله عنه - روایت شده است که: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را به دیگران تعلیم دهد»^۱.

۵۹۵- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَالَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَسْتَعِجُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ» متفقٌ عليه.

۵۹۵. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که قرآن را ماهرانه (و بدون داشتن اشتباه و وقفه) بخواند، با فرشتگان بزرگوار و نیکوکار وحی است، و کسی که قرآن را به سختی و همراه وقفه بخواند و آن خواندن برای او سخت باشد، دو اجر دارد»^۲.

۵۹۶- وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ مَثَلُ الْأُتْرَجَةِ: رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا طَيِّبٌ، وَمَثَلُ الْمُؤْمِنِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ الثَّمَرَةِ: لَا رِيحَ لَهَا وَطَعْمُهَا حُلْوٌ، وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ الرِّيحَانَةِ: رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ، وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ الْحَنْظَلَةِ: لَيْسَ لَهَا رِيحٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ» متفقٌ عليه.

۵۹۶. از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مثال مؤمنی که قرآن می‌خواند، مانند ترنج است که هم بو و هم مزه‌ی خوب دارد، و مثال مؤمنی که قرآن نمی‌خواند، مانند خرماست که بو ندارد ولی مزه‌اش شیرین است؛ و مثال منافقی که قرآن می‌خواند، مانند ریحان است که بوی آن خوش ولی مزه‌اش تلخ است، و مثال منافقی که قرآن نمی‌خواند، چون حنظل است که بو ندارد و مزه‌ی آن نیز تلخ است»^۳.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۰۲۷)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۴۹۳۷)، م (۷۹۸)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۵۰۵۹)، م (۷۹۷)].

۵۹۷- وعن عمر بن الخطاب رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ الْآخَرِينَ» رواه مسلم.

۵۹۷. از حضرت عمر بن خطاب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند با این قرآن، کسانی را بلند و کسانی دیگر را پست می‌کند»^۱.

۵۹۸- وعن ابن عمر رضي الله عنهما عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَتَيْنِ: رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ، فَهُوَ يَقُومُ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَآتَاءَ النَّهَارِ، وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَهُوَ يُنْفِقُهُ آتَاءَ اللَّيْلِ وَآتَاءَ النَّهَارِ» متفقٌ عَلَيْهِ.

۵۹۸. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «حسد ورزیدن جز در دو چیز جایز نیست: (۱) مردی که خداوند، قرآن را به او یاد داده است و او در ساعات شب و روز به آن قیام می‌کند (حقیقت را از قرائت و عمل و تعلیم، به جای می‌آورد)؛ (۲) مردی که خداوند مالی به او داده است و او در ساعات شب و روز، آن را می‌بخشد»^۲.

۶۰۰- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يُقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ: اقْرَأْ وَارْتَقِ وَرَتِّلْ كَمَا كُنْتَ تُرَتِّلُ فِي الدُّنْيَا، فَإِنَّ مَنْزِلَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرُؤُهَا» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۶۰۰. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در هنگام ورود به بهشت) به قاری و ملازم قرآن (در علم و عمل) گفته می‌شود: قرآن بخوان و (از پله‌های بهشت) بالا برو و با تأنی و تجوید بخوان، چنان‌که در دنیا با ترتیل می‌خواندی، زیرا منزلت تو در (حد) آخرین آیه‌ای است که می‌خوانی».

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۱۷)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۷۳)، م (۸۱۵)].

۱۷۵- باب الأمر بتعهد القرآن والتحذير من تعريضه للنسيان
باب امر به ملازمت و مداومت در (تلاوت) قرآن و
پرهیز از در معرض فراموشی قرار دادن آن

۶۰۱- عَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ تَقَلُّبًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عُقْلِهَا» متفق عليه.

۶۰۱. از ابوموسی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در خواندن و تذکر گرفتن) بر این قرآن، مداومت و ملازمت داشته باشید، زیرا سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، قرآن، از شتر پای بسته در طناب، گریزان‌تر و فرارتر است (قرآن از ذهن و حافظه‌ی انسان، از شتری که پایش از طناب باز می‌شود، زودتر می‌گریزد)»^۱.

۶۰۲- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّمَا مَثَلُ صَاحِبِ الْقُرْآنِ كَمَثَلِ الْإِبِلِ الْمُعَقَّلَةِ، إِنْ عَاهَدَ عَلَيْهَا أَمْسَكَهَا، وَإِنْ أَطْلَقَهَا، ذَهَبَتْ» متفق عليه.

۶۰۲. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «قاری و ملازم قرآن، مانند کسی است که شترش را بسته است، که اگر از آن مواظبت کند، آن را خواهد گرفت و در دست خواهد داشت و اگر آن را رها کند، می‌رود»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۰۳۳)، م (۷۹۱)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۰۳۱)، م (۷۸۹)].

۱۷۶- باب استحباب تحسین الصَّوْت بِالْقُرْآن وطلب القراءة من حَسَن الصوت والاستماع لها
باب استحباب زیبا کردن صوت در حین قرائت قرآن و درخواست قرائت
از انسان خوش صدا و گوش دادن به آن

۶۰۳- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا أَذِنَ اللَّهُ لشيءٍ مَا أَذِنَ لِنَبِيِّ حَسَنِ الصَّوْتِ يَتَغَنَّى بِالْقُرْآنِ يَجْهَرُ بِهِ» متفقٌ عليه.

۶۰۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند، هرگز چنان که به صدای خوش پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که بلند و آهنگین قرآن را می‌خواند، گوش فرا داده (خشنود و پذیرا بوده) به چیز دیگری گوش فرا نداده است (خشنود و پذیرا نبوده است).^۱

۶۰۴- وَعَنْ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرَأَ فِي الْعِشَاءِ بِالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ، فَمَا سَمِعْتُ أَحَدًا أَحْسَنَ صَوْتًا مِنْهُ. متفقٌ عليه.

۶۰۴. از براء بن عازب - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که در نماز عشاء، سوره‌ی التین و الزیتون را می‌خواند و کسی را که از او خوش صداتر باشد، (ندیده و) نشنیده‌ام.^۲

۶۰۵- وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُ: «لَقَدْ أُوتِيتَ مِزْمَارًا مِنْ مَزَامِيرِ آلِ دَاوُدَ» متفقٌ عليه.
وفي روايةٍ لمسلمٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُ: «لَوْ رَأَيْتَنِي وَأَنَا أَسْتَمِعُ لِقِرَاءَتِكَ الْبَارِحَةَ».

۶۰۵. از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به او گفت: «قطعه‌ای از صدای خوش و الحان «آل داود» به تو داده شده است!»^۳.

۱- متفق علیه است: [خ (۵۰۲۳)، م (۷۹۲)].

۲- متفق علیه است: [خ (۷۶۹)، م (۴۶۴)].

۳- متفق علیه است: [خ (۵۰۴۸)، م (۷۹۳)].

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: پیامبر ﷺ به او فرمودند: «اگر مرا می دیدی در حالی که به تلاوت دیشب تو گوش می دادم!».

۱۷۷- باب الحثّ علی سور و آیات مخصوصة
باب تشویق به قرائت بعضی سوره ها و آیات مخصوص

۶۰۶- عن أبي سعيد رافع بن المَعْلَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلَا أَعْلَمُكَ أَعْظَمَ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ؟ فَأَخَذَ بِيَدِي، فَلَمَّا أَرَدْنَا أَنْ نَخْرُجَ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّكَ قُلْتَ لِأَعْلَمَنَّكَ أَعْظَمَ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ؟ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ هِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي، وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ الَّذِي أُوتِيَتْهُ» رواه البخاري.

۶۰۶. از ابوسعید رافع بن معلی - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ به من فرمودند: «آیا قبل از آن که از مسجد خارج شوی، بزرگ ترین سوره ی قرآن را به تو نشان دهم!» و دستم را گرفت، وقتی که خواستیم از مسجد خارج شویم، گفتم: ای رسول خدا! شما فرمودید قبل از خروج از مسجد، بزرگ ترین سوره ی قرآن را به تو نشان می دهم! فرمودند: (الحمد لله رب العالمین...) آن سبع المثنائی (هفت آیه ای که دو بار نازل شد) و قرآن با عظمتی است که به من داده شده است»^۱.

۶۰۷- وعن أبي سعيد الخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فِي: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّهَا لَتَعْدِلُ ثُلُثُ الْقُرْآنِ».

وفي رواية: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: «أَيَعِجْزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ بِثُلُثِ الْقُرْآنِ فِي لَيْلَةٍ؟ فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ، وَقَالُوا: أَتَيْنَا يُطِيقُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ: ثُلُثُ الْقُرْآنِ» رواه البخاري.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۵۰۶].

۶۰۷. از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد (قل هو الله احد) فرمودند: «سوگند به کسی که جانم در دست اوست، آن سوره معادل یک سوم قرآن است».

در روایتی دیگر آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله به یارانش فرمودند: «آیا هر کدام از شما نمی‌تواند یک سوم قرآن را در یک شب تلاوت کند؟» و این موضوع بر همه گران آمد و گفتند: کدام یک از ما توانایی آن را دارد؟ ای رسول خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ...)، یک سوم قرآن است.^۱

۶۰۸ - وعن عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَلَمْ تَرَ آيَاتِ أَنْزَلْتُ هَذِهِ اللَّيْلَةَ لَمْ يُرْ مِثْلُهُنَّ قَطُّ؟ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» رواه مسلم.

۶۰۸. از عقبه بن عامر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا آیاتی را که امشب نازل شده و هرگز مانند آن دیده نشده است، نمی‌دانی: (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ)؟»^۲.

۶۰۹ - وعن أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مِنَ الْقُرْآنِ سُورَةُ ثَلَاثُونَ آيَةً شَفَعَتْ لِرَجُلٍ حَتَّى غُفِرَ لَهُ، وَهِيَ: تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ». رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن.

۶۰۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از قرآن سوره‌ای هست که شامل سی آیه است، این سوره برای مرد (ی که قاری آن بود)، شفاعت کرد تا آمرزیده شد و آن سوره، سوره‌ی (تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ) است»^۳.

۶۱۰ - وعن أَبِي مَسْعُودٍ الْبَدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَرَأَ بِالْآيَتَيْنِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ فِي لَيْلَةِ كَفَّاتِهِ» متفقٌ عليه.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۰۱۳)، و (۵۰۱۵)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۱۴)].

۳- ابوداود [(۱۴۰۰)] و ترمذی [(۲۸۹۳)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۶۱۰. از ابومسعود بدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس دو آیهی آخر سورهی بقره را در شب بخواند، همین دو آیه برای او کافی است»^۱.

و گفته شده است: (یعنی) او را از هر بدی در آن شب کفایت می‌کند و نیز گفته‌اند: او را از نماز شب، بی‌نیاز می‌کند.

۶۱۱- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لا تجعلوا بيوتكم مقابر، إن الشيطان ينفر من البيت الذي تقرأ فيه سورة البقرة» رواه مسلم.

۶۱۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خانه‌های خود را (به سبب عدم قرائت قرآن و نماز و ذکر، مانند آنها) قبرستان نکنید؛ شیطان از خانه‌ای که در آن سورهی بقره خوانده شود، می‌گریزد و بیزار است»^۲.

۶۱۲- وعن أبي بن كعب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «يا أبا المنذر، أتدري أي آية من كتاب الله معك أعظم؟ قلت: الله لا إله إلا هو الحي القيوم، فصرّب في صدري وقال: «ليهنك العلم أبا المنذر» رواه مسلم.

۶۱۲. از ابی بن کعب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای ابومنذر! آیا می‌دانی کدام آیه در کتاب خدا که با توست (تو حافظ و حامل آن هستی)، بزرگ‌تر است؟» گفتیم: «الله لا إله إلا هو الحي القيوم» (بقره / ۲۵۵) بر سینه‌ی من زد و فرمودند: «علم بر تو گوارا باد، ای ابومنذر!»^۳.

۶۱۳- وعن أبي الدرداء رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «من حفظ عشر آيات من أول سورة الكهف، عصم من الدجال». وفي رواية: «من آخر سورة الكهف» رواه مسلم.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۰۹)، م (۸۰۸)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۸۰)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۱۰)].

۶۱۳. از ابودرداء - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس ده آیه از اول سوره‌ی کهف را حفظ کند، از شر «دجال» محفوظ می‌شود. و در روایتی دیگر آمده است: «از آخر سوره‌ی کهف»^۱.

۱۷۸- باب استحباب الاجتماع علی القراءة
باب استحباب جمع شدن برای تلاوت قرآن

۶۱۴- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ، وَيَتَدَارِسُونَهُ بَيْنَهُمْ، إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَغَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ» رواه مسلم.

۶۱۴. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه عده‌ای در یکی از خانه‌های خدا (مساجد) جمع شدند که کتاب خدا را تلاوت کنند و به همدیگر آن را تعلیم دهند، آرامش بر آنها وارد می‌شود و رحمت خدا آنها را فرا می‌گیرد و ملائکه آنان را احاطه می‌کنند و خداوند در زمره‌ی کسانی که همواره در حضور او هستند، از آنان یاد می‌کند»^۲.

۱- هر دو را مسلم روایت کرده است؛ [(۸۰۹)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۹۹)].

۱۷۹- باب فضل الوضوء

باب فضیلت وضو

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾

(المائدة / ۶)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! وقتی برای (ادای) نماز به پا خاستید، صورت‌های خود را بشویید».

إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى:

﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ

نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

(المائدة / ۶)

تا آن‌جا که می‌فرماید:

«خداوند نمی‌خواهد بر شما سخت بگیرد، بلکه می‌خواهد شما را پاکیزه دارد و نعمت خود را بر شما تمام نماید، شاید که شکر او را به جای آورید».

۶۱۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ خَلِيلِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «تَبْلُغُ الْحِلْيَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِ حَيْثُ يَبْلُغُ الْوُضُوءُ» رواه مسلم.

۶۱۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از دوست و محبوبم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمودند: «زیور (بهشتی) مؤمن تا جایی است که آب وضو به آن می‌رسد»^۱.

۶۱۶- وعن عثمان بن عفان رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ، خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِهِ» رواه مسلم.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۰].

۶۱۶. از عثمان بن عفان - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس وضو گرفت و به نحو احسن آن را انجام داد، گناهایش می‌ریزد، تا اندازه‌ای که از زیر ناخن‌هایش خارج می‌شود»^۱.

۶۱۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «ألا أدلكم على ما يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا، وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ، وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ، فَذَلِكُمُ الرِّبَاطُ، فَذَلِكُمُ الرِّبَاطُ» رواه مسلم.

۶۱۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا شما را به چیزی که خداوند با آن گناهان را محو و درجات را نزد خود بالا می‌برد، راهنمایی کنم؟» گفتند: بله، ای رسول خدا! فرمودند: «وضوی کامل و صحیح با تحمل سختی و زحمت (مثلاً سرما یا...) و زیاد قدم برداشتن به سوی مساجد و انتظار نمازی دیگر بعد از نماز؛ و رباط، این‌ها هستند»^۲.

(رباط: یعنی مداومت بر جنگ در راه خدا و حفظ حدود و مرزهای اسلامی؛ و این اعمال، روح رباط و ادامه‌ی مبارزه با نفس و آرزوهای آن است).

۶۱۸- وعن عُمر بن الخطاب رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَتَوَضَّأُ فَيُبَلِّغُ أَوْ فَيُسَبِّحُ الْوُضُوءَ ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، إِلَّا فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ، يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ» رواه مسلم.

وزاد الترمذي: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».

۶۱۸. از حضرت عمر بن خطاب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کدام از شما وضو بگیرد و آن را به صورت کامل (و شرعی) بگیرد و سپس بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۴۵)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۱)].

«گواهی می‌دهم که جز الله معبودی به حق نیست و تنها و بی شریک است، و گواهی می‌دهم که حضرت محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ی خداست»، درهای هشت‌گانه‌ی بهشت برای او گشوده می‌شود که از هر دری که بخواهد، داخل آن گردد».

و ترمذی اضافه کرده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»: بار خدایا مرا در شمار توبه‌کنندگان و پاکیزگان قرار ده^۱.
(به حدیث شماره: ۱۶ و ۸۴ مراجعه شود).

۱۸۰- باب فضل الأذان

باب فضیلت اذان

۶۱۹- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ، ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَاسْتَهْمُوا عَلَيْهِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي التَّهَجِيرِ لَاسْتَبَقُوا إِلَيْهِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا». متفقٌ عَلَيْهِ .

۶۱۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «اگر مردم ارزش (خیر و برکت و ثواب) اذان و ایستادن در صف اول نماز جماعت را می‌دانستند و (برای دستیابی به آن) راهی جز قرعه کشیدن نمی‌یافتند، قطعاً بر سر آن قرعه می‌کشیدند و اگر می‌دانستند که چه برکاتی در زود رفتن به نماز نهفته است، بر سر آن مسابقه می‌دادند و اگر می‌دانستند که در نماز عشا و صبح، چه فوایدی موجود است، به سوی آن دو عمل می‌شتافتند، اگرچه بر روی دست‌ها و زانوهایشان می‌بود»^۲.

۱- [(۵۵)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۱۵)، م (۴۳۷)].

۶۲۰- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي صَعْصَعَةَ أَنَّ أَبَا سَعِيدٍ الْخُدْرِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ لَهُ: «إِنِّي أَرَاكَ تُحِبُّ الْغَنَمَ وَالْبَادِيَةَ فَإِذَا كُنْتَ فِي غَنَمِكَ أَوْ بَادِيَتِكَ فَأَذْنَتْ لِلصَّلَاةِ، فَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالنِّدَاءِ، فَإِنَّهُ لَا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جَنْ، وَلَا إِنْسَ، وَلَا شَيْءَ، إِلَّا شَهِدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» قَالَ أَبُو سَعِيدٍ: سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. رواه البخاري.

۶۲۰. از عبدالله بن عبدالرحمن بن ابی صعصعه روایت شده است که ابوسعید خدری - رضی الله عنه - به او گفت: من می بینم که تو گوسفند و بیابان را دوست داری، پس هر وقت میان گوسفندان و بادیات بودی و برای دعوت به نماز اذان گفתי، صدايت را بلندتر کن، زیرا هیچ جن و انس و چیز دیگری صوت مؤذن را نمی شنود مگر آن که در روز قیامت برای او شهادت می دهد؛ ابوسعید رضی الله عنه می گوید: این را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیده ام^۱.

۶۲۱- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا نُودِيَ بِالصَّلَاةِ، أَذْبَرَ الشَّيْطَانُ وَ لَهُ ضُرَاطٌ حَتَّى لَا يَسْمَعَ التَّأَذِينَ، فَإِذَا قُضِيَ النَّدَاءُ أَقْبَلَ، حَتَّى إِذَا تَوَبَّ لِلصَّلَاةِ أَذْبَرَ، حَتَّى إِذَا قُضِيَ التَّوْبُّ أَقْبَلَ، حَتَّى يَخْطَرَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَنَفْسِهِ يَقُولُ: اذْكُرْ كَذَا، وَاذْكُرْ كَذَا لِمَا لَمْ يَذْكُرْ مِنْ قَبْلُ حَتَّى يَظُلَّ الرَّجُلُ مَا يَذْرِي كَمْ صَلَّى» متفق عليه.

۶۲۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «وقتی بانگ نماز برآورده می شود، شیطان پشت می گرداند، در حالیکه باد می افکند تا این که اذان را نشنود و وقتی اذان تمام شد، می آید، و وقتی که اقامه ی نماز گفته شود می رود، و هنگامی که اقامه تمام شد باز می آید و میان انسان و نفس او وسوسه ایجاد می کند و می گوید: فلان چیز و فلان مسأله را به یاد بیاور - از چیزهایی که قبلاً در یاد و فکر او نبوده است - تا آن که شخص طوری می شود که نمی داند چند رکعت نماز خوانده است»^۲.

۶۲۲- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا سَمِعْتُمُ النَّدَاءَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ، ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۰۹].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۰۸)، م (۳۸۹)].

صَلَاةَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا، ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِيِ الْوَسِيلَةَ، فَإِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ، فَمَنْ سَأَلَ لِيِ الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ» رواه مسلم.

۶۲۲. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنه - روایت شده است که وی از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که می فرمودند: «وقتی اذان را از مؤذن شنیدید، هر چه می گوید، مثل آن را تکرار کنید و سپس بر من صلوات بفرستید؛ زیرا هر کس بر من درودی بفرستد، خداوند به سبب آن ده مرتبه بر او درود می فرستد، سپس از خدا برای من، «وسيله» را مسألت کنید که آن منزلتی بزرگ است در بهشت و تنها سزاوار یکی از بندگان خداست و من امیدوارم که آن بنده من باشم و هر کس از خدا برای من وسیله خواست، شفاعت من برای او واجب خواهد شد»^۱.

۶۲۳- وَعَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ: اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ، وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ، حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ» رواه البخاري.

۶۲۳. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس هنگام شنیدن اذان بگوید: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ، وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ: خدایا! صاحب این دعوت کامل، و این نماز برپا و پایدار! مقام وسیله و فضیله را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله عطا بفرما، و او را به مقام محمودی که به وی وعده داده‌ای، برانگیز؛ شفاعت من بر او سزاوار خواهد شد»^۲.

۶۲۴- وَعَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيَ اللَّهُ رِئًا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ» رواه مسلم.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۳۸۴)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۱۴)].

۶۲۴. از سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس موقعی که صدای مؤذن را می شنود، بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا: شهادت می دهم که خدایی جز الله نیست، تنها و بی شریک است و شهادت می دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده‌ی اوست، به پروردگاری الله و به رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و به دیانت اسلام راضی و خشنود هستم». گناه او آمرزیده می شود»^۱.

۶۲۵- وعن أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الدُّعَاءُ لَا يُرَدُّ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ» رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن.

۶۲۵. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دعا در بین اذان و اقامه رد نمی شود»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۳۸۶)].

۲- ابوداود [(۵۲۱)] و ترمذی [(۲۱۲)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۱۸۱- باب فضل الصلوات

باب فضیلت نمازها

قال الله تعالى:

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾

(العنکبوت / ۴۵)

«مسلماناً نماز (انسان را) از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند، باز می‌دارد».

۶۲۶- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بِبَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ، هَلْ يَبْقَى مِنْ دَرَنِهِ شَيْءٌ؟» قَالُوا: لَا يَبْقَى مِنْ دَرَنِهِ شَيْءٌ، قَالَ: «فَذَلِكَ مَثَلُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ، يَمْحُو اللَّهُ بِهِنَ الْخَطَايَا» متفقٌ عليه.

۶۲۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «اگر رودخانه‌ای جلو خانه‌ی یکی از شما باشد و او هر روز پنج بار در آن خود را بشوید، آیا چیزی از چرک بدنش باقی می‌ماند؟» گفتند: خیر، چیزی از چرکش باقی نمی‌ماند، فرمودند: «همین مثال نمازهای پنج گانه است که خداوند گناهان را به وسیله‌ی آنها محو می‌نماید».

۶۲۷- وعن عثمان بن عفان رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «ما من امرئ مسلمٍ تخضره صلاةٌ مكتوبةٌ فيحسُّ وضوءَهَا؛ وخشوعَهَا، وزكوعَهَا، إلاَّ كانت كفارةً لما قبلها من الذنوب ما لم تؤت كبيرةً، وذلك الدهر كله» رواه مسلم.

۶۲۷. از عثمان بن عفان - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هر مسلمانی که وقت نماز فرض او فرا رسد و او، وضو و خشوع و رکوع آن را به نحو احسن به جا آورد، یقیناً آن نماز، کفاره‌ی گناهان پیش از آن

می‌شود، مادامی که گناه کبیره‌ای انجام نشده و این (کفاره بودن نماز فرض برای گناهان قبل از خودش) در تمام عمر (ش)، چنین است»^۱.
(به احادیث شماره: ۸۵، ۲۶۸ و ۲۷۱ مراجعه شود).

۱۸۲- باب فضل صلاة الصبح والعصر

باب فضیلت نماز صبح و عصر

۶۲۸- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «يَتَعَاقَبُونَ فِيكُمْ مَلَائِكَةٌ بِاللَّيْلِ، وَمَلَائِكَةٌ بِالنَّهَارِ، وَيَجْتَمِعُونَ فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ وَصَلَاةِ الْعَصْرِ، ثُمَّ يَعْرُجُ الَّذِينَ بَاتُوا فِيكُمْ، فَيَسْأَلُهُمُ اللَّهُ - وَهُوَ أَعْلَمُ بِهِمْ - كَيْفَ تَرَكْتُمْ عِبَادِي؟ فَيَقُولُونَ: تَرَكْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّونَ، وَأَتَيْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّونَ» متفقٌ عليه.

۶۲۸. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «فرشتگانی در شب و فرشتگانی در روز متعاقب و پشت سر هم به میان شما می‌آیند و در نماز صبح و عصر با هم جمع می‌شوند، سپس فرشتگانی که شب با شما بوده‌اند، بالا می‌روند و خداوند از آنها سؤال می‌کند: بندگان مرا چگونه و در چه حالی به جا گذاشتید؟ (- در حالی که خود بدان‌ها آگاه‌تر است -) و ملائکه جواب می‌دهند: ایشان را در حالی به جا گذاشتیم که نماز می‌خواندند و در حالی نزد ایشان رفتیم که نماز می‌خواندند»^۲.

۶۲۹- وعن بُرَيْدَةَ رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ الْعَصْرِ فَقَدْ حَبَطَ عَمَلُهُ» رواه البخاري.

۶۲۹. و از بریده - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس نماز عصر را (به عمد) ترک کند، تمام اعمالش پایمال می‌شود»^۳.
(به حدیث شماره: ۸۶ و ۲۷۱ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۲۸].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۵۵)، م (۶۳۳)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [۵۵۳].

۱۸۳- باب فضل المشی إلى المساجد

باب فضیلت رفتن به مساجد

۶۳۰- وعنه أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ، ثُمَّ مَضَى إِلَى بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ، لِيَقْضِيَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَتْ خُطْوَاتُهُ إِحْدَاهَا تَحُطُّ خَطِيئَةً، وَالْأُخْرَى تَرْفَعُ دَرَجَةً» رواه مسلم.

۶۳۰. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس در منزلش طهارت کند (وضو بگیرد) و سپس به خانه‌ای از خانه‌های خدا (مساجد) برود که فریضه‌ای از فرایض خدا را انجام دهد، قدم‌هایش، یکی گناهی را پاک می‌کند و دیگری یک درجه او را بالا می‌برد»^۱.

۶۳۱- وعن أَبِي بِن كَعْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ لَا أَعْلَمُ أَحَدًا أَبْعَدَ مِنَ الْمَسْجِدِ مِنْهُ، وَكَانَتْ لَا تُحْطِئُهُ صَلَاةٌ، فَقِيلَ لَهُ: لَوْ اشْتَرَيْتَ حِمَارًا لَتَرَكَبَهُ فِي الظُّلُمَاءِ وَفِي الرَّمْضَاءِ قَالَ: مَا يَسُرُّنِي أَنْ مَنَزِلِي إِلَى جَنْبِ الْمَسْجِدِ، إِنِّي أُرِيدُ أَنْ يُكْتَبَ لِي مَمَشَايَ إِلَى الْمَسْجِدِ، وَرَجُوعِي إِذَا رَجَعْتُ إِلَى أَهْلِي. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَكَ ذَلِكَ كُلَّهُ» رواه مسلم.

۶۳۱. و از ابی بن کعب - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: مردی از انصار بود که من کسی را دورتر از او به مسجد نمی‌شناختم (خانه ایشان فاصله بیشتری با مسجد داشت) و یک نمازش فوت نمی‌شد، به او گفته شد: کاش یک الاغ می‌خریدی که در تاریکی و گرما و پیمودن زمین داغ، بر آن سوار می‌شدی، (و به مسجد می‌آمدی) گفت: خوشحال نیستم که منزلم نزدیک مسجد باشد، می‌خواهم در رفتن به مسجد و برگشتن از آن به خانه و خانواده‌ام، قدم‌هایم برایم نوشته شود

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۶۶۶].

و محسوب گردد؛ پیامبر ﷺ خطاب به او فرمودند: «خداوند تمام آنها را برای تو جمع و ذخیره کرده است»^۱.

۶۳۲- وعن أبي موسى رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ أَجْرًا فِي الصَّلَاةِ أَبْعَدُهُمْ إِلَيْهَا مَمْشًى، فَأَبْعَدُهُمْ. وَالَّذِي يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ حَتَّى يُصَلِّيَهَا مَعَ الْإِمَامِ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الَّذِي يُصَلِّيَهَا ثُمَّ يَنَامُ» متفق عليه.

۶۳۲. و از ابوموسی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «انسان دارای بزرگ‌ترین اجر نماز از بین مردم، کسی است که راه گذر او به مسجد، دورتر و سپس کسی است که راهش دورتر است. و کسی که منتظر نماز می‌ماند تا آن را با امام بخواند، اجرش بزرگ‌تر از کسی است که (به تنهایی) آن را انجام می‌دهد و بعد می‌خوابد»^۲.

۶۳۳- وعن بُرَيْدَةَ رضي الله عنه عن النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَشِّرُوا الْمَشَائِينَ فِي الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» رواه أبو داود والترمذي.

۶۳۳. و از بریده - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «بسیار روندگان در تاریکی به مسجد را، به نوری کامل در روز قیامت، مژده دهید»^۳.

۶۳۴- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا، وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: «إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ، وَكَثْرَةُ الْخُطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ، وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ، فَذَلِكَ الرِّبَاطُ، فَذَلِكَ الرِّبَاطُ» رواه مسلم.

۶۳۴. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا شما را به چیزی که خداوند با آن گناهان را محو و درجات را نزد خود بالا می‌برد،

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۶۶۳].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۵۱)، م (۶۶۲)].

۳- ابوداود [۵۶۱] و ترمذی [۲۳۳] روایت کرده‌اند.

راهنمایی کنم؟» گفتند: بله، ای رسول خدا! فرمودند: «وضوی کامل و صحیح با تحمل سختی و زحمت (مثلاً سرما یا...) و زیاد قدم برداشتن به سوی مساجد و انتظار نمازی دیگر بعد از نماز؛ و رباط، اینها هستند».

(به حدیث شماره: ۷۸ مراجعه شود).

۱۸۴- باب فضل انتظار الصلاة

باب فضیلت انتظار نماز

۶۳۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاةٍ مَا دَامَتِ الصَّلَاةُ تَحْسِبُهُ، لَا يَمْنَعُهُ أَنْ يَنْقَلِبَ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا الصَّلَاةُ» متفق عليه.

۶۳۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شخص نمازگزار از میان شما تا زمانی که نماز، او را (در مسجد) نگه می‌دارد و هیچ چیز جز نماز، مانع از بازگشتن او به سوی خانواده‌اش نباشد (و او فقط به خاطر خدا در مسجد منتظر بماند) هم‌چنان در حال نماز است (از جهت ثواب نماز نه حکم نماز؛ زیرا در حال انتظار، انسان می‌تواند حرکت یا صحبت کند)»^۱.

۶۳۶- وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مُصَلَاةٍ الَّذِي صَلَّى فِيهِ مَا لَمْ يُحْدِثْ، تَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ» رواه البخاري.

۶۳۶. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «فرشتگان برای هر یک از شما تا وقتی که در محل نماز خود - که در آن بوده است - باشد و وضوی او باطل نشده باشد، دعا و استغفار می‌کنند و می‌گویند: خدایا! او را بیامرز، خدایا! بر او رحم کن»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۷)، م (۲۷۵)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۷)، م (۶۴۹)].

۱۸۵- باب فضل صلاة الجماعة
باب فضیلت نماز جماعت

۶۳۷- عن ابن عمر رضي الله عنهما أنَّ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةِ الْفَدِّ سَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً» متفقٌ عليه.

۶۳۷. از ابن عمر -رضی- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «نماز جماعت به مقدار بیست و هفت درجه از نماز انفرادی برتر است»^۱.

۶۳۸- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: أتى النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رجلٌ أعمى فقال: يا رسولَ الله، ليس لي قائدٌ يقودني إلى المسجدِ، فسألَ رسولَ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أن يُرَخِّصَ لَهُ فَيُصَلِّيَ فِي بَيْتِهِ، فَرَخَّصَ لَهُ، فَلَمَّا وَلَّى دَعَاهُ فَقَالَ لَهُ: هَلْ تَسْمَعُ النَّدَاءَ بِالصَّلَاةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: «فَأَجِبْ» رواه مسلم.

۶۳۸. و از ابوهریره -رضی- روایت شده است که فرمود: مردی کور به خدمت پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! من عصا کشی ندارم که مرا به مسجد هدایت کند و از پیامبر ﷺ خواست که به وی اجازه دهد در منزل خود نماز بخواند، پیامبر ﷺ اجازه فرمود، وقتی نابینا بازگشت، پیامبر ﷺ او را فراخواند و به او گفت: «آیا اذان نماز را می شنوی؟» گفت: بله، فرمودند: «پس اجابت کن (یعنی به مسجد برو)»^۲.

۶۳۹- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى غَدًا مُسْلِمًا، فَلْيُحَافِظْ عَلَى هَؤُلَاءِ الصَّلَوَاتِ حَيْثُ يُنَادَى بِهِنَّ، فَإِنَّ اللَّهَ شَرَعَ لِنَبِيِّكُمْ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُنَنَ الْهُدَى، وَإِنَّهُنَّ مِنْ سُنَنِ الْهُدَى، وَلَوْ أَنَّكُمْ صَلَّيْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ كَمَا يُصَلِّي هَذَا الْمُتَخَلِّفُ

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۴۵)، م (۶۵۰)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۶۵۳)].

فِي بَيْتِهِ لَتَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ، وَلَوْ تَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ لَضَلَلْتُمْ، وَلَقَدْ رَأَيْنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنْهَا إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْلُومُ النَّفَاقِ، وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ يُؤْتَى بِهِ، يُهَادَى بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ حَتَّى يَقَامَ فِي الصَّفِّ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

وفي رواية لَهُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَّمَنَا سُنَّةَ الْهُدَى؛ وَإِنَّ مِنْ سُنَّةِ الْهُدَى الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي يُؤَدَّنُ فِيهِ.

۶۳۹. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: هرکس آرزو دارد و بدان خوشحال است که فردای قیامت در حال مسلمانی خداوند متعال را ملاقات کند، بر نمازهای پنج‌گانه مواظبت کند، هرگاه که برای آنها اذان گفته شود؛ زیرا خداوند برای پیامبر شما، سنت‌ها و راه‌های هدایت را بنیان گذاشت و نمازها از سنت‌ها و راه‌های هدایت هستند و اگر شما در خانه‌های خود نماز خواندید، همان‌گونه که این تخلف‌کننده در خانه‌ی خود نماز می‌خواند، سنت پیامبر خود را ترک کرده‌اید و اگر سنت پیامبرتان را ترک کردید، گمراه شده‌اید و من خودمان (صحابه) را دیدم که در آن زمان، جز منافقی که نفاقش معلوم بود، کسی از نماز جماعت تخلف نمی‌کرد، چنان که حتی مرد (بیمار یا ناتوان) آورده و زیر بازوی او گرفته می‌شد تا در صف نماز جماعت ایستاده شود (و او هم بتواند نماز را با جماعت ادا کند)»^۱.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است که عبدالله گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله راه‌های هدایت را به ما تعلیم فرمود و از جمله راه‌های هدایت، نماز جماعت در مسجدی است که در آن اذان گفته شود.

۶۴۰ - وعن أبي الدرداء رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ ثَلَاثَةٍ فِي قَرْيَةٍ وَلَا بَدْوٍ لَا تُقَامُ فِيهِمُ الصَّلَاةُ إِلَّا قَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ. فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذُّبُّ مِنَ الْغَنَمِ الْقَاصِيَةَ» رواه أبو داود بإسناد حسن.

۱ - مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۶)].

۶۴۰. از ابودرداء - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هر سه نفری که در روستا یا بیابانی (بادیه) باشند و در میان آنان نماز جماعت اقامه نشود، حتماً شیطان بر آنها غلبه و قدرت پیدا خواهد کرد، پس بر شماست که جماعت را رعایت کنید! زیرا گرگ، تنها گوسفند دور از گله را می خورد»^۱.

۱۸۶- باب الحثّ علی حضور الجماعة فی الصبح والعشاء
باب تشویق بر حضور در جماعت صبح و عشا

۶۴۱- عَنْ عِثْمَانَ بْنِ عَفَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ، فَكَأَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ، فَكَأَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ كُلَّهُ» رواه مسلم.

۶۴۱. از عثمان بن عفان - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هرکس نماز عشا را با جماعت بخواند، مانند این است که نصفی از شب به عبادت پرداخته باشد و هر کس نماز صبح را با جماعت انجام دهد، مانند این است که تمام شب، عبادت کرده باشد»^۲.

۶۴۲- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَيْسَ صَلَاةٌ أَثْقَلُ عَلَى الْمُنَافِقِينَ مِنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَالْعِشَاءِ وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا» متفق عليه.

۶۴۲. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ نمازی بر منافقان سخت تر از نماز صبح و عشا نیست و اگر می دانستند که در این دو نماز چه اجر و برکت بزرگی نهفته است، به سوی آن می رفتند اگرچه بر چهار دست و پا می بود»^۳.

۱- ابوداود [۵۴۷] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۶۵۶].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۶۵۷)؛ م (۶۵۱)].

۱۸۷- باب الأمر بالمحافظة على الصلوات المكتوبات والنهي
الأكيد والوعيد الشديد في تركهن
باب امر به محافظت بر نمازهای فرض شده و نهی
اکید و تهدید سخت در ترک آنها

قال الله تعالى:

﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾

(البقرة / ۲۳۸)

«در انجام نمازها (به ویژه) نماز میانه (عصر) محافظت ورزید».

و قال تعالى:

﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ﴾ (التوبة / ۵)

«اگر توبه کردند و نماز را برپا داشتند و زکات دادند، راه را بر آنان باز بگذارید».

۶۴۳- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: سألت رسول الله صلى الله عليه وسلم: أي الأعمال أفضل؟ قال: «الصلاة على وقتها» قلت: ثم أي؟ قال: «بر الوالدین» قلت: ثم أي؟ قال: «الجهاد في سبيل الله» متفق عليه.

۶۴۳. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردم: چه کاری (نزد خدا) بهتر است؟ فرمودند: «نمازی که در (آغاز) وقت خود انجام گیرد»، گفتم: دیگر چه؟ فرمودند: «نیکی با پدر و مادر»؛ گفتم: دیگر چه؟ فرمودند: «جهاد در راه خدا»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۲۷)؛ م (۸۵)].

۶۴۴- وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «بُني الإسلام على خمس: شهادة أن لا إله إلا الله، وأنَّ مُحَمَّدًا رسولُ الله، وإِقام الصلاة، وإِيتاء الزكاة، وحجَّ البيت، وصوم رمضان» متفقٌ عليه.

۶۴۴. از ابن عمر - رضي الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اسلام بر روی پنج پایه بنیان‌گذاری شده است: (۱) شهادت بر این که جز الله خدایی نیست و محمد صلی الله علیه و آله فرستاده‌ی اوست؛ (۲) ادای نماز؛ (۳) پرداخت زکات؛ (۴) حج بیت الله؛ (۵) روزه‌ی رمضان»^۱.

۶۴۵- وعن جابر رضي الله عنه قال: سمعتُ رسولَ الله صلى الله عليه وسلم يقول: «إنَّ بينَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشِّرْكِ وَالْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» رواه مسلم.

۶۴۵. از جابر - رضي الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «میان‌هی بین مرد و بین شرک و کفر، ترک نماز است (ترک نماز و سستی در انجام دادن آن، بالآخره انسان را به کفر و بی‌مبالاتی به دین می‌کشاند)»^۲.

۶۴۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عَمَلِهِ صَلَاتُهُ، فَإِنْ صَلَحَتْ، فَقَدْ أَفْلَحَ وَأَنْجَحَ، وَإِنْ فَسَدَتْ، فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ، فَإِنْ انْتَقَصَ مِنْ فَرِيضَتِهِ شَيْئًا، قَالَ الرَّبُّ، عَزَّوَجَلَّ: انْظُرُوا هَلْ لِعَبْدِي مِنْ تَطَوُّعٍ، فَيُكَمَّلُ بِهَا مَا انْتَقَصَ مِنَ الْفَرِيضَةِ؟ ثُمَّ تَكُونُ سَائِرُ أَعْمَالِهِ عَلَى هَذَا» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۶۴۶. از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اولین چیزی از اعمال بنده که او در روز قیامت راجع به آن محاسبه و محاکمه می‌شود، نماز اوست که اگر درست باشد، رستگار و پیروز می‌شود و اگر باطل و ناقص باشد، ناکام و زیان‌کار می‌گردد، پس اگر انسان (در حیات خویش) از فریضه‌ی خود (نماز)، چیزی کم و آن را ناقص انجام داده باشد، خداوند عزوجل (به ملایکه)

۱- متفق علیه است؛ [خ (۸)؛ م (۱۶)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۲)].

می‌فرماید: نگاه کنید که آیا بنده‌ی من از نمازهای نافله چیزی دارد تا آنچه از فریضه‌ی خود نقص کرده، به وسیله‌ی آن تکمیل گردد؟! و سایر اعمالش نیز به همین ترتیب خواهد بود (یعنی اگر اعمال واجب خود را ناقص انجام داده باشد، از اعمال خیر و سنت‌های او تکمیل می‌شود).^۱

(به حدیث شماره: ۱۴۱ مراجعه شود)

۱۸۸- باب فضل الصفِّ الأوَّل والأمرِ بإتمام الصفوفِ الأوَّلِ،

وتسويتها، والتراصَّ فيها

باب فضیلت (حضور) در صف اول نماز و امر به تمام کردن صف‌های مقدم و یکنواخت و راست کردن آنها و اتصال مأمومان به یکدیگر در صف‌ها

۶۴۷- عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «أَلَا تَصُفُّونَ كَمَا تَصُفُّ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا؟» فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَكَيْفَ تَصُفُّ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا؟ قَالَ: «يُتِمُّونَ الصُّفُوفَ الْأَوَّلَ، وَيَتَرَاصُّونَ فِي الصَّفِّ» رواه مسلم.

۶۴۷. از جابر بن سمره -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ نزد ما آمد و فرمودند: «چرا آن‌گونه که فرشتگان در حضور خداوند خودشان صف می‌بندند، صف نمی‌بندید؟» گفتیم: ای رسول خدا! ملایکه چگونه در حضور خدایشان صف می‌بندند؟ فرمودند: «صف‌های اول را (به ترتیب) تمام می‌کنند و در صف، راست و در کنار هم می‌ایستند و به هم می‌چسبند (یعنی: با نظم در صف می‌ایستند و جای خالی در میان شان باقی نمی‌ماند)»^۲.

۶۴۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «خَيْرُ صُفُوفِ الرِّجَالِ أَوَّلُهَا، وَشَرُّهَا آخِرُهَا وَخَيْرُ صُفُوفِ النِّسَاءِ آخِرُهَا، وَشَرُّهَا أَوَّلُهَا» رواه مسلم.

۱- ترمذی [(۴۱۳)] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۴۳۰)].

۶۴۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهترین صف‌های مردان، صف اول آنها و بدترین صف‌هایشان، صف آخر آنهاست و بهترین صفوف زنان، صف آخر آنان و بدترین صفوف‌شان، صف اول است (زیرا در مسجد و زمان پیامبر صلی الله علیه و آله صف آخر مردان و صف اول زنان به همدیگر نزدیک بودند)»^۱.

۶۴۹- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «سَوُّوا صُفُوفَكُمْ، فَإِنَّ تَسْوِيَةَ الصَّفِّ مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ» متفقٌ عليه.
وفي رواية البخاري: «إِنَّ تَسْوِيَةَ الصُّفُوفِ مِنْ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ».

۶۴۹. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «صف‌های خود را یکنواخت و راست کنید؛ زیرا راست و مساوی بودن صف‌ها، جزو کامل کننده نماز است»^۲.
در روایتی دیگر از بخاری آمده است: «زیرا راست و مساوی کردن صف‌ها، جزوی از به پا داشتن نماز است».

۶۵۰- وَعَنِ الثُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُسَوِّي صُفُوفَنَا، حَتَّى كَأَنَّمَا يُسَوِّي بِهَا الْقِدَاحَ، حَتَّى رَأَى أَنَا قَدْ عَقَلْنَا عَنْهُ. ثُمَّ خَرَجَ يَوْمًا فَقَامَ حَتَّى كَادَ يُكَبِّرُ، فَرَأَى رَجُلًا بَادِيًا صَدْرُهُ مِنَ الصَّفِّ فَقَالَ: «عِبَادَ اللَّهِ، لَتُسَوَّنَّ صُفُوفُكُمْ، أَوْ لِيُخَالِفَنَّ اللَّهُ بَيْنَ وُجُوهِكُمْ».

۶۵۰. از نعمان بن بشیر - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز، صف‌های ما را مانند تیرها راست می‌کرد تا هنگامی که متوجه شد که ما آن را یاد گرفته‌ایم؛ سپس یک روز از خانه خارج شد و با ما نماز را اقامه کرد، در حین تکبیر الاحرام مردی را دید که سینه‌ی خود را از صف جلو زده است، فرمودند:

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۴۴۰)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۷۲۳)، م (۴۳۳)].

«ای بندگان خدا! صف‌های خودتان را راست و مساوی نمایید، وگرنه خداوند حتماً در بین شما اختلاف خواهد انداخت.»

۶۵۱- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَقِيمُوا الصُّفُوفَ وَحَادُوا بَيْنَ الْمَنَاقِبِ، وَسُدُّوا الْخَلَلَ، وَلْيُتَوَا بِأَيْدِي إِخْوَانِكُمْ، وَلَا تَذَرُوا فُرُجَاتٍ لِلشَّيْطَانِ، وَمَنْ وَصَلَ صَفًّا وَصَلَهُ اللَّهُ، وَمَنْ قَطَعَ صَفًّا قَطَعَهُ اللَّهُ» رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۶۵۱. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «صف‌ها را برابر و مستقیم کنید و شانه‌ها را محاذی و برابر هم قرار دهید و فاصله‌ها را پر کنید و آسان دست خود را به برادران خودتان بدهید (اگر خواستند صف را تنظیم کنند) و فاصله‌هایی برای شیطان نگذارید و هرکس به صف پیوندد و مراقب نظم صف نماز باشد، خداوند نیز (با رحمت خود) به او خواهد پیوست و هرکس از صف بریده و جدا شود، خداوند نیز از او بریده و جدا می‌گردد»^۱.

۶۵۲- وعن أنس أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «اتَّبِعُوا الصَّفَّ الْمُقَدَّم، ثُمَّ الَّذِي يَلِيهِ، فَمَا كَانَ مِنْ نَقْصٍ فَلْيُكُنْ فِي الصَّفِّ الْمُؤَخَّرِ» رواه أبو داود بإسناد حسن.

۶۵۲. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «صف جلوتر را تمام کنید، سپس صفی را که پس از آن می‌آید و (بگذارید) هر نقصی که هست، در صف آخر باشد»^۲.

(به حدیث شماره: ۶۱۹ مراجعه شود).

۱- ابوداود [۶۶۶] به اسناد صحیح روایت کرده است..

۲- ابوداود [۶۷۱] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۱۸۹- بابُ فَضْلِ السَّنَنِ الرَّاتِبَةِ مَعَ الْفَرَائِضِ وَبَيَانِ أَقْلَها وَأَكْمَلِها

وما بينهما

**باب فضیلت سنت‌های راتبه همراه فرائض و بیان
کم‌ترین و بیشترین آنها و مابین آنها**

۶۵۳- عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ يُصَلِّيَ لِلَّهِ تَعَالَى كُلَّ يَوْمٍ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً تَطَوُّعًا غَيْرَ الْفَرِيضَةِ، إِلَّا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، أَوْ: إِلَّا بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ» رواه مسلم.

۶۵۳. از ام‌المؤمنین ام حبیبه - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هر بنده‌ی مسلمانی که برای خدا هر روز، دوازده رکعت نماز به عنوان سنت و غیر از نمازهای واجب بگذارد، خداوند برای او خانه‌ای را در بهشت بنا می‌کند یا: خانه‌ای در بهشت برای او بنا می‌شود»^۱.

۶۵۴- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْجُمُعَةِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرَبِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ. متفقٌ عليه.

۶۵۴. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: با پیامبر صلی الله علیه و آله دو رکعت قبل از ظهر، دو رکعت بعد از ظهر، دو رکعت بعد از جمعه، دو رکعت بعد از مغرب و دو رکعت بعد از عشا، نماز خواندم»^۲.

۶۵۵- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُغَفَّلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بَيْنَ كُلِّ أَذَانَيْنِ صَلَاةٌ، بَيْنَ كُلِّ أَذَانَيْنِ صَلَاةٌ، بَيْنَ كُلِّ أَذَانَيْنِ صَلَاةٌ» وَقَالَ فِي الثَّالِثَةِ: «لِمَنْ شَاءَ» متفقٌ عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۲۸)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۱۶۵)، م (۷۲۹)].

۶۵۵. از عبدالله بن مغفل - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بین هر دو اذان یک نماز هست، بین هر دو اذان یک نماز هست، بین هر دو اذان یک نماز هست» و بار سوم فرمودند: «برای کسی که بخواهد»^۱. مقصود از دو اذان، اذان و اقامه می باشد.

۱۹۰- باب تأکید رکعتی سنّة الصبح
باب تأکید دو رکعت سنت صبح

۶۵۶. وعن عائشة رضی الله عنها، قالت: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى شَيْءٍ مِنَ التَّوَافِلِ أَشَدَّ تَعَاهُداً مِنْهُ عَلَى رُكْعَتَيِ الْفَجْرِ. متفقٌ عَلَيْهِ.

۶۵۶. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: مواظبت پیامبر صلی الله علیه و آله بر هیچ سنت و نافله ای به شدت مواظبت ایشان بر دو رکعت نماز سنت قبل از صبح، نبود.^۲

۶۵۷- وَعَنْهَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «رُكْعَتَا الْفَجْرِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا» رواه مسلم.

وَفِي رِوَايَةٍ: «لَهُمَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا جَمِيعاً».

۶۵۷. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو رکعت نماز نافله ی صبح، از دنیا و هر چه در دنیا است، بهتر است»^۳.

در روایتی دیگر آمده است: «دو رکعت نماز نافله ی صبح، نزد من، از تمام دنیا محبوب تر است».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۲۷)، م (۷۲۹)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۲۵)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۶۲۷)، م (۷۲۹)].

۱۹۱- باب تخفیف رکعتی الفجر و بیان ما یقرأ فیهما، و بیان

وقتہما

باب کوتاہ و سبک خواندن دو رکعت فجر و بیان
آن چه که در این نماز خوانده می شود و بیان وقت
آن

۶۵۸- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ، فَيُخَفِّفُهُمَا حَتَّى أَقُولَ: هَلْ قَرَأَ فِيهِمَا بِأَمِّ الْقُرْآنِ! متفق عليه

۶۵۸. از عایشه - رضی اللہ عنہا - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم دو رکعت فجر را می خواند و آنها را تا آن اندازه کوتاه و سبک می خواند که من می گفتم: آیا ام القرآن (فاتحة الكتاب) را در آن دو رکعت خواند؟!

۶۵۹- وَعَنْ حَفْصَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَدَّنَ الْمُؤَذِّنُ لِلصُّبْحِ، وَبَدَأَ الصُّبْحُ، صَلَّى رَكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ. متفق عليه.

وفي روايةٍ لمسلمٍ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ لَا يُصَلِّي إِلَّا رَكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ.

۶۵۹. از حفصه - رضی اللہ عنہا - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم وقتی که مؤذن برای نماز صبح اذان می گفت (و آن را تمام می کرد) و صبح ظاهر می شد، جز دو رکعت کوتاه، نمازی نمی خواند.^۱
در روایتی دیگر از مسلم آمده است: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بعد از طلوع فجر، فقط دو رکعت کوتاه نماز می خواند.

۶۶۰- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرَأَ فِي رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۱۸)، م (۷۲۳)].

۶۶۰. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در دو رکعت فجر (سوره‌های) ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را تلاوت می‌فرمود.^۱

۱۹۲- باب استحباب الاضطجاع بعد رکعتی الفجر علی جنبه الأيمن والحث

علیه سواء كان تهجد باللیل أم لا

**باب استحباب بر پهلوی راست خوابیدن بعد از ۲ رکعت نماز
صبح و تشویق بر آن چه برای نماز تهجد بیدار شده باشد و چه
نشده باشد**

۶۶۱- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كان النبي صلى الله عليه وسلم يُصلي فيما بين أن يفرغ من صلاة العشاء إلى الفجر إحدى عشرة ركعة، يُسلم بين كل ركعتين، ويوتر بواحدة، فإذا سكت المؤذن من صلاة الفجر، وتبين له الفجر، وجاءه المؤذن، قام فركع ركعتين خفيفتين، ثم اضطجع على شقه الأيمن، هكذا حتى يأتيه المؤذن للإقامة. رواه مسلم

۶۶۱. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در فاصله‌ی فراغت از نماز عشا تا هنگام فجر، یازده رکعت نماز می‌خواندند و در آنها، بعد از هر دو رکعت سلام می‌داد و رکعت آخر را به تنهایی می‌گزارد و هنگامی که مؤذن از اذان فجر ساکت و ظاهر شدن سپیده برای ایشان معلوم می‌شد و مؤذن (برای اعلام گفته شدن اذان) پیش او می‌آمد، بلند می‌شد و دو رکعت کوتاه نماز می‌خواند و سپس بر پهلوی راستش دراز می‌کشید و هم‌چنان (در همان حال) بود تا وقتی که مؤذن برای گفتن اقامه، پیش ایشان حاضر می‌شد.^۲

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۲۶)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۳۶)].

۱۹۳- باب سُنَّةُ الظَّهْرِ

باب سنت ظهر

۶۶۲- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي فِي بَيْتِي قَبْلَ الظُّهْرِ أَرْبَعًا، ثُمَّ يَخْرُجُ فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ، ثُمَّ يَدْخُلُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ، وَكَانَ يُصَلِّي بِالنَّاسِ الْمَغْرِبَ، ثُمَّ يَدْخُلُ بَيْتِي فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ، وَيُصَلِّي بِالنَّاسِ الْعِشَاءَ، وَيَدْخُلُ بَيْتِي فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ. رواه مسلم.

۶۶۲. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در حجره‌ی من چهار رکعت سنت قبل از ظهر می‌خواند، سپس بیرون (مسجد) تشریف می‌برد و برای مردم نماز می‌خواند و بعد از بازگشت دو رکعت دیگر نماز سنت می‌گزارد و برای مردم نماز مغرب می‌خواند، سپس به خانه می‌آمد و دو رکعت دیگر سنت می‌خواند و برای عشا بیرون می‌رفت و نماز جماعت را برای مردم می‌گزارد و بعد از آمدن به حجره‌ی من، دو رکعت دیگر می‌خواند.^۱

۱۹۴- باب سُنَّةُ الْعَصْرِ

باب سنت عصر

۶۶۳- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً صَلَّى قَبْلَ الْعَصْرِ أَرْبَعًا». رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ.

۶۶۳. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند بر آن کس رحمت کند که پیش از عصر، چهار رکعت نماز (سنت) بگزارد».^۲

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۳۰)].

۲- ابوداود [(۱۲۷۱)] و ترمذی [(۴۳۰)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۱۹۵- باب سنة المغرب بعدها وقبلها

باب سنت قبل و بعد از مغرب

۶۶۴- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُغَفَّلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صَلُّوا قَبْلَ الْمَغْرِبِ» قَالَ فِي الثَّالِثَةِ: «لِمَنْ شَاءَ» رواه البخاري.

۶۶۴. از عبدالله بن مغفل - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله (سه بار) فرمودند: «قبل از مغرب نماز سنت بخوانید» و در سومین بار فرمودند: «برای هر کس که بخواهد»^۱.
(به حدیث شماره: ۶۵۴ مراجعه شود).

۱۹۶- باب سنة العشاء بعدها وقبلها

باب سنت قبل و بعد از نماز عشا

(به حدیث شماره: ۶۵۴ و ۶۵۵ مراجعه شود).

۱۹۷- باب سنة الجمعة

باب سنت جمعه

۶۶۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ الْجُمُعَةَ، فَلْيُصَلِّ بَعْدَهَا أَرْبَعًا» رواه مسلم.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۱۱۸۳].

۶۶۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کدام از شما وقتی که نماز جمعه را به جای آورد، بعد از آن چهار رکعت نماز (سنت) بگذارد»^۱.
(به حدیث شماره: ۶۵۴ مراجعه شود).

۱۹۸- باب استحباب جعل النوافل فی البيت سواء الراتبة وغيرها والأمر

بالتحول للنافلة من موضع الفريضة أو الفصل بينهما بكلام

باب استحباب انجام دادن نماز سنت در منزل، چه راتبه باشد و

چه غیر آن و امر به تغییر جا در نماز سنت از جای نماز فرض یا

فاصله انداختن بین آنها با سخن گفتن

۶۶۶- عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صَلُّوا أَيُّهَا النَّاسُ فِي بُيُوتِكُمْ، فَإِنَّ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ صَلَاةَ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ» متفق عليه.

۶۶۶. از زید بن ثابت - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای مردم! در منزل خود نماز بخوانید؛ زیرا بهترین و بالاترین نماز، نماز شخص در منزل خود اوست به جز نماز فريضة»^۲.

۶۶۷- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اجْعَلُوا مِنْ صَلَاتِكُمْ فِي بُيُوتِكُمْ، وَلَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا» متفق عليه.

۶۶۷. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بعضی از نمازهایتان را در منزل خودتان بخوانید و منزلتان را مانند قبرستان نگردانید»^۳.

۶۶۸- وَعَنْ عُمَرَ بْنِ عَطَاءٍ أَنَّ نَافِعَ بْنَ جُبَيْرٍ أَرْسَلَهُ إِلَى السَّائِبِ ابْنِ أَخْتِ نَمِرٍ يَسْأَلُهُ عَنْ شَيْءٍ رَأَاهُ مِنْهُ مُعَاوِيَةُ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ: نَعَمْ صَلَّيْتُ مَعَهُ الْجُمُعَةَ فِي الْمَقْصُورَةِ، فَلَمَّا سَلَّمَ

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۸۳۷].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۷۳۱)، م (۷۸۱)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۴۳۲)، م (۷۷۷)].

الإمام، قُمْتُ فِي مَقَامِي، فَصَلَّيْتُ، فَلَمَّا دَخَلَ أَرْسَلَ إِلَيَّ فَقَالَ: لَا تَعُدْ لِمَا فَعَلْتَ: إِذَا صَلَّيْتَ الْجُمُعَةَ، فَلَا تَصَلِّهَا بِصَلَاةٍ حَتَّى تَتَكَلَّمَ أَوْ تَخْرُجَ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَنَا بِذَلِكَ، أَنْ لَا نُوصِلَ صَلَاةً بِصَلَاةٍ حَتَّى نَتَكَلَّمَ أَوْ نَخْرُجَ. رواه مسلم.

۶۶۸. از «عمر بن عطاء» روایت شده است که «نافع بن جبیر» او را نزد «سائب خواهرزاده‌ی نمر» فرستاد که راجع به چیزی که حضرت معاویه رضی الله عنه در نماز (سنت)، از او دیده بود، پرسد، گفت: بله، در حجره‌ی (مسجد) با حضرت معاویه رضی الله عنه نماز جمعه خواندم، وقتی امام سلام داد، از جای خود برخاستم و نماز خواندم، وقتی حضرت معاویه رضی الله عنه وارد شد، دنبال من فرستاد و گفت: این کارت را تکرار نکن! وقتی نماز جمعه را انجام دادی، بعد از سخن گفتن یا خروج از مسجد، نماز دیگری بخوان؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله به ما چنین دستور فرمود که نمازی را به نمازی دیگر پیوند ندهیم تا آن که حرفی بزنیم یا از (آن) محل خارج شویم.^۱

۱۹۹- باب الحثُّ على صلاة الوتر وبيان أنه سنة مؤكدة وبيان وقته

باب تشويق بر ادای نماز وتر و بیان آن که وتر، سنت مؤکد است و بیان وقت آن

۶۶۹- عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: الْوُتْرُ لَيْسَ بِحَتْمٍ كَصَلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ، وَلَكِنْ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ وَتَرَّ يُحِبُّ الْوُتْرَ، فَأَوْتِرُوا، يَا أَهْلَ الْقُرْآنِ». رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن.

۶۶۹. از علی رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: وتر، مانند فریضه حتمی و قطعی نیست، اما پیامبر صلی الله علیه و آله آن را سنت کرد و فرمودند: «همانا خداوند وتر (یکتا) است و وتر را دوست می دارد، پس ای اهل قرآن، وتر را بگزارید (نماز وتر را ادا کنید)»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۸۳)].

۲- ابوداود [(۱۴۱۶)] و ترمذی [(۴۵۳)] روایت کرده است و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۶۷۰- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اجْعَلُوا آخِرَ صَلَاتِكُمْ بِاللَّيْلِ وَتَرَا» متفقٌ عليه

۶۷۰. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آخرین نماز خود را در شب، وتر قرار دهید»^۱.

۶۷۱- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَوْتِرُوا قَبْلَ أَنْ تُصْبِحُوا» رواه مسلم.

۶۷۱. از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «پیش از آن که صبح کنید، وتر بخوانید»^۲.

۶۷۲- وَعَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ خَافَ أَنْ لَا يَقُومَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ، فَلْيُوتِرْ أَوَّلَهُ، وَمَنْ طَمَعَ أَنْ يَقُومَ آخِرَهُ، فَلْيُوتِرْ آخِرَ اللَّيْلِ، فَإِنَّ صَلَاةَ آخِرِ اللَّيْلِ مَشْهُودَةٌ، وَذَلِكَ أَفْضَلُ» رواه مسلم.

۶۷۲. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس بیم آن دارد که در آخر شب بیدار نشود، اول شب وتر را انجام دهد و کسی که امید دارد در آخر شب بیدار شود، وتر را آخر شب بخواند؛ زیرا نماز آخر شب مشهود (محل شهود و حضور ملائکه) است و آن بزرگتر و دارای ثواب بیشتر است»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۹۹۸)، م (۷۵۱)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۵۴)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۵۵)].

۲۰۰- باب فضل صلاة الضحی و بیان اقلّها و اکثرها و أوسطها، والحثّ

على المحافظة عليها

باب فضیلت نماز چاشت و حداقل و وسط و حداکثر آن و
تشویق و محافظت بر مداومت آن

۶۷۳- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: أَوْصَانِي خَلِيلِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِصِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ، وَرُكْعَتِي الضُّحَى، وَأَنْ أُوتِرَ قَبْلَ أَنْ أَرْقُدَ» متفق عليه.

۶۷۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: دوست و محبوب من پیامبر صلی الله علیه و آله مرا توصیه فرمودند به: روزهی سه روز از هر ماه و انجام دادن دو رکعت نماز ضحی (چاشت)، و این که قبل از آن که بخوابم، نماز وتر بخوانم^۱.
[باید گفت که] خواندن نماز وتر، پیش از خواب، فقط برای کسی مستحب است که اطمینان ندارد در آخر شب بیدار شود و اگر مطمئن به بیدار شدن باشد، [خواندن وتر در] آخر شب بهتر و دارای فضیلت بیشتری است.]

۶۷۴- وَعَنْ أُمِّ هَانِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: ذَهَبْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَامَ الْفَتْحِ فَوَجَدْتُهُ يَغْتَسِلُ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ غُسْلِهِ، صَلَّى ثَمَانِي رُكْعَاتٍ، وَذَلِكَ ضُحَى. متفق عليه.

۶۷۴. از «ام هانیء» - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: در سال «فتح مکه» نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم و ایشان شستشو و غسل می کرد و وقتی از غسل فارغ شد هشت رکعت نماز خواند و آن وقت، چاشت بود^۲.
(به حدیث شماره: ۷۴ مراجعه شود).

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۱۷۸)، م (۷۲۱)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۱۱۷۶)، م (۴۹۷/۱)]. آنچه که در متن آمده، لفظ یکی از روایات مسلم است.

۲۰۱. باب تجویز صلاة الضحی من ارتفاع الشمس الى زوالها والأفضل

أن تُصَلَّى عند اشتداد الحرِّ وارتفاع الضحی

**باب جایز بودن نماز چاشت از هنگام بالا گرفتن خورشید تا
موقع زوال آن و بهتر آن است که در وقت شدت یافتن گرما
و ارتفاع روز، نماز ضحی خوانده شود**

۶۷۵- عن زید بن أرقم رضي الله عنه، أَنَّهُ رَأَى قَوْمًا يُصَلُّونَ مِنَ الضُّحَى، فَقَالَ: أَمَّا لَقَدْ عَلِمُوا أَنَّ الصَّلَاةَ فِي غَيْرِ هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلُ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ حِينَ تَرْمَضُ الْفِصَالُ» رواه مسلم.

۶۷۵. از زید بن ارقم - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که او گروهی را دید که در اول روز، نماز ضحی می خواندند، گفت: آیا ندانستند که نماز در غیر این ساعت برتر و ثوابش بیشتر است! زیرا پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «نماز بسیار توبه کنندگان و رجوع کنندگان به سوی خداوند، در موقعی است که بچه شترها (از شدت گرمای زمین و شن ها) زانو می زنند»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۷۴۸].

۲۰۲- باب الحثُّ على صلاة تحية المسجد وكرهية الجلوس قبل أن يصلي ركعتين في أى وقت دخل وسواء صَلَّى ركعتين بنية التحية أو صلاة فريضة أو سُنَّة راتبة أو غيرها

باب تأکید بر انجام دادن تحیت مسجد و کراهت نشستن قبل از خواندن دو رکعت، هر وقت که شخص به مسجد داخل شود، خواه آن دو رکعت به نیت تحیه المسجد باشد یا فرض یا سنت راتبه یا غیر آن

۶۷۶- عن أبي قتادة رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صَلَّى الله عليه وسلم: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ، فَلَا يَجْلِسُ حَتَّى يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ» متفقٌ عليه.

۶۷۶. از ابوقتاده - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هر وقت یکی از شما داخل مسجد شد، ننشیند مگر اینکه دو رکعت نماز بخواند»^۱.

۲۰۳- باب استحباب ركعتين بعد الوضوء

باب استحباب دو رکعت بعد از وضو

۶۷۷- عن أبي هريرة رضي الله عنه أنَّ رسولَ الله صَلَّى الله عليه وسلم قال لبلالٍ: «يا بلال، حَدِّثْنِي بِأَرْجَى عَمَلٍ عَمِلْتَهُ فِي الْإِسْلَامِ، فَإِنِّي سَمِعْتُ ذَفَّ نَعْلَيْكَ بَيْنَ يَدَيَّ فِي الْجَنَّةِ» قَالَ: مَا عَمِلْتُ عَمَلًا أَرْجَى عِنْدِي مِنْ أَنِّي لَمْ أَتَطَهَّرْ طَهُورًا فِي سَاعَةٍ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ إِلَّا صَلَّيْتُ بِذَلِكَ الطُّهُورِ مَا كُتِبَ لِي أَنْ أُصَلِّيَ. متفقٌ عليه.

۶۷۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم به بلال فرمودند: «ای بلال! عملی از اعمال خودت را که بیشتر مورد امید و دلخوشی توست و در زمان مسلمانیت انجام داده‌ای، برای من بگو، زیرا که من در بهشت، صدای کفش‌های تو را در جلوی خودم شنیدم» بلال گفت: کاری نکرده‌ام که بدان امیدوارتر باشم از این که من هرگز در شب یا روز وضویی نگرفته‌ام جز آن که با آن وضو، چندان که قسمت من بوده است، نماز خوانده‌ام»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۴۴۴)، م (۷۱۴)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۴۹)، م (۲۴۵۸)]. آن چه در متن آمده، لفظ روایت بخاری است.

۲۰۴- باب فضل يوم الجمعة ووجوبها والاغتسال لها والتطيب والتبكير
إليها والدعاء يوم الجمعة والصلاة على النبي صلى الله عليه وسلم فيه وبيان
ساعة الإجابة واستحباب إكثار ذكر الله بعد الجمعة

**باب فضیلت روز جمعه و وجوب نماز آن و غسل و استعمال
عطر و زود رفتن به (نماز) جمعه و دعا در جمعه و صلوات بر
پیامبر ﷺ در آن و بیان ساعت اجابت دعا و استحباب ذکر زیاد
خدا بعد از جمعه**

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا

اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾ (الجمعة / ۱۰)

«هنگامی که نماز (جمعه) گزارده شد، در زمین پراکنده گردید و به
دنبال رزق و روزی خدا بروید و خداوند را بسیار یاد کنید، تا که
رستگار شوید».

۶۷۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «خَيْرُ يَوْمٍ
طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمُ الْجُمُعَةِ: فِيهِ خُلِقَ آدَمُ، وَفِيهِ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ، وَفِيهِ أُخْرِجَ مِنْهَا» رواه
مسلم.

۶۷۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهترین
روزی که خورشید بر آن طلوع کرده، روز جمعه است که در آن آدم خلق شد و در
آن به بهشت داخل گردید و در آن از بهشت اخراج شد»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۸۵۴].

۶۷۹- وَعَنْهُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، أَنَّهُمَا سَمِعَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ عَلَى أَعْوَادٍ مِنْبَرِهِ: «لَيَنْتَهِيَنَّ أَقْوَامٌ عَنْ وَدْعِهِمُ الْجُمُعَاتِ، أَوْ لَيَخْتِمَنَّ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ، ثُمَّ لَيَكُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ» رواه مسلم.

۶۷۹. از ابوهریره و ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که آن دو از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدند که بر پایه‌های منبر خود می‌فرمودند: «گروهی که نمازهای جمعه را ترک می‌کنند، یا از این عادت خود دست می‌کشند، یا این که یقیناً خداوند بر دل‌های آنها مهر می‌زند و آن‌گاه آنان، از جمله‌ی غافلان می‌شوند»^۱.

۶۸۰- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «غُسْلُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ» متفق عليه.

۶۸۰. از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «غسل روز جمعه، بر هر مسلمان بالغی واجب است»^۲.

۶۸۱- وَعَنْ سَلْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَغْتَسِلُ رَجُلٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَيَتَطَهَّرُ مَا اسْتَطَاعَ مِنْ طَهْرٍ، وَيَدْهِنُ مِنْ دُهْنِهِ، أَوْ يَمَسُّ مِنْ طِيبِ بَيْتِهِ، ثُمَّ يَخْرُجُ فَلَا يُفَرِّقُ بَيْنَ اثْنَيْنِ، ثُمَّ يُصَلِّي مَا كَتَبَ لَهُ، ثُمَّ يُنْصَبُ إِذَا تَكَلَّمَ الْإِمَامُ، إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الْأُخْرَى» رواه البخاري.

۶۸۱. از سلمان - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر مردی در روز جمعه غسل کند و تا آن‌جا که می‌تواند، خود را آراسته و پاکیزه کند و مویش را از روغن خود، روغن بزند و از عطری که در خانه دارد، خود را معطر سازد و سپس از خانه خارج شود و (به مسجد بیاید) و بین دو نفر جدایی نیاندازد و آن‌گاه آنچه را از نماز بر او فرض شده است، انجام دهد و سپس هنگامی که امام صحبت

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۸۶۵)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۸۷۹)، م (۸۴۶)].

می‌کند، ساکت شود، تمام گناهان و اشتباهات او (در صورتی که کبیره یا حقوق مردم نباشد) تا جمعه‌ی دیگر آمرزیده می‌شود^۱.

۶۸۲- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ اغْتَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ غُسْلَ الْجَنَابَةِ، ثُمَّ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الْأُولَى، فَكَانَتْ قَرَبَ بَدَنَةٍ، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ، فَكَانَتْ قَرَبَ بَقَرَةٍ، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الثَّالِثَةِ، فَكَانَتْ قَرَبَ كَبْشٍ أَقْرَنَ، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الرَّابِعَةِ، فَكَانَتْ قَرَبَ دَجَاجَةٍ، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الْخَامِسَةِ فَكَانَتْ قَرَبَ بَيْضَةٍ، فَإِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ، حَضَرَتِ الْمَلَائِكَةُ يَسْتَمِعُونَ الذِّكْرَ» متفقٌ عليه.

۶۸۲. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس روز جمعه (مانند غسل جنابت)، غسل کند و در ساعت اول به جمعه برود، مثل این است که یک شتر قربانی کرده باشد و کسی که در ساعت دوم برود، مثل این است که ماده گاوی قربانی کرده باشد و کسی که ساعت سوم برود، مانند آن است که گوسفندی شاخدار (قوچ) قربانی کرده باشد و کسی که در ساعت چهارم برود، مانند این است که مرغی به عنوان صدقه داده باشد و کسی که در ساعت پنجم برود، مثل این است که تخم مرغی را صدقه داده باشد و وقتی که امام خارج شد (و برای ایراد خطبه بالای منبر رفت)، ملائکه حاضر می‌شوند و ذکر و نماز و خطبه را گوش می‌دهند (و رفتن به جمعه در آن ساعت، ثوابش کم‌تر است)^۲».

۶۸۳- وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ: «فِيهَا سَاعَةٌ لَا يُؤَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ، وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّيُ يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئًا، إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ» وَأَشَارَ بِيَدِهِ يُقَلِّلُهَا، متفقٌ عليه.

۶۸۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از روز جمعه یاد کرد و فرمودند: «در روز جمعه ساعتی هست که اگر بنده‌ی مسلمان، به آن برخورد کند و در آن حال، از خداوند چیزی مسألت نماید، خداوند حتماً نیازش را

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۸۸۳].

۲- متفقٌ علیه است؛ [خ (۸۸۱)، م (۸۵۰)].

برآورده می‌کند». (این را فرمودند) و سپس با دست خود اشاره به کوتاه نمودن آن وقت فرمودند^۱.

۶۸۴- وَعَنْ أَوْسِ بْنِ أَوْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَأَكْثِرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ، فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ» رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۶۸۴. از اوس بن اوس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از برترین و بزرگ‌ترین روزهای شما، روز جمعه است؛ پس در آن روز بر من زیاد درود بفرستید، زیرا صلوات و درودهای شما بر من عرضه می‌شود»^۲.
(به حدیث شماره: ۸۳ مراجعه شود).

۲۰۵- باب فضل قیام اللیل باب فضیلت قیام شب

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾

(الإسراء / ۷۹)

«در قسمتی از شب (از خواب برخیز) و در آن نماز تهجد بخوان، این یک فریضه‌ی اضافی و هدیه‌ای برای توست، باشد که خداوند تو را در مقام ستوده‌ای برانگیزد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ﴾

(السجدة / ۱۶)

۱- متفق علیه است؛ [خ (۹۳۵)، م (۸۵۲)].

۲- ابوداود [(۱۰۴۷)] به اسناد صحیح روایت کرده است.

«یکی از صفات مؤمنان این است که شب) پهلوهایشان از بسترها (ی خواب) دور می شود (و به عبادت پروردگارشان می پردازند)».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾
(الذاریات / ۱۷)

«آنان اندکی از شب می خفتند».

۶۸۵- وَعَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «نِعْمَ الرَّجُلُ عَبْدُ اللَّهِ لَوْ كَانَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ» قَالَ سَالِمٌ: فَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بَعْدَ ذَلِكَ لَا يَنَامُ مِنَ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا. متفق عليه.

۶۸۵. از سالم بن عبدالله بن عمر بن خطاب - رضی الله عنه - از پدرش روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «عبدالله مرد خوبی است! اگر نماز شب می خواند!» سالم می گوید: بعد از آن، عبدالله شبانه جز مقدار کمی نمی خوابید^۱.

۶۸۶- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَعْقِدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ، إِذَا هُوَ نَامَ، ثَلَاثَ عُقَدٍ، يَضْرِبُ عَلَى كُلِّ عُقْدَةٍ: عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ، فَإِنْ اسْتَيْقَظَ، فَذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنْ تَوَضَّأَ، انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنْ صَلَّى، انْحَلَّتْ عُقْدَةُ كُلِّهَا، فَأَصْبَحَ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ، وَإِلَّا أَصْبَحَ خَبِيثَ النَّفْسِ كَسَلَانًا» متفق عليه .

۶۸۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «شیطان بر فرق سر هر کدام از شما - وقتی که می خوابد - سه گره می زند، و با بستن هر گره به گوش شخص فرو می خواند: شب درازی در پیش داری، (راحت) بخواب! سپس اگر شخص بیدار شد و ذکر خدا را گفت، یک گره باز می شود و چون وضو گرفت، گرهی دیگر باز می شود، و چون نماز خواند، گرهی آخر باز می شود و او با

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۷۳۹)، م (۲۴۷۹)].

نشاط و آرامش درون و سر حال صبح می‌کند و اگر بیدار نشد و تا صبح خوابید، کسل و بدگمان و پراکنده خاطر، صبح می‌کند»^۱.

۶۸۷- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفْضَلُ الصَّيَامِ بَعْدَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ الْمُحَرَّمُ، وَأَفْضَلُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ صَلَاةُ اللَّيْلِ» رواه مُسْلِمٌ.

۶۸۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برترین و پر اجرترین روزه بعد از روزه‌ی رمضان، روزه‌ی ماه محرم، و برترین و پر اجرترین نماز بعد از نماز فريضة، نماز شب است»^۲.

۶۸۸- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صَلَاةُ اللَّيْلِ مَثْنَى مَثْنَى، فَإِذَا خَفَتِ الصُّبْحُ فَأَوْزِرْ بِوَاحِدَةٍ» متفقٌ عليه.

۶۸۸. از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نماز شب، دو رکعت دو رکعت است و اگر ترس آمدن وقت نماز صبح داشتید، یک رکعت وتر بخوانید (و نمازتان را پایان دهید یعنی: با نماز دو رکعتی ات یک رکعت دیگر بیفزایید و نمازتان را با افزودن رکعت سوم وتر گردان)»^۳.

۶۸۹- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً تَغْنِي فِي اللَّيْلِ يَسْجُدُ السَّجْدَةَ مِنْ ذَلِكَ قَدْرَ مَا يَقْرَأُ أَحَدُكُمْ خَمْسِينَ آيَةً قَبْلَ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ، وَيَرْكَعُ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ، ثُمَّ يَضْطَجِعُ عَلَى شِقِّهِ الْأَيْمَنِ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمُنَادِي لِلصَّلَاةِ، رواه البخاري.

۶۸۹. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله یازده رکعت نماز می‌خواند - یعنی در شب - و در این نمازها، سجده را به اندازه‌ی مدت زمانی که یکی از شما پنجاه آیه را پیش از آن که سرش را بلند کند، تلاوت نماید طول

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۱۴۲)، م (۷۷۶)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۱۶۳)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۹۹۰)، م (۷۴۹)].

می‌داد، و پیش از نماز فجر، دو رکعت می‌گزارد و سپس بر پهلوی راست دراز می‌کشید تا وقتی که مؤذن برای نماز صبح، پیش ایشان می‌آمد.^۱

۶۹۰- وَعَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَنَامُ أَوَّلَ اللَّيْلِ، وَيَقُومُ آخِرَهُ فَيُصَلِّي. متفقٌ عليه.

۶۹۰. و از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله اول شب می‌خوابید و آخر شب برمی‌خاست و نماز می‌خواند.^۲

۶۹۱- وَعَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً، لَا يُؤَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى خَيْرًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ، وَذَلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ» رواه مسلم.

۶۹۱. و از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «در شب ساعتی هست که اگر شخص مؤمن با آن مواجه شود و در آن خیر و برکتی در دنیا و آخرت را از خدا بخواهد، یقیناً خداوند خواسته‌ی او را برآورده می‌کند و این ساعت در هر شبی موجود است».^۳

۶۹۲- وَعَنْ عَائِشَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ افْتَتَحَ صَلَاتَهُ بِرُكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ، رواه مسلم.

۶۹۲. و از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه در شب (برای نماز) قیام می‌کرد، نمازش را با دو رکعت کوتاه آغاز می‌نمود.^۴

۶۹۳- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «رَجِمَ اللَّهُ رَجُلًا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ، فَصَلَّى وَأَيَّقُظَ امْرَأَتَهُ، فَإِنْ أَبَتْ نَضَحَ فِي وَجْهِهَا الْمَاءَ، رَجِمَ اللَّهُ امْرَأَةً

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۹۹۴].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۱۴۶)، م (۷۳۹)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۷۵۷].

۴- مسلم روایت کرده است؛ [۷۶۷].

قَامَتْ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّتْ، وَأَيَّقَطَتْ زَوْجَهَا فَإِنْ أَبِي نَضَحَتْ فِي وَجْهِهِ الْمَاءَ» رواه أبو داود بإسنادٍ صحيح.

۶۹۳. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند رحمت کند مردی را که پاسی از شب گذشته، برمی خیزد و نماز شب می خواند و زنش را بیدار می کند و اگر بیدار نشد، (به آرامی) به رویش آب می پاشد و خداوند رحمت کند زنی را که در شب برمی خیزد و نماز شب می خواند و شوهرش را بیدار می کند و اگر بیدار نشد، بر روی او آب می پاشد»^۱.

۶۹۴- وعن عائشة رضي الله عنها، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ، فَلْيَرْقُدْ حَتَّى يَذْهَبَ عَنْهُ النَّوْمُ، فَإِنْ أَحَدَكُمْ إِذَا صَلَّى وَهُوَ نَاعِسٌ، لَعَلَّهُ يَذْهَبُ يَسْتَغْفِرُ فَيَسُبُّ نَفْسَهُ» متفقٌ عليه.

۶۹۴. و از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه در نماز، خواب بر یکی از شما غلبه کرد، باید بخوابد تا خواب از سر او برود، زیرا هر کس در حال خواب و چرت زدن نماز بخواند، نمی داند چه می گوید و شاید به جای استغفار، خود را دشنام دهد (و دعای بد) کند»^۲.

۶۹۵- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْتَعْجَمَ الْقُرْآنُ عَلَى لِسَانِهِ، فَلَمْ يَدْرِ مَا يَقُولُ، فَلْيَضْطَجِعْ» رواه مُسْلِمٌ.

۶۹۵. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه یکی از شما در شب (برای نماز تهجد) برخاست (و از شدت خواب) خواندن قرآن بر زبانش مشکل و مبهم شد و ندانست که چه می گوید، بخوابد»^۳.
(به احادیث شماره: ۶۵، ۱۰۳ و ۱۰۴ مراجعه شود).

۱- ابوداود [۱۳۰۸] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۱۲)، م (۷۸۶)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۸۷)].

۲۰۶- باب استحباب قیام رمضان وهو التراویح
باب استحباب قیام رمضان که تراویح است

۶۹۶- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» متفقٌ عليه.

۶۹۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس از روی ایمان و اخلاص و انتظار پاداش از خدا، در رمضان به عبادت بایستد، گناهان گذشته‌ی او برایش بخشیده می‌شود»^۱.

۲۰۷. باب فضل قیام لیلة القدر و بیان أرجی لیالیه
باب فضیلت قیام لیله القدر و بیان امیدوار کننده ترین
شبهای آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ (القدر / ۱)

«ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم...» تا آخر سوره

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَرَكَةٍ﴾ (الدخان / ۳)

«همانا ما قرآن را در شبی پر برکت نازل کردیم...».

۶۹۷- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» متفقٌ عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۰۰۸)، م (۷۵۹)].

۶۹۷. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شد است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس شب قدر را از روی ایمان و اخلاص و انتظار پاداش از خدا، به عبادت بایستد و ن خوابد، گناهان گذشته‌ی او برایش آمرزیده می‌شود»^۱.

۶۹۸- وعن عائشة رضي الله عنها، قالت: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُجَاوِرُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ، وَيَقُولُ: «تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ» متفقٌ عليه.

۶۹۸. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در دهه‌ی آخر رمضان اعتکاف می‌نمود و می‌فرمودند: «ليلة القدر را در ده شب آخر رمضان جستجو کنید»^۲.

۶۹۹- وَعَنْهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْعَشْرُ الْأَوَاخِرُ مِنْ رَمَضَانَ، أَحْيَا اللَّيْلَ، وَأَيَّقَظَ أَهْلَهُ، وَجَدَّ وَشَدَّ الْمُنَزَّرَ. متفقٌ عليه.

۶۹۹. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که دهه‌ی آخر ماه رمضان می‌شد، شب نمی‌خوابید (به عبادت احیا می‌کرد) و اهل خانه را بیدار می‌فرمود و در عبادت سخت می‌کوشید و ازار خود را محکم می‌بست (از معاشرت زنان دوری می‌جست و برای عبادت بیشتر، آستین همت بالا می‌زد)^۳.

۷۰۰- وَعَنْهَا قَالَتْ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ إِنْ عَلِمْتُ أَيَّ لَيْلَةٍ لَيْلَةَ الْقَدْرِ مَا أَقُولُ فِيهَا؟ قَالَ: «قُولِي: اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي» رواه الترمذی وقال: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ.

۷۰۰. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: ای رسول خدا! اگر شب قدر برایم معلوم شد، بفرمایید در آن چه بگویم؟

۱- متفق علیه است: [خ (۲۰۱۴)، م (۷۶۰)].

۲- متفق علیه است: [خ (۲۰۲۰)، م (۱۱۶۹)].

۳- متفق علیه است: [خ (۲۰۲۴)، م (۱۱۷۴)].

فرمودند: «بگو: اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي: بارخدایا! تو بسیار عفو کننده‌ای و عفو و گذشت را دوست داری، پس مرا عفو کن و از من درگذر»^۱.

۲۰۸- باب فضل السَّوَاكِ وخصال الفطرة
باب فضیلت سواک و انجام رفتارها و نظافت‌های
طبیعی و فطری

۷۰۱- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَوْ لَا أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي أَوْ عَلَى النَّاسِ لَأَمَرْتُهُمْ بِالسَّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ» متفقٌ عليه.

۷۰۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر چنان نمی‌شد که بر اتمم - یا بر مردم - کار را دشوار کنم و سخت بگیرم، به ایشان امر می‌کردم که در هر نماز، سواک بزنند»^۲.

۷۰۲- وَعَنْ شُرَيْحِ بْنِ هَانِيٍّ قَالَ: قُلْتُ لِعَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: بِأَيِّ شَيْءٍ كَانَ يَبْدَأُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ، قَالَتْ: بِالسَّوَاكِ، رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۷۰۲. از شریح بن هانی روایت شده است که فرمود: به حضرت عایشه - رضی الله عنها - گفتم: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی وارد منزل می‌شدند، ابتدا چه کاری انجام می‌دادند؟ جواب داد: مسواک می‌زد^۳.

۷۰۳- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «السَّوَاكُ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ مَرْصَافَةٌ لِلرَّأْسِ» رَوَاهُ النَّسَائِيُّ، وَابْنُ خُرَيْمَةَ فِي صَحِيحِهِ بِأَسَانِيدٍ صَحِيحَةٍ.

۱- ترمذی [۳۵۰۸] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۸۷۷)، م (۲۵۲)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۳)].

۷۰۳. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «سواک، وسیله‌ی پاکیزگی دهان و رضای خداوند است»^۱.

۷۰۴- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَحْفُوا الشَّوَارِبَ وَأَغْفُوا اللَّحَى» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۷۰۴. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «سبیل را بزنی و ریش‌ها را رها کنی» (از زدن ریش صرف‌نظر کنی)^۲.

۱- نسائی [۱۰/۱]. روایت کرده و ابن خزیمه [۱۳۵] نیز در صحیح خود به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۸۹۳)، م (۲۵۹)].

۲۰۹- باب تأکید وجوب الزکاة و بیان فضلها وما يتعلق بها
باب بیان تأکید وجوب زکات و بیان فضیلت آن و
آن چه به زکات تعلق دارد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ (البقرة / ۴۳)

«نماز را به پای دارید و زکات را بپردازید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾ (البينة / ۵)

«به امت های پیشین امر نشد جز به آن که خدا را با اخلاص و در حالی که بر دین حنیف ابراهیمی استقامت دارند، پرستش کنند و نماز به پا دارند و زکات بپردازند و این دین راست و استوار است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ (التوبة / ۱۰۳)

«ای پیامبر ﷺ از اموال آنان (مسلمانان ثروتمند) زکات بگیر تا بدین وسیله ایشان را پاک داری».

۷۰۶- وعن ابن عباس رضي الله عنه، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بَعَثَ مُعَاذًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِلَى الْيَمَنِ فَقَالَ: «ادْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ، فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً تُؤْخَذُ مِنْ أَغْنِيَائِهِمْ، وَتُرَدُّ عَلَى فُقَرَائِهِمْ» متفق عليه.

۷۰۶. از ابن عباس رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله معاذ را به یمن فرستاد و فرمودند: «آنان را دعوت کن به این که شهادت بدهند که خدایی جز الله نیست و

من پیامبر او هستم؛ اگر این دعوت را اطاعت کردند، به آنان اعلام کن که خداوند در هر شبانه‌روز پنج‌بار نماز را بر آنان فرض کرده است؛ اگر اطاعت نمودند، آنگاه به آنها خبر بده که خداوند زکات را بر آنان واجب گردانیده است که از ثروتمندان‌شان گرفته و به فقرای آنان داده شود»^۱.

۷۰۷- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: لَمَّا تُوفِّيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَانَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَكَفَرَ مَنْ كَفَرَ مِنَ الْعَرَبِ، فَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: كَيْفَ تُقَاتِلُ النَّاسَ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَمَنْ قَالَهَا فَقَدْ عَصَمَ مِنِّي مَالَهُ وَنَفْسَهُ إِلَّا بِحَقِّهِ، وَحِسَابُهُ عَلَى اللَّهِ» فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: وَاللَّهِ لَا أُقَاتِلَنَّ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ، فَإِنَّ الزَّكَاةَ حَقُّ الْمَالِ. وَاللَّهِ لَوْ مَنَعُونِي عَقَالًا كَانُوا يُؤْذُونَهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، لَقَاتَلْتُهُمْ عَلَى مَنْعِهِ. قَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: فَوَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا أَنْ رَأَيْتُ اللَّهَ قَدْ شَرَحَ صَدْرَ أَبِي بَكْرٍ لِلْقِتَالِ، فَعَرَفْتُ أَنَّهُ الْحَقُّ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۷۰۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت فرمودند و حضرت ابوبکر - رضی الله عنه - خلیفه بود و بعضی از مردم عرب کافر شدند، حضرت عمر - رضی الله عنه - به حضرت ابوبکر رضی الله عنه گفت: چگونه با مردم جنگ می‌کنی در صورتی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «من دستور دارم با مردم بجنگم تا (زمانی که) شهادت دهند که خدایی جز الله نیست و هرکس آن را گفت، مال و جان‌ش را از من محفوظ داشته است مگر در مقابل حق اسلام و حساب او با خداست؟!» ابوبکر صدیق رضی الله عنه گفت: به خدا سوگند، من به طور قطع با کسانی که بین نماز و زکات فرق می‌گذارند جنگ می‌کنم، زیرا زکات حق مال است، و به خدا سوگند، اگر پای‌بند شتری را که به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پرداختند هم از من دریغ دارند و نپردازند، به دلیل منع آن، با ایشان می‌جنگم، حضرت عمر رضی الله عنه فرمود: به خدا سوگند، این چیزی نبود جز آن که دیدم خداوند سینه‌ی ابوبکر رضی الله عنه را گشاده کرد و فکر او را برای جنگ روشن نمود و دانستم که (حرف) او حق و درست است^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۳۹۵)، م (۱۹)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۳۹۹)، م (۲۰)].

۷۰۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ صَاحِبٍ ذَهَبٍ، وَلَا فِضَّةٍ، لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ، فَأُحْمِي عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ، فَيُكْوَى بِهَا جَنْبُهُ، وَجَبْهُ، وَظَهْرُهُ، كُلَّمَا بَرَدَتْ أُعِيدَتْ لَهُ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ، حَتَّى يُفْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ فَيَرَى سَبِيلَهُ، إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِمَّا إِلَى النَّارِ». متفق عليه.

۷۰۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر صاحب طلا و نقره‌ای که زکات آن را نمی‌پردازد، یقیناً وقتی روز قیامت شده، برای او صفحاتی (تخته‌هایی) از آتش گشوده و بر روی آتش دوزخ داغ می‌شود و پس از آن، پهلوی و پیشانی و پشت او با آن داغ و سوزانده می‌شود و هر بار که این قطعات سرد می‌شود، باز (برای عذاب مجدد) داغ می‌گردد؛ در مدت روزی که طول آن پنجاه هزار سال است و این وضع تا زمانی که میان بندگان خدا حکم می‌شود، ادامه دارد، بعد راه او، خواه به سوی بهشت، خواه به سوی دوزخ معلوم و مشاهده می‌شود».

۷۰۹- وَعَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: بَايَعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى إِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالنُّصْحِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ. متفق عليه.

۷۰۹- و از جریر بن عبد الله رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: با پیامبر صلی الله علیه و سلم بر اقامه‌ی نماز، دادن زکات و نصیحت و خیراندیشی برای هر مسلمان بیعت نمودم.

(به حدیث شماره: ۶۴۴ مراجعه شود).

۲۱۰- باب وجوب صوم رمضان و بیان فضل الصَّیام وما يتعلق به

**باب بیان وجوب روزهی رمضان و بیان فضیلت
روزه‌داری و آن چه بدان مربوط است**

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن

قَبْلِكُمْ﴾ (البقرة / ۱۸۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما روزه واجب شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بوده‌اند، واجب شد».

إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى:

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى
وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ

فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ (البقرة / ۱۸۵)

تا آن جا که می‌فرماید:

«ماه رمضان است که در آن قرآن برای راهنمایی مردم و به عنوان نشانه‌ها و آیات روشنی از ارشاد و هدایت و فرق میان حق و باطل، نازل شده است، پس هر کس از شما، این ماه را دریافت، باید آن را روزه بگیرد و اگر کسی بیمار یا مسافر باشد، (می‌تواند روزه نگیرد) و چندی از روزهای دیگر (به اندازه‌ی آن روزها) را روزه بگیرد».

۷۱۰- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصِّيَامَ، فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ. وَالصِّيَامُ جُنَّةٌ فَإِذَا كَانَ يَوْمٌ صَوْمٍ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثْ وَلَا يَصْخَبْ، فَإِنْ سَابَّهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ، فَلْيَقُلْ: إِنِّي صَائِمٌ. وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ. لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ يَفْرَحُهُمَا: إِذَا أَفْطَرَ فَرِحَ بِفِطْرِهِ، وَإِذَا لَقِيَ رَبَّهُ فَرِحَ بِصَوْمِهِ» متفقٌ عليه.

۷۱۰. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند عزوجل می‌فرماید: هر عملی از اعمال انسان برای خود اوست، جز روزه که آن برای من است و من پاداش آن را می‌دهم؛ و روزه سپر است (در مقابل دوزخ و گناهان)، پس وقتی یکی از شما روزه‌دار بود، دشنام و ناسزا نگوید و یا با صدای بلند بر دیگری داد نزند و اگر یکی به او بد گفت و یا با او جنگید، بگوید: من روزه هستم؛ و سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، بوی دهن شخص روزه‌دار، نزد خدا از بوی مشک خوش‌تر و باارزش‌تر است؛ و شخص روزه‌دار دو خوشی دارد که به آن دو بسیار شادمانی می‌کند: یکی هنگامی که افطار می‌کند، به افطارش خوشحال می‌شود و دیگری، هنگامی است که با خدای خود ملاقات می‌کند که از روزه‌اش شادمان است»^۱.

۷۱۱- وعن سهل بن سعد رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَاباً يُقَالُ لَهُ: الرَّيَّانُ، يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، يُقَالُ: أَيْنَ الصَّائِمُونَ؟ فَيَقُومُونَ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، فَإِذَا دَخَلُوا أُغْلِقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ» متفق عليه.

۷۱۱. از سهل بن سعد - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در بهشت دری هست که آن را ریان می‌گویند و در روز قیامت روزه‌داران از آن داخل (بهشت) می‌شوند و هیچ کسی جز آنها از آنجا داخل نخواهد شد؛ گفته می‌شود: روزه‌داران کجا هستند؟ و روزه‌داران برمی‌خیزند و کسی غیر از آنها از آن در وارد نمی‌شود و چون همه داخل شدند، در بسته می‌شود و دیگر کسی از آنجا وارد نمی‌گردد»^۲.

۷۱۲- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا جَاءَ رَمَضَانُ، فَتُفْتَحُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، وَتُغْلَقُ أَبْوَابُ النَّارِ، وَتُفْتَدَتِ الشَّيَاطِينُ» متفق عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۸۹۴)، م (۱۱۵۱)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۱۸۹۶)، م (۱۱۵۲)].

۷۱۲. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی رمضان می آید، درهای بهشت باز و درهای دوزخ بسته و شیاطین زنجیر می شوند»^۱.

۷۱۳- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَصُومُ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا بَاعَدَ اللَّهُ بِذَلِكَ الْيَوْمَ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا» متفقٌ عليه.

۷۱۳. از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر بنده ای که روزی در راه خدا، روزه بگیرد، خداوند یقیناً صورت او را به خاطر آن روزه، به مدت هفتاد سال از آتش (دوزخ) دور می کند»^۲.

۷۱۴- وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صُومُوا لِرُؤُوسِهِ، وَأَفْطِرُوا لِرُؤُوسِهِ، فَإِنْ غَبِيَ عَلَيْكُمْ، فَأَكْمِلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ» متفقٌ عليه. وهذا لفظ البخاري. وفي رواية مسلم: «فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَصُومُوا ثَلَاثِينَ يَوْمًا».

۷۱۴. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «با دیدن آن (هلال ماه رمضان)، روزه بگیرید و با دیدن آن (هلال ماه شوال)، روزه بگشایید و اگر بر شما پوشیده شد و آن را ندیدید، سی روز شعبان را کامل کنید»^۳. در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «اگر ابر، جلو ماه را از شما گرفت، سی روز، روزه بگیرید».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۸۹۸)، م (۱۰۷۹)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۸۴۰)، م (۱۱۵۳)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۱۹۰۰)، م (۱۰۸۱)]. آن چه در متن آمده، لفظ روایت بخاری است.

۲۱۱- باب الجود وفعل المعروف والإكثار من الخير في شهر
رمضان والزيادة من ذلك في العشر الآخر منه
باب بیان سخاوت مندی و بخشش و انجام کار نیک و
افزودن بر حسنات در ماه رمضان و زیاد کردن اعمال
خیر در دهه‌ی آخر رمضان

۷۱۵- وعن ابن عباس، رضي الله عنهما، قال: كان رسول الله، صلى الله عليه وسلم، أجود الناس، وكان أجود ما يكون في رمضان حين يلقاه جبريل، وكان جبريل يلقاه في كل ليلة من رمضان فيدارسه القرآن، فلرسول الله، صلى الله عليه وسلم، حين يلقاه جبريل أجود بالخير من الريح المرسلة» متفق عليه.

۷۱۵. از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله بخشنده‌ترین مردم بود و در ماه رمضان موقعی که جبرئیل او را ملاقات می‌کرد، از سایر اوقات بخشنده‌تر می‌شد و جبرئیل در هر شب از شب‌های رمضان، با او ملاقات می‌کرد و قرآن را با پیامبر صلی الله علیه و آله مدرسه می‌کرد (برای همدیگر می‌خواندند) و پیامبر صلی الله علیه و آله موقعی که جبرئیل با ایشان ملاقات می‌نمود، در بخشش و خیر، از باد روان، بخشنده‌تر بود.^۱

(به حدیث شماره: ۶۹۹ مراجعه شود)

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶)، م (۲۳۰۷)].

۲۱۲- باب النُّهْي عن تقدّم رمضان بصوم بعد نصف شعبان إلّا لمن وصله بما قبله، أو وافق عادةً له بأن كان عادته صوم الاثنين والخميس فوافقه

باب نهی از استقبال رمضان با روزه‌ای بعد از نیمه‌ی شعبان، جز برای کسی که روزه را به روزه‌ی پیش از نیمه‌ی دوم شعبان وصل کند یا نیمه‌ی دوم شعبان با عادت او به روزه‌ی روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه همزمان شود

۷۱۶- عن أبي هريرة رضي الله عنه، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَتَقَدَّمَنَّ أَحَدُكُمْ رَمَضَانَ بِصَوْمِ يَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ رَجُلٌ كَانَ يَصُومُ صَوْمَهُ، فَلْيَصُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ» متفقٌ عليه.

۷۱۶. از ابوهریره - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هیچ یک از شما هرگز یک روز یا دو روز بر رمضان تقدم نجوید (یعنی یک یا دو روز قبل از رمضان روزه نگیرد) جز مردی که روزه‌ی عادت‌ی خود را می‌گرفته، آن روز (پیش از رمضان) هم روزه بگیرد»^۱.

۷۱۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إذا بقي نصف من شعبان فلا تصوموا» رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۷۱۷. از ابوهریره - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «وقتی که (پانزده روز از شعبان گذشت و) نیمی از شعبان باقی ماند، روزه نگیرید»^۲.

۷۱۸- وعن عمار بن ياسر رضي الله عنهما، قال: من صام اليوم الذي يشك فيه فقد عصى أبا القاسم صلى الله عليه وسلم. رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۱- متفق عليه است: [خ (۱۹۱۴)، م (۱۰۸۲)].

۲- ترمذی [۷۳۸] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۷۱۸. از «عمار بن یاسر» - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: هرکس در روزی که در آن شک و تردید وجود دارد، روزه بگیرد، از ابوالقاسم رضی الله عنه نافرمانی کرده است»^۱.

۲۱۳- باب ما یقالُ عِنْدَ رُؤْیَةِ الْهَلَالِ
باب بیان آن چه که هنگام رؤیت هلال گفته می شود

۷۱۹- عَنْ طَلْحَةَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا رَأَى الْهَلَالَ قَالَ: «اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، رَبَّنَا وَرَبُّكَ اللَّهُ، هَلَالُ رُشْدٍ وَخَيْرٍ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۷۱۹. از طلحه بن عبیدالله - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هر وقت هلال ماه را مشاهده می کرد، می فرمودند: «اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، رَبَّنَا وَرَبُّكَ اللَّهُ، هَلَالُ رُشْدٍ وَخَيْرٍ»: خدایا! این ماه را در حالی بر ما طالع فرما که ما در کمال امنیت و ایمان و سلامت و اسلام هستیم، ای ماه! خدای من و خدای تو الله است، این هلال، هلال رشد و نیکی باشد!»^۲.

۱- ابوداود [۲۳۳۴] و ترمذی [۶۸۶] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- ترمذی [۳۴۴۷] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲۱۴- باب فَضْلِ السُّحُورِ وَتَأْخِيرِهِ مَا لَمْ يَخْشَ طُلُوعَ الْفَجْرِ
باب فضیلت سحری خوردن و تأخیر آن، مادامی که
خوف طلوع شفق نباشد

۷۲۰- عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «تَسَحَّرُوا فَإِنَّ فِي السُّحُورِ بَرَكَةً» متفق عليه.

۷۲۰. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای سحر بیدار شوید و سحری بخورید؛ زیرا در سحری خوردن، برکت است»^۱.

۷۲۱- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُؤَذِّنَانِ: بِلَالٌ وَابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ بِلَالَ يُؤَذِّنُ بِلَيْلٍ، فَكُلُّوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يُؤَذِّنَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ» قَالَ: وَلَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا إِلَّا أَنْ يَنْزِلَ هَذَا وَيَرْقَى هَذَا، متفق عليه.

۷۲۱. از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله دو مؤذن داشت: «بلال» و «ابن ام مکتوم». پیامبر صلی الله علیه و آله (یک بار در رمضان)، فرمودند: «بلال شب اذان می گوید، پس شما بخورید و بنوشید تا وقتی که ابن ام مکتوم اذان می گوید»، ابن عمر - رضی الله عنه - گفت: و در بین آنها تنها این مقدار فاصله بود که این (بلال) پایین می آمد و آن (ابن ام مکتوم) بالا می رفت^۲.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۹۲۳)، م (۱۰۹۵)].

۲- متفق عليه است [خ (۲۶۱۷)، م (۱۰۹۲)].

۲۱۵- باب فَضْلُ تَعْجِيلِ الْفِطْرِ وَمَا يُفْطَرُ عَلَيْهِ وَمَا يَقُولُهُ بَعْدَ

الْإِفْطَارِ

باب فضیلت تعجیل افطار و آن چه که بدان افطار

می شود و آن چه که بعد از افطار می گوید

۷۲۲- عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا عَجَّلُوا الْفِطْرَ» متفقٌ عليه.

۷۲۲. از سهل بن سعد - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردم تا وقتی که در افطار عجله کنند (به محض رسیدن وقت، افطار کنند)، در خیر و برکت هستند و می مانند»^۱.

۷۲۳- وَعَنْ سَلْمَانَ بْنِ عَامِرٍ الضَّبِّيِّ الصَّحَابِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا أَفْطَرَ أَحَدُكُمْ، فَلْيُفْطِرْ عَلَى تَمْرٍ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ، فَلْيُفْطِرْ عَلَى مَاءٍ فَإِنَّهُ طَهُورٌ». رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

۷۲۳. از سلمان بن عامر ضبی، صحابی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه یکی از شما افطار نمود، باید با خرما افطار نماید و اگر نیافت، با آب افطار کند؛ زیرا آب پاک کننده است»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۹۵۷)، م (۱۰۹۸)].

۲- ابوداود [(۲۳۵۵)] و ترمذی [(۶۵۸)] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۲۱۶- بَابُ أَمْرِ الصَّائِمِ بِحِفْظِ لِسَانِهِ وَجَوَارِحِهِ عَنِ الْمُخَالَفَاتِ
وَالْمُشَاتِمَةِ وَتَحْوِهَا

باب امر به روزه‌دار به نگه‌داری زبان و سایر اعضایش
از گناهان و دشنام دادن به دیگران و ...

۷۲۴- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا كَانَ يَوْمُ صَوْمِ أَحَدِكُمْ، فَلَا يَرْفُثْ وَلَا يَصْخَبْ، فَإِنْ سَاءَ أَحَدٌ، أَوْ قَاتَلَهُ، فَلْيَقُلْ: إِنِّي صَائِمٌ» متفق عليه.

۷۲۴. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی یکی از شما روزه‌دار بود، دشنام و ناسزا نگوید و یا با صدای بلند بر دیگری داد نزند و اگر یکی به او بد گفت و یا با او جنگید، بگوید: من روزه هستم»^۱.

۷۲۵- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لِلَّهِ حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ» رواه البخاري.

۷۲۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که دروغ و ناحق و عمل به آن را ترک نکند، خداوند احتیاجی ندارد که او خوردن و نوشیدن خود را ترک نماید (منظور آنست که روزه فقط ترک خوراک و نوشیدن نیست)»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۹۰۴)، م (۱۱۵۱)].

۲- بخاری روایت کرده است، [(۱۹۰۳)]

۲۱۷- باب فی مسائل من الصوم

باب مسایلی از روزه

۷۲۶- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا نَسِيَ أَحَدُكُمْ، فَأَكَلَ أَوْ شَرِبَ، فَلَيْتَمَ صَوْمُهُ، فَإِنَّمَا أَطْعَمَهُ اللَّهُ وَسَقَاهُ» متفق عليه.

۷۲۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر یکی از شما (در زمان روزه) از روی فراموشی چیزی خورد یا نوشید، روزه‌اش را تمام کند؛ زیرا (آن، روزه را باطل نمی‌کند و فقط طعام و نوشیدنی‌ای است که) خداوند به او طعام و نوشیدنی داده است»^۱.

۷۲۷- وعن لَقِيطِ بْنِ صَبْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي عَنِ الْوُضُوءِ؟ قَالَ: «أَسْبَغِ الْوُضُوءَ، وَخَلَّلْ بَيْنَ الْأَصَابِعِ، وَبَالَغْ فِي الاسْتِنْشَاقِ، إِلَّا أَنْ تَكُونَ صَائِمًا» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۷۲۷. از لقیط بن صبره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: ای رسول خدا! مرا از وضو آگاه کن، فرمودند: «وضو را کامل انجام بده و بین انگشتان را دست بکش (و بین آنها را بشوی) و در استنشاق (آب را در بینی گرداندن) مبالغه کن، مگر این که روزه باشی»^۲.

۷۲۸- وعن عائشة رضي الله عنها، قالت: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يُدْرِكُهُ الْفَجْرُ وَهُوَ جُنُبٌ مِنْ أَهْلِهِ، ثُمَّ يَغْتَسِلُ وَيَصُومُ. متفق عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۹۳۳)، م (۱۱۵۵)].

۲- ابو داود [(۲۳۶۶)] و ترمذی [(۷۸۸)] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۷۲۸. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله صبح می‌کرد در حالی که از (آمیزش با) همسرش جنب بود، بعد غسل می‌کرد و روزه می‌گرفت^۱.

۲۱۸- باب فضل صوم المُحَرَّم وشعبان والأشهر الحرم
باب بیان فضیلت روزهی محرم و شعبان و ماههای حرام

۷۲۹- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصُومُ مِنْ شَهْرِ أَكْثَرَ مِنْ شَعْبَانَ، فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ شَعْبَانَ كُلَّهُ.

وفي رواية: كَانَ يَصُومُ شَعْبَانَ إِلَّا قَلِيلًا. متفق عليه.

۷۲۹. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ ماهی بیشتر از ماه شعبان روزه نبود؛ زیرا او تمام شعبان را روزه می‌گرفت. و در روایتی دیگر آمده است: ایشان شعبان را جز کمی از آن، روزه می‌گرفت^۲.

(به حدیث شماره: ۶۸۷ مراجعه شود).

۱- از دو حدیث فوق این حکم شرعی برداشت می‌شود که جنابتی که در ماه رمضان از قبل از نماز صبح مانده است و پیش از گذشتن وقت نماز برای آن غسل انجام و برطرف می‌شود، روزه را باطل نمی‌کند.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۱۶۳)، م (۷۱۱/۲)].

۲۱۹- باب فضل الصوم و غیره فی العشر الأوّل من ذی الحجة
باب فضیلت روزه و غیر آن در دهه ی اول ذی الحجه

۷۳۰- عن ابن عباسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ أَيَّامٍ الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ هَذِهِ الْأَيَّامِ» يَعْنِي: أَيَّامَ الْعَشْرِ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَلَا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ قَالَ: «وَلَا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، إِلَّا رَجُلٌ خَرَجَ بِنَفْسِهِ، وَمَالِهِ فَلَمْ يَرْجِعْ مِنْ ذَلِكَ بِشَيْءٍ» رواه البخاري.

۷۳۰. از ابن عباس - رضی اللہ عنہما - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «روزهایی نیست که عبادت در آنها نزد خداوند محبوب تر و پسندیده تر از این ایام (یعنی دهه ی اول ذی الحجه) باشد»، گفتند: ای رسول خدا! حتی جهاد در راه خدا نیز از آن محبوب تر نیست؟ فرمودند: «جهاد در راه خدا نیز از آن محبوب تر نیست، مگر (جهاد) مردی که با جان و مال خود، برای جهاد خارج شده و هیچ کدام را باز نیاورده (شهید شده) باشد»^۱.

۲۲۰- باب فضل صوم يوم عرفة وعاشوراء وتاسوعاء
باب فضیلت روزه ی عرفه و عاشورا و تاسوعا

۷۳۱- عن أبي قتادة رضي الله عنه، قال: سئل رسول الله صلى الله عليه وسلم: عن صوم يوم عرفة؟ قال: «يُكَفِّرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ وَالْبَاقِيَةَ» رواه مسلم.

۷۳۱. از ابوقتاده - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که فرمود: درباره ی روزه ی روز عرفه از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم سؤال شد، فرمودند: «کفاره ی گناهان سال گذشته و سال آینده می شود»^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۹۶۹].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۱۱۶۲].

۷۳۲- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَامَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ، وَأَمَرَ بِصِيَامِهِ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۷۳۲. از ابن عباس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله روز عاشورا (دهم محرم) را روزه گرفت و به روزه گرفتن در آن امر فرمودند.^۱

۷۳۳- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَنْ يَبْقِيَتْ إِلَى قَابِلٍ لِأَصُومَنَّ التَّاسِعَ» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۷۳۳. از ابن عباس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله (یک سال روز عاشورا را روزه گرفتند و) فرمودند: «اگر تا سال آینده زنده ماندم، حتماً تاسوعا (نهم محرم) را نیز روزه می گیرم».^۲

۲۲۱- باب استحباب صوم ستة أيام من شوال باب استحباب روزهی شش روز از شوال

۷۳۴- عَنْ أَبِي أَيُّوبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ كَصِيَامِ الدَّهْرِ» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۷۳۴. از ابویوب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که ماه رمضان را روزه بگیرد و سپس با شش روز از شوال آن را دنبال کند، مانند روزهی تمام سال است».^۳

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۰۰۴)، م (۱۱۳۰)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۱۳۴)].

۳- برابر با تمام سال می شود، زیرا: ۳۰ روز رمضان + ۶ روز از شوال = ۳۶ روز است و چون پاداش هر حسنه ای ده برابر است، بنابراین $۳۶ \times ۱۰ = ۳۶۰$ که مجموع روزه های سال است. مترجم.

۲۲۲- باب استحباب صوم الاثنين والخميس
باب استحباب روزهی دوشنبه و پنجشنبه

۷۳۵- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَحَرَّى صَوْمَ الْأَثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ. رواه الترمذی وقال: حديث حسن.

۷۳۵. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله بر روزهی دوشنبه و پنجشنبه قصد و مواظبت می فرمود^۱.

۲۲۳- باب استحباب صوم ثلاثة أيام من كل شهر
باب استحباب سه روز، روزه از هر ماه

والأفضل صومها في الأيام البيض، وهي: الثالث عشر، والرابع عشر، والخامس عشر، وقيل: الثاني عشر، والثالث عشر، والرابع عشر؛ والصحيح المشهور هو الأول. و بهتر و دارای ثواب بیشتر، روزه در ایام بیض هر ماه است، و آن سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه است و گفته شده: دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم هر ماه؛ و صحیح مشهور، قول اول است.

۷۳۶- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «صَوْمُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ صَوْمُ الدَّهْرِ كُلِّهِ». متفق عليه.

۷۳۶. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «روزه‌ی سه روز از هر ماه، همانند روزه‌ی تمام سال است»^۲.

۱- ترمذی [(۷۴۵)] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۹۷۹)، م (۱۱۵۹)].

۷۳۷- وعن أبي ذرٍّ رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إذا صُمْتَ مِنَ الشَّهْرِ ثَلَاثًا، فَصُمْتَ ثَلَاثَ عَشْرَةٍ، وَأَرْبَعَ عَشْرَةٍ، وَخَمْسَ عَشْرَةٍ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۷۳۷. از ابوذر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه از هر ماه، سه روز، روزه گرفتی، روزهای سیزده، چهارده و پانزده را روزه بگیر»^۱.

۷۳۸- وعن ابن عباس رضي الله عنهما، قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يفطر أيام البيض في حصر ولا سفر. رواه النسائي بإسناد حسن.

۷۳۸. از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله چه در خانه و چه در مسافرت، ایام البيض (روزهای سفید) را نمی شکست و روزه بود^۲.

۱- ترمذی [(۷۶۱)] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- نسائی [(۱۹۸-۱۹۹/۴)] به اسناد حسن روایت کرده است.

۲۲۴- باب فضل مَنْ فَطَّرَ صَائِماً وَفَضْلَ الصَّائِمِ الَّذِي يُوْكَلْ عِنْدَهُ،
وَدَعَاءُ الْأَكْلِ لِلْمَأْكُولِ عِنْدَهُ.

**باب فضیلت کسی که به روزه‌داری افطار دهد و فضل
روزه‌داری که پیش او غذا خورده شود و دعای غذا
خورنده برای کسی که پیش او طعام خورده می‌شود.**

۷۳۹- عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ الْجُهَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ فَطَّرَ صَائِماً، كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ غَيْرَ أَنَّهُ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الصَّائِمِ شَيْءٌ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۷۳۹. از زید بن خالد جهنی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هرکس که روزه‌داری را افطار دهد، به مقدار شخص روزه‌دار، دارای اجر می‌شود و با این حال، از اجر روزه‌دار هم چیزی کم نمی‌شود»^۱.

۷۴۰- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَ إِلَى سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَجَاءَ بِخَبْزٍ وَزَيْتٍ، فَأَكَلَ، ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَفْطَرُ عِنْدَكُمْ الصَّائِمُونَ، وَأَكَلَ طَعَامُكُمْ الْأَبْرَارُ وَصَلَّتْ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۷۴۰. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و سلم نزد سعد بن عباد - رضی الله عنه - آمد و سعد، نان و روغن (زیتونی) پیش ایشان آورد، پیامبر صلی الله علیه و سلم از آن تناول نمودند و سپس فرمودند: «روزه‌داران نزد شما افطار کردند و نیکان طعام شما را خوردند و فرشتگان بر شما دعا کردند و رحمت فرستادند».

۱- ترمذی [۸۰۷] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

بخش دهم

کتاب اعتکاف

۱۰- کتاب الاعتکاف

۲۳۲- باب الاعتکاف فی رمضان

باب اعتکاف (ماه) رمضان

۷۴۱- عن ابنِ عمرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعْتَكِفُ الْعَشَرَ الْأَوَّخِرَ مِنْ رَمَضَانَ. متفقٌ عليه.

۷۴۱. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که می گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله ده روز آخر رمضان را اعتکاف می فرمود (در مسجد می نشست و بیرون نمی آمد).^۱

۷۴۲- وعن عائشةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشَرَ الْأَوَّخِرَ مِنْ رَمَضَانَ، حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ تَعَالَى، ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ مِنْ بَعْدِهِ. متفقٌ عليه.

۷۴۲. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله تا پایان عمرش، دهه ای آخر رمضان را اعتکاف می نمود و بعد از او، همسرانش اعتکاف می کردند.^۲

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۰۲۵)، م (۱۱۷۱)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۰۲۶)، م (۱۱۷۲)].

بخش یازدهم

کتاب حج

۱۱- کتاب الحج

۲۲۶- باب وجوب الحج وفضله

باب وجوب حج و فضیلت آن

قال الله تعالى:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾
(آل عمران / ۹۷)

«و خدا را حقی ثابت و لازم بر عهده مردم است که [برای ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند، [البته] کسانی که [از جهت سلامت جسمی و توانمندی مالی و باز بودن مسیر] بتوانند به سوی آن راه یابند، و هر که ناسپاسی ورزد [و از رفتن به آنجا خودداری کند به خود زیان زده] زیرا خدا از جهانیان بی نیاز است».

۷۴۳- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، قال: خطبنا رسول الله صلى الله عليه وسلم، فقال: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْحَجَّ فَحُجُّوا» فَقَالَ رَجُلٌ: أَكُلَّ عَامٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَسَكَتَ، حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَوْ قُلْتُ نَعَمْ لَوَجِبَتْ وَلَمَّا اسْتَطَعْتُمْ» ثُمَّ قَالَ: «ذَرُونِي مَا تَرَكْتُكُمْ، فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِكَثْرَةِ سُؤَالِهِمْ، وَاخْتِلَافِهِمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ، فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، وَإِذَا نَهَيْتُكُمْ عَنْ شَيْءٍ فَدَعُوهُ». رواه مسلم.

۷۴۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما خطبه‌ای ایراد نمودند و در آن فرمودند: «ای مردم! خداوند حج را بر شما واجب کرده است، پس حج کنید»، مردی گفت: آیا هر سال حج انجام شود ای رسول خدا؟! پیامبر صلی الله علیه و آله سکوت کرد تا شخص سه بار سؤالش را تکرار کرد، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر می‌گفتم: بله، واجب می‌شد و شما نمی‌توانستید»، سپس فرمودند: «تا وقتی که شما را ترک می‌کنم و بحثی برای شما ندارم، مرا به حال خود واگذارید (به تکلیفی که برای شما تعیین می‌کنم کفایت کنید) که همانا امت‌های

قبل از شما به واسطه‌ی کثرت سؤالات و اختلاف و عدم موافقت با پیامبران خود از بین رفتند، پس هرگاه چیزی را به شما امر کردم، تا آن‌جا که می‌توانید، از آن انجام دهید و هرگاه شما را از چیزی نهی کردم، آن را ترک کنید»^۱.

۷۴۴- وَعَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «إِيمَانٌ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» قِيلَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» قِيلَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: «حَجٌّ مَبْرُورٌ». متفقٌ عليه.

۷۴۴. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: چه کاری بزرگ‌تر و ثوابش بیشتر است؟ فرمودند: «ایمان به خدا و رسولش»، سؤال شد: بعد از آن چه چیز؟ فرمودند: «جهاد در راه خدا»، سپس گفته شد: بعد از آن چه چیز؟ فرمودند: «حجی مبرور»^۲.

۷۴۵- وَعَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ حَجَّ فَلَمْ يَرْفُثْ، وَلَمْ يَفْسُقْ، رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ». متفقٌ عليه.

۷۴۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هرکس حج کند و در آن، بدگویی و دعوا و گناه نکند و فسق نورزد، مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده است، باز می‌گردد»^۳.

۷۴۶- وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ». متفقٌ عليه.

۷۴۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «یک عمره تا عمره‌ی بعد، کفاره‌ی گناهان بین آن دو است و حج مبرور، هیچ پاداشی جز بهشت ندارد»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۳۳۷].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۵۱۹)، م (۸۳)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۱۵۲۱)، م (۱۳۵۰)].

۷۴۷- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «مَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ يَعْتِقَ اللَّهُ فِيهِ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ». رواه مسلم.

۷۴۷. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «روزی نیست که خداوند بندگان را در آن روز بیشتر از روز عرفه از آتش دوزخ رهایی دهد. (یعنی خداوند بندگان خود را بیشتر در روز عرفه از جهنم رهایی می دهد)»^۱.

۷۴۸- وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «عُمْرَةٌ فِي رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً أَوْ حَجَّةً مَعِي» متفقٌ عليه.

۷۴۸. از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «عمره ای در رمضان، برابر است با یک حج - یا با حجی همراه من -»^۲.

۷۴۹- وَعَنْهُ أَنَّ امْرَأَةً قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ فَرِيضَةَ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ فِي الْحَجِّ، أَذْرَكْتُ أَبِي شَيْخًا كَبِيرًا، لَا يَنْبُتُ عَلَى الرَّاحِلَةِ، أَفَأَحُجُّ عَنْهُ؟ قَالَ: «نَعَمْ». متفقٌ عليه.

۷۴۹. از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: زنی عرض کرد: ای رسول خدا! پدرم (در حالی مسلمان شده و) فریضه ی خدا بر بندگان - حج - را دریافته است که بسیار پیر است و نمی تواند خود را بر مرکب نگه دارد، آیا من از طرف او برایش حج انجام بدهم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «بله»^۳.

(به حدیث شماره: ۶۴۴ و ۱۲۳ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۷۷۳)، م (۱۳۴۹)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۳۴۸)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۱۷۸۲)، م (۱۲۵۶)].

۴- متفق علیه است؛ [خ (۱۵۱۳)، م (۱۳۳۴)].

بخش دوازدهم

کتاب جهاد

۱۲- کتاب الجهاد

۲۲۷- باب وجوب الجهاد وفضل الغدوة والروحة

باب وجوب جهاد و فضیلت صبح کردن و شب کردن در حال جهاد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾
(التوبة / ۳۶)

«ای مسلمانان! همه با مشرکان بجنگید، همان گونه که آنان جملگی با شما می جنگند، و بدانید که (لطف و یاری) خدا با پرهیزگاران است.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾
(البقرة / ۲۱۶)

«جنگ بر شما واجب گشته است و حال آن که از آن بیزارید، لیکن چه بسا چیزی را دوست نمی دارید و آن چیزی برای شما نیک باشد و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید، و آن چیز برای شما بد باشد و خداوند می داند و شما نمی دانید.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالاً وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾

(التوبة / ۴۱)

«ای مسلمانان! به سوی جهاد حرکت کنید، سبک بار یا سنگین بار (جوان یا پیر، مجرد یا متأهل، غنی یا فقیر، پیاده یا سواره،... در هر صورت و در هر حال) با مال و جان در راه خدا جهاد و پیکار کنید». و قَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ۚ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (التوبة / ۱۱۱)

«بی‌گمان خداوند جان و مال مؤمنان را به (بهای) این که بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ (آنان) در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند؛ این وعده‌ی راستی است که خداوند آن را در تورات و انجیل و قرآن داده است، و چه کسی از خداوند به عهد خود وفاکننده‌تر است؟ پس به معامله‌ای که کرده‌اید، شاد باشید و این پیروزی و رستگاری بزرگی است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً ۚ وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى ۚ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾ دَرَجَتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ (النساء / ۹۵-۹۶)

«(در خانه) نشستگان توانا و بدون عذر از مؤمنین، با مجاهدانی که با مال‌ها و جان‌های خود در راه خدا جهاد می‌کنند، برابر نیستند؛ خداوند، مجاهدان به مال‌ها و جان‌های خودشان را بر خانه‌نشینان (با عذر) یک درجه (در ثواب و مقام) برتری داده و به هر دو گروه، وعده‌ی خوبی (بهشت) فرموده است و مجاهدان را به خانه‌نشینان

(بدون عذر) با اجری بزرگ و فراوان برتری بخشیده است؛ درجات بزرگی از ناحیه‌ی خدا (بدانان داده می‌شود) همراه با مغفرت و رحمت، و خداوند آمرزنده و مهربان است.»
وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذِلُّكُمْ عَلَىٰ تَجَرَّةٍ تُنَجِّكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿١٠﴾ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسْكَنٌ طَيِّبَةٌ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (الصف / ۱۰-۱۳)
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به بازرگانی و معامله‌ای رهنمود سازم که شما را از عذاب بسیار دردناک دوزخ رها سازد؟ (و آن این است که) به خدا و پیامبرش ایمان می‌آورید و در راه خدا با مال و جانتان تلاش و جهاد می‌کنید و اگر بدانید، این برای شما بهتر است. (اگر این تجارت را انجام دهید، خدا) گناهان شما را می‌بخشد و شما را به باغ‌های بهشتی داخل می‌گرداند که از زیر آن، جویبارها، روان است و شما را در منازل و خانه‌های خوب و خوشایندی جای می‌دهد که در باغ‌های بهشت جاویدان هستند و پیروزی و رستگاری بزرگ همین است و (گذشته از این نعمت‌ها) نعمت دیگری خواهید داشت که آن را دوست دارید و آن، پیروزی خدادادی و فتحی نزدیک است، و به مؤمنان مژده بده.»

والآیات فی الباب كثيرة مشهورة.

وآیات در این مورد، فراوان و مشهور است.

۷۵۰- وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «الْإِيمَانُ بِاللَّهِ، وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۷۵۰. از ابوذر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: گفتم: ای رسول خدا! چه عملی بهتر است؟ فرمودند: «ایمان به خدا و جهاد در راه او»^۱.

۷۵۱- وعن سهل بن سعد، رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «رِبَاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا، وَمَوْضِعُ سَوْطِ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا، وَالرُّوحَةُ يَرْوَحُهَا الْعَبْدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى، أَوْ الْغَدَوَةُ، خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا». متفقٌ عليه.

۷۵۱. از سهل بن سعد - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «یک روز پایداری و ایستادگی در راه خدا، از دنیا و هر چه بر روی آن است، بهتر است و جای تازیانهای یکی از شما در بهشت، از دنیا و هر آن چه بر روی آن است، بهتر می باشد و صبح تا ظهر یا ظهر تا غروب که بنده در آن به جهاد در راه خدا می رود، از دنیا و هر آن چه بر روی آن است، بهتر است»^۲.

۷۵۲- وعن فضالة بن عبيد، رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كُلُّ مَيِّتٍ يُخْتَمُ عَلَى عَمَلِهِ إِلَّا الْمُرَابِطَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ يُنَمَّى لَهُ عَمَلُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَيُؤْمَنُ فِتْنَةُ الْقَبْرِ». رواه أبو داود والترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ.

۷۵۲. از «فضاله بن عبید» - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر مرده ای بر اعمالش مهر زده و کارهایش با مرگ او تمام می شود، جز مرابط در راه خدا (کسی که در میدان جهاد از مسلمانان و جایگاهشان نگهبانی و مرزداری می کند) که عمل او تا قیامت برایش زیاد می شود و ادامه پیدا می کند و از فتنه ی قبر در امان نگه داشته می شود»^۳.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۵۱۸)، م (۸۴)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۸۹۲)، م (۱۸۸۱)].

۳- ابوداود [(۲۵۰۰)] و ترمذی [(۱۶۲۱)] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۷۵۳- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ مَكْلُومٍ يُكَلِّمُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَكَلَّمَهُ يَدْمِي: اللَّوْنُ لَوْنُ دَمٍ، وَالرَّيْحُ رِيحُ مِسْكِ». متفقٌ عَلَيْهِ.

۷۵۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر مجروحی که در راه خدا زخمی گردد، یقیناً روز قیامت می‌آید، در حالی که از زخمش خون جاری می‌شود و رنگ، رنگ خون و بو، بوی مشک است»^۱.

۷۵۴- وَعَنْهُ قَالَ: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا يَعْدِلُ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ قَالَ: «لَا تَسْتَطِيعُونَهُ» فَأَعَادُوا عَلَيْهِ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا كُلُّ ذَلِكَ يَقُولُ: «لَا تَسْتَطِيعُونَهُ»! ثُمَّ قَالَ: «مَثَلُ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْقَانِتِ بَأَيَاتِ اللَّهِ لَا يَفْتُرُ مِنْ صَلَاةٍ وَلَا صِيَامٍ، حَتَّى يَرْجِعَ الْمُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» متفقٌ عَلَيْهِ.

۷۵۴. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: سؤال شد: ای رسول خدا! چه عملی با جهاد در راه خدا برابر است؟ فرمودند: «توانایی آن را ندارید!»، این سؤال برای دومین و سومین بار تکرار شد و هربار در جواب می‌فرمودند: «توانایی آن را ندارید» و در آخر فرمودند: «مثال مجاهد در راه خدا، مثال روزه‌دار ایستاده به عبادت و خاضع و خاشع در برابر آیات خداست که هیچ وقت نه از نماز و نه از روزه کوتاه نمی‌آید تا وقتی که مجاهد در راه خدا باز می‌گردد»^۲.

۷۵۵- وَعَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مِائَةَ دَرَجَةٍ أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، مَا بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ». رواه البخاري.

۷۵۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در بهشت، صد مقام و درجه هست که خداوند آنها را برای مجاهدان در راه خدا آماده کرده

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۵۳۳)، م (۱۸۷۶)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۷۸۵)، م (۱۸۷۸)]. آنچه در متن آمده، لفظ روایت مسلم است.

است که فاصله‌ی بین دو درجه از آن درجات، به اندازه‌ی فاصله‌ی آسمان و زمین است»^۱.

۷۵۶- وَعَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَهُوَ بِحَضْرَةِ الْعَدُوِّ، يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ» فَقَامَ رَجُلٌ رَثُّ الْهَيْئَةِ فَقَالَ: يَا أَبَا مُوسَى، أَأَنْتَ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ هَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ، فَرَجَعَ إِلَى أَصْحَابِهِ، فَقَالَ: «أَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلَامَ» ثُمَّ كَسَرَ جَفْنَ سَيْفِهِ فَأَلْقَاهُ، ثُمَّ مَشَى بِسَيْفِهِ إِلَى الْعَدُوِّ فَضَرَبَ بِهِ حَتَّى قُتِلَ». رواه مسلم.

۷۵۶. از ابوبکر بن ابوموسی اشعری روایت شده است که فرمود: از پدرم - رضی الله عنه - در حالیکه در برابر دشمن قرار داشت (یعنی در میدان جهاد بود) شنیدم که می‌گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دروازه‌های بهشت زیر سایه‌ی شمشیرها هستند»، مردی زنده‌پوش بلند شد و گفت: ای ابوموسی! تو از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدی چنین بگوید؟ گفت: بله، سپس مرد به سوی یارانش برگشت و گفت: بر شما سلام گویم (خداحافظی کرد)! بعد غلاف شمشیرش را شکست و آن را به دور انداخت و با شمشیر کشیده به طرف دشمن حمله نمود و با آن جنگ کرد تا به شهادت رسید^۲.

۷۵۷- وَعَنْ أَبِي عَيْسٍ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جَبْرِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا اغْبَرَّتْ قَدَمَا عَبْدٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَمَسَّهُ النَّارُ». رواه البخاري.

۷۵۷. از ابو عیسی عبد الرحمن بن جبر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «پاهای هر بنده‌ای که در راه خدا غبارآلود شود، یقیناً آتش آن را لمس نمی‌کند».

۷۵۸- وَعَنْ أَنَسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ فَتًى مِنْ أَسْلَمَ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أُرِيدُ الْغَزَا وَلَيْسَ مَعِيَ مَا أَتَجَهَّزُ بِهِ، قَالَ: «أَنْتَ فُلَانٌ فَإِنَّهُ قَدْ كَانَ تَجَهَّزَ فَمَرَضَ» فَأَتَاهُ، فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ، وَيَقُولُ: أَعْطِنِي الَّذِي تَجَهَّزْتَ بِهِ. قَالَ: يَا فُلَانَةُ، أَعْطِنِي

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۲۷۹۰].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۰۲].

الَّذِي كُنْتُ تَجَهَّزْتُ بِهِ، وَلَا تَحْسِبِي عَنْهُ شَيْئاً، فَوَاللَّهِ لَا تَحْسِبِي مِنْهُ شَيْئاً فَيُبَارِكَ لَكَ فِيهِ. رواه مسلم.

۷۵۸. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که جوانی از قبیله‌ی «اسلم» به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت: ای رسول خدا! من می‌خواهم جهاد کنم، ولی ساز و برگ جنگ ندارم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «نزد فلان کس برو که او ساز و برگ جنگی را آماده کرد (و خواست به جهاد بیاید)، ولی بیمار شد». و جوان، نزد آن مرد رفت و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تو سلام رساند و فرمودند: وسایلی که خود را با آن مسلح کرده بودی و آماده‌ی جهاد کرده بودی به من بده، آن مرد به زنش گفت: ساز و برگ مرا به او بده و چیزی از آن را پیش خودت باقی نگذار که به خدا سوگند، اگر چیزی از آن را (نزد خودت) نگه داری، آن چیز برایت برکتی نخواهد داشت^۱.

۷۵۹- وَعَنْ أَنَسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا أَحَدٌ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يُحِبُّ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الدُّنْيَا وَلَهُ مَا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا الشَّهِيدُ، يَتَمَنَّى أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الدُّنْيَا، فَيُقْتَلَ عَشْرَ مَرَّاتٍ، لِمَا يَرَى مِنَ الْكَرَامَةِ». وفي رواية: «لِمَا يَرَى مِنَ فَضْلِ الشَّهَادَةِ». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۷۵۹. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هیچ کس نیست که بعد از ورود به بهشت، دوست داشته باشد که به دنیا بازگردد، با وجود آن که هرچه در دنیاست، مال او باشد، جز شهید که آرزو می‌کند به دنیا بازگردد و ده مرتبه کشته شود، به سبب آن‌چه که از کرامت و بزرگی نعمت و پاداش می‌بیند».

در روایتی دیگر آمده است: «به واسطه‌ی آن‌چه از فضیلت شهادت می‌بیند»^۲.

۷۶۰- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَغْفِرُ اللَّهُ لِلشَّهِيدِ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا الدِّينَ» رواه مسلم.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸۹۴)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۸۱۷)]، م (۱۸۷۷)].

۷۶۰. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «تمام گناهان شهید، جز قرض (او)، بخشیده می شود»^۱.

۷۶۱- وَعَنْ سَمُرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «رَأَيْتُ اللَّيْلَةَ رَجُلَيْنِ أَتْيَانِي، فَصَعِدَا بِي الشَّجَرَةَ، فَأَذْخَلَانِي دَارًا هِيَ أَحْسَنُ وَأَفْضَلُ، لَمْ أَرْ قَطُّ أَحْسَنَ مِنْهَا، قَالَا: أَمَّا هَذِهِ الدَّارُ فَدَارُ الشُّهَدَاءِ». رواه البخاري.

۷۶۱. از سمره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «امشب در رؤیا دو مرد را دیدم که پیش من آمدند و مرا از درخت بالا بردند و پس از آن مرا به خانه‌ای داخل کردند که بسیار زیاد و بهتر (از هر جای دیگری) بود و هرگز از آن زیباتر ندیده‌ام، گفتند: این خانه، خانه‌ی شهیدان است»^۲.

۷۶۲- وعن سهل بن سعد رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ثَنَانٍ لَا تُرَدَّانِ، أَوْ قَلَمًا تُرَدَّانِ: الدُّعَاءُ عِنْدَ النَّدَاءِ وَعِنْدَ الْبَأْسِ حِينَ يُلْحِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۷۶۲. از سهل بن سعد - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو دعا، رد نمی شود - یا: خیلی کم رد می شود: دعا در موقع اذان و دعا در وقت جنگ، هنگامی که لشکریان به هم می ریزند و جنگ در اوج خودش است»^۳.

۷۶۳- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا غَزَا قَالَ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضْدِي وَنَصِيرِي، بِكَ أَجُولُ، وَبِكَ أَصُولُ، وَبِكَ أَقَاتِلُ» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن.

۷۶۳. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هر وقت جهاد می کرد، می فرمودند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضْدِي وَنَصِيرِي، بِكَ أَجُولُ، وَبِكَ أَصُولُ، وَبِكَ أَقَاتِلُ»:

۱- مسلم روایت کرده است، [۱۸۸۶].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۱۳۸۶].

۳- ابوداود [۲۵۴۰] به اسناد صحیح روایت کرده است.

خداوندا! تو مددگار و یاری دهنده‌ی منی، به کمک تو حرکت نموده و به یاری تو بر دشمن حمله می‌کنم و به قدرت تو می‌جنگم»^۱.

۷۶۴- وعن ابن عمر، رضي الله عنهما، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْخَيْلُ مَعْقُودٌ فِي نَوَاصِيهَا الْخَيْرُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» متفقٌ عليه.

۷۶۴. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «خیر و برکت تا قیامت بر پیشانی اسبان بسته شده است»^۲.

۷۶۵- وعن عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ الْجُهَنِيِّ، رضي الله عنه، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ عَلَى الْمَنْبَرِ، يَقُولُ: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»، أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمْيَ، أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمْيَ، أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمْيَ» رواه مسلم.

۷۶۵. از عقبه بن عامر جهنی -رضی الله عنه- روایت شده است که فرمود: از پیامبر ﷺ - در حالی که بالای منبر بود - شنیدم که می‌فرمودند: «(در آیه‌ی ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید!». بدانید که نیرو، تیراندازی است، نیرو، تیراندازی است، نیرو، تیراندازی است»^۳.

۷۶۶- وَعَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «سَتُفْتَحُ عَلَيْكُمْ أَرْضُونَ، وَيَكْفِيكُمْ اللَّهُ، فَلَا يَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يُلْهُوَ بِأَسْهُمِهِ» رواه مسلم.

۷۶۶. از عقبه بن عامر جهنی -رضی الله عنه- روایت شده است که فرمود: از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمودند: «به زودی سرزمین‌هایی برای شما فتح می‌شود و خداوند

۱- ابوداود [۲۶۳۲] و ترمذی [۳۵۷۸] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۸۴۹)، م (۱۸۷۱)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۹۱۷)].

شما را کفایت خواهد کرد و کافی است، پس هیچ‌کدام از شما هم نباید در تمرین کردن با تیرهای خود سستی کند و دست بردارد»^۱.

۷۶۷- وَغْنَهُ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ عَلَّمَ الرَّمِيَّ ثُمَّ تَرَكَهُ، فَلَيْسَ مِنَّا، أَوْ فَقَدْ عَصَى» رواه مسلم.

۷۶۷. از عقبه بن عامر جهنی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که تیراندازی یاد بگیرد و بعد آن را ترک کند، از ما نیست - یا: گناه و نافرمانی کرده است»^۲.

۷۶۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ، وَلَمْ يُحَدِّثْ نَفْسَهُ بِغَزْوٍ، مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنَ النِّفَاقِ» رواه مسلم.

۷۶۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس بمیرد در حالی که جهاد نکرده و یا در دل قصد یا آرزوی جهاد نکرده است؛ بر خصلتی از خصلتهای نفاق مرده است»^۳.

۷۶۹- وَعَنْ أَنَسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «جَاهِدُوا الْمُشْرِكِينَ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَلْسِنَتِكُمْ». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۷۶۹. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «با مال‌ها و جان‌ها و زبان‌های خود، با مشرکان جهاد کنید»^۴.

۷۷۰- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْحَرْبُ خُدْعَةٌ» متفق عليه.

۷۷۰. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «جنگ، خدعه و نیرنگ است»^۵.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۱۸].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۱۹].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۱۰].

۴- ابوداود [۲۵۰۴] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۵- متفق علیه است؛ [خ (۳۰۲۹)، م (۱۷۳۹)].

۲۲۸- باب بیان جماعه من الشهداء فی ثواب الآخرة ویغسلون ویُصلّی علیهم بخلاف القتل فی حرب الکفار

باب بیان گروهی از مردگان و کشتگان که در آخرت، ثواب شهید را دارند ولی باید شسته شوند و بر جنازه‌ی آنها نماز خوانده شود، برخلاف شهید در جنگ با کفار

۷۷۱- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الشُّهَدَاءُ خَمْسَةٌ: الْمَطْعُونُ، وَالْمَبْطُونُ، وَالْغَرِيقُ، وَصَاحِبُ الْهَدْمِ، وَالشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» متفقٌ عليه.

۷۷۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شهیدان پنج نوع هستند: (۱) کسی که به طاعون و وبا فوت کرده است؛ (۲) کسی که به بیماری شکم فوت کند؛ (۳) کسی که در آب غرق شود؛ (۴) کسی که زیر آوار بماند؛ (۵) شهید در راه خدا^۱.

۷۷۲- وَعَنْ سَعِيدِ بْنِ زَيْدٍ بْنِ عمرو بن نفيل، - أَحَدِ الْعَشْرَةِ الْمَشْهُودِ لَهُمْ بِالْجَنَّةِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ-، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ». رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ.

۷۷۲. از سعید بن زید بن عمرو بن نفیل، یکی از «عشره‌ی مبشره» - رضی الله عنهم - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «کسی که در راه دفاع از مالش کشته شود، شهید است و آن که در راه دفاع از جان و خونش کشته شود، شهید است و آن که در راه دفاع از دینش کشته شود، شهید است و هر کس در راه دفاع از خانواده‌اش کشته شود، شهید است»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۸۲۹)، م (۱۹۱۴)].

۲- ابوداود [۴۷۷۲] و ترمذی [۱۴۲۱] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲۲۹- باب فضل العتق
باب فضیلت آزاد کردن برده

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَلَا أَقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۖ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ۖ فَكُ رَقَبَةً ۖ ﴾

(البلد / ۱۱-۱۳)

«و او در آن گذرگاه سخت قدم ننهاد. * و تو چه دانی که گذرگاه سخت چیست؟ * آزاد کردن بنده است».

۷۷۳- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً مُسْلِمَةً أَعْتَقَ اللَّهُ بِكُلِّ غُضُوٍّ مِنْهُ غُضُوًّا مِنْهُ مِنَ النَّارِ حَتَّىٰ فَرَجَهُ بِفَرَجِهِ». متفقٌ عليه.

۷۷۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمودند: «کسی که برده یا کنیز مسلمانی را از قید بردگی آزاد کند، خداوند در مقابل هر عضو از آن برده یا کنیز، عضوی از شخص آزادکننده را از آتش دوزخ آزاد می‌کند، حتی عضو تناسلی او را در مقابل عضو تناسلی برده و کنیز آزاد می‌نماید»^۱.

۲۳۰- باب فضل الإحسان إلى المملوك
باب فضیلت احسان با بردگان و خادمان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۖ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۖ ﴾

(النساء / ۳۶)

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۷۱۵)، م (۱۵۰۹)].

«(تنها) خداوند را عبادت کنید و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، درماندگان و بیچارگان، همسایگان خویشاوند و غیر خویشاوند، دوست نزدیک، در راه ماندگان، بندگان و کنیزان، نیکی کنید».

۷۷۴- وعن المَعْرُورِ بْنِ سُؤَيْدٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا ذَرٍّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَعَلَيْهِ خُلَّةٌ، وَعَلَى غُلَامِهِ مِثْلُهَا، فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ، فَذَكَرَ أَنَّهُ سَابَّ رَجُلًا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَعَيَّرَهُ بِأَمِّهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّكَ أَمْرُؤٌ فِينِكَ جَاهِلِيَّةٌ»: هُمْ إِخْوَانُكُمْ، وَخَوَلُكُمْ، جَعَلَهُمُ اللَّهُ تَحْتَ أَيْدِيكُمْ، فَمَنْ كَانَ أَخُوهُ تَحْتَ يَدِهِ؛ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ، وَلْيَلْبِسْهُ مِمَّا يَلْبَسُ، وَلَا تُكَلِّفُوهُمْ مَا يَغْلِبُهُمْ، فَإِنْ كَلَّفْتُمُوهُمْ فَأَعِينُوهُمْ»، متفقٌ عليه.

۷۷۴. از معرور بن سوید روایت شده است که فرمود: ابوذر - رضی الله عنه - را دیدم که حله‌ای (جامه‌ای) پوشیده بود و غلامش نیز مثل آن را به تن داشت، علت آن را از او پرسیدم، در جواب گفت: در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به مردی دشنام دادم، در مورد مادرش او را نسبت عار دادم، (و گفتم: ای پسر زن سیاه!) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «تو مردی هستی که جاهلیتی در تو هست، بردگان، برادران و خدمتکاران شما هستند که خداوند آنان را زیر دست شما قرار داده است، و هرکس برادرش زیر دست او باشد، باید از آنچه خود می‌خورد، به او بخوراند و از آنچه خود می‌پوشد به او بپوشاند و ایشان را به کاری که نتوانند انجام دهند مجبور نکنید، و اگر ایشان را مجبور کردید، خود در انجام دادن آن به آنان کمک کنید»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۵۴۵)، م (۱۶۶۱)].

۲۳۱- باب فضل العبادة في الهرج وهو الاختلاط والفتن ونحوها
باب فضیلت عبادت در هنگام هرج و مرج و آن،
آشفتگی و ظهور فتنه‌ها و مانند آنهاست

۷۷۵- عَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْعِبَادَةُ فِي الْهَرْجِ كَهَجْرَةِ إِلَيَّ» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۷۷۵. از معقل به یسار - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «عبادت در زمان هرج و مرج و آشفتگی اوضاع، مانند هجرت به سوی من است»^۱.

۲۳۲- باب فضل السَّماحةِ في البيع والشراء والأخذ والعطاء، وحسن القضاء والتقاضى، وإرجاح المكيال والميزان، والنَّهْيُ عن التَّطْفِيفِ، وفضل إنظار الموسر والمُعسر والوضع عنه

باب فضیلت بخشش و آسانگیری در معامله و داد و ستد و خوب ادا نمودن و خوب طلب مال کردن و سنگین وزن کردن و پیمانه نمودن و نهی از کم‌فروشی و فضیلت مهلت دادن ثروتمند به تنگدست در پرداختن قرض و گذشت از قرض او

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (البقرة / ۲۱۵)

«هر کار نیکی که انجام دهید، قطعاً خداوند بدان آگاه است».

وَقَالَ تَعَالَى:

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۹۴۸].

﴿ وَيَقْوَمُ أَوْفُوا أَلْمَكِّيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ۚ وَلَا تَبْخُسُوا أَلْنَاسَ

أَشْيَاءَهُمْ ﴾

(هود / ۸۵)

«(شعیب علیه السلام به قومش گفت): ای قوم من! پیمانه و ترازو را از روی عدل و داد، به تمام و کمال بسنجید و بپردازید و از چیزهای مردم نکاهید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ وَيَلُّ لِّلْمُطَفِّفِينَ ۚ ۝۱۱۱ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ۝۱۱۲ وَإِذَا

كَالَوْهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ۝۱۱۳ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ۝۱۱۴ لِيَوْمٍ

عَظِيمٍ ۝۱۱۵ يَوْمَ يَقُومُ أَلْنَّاسُ لِرَبِّ أَلْعَالَمِينَ ﴾

(المطففين / ۱-۶)

«وای به حال کاهندگان و کم‌فروشان! کسانی که وقتی برای خود پیمانه می زنند، به تمام و کمال و افزون بر اندازه‌ی لازم دریافت می‌دارند و هنگامی که برای دیگران پیمانه می زنند یا وزن می‌کنند، از اندازه‌ی لازم می‌کاهند. آیا اینان گمان نمی‌برند که دوباره زنده می‌گردند، در روزی بسیار بزرگ و هولناک، همان روزی که مردمان در پیشگاه پروردگار جهانیان برپا می‌ایستند».

۷۷۶- وَعَنْ جَابِرٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا سَمَحًا إِذَا بَاعَ، وَإِذَا اشْتَرَى، وَإِذَا اقْتَضَى». رواه البخاري.

۷۷۶. از جابر رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «خداوند مردی را رحمت کند که هنگام خرید و فروش و پرداخت و دریافت، گشاده‌رو و دارای وسعت نظر است»^۱.

۷۷۷- وَعَنْ أَبِي قَتَادَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنَجِّيهُ اللَّهُ مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَلْيَنْفَسْ عَنْ مُعْسِرٍ أَوْ يَضَعْ عَنْهُ» رواه مسلم.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۰۷۶)].

۷۷۷. از ابوقتاده - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هرکس دوست دارد خداوند او را از زحمت‌ها و اندوه‌های روز قیامت برهاند، در دریافت قرض، از بدهکار تنگدست، به او مهلت داده یا (از همه یا قسمتی) از آن صرف‌نظر کند»^۱.

۷۷۸- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «كَانَ رَجُلٌ يُدَايِنُ النَّاسَ، وَكَانَ يَقُولُ لِفَتَاهُ: إِذَا أَتَيْتَ مُعْسِرًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ، لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنَّا، فَلَقِيَ اللَّهَ فَتَجَاوَزَ عَنْهُ» متفق عليه.

۷۷۸. از ابوهریره رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردی بود که به مردم قرض می‌داد و معمولاً به غلامش می‌گفت: وقتی برای مطالبه‌ی قرض نزد تنگدستی می‌روی، از او درگذر و صرف‌نظر کن، شاید خداوند (گناهان ما را ببخشد و) از ما درگذرد، سپس آن شخص فوت کرد و خداوند از تقصیر او گذشت»^۲.

۷۷۹- وعن أبي مسعود البدری، رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «حُوسِبَ رَجُلٌ مِمَّنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَلَمْ يُوْجَدْ لَهُ مِنَ الْخَيْرِ شَيْءٌ، إِلَّا أَنَّهُ كَانَ يَخَالِطُ النَّاسَ، وَكَانَ مُوسِرًا، وَكَانَ يَأْمُرُ غُلَامَانَهُ أَنْ يَتَجَاوَزُوا عَنِ الْمُعْسِرِ. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «نَحْنُ أَحَقُّ بِذَلِكَ مِنْهُ، تَجَاوَزُوا عَنْهُ» رواه مسلم.

۷۷۹. از ابومسعود بدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «یک نفر از کسانی که قبل از شما بودند پس از فوت، (اعمالش) مورد محاسبه قرار گرفت و هیچ کار خیری در اعمالش نبود، جز آن‌که او از راه تجارت و قرض دادن با مردم معاشرت داشت و او ثروتمند بود و معمولاً به بردگانش امر می‌کرد که حال تنگدستان را رعایت و در مطالبه‌ی قرض از آنها صرف‌نظر کنند؛ خداوند (پس از

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۵۶۳)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۰۷۸)، م (۱۵۶۲)].

فوت او) فرمودند: «ای فرشتگان! ما به این کار از او سزاوارتر هستیم، از او صرف نظر کنید»^۱.

۷۸۰- وعن جابر، رضي الله عنه، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اشْتَرَى مِنْهُ بَعِيرًا، فَوَزَنَ لَهُ، فَأَرْجَحَ. متفق عليه.

۷۸۰. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از او شتری خرید و (پول) آن را برایش وزن کرد و بیشتر از قیمتش را به او پرداخت نمود^۲.

۷۸۱- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا أَوْ وَضَعَ لَهُ، أَظْلَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ». رواه الترمذی وقال: حديث حسن صحيح.

۷۸۱- از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس که به بدهکار تنگدست مهلت دهد یا قرض خود را به او ببخشد، خداوند در آن روز که هیچ سایه و پناهی جز سایه‌ی عرش او نیست، او را در زیر سایه‌ی عرش خود قرار می‌دهد»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۵۶۱].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۰۹۷)، م (۷۱۵)].

۳- ترمذی [۱۳۰۶] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

بخش سیزدهم

کتاب علم

۱۳- کتاب العلم

۲۳۳- بابُ فضل العلم تعلّمًا وتعلیمًا لله

باب فضیلت تعلیم و تعلّم برای خدا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴾ (طه / ۱۱۴)

«ای پیامبر ﷺ! بگو: پروردگارا! بر دانشم بیفز!».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴾

(الزمر / ۹)

«ای پیامبر ﷺ! بگو: آیا کسانی که معرفت و دانش دارند و

کسانی که بی بهره از معرفت و دانش اند، یکسانند؟».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ﴾

(المجادلة / ۱۱)

«خداوند، کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی را که بهره ای

از علم یافته اند، به درجات والایی رفعت می بخشد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا خَشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ﴾ (فاطر / ۲۸)

«تنها بندگان دانا و عالم، از خدا ترس آمیخته با تعظیم و تقوا دارند».

۷۸۲- وَعَنْ مُعَاوِيَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ

بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ» متفقٌ عليه.

۷۸۲. از معاویه - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند نسبت به هر کس اراده‌ی خیری داشته باشد، او را در دین عالم می‌گرداند»^۱.

۷۸۳- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص، رضي الله عنهما، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً، وَحَدِّثُوا عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا حَرَجَ، وَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» رواه البخاري.

۷۸۳. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از من نقل و تبلیغ کنید و به مردم برسانید حتی اگر یک آیه هم باشد، و از بنی اسرائیل هم (آنچه را درست می‌دانید) نقل کنید و گناهی ندارد و هر کس عمداً دروغی بر من ببندد، باید جایگاهش را از دوزخ آماده کند»^۲.

۷۸۴- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا، سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ» رواه مسلم.

۷۸۴. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس راهی را برای جستجوی علم در پیش بگیرد، خداوند با آن راهی به سوی بهشت، برای او هموار می‌نماید»^۳.

۷۸۵- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ» رواه مسلم.

۷۸۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی انسان بمیرد، ثواب عمل او (جز از سه مورد) قطع می‌شود: (۱) صدقه‌ای جاریه و

۱- متفق علیه است؛ [خ (۷۱)، م (۱۰۳۷)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۳۴۶۱)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۹۹)].

همیشگی؛ (۲) علمی که از آن بهره گرفته شود؛ (۳) فرزند صالحی که برای او دعای خیر کند»^۱.

۷۸۶- وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «فَضَّلُ الْعَالَمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِي عَلَى أَذْنَاكُمْ» ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَهْلَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَتَّى النَّمْلَةِ فِي جُحُورِهَا وَحَتَّى الْحُوتِ لِيُصَلُّوا عَلَى مُعَلِّمِي النَّاسِ الْخَيْرِ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۷۸۶. از ابوامامه - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برتری عالم بر عابد، مانند برتری من بر پایین‌ترین و کم‌ترین شماست» و سپس فرمودند: «خدا و فرشتگان او و ساکنان آسمان و زمین، حتی مورچه در سوراخ خود و حتی ماهی، بر آموزنده‌ی خیر و معلم نیکی به مردم، صلوات می‌فرستند و دعای خیر می‌کنند»^۲.

۷۸۷- وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «نَصَّرَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ مَنَّا شَيْئاً، فَبَلَّغَهُ كَمَا سَمِعَهُ، قَرَبَ مَبْلَغٍ أَوْعَى مِنْ سَامِعٍ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۷۸۷. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «خداوند شاد کند کسی را که از ما چیزی شنید و هم‌چنان که شنیده، تبلیغ کرد و چه بسا کسی که به او تبلیغ می‌شود، از شنونده آگاه‌تر و نگهدارنده‌تر به مقاصد ارزشمند معانی باشد»^۳.

۷۸۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ فَكْتَمَهُ، أُلْجِمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ». رواه أبو داود والترمذي، وقال: حديث حسن.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۶۳۱].

۲- ترمذی [۲۶۸۶] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۳- ترمذی [۲۶۵۹] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۷۸۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس از او سؤالی از علم (دین) بشود و او جواب آن را بپوشاند (و بداند و نگوید)، روز قیامت، به لگامی از آتش، لگام خواهد شد»^۱.

۷۸۹- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِمَّا يُتَّبَعُ بِهِ وَجْهُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَا يَتَعَلَّمُهُ إِلَّا لِيُصِيبَ بِهِ عَرَضًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ عَرَفَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» يَعْنِي: رِيحَهَا، رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۷۸۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که تنها برای آن که از مال دنیا بهره‌ای بیابد، علمی از علوم را که رضای خداوند عزوجل در آنها طلب می‌شود، بیاموزد، بوی بهشت را در روز قیامت نمی‌یابد»^۲.

۷۹۰- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عمرو بن العاص رضي الله عنهما قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبِضُ الْعِلْمَ انْتِزَاعًا يَنْتَزِعُهُ مِنَ النَّاسِ، وَلَكِنْ يَقْبِضُ الْعِلْمَ بَقْبِضِ الْعُلَمَاءِ حَتَّى إِذَا لَمْ يَبْقَ عَالِمًا، اتَّخَذَ النَّاسُ رُؤُوسًا جُهَالًا فَسُئِلُوا، فَأَفْتَوْا بِغَيْرِ عِلْمٍ، فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا» متفق عليه.

۷۹۰. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «خداوند علم را با برچیدن آن از میان مردم نمی‌گیرد، بلکه با گرفتن (و مرگ) علما، علم را می‌گیرد و برمی‌چیند، تا آن‌گاه که عالمی را باقی نمی‌گذارد و مردم، رؤسای جاهلی برمی‌گیرند که از ایشان سؤال می‌شود و آنان بدون آگاهی فتوا می‌دهند، خود گمراهند و دیگران را نیز گمراه می‌کنند»^۳.

(به حدیث شماره: ۱۲۰ و ۳۳۱ مراجعه شود).

۱- ابوداود [۳۶۵۸] و ترمذی [۲۶۵۱] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- ابوداود [۳۶۶۴] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۳- متفق علیه است؛ [خ (۱۰۰)، م (۲۶۷۳)].

بخش چهاردهم

کتاب سپاس و ستایش و

شکر خداوند متعال

۱۴- کتاب حمد الله تعالى وشكره

۲۴۲- باب وجوب الشكر

باب در لازم بودن شكر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ﴾ (البقرة / ۱۵۲)

«پس مرا یاد کنید تا من نیز شما را یاد کنم، و از من سپاسگزاری کنید و مرا ناسپاسی نکنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾ (ابراهيم / ۷)

«اگر سپاسگزاری کنید، هر آینه (نعمت‌های خود را) برایتان افزایش می‌دهم».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾ (الإسراء / ۱۱۱)

«بگو: سپاس و ستایش، سزاوار خداوند یکتاست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (يونس / ۱۰)

«پایان‌بخش دعای ایشان (مؤمنان در بهشت این است که) شكر و سپاس و ستایش، پروردگار جهانیان را سزااست».

۷۹۱- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ فَهُوَ أَقْطَعُ» حديث حسن، رواه أبو داود وغيره.

۷۹۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کار مهمی که با الحمدالله شروع نشود، آن کار بدون عاقبت و برکت است»^۱.

۷۹۲- وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا مَاتَ وَلَدُ الْعَبْدِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: قَبَضْتُمْ وَلَدَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: قَبَضْتُمْ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: فَمَاذَا قَالَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: حَمْدَكَ وَاسْتَرْجَعَ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: ابْنُوا لِعَبْدِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، وَسَمُّوهُ بَيْتَ الْحَمْدِ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۷۹۲. از ابوموسی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه فرزند بنده (ی مؤمن) می میرد، خداوند به فرشتگان خود می فرماید: جان فرزند بنده ی مرا گرفتید؟ می گویند: بله، می فرماید: ثمره ی دل او را گرفتید؟ عرض می کنند: بله، می فرماید: و بنده ی من چه گفت؟! عرض می کنند: سپاس و ستایش تو را به جای آورد و گفت: (إنا لله وإنا إليه راجعون) (ما از خدایم و به سوی او باز می گردیم)، سپس خداوند متعال می فرماید: برای بنده ی من خانه ای در بهشت بنا کنید و نام آن را خانه ی سپاس و ستایش (بیت الحمد) بگذارید»^۲.
(به حدیث شماره: ۹۲ مراجعه شود).

۱- حدیثی حسن است که ابوداود [۴۸۴۰] و غیر او روایت کرده اند.

۲- ترمذی [۱۰۲۱] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

بخش پانزدهم

کتاب صلوات بر پیامبر خدا ﷺ والروسة

۱۵- کتاب الصلاة على رسول الله صلى الله عليه وسلم

۲۳۵. باب الأمر بالصلاة عليه وفضلها وبعض صيغها

باب امر به درود فرستادن بر رسول الله و فضیلت آن و
بعضی از صیغه‌های آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ
وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (الأحزاب / ۵۶)

«خداوند و فرشتگان بر پیامبر صلوات و درود می‌فرستند، پس ای
کسانی که ایمان آورده‌اید! شما نیز بر او صلوات و درود بفرستید».

۷۹۳- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص، رضي الله عنهما أنه سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا» رواه مسلم.

۷۹۳. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضي الله عنه - روایت شده است که وی از
پیامبر ﷺ شنید که می‌فرمودند: «هرکس بر من درودی بفرستد، خداوند به سبب آن
ده مرتبه بر او درود می‌فرستد»^۱.

۷۹۴- وعن أوس بن أوس، رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ
مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَكَثِّرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ، فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ»
فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَكَيْفَ تُعْرَضُ صَلَاتُنَا عَلَيْكَ وَقَدْ أَرَمْتَ؟! قَالَ: - يَقُولُ: بَلِيَّتْ، قَالَ:
«إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ». رواه أبو داود بإسنادٍ صحيح.

۷۹۴. از اوس بن اوس - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «از
برترین و بزرگ‌ترین روزهای شما، روز جمعه است؛ پس در آن روز بر من زیاد
درود بفرستید، زیرا صلوات و درودهای شما بر من عرضه می‌شود»، گفتند: ای

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۳۸۴].

رسول خدا! چگونه درود ما بر تو عرضه می‌شود در حالی که بدن تو فرسوده شده است؟! فرمودند: «خداوند عزوجل، اجساد پیامبران را بر زمین حرام کرده است، (اجساد پیامبران سالم می‌ماند)»^۱.

۷۹۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرْتُ عَنْدهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۷۹۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بینی آن کسی به خاک مالیده باد که نام مرا نزد او ببرند و بر من درود نفرستد!»^۲.

۷۹۶- وعنه رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عَيْدًا، وَصَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۷۹۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «قبر مرا محل عید و جای مراجعه و ازدحام قرار ندهید، بلکه بر من درود بفرستید که هرکجا باشید درودهای شما به من می‌رسد»^۳.

۷۹۷- وعن كعب بن عُجرة، رضي الله عنه، قال: خَرَجَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَدْ عَلِمْنَا كَيْفَ نُسَلِّمُ عَلَيْكَ، فَكَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ؟ قَالَ: «قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». متفق عليه.

۷۹۷. از کعب بن عجره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ما تشریف آورد، گفتیم: ای رسول خدا! می‌دانیم چگونه بر تو سلام بفرستیم، اما چگونه بر تو صلوات بفرستیم؟ فرمودند: «بگویید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ

۱- ابوداود [۱۰۴۷] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲- ترمذی [۳۵۳۹] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۳- ابوداود [۲۰۴۲] به اسناد صحیح روایت کرده است.

مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ: خدایا! بر محمد و آل محمد درود بفرست، چنان که بر آل ابراهیم درود فرستادی که تو ستایش شده و بزرگواری؛ خداوندا! به محمد و آل محمد برکت عطا کن هم چنان که به آل ابراهیم برکت عطا کردی که به راستی تو ستوده و بزرگوار هستی»^۱.

۷۹۸- وَعَنْ أَبِي حُمَيْدٍ السَّاعِدِيِّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ؟ قَالَ: «قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَبَارَكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» متفق عليه.

۷۹۸. از ابو حمید ساعدی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: صحابه گفتند: ای رسول خدا! چگونه بر تو صلوات بفرستیم؟ فرمودند: «بگویید: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَبَارَكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ: خدایا! بر محمد و همسران و نواده‌های او درود بفرست چنان که بر آل ابراهیم درود فرستادی، و به محمد و همسران و نواده‌های او برکت ده همان گونه که به آل ابراهیم برکت دادی که همانا تو ستوده و بزرگواری»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۴۷۹۷)، م (۴۰۶)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۳۳۶۹)، م (۴۰۷)].

بخش شانزدهم

کتاب اذکار

۱۶- کتاب الأذکار

۲۳۶- باب فضل الذکر والحثّ علیه

باب فضیلت ذکر و تشویق بر آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾

(العنکبوت / ۴۵)

«قطعاً ذکر و یاد خداوند (از هر چیز دیگری) والاتر و بزرگ‌تر است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾

(البقرة / ۱۵۲)

«مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ

(الأعراف / ۲۰۵)

وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ﴾

«پروردگارت را در دل خود، با فروتنی و هراس و آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان یاد کن و از زمره‌ی غافلان نباش».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

(الجمعة / ۱۰)

«خدا را بسیار یاد کنید، تا شاید رستگار شوید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ... وَالذَّكِرِينَ وَاللَّهُ كَثِيرًا وَالذَّكِرَاتِ

(الأحزاب / ۳۵)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾

«مردان مسلمان و زنان مسلمان ... مردانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند و زنانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند، خداوند برای همه‌ی آنان آمرزش و پاداش بزرگی را فراهم ساخته است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَتْلُوهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللّٰهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ۝ وَسَبِّحُوْهُ بُكْرَةً وَّاَصِيْلًا﴾

(الأحزاب / ۴۱-۴۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیار خدای را یاد کنید و بامدادان و

شامگاهان به تسبیح و تقدیس او بپردازید».

آیات در این مورد فراوان و معلوم هستند.

۷۹۹- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». متفقٌ عليه.

۷۹۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو کلمه هستند که بر زبان سبک و در ترازوی اعمال سنگین و نزد خداوند محبوب می‌باشند: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ: سپاس و ستایش خداوند پاک و منزّه را به جای می‌آورم و خداوند با عظمت را به پاکی یاد می‌کنم»^۱.

۸۰۰- وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَتْ لَهُ عَدَلُ عَشْرِ رِقَابٍ وَكُتِبَتْ لَهُ مِائَةُ حَسَنَةٍ، وَمُحِيتَ عَنْهُ مِائَةُ سَيِّئَةٍ، وَكَانَتْ لَهُ حِرْزًا مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهُ ذَلِكَ حَتَّى يُمْسِيَ، وَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلَّا رَجُلٌ عَمِلَ أَكْثَرَ مِنْهُ. وَقَالَ: «مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ، حُطَّتْ خَطَايَاهُ، وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». متفقٌ عليه.

۸۰۰. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس در هر روز صدبار این دعا را بخواند: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: هیچ معبودی جز الله نیست که تنها و بی‌شریک است، پادشاهی و سپاس و ستایش سزاوار او و از آن اوست و او بر هر چیزی و هر کاری

۱- متفقٌ عليه است؛ [خ (۶۶۸۲)، م (۲۶۹۴)].

تواناست»، ثوابش برای او معادل ثواب آزاد کردن ده برده است و برای او صد کار نیک نوشته و صد گناه از او پاک می‌گردد و آن روز تا غروب از شر شیطان محفوظ و در امان است، و هیچ کس کاری بهتر از آن نکرده، مگر آن کس که بیشتر از او عمل کرده باشد». و نیز فرمودند: «هرکس در روز، صد مرتبه بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ: پاک و منزّه از هر عیبی خدای یکتاست و من او را سپاس و ستایش می‌کنم»، گناهان او پاک می‌شوند، اگرچه به اندازه‌ی کف دریاها (زیاد) باشد.^۱

۸۰۱- وَعَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: عَلَّمَنِي كَلَامًا أَقُولُهُ. قَالَ: قُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ كِبَرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ. قَالَ: فَهَؤُلَاءِ لِرَبِّي، فَمَا لِي؟ قَالَ: «قُلْ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي، وَارْزُقْنِي». رواه مسلم.

۸۰۱. از سعد ابن ابی وقاص - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: شخص اعرابی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: سخنی به من یاد بده که آن را بگویم، فرمودند: «بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ كِبَرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ: هیچ خدایی جز الله نیست که تنها و بی‌شریک است، خداوندی که از هر بزرگی، بزرگ‌تر است، و سپاس و ستایش فراوان سزاوار او و از آن اوست، و پاک و منزّه است پروردگار جهانیان، و هیچ‌کس را هیچ نیرویی برای انجام هیچ عملی نیست جز به اراده و امر خداوند بزرگ و حکیم»، آن مرد گفت: این‌ها برای خدای من است، برای خودم چه؟ فرمودند: «بگو: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي، وَارْزُقْنِي: بارخدایا! مرا بیامرزد و بر من ببخشای و مرا هدایت نما و روزی عطا فرما».^۲

۸۰۲- وَعَنْ ثَوْبَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا، وَقَالَ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ

۱- متفق علیه است: [خ (۶۴۰۳)، م (۲۶۹۱)].

۲- مسلم روایت کرده است: [(۲۶۹۶)].

والإكرام» قِيلَ لِلأَوْزَاعِيِّ وَهُوَ أَحَدُ رُوَاةِ الْحَدِيثِ: كَيْفَ الاسْتِغْفَارُ؟ قَالَ: تَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. رواه مسلم.

۸۰۲. از «ثوبان» - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه از نماز سلام می‌داد، سه مرتبه استغفار نموده، می‌فرمودند: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ! خداوند! سلام (دهنده و گیرنده‌ی سلامت و آسایش) تو هستی و سلامت و آسایش از توست، تو با عظمتی و صفات جلال و جمالت بسیارند، ای دارای عظمت و بخشش! به «اوزاعی» - که از راویان حدیث است - گفته شد: استغفار چگونه است؟ «جواب داد: می‌گویی: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ: از خداوند طلب بخشش می‌کنم»^۱.

۸۰۳- وَعَنْ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا فَرَّغَ مِنَ الصَّلَاةِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ» متفق عليه.

۸۰۳. از مغیره بن شعبه - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که از نماز فارغ می‌شد و سلام می‌داد، می‌فرمودند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ: هیچ خدایی جز الله نیست که تنها و بی‌شریک است و پادشاهی و سپاس و ستایش سزاوار او و از آن اوست و او بر همه چیز تواناست؛ خدایا! آنچه را که عطا کنی هیچ کسی نمی‌تواند رد کند یا جلو آن را بگیرد و آنچه را که منع می‌کنی هیچ کسی نمی‌تواند عطا کند و ثروت ثروتمند، به او نفعی نمی‌رساند (اگر خدا نخواهد)»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۹۱)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۸۴۴)، م (۵۹۳)].

۸۰۴- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُمَا أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ ذُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ، حِينَ يُسَلِّمُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» قَالَ ابْنُ الزُّبَيْرِ: وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يُهَلِّلُ بِهِنَّ ذُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ. رواه مسلم.

۸۰۴. از عبدالله بن زبیر - رضی الله عنه - روایت شده است که او در پایان هر نماز این دعا را می خواند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ: هیچ خدایی جز الله نیست که تنها و بی شریک است و پادشاهی و سپاس و ستایش سزاوار او و از آن اوست و او بر هر کاری تواناست و هیچ کس را هیچ نیرویی برای انجام هیچ عملی نیست جز به اراده و امر خدا؛ جز الله خدایی نیست و جز او را پرستش نمی کنیم، نعمت ها و بخشش ها و لطف ها از جانب او و سپاس و ستایش نیکو از آن اوست، هیچ معبودی جز الله نیست و خالصانه برای او عبادت و دینداری می کنیم، اگرچه کافران بدشان بیاید»، ابن زبیر می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از هر نماز فرض، با این تسبیحات ذکر و تهلیل می فرمود^۱.

۸۰۵- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي ذُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَحَمِدَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَكَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَقَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». رواه مسلم.

۸۰۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس بعد از هر نماز، ۳۳ بار سبحان الله، ۳۳ بار الحمد لله و ۳۳ بار الله اکبر بگوید و در آخر در سر عدد صد، بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: هیچ معبودی جز الله نیست که تنها و بی شریک است، پادشاهی و

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۵۹۴].

سپاس و ستایش سزاوار او و از آن اوست و او بر هر چیزی و هر کاری تواناست، تمام گناهان او بخشیده می‌شود، اگرچه مانند کف دریاها (زیاد) باشد»^۱.

۸۰۶- وعن سعد بن أبي وقاص رضي عنه أنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَتَعَوَّذُ ذُبُرَ الصَّلَوَاتِ بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ» رواه البخاري.

۸۰۶. از سعد ابن ابی وقاص - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در پایان نمازها با این کلمات به خدا پناه می‌برد و تعوذ می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ: بارخدایا! من از ترس و حسد و خست و از این که به پیری ناقص‌کننده‌ی عقل و نیرو برسم و از فتنه‌ی دنیا و فتنه‌ی قبر به تو پناه می‌برم!»^۲.

۸۰۷- وعن معاذ رضي الله عنه أنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَخَذَ بِيَدِهِ وَقَالَ: «يَا مُعَاذُ، وَاللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّكَ» فَقَالَ: «أَوْصِيكَ يَا مُعَاذُ لَا تَدْعُنْ فِي ذُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ تَقُولُ: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ، وَشُكْرِكَ، وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۸۰۷. از معاذ رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله دست او را گرفتند و فرمودند: «ای معاذ! به خدا سوگند، من تو را دوست دارم»، سپس فرمودند: «به تو وصیت می‌کنم ای معاذ که بعد از هر نماز، این دعا را بخوانی و آن را ترک نکنی: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ، وَشُكْرِكَ، وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ: بارخدایا! مرا بر ذکر و شکر و نیکی عبادت یاری ده»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۵۹۷].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۶۳۷۰].

۳- ابوداود [۱۵۲۲] به اسناد صحیح روایت کرده است. [این حدیث قبلاً هم به شماره‌ی ۳۸۴، آمده است].

۸۰۸- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا تَشَهَّدَ أَحَدُكُمْ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ، يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ». رواه مسلم.

۸۰۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه یکی از شما تحیت و تشهد خواند، (در پایان آن) از چهار چیز به خدا پناه ببرد و بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ: خداوندا! من از عذاب دوزخ و عذاب قبر و از فتنه‌ی زندگی و مرگ و از شر فتنه‌ی مسیح دجال به تو پناه می‌برم»^۱.

۸۰۹- وَعَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يَكُونُ مِنْ آخِرِ مَا يَقُولُ بَيْنَ التَّسْهُدِ وَالتَّسْلِيمِ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَسْرَفْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ، وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» رواه مسلم.

۸۰۹. از علی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که به نماز برمی‌خاست، از آخرین دعاها‌یی که بین تحیت و سلام می‌خواند، این بود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَسْرَفْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ، وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ: بار خدایا! گناهان گذشته و آینده‌ی من و گناهانی که پنهان و آشکارا انجام داده‌ام، و زیاده‌روی‌های من، و هر آنچه را که تو از من بهتر می‌دانی و از من سر زده است، بیامرز که پیش برنده و به عقب اندازنده تو هستی و خدایی جز تو نیست»^۲.

۸۱۰- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُكْثِرُ أَنْ يَقُولَ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» متفق عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۸۸)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۷۱)].

۸۱۰. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در رکوع و سجودش زیاد می فرمودند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي: بارخدایا! تو پاک و منزّه هستی، ای پروردگار ما! و به سپاس و ستایش تو مشغولم، پروردگارا! مرا بیامرز!»^۱.

۸۱۱- وَعَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» رواه مسلم.

۸۱۱. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در رکوع و سجودش می فرمودند: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ: (خداوند)، بسیار منزّه و بی عیب و بسیار پاک، و پروردگار فرشتگان و جبرئیل است»^۲.

۸۱۲- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظَّمُوا فِيهِ الرَّبَّ، وَأَمَّا السُّجُودُ فَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ فَقَمِنْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ» رواه مسلم.

۸۱۲. از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در رکوع، خداوند عزوجل را به عظمت و بزرگی یاد کنید؛ و در سجده، در دعا کردن بکوشید که سزاوار و شایسته است که دعای شما (در آن) قبول شود»^۳.

۸۱۳- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ، فَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ» رواه مسلم.

۸۱۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نزدیک ترین حالتی که بنده به خدایش نزدیک باشد، حالت سجده است، پس (در سجده) بسیار دعا بخوانید»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۸۱۷)، م (۴۸۴)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۴۸۷)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۴۷۹)].

۸۱۴- وَعَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ جُوَيْرِيَةَ بِنْتِ الْحَارِثِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ مِنْ عِنْدِهَا بُكْرَةً حِينَ صَلَّى الصُّبْحَ وَهِيَ فِي مَسْجِدِهَا، ثُمَّ رَجَعَ بَعْدَ أَنْ أَضْحَى وَهِيَ جَالِسَةٌ فَقَالَ: «مَا زِلْتُ عَلَى الْحَالِ الَّذِي فَارَقْتُكَ عَلَيْهَا؟» قَالَتْ: نَعَمْ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَقَدْ قُلْتُ بَعْدَكَ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، لَوْ وُزِنَتْ بِمَا قُلْتُ مِنْذُ الْيَوْمِ لَوَزَنَتْهُنَّ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، وَرِضَا نَفْسِهِ، وَزِنَةَ عَرْشِهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ». رواه مسلم.

۸۱۴. از ام‌المؤمنین جویریة دختر حارث - رضی اللہ عنہا - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم یک روز صبح زود موقعی که نماز صبح را به جای آورد، از نزد او بیرون رفت و جویریة در جای نماز خود (به نماز و ذکر نشسته) بود و بعد از آن که چاشت شد، بازگشت در حالی که جویریة هم‌چنان نشسته بود، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم خطاب به او فرمودند: «(من بازگشتم و) تو هم‌چنان بر حالت قبلی خودت هستی»، گفت: بله، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «(من بعد از (رفتن از پیش) تو چهار کلمه را سه بار گفته‌ام که اگر با آنچه امروز از صبح گفته‌ای، وزن شود، سنگین‌تر خواهد بود: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، وَرِضَا نَفْسِهِ، وَزِنَةَ عَرْشِهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ: خدا را به تعداد مخلوقاتش، و به قدرت رضایت او و وزن عرش او و مرکب نوشتن کلمات او به پاکی و تنزیه یاد می‌کنم»^۲.

۸۱۵- وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «مَثَلُ الَّذِي يَذْكُرُ رَبَّهُ وَالَّذِي لَا يَذْكُرُهُ، مَثَلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ» رواه مسلم والبخاري.

۸۱۵. از ابوموسی اشعری - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «مثال کسی که پروردگار خود را یاد می‌کند و کسی که او را یاد نمی‌کند، مثال زنده و مرده است»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۴۸۲)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۲۶)].

۳- بخاری و مسلم روایت کرده اند؛ [خ(۶۴۰۷)].

۸۱۶- وعن أبي هريرة، رضي الله عنه، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي، فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ، ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَالٍ، ذَكَرْتُهُ فِي مَالٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ» متفق عليه.

۸۱۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند متعال می فرماید: من با گمان بنده ام نسبت به من، همراهم (با او چنان رفتار می کنم که او گمان می برد) و در هر جا مرا یاد کند، (با توفیق و هدایت خود) با او خواهم بود؛ اگر او مرا در دل خود یاد کند، من نیز او را پیش خودم یاد می کنم و اگر در حضور جمعی مرا یاد کند، در جمعی بهتر از جمع ایشان، او را یاد خواهم کرد»^۱.

۸۱۷- وعنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ» قَالُوا: وَمَا الْمُفْرَدُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتُ» رواه مسلم.

۸۱۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مفردان سبقت گرفتند و برنده شدند»، گفتند: ای رسول خدا! مفردان چه کسانی هستند؟ فرمودند: «مردان و زنانی که بسیار خدا را یاد می کنند»^۲.

۸۱۸- وعن أبي موسى رضي الله عنه قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَنْزٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ؟» فَقُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» متفق عليه.

۸۱۸. از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمودند: «آیا تو را به گنجی از گنج های بهشت راهنمایی کنم؟» گفتم: بله، ای رسول خدا! فرمودند: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»^۳.
(به احادیث شماره: ۷۴ و ۷۶ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۷۴۰۵)، م (۲۶۷۵)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۷۶)].

۳- متفق علیه است؛ [(۶۴۰۹)، م (۲۷۰۴)].

۲۳۷- باب ذکر الله تعالی قائماً وقاعداً ومضطجعاً ومحدثاً
وجنباً وحائضاً إلا القرآن فلا يحل لجنب ولا حائض
باب ذکر خدا در حال ایستادن، نشستن، دراز کشیدن،
بدون وضو و در حال جنابت و حیض جز تلاوت
قرآن که برای جنب و حایض حلال نیست

قال الله تعالى:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَآخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي
الْأَلْبَابِ ۝ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ﴾

(آل عمران / ۱۹۰-۱۹۱)

«در آفرینش آسمان‌ها و زمین و گردش شب و روز نشانه‌هایی برای
خردمندان است؛ کسانی که خدا را ایستاده و نشسته و افتاده بر
پهلوهایشان یاد می‌کنند».

۸۱۹- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يذكر الله
تعالى على كل أحيانه. رواه مسلم.

۸۱۹. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در تمام
حالاتش خدا را یاد می‌کرد^۱.

۸۲۰- وعن ابن عباس رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لو أن أحدكم
إذا أتى أهله قال: بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا، فَقَضِيَ بَيْنَهُمَا
وَلَدٌ، لَمْ يَصُرْهُ شَيْطَانٌ أَبَدًا». متفق عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۳۷۳].

۸۲۰. از ابن عباس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه یکی از شما خواست نزد همسرش برود و با او نزدیکی کند، اگر بگوید: بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا: بار خدایا! ما را از شر شیطان دور نگه دار و شیطان را از آنچه رزق ما کرده‌ای، دور کن. اگر فرزندی برای ایشان در آن عمل مقدر شد، هیچ شیطانی به او ضرری نمی‌رساند»^۱.

۲۳۸- باب ما یقوله عند نومه واستيقاظه

باب دعاهایی که موقع خوابیدن و بیدار شدن خوانده می‌شود

۸۲۱- عَنْ حُذَيْفَةَ، وَأَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: «بِسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَأَمُوتُ» وَإِذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» رواه البخاري.

۸۲۱. از حذیفه و ابوذر - رضی الله عنه - روایت شده است که آن دو گفتند: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی (برای خواب) به بسترش تشریف می‌برد، می‌فرمودند: «بِسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَأَمُوتُ: پروردگارا! به نام تو می‌میرم و زنده می‌شوم» و هنگامی که بیدار می‌شد، می‌فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ: سپاس و ستایش خداوندی را سزااست که ما را بعد از میراندن زنده گردانید و بازگشت (همه) به سوی اوست»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۲۷۱)، م (۱۴۳۴)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۳۱۲)].

۲۳۹- باب فضل حَلَقِ الذَّكْرِ والنَّدْبِ إِلَى ملازمتها والنَّهْيِ عَنْ

مفارقتها لغير عذر

باب بیان فضیلت حلقه‌های ذکر و استحباب ملازمت

آنها و نهی از دوری از آنها بدون عذر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ

وَجْهَهُ ۖ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ﴾ (الكهف / ۲۸)

«ای پیامبر ﷺ! با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان، خدای

خود را می‌خوانند و عبادت می‌کنند (و تنها رضای) ذات او را

می‌طلبند و چشمانت را از ایشان (به سوی ثروتمندان و قدرتمندان

متکبر، برای خواستن زینت زندگی دنیوی) برمگردان.»

۸۲۲- وعن أبي واقد الحارث بن عوف رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم
بَيْنَمَا هُوَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ، وَالنَّاسُ مَعَهُ، إِذْ أَقْبَلَ ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ، فَأَقْبَلَ اثْنَانِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَذَهَبَ وَاحِدٌ؛ فَوَقَفَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. فَأَمَّا أَحَدُهُمَا
فَرَأَى فُرْجَةً فِي الْحَلَقَةِ فَجَلَسَ فِيهَا، وَأَمَّا الْآخَرُ فَجَلَسَ خَلْفَهُمْ، وَأَمَّا الثَّالِثُ فَأَذْبَرَ ذَاهِبًا.
فَلَمَّا فَرَغَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ عَنِ النَّفَرِ الثَّلَاثَةِ: أَمَّا أَحَدُهُمْ
فَأَوَى إِلَى اللَّهِ فَأَوَاهُ اللَّهُ. وَأَمَّا الْآخَرُ فَاسْتَحْيَى فَاسْتَحْيَى اللَّهُ مِنْهُ، وَأَمَّا الْآخَرُ، فَأَعْرَضَ، فَأَعْرَضَ
اللَّهُ عَنْهُ». متفقٌ عَلَيْهِ.

۸۲۲. از ابو واقد حارث بن عوف - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که فرمود: یک بار

هنگامی که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم در مسجد نشسته بود و مردم در حضور او بودند، سه نفر

پیش آمدند، دو نفر از آنان به سوی پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم آمدند و سومی رفت، آن دو نزد

پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم ایستادند، یکی از آنها فاصله‌ای در حلقه‌ی مردم دید و در آن‌جا نشست

و دومی پشت حلقه نشست و سومی رو برگرداند و رفت؛ بعد پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم پس از

آن‌که فراغت یافتند، فرمودند: «آیا شما را از این سه نفر باخبر کنم؟ یکی از ایشان به سوی خدا پناه برد و خدا او را پناه داد و دیگری حیا کرد، خداوند نیز از او حیا کرد و نفر سوم از خدا اعراض کرد و خداوند نیز از او اعراض نمود»^۱.

۸۲۳- وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: خرج معاوية رضي الله عنه على حلقة في المسجد، فقال: ما أجلسكم؟ قالوا: جلسنا نذكر الله. قال: الله ما أجلسكم إلا ذاك؟ قالوا: ما أجلسنا إلا ذاك، قال: أما إنني لم أستخلفكم تهممة لكم، وما كان أحد بمنزلي من رسول الله صلى الله عليه وسلم أقل عنه حديثاً مني: إن رسول الله صلى الله عليه وسلم خرج على حلقة من أصحابه فقال: «ما أجلسكم؟» قالوا: جلسنا نذكر الله ونحمده على ما هدانا للإسلام؛ ومن به علينا. قال: «الله ما أجلسكم إلا ذاك؟» قالوا: والله ما أجلسنا إلا ذاك. قال: «أما إنني لم أستخلفكم تهممة لكم، ولكنه أتاني جبريل فأخبرني أن الله يباهي بكم الملائكة». رواه مسلم.

۸۲۳. از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: حضرت معاویه - رضی الله عنه - بر حلقه‌ای در مسجد وارد شد و گفت: چه چیز شما را در این مجلس جمع کرده است؟ گفتند: نشستیم ذکر خدا را می‌کنیم، گفت: شما را به خدا، آیا فقط برای ذکر خدا در این‌جا نشستید؟ گفتند: بله، هیچ‌چیز جز آن، ما را این‌جا جمع نیاورده است، حضرت معاویه رضی الله عنه گفت: شما را به خدا سوگند ندادم برای این‌که بر شما تهمتی وارد کنم یا به شما بدین باشم و من از همه‌ی همطرازان خود کم‌تر حدیث از پیامبر نقل می‌کنم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر حلقه‌ی جمعی از اصحابش وارد شد و فرمودند: «چه چیز موجب شده که شما این‌جا جمع شوید؟» گفتند: نشستیم تا ذکر خدا را به‌جا بیاوریم و بر این نعمت بزرگ که ما را به اسلام هدایت فرموده و بدین وسیله بر ما منت نهاده است، او را سپاس و ستایش کنیم. فرمودند: «شما را به خدا، هیچ‌چیز جز این شما را این‌جا جمع نکرده است؟» عرض کردند: به خدا سوگند، چیزی جز آن ما را این‌جا جمع نیاورده است، فرمودند: من شما را از لحاظ

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۶)، م (۲۱۷۶)].

بدینی و بی‌باوری به شما سوگند ندادم ولی جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و به من گفت که: خداوند در نزد فرشتگان به شما مباحثات می‌کند.^۱
(به حدیث شماره: ۶۱۴ مراجعه شود).

۲۴۰- باب الذکر عند الصباح والمساء

باب ذکر در هنگام صبح و غروب

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ

وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ﴾ (الأعراف / ۲۰۵)

«پروردگارت را در دل خود، با فروتنی و هراس و آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان یاد کن و از زمره غافلان نباش».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾ (طه / ۱۳۰)

«قبل از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن به حمد خداوند، وی را تسبیح کن».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَرِ﴾ (غافر / ۵۵)

«بامدادان و شامگاهان به سپاس و ستایش پروردگارت پرداز».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ

وَالْأَصَالِ ﴿٣٦﴾ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ (النور / ۳۶-۳۷)

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۰۱].

«در خانه‌هایی که خداوند اجازه داده است، برافراشته شوند و در آنها نام خدا ذکر شود، در آنها بامدادان و شامگاهان به تسبیح و تقدیس خداوند متعال می‌پردازند، مردانی که بازرگانی و معامله‌ای، آنان را از یاد خدا غافل نمی‌سازد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعُشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴾ (ص / ۸)

«ما کوه‌ها را با او (داود) هم آوا کردیم که بامدادان و شامگاهان به تسبیح و تقدیس (خداوند متعال) می‌پرداختند».

۸۲۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِي: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ لَمْ يَأْتِ أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ، إِلَّا أَخَذَ قَالَ مِثْلَ مَا قَالَ أَوْ زَادَ» رواه مسلم.

۸۲۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس (همیشه) هنگام صبح و غروب صدبار بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، هیچ‌کس در قیامت عملی بزرگ‌تر و بارزش‌تر از عمل او نمی‌آورد جز کسی که مثل او یا بیشتر از او گفته باشد»^۱.

۸۲۶- وَعَنْهُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا لَقِيتُ مِنْ عَقَرٍ لَدَغْتَنِي الْبَارِحَةَ، قَالَ: «أَمَا لَوْ قُلْتَ حِينَ أُمْسَيْتَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، لَمْ تَضُرَّكَ» رواه مسلم.

۸۲۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! دیشب از عقربی که مرا نیش زد سخت آزرده شدم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر هنگام غروب می‌گفتی: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۶۹۲].

خَلَقَ: پناه می‌برم به کلمات تامه‌ی خداوند از آنچه آفریده است، به تو ضرری نمی‌رسانید»^۱.

۸۲۷- وعنه أَنَّ أَبَا بَكْرٍ الصِّدِّيقَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مُزِنِي بِكَلِمَاتٍ أَقُولُهُنَّ إِذَا أَصْبَحْتُ وَإِذَا أَمْسَيْتُ، قَالَ: قُلْ: «اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّهِ» قَالَ: «قُلْهَا إِذَا أَصْبَحْتَ، وَإِذَا أَمْسَيْتَ، وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجِعَكَ» رواه أبوداود والترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ صحيحٌ.

۸۲۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - فرمودند: ای رسول خدا! کلماتی را به من یاد ده که هنگام صبح و غروب بگویم، فرمودند: «بگو: اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّهِ: بارخدايا! ای آفریننده و گسترنده‌ی آسمان‌ها و زمین! ای داننده‌ی پنهان و آشکار! ای پروردگار و مالک همه‌چیز! شهادت می‌دهم که جز تو خدایی نیست، پناه می‌جویم به تو از شر نفس خود و از شر ابلیس و شرک او»، سپس فرمودند: «این دعا را هنگام صبح و غروب و رفتن به رختخواب بخوان»^۲.

۸۲۸- وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَمْسَى قَالَ: «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمُلْكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» قَالَ الرَّاوي: أَرَاهُ قَالَ فِيهِنَّ: «لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهَا، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ، وَسُوءِ الْكِبَرِ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابٍ فِي النَّارِ، وَعَذَابٍ فِي الْقَبْرِ». وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ ذَلِكَ أَيْضًا: «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ». رواه مسلم.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۰۹].

۲- ابوداود [۵۰۶۷] و ترمذی [۳۳۸۹] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۸۲۸. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام غروب می فرمودند: «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ: غروب کردیم و فرمانروایی و پادشاهی هم چنان از آن خداوند است، و سپاس و ستایش از آن اوست، و هیچ خدایی جز او نیست و تنها و بی شریک است»، راوی می گوید: به نظرم پیامبر صلی الله علیه و آله در آن ذکر می فرمودند: «لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهَا، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ، وَسُوءِ الْكِبَرِ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابٍ فِي النَّارِ، وَعَذَابٍ فِي الْقَبْرِ: ملک و سپاس و ستایش سزاوار اوست و او بر هر کاری تواناست، خدایا! منفعت و نیکی های این شب و اوقات بعد از آن را از تو می خواهم و پناه می برم به تو از شر آنچه در این شب است و شر اوقات بعد از آن، پروردگارا! پناه می برم به تو از سستی و کسالت و پیری بد، پناه می برم به تو از عذاب دوزخ و عذاب قبر»، چون صبح می شد نیز آنها را تماماً بیان و در اول آن می فرمودند: «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ: صبح کردیم و فرمانروایی و پادشاهی هم چنان از آن خداوند است»^۱.

۸۲۹- وعن عبد الله بن حبيب رضي الله عنه قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم: «اقرأ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَالْمُعَوَّذَتَيْنِ حِينَ تُمَسِّي وَحِينَ تُصْبِحُ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ تَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ». رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۸۲۹. از عبدالله بن حبيب - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمودند: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْقَلْقِ»، و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را موقع غروب و موقع صبح، سه بار بخوان، تو را از همه چیز کفایت می کند»^۲.

۸۳۰- وعن عثمان بن عفان رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ فِي صَبَاحِ كُلِّ يَوْمٍ وَمَسَاءٍ كُلِّ لَيْلَةٍ: بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۲۳].

۲- ابوداود [۵۰۸۲] و ترمذی [۲۴۸۷] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

الأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، إِلَّا لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ». رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۸۳۰. از حضرت عثمان بن عفان - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر بنده‌ای که هر روز در صبح، و هر شب در غروب، سه بار بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» به نام خداوند یگانه‌ای که با اسم او و برکت نام او هیچ چیز نه در آسمان و نه در زمین خسارت نمی‌بیند و او شنوا و داناست»، به او ضرری نمی‌رسد و دچار زحمت و خسارت نخواهد شد»^۱.

۲۴۱- باب ما يقوله عند النوم
باب آن چه که هنگام خواب گفته می‌شود

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۚ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾
(آل عمران / ۱۹۰-۱۹۱)

«در آفرینش آسمان‌ها و زمین و گردش شب و روز، نشانه‌هایی برای خردمندان هست؛ کسانی که خدا را ایستاده و افتاده بر پهلوهایشان یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند».

۸۳۱- وَعَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُ وَلِفَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: «إِذَا أَوَيْتُمَا إِلَىٰ فِرَاشِكُمَا، أَوْ إِذَا أَخَذْتُمَا مَضَاجِعَكُمَا فَكَبِّرَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَسَبِّحَا

۱- ابوداود [۵۰۸۸] و ترمذی [۳۳۸۵] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَاحْمَدًا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ» وفي رواية: «التَّسْبِيحُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ» وفي رواية: «التَّكْبِيرُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ» متفق عليه.

۸۳۱. از علی - عليه السلام - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به او و حضرت فاطمه - علیها السلام - فرمودند: «وقتی به بستر خوابتان رفتید - یا وقتی رختخواب خوابتان را آماده کردید - سی و سه بار الله اکبر و سی و سه بار سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله بگویید». و در روایتی دیگر آمده است: «سبحان الله سی و چهار بار» و در روایتی دیگر آمده است: «الله اکبر سی و چهار بار»^۱.

۸۳۲- وعن أبي هريرة رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ، فَلْيَنْقُضْ فِرَاشَهُ بِدَاخِلَةِ إِزَارِهِ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلَفَهُ عَلَيْهِ، ثُمَّ يَقُولُ: بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي، وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا، وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا، فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ». متفق عليه.

۸۳۲. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی یکی از شما به بستر خواب خود رفت، بسترش را بتکاند و با قسمت داخلی شلوار (لباس) خود، آن را پاک کند (چه امکان دارد گزنده و خزنده ای در بسترش قرار گرفته باشد)، زیرا او نمی داند پس از ترک بستر چه چیزی در جای او قرار گرفته است و سپس بگوید: بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي، وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا، وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا، فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ: به نام تو ای پروردگار من! پهلوی خود را بر زمین می گذارم و به اراده و قدرت تو آن را بلند می کنم، خداوند! اگر جان مرا نزد خود نگاه خواهی داشت، بر او رحم فرما و اگر آن را رها می کنی و زنده ام باقی می گذاری، با آن چه که بندگان صالح خود را به آن حفظ می کنی، او را حفظ کن»^۲.

۱- متفق عليه است: [خ (۵۳۶۱)، م (۲۷۲۷)].

۲- متفق عليه است: [خ (۶۳۲۰)، م (۲۷۱۴)].

۸۳۳- وعن عائشة رضي الله عنها، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ نَفَثَ فِي يَدَيْهِ، وَقَرَأَ بِالْمُعَوَّذَاتِ وَمَسَحَ بِهِمَا جَسَدَهُ، متفقٌ عليه.

وفي رواية لهما: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ كُلَّ لَيْلَةٍ جَمَعَ كَفْيَيْهِ ثُمَّ نَفَثَ فِيهِمَا فَقَرَأَ فِيهِمَا: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، ثُمَّ مَسَحَ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهِ، يَبْدَأُ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَوَجْهِهِ، وَمَا أَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهِ، يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. متفقٌ عليه.

۸۳۳. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که در بسترش دراز می کشید، در دست خود می دمید و معوذتین (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) را قرائت می فرمود و با دست های خود بدنش را مسح می کرد.^۱
در روایتی دیگر از مسلم و بخاری آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه در شب به داخل رختخواب خود می رفت، دست هایش را نزدیک هم قرار می داد و در آنها می دمید و (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) را بر آنها قرائت می فرمود و با دست خود هرکجا از بدنش را که می توانست، مسح می نمود و ابتدا از سر و صورتش شروع می کرد، اینکار را سه بار انجام می داد.

۸۳۴- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا، وَكَفَانَا وَآوَانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤْوِيَّ» رواه مسلم.

۸۳۴. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی به رختخواب تشریف می برد، می فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا، وَكَفَانَا وَآوَانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤْوِيَّ: سپاس و ستایش سزاوار خدایی است که به ما طعام داد و نوشاند و ما را از هر جهت کفایت کرد و در جوار رحمت خود قرار داد که چه بسا کسانی که هیچ کفایت کننده و پناه دهنده ای ندارند»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۳۱۹)، م (۲۱۹۲)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۱۵)].

۸۳۵- وعن حذیفَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْفُقَ، وَضَعَ يَدَهُ الَّتِي تَحْتَ خَدِّهِ، ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

وَرَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ مِنْ رِوَايَةِ حَفْصَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، وَفِيهِ: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

۸۳۵. از حذیفه - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم هرگاه که می خواست بخوابد، دست راست خود را زیر گونه اش می گذاشت و می فرمودند: «اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ: خدایا! مرا از عذاب خود حفظ کن، در روزی که بندگان خودت را زنده می کنی»^۱.

(به حدیث شماره: ۵۲ و ۴۸۲ مراجعه شود).

۱- ترمذی [۳۳۹۵] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است و ابوداود [۵۰۴۵] از روایت «ام المؤمنین حضرت حفصه» - رضی اللہ عنہا - روایت کرده و در آن آمده است که ایشان این دعا را سه بار می فرمود.

بخش هفدهم

کتاب دعاها

۱۷ - کتاب الدعوات

۲۴۲ - باب الأمر بالدعاء وفضله

باب امر به دعا و فضیلت آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ (غافر / ۶۰)

«پروردگار شما فرمود: مرا بخوانید؛ دعایتان را می‌پذیرم».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾

(الأعراف / ۵۵)

«پروردگار خود را فروتنانه و پنهانی بخوانید؛ او تجاوزکاران را

دوست ندارد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾

(البقرة / ۱۸۶)

«و هنگامی که بندگانم از تو درباره‌ی من پرسیدند، (بگو که) من

نزدیکم و دعای دعاکننده را، هنگامی که مرا بخواند، پاسخ می‌گویم».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿أَمِّنْ يُحِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾ (النمل / ۶۲)

«(آیا معبودات باطله بهترند) یا کسی که به فریاد درمانده می‌رسد و بلا

و گرفتاری را برطرف می‌کند، هرگاه که او را به کمک طلبد».

۸۳۶- وَعَنِ النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

«الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ». رواه أبو داود والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۸۳۶. از نعمان بن بشیر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دعا همان عبادت است»^۱.

۸۳۷- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ أَكْثَرُ دُعَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۸۳۷. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: غالب دعای پیامبر صلی الله علیه و آله این بود: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ: خداوندا! در این دنیا و در آخرت به ما نیکویی و (ثواب) خیر عنایت فرما، و ما را از آتش دوزخ محفوظ بدار»^۲.

۸۳۸- وَعَنْ طَارِقِ بْنِ أَشِيمٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ الرَّجُلُ إِذَا أَسْلَمَ عَلَّمَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّلَاةَ، ثُمَّ أَمَرَهُ أَنْ يَدْعُوَ بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَاهْدِنِي، وَعَافِنِي، وَارْزُقْنِي» رواه مسلم.

۸۳۸. از طارق بن اشیم - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: وقتی مردی مسلمان می شد، پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را به او می آموخت و سپس به او امر می فرمود که با این کلمات دعا کند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَاهْدِنِي، وَعَافِنِي، وَارْزُقْنِي: خدایا! مرا بیامرزد و به من رحم کن و هدایت فرما و سلامت بدار و روزیم بده»^۳.

۸۳۹- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اللَّهُمَّ مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ صَرِّفْ قُلُوبَنَا عَلَى طَاعَتِكَ». رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۱- ابوداود [۱۴۷۹] و ترمذی [۲۹۷۳] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- متفق علیه است: [خ (۶۳۸۹)، م (۲۶۹۰)].

۳- مسلم روایت کرده است: [۲۶۷۹].

۸۳۹. از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله (در دعا) می فرمودند: «اللَّهُمَّ مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ صَرِّفْ قُلُوبَنَا عَلَى طَاعَتِكَ: بارخدایا! ای تغییر دهنده دل‌ها، دل ما را بر طاعت خود تغییر ده و به آن بازگردان»^۱.

۸۴۰ - وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «تَعَوَّدُوا بِاللَّهِ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرْكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ، وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ» متفق عليه.

۸۴۰. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از بلای سخت و افتادن در مهلکه و بدبختی (دنیا و آخرت) و مقدرات و عاقبت بد و شادکامی دشمنان، به خدا پناه ببرید»^۲.

۸۴۱ - وَعَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۸۴۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله (در دعا) می فرمودند: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ: خداوندا! دینم را که نگهدارنده‌ی من از گناهان و مهالک است و دنیا را که در آن زندگی من می‌گذرد و آخرتم را که بازگشت من به آن است، اصلاح کن و زندگی مرا موجب زیاد کردن کارهای نیک من گردان و مرگم را وسیله‌ی راحتی و نجات من از هر بدی قرار بده!»^۳.

۸۴۲ - وَعَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قُلْ: اللَّهُمَّ اهْدِنِي، وَسَلِّدْنِي».

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۶۵۴].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۶۱۶)، م (۲۷۰۷)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۲۰].

۸۴۲. از حضرت علی - علیه السلام - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمودند: «بگو: اللَّهُمَّ اهْدِنِي، وَسَدِّدْنِي؛ خدایا! مرا هدایت فرما و محکم و ثابت قدم گردان»^۱.

۸۴۳- وَعَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: عَلَّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي صَلَاتِي، قَالَ: «قُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفُرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ». مَتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۸۴۳. از ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - روایت شده است که او در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: دعایی به من یاد بده که در نمازم بخوانم، فرمودند: «بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفُرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ خدایا! من بر نفس خود ظلم کرده و ظلمی زیاد روا داشته‌ام و جز تو کسی گناهان را نمی‌آمرزد، پس مرا با آمرزشی مخصوص از نزد خود بیامرز، و بر من رحم کن که تو بسیار آمرزنده و بسیار بخشنده‌ای»^۲.

۸۴۴- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْهَرَمِ، وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ».

۸۴۴. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله (در دعا) می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْهَرَمِ، وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ؛ خدایا! از ناتوانی و تنبلی، ترس، پیری، خست و حسد، عذاب قبر و از فتنه‌ی مرگ و زندگی، به تو پناه می‌برم».

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۲۵)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۸۳۴)، م (۲۷۰۵)].

در روایتی دیگر آمده است: «وَضَلَعَ الدِّينَ وَعَلَبَهُ الرَّجَالُ: از تنگنا و فشار و بسیاری قرض و غلبه‌ی مردان به تو پناه می‌برم»^۱.

۸۴۵- وَعَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَجَهْلِي، وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي جِدِّي وَهَزْلِي؛ وَخَطِيئِي وَعَمْدِي؛ وَكُلُّ ذَلِكَ عِنْدِي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ، وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». متفق عليه.

۸۴۵. از ابو موسی - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله معمولاً این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَجَهْلِي، وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي جِدِّي وَهَزْلِي؛ وَخَطِيئِي وَعَمْدِي؛ وَكُلُّ ذَلِكَ عِنْدِي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ، وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: خدایا! گناهان مرا و نادانی و زیاده‌روی‌م در کارها را و آنچه را که تو بهتر از من می‌دانی، ببخش، خدایا! کارهای جدی و شوخی و اشتباه و عمد مرا ببخش و تمام آنها در من موجود است و من از آنها بری نیستم، خداوند! گناهان گذشته و آینده‌م و گناهانی که پنهان و آشکار انجام داده‌ام و زیاده‌روی‌های من و هر آنچه را که تو از من بهتر می‌دانی و از من سرزده است، بیمارز که پیش برنده و عقب اندازنده تو هستی و تو بر هر کار و هر چیز توانایی»^۲.

۸۴۶- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلْتُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ أَعْمَلْ». رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۸۴۶- از عایشه رضی الله عنها از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در دعایش می‌فرمودند: «پروردگارا! از شر و زشتی آنچه که مرتکب شده‌ام و یا انجامش نداده‌ام به تو پناه می‌جویم».

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۰۶)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۱۶)].

۸۴۷- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: كَانَ مِنْ دُعَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ». رواه مُسْلِمٌ.

۸۴۷. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: از جمله‌ی دعای پیامبر ﷺ این بود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ: خدایا! من از زوال نعمت تو (که به من داده‌ای) و تغییر سلامت عطا شده‌ی تو، و حمله‌ی ناگهانی خشم و عذاب تو، و از همه‌ی خشم و غضب تو، به تو پناه می‌برم»^۱.

۸۴۸- وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْبُخْلِ وَالْهَرَمِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا، وَزَكَّاهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا» رواه مُسْلِمٌ.

۸۴۸. از «زید بن ارقم» -رضی الله عنه- روایت شده است که پیامبر ﷺ (در دعا) می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْبُخْلِ وَالْهَرَمِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا، وَزَكَّاهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا: بارخدایا! من از ناتوانی و بیماری و خست و پیری و عذاب قبر به تو پناه می‌برم، خدایا! به نفس من تقوایش را عطا کن و آن را تزکیه و اصلاح فرما که تو بهترین کسی هستی که قادر به اصلاح و تزکیه‌ی آن می‌باشی، و تو سرپرست و مالک آن هستی، خداوندا! من از علمی که سودی نمی‌بخشد، از دلی که خشوع نمی‌ورزد، از نفسی که حریص است و سیر نمی‌شود و از دعایی که قبول نمی‌گردد، به تو پناه می‌برم»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۳۹)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۷۲۲)].

۸۴۹- وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أُنَبْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ. فَاعْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ، وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ، وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

زَادَ بَعْضُ الرُّوَاةِ: «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» متفقٌ عليه.

۸۴۹. از ابن عباس رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله (در دعا) می فرمودند: اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أُنَبْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ. فَاعْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ، وَمَا أَخَّرْتُ، وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ، وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ: خدایا! برای تو اسلام آوردم و تسلیم امر تو هستم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل و به درگاه تو توبه کردم، و به سوی تو برگشتم، و با نیرویی که تو داده ای، جنگ و دفاع کردم و دشمن را شکست دادم، به سوی تو شکایت آوردم، پس گناهان گذشته و آینده ی من و گناهانی که پنهان و آشکارا انجام داده ام، بیامرز که پیش برنده و عقب اندازنده تو هستی و خدایی جز تو نیست».

بعضی از راویان اضافه کرده اند: «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» و هیچ کس را هیچ نیرویی برای انجام هیچ عملی نیست جز به اراده و امر خداوند^۱.

۸۵۰- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَدْعُو بِهِؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ، وَعَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ شَرِّ الْغِنَى وَالْفَقْرِ». رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ، وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ، وَهَذَا لَفْظُ أَبِي دَاوُدَ.

۸۵۰. از عایشه رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله با این کلمات دعا می کرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ، وَعَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ شَرِّ الْغِنَى وَالْفَقْرِ: بارخدایا!

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۱۲۰)، م (۷۶۹)]. [روایتی دیگر از این حدیث به شماره ی ۷۵، گذشت].

من از فتنه‌ی دوزخ و عذاب آتش و از شر ثروتمندی و بی‌نیازی و فقر و نیازمندی به تو پناه می‌برم»^۱.

۸۵۱- وَعَنْ زِيَادِ بْنِ عِلَاقَةَ عَنْ عَمِّهِ، وَهُوَ قُطَيْبَةُ بْنُ مَالِكٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَعْمَالِ وَالْأَهْوَاءِ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۸۵۱. از «زیاد بن علاقه» از عمویش «قطبه بن مالک» - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَعْمَالِ وَالْأَهْوَاءِ: بارخدایا! من از اخلاق و اعمال و آرزوهای زشت و پلید به تو پناه می‌برم»^۲.

۸۵۲- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُنُونِ، وَالْجُذَامِ، وَسَيِّئِ الْأَسْقَامِ» رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۸۵۲. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله (در دعا) می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُنُونِ، وَالْجُذَامِ، وَسَيِّئِ الْأَسْقَامِ: بار خدایا! من از برص و دیوانگی و جذام و بیماری‌های بد، به تو پناه می‌برم»^۳.

۸۵۳- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ، فَإِنَّهُ يَنْسُ الضَّجِيعُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ، فَإِنَّهَا يَنْسُ الْبِطَانَةُ» رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۸۵۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله (در دعا) می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ، فَإِنَّهُ يَنْسُ الضَّجِيعُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ، فَإِنَّهَا يَنْسُ

۱- ابوداود [۱۵۴۳] و ترمذی [۳۴۸۹] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است. آنچه در متن آمده، لفظ روایت ابوداود است.

۲- ترمذی [۳۵۸۵] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۳- ابوداود [۱۵۵۴] به اسناد صحیح روایت کرده است.

البَطَّانَةُ: بار خدایا! من از گرسنگی به تو پناه می برم؛ زیرا که همخواب بدی است و از خیانت به تو پناه می برم؛ زیرا که از بدترین خصلت های باطنی است»^۱.

۸۵۴- وَعَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ مُكَاتِبًا جَاءَهُ فَقَالَ: إِنِّي عَجِزْتُ عَنْ كِتَابَتِي فَأَعِنِّي، قَالَ: أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ عَلَّمْنِيَهُنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، لَوْ كَانَ عَلَيْكَ مِثْلُ جَبَلٍ دِينًا أَدَاَهُ اللَّهُ عَنْكَ؟ قُلْ: «اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ». رواه الترمذي، وقال: حديث حسن.

۸۵۴. از علی - رضی الله عنه - روایت شده است که برده ای مکاتب^۲ پیش او آمد و گفت: من از کار کردن و اجرای قرارداد و آزاد کردن خود ناتوانم، به من کمک کن! فرمودند: آیا کلماتی را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من یاد داده است، به تو یاد ندهم که اگر به اندازه ی کوهی قرض بر ذمه ی تو باشد، خداوند آن را از جانب تو ادا می کند؟ بگو: «اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ: خداوندا! مرا به حلالیت از حرامت کفایت فرما، و به فضل و رحمتت از غیر خودت بی نیاز کن»^۳.

۸۵۵- وعن أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْطُّوَا بِيَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ». رواه الترمذي.

۸۵۵. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «در گفتن: «يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ: ای صاحب جلال و عظمت و اکرام»، اصرار کنید و آن را زیاد بگویید»^۴.

(به حدیث شماره: ۴۶ مراجعه شود).

۱- ابوداود [۱۵۴۷] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲- [برده ای که اربابش موافقت کند که او کار کند و پول آزادی خود را درآورد - ویراستاران].

۳- ترمذی [۳۵۵۸] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۴- ترمذی [۳۵۲۳] روایت کرده و نسائی هم از روایت «ربيعه بن عامر صحابی» روایت کرده است؛ حاکم [در المستدرک: (۴۹۸/۱-۴۹۹)] گفته است: حدیثی صحیح الاسناد است.

۲۴۳- باب فضل الدُّعاء بظهر الغیب
باب فضیلت دعا در غیاب انسان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ

سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾ (الحشر / ۱۰)

«وکسانی که بعد از مهاجرین و انصار (به دنیا) می آیند، می گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته اند، ببامرز».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَسْتَغْفِرُ لَذُنُوبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ (محمد / ۱۹)

«ای پیامبر ﷺ! برای گناهان خود و مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه».

وَقَالَ تَعَالَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ (ابراهيم / ۴۱)

از زبان ابراهیم ﷺ فرمودند: «پروردگارا! مرا و پدر و مادر مرا و مؤمنان را ببامرز و ببخشای، در آن روزی که حساب برپا می شود».

۸۵۶- وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ يَدْعُو لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ إِلَّا قَالَ الْمَلَكُ وَلَكَ بِمِثْلِ» رواه مسلم.

۸۵۶. از ابودرداء - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - روایت شده است که او از پیامبر ﷺ شنید که می فرمودند: «هر بنده‌ی مسلمانی که در غیاب برادرش برای او دعای خیر کند، فرشته‌ی (موکل دعا) می گوید: برای تو هم مثل آن باشد».^۱

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۷۳۲].

۲۴۴- باب فی مسائل من الدعاء

باب در بیان مسایلی از دعا

۸۵۷- عَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ صُنِعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفٌ، فَقَالَ لِفَاعِلِهِ: جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا، فَقَدْ أُبْلِغَ فِي الثَّنَاءِ». رواه الترمذی وقال: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

۸۵۷. از اسامه بن زید - رضی الله عنه - روایت شده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که از جانب کسی دیگر کار نیکی برایش انجام شود و او به انجام دهنده‌ی آن بگوید: جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا؛ خداوند جزای خیرت عطا کند، سپاس و تشکر خود را به بهترین وجهی ادا کرده است»^۱.

۸۵۸- وَعَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَدْعُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَلَا تَدْعُوا عَلَى أَوْلَادِكُمْ، وَلَا تَدْعُوا عَلَى أَمْوَالِكُمْ، لَا تُؤَافِقُوا مِنَ اللَّهِ سَاعَةً يُسْأَلُ فِيهَا عَطَاءٌ، فَيَسْتَجِيبَ لَكُمْ». رواه مسلم.

۸۵۸. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به ضرر خود و اولاد و اموالتان دعا نکنید، مبدا آن دعا با ساعتی همراه شود که ساعت اجابت دعا از طرف خداست و دعای بد شما هم در آن ساعت قبول شود»^۲.

۸۵۹- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يُسْتَجَابُ لِأَحَدِكُمْ مَا لَمْ يَعْجَلْ: يَقُولُ: قَدْ دَعَوْتُ رَبِّي، فَلَمْ يَسْتَجِبْ لِي». متفقٌ عليه.

۱- ترمذی [(۲۰۳۶)] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۹۲۰)].

وفي رواية لمسلم: «لا يزال يُسْتَجَابُ لِلْعَبْدِ مَا لَمْ يَدْعُ بِإِثْمٍ، أَوْ قَطِيعَةٍ رَحِمٍ، مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ» قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الِاسْتِعْجَالُ؟ قَالَ: «يَقُولُ: قَدْ دَعَوْتُ، وَقَدْ دَعَوْتُ فَلَمْ أَرِ يَسْتَجِيبُ لِي، فَيَسْتَحْسِرُ عِنْدَ ذَلِكَ، وَيَدْعُ الدُّعَاءَ».

۸۵۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دعای هر کدام از شما قبول می شود، مادامی که عجله نکند؛ بگوید: به درگاه خدا دعا کردم و از من قبول نشد»^۱.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «همیشه از بنده دعا قبول می شود مادامی که مضمون دعای او گناه یا قطع رحم نباشد و عجله نکند»، گفته شد: ای رسول خدا! عجله چیست؟ فرمودند: «عجله آن است که بگوید: دعا کردم و دعا کردم و ندیدم که خداوند دعای من را قبول کند، بعد می بُرد و ناامید می شود و دعا کردن را ترک می کند».

۸۶۰- وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ؟ قَالَ: «جَوْفَ اللَّيْلِ الْآخِرِ، وَذُبُرَ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۸۶۰. از ابوامامه - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: (ای رسول خدا!) چه دعایی بهتر مورد قبول واقع می شود؟ فرمودند: «(دعای) نیمه‌ی آخر شب و (دعای) پس از نمازهای فرض»^۲.

۸۶۱- وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّامِتِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا عَلَى الْأَرْضِ مُسْلِمٍ يَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى بِدَعْوَةٍ إِلَّا آتَاهُ اللَّهُ إِيَّاهَا، أَوْ صَرَفَ عَنْهُ مِنَ الشُّؤْمِ مِثْلَهَا. مَا لَمْ يَدْعُ بِإِثْمٍ، أَوْ قَطِيعَةٍ رَحِمٍ» فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: إِذَا نُكْثِرُ. قَالَ: «اللَّهُ أَكْثَرُ». رواه الترمذي وقال حديث حسن صحيح: وَرَوَاهُ الْحَاكِمُ مِنْ رِوَايَةِ أَبِي سَعِيدٍ وَزَادَ فِيهِ: «أَوْ يَدَّخِرَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَهَا».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۳۴۰)، م (۲۷۳۵)].

۲- ترمذی [۳۴۹۴] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۸۶۱. از عباده بن صامت - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر مسلمانی در زمین به درگاه خدا دعایی بکند، قطعاً خداوند خواسته‌ی او را عطا یا به اندازه‌ی آن، بدی را از او دور می‌کند، به شرطی که در دعا، گناه یا قطع رحمی نباشد»، مردی از آن گروه گفت: بنابراین، ما از این پس بیشتر دعا خواهیم کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(قبول و رحم) خداوند بیشتر است»؛ حاکم نیز آن را از ابوسعید رضی الله عنه روایت کرده و اضافه کرده است: «یا خداوند پاداشی مانند آن را برای او ذخیره می‌کند»^۱.

۸۶۲- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ الْكَرْبِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ» متفقٌ عليه.

۸۶۲. از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله موقع مشکلات، می‌فرمودند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ: هیچ خدایی جز خدای یکتا نیست که بسیار با عظمت و صاحب حلم است، هیچ خدایی جز خدای یکتا نیست که پروردگار عرش عظیم است، هیچ خدایی جز خدای یکتا نیست و پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار عرش کریم است»^۲.

۱- ترمذی [(۳۶۰۲)] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۳۴۵)، م (۲۷۳۰)].

۲۴۵- باب کرامات الأولیاء وفضلهم

باب کرامات اولیا و فضیلت آنها

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

(یونس / ۶۲-۶۴)

«هان! بی گمان دوستان خداوند، ترسی بر آنان نیست و غمگین نمی گردند؛ آن کسانی که ایمان آورده اند و تقوا پیشه کرده اند؛ برای آنان در دنیا و در آخرت بشارت است، سخنان خدا تخلف ناپذیر است، این همان کامیابی و رستگاری بزرگ است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَهَزَىٰ إِلَيْكَ بِجُذْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا ﴿٢٥﴾ فَكُلِي وَاشْرَبِي﴾

(مریم / ۲۵-۲۶)

و خطاب به مریم علیها السلام هنگام وضع حمل می فرماید: «تنه‌ی خرما را به طرف خود بجنبان، تا خرمای نارس دستچینی بر تو فرو بارد؛ پس بخور و بیاشام».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَمْرِئُ أَنَّىٰ لَكَ هَٰذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾

(آل عمران / ۳۷)

«هرگاه که زکریا داخل عبادتگاه او (مریم) می شد، غذایی را در پیش او می یافت؛ به او گفت: ای مریم! این از کجا برای تو می آید؟! گفت: این از سوی خدا می آید، خداوند به هر کس که بخواهد، بی حساب و شمار روزی می دهد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَإِذْ أَعْرَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْدَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرفَقًا ۝ وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرَّبُ بِهِمْ ذَاتَ الشِّمَالِ ۝﴾

(کهف / ۱۶-۱۷)

«و چون از این قوم و از چیزهایی که به جز خدا می پرستند، کناره گیری کردید پس به غار پناهنده شوید تا پروردگارتان رحمتش را بر شما بگستراند و وسایل رفاه و رهایی شما را از این کار که در پیش دارید، مهیا و آسان سازد. خورشید را می دیدی که به هنگام طلوع، به طرف راست غارشان می گرایید و به هنگام غروب، آنان را به سوی طرف چپشان ترک می کرد».

۸۶۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَقَدْ كَانَ فِيمَا قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ نَاسٌ مُحَدِّثُونَ، فَإِنْ يَكُ فِي أُمَّتِي أَحَدٌ، فَإِنَّهُ عُمَرُ» رواه البخاري، ورواه مسلم من رواية عائشة، وفي روايتهما قال ابن وهب: «مُحَدِّثُونَ» أي: مُلْهُمُونَ.

۸۶۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در بین مردمان پیش از شما، مردانی وجود داشتند که (از عالم غیب) به آنها الهام و سخن گفته می شد، و اگر یک نفر از این قبیل در امت من باشد، آن یک نفر عمر رضی الله عنه است»^۱.

۱- بخاری [۳۶۹۸] روایت کرده و مسلم [۲۳۹۸] از روایت حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت کرده و در روایت هر دو آمده است که «ابن وهب» گفت: «محدثون»: یعنی کسانی که به آنها الهام می شود.

۸۶۴- وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: لَمَّا حَضَرَتْ أُحُدٌ دَعَانِي أَبِي مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ: مَا أَرَانِي إِلَّا مَقْتُولًا فِي أَوَّلِ مَنْ يُقْتَلُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَإِنِّي لَا أَتْرُكُ بَعْدِي أَعَزَّ عَلَيَّ مِنْكَ غَيْرِ نَفْسِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَإِنِّي عَلَى دِينَا فَأَقْضِ، وَاسْتَوْصِ بِأَخَوَاتِكَ خَيْرًا: فَأَصْبَحْنَا، فَكَانَ أَوَّلَ قَتِيلٍ، وَدَفَنْتُ مَعَهُ آخَرَ فِي قَبْرِهِ، ثُمَّ لَمْ تَطْلُبْ نَفْسِي أَنْ أَتْرُكَهُ مَعَ آخَرَ، فَاسْتَخَرَجْتُهُ بَعْدَ سِتَّةِ أَشْهُرٍ، فَإِذَا هُوَ كَيَوْمَ وَضَعْتُهُ غَيْرَ أَذْنِهِ، فَجَعَلْتُهُ فِي قَبْرِ عَلِيٍّ حِدَةً. رواه البخاري.

۸۶۴. از جابر بن عبدالله - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: وقتی جنگ احد شد، پدرم شب مرا خواست و گفت: خود را در میان نخستین مردانی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله که کشته می‌شوند، می‌بینم و من جز شخص پیامبر صلی الله علیه و آله عزیزتر از تو را ندارم و کسی را بعد از خود به جا نمی‌گذارم، قرضی بر گردن من است، آن را ادا کن و سفارش خیر مرا نسبت به خواهرانت پذیرا باش. چون صبح کردیم، او اولین شهید بود و یکی دیگر را با او در قبرش دفن کردم، سپس دلم راضی نشد که او را با دیگری بگذارم و بعد از گذشت شش ماه او را بیرون آوردم و او را همانند همان روز که به خاکش سپرده بودم، یافتم، جز گوشش، بعد او را در قبر جداگانه‌ای دفن کردم.^۱

۸۶۵- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَجُلَيْنِ مِنَ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَا مِنْ عِنْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي لَيْلَةٍ مُظْلِمَةٍ وَمَعَهُمَا مِثْلُ الْمِصْبَاحَيْنِ بَيْنَ أُيْدِيهِمَا، فَلَمَّا افْتَرَقَا، صَارَ مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا وَاحِدٌ حَتَّى أَتَى أَهْلَهُ.

رواه البخاري مِنْ طَرِيقٍ، وَفِي بَعْضِهَا أَنَّ الرَّجُلَيْنِ أُسَيِدُ بْنُ حُضَيْرٍ، وَعَبَّادُ بْنُ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا.

۸۶۵. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: دو مرد از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله شبی تاریک از حضورش بیرون آمدند و همراه و پیشاپیش آنها، دو نور مانند دو

چراغ موجود بود؛ وقتی از هم جدا شدند، با هر کدام، یکی از آن دو نور باقی ماند تا به میان خانواده‌اش رسید.^۱

۸۶۶- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: مَا سَمِعْتُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ لَشَيْءٍ قَطُّ: إِنِّي لِأُظَنَّهُ كَذًا إِلَّا كَانَ كَمَا يَظُنُّ، رواه البخاري.

۸۶۶. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: هرگز از حضرت عمر -رضی الله عنه- نشنیدم که در مورد چیزی بگوید: گمان من در این مورد چنین است، جز این که آن چیز موافق گمان او می‌بود.^۲

۱- بخاری [(۴۶۵)] از چند طریق روایت کرده است و در بعضی از روایات آمده است که آن دو نفر

اسید بن حضیر و عباد بن بشر -رضی الله عنهما- بوده‌اند.

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۳۸۶۶)].

بخش هجدهم

کتاب کارهای نهی شده

۱۸- کتاب الأمور المنهي عنها

۲۴۶- باب تحریم الغيبة والأمر بحفظ اللسان

باب تحریم غیبت و امر به حفظ زبان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَتُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا

فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾ (الحجرات / ۱۲)

«یکی از شما دیگری را غیبت نکند، آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌ی خود را بخورد؟ یقیناً همه‌ی شما از مرده‌خواری بدتان می‌آید؛ از خدا پروا کنید، بی‌گمان خداوند بس توبه‌پذیر و مهربان است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ

كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (الأنعام / ۳۶)

«از چیزی دنباله‌روی نکن که از آن آگاهی نداری که بی‌گمان چشم و گوش و دل، همه مورد بازخواست و پرس‌وجو قرار می‌گیرد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ (ق / ۱۸)

«انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌راند، مگر این که فرشته‌ای مراقب و آماده‌ی دریافت و نوشتن آن سخن است».

اعْلَمْ أَنَّهُ يَنْبَغِي لِكُلِّ مُكَلَّفٍ أَنْ يَحْفَظَ لِسَانَهُ عَنْ جَمِيعِ الْكَلَامِ إِلَّا كَلَامًا ظَهَرَتْ فِيهِ الْمَصْلَحَةُ، وَمَنْ اسْتَوَى الْكَلَامُ وَتَزَكَّتْ فِي الْمَصْلَحَةِ، فَالْسُّنَةُ الْإِمْسَاكُ عَنْهُ، لِأَنَّهُ قَدْ يَنْجُرُ الْكَلَامُ الْمُبَاحَ إِلَى حَرَامٍ أَوْ مَكْرُوهٍ، وَذَلِكَ كَثِيرٌ فِي الْعَادَةِ، وَالسَّلَامَةُ لَا يَعْدِلُهَا شَيْءٌ.

بدان که برای هر شخص مکلف لازم است که زبانش را از تمام سخن‌ها نگاه دارد، جز کلامی که مصلحتش آشکار باشد و هرگاه صحبت کردن و سکوت کردن

مساوی بود، سنت است سکوت کند، زیرا گاهی کلام مباح به حرام یا مکروه منجر می‌شود و این در عرف و عادت زیاد است، اما هیچ چیز با سالم ماندن از گناه (به سبب سکوت) برابری نمی‌کند.

۸۶۷- وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ يَضْمَنْ لِي مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ أَضْمَنْ لَهُ الْجَنَّةَ». متفق عليه.

۸۶۷. از سهل به سعد - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که برای من، مابین دوگونه و دو پایش (زبان و عورت) را ضمانت کند، (غیبت و افترا و زنا و عمل خلاف نکند)، من برای او بهشت را ضمانت می‌کنم»^۱.

۸۶۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مَا يَتَّبِعُ فِيهَا يَزُلُّ بِهَا إِلَى النَّارِ أَوْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ». متفق عليه.

۸۶۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که او از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که می‌فرمودند: «بنده، سخنی بر زبان می‌آورد و در آن تفکر نمی‌کند، به وسیله‌ی آن به دوزخ می‌لغزد (و به قدری در آتش فرو می‌رود) که از فاصله‌ی مشرق و مغرب بیشتر است»^۲.

۸۶۹- وَعَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ بِلَالِ بْنِ الْحَارِثِ الْمُزَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ تَعَالَى مَا كَانَ يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ يَكْتُبُ اللَّهُ بِهَا رِضْوَانَهُ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَاهُ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ مَا كَانَ يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ يَكْتُبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا سَخَطَهُ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَاهُ». رواه مالك في «الموطأ» والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۸۶۹. از ابو عبد الرحمن بلال بن حارث مزنی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «گاهی مرد، سخنی از سخنان مورد رضای خداوند می‌گوید و

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۴۷۴)]. [مسلم آن را روایت نکرده است].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۶۴۷۷)، م (۲۹۸۸)].

گمان نمی‌کند که ارزش و ثواب آن سخن به آن درجه برسد که رسیده است و دارد و به خاطر آن، خداوند بهشت و خشنودی خود را برای وی می‌نویسد تا روزی که به لقاء الله برسد؛ و مردی، از سخنان مورد غضب خداوند سخنی می‌گوید و گمان نمی‌کند که بدی و عذاب آن سخن، به آن درجه برسد که رسیده است و دارد و به علت آن، خداوند غضبش را تا روز لقاء الله برای او می‌نویسد.^۱

۸۷۰- وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا النَّجَاةُ؟ قَالَ: «أَمْسِكْ عَلَيْكَ لِسَانَكَ، وَلَيْسَعَكَ بَيْتُكَ، وَأَبْكْ عَلَى خَطِيئَتِكَ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۸۷۰. از عقبه بن عامر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: ای رسول خدا! نجات در چیست؟ فرمودند: «زبان خود را از (گفتار بیهوده) حفظ کن و خانه‌ات گنجایش تو را داشته باشد (در خانه‌ی خود به عبادت بپرداز و از مردم بدکار کناره گیر) و بر گناهان خود گریه کن».^۲

۸۷۱- عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ وَيُبَاعِدُنِي عَنِ النَّارِ. قَالَ: «لَقَدْ سَأَلْتُ عَنْ عَظِيمٍ، وَإِنَّهُ لَيَسِيرٌ عَلَى مَنْ يَسْرَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ؛ تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ، وَتَحُجُّ الْبَيْتَ». ثُمَّ قَالَ: «أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى أَبْوَابِ الْخَيْرِ؟ الصَّوْمُ جَنَّةٌ، وَالصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ، وَصَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ». ثُمَّ تَلَا: ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ... حَتَّى بَلَغَ: ﴿يَعْمَلُونَ﴾. [السجدة: ۱۶-۱۷] ثُمَّ قَالَ: «أَلَا أُخْبِرُكَ بِرَأْسِ الْأَمْرِ وَعَمُودِهِ وَذُرْوَةِ سَنَامِهِ؟» قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: «رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ، وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ، وَذُرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ». ثُمَّ قَالَ: «أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَلَاكٍ ذَلِكَ كُلُّهُ؟» قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ وَقَالَ: «كُفَّ عَلَيْكَ هَذَا». قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، وَإِنَّا لَمُؤَاخِدُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ؟

۱- امام مالک در الموطأ [۹۸۵/۲] و ترمذی [۲۳۲۰] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- ترمذی [۲۴۰۸] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

فَقَالَ: «تَكَلِّتُكَ أُمُّكَ، وَهَلْ يَكُفُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ». رواه الترمذی، وقال: حديث حسن صحيح.

۸۷۱. از معاذ - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: گفتم: ای رسول خدا! مرا از عملی آگاه کن که مرا داخل بهشت کند و از آتش دور سازد، فرمودند: «به حقیقت از چیز بزرگی سؤال کردی و البته بر کسی که خدا آن را بر او سهل گرداند، آسان است؛ خدا را می پرستی و کسی یا چیزی را شریک او قرار نمی دهی، و نماز به پای می داری، و زکات می پردازی، و روزهی رمضان را می گیری، و حج بیت (الله) را به جای می آروی»، سپس گفت: آیا تو را به دروازه های نیکی، راهنمایی کنم؟ روزه، سیر است و صدقه و احسان، خطاها را خاموش می کند هم چنان که آب آتش را خاموش می نماید و نیز نماز نیمه شب» و سپس این دو آیه را تلاوت کرد:

﴿ تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿۱۶﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴾
(السجدة / ۱۶-۱۷)

«(یکی از صفات مؤمنان این است که شب) پهلوهایشان از بسترها دور می شود (و به عبادت پروردگار می پردازند) و پروردگار خود را با بیم و امید به فریاد می خوانند و از چیزهایی که به ایشان داده ایم، می بخشند. هیچ کس نمی داند در برابر کارهایی که (مؤمنان) انجام می دهند، چه چیزهای شادی آفرین و مسرت بخشی برای ایشان پنهان و آماده شده است».

سپس فرمودند: «آیا تو را از اساس کار و پایه و ستون و قسمت اعلای آن باخبر کنم؟ گفتم: بله، ای رسول خدا! فرمودند: «قسمت اعظم و رأس کار، اسلام و ستون آن، نماز و قسمت اعلای آن، جهاد است»، سپس فرمودند: «آیا تو را از اساس تمام این ها آگاه کنم؟» گفتم: بله، ای رسول خدا! زبانش را گرفت و فرمودند: «خود را از این حفظ کن»، گفتم: ای رسول خدا! آیا مگر ما در برابر آن چه تکلم می کنیم،

بازخواست می‌شویم؟ فرمودند: «مادرت به عزایت بنشیند! مگر جز محصولات زبان، چیزی دیگر مردم را بر صورت‌هایشان به داخل آتش می‌اندازد؟!»

۸۷۲- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «تَدْرُونَ مَا الْغَيْبَةُ؟» قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: «ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ» قِيلَ: أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَخِي مَا أَقُولُ؟ قَالَ: «إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدْ اغْتَبَتْهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدْ بَهَتْهُ» رواه مسلم.

۸۷۲. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «آیا می‌دانید غیبت چیست؟» گفتند: خدا و رسول او داناترند، فرمودند: «نام بردن از دوست به چیزی که او آن را ناخوش می‌دارد»، گفته شد: اگر صفتی را که می‌گویم در برادرم وجود داشت چه؟ فرمودند: «اگر آن صفت که می‌گویی در او وجود داشته باشد، او را غیبت کرده‌ای و اگر آن صفت در او نباشد، بر او افترا بسته‌ای»^۱.

۸۷۳- وعن أبي بكر رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال في خطبته يوم النحر بمِنَى في حَجَّةِ الْوَدَاعِ: «إِنَّ دِمَاءَكُمْ، وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا، أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ» متفق عليه.

۸۷۳. و از ابو بکره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و سلم در خطبه‌ی روز قربان در منی و حجه‌الوداع فرمودند: «خون‌ها و مال‌ها و آبرو و ناموس‌های شما (مسلمانان) بر شما (سایر مسلمانان) حرام است، مانند حرمت امروز و این شهر و این ماه‌تان، آیا (رسالت خود) را ابلاغ کردم؟!»^۲.

۸۷۴- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قُلْتُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: حَسْبُكَ مِنْ صَفِيَّةَ كَذَا وَكَذَا. قَالَ بَعْضُ الرِّوَاةِ: تَعْنِي قَصِيرَةً، فَقَالَ: «لَقَدْ قُلْتَ كَلِمَةً لَوْ مُزِجَتْ بِمَاءِ الْبَحْرِ لَمَزَجَتْهُ!» قَالَتْ: وَحَكَيْتُ لَهُ إِنْسَانًا فَقَالَ: «مَا أَحَبُّ أُنْيَ حَكَيْتُ إِنْسَانًا، وَإِنْ لِي كَذَا وَكَذَا». رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۸۹)].

۲- متفق علیه است؛ [(خ ۱۰۵)، م (۱۶۷۹)].

۸۷۴. از عایشه - رضی الله عنها - روایت است که فرمود: به پیامبر صلی الله علیه و آله در رابطه به صفیه گفتم: همین برایت کافی است که صفیه چنین و چنان است (چنین عیبی دارد) - بعضی از راویان گفته‌اند: منظورش کوتاهی قد صفیه بوده است - پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به حقیقت سخنی را بر زبان آوردی که اگر با آب دریا مخلوط شود، آن را تلخ و بدبو می‌نماید»، حضرت عایشه - رضی الله عنها - گفت: حرکت انسانی را برای ایشان تقلید کردم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دوست ندارم تقلید انسانی را درآورم و از او به حقارت یاد کنم، اگرچه مال بسیاری به من بدهند»^۱.

۸۷۵- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَمَّا غُرِجَ بِي مَرَرْتُ بِقَوْمٍ لَهُمْ أَطْفَارٌ مِنْ نُحَاسٍ يَخْمِشُونَ بِهَا وُجُوهَهُمْ وَصُدُورَهُمْ، فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جَبْرِيلُ؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ لُحُومَ النَّاسِ، وَيَقْعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ»، رواه أبو داود.

۸۷۵. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی مرا به معراج بردند، از کنار طایفه‌ای گذشتم که ناخن‌هایی از مس داشتند و با آن صورت و سینه‌ی خود را می‌خراشیدند، از جبرئیل علیه السلام پرسیدم: این‌ها کیستند؟ جواب داد: این‌ها کسانی هستند که گوشت مردم را می‌خورند (غیبت می‌کنند) و به دنبال عیوب مردم و بی‌آبرو کردن آنها می‌افتند»^۲.

۸۷۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ: دَمُهُ وَعَرَضُهُ وَمَالُهُ» رواه مسلم.

۸۷۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همه چیز یک فرد مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است: خونس، مالش و ناموشش»^۳.

۱- ابوداود [۴۸۷۵] و ترمذی [۲۵۰۴] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۲- ابوداود روایت کرده است؛ [۴۸۷۸].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۶۴].

۲۴۷- باب تحریم سماع الغيبة وأمر من سمع غيبة محرمة بردّها، والإنكار على قائلها فإن عجز أو لم يقبل منه فارق ذلك المجلس إن أمكنه
باب تحریم گوش دادن به غیبت و امر به رد کردن غیبت
حرام از طرف شنونده و انکار او بر گویندهی غیبت و اینکه اگر نتوانست یا سخن او را قبول نکردند، اگر ممکن بود، از آن مجلس برخیزد و جدا شود

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ﴾ (القصص / ۵۵)

«و هنگامی که (سخنان) یاوه بشنوند، از آن روی می گردانند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ (المؤمنون / ۳)

«و کسانی هستند که از (کار) بیهوده و (سخن) یاوه، روی می گردانند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾

(الأنعام / ۳۶)

«بی گمان چشم و گوش و دل، همه مورد بازخواست و پرس و جو

قرار می گیرد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ تَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى تَخُوضُوا فِي

حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ

الظَّالِمِينَ﴾ (الأنعام / ۶۸)

«وهرگاه دیدی کسانی به تمسخر و طعن در آیات (قرآنی) ما می‌پردازند، از آنان روی بگردان تا آن‌گاه که به سخن دیگری می‌پردازند و اگر شیطان از یاد تو برد، پس از به خاطر آوردن، با قوم ستمکار منشین».

۸۷۷- وعن أبي الدرداء رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «من ردَّ عن عِرْضِ أَخِيهِ، ردَّ الله عن وجهه النَّارَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۸۷۷. از ابودرداء - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس برای دفاع از آبروی دوستش، عیب‌جویی و غیبت از او را رد و منع کند، روز قیامت خداوند آتش را از روی او دور می‌کند».^۱

۸۷۸- وعن عتبان بن مالك رضي الله عنه في حديثه الطويل المشهور الذي تقدم في باب الرجاء قال: قام النبي صلى الله عليه وسلم يُصَلِّي فَقَالَ: «أَيْنَ مَالِكُ بْنُ الدُّخَشْمِ؟» فَقَالَ رَجُلٌ: ذَلِكَ مُنَافِقٌ لَا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَقُلْ ذَلِكَ، إِلَّا تَرَاهُ قَدْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يُرِيدُ بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ» متفق عليه.

۸۷۸. از عتبان بن مالک - رضی الله عنه - در حدیث طولانی و مشهور او که در باب رجاء^۲ گذشت، روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله برای نماز برخاست و فرمودند: «مالک بن دخشم کجاست؟» مردی گفت: او منافق است و خدا و رسول او را دوست ندارد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چنین مگو! مگر نمی‌دانی که او لا اله الا الله گفته، و از گفتن آن کلمه تنها رضای خدا را خواسته است؟»^۳.

۱- ترمذی [۱۹۳۲] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲- [حدیث شماره‌ی: ۴۱۷].

۳- متفق علیه است، [خ (۴۲۵)، م (۳۲)].

۲۴۸- باب بیان ما یُباح من الغیبة
باب بیان غیبتی که مباح است

۸۷۹- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَجُلًا اسْتَأْذَنَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «ائْذَنُوا لَهُ، يَنْسُ أَخُو الْعَشِيرَةِ؟» متفقٌ عليه.

اُخْتِجَ بِهِ الْبَخَارِيُّ فِي جَوَازِ غَيْبَةِ أَهْلِ الْفَسَادِ وَأَهْلِ الرَّيْبِ.

۸۷۹. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: مردی از پیامبر صلی الله علیه و آله طلب اجازه (برای ورود) کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند «به او اجازه دهید، بد برادری برای عشیره اش است!»^۱.

بخاری در جایز بودن غیبت اشخاص فاسد و محل تردید، به این حدیث استدلال کرده است.

۸۸۰- وَعَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا أَظُنُّ فُلَانًا وَفُلَانًا يَعْرِفَانِ مِنْ دِينِنَا شَيْئًا» رواه البخاري.

قال الليثُ بنُ سعدٍ، أحدُ رُوَاةِ هَذَا الْحَدِيثِ: هَذَانِ الرَّجُلَانِ كَانَا مِنَ الْمُتَافِقَيْنِ.

۸۸۰. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «گمان نمی‌کنم فلانی و فلانی، چیزی از دین ما بدانند»^۲.

لیث بن سعد یکی از راویان این حدیث گفته است: این دو نفر، از منافقان بودند.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۰۵۴)، م (۲۵۹۱)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۰۶۷)].

۸۸۱- وعن فاطمة بنت قيس رضي الله عنها قالت: أتيت النبي صلى الله عليه وسلم، فقلت: إن أبا الجهم ومعاوية خطباني؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أما معاوية، فصعلوك لا مال له، وأما أبو الجهم فلا يصنع العصا عن عاتقه». متفق عليه.

وفي رواية لمسلم: «وأما أبو الجهم فضراب للنساء» وهو تفسير لرواية: «لا يصنع العصا عن عاتقه» وقيل: معناه: كثير الأسفار.

۸۸۱. از فاطمه بنت قیس - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتم و گفتم: اباجهم و معاویه از من خواستگاری کرده اند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «معاویه فقیر است و مالی ندارد و اباجهم عصا را از شانهِی خود پایین نمی گذارد»^۱.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «اباجهم زیاد زنان را کتک می زند» و آن، تفسیر روایت «عصا را از شانهِاش پایین نمی گذارد» می باشد. و نیز گفته شده است که: معنی اش آن است که او زیاد مسافرت می کند.

۸۸۲- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: قالت هند امرأة أبي سفيان للنبي صلى الله عليه وسلم: إن أبا سفيان رجل شحيح وليس يعطيني ما يكفيني وولدي إلا ما أخذت منه، وهو لا يعلم؟ قال: «خذي ما يكفيك وولديك بالمعروف» متفق عليه.

۸۸۲. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: هند زن ابوسفیان در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: ابوسفیان مردی بخیل است و به اندازه ی کفایت من و پسرانم مخارج زندگی به من نمی دهد، جز آن مقدار که خودم از مال او برمی دارم و او نمی داند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مقداری را که برای تو و فرزندان کفایت می کند، با شیوه ی پسندیده بردار»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [م (۱۴۸۰)]. [بخاری آن را روایت نکرده است].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۳۵۹)، م (۱۷۱۴)].

۲۴۹- باب تحریم النمیمه وهی نقل الکلام بین الناس علی جهة الإفساد.

باب تحریم سخن چینی و آن نقل سخن بین مردم به قصد برهم زدن آنان است

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ ﴾ (قلم / ۱۱)

«(از) بسیار عیب جویی که دائماً سخن چینی می کند (پیروی نکن)».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴾ (ق / ۱۸)

«(انسان) هیچ سخنی را به زبان نمی گوید جز اینکه نزد آن [برای نوشتن و حفظش] نگهبانی آماده است».

۸۸۳- وَعَنْ حَدِيثِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ» متفقٌ عليه.

۸۸۳. از حدیفه - ﷺ - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «سخن چین داخل بهشت نمی شود»^۱.

۸۸۴- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِقَبْرَيْنِ فَقَالَ: «إِنَّهُمَا يُعَذَّبَانِ، وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ، بَلَى إِنَّهُ كَبِيرٌ: أَمَّا أَحَدُهُمَا، فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ، وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنْ بَوْلِهِ». متفقٌ عليه.

۸۸۴. از ابن عباس - رضی اللہ عنہما - روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ از کنار دو قبر گذشت و فرمودند: «این دو عذاب می شوند و به علت گناهی بزرگ هم عذاب

۱- متفقٌ عليه است؛ [خ (۶۰۵۵)، م (۱۰۵)].

داده نمی‌شوند، آری، بزرگ است؛ یکی از آنها سخن‌چینی می‌کرد و دیگری از ادرار استبرا نمی‌نمود (و در آن حجاب و نظافت را رعایت نمی‌کرد)»^۱.

۸۸۵- وعن ابن مسعود رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «ألا أُنبئكم ما العضة؟ هي النَّمِيمَةُ، القَالَةُ بَيْنَ النَّاسِ» رواه مسلم.

۸۸۵. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا شما را از عضه (بهتان و دروغ) خبر دهم؟ آن انداختن کینه و کثرت سخن‌چینی در بین مردم است»^۲.

۲۵۰. باب ذم ذی الوجهین

باب مذمت دورو

قال الله تعالى:

﴿يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا

يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا﴾ (النساء / ۱۰۸)

«[خیانت‌پیشگان خیانت خود را] از مردم پنهان می‌دارند، و [نمی‌توانند] از خدا پنهان نمایند، و خدا با آنان بود آن گاه که در جلسه مخفی شبانه، درباره طرح و نقشه و سخنی که خدا به آن رضایت نداشت، چاره‌اندیشی می‌کردند و خدا همواره به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد».

۸۸۶- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «تَجِدُونَ النَّاسَ مَعَادِنَ: خِيَارُهُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خِيَارُهُمْ فِي الْإِسْلَامِ إِذَا فَقُّهُوا، وَتَجِدُونَ خِيَارَ النَّاسِ فِي

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۱۶)، م (۲۹۲)]. آنچه در متن آمده، لفظ یکی از روایت‌های بخاری است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۰۶)].

هَذَا الشَّانِ أَشَدَّهُمْ لَهُ كَرَاهِيَةً، وَتَجِدُونَ شَرَّ النَّاسِ ذَا الْوَجْهِينِ، الَّذِي يَأْتِي هَؤُلَاءِ بِوَجْهِ هَؤُلَاءِ
بِوَجْهِ» متفقٌ عليه.

۸۸۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردم را هم چون معادن می‌یابید: بهترین آنها در جاهلیت، بهترین آنها در اسلام (هم) هست، وقتی که در دین آگاه می‌شوند و بهترین مردم را در این امر (خلافت و امارت) کسانی می‌یابید که برای قبول آن سخت کراهت دارند و بدترین مردم را شخص دورویی می‌یابید که در نزد اینان به وجهی برخورد می‌کنند و در نزد آنان به وجهی دیگر»^۱.

۸۸۷- وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدٍ أَنَّ نَاسًا قَالُوا لِحَدِّثِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: إِنَّا نَدْخُلُ عَلَى سُلَاطِينِنَا فَنَقُولُ لَهُمْ بِخِلَافِ مَا نَتَكَلَّمُ إِذَا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِهِمْ قَالَ: كُنَّا نَعُدُّ هَذَا نِفَاقًا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. رواه البخاري.

۸۸۷. از محمد بن زید روایت شده است که فرمود: عده‌ای به جدش عبدالله بن عمر - رضی الله عنه - گفتند: ما نزد پادشاهان خود می‌رویم و برخلاف آنچه که در غیابشان می‌گوییم، در حضورشان سخن می‌رانیم (این چگونه است؟) گفت: ما در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله این را نفاق به شمار می‌آوردیم.^۲

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۴۳۹)، م (۲۵۲۶)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۷۱۷۸)].

۲۵۱. باب تحریم الکذب
باب تحریم دروغگویی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الإسراء / ۳۶)

«از چیزی دنباله‌روی نکن که از آن آگاهی نداری.»

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ (ق / ۱۸)

«(انسان) هیچ سخنی را به زبان نمی‌گوید جز اینکه نزد آن [برای

نوشتن و حفظش] نگهبانی آماده است.»

۸۸۸- وعن ابن عباس رضي الله عنهما عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «مَنْ تَحَلَّمَ بِحُلْمٍ لَمْ يَرَهُ، كُلَّفَ أَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ وَلَنْ يَفْعَلَ، وَمَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ، صُبَّ فِي أُذُنِهِ الْإِنْتُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ صَوَّرَ صُورَةً غَضِبَ وَكُلِّفَ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا الرُّوحَ وَلَيْسَ بِنَافِخٍ» رواه البخاري.

۸۸۸. از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هرکس از روی دروغ ادعا کند که خوابی دیده در حالی که ندیده است، مکلف می‌شود که دو جو را با هم گره بزند و هرگز نمی‌تواند و کسی که به سخن دیگران گوش دهد، در حالی که آنان راضی نیستند، روز قیامت در دو گوش او سرب گداخته شده ریخته می‌شود و هرکس صورتی (انسان یا حیوان) را نقاشی کند، عذاب داده و مکلف می‌شود که روح در آن بدمد و هرگز نمی‌تواند در آن بدمد»^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [خ (۷۰۴۲)].

۸۸۹- وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «أفرى الفري أن يُرى الرجلُ عينيه ما لم تَرَيَا». رواه البخاري.

۸۸۹. از ابن عمر - رضي الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بدترین و بزرگترین افترا و دروغ آن است که مرد بگوید: چیزی را دیده‌ام، در حالی که هنوز دو چشم او آن را ندیده است»^۱.

۸۹۰- وعن سمرة بن جندب رضي الله عنه قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم ممّا يُكثِرُ أن يقول لأصحابه: «هل رأى أحدٌ منكم من رؤيا؟» فيقصُّ عليه من شاء الله أن يقصَّ، وإنه قال لنا ذات غداة: «إنه أتاني الليلة آتيان، وإنهما قالا لي: انطلق، وإنني انطلقتُ معهما، وإنا أتينا على رجل مضطجع، وإذا آخر قائم عليه بصخرة، وإذا هو يهوي بالصخرة لرأسه، فيلغ رأسه، فيتدّ هذه الحجرة ما هنا، فيتبع الحجرة فيأخذه فلا يرجع إليه حتى يصحَّ رأسه كما كان، ثم يعودُ عليه، فيفعلُ به مثل ما فعل المرة الأولى!». قال: «قلتُ لهما: سبحان الله! ما هذان؟ قالا لي: انطلق انطلق، فأنطلقنا، فأتينا على رجلٍ مُستلقٍ لِقَفاهُ، وإذا آخر قائم عليه بكتوبٍ من حديد، وإذا هو يأتي أحدَ شِقِّي وجهه فيشْرِشُرُ شِدْقَهُ إلى قَفاهُ، ومنخره إلى قَفاهُ، وعينه إلى قَفاهُ، ثم يتحوّل إلى الجانب الآخر، فيفعلُ به مثل ما فعل بالجانب الأول، فما يفرغ من ذلك الجانب حتى يصحَّ ذلك الجانب كما كان، ثم يعودُ عليه فيفعلُ مثل ما فعل في المرة الأولى». قال: «قلتُ: سبحان الله! ما هذان؟ قالا لي: انطلق انطلق، فأنطلقنا، فأتينا على مثلِ التَّنُورِ» فأحسبُ أنه قال: «فإذا فيه لَعَطٌ، وأصواتٌ، فأطلعنا فيه فإذا فيه رجالٌ ونساءٌ عراةٌ، وإذا هم يأتِيهم لَهَبٌ من أسفلٍ منهم، فإذا أتاهم ذلك اللهبُ صَوَّصُوا. قلتُ: ما هؤلاء؟ قالا لي: انطلق انطلق، فأنطلقنا، فأتينا على نهرٍ» حَسِبْتُ أنه كان يقول: «أحمرُّ مثلُ الدَّم، وإذا في النهرِ رجلٌ سابحٌ يسبحُ، وإذا على شَطِّ النهرِ رجلٌ قد جَمَعَ عنده حجارةٌ كثيرةٌ، وإذا ذلك السابحُ يسبحُ، ما يسبحُ، ثم يأتي ذلك الذي قد جَمَعَ عنده الحجارةَ، فيفغرُّ له فاهُ، فيلقمُه حَجْرًا، فينطلقُ فيسبحُ، ثم يرجعُ إليه، كُلَّمَا رَجَعَ إِلَيْهِ، فَعَرَّ لَهُ فاهُ، فألقمُه حَجْرًا، قلتُ لهما: ما هذان؟ قالا لي: انطلق انطلق، فأنطلقنا، فأتينا على رجلٍ كَرِيه المِرَّة، أو كَأَكْرَه ما أنتَ راءِ رجلاً مرأى، فإذا هو عنده نارٌ يحشُّها ويسعى حولها. قلتُ لهما: ما هذا؟ قالا لي: انطلق انطلق، فأنطلقنا، فأتينا على روضةٍ مُعَمَّمةٍ فيها من كلِّ نورٍ الرِّبيع، وإذا بينَ ظَهري الروضةِ رجلٌ طويلٌ لا أكادُ أرى رأسه طويلاً في السماء، وإذا حولُ

۱- بخاری روایت کرده است؛ [خ (۷۰۴۳)].

الرَّجُلِ مِنْ أَكْثَرِ وَلَدَانِ رَأَيْتُهُمْ قَطُّ، قُلْتُ: مَا هَذَا؟ وَمَا هَؤُلَاءِ؟ قَالَا لِي: انْطَلَقِ انْطَلَقْ، فَانْطَلَقْنَا، فَأَتَيْنَا إِلَى دَوْحَةٍ عَظِيمَةٍ لَمْ أَرْ دَوْحَةً قَطُّ أَعْظَمَ مِنْهَا، وَلَا أَحْسَنَ! قَالَا لِي: ارْزُقْ فِيهَا، فَارْتَقَيْنَا فِيهَا إِلَى مَدِينَةٍ مَبْنِيَّةٍ بِلَيْنٍ ذَهَبٍ وَلَبِنٍ فَضَّةٍ، فَأَتَيْنَا بَابَ الْمَدِينَةِ فَاسْتَفْتَحْنَا، فَفُتِحَ لَنَا فَدَخَلْنَاهَا، فَتَلَقَّانَا رَجَالٌ شَطْرَ مَنْ خَلَقَهُمْ كَأَحْسَنِ مَا أَنْتَ رَأَى! وَشَطْرَ مَنْهُمْ كَأَفْحٍ مَا أَنْتَ رَأَى! قَالَا لَهُمْ: اذْهَبُوا فَقَعُوا فِي ذَلِكَ النَّهْرِ، وَإِذَا هُوَ نَهْرٌ مُعْتَرِضٌ يَجْرِي كَأَنَّ مَاءَهُ الْمَحْضُ فِي الْبَيَاضِ، فَذَهَبُوا فَوَقَعُوا فِيهِ. ثُمَّ رَجَعُوا إِلَيْنَا قَدْ ذَهَبَ ذَلِكَ الشَّوْءُ عَنْهُمْ، فَصَارُوا فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ». قَالَ: «قَالَا لِي: هَذِهِ جَنَّةُ عَدْنٍ، وَهَذَاكَ مَنْزِلُكَ، فَسَمَّا بَصْرِي صُغْدًا، فَإِذَا قَصْرٌ مِثْلُ الرَّبَابَةِ الْبَيْضَاءِ، قَالَا لِي: هَذَاكَ مَنْزِلُكَ؟ قُلْتُ لَهُمَا: بَارَكَ اللَّهُ فِيكُمْ، فَذَرَانِي فَأَذْخُلُهُ. قَالَا لِي: أَمَّا الْآنَ فَلَا، وَأَنْتَ دَاخِلُهُ، قُلْتُ لَهُمَا: فَإِنِّي رَأَيْتُ مِنْذُ اللَّيْلَةِ عَجَبًا؟ فَمَا هَذَا الَّذِي رَأَيْتُ؟ قَالَا لِي: أَمَّا إِنَّا سَنُخْرِكَ: أَمَّا الرَّجُلُ الْأَوَّلُ الَّذِي أَتَيْتَ عَلَيْهِ يُنَلِّغُ رَأْسَهُ بِالْحَجَرِ، فَإِنَّهُ الرَّجُلُ يَأْخُذُ الْقُرْآنَ فَيَرْفُضُهُ، وَيَنَامُ عَنِ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ. وَأَمَّا الرَّجُلُ الَّذِي أَتَيْتَ عَلَيْهِ يُشْرِشِرُ شِدْقَهُ إِلَى قَفَاهُ، وَمِنْخَرَهُ إِلَى قَفَاهُ، وَعَيْنُهُ إِلَى قَفَاهُ، فَإِنَّهُ الرَّجُلُ يَغْدُو مِنْ بَيْتِهِ فَيَكْذِبُ الْكَذْبَةَ تَبْلُغُ الْآفَاقَ. وَأَمَّا الرَّجُلُ وَالنِّسَاءُ الْغُرَاءُ الَّذِينَ هُمْ فِي مِثْلِ بِنَاءِ التَّنُورِ، فَإِنَّهُمْ الرُّنَاةُ وَالزَّوَانِي، وَأَمَّا الرَّجُلُ الَّذِي أَتَيْتَ عَلَيْهِ يَسْبِخُ فِي النَّهْرِ، وَيَلْقُمُ الْحِجَارَةَ، فَإِنَّهُ أَكَلِ الرِّبَا، وَأَمَّا الرَّجُلُ الْكَرْبَةُ الْمَرْأَةُ الَّذِي عِنْدَ النَّارِ يَحْشُهَا وَيَسْعَى حَوْلَهَا، فَإِنَّهُ مَالِكٌ خَازِنٌ جَهَنَّمَ، وَأَمَّا الرَّجُلُ الطَّوِيلُ الَّذِي فِي الرُّوضَةِ، فَإِنَّهُ إِبْرَاهِيمَ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-، وَأَمَّا الْوَلَدَانِ الَّذِينَ حَوْلَهُ، فَكُلُّ مَوْلُودٍ مَاتَ عَلَى الْفِطْرَةِ».

وفي رواية البرقاني: «وُلِدَ عَلَى الْفِطْرَةِ» فَقَالَ بَعْضُ الْمُسْلِمِينَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَأَوْلَادُ الْمُشْرِكِينَ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَأَوْلَادُ الْمُشْرِكِينَ، وَأَمَّا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَانُوا شَطْرَ مَنْهُمْ حَسَنًا، وَشَطْرَ مَنْهُمْ قَبِيحًا، فَإِنَّهُمْ قَوْمٌ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا، تَجَاوَزَ اللَّهُ عَنْهُمْ». رواه البخاري.

۸۹۰. از سمره بن جندب - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از چیزهایی که زیاد تکرار می فرمود، این بود که از اصحاب رضی الله عنهم سؤال می کرد: «آیا یکی از شما خوابی دیده است؟» و هر کسی که خدا اراده می کرد، خوابش را برای پیامبر صلی الله علیه و آله تعریف می کرد و یک صبح برای ما فرمودند: «امشب در خواب دو نفر پیش من آمدند و مرا بیدار کردند و به من گفتند: برو، من با آنان رفتم و رفتیم تا به مردی خوابیده رسیدیم که مرد دیگری با سنگی بر سر او ایستاده بود و سنگ را به

سوی سرش پرتاب می کرد و سرش را می شکست و می ترکاند و سنگ به پایین سرش فرو می غلتید و آن شخص به دنبال سنگ می رفت و آن را برمی داشت ولی هنوز پیش مرد خوابیده بازنگشته بود که سر او خوب می شد و وی دوباره پیش می رفت و همان کاری را که بار اول کرده بود، بر سرش تکرار می کرد» پیامبر ﷺ فرمودند: «به آن دو نفر که مرا با خود بردند، گفتم: سبحان الله! این دو چیستند؟ به من گفتند: برو، برو! رفتیم و از کنار مرد دیگری عبور کردیم که بر پشت و گردن افتاده و مردی دیگر با گیره و قلابی آهنی بر بالای سر او ایستاده بود و آن را در یک طرف صورتش فرو می برد و کنج دهان و بینی و چشم او را می کند و می برید و به طرف دیگر صورتش می آمد و مثل طرف اول با آن رفتار می کرد و هنوز از این طرف فارغ نشده بود که طرف اول به حالت قبل برمی گشت و سالم می شد، سپس دوباره به سر او برمی گشت و کار او مثل بار اول تکرار می نمود»؛ پیامبر ﷺ فرمودند: «گفتم: سبحان الله! این دو چیستند؟ آن دو نفر به من گفتند: برو، برو! رفتیم و به چیز تنورمانندی رسیدیم» راوی می گوید: چنان به نظر می رسد که پیامبر ﷺ فرمودند: «که در آن سر و صدا و داد و فریادی بود، ما بر سر آن رفتیم و دیدیم که در آن، مردان و زنانی لخت بودند و شراره‌ی فروزان آتش از پایین آنها به طرفشان شعله می کشید و وقتی که آن شراره شعله می کشید و به آنها می رسید، فریاد می کشیدند؛ گفتم: اینان کیستند؟ آن دو نفر گفتند: برو! برو! رفتیم تا به رودی رسیدیم» گمان می کنم که پیامبر ﷺ فرمودند: «که (آب آن) مانند خون، قرمز بود، دیدم که در آن مردی شناگر شنا می کرد و بر ساحلش مردی بود که سنگ زیادی را نزد خود جمع کرده بود و دیدم که آن شناگر مقداری شنا می کرد و سپس پیش آن مرد که سنگ جلو دستش جمع کرده بود، می آمد و (شناگر) دهان خود را برای او می گشود و آن مرد سنگی به دهان او می انداخت و می رفت و دوباره به شنا می پرداخت و سپس به طرف مرد باز می گشت و هر بار که به طرف او باز می گشت، دهانش را برای او باز می نمود و این یک سنگ در دهانش می گذاشت؛ به آنها گفتم: این دو نفر کیستند و چه کار می کنند؟ در جواب گفتند: برو، برو! رفتیم و به مردی زشت چهره که چهره‌اش در زشتی، مانند زشت‌ترین منظر یک مرد بود که تو

مشاهده می‌کنی و دیدم که پیش او آتشی بود که خود آن را برمی‌افروخت و به دورش می‌چرخید؛ به آن دو گفتم: این چیست؟ به من گفتند: برو، برو! رفتیم تا به بوستانی پوشیده از سبزه و گیاه پرپشت رسیدیم که در آن از هر نوع گل و غنچه‌ی بهاری وجود داشت و در وسط باغ، مردی بلندقد بود که از بلندی قدش نزدیک بود نتوانم سر او را در کمان بینم و در اطراف او پسران بسیار زیادی بودند که پسرانی به بسیاری آنها هرگز ندیده‌ام، پرسیدم: این مرد کیست و این پسران کیستند؟ به من گفتند: برو، برو! و رفتیم تا به درختی بسیار بزرگ رسیدیم که بزرگتر و زیباتر از آن درخت ندیده بودم. بمن گفتند: از این درخت بالا برو و از آن به طرف شهری بنا شده از خشتی طلا و خشتی نقره بالا رفته، به سوی دروازه‌ی آن شهر رفتیم و درخواست باز کردن در را نمودیم، در به رویمان باز شد و به آن وارد شدیم، مردانی با ما برخورد کردند که قسمتی از آفرینش آنان در بهترین صورت و قسمتی از آن در بدترین صورتی که دیده‌اید، بود، آن دو نفر به ایشان گفتند: بروید و به آن رود داخل شوید و دیدم که رودی پهن در آن‌جا جریان دارد و آبش در سفیدی، مانند شیر بود، آنها رفتند و در آن رود داخل شدند و سپس نزد ما برگشتند و آن زشتی چهره‌ی ایشان برطرف شده بود و در بهترین صورت و زیبایی قرار گرفته بودند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آن دو نفر به من گفتند: این شهر، بهشت ابدی و آن، منزل توست؛ چشم من به طرف بالا رفت و نگاه کردم، قصری دیدم مثل ابر سفید؛ آن دو به من گفتند: این منزل توست! به ایشان گفتم: خداوند شما را برکت دهد! بگذارید در آن داخل شوم، گفتند: حالا نه، و تو در آینده داخل آن می‌شوی.

به ایشان گفتم: من از اول شب تا به حال چیزهای عجیب دیدم، این‌ها چه بودند که دیدم؟ گفتند: ما حالا تو را آگاه می‌کنیم:

مرد اولی که از کنار او گذشتی و سرش را با سنگ می‌شکستند، مردی است که قرآن را فرا می‌گیرد و حفظ می‌کند و سپس ترکش می‌کند و از یاد می‌برد و به جای انجام دادن نماز واجب، در زمان آن می‌خوابد و اما آن مرد که با گیره و قلابی آهنی، گونه و بینی و چشمش را می‌کنند و می‌بریدند، مردی است که صبح از

منزلش خارج می شود و دروغ می گوید و آن دروغ به اطراف پراکنده می شود؛ و اما مردان و زنان لختی که در جایی مثل تنور بودند، مردان و زنان زناکار بودند؛ و مردی که او را دیدی در رود شنا می کرد و سنگ به او می خوراندند، رباخوار بود؛ و مرد بدشکل و کریه المنظری که نزد آتش بود و آن را می افروخت و دور آن می گشت، او مالک، خازن دوزخ بود و مرد بلند قدی که در باغ بود، ابراهیم علیه السلام بود و پسرانی که اطراف او بودند نوزادان و خردسالانی هستند که هنگام کودکی، بر فطرت مرده اند.

و در روایت برقانی آمده است: «آن پسران، بچه هایی بودند که بر فطرت پاک متولد شده اند». بعضی از اصحاب رضی الله عنهم به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: ای رسول خدا! اولاد مشرکین نیز چنین اند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بله، اولاد مشرکین نیز همان گونه می باشند؛ و جماعتی که قسمتی از بدن آنها زیبا و قسمتی زشت بود، کسانی هستند که عمل صالح و نیکو را با عمل بد مخلوط می نمایند که خداوند از گناه آنان گذشت و صرف نظر فرمود»^۱.

(به حدیث شماره: ۳۶ و ۴۰۶ مراجعه شود).

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۷۰۷۴].

۲۵۲. باب الحث علی التثبت فیما یقوله ویحکیه
باب تشویق به باور داشتن و اطمینان شخص در آن چه
می گوید یا از دیگران بازگو می کند

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الإسراء / ۳۶)

«از چیزی دنباله روی نکن که از آن آگاهی نداری».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ (ق / ۱۸)

«(انسان) هیچ سخنی را به زبان نمی گوید جز اینکه نزد آن [برای نوشتن و حفظش] نگهبانی آماده است».

۸۹۱- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «كفى بالمرء كذباً أن يحدث بكل ما سمع» رواه مسلم.

۸۹۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای دروغگویی انسان همین کافی است که هرچه را که شنیده است، (برای مردم) بازگو کند»^۱.

۸۹۲- وعن سمرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من حدث عني بحديث يرى أنه كذب، فهو أحد الكاذبين» رواه مسلم.

۸۹۲. از سمره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکسی حدیثی را از من بازگو نماید که گمان می برد دروغ است، او خود یکی از دروغگویان محسوب میشود»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۵)].

۸۹۳- وعن أسماء رضي الله عنها أن امرأة قالت: يا رسول الله، إن لي ضرة فهل علي جناح إن تشبعت من زوجي غير الذي يعطيني؟ فقال النبي صلى الله عليه وسلم: «المُتَشَبِّعُ بما لم يُعطَ كلابس ثوبي زورٍ» متفق عليه.

۸۹۳. از اسماء - رضی الله عنها - روایت شده است که زنی گفت: ای رسول خدا! من هوویی دارم، آیا بر من گناهی است که (پیش او) خود را از آن چه که شوهرم به من عطا می کند، سیرتر نشان دهم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «انسان خودنما به چیزی که به او داده نشده و ندارد، مانند پوشندهی دو لباس ناحق (ریا و دروغ) است»^۲.

۲۵۳. باب بیان غلط تحریم شهاده الزور
باب بیان شدت تحریم شهادت دروغ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَحْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ (حج / ۳۰)

«از گفتن دروغ و افترا بپرهیزید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الإسراء / ۳۶)

«از چیزی دنباله روی نکن که از آن آگاهی نداری».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ (ق / ۱۸)

«(انسان) هیچ سخنی را به زبان نمی گوید جز اینکه نزد آن [برای

نوشتن و حفظش] نگهبانی آماده است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ (الفجر / ۱۴)

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۹/۱)].

۲- متفق علیه. [خ (۵۲۱۹)، م (۲۱۳۰)].

«همانا خدای تو در کمین (و مراقب اعمال) شماست».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ﴾ (الفرقان / ۷۲)

«آنان (مؤمنان) کسانی هستند که شهادت دروغ نمی‌دهند».

(به حدیث شماره: ۲۱۸ مراجعه شود).

۲۵۴. باب تحریم لعن انسان بعینه أو دابة

باب تحریم لعن انسان مشخص یا حیوان

۸۹۴- عن أبي زيد ثابت بن الضحَّاك الأنصاري رضي الله عنه، وهو من أهل بيعة الرضوان قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ بِمَلَّةٍ غَيْرِ الْإِسْلَامِ كَاذِبًا مُتَعَمِّدًا، فَهُوَ كَمَا قَالَ، وَمَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ، عَذَّبَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَيْسَ عَلَى رَجُلٍ نَذْرٌ فِيمَا لَا يَمْلِكُهُ، وَلَعْنُ الْمُؤْمِنِ كَقَتْلِهِ». مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۸۹۴. از ابوزید ثابت بن ضحاک انصاری - رضی اللہ عنہ - که از اهل بیعت الرضوان است، روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هرکس به دروغ و بدون اعتقاد و از روی عمد، بر دینی غیر از اسلام سوگند بخورد، (مانند این که بگوید: اگر فلان کار را کردم، به خدا یهودی هستم یا...)، او همان‌طور که گفته، است. و هرکس با چیزی خود را بکشد، در روز قیامت با همان‌چیز عذاب داده می‌شود؛ و ادای نذر شخص در چیزی که ملک او نیست، واجب نیست؛ و لعن شخص مؤمن، مانند قتل اوست»^۱.

۸۹۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لَا يَنْبَغِي لِصِدِّيقٍ أَنْ يَكُونَ لَعَانًا» رواه مسلم.

۱- متفق عليه. [خ (۶۰۴۴)، م (۱۱۰)].

۸۹۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شایسته نیست که مسلمان صادق، لعنت کننده باشد»^۱.

۸۹۶- وعن أبي الدرداء رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا يكون اللعان شفعاء، ولا شهداء يوم القيامة». رواه مسلم.

۸۹۶. از ابودارداء - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لعن و نفرین کنندگان در قیامت نه شفیع خواهند بود و نه شاهد»^۲.

۸۹۷- وعن سمره بن جندب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا تلاعنوا بلعنة الله، ولا بغضبه، ولا بالنار» رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديث حسن صحيح.

۸۹۷. از سمره بن جندب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «همدیگر را به لعنت خدا و غضب او و آتش دوزخ، نفرین نکنید»^۳.

۸۹۸- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «ليس المؤمن بالطعان، ولا اللعان، ولا الفاحش، ولا البذي». رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۸۹۸. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مؤمن طعنه زن نفرین کننده، دشنام دهنده و ناسزاگو و بی حیا نیست»^۴.

۸۹۹- وعن أبي الدرداء رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إنَّ العبد إذا لعن شيئاً، صعدت اللعنة إلى السماء، فتغلق أبواب السماء دونها، ثم تهبط إلى الأرض،

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۹۷].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۹۸].

۳- ابوداود [۴۹۰۶] و ترمذی [۱۹۷۷] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۴- ترمذی [۱۹۷۸] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

فَتَغْلِقُ أَبْوَابَهَا دُونَهَا، ثُمَّ تَأْخُذُ يَمِينًا وَشِمَالًا، فَإِذَا لَمْ تَجِدْ مَسَاعًا رَجَعَتْ إِلَى الَّذِي لَعِنَ، فَإِنْ كَانَ أَهْلًا لِلذِّكْرِ، وَإِلَّا رَجَعَتْ إِلَى قَاتِلِهَا» رواه أبو داود.

۸۹۹. از ابودرداء - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی که شخص چیزی را لعنت کرد، آن لعنت به آسمان می‌رود و درهای آسمان بر او بسته می‌گردد و دوباره به زمین می‌آید، درهای زمین نیز بر او مسدود می‌شود، بعد به سمت چپ و راست می‌رود تا راهی بیابد و وقتی راه خروج نیافت، به کسی که لعنت شده است، باز می‌گردد، اگر سزاوار آن باشد (شامل وی می‌شود) و اگر سزاوار نباشد، به شخص لعنت‌کننده باز می‌گردد»^۱.

۹۰۰- وعن أبي برزة نضلة بن عبيد الأسلمي رضي الله عنه قال: بينما جارية على ناقية عليها بعض متاع القوم. إذ بصرت بالنبي صلى الله عليه وسلم، وتضايق بهم الجبل فقالت: حل، اللهم العنهما. فقال النبي صلى الله عليه وسلم: «لا تضاجبنا ناقية عليها لعنة». رواه مسلم.

وَإِغْلَمَ أَنَّ هَذَا الْحَدِيثَ قَدْ يُسْتَشْكَلُ مَعْنَاهُ، وَلَا إِشْكَالَ فِيهِ، بَلِ الْمُرَادُ النَّهْيُ أَنْ تُصَاحِبَهُمْ تِلْكَ النَّاقَةُ، وَلَيْسَ فِيهِ نَهْيٌ عَنْ بَيْعِهَا وَذَبْحِهَا وَرُكُوبِهَا فِي غَيْرِ صُحْبَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بَلْ كُلُّ ذَلِكَ وَمَا سِوَاهُ مِنَ التَّصَرُّفَاتِ جَائِزٌ لَا مَنَعَ مِنْهُ، إِلَّا مِنْ مُصَاحَبَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِهَا؛ لِأَنَّ هَذِهِ التَّصَرُّفَاتِ كُلَّهَا كَانَتْ جَائِزَةً فَمَنَعَ بَعْضُ مِنْهَا، فَبَقِيَ الْبَاقِي عَلَى مَا كَانَ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

۹۰۰. از ابو برزه نضله بن عبید اسلمی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: (در یک سفر) دختر جوانی سوار بر شتر بود - که بعضی از وسایل قوم نیز بر پشت آن بود - ناگاه چشمش به پیامبر صلی الله علیه و آله افتاد (و از شرم حضور پیامبر صلی الله علیه و آله دست و پای خود را گم کرد و از هدایت شتر باز ماند و شترش ایستاد و سستی کرد و راه) کوه بر آنها تنگ شد، دختر شتر را نهیب زد و گفت: حل! خدایا لعنتش کن! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شتری که بر او لعنت هست، با ما همراهی نکند»^۲.

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [۴۹۰۵].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۵۹۶].

بدان که این حدیث معنیش مشکل می‌نماید در صورتی که اشکالی در آن نیست؛ زیرا مقصود از نهی از مصاحبت با آن شتر، برای آن جماعت است و در خرید و فروش و ذبح آن و نیز سوار شدن بر آن در غیر همراهی با پیامبر ﷺ نهی نشده است، بلکه تمام آنها و غیر آنها از دخالت‌ها و تصرفات، جایز است و مانعی نیست مگر از همراه کردن آن با پیامبر ﷺ؛ زیرا این تصرفات به طور کلی جایز است و بعضی از آنها منع شده و بقیه‌ی تصرفات به حال خود باقی است - و خداوند آگاه‌تر است.

۲۵۵- باب جواز لَعْن بعض أصحاب المعاصی غیر الْمُعَيَّنِينَ
باب جواز لعن گناهکاران بدون تعیین اشخاص

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ (هود / ۱۸)

«هان! لعنت خدا بر ستمگران باد!».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ (الأعراف / ۴۴)

«ندا دهنده‌ای در میان‌شان ندا در می‌دهد که: لعنت خدا بر ستمگران

باد!».

وَتَبَتْ فِي الصَّحِيحِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ الْوَاصِلَةَ وَالْمُسْتَوْصِلَةَ». وَأَنَّهُ قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ آكِلَ الرِّبَا». وَأَنَّهُ لَعَنَ الْمُصَوِّرِينَ، وَأَنَّهُ قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَيَّرَ مَنَارَ الْأَرْضِ» أَيْ خُدُودَهَا، وَأَنَّهُ قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ السَّارِقَ يَسْرِقُ الْبَيْضَةَ»، وَأَنَّهُ قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَعَنَ وَالِدَيْهِ»، وَ «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ»، وَأَنَّهُ قَالَ: «مَنْ أَخَذَتْ فِيهَا حَدَثًا أَوْ آوَى مُحَدَّثًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ»، وَأَنَّهُ قَالَ: «اللَّهُمَّ الْعَن رِعْلًا، وَذَكْوَانَ، وَعُصَيَّةَ: عَصَا اللَّهِ وَرَسُولَهُ». وَهَذِهِ ثَلَاثُ قَبَائِلَ مِنَ الْعَرَبِ. وَأَنَّهُ قَالَ: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ»، وَأَنَّهُ «لَعَنَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَالْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ

النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ». وَجَمِيعُ هَذِهِ الْأَلْفَاظِ فِي الصَّحِيحِ؛ بَعْضُهَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ، وَبَعْضُهَا فِي أَحَدِهِمَا.

در حدیث صحیح ثابت شده و آمده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند زنی را که موی سر دیگری را به موی خود پیوند می‌دهد و زنی که از دیگری تقاضای پیوند نمودن موی می‌کند، لعنت کند». و نیز فرمودند: «خداوند رباخوار را لعنت کند» و نیز پیامبر ﷺ تصویرگران (نقاشانی که صورت انسان یا حیوان را نقش کنند و یا مجسمه می‌سازند) را لعنت نمود؛ و هم‌چنین فرمودند: «لعنت خدا بر کسی باد که حدود زمین را تغییر می‌دهد». و باز فرمودند: «خداوند دزد را لعنت کند در حالی که تخم مرغ را می‌دزد...». و باز فرمودند: «لعنت خدا بر کسی که پدر و مادرش را لعنت و نفرین می‌کند». و هم‌چنین فرمودند: «لعنت خدا بر کسی باد که برای غیر خدا ذبح می‌کند». و هم‌چنین فرمودند: «هرکس در مدینه، بدعتی تازه را بنا نهد یا بدعت‌کننده‌ای را پناه دهد، لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر او باد». و باز فرمودند: «خداوند سه طایفه‌ی «رِعل، ذکوان و عصیه» را لعنت کند که از خدا و رسولش نافرمانی کردند»؛ و نیز فرمودند: «خداوند یهود را لعنت کند که قبور پیامبران خودشان را پرستشگاه و مسجد قرار دادند». پیامبر ﷺ بر مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان کنند، لعنت فرستادند.

تمامی این الفاظ در احادیث صحیح است؛ بعضی از آنها در بخاری و مسلم و بعضی دیگر در یکی از آن دو آمده است.

۲۶۶- باب تحریم سَبِّ المسلم بغير حق
باب تحریم ناسزاگویی به مسلمان به ناحق

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَنًا وَإِثْمًا مُبِينًا﴾
(الأحزاب / ۵۸)

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند، می آزارند، به راستی [بار] بهتان و گناهی آشکار را بر دوش کشیده‌اند».

۹۰۱- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ، وَقِتَالُهُ كُفْرٌ». متفق عليه.

۹۰۱. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که او از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که می فرمودند: «ناسزاگویی و دشنام دادن به مسلمان، فسق، و کشتن او کفر است»^۱.

۹۰۲- وعن أبي ذر رضي الله عنه أنه سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «لَا يَرْمِي رَجُلٌ رَجُلًا بِالْفُسُوقِ أَوْ الْكُفْرِ، إِلَّا ارْتَدَّتْ عَلَيْهِ، إِنْ لَمْ يَكُنْ صَاحِبُهُ كَذَلِكَ» رواه البخاري.

۹۰۲. از ابوذر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «هیچ مردی، مرد دیگر را به گناه یا کفر نسبت نمی دهد، جز این که آن نسبت ها به خود او برمی گردند، اگر آن مرد چنان نباشد»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۰۴۴)، م (۶۴)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۶۰۴۵)].

۹۰۳- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: أتى النبي صلى الله عليه وسلم، رجل قد شرب قال: «أضربوه». قال أبو هريرة: فمنا الضارب بيده، والضارب بـنـعـلـه، والضارب بشؤيه. فلما انصرف، قال بعض القوم: أخزأك الله! قال: «لا تقولوا هذا، لا تعينوا عليه الشيطان». رواه البخاري.

۹۰۳. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: شخصی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند که شراب خورده بود، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «او را بزنید!» ابوهریره رضی الله عنه می گوید: بعضی از ما، با دست خود او را می زد، و بعضی با کفش خود و برخی با لباسش؛ وقتی رفت، یکی از حاضران گفت: خدا تو را خوار و رسوا کند! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «چنین نگوئید و شیطان را به ضرر او کمک نکنید»^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۷۸۱].

۲۵۷- باب تحریم سبّ الأموات بغير حقٍّ ومصلحة شرعية
باب تحریم بدگویی به مردگان به ناحق و بدون
مصلحت شرعی

وَهِيَ التَّحْذِيرُ مِنَ الْاِفْتِدَاءِ بِهِ فِي بَدْعَتِهِ، وَفَسْقِهِ، وَنَحْوِ ذَلِكَ، وَفِيهِ الْآيَةُ وَالْأَحَادِيثُ
السَّابِقَةُ فِي الْبَابِ قَبْلَهُ..

و آن (جواز شرعی برای بدگویی از مرده) برحذر کردن مردم از اقتدا به او در
بدعت و فسق او و... است، و در این مورد است آیه و احادیث سابق که در باب
قبل ذکر شد.

۹۰۴- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَسُبُّوا
الْأَمْوَاتَ، فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضَوْا إِلَى مَا قَدَّمُوا» رواه البخاري.

۹۰۴. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به اموات بد
نگویید، زیرا ایشان اینک به اعمال پیشین خود رسیده‌اند (و عاقبت کار خود را -
نیک یا بد - دیده‌اند)»^۱.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۱۳۹۳].

۲۵۸- باب النهی عن الإیذاء

باب نهی از اذیت دیگران

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ

أَحْتَمَلُوا بُهْتَنًا وَإِثْمًا مُبِينًا﴾ (الأحزاب / ۵۸)

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند، می آزارند، به راستی [بار] بهتان و گناهی آشکار را بر دوش کشیده اند».

۹۰۵- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضى الله عنهما قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُزْحَرَخَ عَنِ النَّارِ، وَيُدْخَلَ الْجَنَّةَ، فَلَتَاتِهِ مَنِيَّتُهُ وَهُوَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَلَيَأْتِ إِلَى النَّاسِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يُؤْتَى إِلَيْهِ» رواه مسلم.

۹۰۵- از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هرکس که دوست دارد از دوزخ دور گردانده و داخل بهشت برده شود، باید در حالی بمیرد و مرگش فرا رسد که به خدا و روز قیامت ایمان دارد و باید به گونه ای که دوست دارد، با خودش رفتار شود، با مردم رفتار کند^۱.
(به حدیث شماره: ۱۴۴ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۸۴۴].

۲۵۹- باب النهی عن التباغض والتقاطع والتدابیر
باب نهی از کینه توزی و از هم بریدن و پشت کردن به
مردم

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ ﴾ (الحجرات / ۱۰)

«همانا مؤمنان برادران یکدیگرند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴾ (المائدة / ۵۴)

«نسبت به مؤمنان نرم و فروتن بوده و در برابر کافران سخت گیر و نیرومند می باشند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ﴾

(الفتح / ۲۹)

«محمد فرستاده‌ی خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کافران تند و سرسخت و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند».

۹۰۶- وعن أنس رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لَا تَبَاغَضُوا، وَلَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا تَقَاطَعُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا، وَلَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ». متفق عليه.

۹۰۶. از انس - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «نسبت به همدیگر کینه نورزید و حسود نباشید و به هم پشت نکنید و از هم جدا نشوید، و

ای بندگان خدا! برادر هم باشید؛ برای شخص مسلمان حلال نیست که بیش از سه روز صحبت با برادرش را قطع کند»^۱.

۹۰۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «تُفْتَحُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَيَوْمَ الْخَمِيسِ، فَيُغْفَرُ لِكُلِّ عَبْدٍ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا، إِلَّا رَجُلًا كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَخِيهِ شَحَاءٌ فَيُقَالُ: أَنْظِرُوا هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا! أَنْظِرُوا هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا!» رواه مسلم.

۹۰۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «روزهای دوشنبه و پنجشنبه درهای بهشت باز می‌شوند و هر بنده‌ای که برای خداوند شریک قایل نشود، آمرزیده می‌شود، مگر مردی که بین او و برادرش دشمنی باشد و گفته می‌شود: این دو را به آخر اندازید، (فعلاً گناهانشان را نبخشید) تا وقتی که صلح کنند، این دو را به آخر اندازید (فعلاً گناهانشان را نبخشید) تا وقتی که آشتی کنند»^۲.

(به حدیث شماره: ۱۵۷ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۰۶۵)، م (۲۵۵۹)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۶۵)].

۲۶۰- باب تحریم الحسد

باب تحریم حسد

وَهُوَ تَمَنِّي زَوَالِ النِّعْمَةِ عَنْ صَاحِبِهَا، سَوَاءٌ كَانَتْ نِعْمَةً دِينٍ أَوْ دُنْيَا. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿أَمْرٌ تَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ [النساء: ۵۴].

حسد، آرزوی زایل شدن نعمت از صاحب آن است، فرقی نمی‌کند نعمت دین باشد یا نعمت دنیا؛ خدای متعال می‌فرماید:

﴿أَمْرٌ تَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ (النساء / ۵۴)
 «آیا با مردم بر آنچه که خداوند از فضل خویش به آنان داده است، حسد می‌ورزند؟».

۹۰۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالْحَسَدَ؛ فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ أَوْ قَالَ: الْعُشْبَ» رواه أبو داود.

۹۰۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «از حسد بپرهیزید! زیرا که حسد نیکی‌ها را می‌خورد هم‌چنان که آتش هیزم را می‌خورد» یا به جای هیزم فرمودند: «خاشاک»^۱.
 (به حدیث شماره ۹۰۶ مراجعه شود)

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [۴۹۰۳].

۲۶۱- باب النهی عن التجسس والتسمع لكلام من يكره استماعه
باب نهی از تجسس و گوش دادن به سخن کسی که
دوست ندارد به سخنش گوش داده شود

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَجَسَّسُوا﴾

(الحجرات / ۱۲)

«جاسوسی نکنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ

(الأحزاب / ۵۸)

أَحْتَمَلُوا بُهْتَنًا وَإِثْمًا مُبِينًا﴾

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند، می آزارند، به راستی [بار] بهتان و گناهی آشکار را بر دوش کشیده اند».

۹۰۹- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَنَافَسُوا وَلَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا كَمَا أَمَرَكُمْ. الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَخْدُلُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ، التَّقْوَى هَهُنَا، التَّقْوَى هَهُنَا» وَيُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ «بِحَسْبِ امْرِئٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ: دَمُهُ، وَعَرَضُهُ، وَمَالُهُ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى أَجْسَادِكُمْ، وَلَا إِلَى صُورِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ».

وفي رواية: «لَا تَهَاجَرُوا وَلَا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ». رواه مسلم.

۹۰۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از گمان (بد) بپرهیزید! زیرا گمان، دروغ ترین سخن است، و عیوب و مسایل پوشیده‌ی دیگران را دنبال نکنید و جاسوسی و تجسس ننمایید و با دیگران رقابت نکنید و

نسبت به همدیگر حسد نورزید و کینه نداشته باشید، و از همدیگر بُرید و به هم پشت ننمایید، و ای بندگان خدا! برادران هم باشید چنان که خدا به شما فرمان داده است. مسلمان برادر مسلمان است، و بر او ظلم نمی‌کند و (در هنگام مقابله با دشمن) ترک یاری اش نکرده و توهینش نمی‌نماید؛ تقوا این‌جاست! تقوا این‌جاست! و به سینه‌ی خود اشاره نمود؛ «برای شخص مسلمان همین اندازه از شر و بدی کافی است که برادر مسلمان خود را تحقیر کند؛ تمام حقوق یک فرد مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است: خونش، آبرویش و مالش؛ خداوند به بدن‌ها و صورت‌های شما نگاه نمی‌کند بلکه به دل‌ها و اعمال شما می‌نگرد».

در روایتی دیگر آمده است: «سخن گفتن با یکدیگر را قطع نکنید و بعضی از شما بر معامله‌ی بعضی دیگر معامله نکند (با پرداخت مبلغی بیشتر یا قول فروش ارزان‌تر، مانع معامله‌ی دیگری شود و خود، معامله را انجام دهد)»^۱.

۹۱۰- وَعَنْ مُعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّكَ إِنْ اتَّبَعْتَ عَوْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ أَفْسَدْتَهُمْ، أَوْ كَدَتَ أَنْ تُفْسِدَهُمْ». حَدِيثٌ صَحِيحٌ، رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۹۱۰. از معاویه - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «همانا تو اگر دنبال عیوب و مسایل پوشیده‌ی مسلمانان باشی، ایشان را به فساد متهم کرده‌ای، یا نزدیک است که ایشان را به فساد متهم کنی»^۲.

۹۱۱- وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ أَتَى بِرَجُلٍ فَقِيلَ لَهُ: هَذَا فُلَانٌ تَقَطَّرُ لِحْيَتُهُ خَمْرًا، فَقَالَ: إِنَّا قَدْ نَهَيْتَنَا عَنِ التَّجَسُّسِ، وَلَكِنْ إِنْ يَظْهَرُ لَنَا شَيْءٌ، نَأْخُذُ بِهِ. حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ، رواه أبو داود.

۱- مسلم [۲۵۶۳] و [۲۵۶۴] با همی این روایات، روایت کرده است و بخاری هم [۶۰۶۴] و [۶۰۶۵] بیشتر آنها را روایت کرده است.

۲- حدیثی صحیح است که ابوداود [۴۸۸۸] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۹۱۱. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که مردی را نزد او آوردند و در موردش به او گفتند: این فلانی است که از ریشش قطرات شراب می‌چکد، (شرابخوار است) ابن مسعود رضی الله عنه گفت: همانا ما از تجسس نهی شده‌ایم و لیکن اگر چیزی بر ما ظاهر شود (بدون تجسس به آن برخورد کنیم) آن را می‌گیریم و به موجب آن عمل می‌کنیم.^۱

(به حدیث شماره ۱۵۷ مراجعه شود)

۲۶۲- باب النهی عن سوء الظن بالمسلمین من غیر ضرورة
باب نهی از گمان بردن بد به مسلمانان بدون ضرورت

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾

(الحجرات / ۱۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، که برخی از گمان‌ها، گناه است.»

۹۱۲- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إياكم والظن، فإن الظن أكذب الحديث» متفق عليه.

۹۱۲. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از گمان (بد بپرهیزید! زیرا گمان، دروغ‌ترین سخن است)».

۱- حدیثی صحیح است که ابوداود [۴۸۹۰] به اسنادی بنا بر شرط بخاری و مسلم روایت کرده است.

۲۶۳- باب تحریم احتقار المسلمین
باب تحریم کوچک شمردن و تحقیر مسلمانان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَتَّيِبُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمٍ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾
(الحجرات / ۱۱)

«ای اهل ایمان! نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کنند، شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را [مسخره کنند] شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و با لقب‌های زشت و ناپسند یکدیگر را صدا نزنید، بد نشانه و علامتی است اینکه انسانی را پس از ایمان آوردنش به لقب زشت علامت‌گذاری کنند. و کسانی که [از این امور ناهنجار و زشت] توبه نکنند، خود ستمکارند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَيْلٌ لَّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾
(الهمزة / ۱)

«وای به حال هر عیبجو و طعنه‌زننده‌ای!».

۹۱۳- وعن جُنْدُبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَالَ رَجُلٌ: وَاللَّهِ لَا يَغْفِرُ اللَّهُ لِفُلَانٍ، فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَنْ ذَا الَّذِي يَتَأَلَّى عَلَيَّ أَنْ لَا أَغْفِرَ لِفُلَانٍ إِنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ، وَأَخْبَطْتُ عَمَلَكَ». رواه مسلم.

۹۱۳. از جندب بن عبدالله - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مردی گفت: به خدا سوگند، فلانی را خدا نمی‌بخشد! و خداوند عزوجل فرمود:

کیست آن که بر من سوگند می خورد که من فلانی را نمی بخشم؟! (بدان که) من او را بخشیدم و اعمال نیک تو را محو کردم!¹.
(به حدیث شماره: ۳۶۵ و ۹۰۹ مراجعه شود).

۲۶۴- باب النهی عن إظهار الشماتة بالمسلم
باب نهی از اظهار خوشحالی در بلاها و مشکلات برادر مسلمان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ ﴾ (الحجرات / ۱۰)

«همانا مؤمنان برادران یکدیگرند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنِّ الَّذِينَ يُخِبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا هُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴾

﴿ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ﴾ (النور / ۱۹)

«بی گمان کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مؤمنان پخش گردد، اینان در دنیا و آخرت، شکنجه و عذاب دردناکی دارند».

۹۱۴- وعن واثله بن الأسقع رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَا تُظْهِرِ الشَّمَاتَةَ لِأَخِيكَ فَيَرْحَمَهُ اللَّهُ وَيَبْتَليكَ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۹۱۴. از واثله بن اسقع روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «به برادر (دینی یا نسبی) خود (در بلایا و مشکلاتی که برایش پیش آمده است) اظهار خوشحالی نکن (و بدان شادی مکن) که خداوند، به او رحم می کند و تو را به بلایی دچار می سازد»².

(به حدیث شماره: ۹۰۱ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۲۱)].

۲- ترمذی [(۲۵۰۸)] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۲۶۵- باب تحریم الطَّعْنِ فی الأنساب الثابتة فی ظاهر الشرع
باب تحریم طعنه در انساب ثابت شده به ظاهر شرع

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ

أَحْتَمَلُوا بُهْتَنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ (الأحزاب / ۵۸)

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند، می آزارند، به راستی [بار] بهتان و گناهی آشکار را بر دوش کشیده‌اند».

۹۱۵- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اِئْتِنَانِ فِي النَّاسِ هُمَا بِهِمْ كُفْرٌ: الطَّعْنُ فِي النَّسَبِ، وَالتَّيَاحَةُ عَلَى الْمَيِّتِ» رواه مسلم.

۹۱۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو رفتار در میان مردم موجود است که هر دو (از اعمال) کفر (و اخلاق جاهلیت) می باشند؛ تهمت در نسب و نوحه‌گری بر مرده»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۶۷)].

۲۶۶. باب النهی عن الغش و الخداع
باب نهی از فریب و نیرنگ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ
أَحْتَمَلُوا بُهْتَنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ (الأحراب / ۵۸)

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند،
می آزارند، به راستی [بار] بهتان و گناهی آشکار را بر دوش کشیده اند».

۹۱۶- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ النَّجَشِ.
متفقٌ عليه.

۹۱۶. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از نجش نهی
فرمودند: (نجش، یعنی اظهار خرید یک جنس به قیمت بالاتر بدون آنکه قصد
خریدن آنرا داشته باشد، بلکه قصدش فریب دادن مشتری و تحریک او به خرید
آن جنس)^۱.

۹۱۷- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ خَبَبَ
زَوْجَةً أَمْرِيَّةً، أَوْ مَمْلُوكَةً، فَلَيْسَ مِنَّا». رواه أبو داود.

۹۱۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس
همسر یک مرد یا برده‌ی او را فریب دهد (و او را به نافرمانی یا مانند آن تحریک
کند)، از ما نیست»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۱۴۲)، م (۱۵۱۶)].

۲- ابوداود روایت کرده است؛ [(۵۱۷۰)].

۹۱۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ عَلَى صُبْرَةٍ طَعَامٍ، فَأَذْخَلَ يَدَهُ فِيهَا، فَتَأَلَّتْ أَصَابِعُهُ بِلَالًا، فَقَالَ: مَا هَذَا يَا صَاحِبَ الطَّعَامِ؟ قَالَ: أَصَابَتْهُ السَّمَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «أَفَلَا جَعَلْتَهُ فَوْقَ الطَّعَامِ حَتَّى يَرَاهُ النَّاسُ، مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا». رواه مسلم.

۱۵۷۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار توده‌ای طعامی گذشت و دستش را در آن فرو برد و انگشتانش کمی خیس شد، فرمودند: «ای صاحب طعام! این چیست؟» گفت: ای رسول خدا! باران بر آن باریده، فرمودند: «چرا آن قسمت خیس را بالای طعام قرار نداده‌ای تا مردم ببینند؟ کسی که نسبت به ما حيله و فریب کند، از ما نیست!»^۱.

۲۷۷- باب تحریم الغدر باب تحریم بی‌وفایی و عهدشکنی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (المائدة / ۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها و قراردادهای وفا کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (الإسراء / ۳۴)

«به عهد و پیمان خود وفا کنید، چرا که (روز قیامت) عهد و پیمان

مورد پرسش است».

۹۱۹- وعن ابن مسعود، وابن عمر، وأنس رضي الله عنهم قالوا: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لِكُلِّ غَادِرٍ لَوَاءٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يُقَالُ: هَذِهِ غَدْرَةُ فُلَانٍ» متفق عليه.

۹۱۹. از ابن مسعود و ابن عمر و انس - رضی الله عنهم - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در روز قیامت هر غدر کننده و عهدشکنی، پرچمی دارد و گفته می شود: این (نتیجه‌ی) غدر و عهدشکنی فلان شخص است»^۱.

۹۲۰- وعن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: قال الله تعالى: ثلاثة أنا خصمهم يوم القيامة: رجل أعطى بي ثم غدر، ورجل باع حراً فأكَل ثمنه، ورجل استأجر أجيراً، فاستوفى منه، ولم يعطه أجره». رواه البخاري.

۹۲۰. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند متعال می فرماید: سه نفر هستند که در روز قیامت من دشمن ایشانم: (۱) مردی که با سوگند به من، وعده‌ای بدهد و بعد خلاف وعده کند؛ (۲) مردی که شخص آزادی را بفروشد و پول فروش او را بخورد (۳) مردی که کارگری بگیرد و به خوبی از او کار بکشد و سپس اجرت او را نپردازد»^۲.
(به حدیث شماره: ۴۰۶ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است: [خ (۳۱۸۸)، م (۱۷۳۵) و (۱۷۳۶) و (۱۷۳۷)].

۲- بخاری روایت کرده است: [(۲۲۲۷)].

۲۶۸- باب النهی عن المنّ بالعطیة ونحوها
باب نهی از منت گذاشتن برای بخشش و مانند آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾ (البقرة / ۲۶۴)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدقات و بخشش‌های خود را با منت و آزار، تباه و بی‌پاداش نسازید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا

أَذَى﴾ (البقرة / ۲۶۲)

«کسانی که دارایی خود را در راه خدا صرف می‌کنند و به دنبال آن به خاطرش متنی نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند».

۹۲۱- وعن أبي ذرٍّ رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ، وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ». قَالَ: فَقَرَأَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. قَالَ أَبُو ذَرٍّ: خَابُوا وَخَسِرُوا، مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «الْمُسِيلُ، وَالْمَنَانُ، وَالْمُنْفِقُ سَلَعَتُهُ بِالْحَلْفِ الْكَاذِبِ». رواه مسلم.

۹۲۱. از ابوذر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سه نفر هستند که در روز قیامت خداوند با آنان صحبت نمی‌کند و به آنها نگاه (رحمت) نمی‌کند و آنان را پاکیزه و رستگار نمی‌نماید و عذاب دردناکی برای آنها فراهم می‌باشد؛ ابوذر رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله سه مرتبه این جمله را تکرار فرمودند، ابوذر رضی الله عنه گفت: بدبخت و زیانکار شدند. ای رسول خدا! آنان چه کسانی هستند؟ فرمودند: «(۱) کسی که (شلوارش) را دراز کند و فرو گذارد؛ (۲) کسی که بر آن شخص که به او احسان کرده است، منت بگذارد؛ (۳) کسی که جنس خود را با سوگند دروغ بفروشد»^۱.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۰۶)].

۲۶۹- باب النهی عن الإفتخار والبغی
باب نهی از فخر فروشی و ظلم و سرکشی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى ﴾ (النجم / ۳۲)

«پس از پاک بودن خود سخن نگوئید؛ زیرا که او پرهیزگاران را بهتر می شناسد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴾ (الشورى / ۴۲)

«عتاب و عذاب تنها متوجه کسانی است که به مردم ستم و در زمین به ناحق سرکشی می کنند؛ چنین کسانی دارای عذاب دردآور و دردناکی هستند».

۹۲۲- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا قَالَ الرَّجُلُ: هَلَكَ النَّاسُ، فَهُوَ أَهْلَكُهُمْ». رواه مسلم.

وَذَلِكَ النَّهْيُ لِمَنْ قَالَ ذَلِكَ عُجْبًا بِنَفْسِهِ، وَتَصَاغُرًا لِلنَّاسِ، وَارْتِفَاعًا عَلَيْهِمْ، فَهَذَا هُوَ الْحَرَامُ، وَأَمَّا مَنْ قَالَ لِمَا يَرَى فِي النَّاسِ مِنْ نَقْصٍ فِي أَمْرِ دِينِهِمْ، وَقَالَ تَحَزُّنًا عَلَيْهِمْ، وَعَلَى الدِّينِ، فَلَا بَأْسَ بِهِ. هَكَذَا فَسَّرَهُ الْعُلَمَاءُ وَفَصَّلُوهُ، وَمِمَّنْ قَالَهُ مِنَ الْأَثَمَةِ الْأَعْلَامِ: مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ، وَالْخَطَّابِيُّ، وَالْحَمِيدِيُّ وَآخَرُونَ، وَقَدْ أَوْضَحْتُهُ فِي كِتَابِ: «الْأَذْكَارِ».

۹۲۲. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه کسی بگوید: مردم هلاک و نابود شدند، خود او از همه‌ی مردم نابودتر و به هلاکت افتاده‌تر است»^۱.

این نهی برای کسی است که از روی تکبر و رضایت نفس و کوچک شمردن مردم و فخر بر آنان بگوید و این حرام است، ولی اگر کسی آن را به این علت بگوید که نقصانی دینی را در میان مردم مشاهده می‌کند و این را به عنوان غمخواری ایشان می‌گوید، مشکلی ندارد؛ و علما این حدیث را این‌گونه توضیح داده (و در معنای آن تقسیم قایل شده‌اند) و در میان امامان بزرگوار، مالک بن انس، خطابی، حمیدی و جمعی دیگر، همین‌طور شرح داده‌اند و من آن را در کتاب «الاذکار» توضیح داده‌ام.

(به حدیث شماره: ۳۵۸ مراجعه شود)

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۶۲۳].

۲۷۰- باب تحریم الهجران بین المسلمین فوق ثلاثة أيام إلا

لبدعة فی المهجور أو تظاهر بفسق أو نحو ذلك

باب تحریم حرف نزدن مسلمانان با همدیگر بیشتر از

سه روز، مگر به علت مشاهدهی بدعت از شخصی که

با او قطع صحبت شده یا تظاهر به فسق و مانند آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (المائدة / ۲)

«همدیگر را در راه گناه و تجاوز و ستمکاری، یاری و پشتیبانی

نکنید».

۹۲۳- وَعَنْ أَبِي أَيُّوبَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ: يَلْتَقِيَانِ، فَيُعْرِضُ هَذَا، وَيُعْرِضُ هَذَا، وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ». متفق عليه.

۹۲۳. از ابویوب انصاری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای شخص مسلمان حلال نیست که بیشتر از سه شب با برادر (دینی یا نسبی) خود قطع صحبت کند که چون به همدیگر می‌رسند، هر یک از ایشان از دیگری اعراض می‌کند و بهترین ایشان کسی است که اول سلام (و صحبت را دوباره شروع) می‌کند»^۱.

۹۲۴- وَعَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ يَسَّ أَنْ يَعْبُدَهُ الْمُصَلُّونَ فِي جَزِيرَةِ الْعَرَبِ، وَلَكِنْ فِي التَّحْرِيشِ بَيْنَهُمْ» رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۶۰۷۷)، م (۲۵۶۰)].

۹۲۴. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «شیطان مایوس شده است از این که نمازگزاران جزیره العرب او را عبادت و اطاعت کنند و لیکن از افساد میان آنها و تغییر دل های ایشان و دور نمودن آنها از یکدیگر مایوس نیست (و مشغول بدان است)»^۱.

۹۲۵- وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لا يحِلُّ لمؤمن أن يهجر مؤمناً فوق ثلاث، فإن مرت به ثلاث، فليلقه فليسلم عليه، فإن ردَّ عليه السلام فقد اشتركا في الأجر، وإن لم يردَّ عليه فقد بَاءَ بالإثم، وخرج المسلم من الهجرة». رواه أبو داود بإسناد حسن. قال أبو داود: إذا كانت الهجرة لله تعالى فليس من هذا في شيء.

۹۲۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «حلال نیست برای شخص مؤمن که بیش از سه روز با دوست مؤمنش قهر کند، و اگر سه روز گذشت، باید او را ملاقات و به او سلام کند؛ اگر وی جواب سلام او را داد، هر دو در اجر شریک هستند و اگر جواب نداد، دچار گناه شده است و سلام دهنده از (گناه) قهر کردن خارج شده است»^۲.

ابوداود گفته است: اگر قهر کردن و حرف نزدن، به خاطر رضای خدا باشد، دیگر احکام فوق در آن جاری نیست.

(به حدیث شماره: ۹۰۷ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۸۱۲].

۲- ابوداود [۴۹۱۲] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۲۷۱- باب النهی عن تناجی اثنين دون الثالث بغير إذنه إلا لحاجة وهو أن

يتحدثا بلسان لا يفهمه

باب نهی از نجوای دو نفر در حضور سومی بدون اجازه‌ی او جز
برای ضرورت؛ و نجوا چنین است که دو نفر پنهانی حرفی بزنند که
سومی نشنود و یا با زبانی صحبت کنند که سومی آن را نفهمد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ ﴾ (المجادلة / ۱۰)

«نجوا (سخن گفتن مخفیانه)، از جانب شیطان است».

۹۲۶- وعن ابنِ عمرَ رضي الله عنهما أنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا كَانُوا ثَلَاثَةً، فَلَا يَتَنَاجَى اثْنَانِ دُونَ الثَّالِثِ». متفق عليه.
ورواه أبو داود وزاد: قَالَ أَبُو صَالِحٍ: قُلْتُ لَابْنِ عُمَرَ: فَأَرْبَعَةٌ؟ قَالَ: لَا يَضُرُّكَ.

۹۲۶. از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هرگاه سه نفر با هم بودند، نباید دو نفر از آنها بدون (حضور و اجازه‌ی) سومی با همدیگر نجوا کنند»^۱.

ابوداود نیز آن را روایت کرده و اضافه نموده است که: ابوصالح گفت: به ابن عمر -رضی الله عنهما- گفتم: چهار نفر چطور؟ گفت: ضرری ندارد^۲.

۹۲۷- وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا كُنْتُمْ ثَلَاثَةً، فَلَا يَتَنَاجَى اثْنَانِ دُونَ الْآخِرِ حَتَّى تَخْتَلِطُوا بِالنَّاسِ، مِنْ أَجْلِ أَنْ ذَلِكَ يُحْزِنُهُ» متفق عليه.

۱- متفق عليه است: [خ (۶۲۸۸)، م (۲۱۸۳)].

۲- [(۴۸۵۲)].

۹۲۷. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی شما سه نفر بودید، دو نفرتان بدون سومی نجوا نکنند تا این که با مردم آمیخته شوید؛ زیرا این کار، او را غمگین می کند»^۱.

۲۸۲- باب النهی عن تعذیب العبد والدابة والمرأة والولد بغير
سبب شرعی أو زائد علی قدر الأدب.
باب نهی از شکنجه‌ی برده و حیوان و زن و فرزند
بدون جهت شرعی یا زدن خارج از حد تأدیب

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۚ إِنَّ
اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا﴾ (النساء / ۳۶)

«و به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، درماندگان و بیچارگان،
همسایگان خویشاوند و غیر خویشاوند، دوست نزدیک، در راه
ماندگان، بندگان و کنیزان، نیکی کنید، بی گمان خداوند کسی را که
خودخواه و خودپسند باشد، دوست ندارد».

۹۲۸- وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «غُدِّبَتْ
امْرَأَةٌ فِي هَرَّةٍ سَجَنَتْهَا حَتَّى مَاتَتْ، فَدَخَلَتْ فِيهَا النَّارُ، لَا هِيَ أَطْعَمَتْهَا وَسَقَتْهَا، إِذْ حَبَسَتْهَا،
وَلَا هِيَ تَرَكَتْهَا تَأْكُلُ مِنْ خَشَاشِ الْأَرْضِ» متفق عليه.

۹۲۸. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «زنی (پس از
مردن) عذاب داده شد، زیرا گربه‌ای را زندانی کرد و نه خود به او غذا و آب داد و
نه گذاشت که خود گربه بیرون بیاید و از جانداران و حشرات زمین شکار و تغذیه

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۲۹۰)، م (۲۱۸۴)].

کند و به همین علت مرد و خداوند، آن زن را به خاطر این عملش تعذیب و وارد آتش کرد»^۱.

۹۲۹- وعنه أنه مرَّ بفَتَيَانٍ مِنْ قُرَيْشٍ قَدْ نَصَبُوا طَيْرًا وَهُمْ يَرْمُونَهُ وَقَدْ جَعَلُوا لِصَاحِبِ الطَّيْرِ كُلِّ خَاطِئَةٍ مِنْ نَبْلِهِمْ، فَلَمَّا رَأَوْا ابْنَ عُمَرَ تَفَرَّقُوا فَقَالَ ابْنُ عُمَرَ: مَنْ فَعَلَ هَذَا؟ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ فَعَلَ هَذَا، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَعَنَ مَنْ اتَّخَذَ شَيْئًا فِيهِ الرُّوْحُ غَرَضًا. متفق عليه.

۹۲۹. از ابن عمر -رضی الله عنه- روایت شده است که او از کنار جماعتی از جوانان قریش گذشت که پرنده‌ای را در جایی آویزان کرده بودند و به سوی او تیر می‌انداختند و هر تیری را که به خطا می‌رفت، برای صاحب پرنده قرار داده بودند و همین که ابن عمر -رضی الله عنه- را دیدند، پراکنده شدند، ابن عمر -رضی الله عنه- گفت: چه کسی چنین کرده است؟ لعنت خدا بر کسی باد که این عمل را انجام داده است! پیامبر ﷺ بر کسی که جان‌داری را هدف قرار دهد و بر آن تیر یا سنگ زند، لعنت فرستاده است^۲.

۹۳۰- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ تُصْبَرَ الْبَهَائِمُ. متفق عليه.

۹۳۰. از انس -رضی الله عنه- روایت شده است که پیامبر ﷺ از حبس و زندانی کردن چهارپایان برای کشتن نهی فرمودند. (یعنی آن را در جایی ببندند و آن قدر به سویس تیر پرتاب کنند که بمیرد)^۳.

۹۳۱- وَعَنْ أَبِي مَسْعُودٍ الْبَدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ أَضْرِبُ غُلَامًا لِي بِالسَّوْطِ، فَسَمِعْتُ صَوْتًا مِنْ خَلْفِي: «اعْلَمْ أَبَا مَسْعُودٍ» فَلَمْ أَفْهَمْ الصَّوْتَ مِنَ الْغَضَبِ، فَلَمَّا دَنَا مِنِّي إِذَا هُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِذَا هُوَ يَقُولُ: «اعْلَمْ أَبَا مَسْعُودٍ أَنَّ اللَّهَ أَقْدَرُ عَلَيْكَ مِنْكَ عَلَى هَذَا الْغُلَامِ» فَقُلْتُ: لَا أَضْرِبُ مَمْلُوكًا بَعْدَهُ أَبَدًا.

۱- متفق عليه است: [خ (۳۴۸۲)، م (۲۲۴۲)].

۲- متفق عليه است: [خ (۵۵۱۵)، م (۱۹۵۸)].

۳- متفق عليه است: [خ (۵۵۱۳)، م (۱۹۵۶)].

وفي رواية: فَسَقَطَ السَّوْطُ مِنْ يَدِي مِنْ هَيْبَتِهِ.
وفي رواية: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هُوَ خُرُّ لُوجِهِ اللَّهِ تَعَالَى فَقَالَ: «أَمَا لَوْ لَمْ تَفْعَلْ، لَلْفَحْتُكَ النَّارَ، أَوْ لَمَسْتُكَ النَّارَ» رواه مسلم بهذه الروايات.

۹۳۱. از ابومسعود بدری - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: من غلام را با تازیانه می‌زدم که صدایی از پشت سر شنیدم که: «ای ابومسعود! آگاه باش» و از شدت غضب صدا را نشناختم، وقتی به من نزدیک شد، دیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و می‌فرماید: «ای ابومسعود! بدان که خداوند بر تو قادرتر است از تو به این غلام» و گفتم که: دیگر هرگز خادمی یا برده‌ای را نمی‌زنم.
در روایتی دیگر آمده است که فرمود: «از هیبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تازیانه از دستم افتاد». در روایتی دیگر آمده است که فرمود: گفتم: «ای رسول خدا! او، برای رضای خدا آزاد باشد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «بدان که اگر چنان نمی‌کردی، آتش تو را می‌سوزاند - یا آتش تو را لمس می‌کرد»^۱.

۹۳۲- وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ ضَرَبَ غُلَامًا لَهُ حَدًّا لَمْ يَأْتِهِ، أَوْ لَطَمَهُ، فَإِنْ كَفَّارَتُهُ أَنْ يُعْتِقَهُ» رواه مسلم.
۹۳۲. از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هرکس غلام خود را به خاطر کاری که نکرده است، حد بزند یا سیلی بزند، کفاره‌اش این است که او را آزاد کند»^۲.

۹۳۳- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الضَّرْبِ فِي الْوَجْهِ، وَعَنِ الْوَسْمِ فِي الْوَجْهِ.
۹۳۳. از ابن عباس - رضی الله عنه - روایت شده است که: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از زدن به صورت و از داغ کردن صورت، نهی فرمودند^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۶۵۹] با همه ی این روایت‌ها، روایت کرده است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۱۶۵۷].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۲۱۱۷].

۲۸۳- باب تحریم التعذیب بالنار فی کل حیوان حتی النملة

ونحوها

باب تحریم شکنجهی حیوان با آتش و حتی مورچه و
مانند آن

۹۳۴- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: كنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في سفر، فانطلق لحاجته، فرأينا حمرة معها فرخان، فأخذنا فرخيهما، فجاءت الحمرة فجعلت تعرش فجاء النبي صلى الله عليه وسلم فقال: «من فجع هذه بولديها؟، زدوا ولدها إليها». ورأى قرية نمل قد حرقناها، فقال: «من حرق هذه؟» قلنا: نحن. قال: «إنه لا ينبغي أن يعذب بالنار إلا رب النار». رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۹۳۴. از ابن مسعود - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که فرمود: با پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم در سفری بودیم، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم برای قضای حاجت رفت و ما حمراهی (مرغی است سرخ رنگ، مانند گنجشک) را دیدیم که دو جوجه به همراه داشت و جوجه‌های او را گرفتیم، مرغ آمد و شروع به تعریش کرد (بلند می‌شد و بال‌های خود را می‌گسترده که شاید بچه‌ها را زیر سایه‌ی بالش قرار دهد) پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم تشریف آوردند و فرمودند: «چه کسی این مرغ را با ربودن بچه‌هایش آزرده و به درد آورده است؟ بچه‌هایش را به او بازپس دهید». و لانه‌ی موری را دید که آن را سوزانده بودیم، فرمودند: «چه کسی این را سوزانده است؟» گفتیم: ما، فرمودند: «جز خدای آتش، کسی نباید با آتش عذاب دهد»^۱.

۱- ابوداود [۲۶۷۵] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲۷۴- باب تحریم مطل الغنی بحق طلبه صاحبه
باب تحریم تأخیر ثروتمند در بازپرداخت حقی که
(وقت ادای آن رسیده است و) صاحبش آن را طلب
می کند

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ (النساء / ۵۸)

«خداوند امر می کند که امانت ها را به صاحبان آنها برگردانید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ﴾ (البقرة / ۲۸۳)

«اگر بعضی از شما به بعضی دیگر اطمینان کردند (و امانتی پیش وی گذاشتند)، باید کسی که امین شمرده شده است، امانت او را بازپس دهد».

۹۳۵- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ، وَإِذَا أُتْبِعَ أَحَدُكُمْ عَلَىٰ مَلِيٍّ فَلْيَتَّبِعْ». متفقٌ عَلَيْهِ.

۹۳۵. از ابوهریره - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «تأخیر نمودن ثروتمند از ادای قرض، ظلم است. و هرگاه یکی از شما برای دریافت طلبش به شخص ثروتمندی حواله گردید، آن را قبول کند (یعنی: اگر یکی از شما از شخصی طلبکار بود و آن شخص او را برای دریافت طلبش، به نزد شخص ثروتمندی فرستاد، آن را قبول کند و برای دریافت طلبش به نزد آن شخص برود)»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۲۸۷)، م (۱۵۶۴)].

۲۷۵- باب کراهة عود الإنسان فی هبة لم یسلّمها إلى الموهوب له
وفی هبة وهبها لولده وسلمها أو یسلمها وکراهية شرائه شیئاً تصدق به
من الذی تصدق علیه أو أخرجه عن زکاة أو کفارة ونحوها ولا بأس
بشرائه من شخص آخر قد انتقل إلیه

باب کراهت پشیمان شدن انسان از بخشی که هنوز تسلیم
طرف نکرده و از بخشی که به فرزندش بخشیده و آن را
تسلیم کرده یا نکرده باشد و کراهت خریدن چیزی که به
احسان به کسی داده است از آن شخص و کراهت خریدن
چیزی که به عنوان زکات یا کفاره یا مانند آن پرداخت
کرده است (از شخص فقیری که به وی پرداخته است)، ولی
اگر آن را از شخص دیگری که به او انتقال یافته، بخرد،
مانعی ندارد

۹۳۶- عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الَّذِي
يَعُودُ فِي هِبَتِهِ كَالْكَلْبِ يَرْجِعُ فِي قَيْئِهِ» متفق عليه.

۹۳۶. از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که از
بخشش خودش پشیمان می شود و به تصاحب دوباره ی آن برمی گردد، مانند سگ
است که به قی و استفراغ خود برمی گردد»^۱.

۹۳۷- وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَمَلْتُ عَلَى فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَأَضَاعَهُ
الَّذِي كَانَ عِنْدَهُ، فَأَرَدْتُ أَنْ أَشْتَرِيَهُ، وَظَنَنْتُ أَنَّهُ يَبِيعُهُ بِرُخْصٍ، فَسَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «لَا تَشْتَرِهِ وَلَا تُعْذُ فِي صَدَقَتِكَ وَإِنْ أَعْطَاكَ بِدَرَاهِمٍ؛ فَإِنَّ الْعَائِدَ فِي صَدَقَتِهِ
كَالْعَائِدِ فِي قَيْئِهِ». متفق عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۶۲۲)، م (۱۶۲۲)].

۹۳۷. از عمر بن خطاب - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: اسبی را در راه خدا به یکی از مجاهدان اسلام بخشیدم و او در خدمت به آن کوتاهی کرد (و بدون این که قیمت آن را بداند، می خواست بفروشد)، خواستم آن را از او بخرم و گمان کردم که آن را ارزان می فروشد، از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم، فرمودند: «آن را نخر و به صدقه‌ی خود باز نگرد اگرچه آن را به یک درهم به تو بدهد، زیرا بازگشت‌کننده به صدقه، مانند بازگشت‌کننده به قی و استفراغ خود می باشد»^۱.

۲۷۶- باب تأکید تحریم مال الیتیم
باب تأکید بر حرام بودن مال یتیم

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا إِنَّهُمْ يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا

وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ (النساء / ۱۰)

«بی گمان کسانی که اموال یتیمان را به ناحق و ستمگرانه می خورند، انگار آتش در شکم‌های خود (می ریزند و) می خورند و (در روز قیامت) با آتش سوزانی خواهند سوخت».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (الأنعام / ۱۵۲)

«به مال یتیم نزدیک نشوید (و دست نزنید)، جز به نحو احسن (که به مصلحت او باشد)».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتِيمِ قُلْ إِصْلَاحُ هُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ

وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ﴾ (البقرة / ۲۲۰)

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۴۸۹)، م (۱۶۲۰)].

«از تو درباره‌ی یتیمان می‌پرسند، بگو: هرچیز که صلاح ایشان در آن باشد، نیک و پسندیده است، و اگر با آنان بیامیزید، ایشان برادران دینی شما هستند و خداوند مفسد را از مصلح باز می‌شناسد».

۹۳۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُفَوِّقَاتِ!» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: «الشِّرْكُ بِاللَّهِ، وَالسَّحَرُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الزَّحْفِ، وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْغَافِلَاتِ». متفقٌ عَلَيْهِ.

۹۳۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از هفت گناه مهلك پرهیز کنید»، گفتند: ای رسول خدا! آنها چه گناهای هستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شرک به خدا، سحر، قتل نفسی که خداوند کشتن آن را حرام گردانیده است جز به حق، رباخواری، خوردن مال یتیم، رویگردانی از میدان جنگ، و نسبت دادن تهمت زنا به زنان پاکدامن مؤمن که از گناه بی‌خبرند»^۱.

۲۷۷- باب تغلیظ تحریم الربا

باب شدید بودن تحریم ربا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا ۗ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا ۗ فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَىٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ ۗ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧٥﴾ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا ۗ﴾

(البقرة / ۲۷۵-۲۷۸)

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۷۶۶)، م (۸۹)].

«کسانی که ربا می‌خورند، بر نمی‌خیزند مگر هم‌چون کسی که شیطان او را سخت دچار دیوانگی سازد؛ این از آن روست که آنان می‌گویند: خرید و فروش نیز مانند رباست و حال آن‌که خداوند خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است؛ پس هرکس پند و اندرز پروردگارش به او رسید و (از رباخواری) دست کشید، آنچه پیش‌تر بوده از آن اوست و سروکارش با خداست؛ اما کسی که برگردد، این‌گونه کسانی اهل آتش هستند و جاودانه در آن می‌مانند. خداوند (برکت) ربا را (و اموالی را که ربا با آن بیامیزد) نابود می‌کند و (ثواب) صدقات را (و اموالی که از آن بذل و بخشش می‌شود) فزونی می‌بخشد». تا آن‌جا که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (عذاب و عقاب) خدا بپرهیزید و از آنچه از ربا باقی مانده است، صرف‌نظر کنید».

۹۳۹- وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكِلَ الرِّبَا وَمُوكَلَّهُ» رواه مسلم. زاد الترمذي وغيره: «وَشَاهِدِيهِ، وَكَاتِبُهُ».

۹۳۹. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله بر رباخوار و ربا دهنده لعنت فرستاد^۱.

ترمذی و دیگران اضافه کرده‌اند: پیامبر صلی الله علیه و آله بر شاهد و نویسنده‌ی ربا نیز لعنت فرستاد^۲.

(به حدیث شماره: ۹۳۸ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۵۹۷)].

۲- [(۱۲۰۶)].

۲۷۸. باب تحریم الریاء

باب تحریم ریا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾ (البينة / ۵)

«به امت‌های پیشین امر نشد جز به آن‌که خدا را با اخلاص و در حالی که بر دین حنیف ابراهیمی استقامت دارند، پرستش کنند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿لَا تَبْطُلُوا صَدَقَتَكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ﴾

(البقرة / ۲۶۴)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدقات و بخشش‌های خود را با منت و آزار، تباه و بی‌پاداش نسازید، همانند کسی که دارایی خود را برای نشان دادن به مردم، ریاکارانه صرف می‌کند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يُرَءَوْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (النساء / ۱۴۲)

«جلو چشمان مردم خودنمایی و تظاهر می‌کنند در صورتی که جز به مقدار بسیار کم خداوند را یاد نمی‌کنند (نماز نمی‌خوانند)».

۹۴۰- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا أَغْنَى الشُّرَكَاءِ عَنِ الشُّرْكِ، مَنْ عَمَلَ عَمَلًا أَشْرَكَ فِيهِ مَعِيَ غَيْرِي، تَرَكْتُهُ وَشُرْكَهُ» رواه مسلم.

۹۴۰. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «خداوند می‌فرماید: من بی‌نیازترین شریکان از شرک (و شراکت)

هستم و هر کس عملی انجام دهد و غیر من را در آن شریک نماید، او را با شرکش ترک می‌کنم و فرو می‌گذارم و به او توجه نمی‌کنم»^۱.

۹۴۱- وَعَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضَىٰ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْهِ، رَجُلٌ اسْتُشْهِدَ، فَأُتِيَ بِهِ، فَعَرَفَهُ نِعْمَتُهُ، فَعَرَفَهَا، قَالَ: فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: قَاتَلْتُ فِيكَ حَتَّى اسْتُشْهِدْتُ، قَالَ: كَذَبْتَ، وَلَكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِأَنْ يُقَالَ: جَرِيءٌ، فَقَدْ قِيلَ، ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ. وَرَجُلٌ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَلَّمَهُ، وَقَرَأَ الْقُرْآنَ، فَأُتِيَ بِهِ، فَعَرَفَهُ نِعْمَتُهُ، فَعَرَفَهَا. قَالَ: فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: تَعَلَّمْتُ الْعِلْمَ وَعَلَّمْتُهُ، وَقَرَأْتُ فِيكَ الْقُرْآنَ، قَالَ: كَذَبْتَ، وَلَكِنَّكَ تَعَلَّمْتَ، وَقَرَأْتَ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ: هُوَ قَارِئٌ، فَقَدْ قِيلَ، ثُمَّ أُمِرَ، فَسُحِبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ، وَرَجُلٌ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَأَعْطَاهُ مِنْ أَصْنَافِ الْمَالِ، فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَفَهُ نِعْمَتُهُ، فَعَرَفَهَا. قَالَ: فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: مَا تَرَكْتُ مِنْ سَبِيلٍ تُحِبُّ أَنْ يُنْفَقَ فِيهَا إِلَّا أَنْفَقْتُ فِيهَا لَكَ. قَالَ: كَذَبْتَ، وَلَكِنَّكَ فَعَلْتَ لِيُقَالَ: هُوَ جَوَادٌ، فَقَدْ قِيلَ، ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ ثُمَّ أُلْقِيَ فِي النَّارِ» رواه مسلم.

۹۴۱. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «نخستین فردی که در روز قیامت علیه او حکم می‌شود، مردی است که شهید شده است؛ (به دیوان حشر آورده می‌شود و) خداوند نعمتش را به او نشان می‌دهد، آنها را می‌شناسد؛ خداوند به او می‌گوید: با این نعمت‌ها چه عملی انجام داده‌ای؟ جواب می‌دهد: در راه تو جنگ کردم تا شهید شدم، می‌گوید: دروغ گفתי، برای آن جنگ کردی که گفته شود: شجاع است! و (در دنیا درباره‌ی تو این) گفته شده است؛ بعد در مورد او فرمان صادر می‌گردد و بر روی صورتش کشانده می‌شود تا در دوزخ انداخته می‌شود؛ و نیز مردی است که علم آموخته و آن را تعلیم داده و قرآن را تلاوت کرده است، آورده می‌شود و خداوند نعمت‌هایش را به او نشان می‌دهد، آن را می‌شناسد؛ خداوند به او می‌گوید: با این نعمت‌ها چه عملی انجام داده‌ای؟ می‌گوید: علم آموختم و آن را یاد دادم و برای رضای تو قرآن خواندم، می‌گوید: دروغ گفתי، علم آموختی تا گفته شود: عالم است! و قرآن خواندی تا بگویند: قاری است و گفته شده است؛ سپس در مورد او فرمان صادر

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۹۸۵)].

می‌گردد و بر روی صورتش کشانده می‌شود و تا در دوزخ انداخته می‌شود؛ و مردی است که خداوند در ثروت و رزق او را وسعت داده است و به او انواع ثروت عطا کرده است؛ آورده می‌شود و خداوند نعمت‌هایش را به او نشان می‌دهد، آن را می‌شناسد؛ خداوند به او می‌گوید: با این نعمت‌ها چه عملی انجام داده‌ای؟ جواب می‌دهد: آن را در هر راهی که تو دوست داشتی در آن خرج شود، خرج کردم؛ می‌گوید: دروغ گفتی، چنان کردی که مردم بگویند: او بخشنده است! و گفته شده است؛ سپس درباره‌ی او فرمان صادر می‌گردد و بر روی صورتش کشانده می‌شود تا در دوزخ انداخته می‌شود»^۱.

۹۴۲- وَعَنْ جُنْدُبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُفْيَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ سَمِعَ، سَمِعَ اللَّهُ بِهِ؛ وَمَنْ يُرَائِي، يُرَائِي اللَّهُ بِهِ» متفقٌ عليه.

۹۴۲. و از جندب بن عبدالله بن سفیان - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که در انظار مردم برای شهرت، عملی را انجام دهد، خداوند در روز قیامت او را در انظار مردم رسوا می‌کند و کسی که عملی را برای آن انجام دهد که مردم او را بزرگ بشمارند، خداوند ماهیت او را در انظار عموم آشکار می‌نماید»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۹۰۵)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۹۹)، م (۲۹۸۷)]. و مسلم [(۲۹۸۶)] نیز از روایت ابن عباس - رضی الله عنه - روایت کرده است.

۲۷۹- باب تحریم النظر إلى المرأة الأجنبية والأمرد الحسن لغير حاجة شرعية

**باب تحریم نگاه کردن به زن بیگانه و پسر بی موی زیبا بدون
ضرورت شرعی**

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ﴾

(نور / ۳۰)

«ای پیامبر ﷺ) به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را فرو گیرند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴾

(الاسراء / ۳۶)

«بی گمان چشم و گوش و دل، همه مورد بازخواست و پرس و جو

قرار می گیرد».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ﴾

(غافر / ۱۹)

«خداوند از دزدانه نگاه کردن چشم ها و از رازی که سینه ها در خود

پنهان می کنند، آگاه است».

و قال تعالى:

﴿ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴾

(الفجر / ۱۴)

«همانا خدای تو در کمین (و مراقب اعمال) شماست».

۹۴۳- وَعَنْ جَرِيرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ نَظَرِ
الْفَجَاءَةِ فَقَالَ: «اصْرِفْ بَصَرَكَ». رواه مسلم.

۹۴۳. و از جریر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: درباره‌ی نظر ناگهانی و ناخواسته از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردم، فرمودند: «چشم خود را برگردان»^۱.

۹۴۴- وعن أبي سعيد رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لا ينظر الرجل إلى عورة الرجل، ولا المرأة إلى عورة المرأة، ولا يفضي الرجل إلى الرجل في ثوب واحد، ولا تفضي المرأة إلى المرأة في الثوب الواحد» رواه مسلم.

۹۴۴. و از ابوسعید - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر فرمودند: «مرد به عورت مردی دیگر و زن به عورت زنی دیگر ننگرد، و مردی در یک بستر با مرد دیگر و زنی با زن دیگر در یک بستر نخواند»^۲.
(به حدیث شماره: ۱۳۲ مراجعه شود).

۲۸۰- باب تحریم الخلوة بالأجنبية

باب تحریم خلوت با زن بیگانه

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾ (الأحزاب / ۵۳)

«هنگامی که از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی از وسایل منزل را به امانت خواستید، از پس پرده از ایشان بخواهید».

۹۴۵- وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالِدُخُولَ عَلَى النِّسَاءِ»، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: أَفَرَأَيْتَ الْحَمَو؟ قَالَ: «الْحَمَوُ الْمَوْتُ». متفقٌ عليه.

۹۴۵. و از عقبه بن عامر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از وارد شدن به (منازل) زنان (بیگانه) خودداری کنید»، مردی از انصار گفت: اگر آن

۱- مسلم روایت کرده ست؛ [۲۱۵۹].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۳۳۸].

مرد برادر یا از خویشاوندان شوهرش باشد چطور؟ فرمودند: «آن (فتنه‌اش بیشتر و مانند) مرگ است»^۱.

(به حدیث شماره: ۵۹۰ مراجعه شود).

۲۸۱- باب تحریم تشبیه الرجال بالنساء والنساء بالرجال فی

لباس وحرکة و غیر ذلک

باب تحریم خود را شبیه ساختن مردان به زنان و زنان

به مردان در لباس، حرکت و غیر آن

۹۴۶- عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم الْمُخَنَّثِينَ مِنَ الرِّجَالِ، وَالْمُتَرَجَّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ.

وفي رواية: لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ، وَالْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ. رواه البخاري.

۹۴۶. و از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ مردانی که

خود را به زن و زنانی که خود را به مرد، همانند کنند، لعنت نمودند.

در روایتی دیگر آمده است: پیامبر ﷺ بر مردانی که خود را به زنان شبیه کنند و

زنانی که خود را به مردان شبیه می‌نمایند، لعنت فرستاد.^۲

۹۴۷- وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «صِنْفَانِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا: قَوْمٌ مَعَهُمْ سَيَاطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ، وَنِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ، زُؤُوسُهُنَّ كَأَسِيمَةِ الْبُخْتِ الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ، وَلَا يَجِدْنَ رِيحَهَا، وَإِنَّ رِيحَهَا لَيُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ كَذَا وَكَذَا» رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۵۲۳۳)، م (۲۱۷۲)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۸۸۶)].

۹۴۷. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو گروه اهل دوزخ می باشند که من آنها را (در این زمان) ندیده‌ام، طایفه‌ای که شلاق‌هایی مانند دم گاو به همراه دارند و مردم را با آن می‌زنند و زنانی که ظاهراً پوشیده و در حقیقت لخت هستند که خود را به هر طرف متمایل می‌کنند (یعنی با ناز و کرشمه راه می‌روند و از طاعت خدا دور هستند) و (موهای) سرشان را مانند کوهان شتران بلند می‌کنند؛ چنین کسانی داخل بهشت نمی‌شوند و بوی آن را هم نمی‌یابند در حالی که بوی آن از فاصله‌های دور نیز استشمام می‌شود»^۱.

۲۸۲- باب النهی عن التشبه بالشیطان والكفار

باب نهی از شبیه کردن خود به شیطان و کافران

۹۴۸- عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَأْكُلُوا بِالشَّمَالِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ» رواه مسلم.

۹۴۸. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «با دست چپ غذا نخورید، زیرا شیطان با دست چپش می‌خورد و می‌نوشد»^۲.

۹۴۹- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى لَا يَصْبِغُونَ، فَخَالِفُوهُمْ» متفقٌ عليه.

۹۴۹. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «یهود و نصاری، (موی سر و ریش خود را) رنگ نمی‌کنند، شما مخالف آنها باشید»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۱۲۸].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۲۰۱۹].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۵۸۹۹)، م (۲۱۰۳)].

۲۸۳- باب نهی الرجل والمرأة عن خضاب شعرهما بسواد

باب نهی مرد و زن از رنگ کردن مو با رنگ سیاه

۹۵۰- عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَتَيْتُ بِأَبِي فُحَّافَةَ وَالِدِ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَوْمَ فَتَحِ مَكَّةَ وَرَأْسُهُ وَلَحِيَّتُهُ كَالثَّغَامَةِ بَيَاضاً، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «غَيِّرُوا هَذَا وَاجْتَنِبُوا السَّوَادَ» رواه مسلم.

۹۵۰. از جابر - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که فرمود: روز فتح مکه، ابوقحافه پدر ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ آورده شد در حالیکه سر و ریشش از سفیدی مثل ثغامه بود (ثغامه نباتی است که گل و میوه اش هر دو سفید است)، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «این را تغییر دهید و از رنگ سیاه بپرهیزید»^۱.

۲۸۴- باب النهی عن القزع وهو حلق بعض الرأس دون بعض،

وإباحة حلقه كله للرجل دون المرأة

باب نهی از قزع که عبارت از تراشیدن قسمتی از سر و

گذاشتن بعضی از آن است، و مباح بودن تراشیدن

تمام سر برای مرد نه زن

۹۵۱- عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْقَزْعِ. متفق عليه.

۹۵۱. از ابن عمر - رضی اللہ عنہما - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم از قزع (تراشیدن قسمتی از سر و گذاشتن بعضی از آن) نهی فرمودند^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۱۰۲)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۲۰)، م (۲۱۲۰)].

۲۸۵- باب تحریم وصل الشعر والوشم
باب تحریم وصل مو و خالکوبی

۹۵۲- وَعَنْ حَمِيدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّهُ سَمِعَ مُعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَامَ حَجِّ عَلَى الْمُنْبَرِ وَتَنَاوَلَ قُصَّةً مِنْ شَعْرِ كَانَتْ فِي يَدِ حَرْسِيٍّ فَقَالَ: يَا أَهْلَ الْمَدِينَةِ، أَيْنَ عُلَمَاؤُكُمْ؟! سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَنْهَى عَنْ مِثْلِ هَذِهِ وَيَقُولُ: «إِنَّمَا هَلَكْتُ بَنُو إِسْرَائِيلَ حِينَ اتَّخَذَهَا نِسَاؤُهُمْ». متفقٌ عليه.

۹۵۲. از حمید بن عبدالرحمن روایت شده است که وی از معاویه - رضی الله عنه - در سالی که (برای آخرین بار در مدت خلافتش) حج کرد و در حالی که روی منبر بود و یک دسته موی چیده را که در دست یک نگهبان بود، از او گرفت - شنید که فرمود: ای اهل مدینه! علمای شما کجا هستند؟! من از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که از این عمل (بریدن موی زن و پیوند آن به دیگری) نهی می کردند و می فرمودند: «بنی اسرائیل هنگامی هلاک شدند که زن هایشان بریدن مو (و پیوند آن با دیگری) را شروع کردند»^۱.

۹۵۳- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَعَنَ الْوَاصِلَةَ وَالْمُسْتَوْصِلَةَ، وَالْوَاشِمَةَ وَالْمُسْتَوْشِمَةَ. متفقٌ عليه.

۹۵۳. و از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله مو گذارنده و کسی که برای وی مو گذاشته می شود و خالکوب و کسی را که بر روی او خال می کوبند، لعنت کرده است^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۳۲)، م (۲۱۲۷)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۳۷)، م (۲۱۲۴)].

۹۵۴- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: لعن الله الواشمات والمستوشمات والمتنمصات، والمتفلجات للحسن، المغيرات خلق الله، فقالت له امرأة في ذلك. فقال: وما لي لا ألعن من لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو في كتاب الله؟! قال الله تعالى: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷]. متفق عليه.

۹۵۴. و از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: خداوند، زنان خالکوب و خالزده و خواستاران آن، و گیرنده‌ی موی ابرو، و فاصله اندازنده میان دندان‌ها برای زیبایی - که تغییردهندگان خلقت خداوندی هستند - را لعنت کند! زنی در این مورد بر او اعتراض کرد، ابن مسعود رضی الله عنه گفت: من چرا بر کسی لعنت نکنم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را لعنت کرده است؟ پیامبری که خداوند درباره‌ی او فرموده است:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (الحشر / ۷)

«و هرچه را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای شما آورده است، بگیرید (و عمل کنید) و از هرچه شما را منع کرد، اجتناب کنید»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۳۱)، م (۲۱۲۵)].

۲۸۶- باب کراهية الاستنجاء باليمين ومس الفرج باليمين من غير عذر
باب کراهت استنجا و لمس آلت تناسلی با دست راست بدون
عذر

۹۵۵- عَنْ أَبِي قَتَادَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا بَالَ أَحَدُكُمْ، فَلَا يَأْخُذَنَّ ذَكَرَهُ بِيَمِينِهِ، وَلَا يَسْتَنْجِ بِيَمِينِهِ، وَلَا يَتَنَفَّسُ فِي الْإِنَاءِ». متفق عليه.

۹۵۵. از ابوقتاده - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هنگامی که یکی از شما ادرار کرد، هرگز آلت تناسلی اش را با دست راست نگیرد و نیز با دست راست استنجا نکند و (هنگام آب خوردن) در ظرف آب ندمد»^۱.

۲۸۷- باب کراهة المشى فى نعل واحدة، أو خف واحد لغير عذر وکراهة لبس
النعل والخف قائماً لغير عذر
باب کراهت راه رفتن در یک کفش یا یک خف (موزه) بدون عذر
و کراهت پوشیدن کفش و موزه در حال ایستادن بدون عذر

۹۵۶- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَمْشِي أَحَدُكُمْ فِي نَعْلٍ وَاحِدَةٍ، لِيَنْعَلَهُمَا جَمِيعاً، أَوْ لِيَخْلَعَهُمَا جَمِيعاً». متفق عليه.

۹۵۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «یکی از شما، با یک لنگه کفش راه نرود، یا هر دو را بپوشد یا هر دو را بکشد و ترک کند»^۲.

۹۵۷- وَعَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ يَنْتَعِلَ الرَّجُلُ قَائِماً. رواه أبو داود بإسنادٍ حسنٍ.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۱۵۴)، م (۲۶۷)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۵۸۵۵)، م (۲۰۹۷)].

۹۵۷. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از این که انسان در حال ایستاده کفش بپوشد، نهی فرمودند.^۱

۲۸۸- باب النهی عن ترک النار فی البیت عند النوم ونحوه سواء کانت فی سراج

أو غیره

باب نهی از گذاشتن آتش در خانه هنگام خواب و مانند آن، خواه چراغ باشد یا غیر آن

۹۵۸- وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: اخْتَرَقَ بَيْتٌ بِالْمَدِينَةِ عَلَى أَهْلِهِ مِنَ اللَّيْلِ. فَلَمَّا حَدَّثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشَأْنِهِمْ قَالَ: «إِنَّ هَذِهِ النَّارَ عَدُوٌّ لَكُمْ، فَإِذَا نِمْتُمْ فَأَطْفِئُوهَا» متفق عليه.

۹۵۸. از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: شبی خانه‌ای در مدینه در حالی که اهالی آن در خانه بودند، آتش گرفت و سوخت، وقتی این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، فرمودند: «آتش دشمن شماست، پس وقتی خوابیدید، آن را خاموش کنید».^۲

۹۵۹- وَعَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «غَطُّوا الْإِنَاءَ، وَأَوَكُوا السَّقَاءَ، وَأَغْلِقُوا الْبَابَ، وَأَطْفِئُوا السَّرَاحَ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَحِلُّ سِقَاءً، وَلَا يَفْتَحُ بَاباً، وَلَا يَكْشِفُ إِنَاءً، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ أَحَدَكُمْ إِلَّا أَنْ يَعْزُضَ عَلَى إِنَائِهِ عُوداً، وَيَذْكُرَ اسْمَ اللَّهِ فَلْيَفْعَلْ، فَإِنَّ الْفُؤْسِقَةَ تُضْرِمُ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ بَيْتَهُمْ». رواه مسلم.

۹۵۹. و از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در شب و هنگام خوابیدن) ظرف‌ها را بپوشید و دهانه‌ی مشک آب و درها را محکم ببندید و چراغ‌ها را خاموش نمایید که شیطان گره مشک را باز نمی‌کند و در بسته را نمی‌گشاید و پوشش ظرف را بر نمی‌دارد، پس اگر یکی از شما راهی نیافت جز این که چوبی را روی ظرف بگذارد و بسم الله بگوید، این کار را انجام دهد؛ زیرا فاسق کوچک (موش) خانه را بر صاحب خانه و اهل آن می‌سوزاند».^۳

۱- ابوداود [۴۱۳۵] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۲۹۴)، م (۲۰۱۶)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۰۱۲)].

۲۸۹- باب النهی عن التكلف وهو فعلٌ وقولٌ ما لا مصلحة فيه

بمشقة

باب نهی از تکلف، و آن، کار و سخنی است که در آن
مصلحتی نیست و با دشواری انجام داده می شود

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾ (ص / ۸۶)

«ای پیامبر ﷺ! بگو: من از شما (در مقابل تبلیغ قرآن و رساندن دین خدا)، هیچ پاداشی نمی خواهم و من از زمره متکلفان (کسانی که دروغ بر می بندند و کار بی فایده می کنند) نیستم».

۹۶۰- وعن ابن عمر رضي الله عنهما، قَالَ: نُهِيتَا عَنِ التَّكْلِيفِ. رواه البخاري.

۹۶۰. و از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: ما از تکلف (کار بی معنی و گفتن چیزی که دانسته نیست) منع شده ایم^۱.

۹۶۱- وعن مسروق قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ عَلِمَ شَيْئًا فَلْيَقُلْ بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَعْلَمْ، فَلْيَقُلْ: اللَّهُ أَعْلَمُ، فَإِنَّ مِنَ الْعِلْمِ أَنْ تَقُولَ لِمَا لَا تَعْلَمُ: اللَّهُ أَعْلَمُ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾ رواه البخاري.

۹۶۱. و از مسروق روایت شده است که فرمود: نزد عبدالله بن مسعود -رضی الله عنه- رفتم، گفت: ای مردم! هرکس چیزی را دانست، آن را بگوید و هرکس چیزی را ندانست،

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۷۲۹۳].

بگوید: خدا داناتر است؛ زیرا یک بخش از علم، این است که برای چیزی که نمی‌دانی، بگویی: خدا داناتر است، (چرا که) خدای متعال به پیامبرش فرمود:

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾ (ص / ۸۶)

«ای پیامبر ﷺ! بگو: من از شما (در مقابل تبلیغ قرآن و رساندن دین خدا)، هیچ پاداشی نمی‌خواهم و من از زمره‌ی متکلفان (کسانی که دروغ بر می‌بندند و کار بی‌فایده می‌کنند) نیستم»^۱.

۲۹۰- باب تحریم النیاحه علی المیت، ولطم الخدّ وشقّ الجیب
ونتف الشعر وحلقه، والدعاء بالویل والثبور
باب تحریم نوحه خوانی بر مرده و زدن و خراشیدن
صورت و پاره کردن گریبان و کندن و تراشیدن مو و
دعا کردن به ویل و هلاک شدن

۹۶۲- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ ضَرَبَ الْخُدُودَ، وَشَقَّ الْجُيُوبَ، وَدَعَا بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ» متفق عليه.

۹۶۲. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که (پس از مردن کس دیگر و در فراق او) بر گونه‌هایش بزند و گریبان پاره نماید و مانند زمان جاهلیت، آه و فریاد و ناله کند، از ما نیست»^۲.

۹۶۳- وَعَنْ أُمِّ عَطِيَّةَ نُسَيْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: أَخَذَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عِنْدَ الْبَيْعَةِ أَنْ لَا نَنْوَحَ. متفق عليه.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۱۰۰۷].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۲۹۴)، م (۱۰۳)].

۹۶۳. و از ام عطیه نسبیّه - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام بیعت از ما (زنان) قول گرفت که نوحه گری نکنیم.^۱

۹۶۴- وَعَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «النَّائِحَةُ إِذَا لَمْ تَتُبْ قَبْلَ مَوْتِهَا تُقَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَيْهَا سِرْبَالٌ مِنْ قَطْرَانٍ، وَدَنْغٌ مِنْ جَرْبٍ» رواه مسلم.

۹۶۴. از ابومالک اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «زن نوحه گر اگر قبل از مرگش توبه نکند، روز قیامت زنده می گردد در حالی که بر تن او، شلواری از قطران (ماده ی قیر مانند و مرکب از چوب و زغال و... و خیلی قابل اشتعال) و پیراهنی از مرض گری (پوشانیده شده) است».^۲

۹۶۵- وَعَنْ أَبِي بُرْدَةَ قَالَ: وَجَعَ أَبُو مُوسَى، فَعُشِيَ عَلَيْهِ، وَرَأْسُهُ فِي حِجْرِ امْرَأَةٍ مِنْ أَهْلِهِ، فَأَقْبَلَتْ تَصِيحُ بَرِيَّةٍ فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَرُدَّ عَلَيْهَا شَيْئًا؛ فَلَمَّا أَفَاقَ، قَالَ: أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ بَرِيءٌ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بَرِيءٌ مِنَ الصَّالِقَةِ، وَالْحَالِقَةِ، وَالشَّاقَّةِ! متفقٌ عليه.

۹۶۵. و از ابوبرده - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: ابوموسی (اشعری) رضی الله عنه بیمار شد و بیهوش گردید و سرش روی ران زنی از افراد خانواده اش بود و زن (پس از بیهوش شدن ابوموسی) با صدای غم آلود، شروع به نوحه و فریاد و ناله کرد و ابوموسی رضی الله عنه در آن هنگام قادر نبود چیزی به آن زن بگوید، وقتی حالش خوب شد، گفت: من از کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله از او بیزار است، بیزارم؛ پیامبر صلی الله علیه و آله از زنی که صدایش را به نوحه خوانی بلند کند و از زنی که هنگام مصیبت موی سرش را می کند یا می برد و از زنی که گریبان خود را پاره می کند، بیزار است.^۳

(به حدیث شماره: ۹۱۵ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۳۰۶)، م (۹۳۶)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۹۳۴)].

۳- متفق علیه است؛ [خ (۱۲۹۶)، م (۱۰۴)].

۲۹۱- باب النهی عن إتيان الكهّان والمنجمين والعُراف
 وأصحاب الرمل، والطوارق بالحصی وبالشعير ونحو ذلك
 باب نهی از مراجعه به پیشگویان و ستاره‌شناسان و
 فالگیران و رمالان با ریگ و جو و مانند آنها

۹۶۶- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَسُ عَنِ الْكُهَّانِ، فَقَالَ: «لَيْسُوا بِشَيْءٍ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّهُمْ يُحَدِّثُونَنا أَحْيَانًا بِشَيْءٍ فَيَكُونُ حَقًّا؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «تِلْكَ الْكَلِمَةُ مِنَ الْحَقِّ يَخْطِفُهَا الْجَنِّيُّ. فَيَقْرُؤُهَا فِي أُذُنِ وَلِيِّهِ، فَيَخْلُطُونَ مَعَهَا مِائَةً كَذِبَةٍ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۹۶۶. از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: اشخاصی درباره‌ی کاهنان از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «گفته‌هایشان» چیزی نیست (حقیقت ندارد)، گفتند: ای رسول خدا! آنها گاهی به ما حرف‌هایی می‌زنند و خبرهایی می‌دهند که درست در می‌آید، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آن گفته‌های حق و درست را شیاطین (از عالم غیب) می‌دزدند و در گوش دوست خود (که همان کاهن است)، فرو می‌خوانند و کاهنان صد دروغ با آن همراه می‌کنند (و به مردم می‌گویند)»^۱.

۹۶۷- وَعَنْ صَفِيَّةَ بِنْتِ أَبِي عُبَيْدٍ، عَنْ بَعْضِ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ أَتَى عَرَافًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ، فَصَدَّقَهُ، لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا» رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۲۱۰)، (۲۲۲۸)].

۹۶۷. و از صفیه دختر ابوعبید از بعضی همسران پیامبر ﷺ - رحمتهما - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هرکس نزد پیشگویی برود و چیزی را از او سؤال کند و جواب او را تصدیق نماید، نماز چهل روز او پذیرفته نمی‌شود»^۱.

۹۶۸- وَعَنْ قَبِيصَةَ بْنِ الْمُخَارِقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «الْعِيَاْفَةُ، وَالطَّيْرَةُ، وَالطَّرْقُ، مِنَ الْجَبْتِ». رواه أبوداود بإسناد حسن.

۹۶۸. و از قبیصه بن مخارق - رحمته - روایت شده است که فرمود: از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمودند: «فالگیری با خط و فال بد گرفتن با چیزی که شوم دانسته می‌شود و فالگیری با پرنده (و غیر آن) از مقوله‌ی جبت (جادوگری و کهانت و بت‌پرستی) است»^۲.

۹۶۹- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ اقْتَبَسَ عِلْمًا مِنَ النُّجُومِ، اقْتَبَسَ شُعْبَةً مِنَ السَّحْرِ زَادَ مَا زَادَ». رواه أبوداود بإسناد صحيح.

۹۶۹. و از ابن عباس - رحمتهما - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که چیزی از علم نجوم را فرا بگیرد، شعبه‌ای از سحر را فرا گرفته است و هرچه بیشتر یاد بگیرد، بیشتر سحر را انجام داده است»^۳.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۲۲۳۰].

۲- ابوداود [۳۹۰۷] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۳- ابوداود [۳۹۰۵] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲۹۲- باب النهی عن التطیر
باب نهی از شوم دانستن چیزی

۹۷۰- وعن أنس رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا غدوى ولا طيرة ويُعجبني الفأل» قالوا: وما الفأل؟ قال: «كلمة طيبة» متفق عليه.

۹۷۰. و از انس - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «هیچ گونه سرایت بیماری وجود ندارد و هیچ فال بد گرفتنی (دارای حقیقت) نیست، اما من فال نیک را دوست دارم، گفتند: فال نیک چیست و چگونه است؟ فرمودند: «سخنی نیکوست»^۱.

۹۷۱- وعن عروة بن عامر رضي الله عنه قال: ذكرت الطيرة عند رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: أحسنها الفأل، ولا ترد مسلماً، فإذا رأى أحدكم ما يكره، فليقل: اللهم لا يأتي بالحسنات إلا أنت، ولا يدفع السيئات إلا أنت، ولا حول ولا قوة إلا بك». حديث صحيح رواه أبو داود بإسناد صحيح.

۹۷۱. و از عروه بن عامر - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که فرمود: از شوم دانستن اشیا و فال گرفتن، نزد پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بحث شد، فرمودند: «بهترین آن، تفأل به خیر است، و البته تفأل مسلمان را از تصمیمش باز نمی‌دارد و هرگاه یکی از شما چیزی دید که نمی‌پسندید، بگوید: اللهم لا يأتي بالحسنات إلا أنت، ولا يدفع السيئات إلا أنت، ولا حول ولا قوة إلا بك: خداوندا! نیکی‌ها را تنها تو می‌آوری و بدی‌ها را تنها تو دفع می‌کنی و هیچ نیرو و تسلطی بر هیچ کاری جز به قدرت و اراده‌ی تو (برای کسی) میسر نیست»^۲.

۱- متفق علیه است: [خ (۵۷۵۶)، م (۲۲۲۴)].

۲- حدیثی صحیح است که ابوداود [(۳۹۱۹)] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲۹۳- باب تحریم تصویر الحیوان فی بساط أو حجر أو ثوب أو درهم أو مخدة أو دينار أو وسادة وغير ذلك و تحريم اتخاذ الصورة فی حائط وستر و عمامة و ثوب و نحوها و الأمر بإتلاف الصور

باب تحریم تصویر حیوان در فرش، سنگ، لباس، سکه، پول، بالش و یا غیر آنها و تحریم به کار بردن تصویر بر دیوار، پرده، دستار، لباس و مانند آنها و امر به از بین بردن چنین تصویرهایی

۹۷۲- وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «كُلُّ مُصَوِّرٍ فِي النَّارِ يُجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ صُورَةٍ صَوَّرَهَا نَفْسٌ فَيُعَذَّبُ فِي جَهَنَّمَ» قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَإِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَأَعْلَأْ، فَاصْنَعِ الشَّجَرَ وَمَا لَا رُوحَ فِيهِ. متفق عليه.

۹۷۲. و از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمودند: «هر نقاشی در آتش است و در برابر هر جانوری که صورت آن را کشیده است، نفسی قرار داده می شود و او را در جهنم تعذیب می کنند»؛ ابن عباس می گوید: اگر ناگزیر هستی که این کار را انجام دهی، پس تصویر درخت و یا هر موجود بی جانی را رسم کن.^۱

۹۷۳- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذَهَبَ يَخْلُقُ كَخَلْقِي، فَلْيَخْلُقُوا ذَرَّةً أَوْ لِيَخْلُقُوا حَبَّةً، أَوْ لِيَخْلُقُوا شَعِيرَةً» متفق عليه.

۹۷۳. و از ابوهریره -رضی الله عنه- روایت شده است که فرمود: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمودند: «خداوند متعال می فرماید: چه کسی ستمکارتر و (تاریک روان تر) است از آن که می رود و مانند مخلوق من را می آفریند؟ چنین کسانی (اگر راست

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۲۲۵)، م (۲۱۱۰)].

می‌گویند که می‌توانند چیزی بیافرینند، پس بیایند) یک ذره خلق کنند، یک دانه بیافرینند یا یک دانه جو به وجود بیاورند!^۱.

۹۷۴- وَعَنْ أَبِي طَلْحَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ» متفق عليه.

۹۷۴. و از ابوطلحه - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «فرشتگان داخل خانه‌ای نمی‌شوند که در آن سگ یا تصویری باشد»^۲.

۹۷۵- وَعَنْ أَبِي الْهَيَّاجِ حَيَّانَ بْنِ حُصَيْنٍ قَالَ: قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَلَا أُبْعَثُكَ عَلَى مَا بَعَثَنِي عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ أَنْ لَا تَدْعَ صُورَةً إِلَّا طَمَسَتْهَا، وَلَا قَبْرًا مُشْرِفًا إِلَّا سَوَّيْتَهُ. رواه مسلم.

۹۷۵. و از ابی الهیاج حیان بن حصین - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: حضرت علی بن ابی‌طالب - رضی الله عنه - به من گفت: تو را می‌فرستم برای (انجام دادن) آنچه که پیامبر صلی الله علیه و آله مرا برای انجام آن فرستاد و بدان امر کرد (و فرمود): هر تصویر (و مجسمه‌ای) را نابود کن و هر قبری را که مرتفع و بلند ساخته شده است، با زمین صاف و یکسان کن.^۳
(به حدیث شماره: ۳۸۷ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۵۳)، م (۲۱۱۱)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۵۹۵۸)، م (۲۱۰۶)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۹۶۹)].

۲۹۴- باب تحریم اتخاذ الکلب إلا لصید أو ماشیة أو زرع
باب تحریم نگهداری سگ جز برای شکار یا نگهبانی
گله و یا زراعت

۹۷۶- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَمْسَكَ كَلْبًا، فَإِنَّهُ يَنْقُصُ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ عَمَلِهِ قِيرَاطٌ إِلَّا كَلْبَ حَرْثٍ أَوْ مَاشِيَةٍ» متفق عليه. وفي رواية لمسلم: «مَنْ اقْتَنَى كَلْبًا لَيْسَ بِكَلْبِ صَيْدٍ، وَلَا مَاشِيَةٍ وَلَا أَرْضٍ فَإِنَّهُ يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِهِ قِيرَاطَانِ كُلَّ يَوْمٍ».

۹۷۶. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که سگی را نگه دارد، هر روز از اعمال خیرش یک قیراط کم می شود؛ مگر سگی که برای نگهبانی گله یا زراعت باشد»^۱.
در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «کسی که سگی را ببندد و نگه دارد که سگ شکار یا نگهبان گله یا زمین زراعت نباشد، هر روز دو قیراط از اجرش کم می شود».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۳۲۲)، م (۱۵۷۵)].

۲۹۵- باب کراهية تعليق الجرس فى البعير وغيره من الدواب وکراهية
استصحاب الكلب والجرس فى السفر

**باب کراهت آویزان کردن زنگ در گردن شتر و غیر آن از
چهارپایان، و کراهت همراه داشتن سگ و زنگ در مسافرت**

۹۷۷- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَصْحَبُ
الْمَلَانِكَةَ رُفْقَةً فِيهَا كَلْبٌ أَوْ جَرَسٌ» رواه مسلم.

۹۷۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «ملايکه،
کاروانی را که در آن سگ یا زنگ باشد، همراهی نمی کنند»^۱.

۲۹۶- باب النهی عن البصاق فى المسجد والأمر بإزالته منه إذا وجد فيه
والأمر بتنزيه المسجد عن الأقدار

**باب نهی از انداختن آب دهن در مسجد و امر به بر داشتن آن
از مسجد اگر باشد و پاک کردن مسجد از پلیدی ها**

۹۷۸- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَى فِي جِدَارِ الْقِبْلَةِ
مُخَاطًا، أَوْ بُزَاقًا، أَوْ نُخَامَةً، فَحَكَّهُ. متفقٌ عليه.

۹۷۸. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم در دیوار قبله‌ی
مسجد، مقداری اخلاط بینی یا آب دهان یا اخلاط سینه را مشاهده فرمود و آن را
زدود و پاک کرد^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۱۱۳)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۵)].

۹۷۹- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ هَذِهِ الْمَسَاجِدَ لَا تَصْلُحُ لِشَيْءٍ مِنْ هَذَا الْبَوْلِ وَلَا الْقَدَرِ، إِنَّمَا هِيَ لِذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى، وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ» أَوْ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. رواه مسلم.

۹۷۹. و از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «این مسجدها، شایسته‌ی چیزهایی (کثیف) مانند ادرار و نجاسات نیست، بلکه تنها برای ذکر خداوند متعال و تلاوت قرآن هستند»، یا چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند.^۱

۲۹۷- باب كراهة الخصومة في المسجد ورفع الصوت فيه، ونشد الضالة
والبيع والشراء والإجارة ونحوها من المعاملات
باب كراهت دعوا در مسجد و بلند کردن صدا در آن و نشانی
دادن گمشده و خرید و فروش و اجاره و سایر معاملات

۹۸۰- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا رَأَيْتُمْ مَنْ يَبِيعُ أَوْ يَبْتَاعُ فِي الْمَسْجِدِ، فَقُولُوا: لَا أَرْبَحَ اللَّهُ تِجَارَتَكَ، وَإِذَا رَأَيْتُمْ مَنْ يُنْشُدُ ضَالَّةً فَقُولُوا: رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيْكَ». رواه الترمذي وقال: حديث حسن.

۹۸۰. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی کسی را دیدید که در مسجد خرید و فروش می‌کند، به او بگویید: خداوند تجارت را سود ندهد! و اگر دیدید کسی گمشده‌اش را نشانی داد، به او بگویید: خداوند آن را به تو بازنگرداند!».^۲

۹۸۱- وَعَنْ السَّائِبِ بْنِ يَزِيدَ الصَّخَّابِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ فِي الْمَسْجِدِ فَحَصَبَنِي رَجُلٌ، فَتَنَظَّرْتُ فَإِذَا عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ: أَذْهَبَ فَأَتِينِي بِهِدَيْنٍ فَجِئْتُهُ بِهِمَا،

۱- متفق علیه است: [خ (۴۱۵)، م (۵۵۲)].

۲- ترمذی [۱۳۲۱] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

فَقَالَ: مِنْ أَيْنَ أَنْتُمَا؟ فَقَالَا: مِنْ أَهْلِ الطَّائِفِ، فَقَالَ: لَوْ كُنْتُمَا مِنْ أَهْلِ الْبَلَدِ، لَأَوْجَعْتُكُمَا، تَرْفَعَانِ أَصْوَاتَكُمَا فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۹۸۱. و از سائب بن یزید صحابی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: من در مسجد بودم، مردی با ریگ مرا زد، نگاه کردم، ناگاه متوجه شدم که عمر بن خطاب - رضی الله عنه - است و گفت: برو و این دو نفر را پیش من بیاور، آنها را آوردم، فرمودند: شما اهل کجا هستید؟ گفتند: از اهالی طائفیم، فرمودند: اگر شما اهل این شهر (مدینه) می بودید، تنبیهتان می کردم؛ در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله صدایتان را بلند می کنید؟!^۱

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۴۷۰)].

۲۹۸- باب نهی من أكل ثوماً أو بصلاً أو كُرْثاً أو غيره مما له رائحة كريهة عن دخول المسجد قبل زوال رائحته إلا لضرورة

باب نهی از دخول به مسجد بعد از خوردن سیر، پیاز، تره و چیزهای بدبو و قبل از اتمام بوی آنها مگر به خاطر ضرورت

۹۸۲- وَعَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَكَلَ ثُومًا أَوْ بَصَلًا، فَلْيَعْتَزِلْنَا، أَوْ فَلْيَعْتَزِلْ مَسْجِدَنَا» متفقٌ عليه.

۹۸۲. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که سیر یا پیاز خورده است، از ما - یا از مسجد ما - دور شود»^۱.

۲۹۹- باب كراهية الاحتباء يوم الجمعة والإمام يخطب لأنه يجلب النوم فيفوت استماع الخطبة ويخاف انتقاض الوضوء

باب كراهت نشستن به حال چمباتمه نشستن (به طوری که زانوهای به سینه بچسبد) در روز جمعه در حالی که امام خطبه می خواند؛ زیرا چنین حالتی خواب آور است و گوش دادن خطبه فوت می شود و خوف باطل شدن و نقض وضو نیز هست

۹۸۳- عَنْ مُعَاذِ بْنِ أَنَسٍ الْجُهَنِيِّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الْجُبُوتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ. رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ.

۱۷۰۵. از معاذ بن انس جهنی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از نشستن به حالت احتبا (چمباتمه) در روز جمعه در حالی که امام خطبه می خواند، نهی فرمودند^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۸۵۴)، م (۵۴۶)].

۳۰۰- باب نهی من دخل علیه عشر ذی الحجة وأراد أن
يضحّي، عن أخذ شيء من شعره أو أظفاره حتى يضحّي
باب نهی کسی که وارد دهه‌ی ذی‌الحجه شده و
می‌خواهد قربانی کند از آرایش مو یا گرفتن
ناخن‌هایش تا وقتی که قربانی را انجام می‌دهد

۹۸۴- عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ كَانَ لَهُ ذَبْحٌ يَذْبَحُهُ، فَإِذَا أَهْلَ هَلَالُ ذِي الْحِجَّةِ، فَلَا يَأْخُذَنَّ مِنْ شَعْرِهِ وَلَا مِنْ أَظْفَارِهِ شَيْئاً حَتَّى يُضَحِّيَ» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۹۸۴. از ام‌المؤمنین ام سلمه - رضی‌الله‌عنها - روایت شده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «کسی که حیوان قربانی دارد و می‌خواهد آن را قربانی کند، با آغاز شدن ماه ذی‌الحجه، دیگر قطعاً چیزی از مو یا ناخن‌هایش را نگیرد تا وقتی که قربانی را انجام می‌دهد»^۲.

۱- ابوداود [۱۱۱۰] و ترمذی [۵۱۴] روایت کرده‌اند و گفته‌اند: حدیثی حسن است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [۱۹۷۷].

۳۰۱- باب النهی عن الحلف بمخلوق كالنبي والكعبة والملائكة والسماء والآباء والحياة والروح والرأس ونعمة السلطان وتربة فلان والأمانة، وهي من أشدها نهياً

باب نهی از سوگند خوردن به مخلوق مانند پیامبر، کعبه، ملائکه، آسمان، پدران، زندگی، روح، سر، نعمت سلطان و قبر فلان و امانت، و نهی از سوگند به امانت از همه‌ی آنها بیشتر است

۹۸۵- عَنِ ابْنِ عُمَرَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْهَاكُمْ أَنْ تَحْلِفُوا بِآبَائِكُمْ، فَمَنْ كَانَ خَالِفاً، فَلْيَخْلِفْ بِاللَّهِ، أَوْ لِيَصْمُتْ» متفق عليه.

۹۸۵. از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند متعال شما را از سوگند خوردن به پدرانتان نهی می‌کند، پس کسی که سوگند می‌خورد، باید به خدا سوگند بخورد یا ساکت شود»^۱.

۹۸۶- وَعَنْ بُرَيْدَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ حَلَفَ بِالْأَمَانَةِ فَلَيْسَ مِنَّا». حَدِيثٌ صَحِيحٌ، رواه أبو داود بإسنادٍ صحيحٍ.

۹۸۶. و از بُرَیدة - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «هرکس به امانت (یا شرف یا صداقت) سوگند بخورد، از ما نیست»^۲.

۹۸۷- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ حَلَفَ فَقَالَ: إِنِّي بَرِيءٌ مِنَ الْإِسْلَامِ، فَإِنْ كَانَ كَاذِباً، فَهُوَ كَمَا قَالَ، وَإِنْ كَانَ صَادِقاً، فَلَنْ يَرْجِعَ إِلَى الْإِسْلَامِ سَالِماً». رواه أبو داود.

۱- متفق عليه است: [خ (۶۶۴۶)، م (۱۶۴۶)].

۲- حدیثی صحیح است که ابوداود [۳۲۵۳] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۹۸۷. و از بُریده - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که سوگند بخورد و در سوگندش بگوید: من از اسلام بیزارم. اگر دروغ گفته باشد، همان‌طور که گفته از اسلام خارج شده است، و اگر راست بگوید، هرگز سالم به اسلام باز نمی‌گردد»^۱.

۹۸۸- وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ سَمِعَ رَجُلًا يَقُولُ: لَا وَالْكَعْبَةِ، فَقَالَ ابْنُ عُمَرَ: لَا تَخْلِفَ بَعِيرَ اللَّهِ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ خَلَفَ بَعِيرَ اللَّهِ، فَقَدْ كَفَرَ أَوْ أَشْرَكَ» رواه الترمذي وقال: حديث حسن. وَفَسَّرَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ قَوْلَهُ: «كَفَرَ أَوْ أَشْرَكَ» عَلَى التَّغْلِيطِ، كَمَا زُوِيَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الرِّيَاءُ شُرْكٌ».

۹۸۸. و از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت شده است که او از مردی شنید که می‌گفت: به کعبه سوگند چنین نیست؛ ابن عمر - رضی الله عنه - گفت: به غیر از خدا سوگند نخور که من از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هرکس به غیر خدا سوگند بخورد، همانا کفر یا شرک ورزیده است»^۲.

بعضی از علما فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله که: «کفر یا شرک ورزیده است» را حمل بر تغلیظ کرده‌اند، همان‌طور که روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ریا شرک است» که این نیز برای تغلیظ است (: غلیظ و بزرگ نشان دادن گناه آن عمل برای دوری گرفتن حتمی از آن و یا این که چنین شخصی، عملی از اعمال اهل شرک را انجام داده و البته، باعث کافر شدن و خروج او از دین نمی‌شود).

۱- ابوداود روایت کرده است؛ [۳۲۵۸].

۲- ترمذی [۱۵۳۵] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۳۰۲- باب تغلیظ الیمن الکاذبة عمداً
باب تغلیظ در تحریم سوگند دروغ به صورت عمد

۹۸۹- عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ خَلَفَ عَلَى مَالِ امْرِئٍ مُسْلِمٍ بِغَيْرِ حَقِّهِ، لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ» قَالَ: ثُمَّ قَرَأَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِصْدَاقَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾ [آل عمران: ۷۷] إِلَى آخِرِ الْآيَةِ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۹۸۹. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که بر مال انسان مسلمانی سوگند ناحق بخورد (تا آن را به دروغ برای خود ثابت کند)، خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که از او خشمگین است». سپس پیامبر صلی الله علیه و آله مصداق فرموده‌اش را از کتاب خداوند عزوجل بر ما تلاوت فرمودند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾
(آل عمران / ۷۷)

«در حقیقت، آنان که عهد خداوند (دین) و سوگندهای خود را در مقابل کالای کم و بی‌ارزشی عوض می‌کنند، در آخرت، برای آنها هیچ بهره و ثوابی نیست و خداوند با آنان صحبت نمی‌کند و در روز قیامت به آنان نگاه نمی‌کند و آنان را (از گناه) پاک نمی‌کند و عذابی بس دردناک در انتظار آنان می‌باشد».

۹۹۰- وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ ثَعْلَبَةَ الْحَارِثِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ افْتَطَعَ حَقَّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ بِإِيمَانِهِ، فَقَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ النَّارَ، وَحَرَّمَ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ»

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: وَإِنْ كَانَ شَيْئًا يَسِيرًا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «وَإِنْ كَانَ قَضِيًّا مِنْ أَرَاكَ» رواه مُسْلِمٌ.

۹۹۰. و از ابوامامه ایاس بن ثعلبه حارثی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس حق فرد مسلمانی را به سوگند (یا زور) خود قطع و سلب کند، خداوند، دوزخ را برای او واجب و بهشت را بر او حرام می‌کند»، مردی گفت: اگر چیز کمی هم باشد، ای رسول خدا؟! فرمودند: «بله، هر چند که چوب سواکی هم باشد»^۱.

۹۹۱- وعن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما أن أعرابياً جاء إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقال: يا رسول الله، ما الكبائر؟ قال: «الإشراك بالله» قال: ثم ماذا؟ قال: «اليمين الغموس» قلت: وما اليمين الغموس؟ قال: «الذي يفتطع مال امرئ مسلم». يعني يمين هو فيها كاذب. رواه البخاري.

۹۹۱. و از عبدالله بن عمرو بن عاص - رضی الله عنهما - روایت شده است: «یک اعرابی به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! گناهان کبیره کدامند؟ فرمودند: «شریک قایل شدن برای خدا»، عرض کرد: بعد از آن چه چیز، فرمودند: «سوگند غموس» گفت: سوگند غموس چیست؟ فرمودند: «شخصی که (با سوگند دروغ خود) مال انسان مسلمانی را تصاحب و تصرف می‌کند».

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۱۳۷].

۳۰۳- باب ندب مَنْ حلف على يمين ، فرأى غيرها خيراً منها أن يفعل ذلك
المحلوف عليه، ثم يكفر عن يمينه

**باب مندوب بودن عمل کسی که به چیزی سوگند خورده و بعد
می بیند که کار دیگر بهتر است، در این که آن کار دیگر را انجام
دهد و بعد کفاره‌ی سوگندش را بپردازد**

۹۹۲- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَأَنْ يَلْجَ أَحَدُكُمْ فِي يَمِينِهِ فِي أَهْلِهِ أَنْتُمْ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَنْ يُعْطِيَ كَفَّارَتَهُ الَّتِي فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ» متفقٌ عليه.

۹۹۲. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر یکی از شما در میان خانواده‌ش بر سوگندش لج و اصرار کند، گناهش نزد خداوند، بیشتر از آن است که کفاره‌ای را که خدا بر او فرض کرده است، بپردازد (و آن کار را انجام دهد)»^۱.

(به حدیث شماره: ۳۹۷ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۶۲۵)، م (۱۶۵۵)].

۳۰۴- باب العفو عن لغو اليمين وأنه لا كفارة فيه، وهو ما يجرى على اللسان بغير قصد اليمين كقوله على العادة: لا والله، وبلى والله، ونحو ذلك

باب عفو از سوگند لغو و این که كفاره‌ای ندارد و آن سوگندی است که بدون قصد سوگند بر زبان جاری می‌شود مانند آن که عادتاً می‌گوید: نه والله، آری والله و ...

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّرتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۖ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۚ ذَلِكَ كَفَرُهُ أَيْمَانِكُمْ ﴾ (المائدة / ۸۹)

«خداوند شما را درباره سوگندهای لغو [و بیهوده] تان باز خواست نمی‌کند، ولی شما را به [سزای] سوگندهایی که از روی قصد [و اراده] خورده‌اید، باز خواست می‌کند. پس كفاره‌اش غذا دادن ده بینوا از متوسطی آنچه به خانواده خود می‌خورانید یا لباس دادن آنان یا آزاد کردن یک برده است. پس اگر کسی [هیچ یک از اینها] را نیابد [كفاره‌اش] سه روز روزه داشتن است. كفاره سوگندهایتان چون سوگند خورید [و بشکنید] این است.»

۹۹۳- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: أُنْزِلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ﴾ فِي قَوْلِ الرَّجُلِ: لَا وَاللَّهِ، وَبَلَى وَاللَّهِ. رواه البخاري.

۹۹۳. و از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: این آیه: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ﴾ (المائدة / ۸۹) در مورد گفته‌های شخص: «لا والله»، «بلی والله» نازل شده است.^۱

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۶۶۳].

۳۰۵- باب کراهة الحلف فی البیع وإن کان صادقاً
باب کراهت سوگند خوردن در معاملات هر چند که
راست باشد

۹۹۴- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «الْحَلْفُ مَنْقَعَةٌ لِلسَّلْعَةِ، مَمْحَقَةٌ لِلْكَسْبِ» متفقٌ عليه.

۹۹۴. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «سوگند، موجب رواج جنس و از بین بردن (برکت) کسب است»^۱.

۳۰۶ باب تحریم قوله شاهنشاه للسلطان وغيره لأن معناه ملك الملوک، ولا
یوصف بذلك غیر الله سبحانه وتعالی
باب تحریم گفتن: شاهنشاه به سلطان یا شخصی دیگر، زیرا معنایش
ملك الملوک است و غیر از الله سبحانه و تعالی هیچ کس با آن
وصف نمی شود

۹۹۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ أَخْنَعَ اسْمٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلٌ تَسْمَى مَلِكُ الْأَمْلاَكِ» متفقٌ عليه.
قَالَ سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ: «مَلِكُ الْأَمْلاَكِ» مِثْلُ شَاهِنْشَاهٍ.

۹۹۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خوارترین و بی ارزش ترین اسم نزد خدای عزوجل، اسم مردی است که ملک الاملاک (پادشاه پادشاهان) خوانده می شود»^۲.

۱- متفق علیه است: [خ (۲۰۸۷)، م (۱۶۰۶)].

۲- متفق علیه است: [خ (۶۲۰۶)، م (۲۱۴۳)].

۳۰۷ باب النهی عن مخاطبة الفاسق و المبتدع و نحوهما بسید و نحوه
باب نهی از خطاب افراد فاسق و بدعتگزار و امثال آن دو به
سید (آقا) و امثال آن

۹۹۶- عن بُرَيْدَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَقُولُوا
لِلْمُنَافِقِ سَيِّدًا، فَإِنَّهُ إِن يَكُ سَيِّدًا، فَقَدْ أَسْخَطْتُمْ رَبَّكُمْ عَزَّ وَجَلَّ» رواه أبو داود بإسنادٍ صحيحٍ.

۹۹۶. از بریده - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «به منافق، سید
(آقا) نگویند؛ زیرا اگر او را سید شمارید، پروردگارتان را (که صاحب عزت و
جلال است)، خشمگین کرده‌اید»^۱.

۳۰۸- باب کراهة سبِّ الحُمَى
باب کراهت دشنام دادن به تب

۹۹۷- عن جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ عَلَى أُمِّ السَّائِبِ،
أَوْ أُمِّ الْمُسَيَّبِ فَقَالَ: «مَا لَكَ يَا أُمَّ السَّائِبِ أَوْ يَا أُمَّ الْمُسَيَّبِ، تُزْفِرِينَ؟» قَالَتْ: الْحُمَى لَا
بَارَكَ اللَّهُ فِيهَا، فَقَالَ: «لَا تَسَيِّي الْحُمَى، فَإِنَّهَا تُذْهِبُ خَطَايَا بَنِي آدَمَ، كَمَا يُذْهِبُ الْكَبِيرُ
خَبَثَ الْحَدِيدِ» رواه مسلم.

۹۹۷. از جابر - رضی اللہ عنہ - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نزد ام سائب یا ام مسیب
رفتند و فرمودند: «ای ام سائب - یا ام مسیب - چه شده است، چرا می‌لرزی؟»
گفت: تب دارم که خدا به آن برکت ندهد! پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «به تب بد نگو؛ زیرا
آن گناهان را از بین می‌برد هم‌چنان که دمه‌ی آهن‌گری زنگ آهن را می‌زداید»^۲.

۱- ابوداود [(۴۹۷۷)] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۵۷۵)].

۳۰۹- باب النهی عن سبِّ الرِّيح ، و بیان ما یقال عند هبوبها
باب نهی از بدگویی به باد و بیان آن چه که موقع
وزش باد گفته می شود

۹۹۸- عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَسُبُّوا الرِّيحَ، فَإِذَا رَأَيْتُمْ مَا تَكْرَهُونَ، فَقُولُوا: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الرِّيحِ وَخَيْرِ مَا فِيهَا وَخَيْرِ مَا أُمِرْتُ بِهِ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ هَذِهِ الرِّيحِ وَشَرِّ مَا فِيهَا وَشَرِّ مَا أُمِرْتُ بِهِ» رواه الترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ صحيح.

۹۹۸. از ابی بن کعب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به باد بد نگویید، و وقتی بادی را دیدید که نمی پسندید، بگویید: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الرِّيحِ وَخَيْرِ مَا فِيهَا وَخَيْرِ مَا أُمِرْتُ بِهِ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ هَذِهِ الرِّيحِ وَشَرِّ مَا فِيهَا وَشَرِّ مَا أُمِرْتُ بِهِ: خدایا! منفعت این باد و نفع جریانش و خیر آن چه که به آن مأمور شده است را از تو می خواهیم، و پناه می بریم به تو از شر آن و شر جریانش و شر آن چه که بدان مأمور شده است»^۱.

۱- ترمذی [۲۲۵۳] روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۳۱۰- باب کراهة سبِّ الدِّيكِ
باب کراهت بد گفتن به خروس

۹۹۹- عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ الْجُهَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَسُبُّوا الدِّيكَ، فَإِنَّهُ يُوقِظُ لِلصَّلَاةِ» رواه أبوداود بإسنادٍ صحيح.
۹۹۹. از زید بن خالد جهنی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به خروس بد نگویید، زیرا (مسلمانان را) برای نماز بیدار می کند»^۱.

۳۱۱- باب النهی عن قول الإنسان: مُطِرْنَا بِنَوْءٍ كَذَا
باب نهی از گفتن : به سبب فلان تقابل ستارگان بر ما باران بارید

۱۰۰۰- عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَاةَ الصُّبْحِ بِالْحُدَيْبِيَّةِ فِي إِثْرِ سَمَاءٍ كَانَتْ مِنَ اللَّيْلِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ، فَقَالَ: «هَلْ تَدْرُونَ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ؟» قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: «قَالَ: أَصْبَحَ مِنْ عِبَادِي مُؤْمِنٌ بِي، وَكَافِرٌ، فَأَمَّا مَنْ قَالَ: مُطِرْنَا بِفَضْلِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ، فَذَلِكَ مُؤْمِنٌ بِي كَافِرٌ بِالْكُوكَبِ، وَأَمَّا مَنْ قَالَ مُطِرْنَا بِنَوْءٍ كَذَا وَكَذَا، فَذَلِكَ كَافِرٌ بِي مُؤْمِنٌ بِالْكُوكَبِ». متفقٌ عليه.
۱۰۰۰. از زید بن خالد - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیبیه برای ما نماز صبح را خواند، بعد از بارانی که شب باریده بود، وقتی نماز را تمام کرد، رو به مردم کرد و فرمودند: «آیا می دانید که خدای شما چه گفت؟» گفتند: خدا و رسولش آگاه ترند، فرمودند: «خداوند می فرماید: کسانی مؤمن به من و کسانی کافر به من، از بندگان من شب را به روز می آورند، هرکس که بگوید: به فضل و بخشایش خدا، بر ما باران بارید، به من مؤمن و به ستاره کافر است و هرکس که بگوید: به سبب تقابل فلان ستاره، بر ما باران بارید، به من کافر و به ستاره مؤمن است»^۲.

۱- ابوداود [(۵۱۰۱)] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۸۴۶)، م (۷۱)].

۳۱۲- باب تحریم قوله لمسلم: یا کافر
باب تحریم گفتن به مسلمان: ای کافر

۱۰۰۱- وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ دَعَا رَجُلًا بِالْكَفْرِ، أَوْ قَالَ: عَدُوَّ اللَّهِ، وَلَيْسَ كَذَلِكَ إِلَّا حَارَ عَلَيْهِ» متفق عليه.

۱۰۰۱. از ابوذر - رضی الله عنه - روایت شده است که او از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که می فرمودند: «هرکس مردی را کافر بخواند، یا بگوید: ای دشمن خدا! در حالی که او چنان نباشد، آن نسبت ها به خود او برمی گردند»^۱.

۳۱۳- باب النهی عن الفحش وبذاء اللسان
باب نهی از بد زبانی و بدگویی و دشنام

۱۰۰۲- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا كَانَ الْفُحْشُ فِي شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ، وَمَا كَانَ الْحَيَاءُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ». رواه الترمذي، وقال: حديث حسن.

۱۰۰۲. و از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بدگویی و بی ادبی در هر چیزی باشد، آن را معیوب می کند و حیا و ادب در هر چیزی باشد، آن را زینت می دهد»^۲.
(به حدیث شماره: ۸۹۸ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است: [خ (۶۰۴۵)، م (۶۱)].

۲- ترمذی [۱۹۷۵] روایت کرده و گفته است: حدیثی حسن است.

۳۱۴- باب کراهة التّعیر فی الکلام بالتشدّق وتکلف الفصاحة واستعمال

وَحَشَى اللّٰغَةَ ودقائق الإعراب فی مخاطبة العوام ونحوهم

باب کراهت زیاد فرو رفتن در نحوه‌ی سخن، پیچاندن سخن در

دهان، تکلف به فصاحت، به کار بردن لغات غیر مأنوس و

ریشه‌کاری‌های دستوری در سخن گفتن با عوام و مانند آنها

(به احادیث شماره: ۹۵ و ۳۷۳ مراجعه شود).

۳۱۵- باب النهی عن وصف محاسن المرأة لرجل إلا أن يحتاج إلى ذلك

لغرض شرعی کنکاحها ونحوه

باب نهی از وصف زیبایی‌های زن برای یک مرد، مگر آن که برای

هدفی شرعی مانند ازدواج و ... نیاز باشد

۱۰۰۳- عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تُبَاشِرِ الْمَرْأَةَ الْمَرْأَةَ، فَتَصِفَهَا لِرَوْحِهَا كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهَا» متفقٌ عليه.

۱۰۰۳. از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مبادا

زنی بسوی زن دیگری با دقت بنگرد یا اینکه جسم او را لمس کند و بعد او را

برای شوهرش چنان توصیف کند که گویی شوهرش به آن زن می‌نگرد»^۱.

۱- متفقٌ علیه است؛ [خ (۵۲۴۰)]. [مسلم آن را روایت نکرده است].

۳۱۶- باب کراهة قول الإنسان في الدعاء : اللَّهُمَّ اغفر لي إن شئت

بل يجزم بالطلب

باب کراهت این که انسان (در دعا) بگوید : خدایا! اگر خواستی مرا بیمارز، بلکه باید قطعی و جدی آمرزش بطلبد

۱۰۰۴- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنْ شِئْتَ: اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي إِنْ شِئْتَ، لِيُعْزِمَ الْمَسْأَلَةَ، فَإِنَّهُ لَا مُكْرَهَ لَهُ» متفق عليه.

وفي روايةٍ لِمُسْلِمٍ: «وَلَكِنْ، لِيُعْزِمَ، وَلِيُعْظِمَ الرَّغْبَةَ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَتَعَاطَمُهُ شَيْءٌ أُعْطَاهُ».

۱۰۰۴. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ یک از شما نگوید: خداوندا! اگر می خواهی مرا بیمارز؛ خدایا! اگر خواستی مرا ببخش، بلکه در تقاضای آمرزش، پایداری و سرسختی کند؛ زیرا خداوند هیچ مجبورکننده ای ندارد»^۱.

در روایتی دیگر از مسلم آمده است: «بلکه عزم جزم کند و رغبت خود را به رحمت خدا، بسیار بزرگ کند، زیرا خداوند متعال، چیزی را که بخشیده است، در نظرش بزرگ نیست و بخشش برای او سخت نیست».

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۳۳۹)، م (۲۶۷۹)].

۳۳۳- باب کراهة قول: ما شاء الله و شاء فلان

باب کراهت گفتن آن چه خدا بخواهد و فلانی بخواهد

۱۰۰۵- عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَقُولُوا: مَا شَاءَ اللَّهُ وَشَاءَ فُلَانٌ، وَلَكِنْ قُولُوا: مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ شَاءَ فُلَانٌ» رواه أبوداود بإسنادٍ صحيح.

۱۰۰۵. از حذیفه بن یمان - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نگویید: آن چه خدا بخواهد و فلانی بخواهد، بلکه بگویید: آن چه خدا بخواهد و اراده کند و سپس فلانی بخواهد و اراده کند»^۱.

۳۱۸- باب کراهة الحديث بعد العشاء الآخرة

باب کراهت سخن گفتن بعد از نماز عشا (آخرین نماز)

۱۰۰۶- عَنْ أَبِي بَرزَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَكْرَهُ التَّوَمَّ قَبْلَ الْعِشَاءِ وَالْحَدِيثَ بَعْدَهَا. متفقٌ عليه.

۱۰۰۶. از ابو برزه - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله خواب قبل از نماز عشا و سخن گفتن بعد از آن را ناپسند می داشت^۲.

۱۰۰۷- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُمْ انْتَبَرُوا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَجَاءَهُمْ قَرِيبًا مِنْ شَطْرِ اللَّيْلِ فَصَلَّى بِهِمْ، يَعْنِي الْعِشَاءَ قَالَ: ثُمَّ خَطَبَنَا فَقَالَ: «أَلَا إِنَّ النَّاسَ قَدْ صَلُّوا، ثُمَّ رَقَدُوا» وَإِنَّكُمْ لَنْ تَزَالُوا فِي صَلَاةٍ مَا انْتَبَرْتُمْ الصَّلَاةَ» رواه البخاري.

۱- ابوداود [۴۹۸۰] به اسناد صحیح روایت کرده است.

۲- متفق علیه است؛ [(۵۶۸)، م (۶۴۷)].

۱۰۰۷. و از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: صحابه رضی الله عنهم (برای نماز عشا) منتظر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و ایشان نزدیک نیمه شب تشریف آورد و برای آنان نماز - یعنی: عشا - را خواند، انس می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله سپس برای ما خطبه خواندند و فرمودند: «آگاه باشید! مردم نماز خواندند و خوابیدند، و تا زمانی که در انتظار نماز نشسته باشید، گویا در حال نماز هستید»^۱.

۳۱۹- باب تحریم امتناع المرأة من فراش زوجها إذا دعاها ولم

یکن لها عذر شرعی

باب تحریم خودداری کردن زن از خوابیدن با
شوهرش هرگاه مرد او را صدا کند و وی عذر شرعی
نداشته باشد

۱۰۰۸- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ، فَبَاتَ غَضَبًا عَلَيْهَا، لَعْنَتُهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ» متفق عليه.

وفي رواية: «حَتَّى تَرْجِعَ».

۱۰۰۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه مرد، زنش را به بسترش فرا خواند و زن امتناع کند و مرد، شب را در حال خشم و نارضایتی از او سپری کند، فرشتگان تا هنگام صبح، او را لعنت می کنند»^۲.
در روایتی آمده است: «تا وقتی که (به بستر شوهرش) برمی گردد».

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۵۷۲]. مسلم (۶۴۰) نیز آن را روایت کرده است.

۲- متفق علیه است؛ [خ (۳۲۳۷)، م (۱۴۳۶)].

۳۲۰- باب تحریم صوم المرأة تطوعاً وزوجها حاضر إلا بإذنه
باب تحریم روزهی (مستحب) زن با حضور شوهر مگر به
اجازهی او

(به حدیث شماره: ۱۸۹ مراجعه شود).

۳۲۱- باب تحریم رفع المأموم رأسه من الركوع أو السجود
قبل الإمام
باب تحریم این که مأموم قبل از امام سرش را از
رکوع یا سجود بلند کند

۱۰۰۹- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَمَّا يَخْشَى
أَحَدُكُمْ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ الْإِمَامِ أَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ رَأْسَهُ رَأْسَ حِمَارٍ، أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ صُورَتَهُ صُورَةَ
حِمَارٍ» متفق عليه.

۱۰۰۹. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا یکی از
شما از این نمی ترسد که وقتی پیش از امام سرش را بلند کند، خداوند متعال سر او
را سر الاغ گرداند - یا: صورتش را به صورت خر درآورد»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۹۱)، م (۴۲۷)].

۳۲۲- باب کراهة وضع اليد على الخاصرة في الصلاة

باب کراهت گذاشتن دست بر کمر در نماز

۱۰۱۰- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الْخَصْرِ فِي الصَّلَاةِ. متفقٌ عليه.

۱۰۱۰. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از گذاشتن دست بر کمر در نماز نهی فرموده‌اند.^۱

۳۲۳- باب کراهة الصلاة بحضرة الطعام ونفسه تتوق إليه أو مع مدافعة

الأخبثين: وهما البول والغائط

باب کراهت نماز در حالی که غذا حاضر باشد و نفس آرزوی آن

را بکند یا هنگام احساس نیاز به دفع پلیدی‌ها، یعنی ادرار و

مدفوع

۱۰۱۱- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ طَعَامٍ، وَلَا وَهُوَ يُدَافِعُهُ الْأَخْبَثَانِ» رواه مسلم.

۱۰۱۱. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: «هیچ نمازی در زمان حاضر بودن غذا و سفره و در وقتی که پلیدی‌ها (ادرار و مدفوع) به انسان فشار آورده باشند، کامل نیست».^۲

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۲۱۹)، م (۵۴۵)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۵۶۰)].

۳۲۴- باب النهی عن رفع البصر إلى السماء في الصلاة
باب نهی از بلند نمودن چشم به سوی آسمان، در نماز

۱۰۱۲- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَرْفَعُونَ أَبْصَارَهُمْ إِلَى السَّمَاءِ فِي صَلَاتِهِمْ» فَأَشَدَّ قَوْلُهُ فِي ذَلِكَ حَتَّى قَالَ: «لَيَنْتَهَنَّ عَنْ ذَلِكَ، أَوْ لَتُخَطَفَنَّ أَبْصَارُهُمْ». رواه البخاري.

۱۰۱۲. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بعضی ها را چه شده که در نماز، چشم های خود را به طرف آسمان بلند می کنند؟ (چرا این کار را می کنند؟)» و این مسأله را سخت گرفت و در مورد آن تأکید کرد، تا آن جا که فرمودند: «یا به این کار خاتمه می دهند یا این که بینایی آنان زایل می شود»^۱.

۳۲۵- باب كراهة الالتفات في الصلاة لغير عذر
باب كراهت رو برگرداندن در نماز بدون عذر

۱۰۱۳- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْإِلْتِفَاتِ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ: «هُوَ اخْتِلَاسٌ يَخْتَلِسُهُ الشَّيْطَانُ مِنْ صَلَاةِ الْعَبْدِ» رواه البخاري.

۱۰۱۳. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: درباره ی رو برگرداندن در نماز از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردم، فرمودند: «آن سرقت و سوء استفاده ای است که شیطان از نماز بنده می کند»^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۷۵۰].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۷۵۱].

۳۲۶- باب النهی عن الصلاة إلى القبور
باب نهی از رو کردن به قبرها در نماز

۱۰۱۴- عَنْ أَبِي مَرْثَدٍ كَنَازِ بْنِ الْحَصَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا تُصَلُّوا إِلَى الْقُبُورِ، وَلَا تَجْلِسُوا عَلَيْهَا» رواه مُسْلِمٌ.

۱۰۱۴. از ابو مرثد کناز بن حصین - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: «رو به قبرها نماز نگذارید و بر روی آنها ننشینید»^۱.

۳۲۷- باب تحريم المرور بين يدي المصلّي
باب تحریم عبور از جلو نمازگزار

۱۰۱۵- عَنْ أَبِي الْجُهَيْمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ الصَّمَّةِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَوْ يَعْلَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّي مَاذَا عَلَيْهِ لَكَانَ أَنْ يَقِفَ أَرْبَعِينَ خَيْرًا لَهُ مِنْ أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ» قَالَ الرَّائِي: لَا أَذْرِي قَالَ: أَرْبَعِينَ يَوْمًا، أَوْ أَرْبَعِينَ شَهْرًا، أَوْ أَرْبَعِينَ سَنَةً. متفقٌ عليه.

۱۰۱۵. از ابوجهیم عبدالله بن حارث بن حارث بن الصمّه انصاری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر عابری که از جلو نمازگزار عبور می کند، می دانست که چه گناه و مسؤولیتی بر عهده ی اوست، اگر به مدت چهل می ایستاد، بهتر از آن بود که از جلوی نمازگزار عبور نماید»، راوی می گوید: نمی دانم که پیامبر صلی الله علیه و آله چهل روز فرمود یا چهل ماه و یا چهل سال^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [۹۷۲].

۲- متفق علیه است؛ [(۵۱۰)، م (۵۰۷)].

۳۲۸- باب کراهة شروع المأموم في نافلة بعد شروع المؤذن في إقامة الصلاة سواء كانت النافلة سنة تلك الصلاة أو غيرها

باب کراهت شروع مأموم به نماز سنت بعد از شروع مؤذن به اقامه‌ی نماز چه سنت (راتبه‌ی) آن نماز باشد؛ چه غیر آن

۱۰۱۶- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، فَلَا صَلَاةَ إِلَّا الْمَكْتُوبَةُ» رواه مسلم.

۱۰۱۶. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه نماز اقامه شد، هیچ نمازی جز نماز فریضه نیست»^۱.

۳۲۹- باب کراهة تخصيص يوم الجمعة بصيام أو ليلته بصلاة

باب کراهت اختصاص روز جمعه به روزه یا شب جمعه به نماز

۱۰۱۷- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَخْصُوا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بِقِيَامٍ مِنْ بَيْنَ اللَّيَالِي، وَلَا تَخْصُوا يَوْمَ الْجُمُعَةِ بِصِيَامٍ مِنْ بَيْنِ الْأَيَّامِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِي صَوْمٍ يَصُومُهُ أَحَدُكُمْ» رواه مسلم.

۱۰۱۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «شب جمعه را در بین شب‌ها (ی هفته) مخصوص قیام و عبادت نکنید و روز جمعه را در میان روزهای هفته مخصوص روزه ننمایید، مگر این که جمعه، در روزی واقع شود که یکی از شما عادتاً آن را روزه می‌گیرد»^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۷۱۰)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۱۴۴)].

۱۰۱۸- وَعَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ جُوَيْرِيَةَ بِنْتِ الْحَارِثِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ عَلَيْهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَهِيَ صَائِمَةٌ، فَقَالَ: «أَصُمْتِ أَمْسِ؟» قَالَتْ: لَا، قَالَ: «تُرِيدِينَ أَنْ تَصُومِي غَدًا؟» قَالَتْ: لَا، قَالَ: «فَأَفْطِرِي» رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۱۰۱۸. و از ام المؤمنین جویریہ دختر حارث - رضی اللہ عنہا - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم روز جمعه نزد او رفت و او روزه بود، فرمودند: «آیا دیروز روزه بوده‌ای؟» گفت: خیر، فرمودند: «می‌خواهی فردا روزه بگیری؟» گفت: خیر، فرمودند: «پس افطار کن»^۱.

۳۳۰- باب تحریم الوصال فی الصوم هو أن يصوم يومين أو أكثر، ولا يأكل

ولا يشرب بينهما

باب تحریم وصال در روزه و آن عبارت است از این که دو روز یا بیشتر روزه باشد و در میان آنها اصلاً افطار نکند (شب را نیز بدون خوردن و آشامیدن به روز آورد)

۱۰۱۹- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْوِصَالِ. قَالُوا: إِنَّكَ تُوَاصِلُ؟ قَالَ: «إِنِّي لَسْتُ مِثْلَكُمْ، إِنِّي أُطْعَمُ وَأُسْقَى» متفقٌ عليه.

۱۰۱۹. از ابن عمر - رضی اللہ عنہما - روایت شده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم از وصال منع فرمودند، صحابه گفتند: ای رسول خدا! تو وصال انجام می‌دهی! (پس چرا ما هم انجام ندهیم) فرمودند: «من مثل شما نیستم، به من آب و غذا داده می‌شود»^۲.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [(۱۹۸۶)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۱۹۲۲)، م (۱۱۰۲)]. آن چه در متن آمده لفظ روایت بخاری است.

۳۳۱- باب تحریم الجلوس علی قبر

باب تحریم نشستن بر قبر

۱۰۲۰- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَأَنْ يَجْلِسَ أَحَدُكُمْ عَلَى جُمْرَةٍ، فَتُحْرِقَ ثِيَابَهُ، فَتَخْلُصَ إِلَى جِلْدِهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَجْلِسَ عَلَى قَبْرِ^۱ رواه مسلم.

۱۰۲۰. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر یکی از شما روی اخگر بنشیند و لباسش را بسوزاند و از آن جا به پوستش برسد، بهتر از آن است که بر روی قبری بنشیند»^۱.

۳۳۲- باب النهی عن تجسیص القبر والبناء علیها

باب نهی از محکم کردن قبر و ساختن بنا بر روی آن (با گچ و سیمان و ...)

۱۰۲۱- عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُجَصَّصَ الْقَبْرُ، وَأَنْ يُقْعَدَ عَلَيْهِ، وَأَنْ يُبْنَى عَلَيْهِ. رواه مسلم.

۱۰۲۱. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله از گچ کاری (و محکم) کردن قبر و نشستن و ساختن بنا بر روی آن، نهی فرمودند^۲.
(به حدیث شماره: ۹۷۵ مراجعه شود).

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۹۷۱)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۹۷۰)].

۳۳۳- باب التغلیظ فی النهی عن اتخاذ المساجد علی قبور

الصالحین واتخاذها أعیاداً

باب نهی بسیار شدید در ساختن مساجد بر قبرهای

صالحین و اینکه مانند عید همیشه تجلیل شوند

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم

مَسْجِدًا ﴿٢١﴾ (الكهف / ۲۱)

«کسانی که بر کار [و بار] شان دست یافتند، گفتند: بر [غار] شان

سجده گاهی می سازیم».

۱۰۲۲- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ أُمَّ سَلَمَةَ ذَكَرَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَنِيسَةً رَأَتْهَا بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ وَمَا فِيهَا مِنَ الصُّورِ، فَقَالَ: «أُولَئِكَ إِذَا مَاتَ فِيهِمُ الرَّجُلُ الصَّالِحُ أَوْ الْعَبْدُ الصَّالِحُ بَنَوْا عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِدًا، وَصَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّورَ، أُولَئِكَ شِرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ» متفق عليه.

۱۰۲۲- از عائشه -رضی الله عنها- روایت شده است که ام سلمه -رضی الله عنها- در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از کلیسایی یاد نمود که در سرزمین حبشه دیده بود و از عکس هایی که در آن بود یاد کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «آنها کسانی اند که هرگاه شخص صالحی در بین آنها وفات می کرد بر قبر او مسجد می ساختند و آن عکس ها را بر آن نصب می کردند، آنها بدترین مردم در نزد خداوند هستند».

۱۰۲۳- عَنْ جُنْدُبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ بِخَمْسٍ وَهُوَ يَقُولُ «أَلَا وَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ، أَلَا فَلَا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ، إِنِّي أَنَهَاكُمْ عَنْ ذَلِكَ». رواه مسلم

۱۰۲۳- از جندب بن عبد الله -رضی الله عنه- روایت شده است که فرمود: پنج روز قبل از وفات رسول الله ﷺ از ایشان شنیدم که فرمودند: «آگاه باشید کسانی که پیش از شما بودند قبرهای پیامبران خود را مسجد قرار می دادند، آگاه باشید قبرها را مسجد نگیرید؛ من شما را از این کار منع می کنم».

۱۰۲۴- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: لَمَّا نَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَفِقَ يَطْرُقُ خَمِيصَةً لَهُ عَلَى وَجْهِهِ، فَإِذَا اغْتَمَّ بِهَا كَشَفَهَا، فَقَالَ وَهُوَ كَذَلِكَ: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى، اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ». يُحَذِّرُ مَا صَنَعُوا. قَالَتْ عَائِشَةُ: وَلَوْلَا ذَلِكَ أُبْرِزَ قَبْرُهُ، غَيْرَ أَنَّهُ خَشِيَ أَنْ يَتَّخَذَ مَسْجِدًا. متفق عليه

۱۰۲۴- از عائشه رضی الله عنها روایت شده است: آنگاه که وفات پیامبر خدا ﷺ نزدیک شد پارچه‌ی را که بر صورت مبارک ایشان بود به یک طرف کرده و در آن حال فرمودند: خدا لعنت کند یهود و نصاری را که قبرهای پیامبران خود را مسجد (عبادتگاه) گرفتند. پیامبر اسلام ﷺ مردم را از کار آنها بر حذر می داشتند. عائشه رضی الله عنها فرمود: و اگر این فرموده‌ی ایشان نمی بود قبر ایشان آشکار می شد مگر این ترس وجود داشت که مسجد قرار گیرد.

۱۰۲۵- عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَايِرَاتِ الْقُبُورِ وَالْمَتَّخِذِينَ عَلَيْهَا الْمَسَاجِدَ وَالسُّرُجَ. رواه الترمذی، وقال: حدیث حسن.

۱۰۲۵- از ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت شده است که فرمود: رسول گرامی اسلام ﷺ زنهایی را که به زیارت قبرها می روند و کسانی که قبرها را مسجد قرار می دهند و بر آن چراغ روشن می کنند لعنت نموده اند.

۱۰۲۶- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قُبُورًا، وَلَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عِيْدًا، وَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ». رواه أبو داود.

۱۰۲۶- از ابو هریره -رضی الله عنه- روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «خانه‌های خود را قبر نگردانید، و قبر مرا عید قرار ندهید و بر من درود بفرستید، چرا که هر جا باشید درود شما برای من می‌رسد».

۳۳۴- باب تحریم الشفاعة فی الحدود

باب تحریم میانجیگری در حدود شرعی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ (النور / ۲)

«هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و در دین خدا رأفت نسبت به آنان نداشته باشید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید».

۱۰۲۷- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ فُرَيْشًا أَهَمَّهُمْ شَأْنُ الْمَرْأَةِ الْمَخْزُومَةِ الَّتِي سَرَقَتْ، فَقَالُوا: مَنْ يُكَلِّمُ فِيهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ فَقَالُوا: وَمَنْ يَجْتَرِئُ عَلَيْهِ إِلَّا أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ، حِبُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. فَكَلَّمَهُ أُسَامَةُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَتَشْفَعُ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ تَعَالَى؟!» ثُمَّ قَامَ فَاخْتَطَبَ، ثُمَّ قَالَ: «إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ، وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ، أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ، وَإِنَّمَا اللَّهُ لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا». متفق عليه.

۱۰۲۷. و از عایشه -رضی الله عنها- روایت شده است که فرمود: مسأله‌ی زنی از بنی مخزوم که مرتکب سرقت شده بود، قریش را نگران ساخت و در میان خود گفتند: چه کسی درباره‌ی (صرف نظر کردن از اجرای حد) او با پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت کند و گفتند: چه کسی جرأت دارد جز اسامه بن زید که محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله است و اسامه (در این مورد که دست آن زن قطع نشود) با پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت کرد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا برای جلوگیری از اجرای حدی از حدود خداوند میانجیگری

می‌کنی؟» سپس برخاستند و خطبه‌ای ایراد کردند و فرمودند: «ای مردم! اقوامی که قبل از شما بودند، فقط به این دلیل هلاک شدند که آنان در میان خودشان هرگاه کسی بزرگ و صاحب منزلت مرتکب دزدی می‌شد، او را رها می‌کردند و اگر فردی ضعیف دزدی می‌کرد، بر او حد جاری می‌ساختند؛ به خدا سوگند، اگر فاطمه دختر محمد هم دزدی کند، دستش را قطع خواهم کرد»^۱.

۳۳۵- باب النهی عن التغوط فی طریق النَّاسِ وظلِّهم وموارد الماء ونحوها
باب نهی از دفع نجاست در راه مردم یا در سایه‌ای که مردم در
آن می‌نشینند و یا در مجرای آب و مانند این‌ها

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ
أَحْتَمَلُوا بُهْتَنًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ (الأحزاب / ۵۸)

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند، می‌آزارند، به راستی [بار] بهتان و گناهی آشکار را بر دوش کشیده‌اند».

۱۰۲۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اتَّقُوا
اللَّاعِنِينَ» قَالُوا: وَمَا اللَّاعِنَانِ؟ قَالَ: «الَّذِي يَتَخَلَّى فِي طَرِيقِ النَّاسِ أَوْ فِي ظِلِّهِمْ» رواه
مسلم.

۱۰۲۸. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «از دو کار
نفرین‌آور پرهیزید!»، صحابه گفتند: آن دو کار نفرین‌آور چیستند؟ فرمودند: «آن‌که
در سر راه مردم یا در سایه‌ای که مردم از آن استفاده می‌کنند، قضای حاجت
می‌کند»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۷۸۸)، م (۱۶۸۸)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۹)].

۳۳۶- باب النهی عن البول ونحوه فی الماء الراكد
باب نهی از دفع ادرار و مانند آن در آب راکد

۱۰۲۹- عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ يُبَالَ فِي الْمَاءِ الرَّاكدِ. رواه مسلم.

۱۰۲۹. از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از ادرار کردن در آب راکد نهی فرمودند!

۳۳۷- باب كراهة تفضيل الوالد بعض أولاده على بعض في الهبة
باب كراهت این كه پدر، بعضی از فرزندان را در بخشش بر
بعضی دیگر برتری دهد

۱۰۳۰- عَنِ النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ أَبَاهُ أَتَى بِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنِّي نَحَلْتُ ابْنِي هَذَا غُلَامًا كَانَ لِي، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَكُلْ وَلَدِكَ نَحْلَتُهُ مِثْلَ هَذَا؟» فَقَالَ: لَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَارْجِعْهُ». وَفِي رِوَايَةٍ قَالَ: «اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا فِي أَوْلَادِكُمْ». وَفِي رِوَايَةٍ: «لَا تُشْهَدْنِي عَلَى جَوْرِ». وَفِي رِوَايَةٍ قَالَ: «أَيَسْرُكَ أَنْ يَكُونُوا إِلَيْكَ فِي الْبِرِّ سَوَاءً؟» قَالَ: بَلَى، قَالَ: «فَلَا إِذَا». متفق عليه.

۱۰۳۰. از نعمان بن بشیر - رضی الله عنه - روایت شده است که پدرش او را به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و گفت: من غلامی را که مال خودم بود، به این پسر بخشیدم،

پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا به تمام فرزندان مانند آن را بخشیده‌ای؟» گفت: خیر، پیامبر ﷺ فرمودند: «پس از این بخشش رجوع کن (و غلام را به ملکیت خودت برگردان)».

در روایتی دیگر آمده است که فرمودند: «از خدا بترسید و عدالت را در بین فرزندان خود رعایت کنید».

در روایتی دیگر آمده است: پیامبر ﷺ فرمودند: «مرا شاهد ظلم نگردان».

در روایتی دیگر آمده است: پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا دوست داری که فرزندان در خوبی نسبت به تو، مثل هم باشند؟» گفت: بله، پیامبر ﷺ فرمودند: «پس در این صورت چنین کاری نکن»^۱.

۳۳۸- باب تحریم إحداد المرأة على ميت فوق ثلاثة أيام إلا على زوجها

أربعة أشهر وعشرة أيام

باب تحریم عزاداری (ترک نمودن زینت) زن بر مرده بیشتر از سه روز جز برای شوهرش که چهارماه و ده روز است

۱۰۳۱- عَنْ زَيْنَبِ بِنْتِ أَبِي سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَتْ: دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ حَبِيبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا زَوْجَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ تُؤَفِّي أَبُوهَا أَبُو سُفْيَانَ بَنَ حَرْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَدَعَتْ بِطَيْبٍ فِيهِ صُفْرَةٌ خُلُوقٍ أَوْ غَيْرِهِ، فَدَهَنْتُ مِنْهُ جَارِيَةً، ثُمَّ مَسَّتْ بِعَارِضِيهَا. ثُمَّ قَالَتْ: وَاللَّهِ مَا لِي بِالطَّيِّبِ مِنْ حَاجَةٍ، غَيْرَ أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ عَلَى الْمَنَبِرِ: «لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تُحَدَّ عَلَى مَيِّتٍ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ، إِلَّا عَلَى زَوْجٍ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» قَالَتْ زَيْنَبُ: ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَى زَيْنَبِ بِنْتِ جَحْشٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا حِينَ تُؤَفِّي أَخُوَهَا، فَدَعَتْ بِطَيْبٍ فَمَسَّتْ مِنْهُ، ثُمَّ قَالَتْ: أَمَا وَاللَّهِ مَا لِي بِالطَّيِّبِ مِنْ حَاجَةٍ، غَيْرَ أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ عَلَى الْمَنَبِرِ: «لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تُحَدَّ عَلَى مَيِّتٍ فَوْقَ ثَلَاثِ إِلَّا عَلَى زَوْجٍ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا». متفق عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۵۸۶)، م (۱۶۲۳)].

۱۰۳۱. از زینب دختر ابی سلمه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: هنگام فوت ابوسفیان بن حرب رضی الله عنه پدر ام حبیبه رضی الله عنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، نزد ام حبیبه رضی الله عنها رفتم؛ عطری خواست که زردی یا عطر زعفران یا چیزی دیگر داشت، سپس از آن عطر به دختری عطر زد و بعد به صورت و گونه‌های خود زد و گفت: به خدا سوگند، من احتیاجی به عطر ندارم؛ اما از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که بر منبر فرمودند: «برای زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، حلال نیست که بیشتر از سه شب سوگواری کند، مگر برای شوهر، که چهارماه و ده روز برایش در عزا و سوگواری می‌ماند». زینب می‌گوید: و نزد زینب دختر جحش رضی الله عنها - رفتم وقتی که برادرش مرده بود، او نیز عطر خواست و به سر و صورت خود زد و سپس گفت: به خدا سوگند، من به عطر احتیاجی ندارم؛ اما از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که بر منبر می‌فرمودند: «برای زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، حلال نیست که بیشتر از سه شب سوگواری کند، مگر برای شوهر، که چهار ماه و ده روز برایش در عزا و سوگواری می‌ماند»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۱۲۸۰)، م (۱۴۸۶)].

۳۳۹- باب تحریم بیع الحاضر للبادی وتلقى الركبان والبيع على بيع أخيه والخطبة على خطبته إلا أن يأذن أو يردَّ

باب تحریم فروختن یک شهرنشین چیزی را برای بیابان (ده) نشین (قبل از آن که آنان قیمت جنسشان را در بازار بدانند) و ملاقات با کاروانیان و بیع بر بیع برادر و خواستگاری بر خواستگاری او مگر با اجازه‌ی وی یا بعد از رد او

۱۰۳۲- عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَبِيعَ حَاضِرٌ لِبَادٍ وَإِنْ كَانَ أَخَاهُ لِأَيِّهِ وَأُمِّهِ. متفق عليه.

۱۰۳۲. از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله نهی فرمودند از این که شهرنشین برای بادیه‌نشین (روستایی) چیزی بفروشد، اگرچه بادیه‌نشین برادر تنی او باشد^۱.

۱۰۳۳- وَعَنْ ابْنِ عَمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَتَلَقُوا السَّلْعَ حَتَّى يُهَبَّطَ بِهَا إِلَى الْأَسْوَاقِ». متفق عليه.

۱۰۳۳. و از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به استقبال (کاروان فروشندگان) کالاها نروید (و جنسشان را خریداری نکنید) تا وقتی که به بازار آورده می‌شود (جنسی را که متعلق به شخص روستایی یا شهر دیگری است، تا قبل از رسیدن به بازار و اطلاع صاحبش از قیمت آن، خریداری نکنید)»^۲.

۱۰۳۴- وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ، فَلَا يَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَبْتَاعَ عَلَى أَخِيهِ وَلَا يَخْطُبَ عَلَى خِطْبَةِ أَخِيهِ حَتَّى يَذَرَ» رواه مسلم.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۲۱۶۱)، م (۱۵۲۳)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۲۱۶۵)، م (۱۵۱۸)].

۱۰۳۴. و از عقبه بن عامر - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مؤمن برادر مؤمن است، پس برای مؤمن حلال نیست که بر بیع برادر (دینی یا نسبی) خود بیع کند و از زنی که برادرش خواستگار اوست، خواستگاری نماید، تا وقتی که او خواستگاری را ترک کند»^۱.

۳۴۰- باب النهی عن إضاعة المال في غير وجوهه التي أذن الشرع فيها
باب نهی از اضعای مال در غیر راههایی که شرع به آن اجازه داده است

۱۰۳۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرْضَى لَكُمْ ثَلَاثًا، وَيَكْرَهُ لَكُمْ ثَلَاثًا: فَيَرْضَى لَكُمْ أَنْ تَعْبُدُوهُ، وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَأَنْ تَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، وَيَكْرَهُ لَكُمْ: قِيلَ وَقَالَ، وَكَثْرَةُ السُّؤَالِ، وَإِضَاعَةُ الْمَالِ». رواه مسلم.

۱۰۳۵. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند، سه کار شما را دوست دارد (و بدان امر می کند) و سه کار شما را ناپسند و ناخوش می دارد (و از آن نهی می کند)؛ این که او را پرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید، و نیز این که همه ی شما به ریسمان خدا چنگ زنید و متفرق نشوید را دوست دارد؛ و گفتگوی بسیار، و زیاد سؤال کردن (در چیزی که فایده ای ندارد)، و ضایع کردن مال و صرف آن در مصارف غیر مشروع را از شما ناپسند و ناخوش می دارد»^۲.

۱۰۳۶- وَعَنْ وَرَادٍ كَاتِبِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ قَالَ: أَمَلَى عَلَيَّ الْمُغِيرَةُ بْنُ شُعْبَةَ فِي كِتَابٍ إِلَى مُعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي ذُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ» وَكَتَبَ إِلَيْهِ أَنَّهُ «كَانَ يَنْهَى

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۴۱۴)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۷۱۵)]. [روایتی دیگر از این حدیث به شماره ی ۳۴۰، گذشت.]

عَنْ قَيْلٍ وَقَالَ، وَإِصَاعَةَ الْمَالِ، وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ، وَكَانَ يَنْهَى عَنْ عُقُوقِ الْأَمْهَاتِ، وَوَادِ الْبَنَاتِ، وَمَنْعِ وَهَاتٍ «مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ».

۱۰۳۶. و از وراد کاتب مغیره بن شعبه - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: مغیره در نامه ای برای حضرت معاویه - رضی الله عنه - بر من املا نمود که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از هر نماز فریضه ای می فرمودند: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ: هیچ خدایی جز خدای یکتا نیست که یگانه و بی شریک است، سلطنت و ملک و سپاس و ستایش، از آن او و سزاوار اوست و او بر هر چیز تواناست؛ خداوند! هیچ مانعی در برابر آنچه عطا کردی، نیست و هیچ عطا کننده ای برای آنچه مانع شدی، نیست؛ و ثروت هیچ صاحب ثروتی در مقابل تو بهره ای به او نمی رساند». و به او نوشت که پیامبر صلی الله علیه و آله از بازگفتن هر سخنی که شنیده شده، ضایع کردن مال و صرف آن در مصارف غیر مشروع، زیاد سؤال کردن (در چیزی که فایده ای ندارد)، رنجانیدن مادر، دفن دختران زنده، منع واجبات و طلب مال دیگران، نهی فرمودند^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۴۷۳)، م (۳-۱۳۴۱)].

۳۴۱- باب النهی عن الإشارة إلى مسلم بسلاح سواء كان جاذاً
أو مازحاً، والنهی عن تعاطی السیف مسلولاً
باب نهی از اشاره به مسلمان با اسلحه و مانند آن، چه
جدی باشد و چه شوخی، و نهی کردن از دست به
دست کردن شمشیر برهنه

۱۰۳۷- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يُشِيرُ أَحَدُكُمْ إِلَى أَخِيهِ بِالسَّلَاحِ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي لَعَلَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ فِي يَدِهِ، فَيَقَعُ فِي حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ» متفقٌ عليه.

۱۰۳۷. از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «هیچ یک از شما با سلاح به برادرش اشاره نکند و به طرف او نگیرد، زیرا او نمی‌داند، شاید شیطان آن را از دستان او خارج کند (و وی را به زدن ضربه و سوسه کند و طرف کشته شود و آن‌گاه) او در حفره‌ای از آتش بیفتد»^۱.

۱۰۳۸- وَعَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُتَعَاطَى السَّيْفُ مَسْلُولاً». رواه أبو داود، والترمذي وقال: حديثٌ حسنٌ.

۱۰۳۸. و از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و سلم از این که شمشیر، برهنه دست به دست شود، نهی فرمودند^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۷۰۷۲)، م (۲۶۱۷)].

۲- ابوداود [۲۵۸۸] و ترمذی [۲۱۶۴] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیثی حسن است.

۳۴۲- باب کراهة الخروج من المسجد بعد الأذان إلا لعذر حتى
يصلّى المكتوبة

باب کراهیت بیرون آمدن از مسجد بعد از اذان تا نماز
فریضه را ادا نماید مگر آنکه عذری داشته باشد

۱۰۳۹- عَنْ أَبِي الشَّعَثَاءِ قَالَ: كُنَّا فُجُودًا مَعَ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي الْمَسْجِدِ، فَأَذَّنَ الْمُؤَذِّنُ، فَقَامَ رَجُلٌ مِنَ الْمَسْجِدِ يَمْشِي، فَاتَّبَعَهُ أَبُو هُرَيْرَةَ بَصَرُهُ حَتَّى خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ، فَقَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: أَمَّا هَذَا فَقَدْ عَصَى أَبَا الْقَاسِمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. رواه مسلم.

۱۰۳۹. از ابوشعثاء روایت شده است که فرمود: ما با ابوهریره - رضی الله عنه - در مسجد نشسته بودیم و مؤذن اذان گفت، مردی از مسجد برخاست و رفت؛ ابوهریره رضی الله عنه با چشم او را دنبال کرد تا از مسجد خارج شد، و آن گاه گفت: این مرد، ابوالقاسم رضی الله عنه را نافرمانی کرد^۱.

۳۴۳- باب کراهة ردّ الريحان لغير عذر
باب کراهت رد کردن ریحان بدون عذر

۱۰۴۰- وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ لَا يَرُدُّ الطِّيبَ. رواه البخاري.

۱۰۴۰. از انس بن مالک - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز چیز خوشبو را رد نمی کرد^۲.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۶۵۵)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۲۵۸۲)].

۳۴۴- باب کراهة المدح فی الوجه لمن خیف علیه مفسدة من
 إعجاب ونحوه، وجوازه لمن أمنَ ذلك فی حقه
باب کراهت مدح روبه روی کسی که خوف فتنه‌ای
بر او مانند غرور به نفس و ... هست، و جایز بودن آن
برای کسی که از چنان فتنه‌ای در امان است

۱۰۴۱- عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يُثْنِي عَلَى رَجُلٍ وَيُطْرِيه فِي الْمَدْحَةِ، فَقَالَ: «أَهْلَكْتُمْ، أَوْ قَطَعْتُمْ ظَهَرَ الرَّجُلِ» متفقٌ عليه.

۱۰۴۱. از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که مردی، مردی دیگر را ستایش می‌کند و در مدح او مبالغه می‌نماید، فرمودند: «او را نابود ساختید، یا فرمودند: کمر مرد را شکستید»^۱.

۱۰۴۲- وَعَنْ هَمَّامِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنِ الْمِقْدَادِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَجُلًا جَعَلَ يَمْدَحُ عُثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَعَمِدَ الْمِقْدَادُ، فَجَثَا عَلَى رُكْبَتَيْهِ، فَجَعَلَ يَحْثُو فِي وَجْهِهِ الْحَصْبَاءَ، فَقَالَ لَهُ عُثْمَانُ: مَا شَأْنُكَ؟ فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَدَّاحِينَ، فَاحْثُوا فِي وُجُوهِهِمُ التُّرَابَ». رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۱۰۴۲. و از همام بن حارث از مقداد - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: مردی، شروع به مدح حضرت عثمان - رضی الله عنه - کرد، مقداد برخاست و بر روی زانو نشست و شروع به انداختن ریگ‌های ریز به صورت آن مرد کرد، حضرت عثمان - رضی الله عنه - به او گفت: چه کار می‌کنی؟ مقداد گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی ثناگویان و مداحان را دیدید، بر صورت آنان خاک بپاشید»^۲.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۶۶۳)، م (۳۰۰۱)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۳۰۰۲)].

۳۴۵- باب کراهة الخروج من بلد وقع فيها الوباء فراراً منه

وکراهة القدوم علیه

**باب کراهت خارج شدن از شهری که وبا در آن
شیوع پیدا کرده است به قصد فرار از آن و نیز
کراهت وارد شدن (افراد بیرون از آن جا) به آن جا**

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿أَيُّنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ﴾

(النساء / ۷۸)

«هر کجا که باشید، مرگ شما را در می یابد، اگرچه در برج های محکم
و استوار ساکن باشید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾

(البقرة / ۱۹۵)

«با دست های خود، خویشان را به هلاکت نیفکنید».

۱۰۴۳- وَعَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا سَمِعْتُمُ الطَّاعُونَ بِأَرْضٍ، فَلَا تَدْخُلُوهَا، وَإِذَا وَقَعَ بِأَرْضٍ، وَأَنْتُمْ فِيهَا، فَلَا تَخْرُجُوا مِنْهَا». متفق عليه.

۱۰۴۳. و از اسامه بن زید - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:
«هرگاه به شما خبر رسید که در یک سرزمین وبا شیوع پیدا کرده است، داخل آن
نشوید و هرگاه وبا در سرزمینی شیوع یافت که شما در آن سرزمین ساکن هستید،
از آن خارج نگردید»^۱.

(به حدیث شماره: ۲۲ مراجعه شود).

۱- متفق علیه است؛ [خ (۵۷۲۸)، م (۲۲۱۸)].

۳۴۶- باب التغلیظ فی تحریم السَّحَرِ

باب شدت تحریم سحر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَنُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ﴾

(البقرة / ۱۰۲)

«سلیمان هرگز کفر نورزید، بلکه شیاطین کفر ورزیدند که به مردم سحر می‌آموختند». (به حدیث شماره: ۹۳۸ مراجعه شود).

۳۴۷- باب النهی عن المسافرة بالمصحف إلى بلاد الكفار إذا

خيف وقوعه بأيدي العدو

باب نهی از مسافرت با قرآن به شهر کافران هرگاه

خوف افتادنش به دست دشمن باشد

۱۰۴۴- عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُسَافَرَ بِالْقُرْآنِ إِلَى أَرْضِ الْعَدُوِّ» متفق عليه.

۱۰۴۴- از ابن عمر -رضی الله عنهما- روایت شده است که پیامبر ﷺ از اینکه با قرآن به شهر کافران مسافرت شود نهی فرمودند.

۳۴۸- باب تحریم استعمال إناء الذهب وإناء الفضة في الأكل والشرب

والطهارة وسائر وجوه الاستعمال

باب تحریم به کار بردن ظروف طلا و نقره در خوردن و آشامیدن

و وضو گرفتن و سایر موارد استعمال

(به حدیث شماره: ۴۵۸ مراجعه شود).

۳۴۹- باب النهی عن صمت يوم إلى الليل
باب نهی از سکوت روز تا شب

۱۰۴۵- عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَفِظْتُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَتَمَّ بَعْدَ احْتِلَامٍ، وَلَا صُمَاتٍ يَوْمٌ إِلَى اللَّيْلِ» رواه أبو داود بإسناد حسن.

قَالَ الْخَطَّابِيُّ فِي تَفْسِيرِ هَذَا الْحَدِيثِ: كَانَ مِنْ نُسْكِ الْجَاهِلِيَّةِ الصَّمَاتُ، فَتُهَوُّوا فِي الْإِسْلَامِ عَنْ ذَلِكَ، وَأُمِرُوا بِالذِّكْرِ وَالْحَدِيثِ بِالْخَيْرِ.

۱۰۴۵. از علی - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله به یاد دارم که فرمودند: «بعد از بلوغ، یتیمی نمی ماند و سکوت کردن روز تا شب، درست نیست»^۱. خطابی در تفسیر این حدیث گفته است: سکوت، از عبادات دوره‌ی جاهلیت بود، و در اسلام از آن نهی شده است و مردم به ذکر خدا و سخن گفتن نیکو امر شده‌اند.

۱۰۴۶- وَعَنْ قَيْسِ بْنِ أَبِي حَازِمٍ قَالَ: دَخَلَ أَبُو بَكْرٍ الصِّدِّيقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَلَى امْرَأَةٍ مِنْ أَحْمَسَ يُقَالُ لَهَا: زَيْنَبُ، فَرَأَاهَا لَا تَتَكَلَّمُ. فَقَالَ: «مَا لَهَا لَا تَتَكَلَّمُ؟» فَقَالُوا: حَجَّتْ مُصْمِتَةً، فَقَالَ لَهَا: «تَكَلَّمِي فَإِنَّ هَذَا لَا يَحِلُّ، هَذَا مِنْ عَمَلِ الْجَاهِلِيَّةِ»، فَتَكَلَّمَتْ. رواه البخاري.

۱۰۴۶. و از قیس بن ابی حازم روایت شده است که فرمود: حضرت ابوبکر - رضی الله عنه - نزد زنی از قبیله‌ی احمس رفت که او را زینب می‌گفتند و دید که او صحبت نمی‌کند، فرمود: چرا چیزی نمی‌گویدی؟ گفتند: در (همین) حال سکوت حج کرده است؛ به او فرمود: صحبت کن، زیرا این حلال نیست و از رفتار دوره‌ی جاهلیت است، و زن صحبت کرد^۲.

۱- ابوداود [(۲۸۷۳)] به اسناد حسن (نیکو) روایت کرده است.

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۳۸۳۴)].

۳۵۰- باب تحریم انتساب الإنسان إلى غیر أبیه وتولیہ إلى غیر موالیه
باب تحریم نسبت دادن انسان به غیر پدرش و سر سپردگیش به
غیر سرپرستان

۱۰۴۷- عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ ادَّعَى إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ غَيْرُ أَبِيهِ، فَالْجَنَّةُ عَلَيْهِ حَرَامٌ^۱. متفق عليه.

۱۰۴۷. از سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که خود را به شخصی غیر پدرش نسبت دهد در حالی که می داند که آن شخص پدرش نیست، بهشت بر او حرام می شود»^۱.

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۷۶۶)، م (۶۳)].

بخش نوزدهم

کتاب احادیث متفرقه و لطایف

۱۹- کتاب المثنورات والملح

کتاب احادیث متفرقه و لطایف

۳۵۱- باب احادیث الدجال وأشراف الساعة وغيرها

باب احادیث در باره دجال و نشانه‌های قیامت و غیره

۱۰۴۸- وَعَنْ رَبِيعِ بْنِ حِرَاشٍ قَالَ: انْطَلَقْتُ مَعَ أَبِي مَسْعُودٍ الْأَنْصَارِيِّ إِلَى حَذِيفَةَ بْنِ الْيَمَانِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ فَقَالَ لَهُ أَبُو مَسْعُودٍ: حَدِّثْنِي مَا سَمِعْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فِي الدَّجَالِ قَالَ: «إِنَّ الدَّجَالَ يَخْرُجُ وَإِنَّ مَعَهُ مَاءٌ وَنَارًا، فَأَمَّا الَّذِي يَرَاهُ النَّاسُ مَاءً فَنَارٌ تُحْرِقُ، وَأَمَّا الَّذِي يَرَاهُ النَّاسُ نَارًا، فَمَاءٌ بَارِدٌ عَذْبٌ، فَمَنْ أَدْرَكَهُ مِنْكُمْ، فَلْيَقَعْ فِي الَّذِي يَرَاهُ نَارًا، فَإِنَّهُ مَاءٌ عَذْبٌ طَيِّبٌ» فَقَالَ أَبُو مَسْعُودٍ: وَأَنَا قَدْ سَمِعْتُهُ. مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱۰۴۸. و از ربیع بن حراش روایت شده است که فرمود: با ابومسعود انصاری پیش حذیفه بن یمان - رضی الله عنه - رفتم، ابومسعود رضی الله عنه به او گفت: آن چه از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد دجال شنیده‌ای، برایم بگو، گفت: «دجال خروج می‌کند در حالی که آبی و آتشی به همراه دارد، آن چه که مردم به صورت آب می‌بینند، آتشی است که می‌سوزاند و آن چه که مردم به شکل آتش مشاهده می‌کنند، آبی سرد و شیرین است، پس اگر کسی از شما او را درک کرد، خود را در آن چه که به صورت آتش می‌بیند، بیندازد، زیرا آن آتش در واقع آبی شیرین و پاک است»، ابومسعود رضی الله عنه گفت: من نیز مانند این را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده‌ام^۱.

۱۰۴۹- وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَيْسَ مِنْ بَلَدٍ إِلَّا سَيَطُوهُ الدَّجَالُ إِلَّا مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ، وَلَيْسَ نَقَبٌ مِنْ أَنْقَابِهِمَا إِلَّا عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ صَافِينَ تَحْرُسُهُمَا، فَيَنْزِلُ بالسَّبْحَةِ، فَتَرْجُفُ الْمَدِينَةُ ثَلَاثَ رَجَفَاتٍ، يُخْرِجُ اللَّهُ مِنْهَا كُلَّ كَافِرٍ وَمُنَافِقٍ» رواه مسلم.

۱۰۴۹. و از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دجال به تمام شهرها می‌رود و آنها را می‌پیماید (و افساد می‌کند)، جز شهرهای مکه و مدینه

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۴۵۰)، م (۲۹۳۴)].

که هیچ سوراخ و نقطه‌ای از آن دو شهر نیست مگر آن‌که ملایکه در آن صف کشیده و از آن حراست می‌کنند، بعد دجال بر زمین شنزار سبخه (در مدینه) فرود می‌آید، و مدینه سه بار می‌لرزد و خداوند، هر کافر و منافقی را از آن خارج می‌کند»^۱.

۱۰۵۰- وَعَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَتَّبِعُ الدَّجَالُ مِنَ يَهُودِ أَصْبَهَانَ سَبْعُونَ أَلْفًا عَلَيْهِمُ الطَّيَالِسَةُ» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۱۰۵۰. و از انس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از یهودیان اصفهان، هفتاد هزار نفر پیرو دجال می‌شوند که همه طیلسان (نوعی ردای سبز رنگ است که احبار و علمای یهودی آن را می‌پوشند) بر تن دارند»^۲.

۱۰۵۱- وَعَنْ أُمِّ شَرِيكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهَا سَمِعَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَيَنْفِرَنَّ النَّاسُ مِنَ الدَّجَالِ فِي الْجِبَالِ» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۱۰۵۱. و از ام شریک - رضی الله عنها - روایت شده است که او از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که می‌فرمودند: «به طور حتم، مردم از خوف دجال به کوه‌ها می‌گریزند»^۳.

۱۰۵۲- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَخْرُجُ الدَّجَالُ فَيَتَوَجَّهُ قِبَلَهُ رَجُلٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَيَتَلَقَّاهُ الْمَسَالِحُ: مَسَالِحُ الدَّجَالِ، فَيَقُولُونَ لَهُ: إِلَى أَيْنَ تَعْمِدُ؟ فَيَقُولُ: أَعْمِدُ إِلَى هَذَا الَّذِي خَرَجَ، فَيَقُولُونَ لَهُ: أَوْ مَا تُؤْمِنُ بِرَبَّنَا؟ فَيَقُولُ: مَا بِرَبَّنَا خَفَاءُ! فَيَقُولُونَ: اقْتُلُوهُ. فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: أَلَيْسَ قَدْ نَهَاكُم رَبُّكُمْ أَنْ تَقْتُلُوا أَحَدًا دُونَهُ، فَيَنْطَلِقُونَ بِهِ إِلَى الدَّجَالِ، فَإِذَا رَأَهُ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ هَذَا الدَّجَالُ الَّذِي ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ فَيَأْتِرُ الدَّجَالُ بِهِ فَيُشَيِّحُ؛ فَيَقُولُ: خُذُوهُ وَشَجُّوهُ. فَيُوسَعُ ظَهْرُهُ وَبَطْنُهُ ضَرْبًا، فَيَقُولُ: أَوْ مَا تُؤْمِنُ بِي؟ فَيَقُولُ: أَنْتَ الْمَسِيحُ الْكَذَّابُ! فَيُؤْمَرُ بِهِ، فَيُؤْشَرُ بِالْمَنْشَارِ مِنْ مَفْرِقِهِ حَتَّى يُفَرَّقَ بَيْنَ رَجْلَيْهِ. ثُمَّ يَمْشِي الدَّجَالُ بَيْنَ الْقِطْعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: قُمْ،

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۹۴۳)]. [بخاری (۱۸۸۱) نیز آن را روایت کرده است].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۹۴۴)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۹۴۶)].

فَيَسْتَوِي قَائِمًا. ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: أَتُؤْمِنُ بِي؟ فَيَقُولُ: مَا أَرَدْتُ فِيكَ إِلَّا بَصِيرَةً. ثُمَّ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ لَا يَفْعَلُ بَعْدِي بِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ؛ فَيَأْخُذُهُ الدَّجَالُ لِيَذْبَحَهُ، فَيَجْعَلُ اللَّهُ مَا بَيْنَ رَقَبَتِهِ إِلَى تَرْقُوتِهِ نُحَاسًا، فَلَا يَسْتَطِيعُ إِلَيْهِ سَبِيلًا، فَيَأْخُذُهُ بِيَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ فَيَقْدِفُ بِهِ، فَيَحْسَبُ النَّاسُ أَنَّهُ قَذَفَهُ إِلَى النَّارِ، وَإِنَّمَا أُلْقِيَ فِي الْجَنَّةِ». فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «هَذَا أَعْظَمُ النَّاسِ شَهَادَةً عِنْدَ رَبِّ الْعَالَمِينَ». رواه مسلم.

۱۰۵۲. و از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دجال خروج می کند و مردی از مؤمنان به طرف او می رود و با مأموران مسلح دجال، برخورد می کند و به او می گویند: به کجا می روی؟ می گوید: نزد این که خروج کرده است، به او می گویند: آیا به خدای ما (دجال) ایمان نداری؟ می گوید: در مورد پروردگار ما خفایی نیست (یعنی موجودیت خدای ما - الله جل جلاله - ثابت است و هیچگونه خفایی در مورد او وجود ندارد)، می گویند: او را بکشید، یکی از آنها به دیگری می گوید: آیا مگر خدای شما (دجال)، شما را از این که بدون اجازه و خبر او، کسی را نکشید، نهی نکرد؟ و او را به سوی دجال می برند، وقتی مؤمن او را می بیند، می گوید: ای مردم! این همان دجالی است که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را نام برده است، دجال دستور می دهد که او را به پشت بخوابانید و سر و روی او را بزنید و زخمی کنید و ضربه های سخت بر پشت و شکم او زده می شود و می گوید: آیا به من ایمان نداری؟ مؤمن جواب می دهد: تو مسیح دروغگو هستی، بعد فرمان قتل او داده شده، او از فرق سرش اره می شود تا این که از وسط پاهایش جدا و دونیم می گردد، سپس دجال بین دو نیمه ی بدن او راه می رود، بعد به او می گوید: برخیز! برمی خیزد و راست می ایستد، سپس به او می گوید: آیا به من ایمان نداری؟ می گوید: درباره ی تو چیزی جز بصیرت و آگاهی بیشتر (به خباثت تو) به من افزوده نشده است، مؤمن سپس می گوید: ای مردم! او بعد از من با کس دیگری چنین کاری کرده نمی تواند، بعد دجال او را می گیرد که سرش را از تن جدا کند و خداوند، فاصله ی بین گردن و شانه ی او را مسین خواهد کرد و دجال توانایی دستیابی به بریدن سرش را ندارد، سپس دست و پایش را می گیرد و او را پرتاب می کند، مردم تصور می کنند که او را به آتش انداخته در صورتی که او به بهشت

انداخته شده است». پیامبر ﷺ سپس فرمودند: «این بزرگ‌ترین درجه‌ی شهید و شهادت نزد خداوند جهانیان است»^۱.

۱۰۵۳- عَنْ النَّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الدَّجَالَ ذَاتَ عَدَاةٍ فَقَالَ: «إِنَّهُ شَابُّ قَطَطٍ عَيْنُهُ طَافِيَةٌ، كَأَنِّي أَشَبَّهُهُ بِعَبْدِ الْعَزَى بْنِ قَطَنٍ، فَمَنْ أَدْرَكَهُ مِنْكُمْ، فَلْيَقْرَأْ عَلَيْهِ فَوَاتِحَ سُورَةِ الْكَهْفِ؛ إِنَّهُ خَارِجٌ خَلَّةً بَيْنَ الشَّامِ وَالْعِرَاقِ، فَعَاثَ يَمِينًا وَعَاثَ شِمَالًا، يَا عِبَادَ اللَّهِ فَاتَّبِعُوا». قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا إِسْرَاعُهُ فِي الْأَرْضِ؟ قَالَ: «كَالْغَيْثِ اسْتَدْبَرْتَهُ الرِّيحُ، فَيَأْتِي عَلَى الْقَوْمِ، فَيَدْعُوهُمْ، فَيُؤْمِنُونَ بِهِ، وَيَسْتَجِيبُونَ لَهُ فَيَأْمُرُ السَّمَاءَ فَتُمْطِرُ، وَالْأَرْضَ فَتَنْبُثُ، فَتَرْوِحُ عَلَيْهِمْ سَارِحَتَهُمْ أَطْوَلَ مَا كَانَتْ ذُرَى، وَأَسْبَعُهُ ضُرُوعًا، وَأَمَدَهُ خَوَاصِرَ، ثُمَّ يَأْتِي الْقَوْمَ فَيَدْعُوهُمْ، فَيَرُدُّونَ عَلَيْهِ قَوْلَهُ، فَيَنْصَرِفُ عَنْهُمْ، فَيُصْبِحُونَ مُمَحِلِّينَ لَيْسَ بِأَيْدِيهِمْ شَيْءٌ مِنْ أَمْوَالِهِمْ، وَيَمُرُّ بِالْخَرِيبَةِ ۖ فَيَقُولُ لَهَا: أَخْرِجِي كُنُوزَكَ، فَتُصْبِعُهُ، كُنُوزَهَا كَيْعَاسِيبِ النَّحْلِ، ثُمَّ يَدْعُو رَجُلًا مُمْتَلِنًا شَبَابًا فَيَضْرِبُهُ بِالسِّنْفِ، فَيَقْطَعُهُ، جَزَلَتَيْنِ رَمِيَّةَ الْغَرَضِ، ثُمَّ يَدْعُوهُ، فَيَقْبَلُ، وَيَتَهَلَّلُ وَجْهُهُ يَضْحَكُ. فَبَيْنَمَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَيَنْزِلُ عِنْدَ الْمَنَارَةِ الْبَيْضَاءِ شَرْقِي دِمَشْقَ بَيْنَ مَهْرُودَتَيْنِ، وَاضِعًا كَفَّيْهِ عَلَى أَجْنِحَةِ مَلَكَيْنِ، إِذَا طَاطَأَ رَأْسَهُ، فَطَرَّ وَإِذَا رَفَعَهُ تَحَدَّرَ مِنْهُ جُمَانٌ كَاللُّؤْلُؤِ، فَلَا يَحِلُّ لِكَافِرٍ يَجِدُ رِيحَ نَفْسِهِ إِلَّا مَاتَ، وَنَفْسُهُ يَنْتَهِي إِلَى حَيْثُ يَنْتَهِي طَرْفُهُ، فَيَطْلُبُهُ حَتَّى يُدْرِكَهُ بِبَابٍ لُدٍّ، فَيَقْتُلُهُ». رواه مسلم.

۱۰۵۳. از نواس بن سمعان - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ در یک صبح از دجال نام برد و فرمودند: «او (دجال) جوانی است که مویش بسیار مجعد (موی پیچان) است، و یک چشمش کور و برآمده است، من او را به عبدالعزی بن قطن تشبیه می‌کنم؛ هرکس از شما او را درک کرد، بر او اوایل سوره‌ی کهف را بخواند، او از راهی بین عراق و سوریه خروج خواهد کرد، و راست و چپ را از فساد پر می‌کند، ای بندگان خدا! محکم و ثابت‌قدم باشید»، گفتیم: ای رسول خدا! سرعتش در زمین چه قدر است؟ فرمودند: «مانند باران است که باد آن را دنبال کند؛ نزد طایفه‌ای می‌رود و ایشان را به خود می‌خواند، به او ایمان می‌آورند و دعوتش را اجابت می‌کنند و به آسمان امر می‌کند، باران می‌بارد

۱- مسلم [۲۹۳۸] روایت کرده و بخاری [۷۱۳۲] هم بعضی از آن را روایت کرده است.

و به زمین فرمان می‌دهد، زمین می‌رویاند و حیوان‌های آن قوم که می‌چرند، در حالی پیش آنها برمی‌گردند که پشت‌ها و لگن‌هایشان از پیش بزرگ‌تر و قوی‌تر (گوشت بیشتری دارند) و پستان‌هایشان از شیر پرتر است. بعد نزد قوم دیگری می‌آید و ایشان را به خود دعوت می‌کند، آن جماعت دعوت او را رد می‌کنند و او از ایشان منصرف شده، برمی‌گردد و آن طایفه دچار خشکسالی می‌شوند و تمام دارایی آنها از دستشان می‌رود؛ و دجال بر ویرانه‌ای می‌گذرد، به آن خطاب می‌کند: گنجینه‌هایت را بیرون بده! و گنجینه‌های مدفون در آن زمین، مانند زنبورهای (نر که ملکه را دنبال می‌کنند)، به دنبال او می‌روند؛ سپس مرد جوان تنومندی را دعوت می‌کند و او را با شمشیر می‌زند و به سرعت پرتاب کردن تیر به هدف، او را دو نیم می‌کند و سپس او را می‌خواند و او در حالی که صورتش درخشان است و می‌خندد (زنده می‌شود و) می‌آید؛ در اثنای آن که او چنین رفتاری دارد، خداوند، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام را می‌فرستد و او بر روی مناره‌ی بیضا در شرق دمشق در میان دو لباس رنگ شده و در حالی که دست‌های او روی بال‌های دو فرشته است، فرود می‌آید؛ موقعی که سرش را فرود می‌آورد، از آن آب می‌چکد و وقتی سربلند می‌کند، قطرات نقره‌ای مرواریدگون آب از سرش فرو می‌غلطد، بوی نفس او به شامه‌ی هیچ کافری نمی‌رسد و اگر برسد، آن کافر می‌میرد و بُرد نفس او به اندازه‌ی دید او می‌رود، و حضرت عیسی علیه السلام دجال را جستجو می‌کند تا در دروازه‌ی لد (جایی است در فلسطین) او را می‌یابد و می‌کشد.^۱

۱۰۵۴ - وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلَا أُحَدِّثُكُمْ حَدِيثًا عَنِ الدَّجَالِ مَا حَدَّثَ بِهِ نَبِيٌّ قَوْمَهُ، إِنَّهُ أَعْوَرُ وَإِنَّهُ يَجِيءُ مَعَهُ بِمِثَالِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، فَأَلْتَنِي يَقُولُ إِنَّهَا الْجَنَّةُ هِيَ النَّارُ. متفقٌ عليه.

۱۰۵۴. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آگاه باشید! که سخنی درباره‌ی دجال به شما می‌گویم که هیچ پیغمبری در گذشته برای

۱ - مسلم روایت کرده است؛ [(۲۲۵۰/۴)].

امت خود نگفته است: او یک چشم است، و چیزهایی مانند بهشت و دوزخ می‌آورد و آنچه را که می‌گوید بهشت است، آن دوزخ است»^۱.

۱۰۵۵- وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَ الدَّجَالَ بَيْنَ ظَهْرَانِي النَّاسِ فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِأَعْوَرَ، أَلَا إِنَّ الْمَسِيحَ الدَّجَالَ أَعْوَرَ الْعَيْنِ الْيُمْنَى، كَأَنَّ عَيْنَهُ عِنَبَةٌ طَافِيَةٌ» متفقٌ عليه.

۱۰۵۵. و از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر ﷺ در حضور مردم، دجال را نام برد و فرمودند: «خداوند یک چشم نیست، آگاه باشید که مسیح دجال یک چشم است! و چشم راستش کور و مانند یک دانه، انگور برآمده است»^۲.

۱۰۵۶- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْيَهُودَ حَتَّى يَخْتَبِيَءَ الْيَهُودِيُّ مِنْ وَرَاءِ الْحَجَرِ وَالشَّجَرِ، فَيَقُولُ الْحَجَرُ وَالشَّجَرُ: يَا مُسْلِمُ، هَذَا يَهُودِيٌّ خَلْفِي تَعَالَ فَاقْتُلْهُ، إِلَّا الْغُرْقَدَ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرِ الْيَهُودِ» متفقٌ عليه.

۱۰۵۶. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: «قیامت برپا نمی‌شود تا آن‌که مسلمین با یهودیان بجنگند تا حدی که یک یهودی در پشت سنگ و درخت خود را پنهان می‌کند و سنگ و درخت به سخن آمده و می‌گویند: ای مسلمان! این یک نفر یهودی در پشت من است، بیا و او را بکش! جز درخت (گیاه) غرقد (دیوخار) که آن از درخت یهود است»^۳.

۱۰۵۷- وَعَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمُرَّ الرَّجُلُ بِالْقَبْرِ، فَيَتَمَرَّعَ عَلَيْهِ، وَيَقُولُ: يَا لَيْتَنِي مَكَانَ صَاحِبِ هَذَا الْقَبْرِ، وَلَيْسَ بِهِ الدِّينُ وَمَا بِهِ إِلَّا الْبَلَاءُ» متفقٌ عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۲۳۸)، م (۲۹۳۶)].

۲- متفق عليه است؛ [خ (۲۱۲۷)، م (۲۲۴۷/۴)].

۳- متفق عليه است؛ [خ (۲۹۲۶)، م (۲۹۲۲)].

۱۰۵۷. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سوگند به کسی که جانم در دست اوست، دنیا تمام نمی شود تا این که مرد از کنار قبر می گذرد و روی قبر دراز می کشد و می گوید: کاش من به جای صاحب این قبر بودم! در حالی که سبب این کاش، دینداری (و نگرانی برای دین) نیست، بلکه به خاطر رنج و بلایی (دنیوی) است که به آن دچار است»^۱.

۱۰۵۸ - وَعَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَحْسِرَ الْفَرَاتُ عَنْ جَبَلٍ مِنْ ذَهَبٍ يُفْتَلُ عَلَيْهِ، فَيُقْتَلُ مِنْ كُلِّ مِائَةِ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ، فَيَقُولُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ: لَعَلِّي أَنْ أَكُونَ أَنَا أُنْجُو». وفي روايةٍ «يُوشِكُ أَنْ يَحْسِرَ الْفَرَاتُ عَنْ كَنْزٍ مِنْ ذَهَبٍ، فَمَنْ حَضَرَهُ فَلَا يَأْخُذُ مِنْهُ شَيْئاً» متفقٌ عليه.

۱۰۵۸. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «قیامت برپا نمی شود تا این که فرات کوهی از طلا را نمایان می کند که بر سر آن جنگی رخ می دهد و از هر صد نفر، نود و نه نفر کشته می شوند، و هر یک از آنها می گوید: امیدوارم آن کس که نجات پیدا می کند، من باشم!». و در روایتی دیگر آمده است: «فرات کوهی از طلا نمایان می کند؛ هرکس بر آن حاضر شد، از آن چیزی برنگیرد و بدان توجهی نکند»^۲.

۱۰۵۹ - وَعَنْ مُرْدَاسِ الْأَسْلَمِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَذْهَبُ الصَّالِحُونَ الْأَوَّلُ فَلِأَوَّلٍ، وَتَبَقَى حُثَالَةٌ كَحُثَالَةِ الشَّعِيرِ أَوْ التَّمْرِ، لَا يُبَالِيَهُمُ اللَّهُ بَالَةً»، رواه البخاري.

۱۰۵۹. و از مرداس اسلمی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در نزدیکی قیامت) صالحان یک به یک هم چنان به ترتیب می روند و نخاله هایی

۱ - متفق علیه است؛ [خ (۷۱۱۵)، م (۲۲۳۱/۴)].

۲ - متفق علیه است؛ [خ (۷۱۱۹)، م (۲۸۹۴)].

مانند نخاله‌ی پوست جو یا خرما می‌مانند که خداوند به آنها هیچ مبالغات و توجهی نمی‌کند»^۱.

۱۰۶۰- وعن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى يَقُومُ عَذَابًا أَصَابَ الْعَذَابُ مَنْ كَانَ فِيهِمْ، ثُمَّ يُعْثُوا عَلَى أَعْمَالِهِمْ» متفق عليه.

۱۰۶۰. و از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت شده است، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه خدای تعالی عذابی را بر طایفه‌ای نازل کند، آن عذاب به همه‌ی کسانی که در میان طایفه هستند، اصابت می‌کند و بعد (در قیامت) هر یک مطابق اعمال خود زنده و حشر می‌شوند»^۲.

۱۰۶۱- وَعَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ جَذَعٌ يَقُومُ إِلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَعْنِي فِي الْخُطْبَةِ، فَلَمَّا وُضِعَ الْمِنْبَرُ، سَمِعْنَا لِلْجَذَعِ مِثْلَ صَوْتِ الْعِشَارِ حَتَّى نَزَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ فَسَكَنَ. وفي رواية قال: بَكَتْ عَلَى مَا كَانَتْ تَسْمَعُ مِنَ الذِّكْرِ. رواه البخاري.

۱۰۶۱. و از جابر - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: یک تنه‌ی درخت خرما بود که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام ایراد خطبه به آن تکیه می‌زد، وقتی که منبر گذاشته شد (و پیامبر صلی الله علیه و آله دیگر بر ستون تکیه نمی‌زد و روی منبر خطبه می‌خواند) از آن تنه‌ی درخت، صدایی مثل صدای شتران آبستن شنیدیم، تا این که پیامبر صلی الله علیه و آله از منبر پایین آمد و دستش را روی آن گذاشت و درخت آرام شد. در روایتی دیگر آمده است که فرمود: «بر پایان یافتن ذکر که در کنار خود می‌شنید، گریست»^۳.

۱۰۶۲- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ» متفق عليه.

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۴۳۴].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۷۱۰۸)، م (۲۸۷۸)].

۳- بخاری روایت کرده است؛ [۳۵۸۴].

۱۰۶۲- از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله فرمودند: «مسلمان از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود»^۱.

۱۰۶۳- وعن أبي ثعلبة الحُشَني رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: إنَّ الله تعالى فرضَ فرائضَ فلا تُضَيِّعُوهَا، وَحَدَّ حُدُودًا فلا تَعْتَدُوهَا، وَحَرَّمَ أَشْيَاءَ فلا تَنْتَهِكُوهَا، وَسَكَتَ عَنْ أَشْيَاءَ رَحْمَةً لَكُمْ غَيْرَ نِسْيَانٍ فلا تَبْحَثُوا عَنْهَا» حديثٌ حسن، رواه الدارقطني وَغَيْرُهُ.

۱۰۶۳. و از ابو ثعلبه‌ی خشنی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند، فریضه‌هایی را بر شما واجب گردانیده است، آنها را ضایع نکنید و به جا آورید و حدودی را تعیین نموده است، از آنها تجاوز ننمائید و چیزهایی را حرام کرده است، آنها را مرتکب نشوید و حرمتشان را نشکنید و به واسطه‌ی رحم و دلسوزی بر شما نه از روی فراموشی، از چیزهایی سکوت کرده است، بنابراین از آنها بحث و سؤال نکنید»^۲.

۱۰۶۴- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: بَيْنَمَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مَجْلِسٍ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ، جَاءَ أَعْرَابِيٌّ فَقَالَ: مَتَى السَّاعَةُ؟ فَمَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُحَدِّثُ، فَقَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ: سَمِعَ مَا قَالَ، فَكَّرَ مَا قَالَ، وَقَالَ بَعْضُهُمْ: بَلْ لَمْ يَسْمَعْ، حَتَّى إِذَا قَضَى حَدِيثَهُ قَالَ: «أَيْنَ السَّائِلُ عَنِ السَّاعَةِ؟» قَالَ: هَا أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: «إِذَا ضُيِّعَتِ الْأَمَانَةُ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ» قَالَ: كَيْفَ إِضَاعَتُهَا؟ قَالَ: «إِذَا وُسِّدَ الْأَمْرُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ». رواه البخاري.

۱۰۶۴. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در مجلسی بود و برای مردم سخنرانی می فرمود، اعرابی ای نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: قیامت کی خواهد بود؟ پیامبر صلی الله علیه و آله به سخنش ادامه داد، یکی از جماعت گفت: حرف او را شنید ولی از گفته‌اش خوشش نیامد؛ دیگری گفت: ممکن است نشنیده باشد، تا این که سخن پیامبر صلی الله علیه و آله تمام شد و فرمودند: «سؤال کننده از روز قیامت

۱- متفق علیه است؛ [خ (۶۱۳۳)، م (۲۹۹۸)].

۲- حدیثی حسن است که دارقطنی [۱۸۳/۳-۱۸۴] و غیر او روایت کرده‌اند.

کجاست؟» گفت: من هستم، ای رسول خدا! فرمودند: «هرگاه امانت تضييع شد و از بین رفت، منتظر قیامت باش»، گفت: از بین رفتن و ضایع شدن امانت چگونه خواهد بود؟ فرمودند: «هر وقت کار به غیر اهل آن سپرده شد، منتظر قیامت باش»^۱.

۱۰۶۵- وَعَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يُصَلُّونَ لَكُمْ، فَإِنْ أَصَابُوا فَلَكُمْ، وَإِنْ أَخْطَأُوا فَلَكُمْ وَعَلَيْهِمْ» رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۱۰۶۵. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «امامان جماعت برای شما نماز می‌خوانند، اگر درست انجام دادند، به نفع شماست و اگر اشتباه کردند، به نفع شما و به ضرر آنهاست»^۲.

۱۰۶۶- وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَحَبُّ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ مَسَاجِدُهَا، وَأَبْغَضُ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ أَسْوَاقُهَا» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۱۰۶۶. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهترین و دوست‌داشتنی‌ترین قسمت سرزمین‌ها نزد خداوند، مساجد آنها و بدترین و منفورترین سرزمین‌ها نزد خداوند، بازارهای آنهاست»^۳.

۱۰۶۷- وَعَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: رَجُلٌ عَلَى فَضْلِ مَاءٍ بِالْفَلَاةِ يَمْنَعُهُ مِنْ ابْنِ السَّبِيلِ، وَرَجُلٌ بَايَعَ رَجُلًا سِلْعَةً بَعْدَ الْعَصْرِ، فَحَلَفَ بِاللَّهِ لَأَخَذَهَا بِكَذَا وَكَذَا، فَصَدَّقَهُ وَهُوَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ، وَرَجُلٌ بَايَعَ إِمَامًا لَا يُبَايِعُهُ إِلَّا لِلدُّنْيَا، فَإِنْ أَعْطَاهُ مِنْهَا وَفَى، وَإِنْ لَمْ يُعْطِهِ مِنْهَا لَمْ يَفِ» متفقٌ عليه.

۱۰۶۷. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سه نفر هستند که خداوند در روز قیامت با آنها صحبت نمی‌کند و به آنها نمی‌نگرد و آنها

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۵۹].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [۶۹۴].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [۶۷۱].

را پاک نمی‌کند و عذاب دردناکی در انتظار آنان است: مردی که آبی زیاد بر نیاز خود در بیابان دارد و آن را از رهگذر منع می‌کند؛ مردی که بعد از عصر کالایی را در مقابل قیمتی به مرد دیگری بفروشد و به خدا سوگند یاد کند که آن را به چنین و چنان قیمتی خریده است و طرف تصدیق و قبول کند در صورتی که چنان نیست، و مردی که محض بخاطر دنیا با امامی بیعت کرد، اگر چیزی از مال دنیا را به او داد بر بیعتش وفا می‌کند و اگر نداد، وفا نخواهد کرد»^۱.

۱۰۶۸- وَعَنْ أَبِي مُسْعُودٍ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ الْأُولَى: إِذَا لَمْ تَسْتَحْ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ» رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۱۰۶۸. و از ابومسعود انصاری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «به حقیقت از آنچه که از کلام نبوت اولین به مردم رسیده است، این است: اگر حیا نکردی و نداشتی، هرچه می‌خواهی بکن»^۲.

۱۰۶۹- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اشْتَرَى رَجُلٌ مِنْ رَجُلٍ عَقَارًا، فَوَجَدَ الَّذِي اشْتَرَى الْعَقَارَ فِي عَقَارِهِ جَرَّةً فِيهَا ذَهَبٌ، فَقَالَ لَهُ الَّذِي اشْتَرَى الْعَقَارَ: خُذْ ذَهَبَكَ، إِنَّمَا اشْتَرَيْتُ مِنْكَ الْأَرْضَ وَلَمْ أَشْتَرِ الذَّهَبَ، وَقَالَ الَّذِي لَهُ الْأَرْضُ: إِنَّمَا بَعْتُكَ الْأَرْضَ وَمَا فِيهَا، فَتَحَاكَمَا إِلَى رَجُلٍ، فَقَالَ الَّذِي تَحَاكَمَا إِلَيْهِ: أَلَكُمَا وَلَدٌ؟ قَالَ أَحَدُهُمَا: لِي غُلَامٌ، وَقَالَ الْآخَرُ: لِي جَارِيَةٌ، قَالَ: أَنْكِحَا الْغُلَامَ الْجَارِيَةَ، وَأَنْفِقَا عَلَى أَنْفُسِهِمَا مِنْهُ وَتَصَدَّقَا». متفقٌ عليه.

۱۰۶۹. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردی از مردی دیگر زمینی خرید، خریدار در زمین تازه‌ای خود کوزه‌ای یافت که در آن سکه‌های طلا بود، خریدار به فروشنده گفت: طلایت را بگیرد که من فقط از تو زمین خریده‌ام نه طلا، فروشنده گفت: من زمین را با هرچه در آن بود به تو فروخته‌ام، (نتوانستند یکدیگر را قانع کنند و) قضاوت را نزد مردی بردند، آن مرد

۱- متفق علیه است؛ [خ (۲۳۶۹)، م (۱۰۸)].

۲- بخاری روایت کرده است؛ [(۵۷۶۹)].

گفت: آیا شما دو نفر فرزند دارید؟ یکی از آنها گفت: من پسری دارم و دیگری گفت: من دختری دارم، مرد گفت: دختر را به نکاح پسر درآورید و آن سکه‌های طلا را خرج (ازدواج و زندگی) آن دو کنید و صدقه دهید»^۱.

۱۰۷۰- وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَوَّلُ مَا يُقْضَى بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الدِّمَاءِ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱۰۷۰. و از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نخستین داوری و حکمی که در روز قیامت میان مردم انجام می‌شود، مسأله‌ی خون است»^۲.

۱۰۷۱- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: «كَانَ خُلُقُ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْقُرْآنَ» رواه مُسْلِمٌ فِي جُمْلَةِ حَدِيثِ طَوِيلٍ.

۱۰۷۱. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: اخلاق و آداب پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن بود^۳.

۱۰۷۲- وَعَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَحَبَّ لِقَاءَ اللَّهِ أَحَبَّ اللَّهُ لِقَاءَهُ، وَمَنْ كَرِهَ لِقَاءَ اللَّهِ كَرِهَ اللَّهُ لِقَاءَهُ». فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَكْرَاهِيَهُ الْمَوْتَ، فَكُلُّنَا نَكْرَهُ الْمَوْتَ؟! قَالَ: «لَيْسَ كَذَلِكَ، وَلَكِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا بُشِّرَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ وَجَنَّتِهِ أَحَبَّ لِقَاءَ اللَّهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ لِقَاءَهُ، وَإِنَّ الْكَافِرَ إِذَا بُشِّرَ بِعَذَابِ اللَّهِ وَسَخَطِهِ، كَرِهَ لِقَاءَ اللَّهِ، وَكَرِهَ اللَّهُ لِقَاءَهُ». رواه مسلم.

۱۰۷۲. و از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که دیدار خدا را دوست بدارد، خداوند نیز دیدار او را دوست می‌دارد و کسی که دیدار خدا را دوست نداشته باشد، خداوند نیز دیدار او را دوست نخواهد داشت». حضرت عایشه - رضی الله عنها - می‌گوید: گفتیم: ناخوشایندی و زشت شمردن

۱- متفق علیه است؛ [خ (۳۴۳۷)، م (۱۷۲۱)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۸۸۴)، م (۱۶۷۸)].

۳- مسلم [(۷۴۶)] آن را در طی یک حدیث طولانی روایت کرده است.

مرگ را می‌فرمایید؟ همه‌ی ما مرگ را ناخوش می‌داریم! پیامبر ﷺ فرمودند: «چنین نیست، ولی وقتی مؤمن به رحمت خدا و رضایت و بهشت او مژده داده شود، دیدار خدا را دوست می‌دارد، پس خداوند نیز دیدار او را دوست خواهد داشت و کافر وقتی از عذاب و خشم خدا ترسانده و مژده‌ی آن را به وی بدهند، دیدار خدا را ناخوش می‌دارد و خداوند نیز دیدار او را ناخوش می‌دارد»^۱.

۱۰۷۳- وَعَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ صَفِيَّةَ بِنْتِ حُيَيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُعْتَكِفًا، فَأَتَيْتُهُ أَزُورُهُ لَيْلًا. فَحَدَّثَنِي ثُمَّ قُمْتُ لِأَنْقَلِبَ، فَقَامَ مَعِيَ لِيَقْلِبَنِي، فَمَرَّ رَجُلَانِ مِنَ الْأَنْصَارِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، فَلَمَّا رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَسْرَعَا. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَلَى رِسْلُكُمَا، إِنَّهَا صَفِيَّةُ بِنْتُ حُيَيٍّ» فَقَالَا: سُبْحَانَ اللَّهِ! يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ، وَإِنِّي خَشِيتُ أَنْ يَقْدِفَ فِي قُلُوبِكُمَا شَرًّا أَوْ قَالَ: شَيْئًا». متفق عليه.

۱۰۷۳. و از ام المؤمنین صفیه دختر حیّی - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر ﷺ در مسجد اعتکاف کرده بود، شبی به خدمت او آمدم تا زیارتش کنم، با او صحبت کردم، سپس خواستم برگردم، با من برخاست تا مرا بدرقه کند که دو مرد انصاری - رضی الله عنهما - عبور کردند، وقتی پیامبر ﷺ را دیدند، هر دو به سرعت خود افزودند، پیامبر ﷺ فرمودند: «آرام و متین راه بروید؛ او صفیه دختر حیّی است». گفتند: سبحان الله، ای رسول خدا! فرمودند: «شیطان در بدن انسان مانند خون جاری است، و من ترسیدم که در دلهای شما خیال بدی را بیندازد» یا فرمودند: «چیزی القا کرده باشد»^۲.

۱۰۷۴- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا، وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ، فَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾ وَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلُ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۶۸۴)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۲۰۳۵)، م (۲۱۷۵)].

إِلَى السَّمَاءِ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ، وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ، وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ، وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ، وَغُذِّي بِالْحَرَامِ، فَأَنْتِ يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ؟» رواه مسلم.

۱۰۷۴. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای مردم! خداوند پاک است و جز پاک را قبول ندارد و خداوند مؤمنان را به همان امری که به پیامبران مرسل فرموده، امر کرده است، آنجا که خداوند متعال می فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾ (المؤمنون / ۵۱)

«ای پیامبران مرسل! از روزی های پاکیزه بخورید و رفتار شایسته انجام دهید».

و در آیهی دیگری می فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُّوْا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَكُمْ﴾ (البقرة / ۱۷۲)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از پاکیزه های آنچه که روزی شما کرده ایم، بخورید».

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله از مردی نام برد که: «در حالی که ژولیده و خاک آلود است، به سفری طولانی می رود (سفر حج یا...) و در طول سفر دست هایش را مرتب به سوی آسمان بلند می کند و می گوید: خدایا! خدایا! و تضرع و زاری می کند، و حال آنکه خوراک و آشامیدنی و پوشاک وی، از مال حرام می باشد و با حرام تغذیه شده است، چنین عبادتی و دعایی چگونه قبول خواهد شد؟!»^۱.

۱۰۷۵ - وَعَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَا يُزَكِّيهِمْ، وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ، وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: شَيْخُ زَانٍ، وَمَلِكٌ كَذَّابٌ، وَعَائِلٌ مُسْتَكْبِرٌ» رواه مسلم.

۱۰۷۵. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سه نفر هستند که خداوند در روز قیامت با آنان صحبت نمی کند و آنها را از گناه پاک

۱ - مسلم روایت کرده است؛ [(۱۰۱۵)].

نمی‌سازد، و به آنها نظر (مرحمت) نمی‌اندازد و برای ایشان عذابی دردناک آماده است: (۱) پیرمرد زناکار، (۲) پادشاه بسیار دروغگو (۳) فقیر متکبر»^۱.

۱۰۷۶- وَعَنْ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا حَكَمَ الْحَاكِمُ، فَاجْتَهَدَ، ثُمَّ أَصَابَ، فَلَهُ أَجْرَانِ، وَإِنْ حَكَمَ وَاجْتَهَدَ، فَأَخْطَأَ، فَلَهُ أَجْرٌ» متفقٌ عَلَيْهِ.

۱۰۷۶. و از عمرو بن عاص - رضی الله عنه - روایت شده است که او از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که می‌فرمودند: «هرگاه حاکم (شرع)، حکمی صادر و اجتهاد کرد و اجتهادش به حق اصابت نمود دو پاداش دارد و اگر حکمی صادر و اجتهاد کرد و اجتهادش خطا و اشتباه بود، یک اجر دارد»^۲.

۱۰۷۷- وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَذَرَ أَنْ يُطِيعَ اللَّهَ فَلْيُطِعْهُ، وَمَنْ نَذَرَ أَنْ يَعْصِيَ اللَّهَ، فَلَا يَعْصِهِ» رواه البخاري.

۱۰۷۷. از حضرت عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس نذر کرد که خدا را اطاعت کند، او را اطاعت کند و هرکس نذر کرد که از فرمان خدا سرپیچی کند، از فرمان او سرپیچی نکند»^۳.

۱۰۷۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «قَالَ رَجُلٌ: لَا تُصَدِّقَنَّ بِصَدَقَةٍ، فَخَرَجَ بِصَدَقَتِهِ، فَوَضَعَهَا فِي يَدِ سَارِقٍ، فَأَصْبَحُوا يَتَحَدَّثُونَ: تُصَدِّقُ عَلَى سَارِقٍ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا تُصَدِّقَنَّ بِصَدَقَةٍ، فَخَرَجَ بِصَدَقَتِهِ، فَوَضَعَهَا فِي يَدِ زَانِيَةٍ، فَأَصْبَحُوا يَتَحَدَّثُونَ تُصَدِّقُ اللَّيْلَةَ عَلَى زَانِيَةٍ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى زَانِيَةٍ؟! لَا تُصَدِّقَنَّ بِصَدَقَةٍ، فَخَرَجَ بِصَدَقَتِهِ، فَوَضَعَهَا فِي يَدِ غَنِيِّ، فَأَصْبَحُوا يَتَحَدَّثُونَ: تُصَدِّقُ عَلَى غَنِيٍّ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى سَارِقٍ، وَعَلَى زَانِيَةٍ، وَعَلَى غَنِيٍّ، فَأُتِيَ فَقِيلَ لَهُ: أَمَا صَدَقْتُكَ عَلَى سَارِقٍ

۱- مسلم روایت کرده است: [۱۰۷].

۲- متفق علیه است: [خ (۷۳۵۲)، م (۱۷۱۶)].

۳- بخاری روایت کرده است: [۶۶۹۶].

فَلَعَلَّهُ أَنْ يَسْتَعِفَّ عَنْ سَرِقَتِهِ، وَأَمَّا الزَّانِيَةُ فَلَعَلَّهَا تَسْتَعِفَّ عَنْ زِنَاهَا، وَأَمَّا الْغَنِيُّ فَلَعَلَّهُ أَنْ يَعْتَبِرَ، فَيُنْفِقَ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ بِلَفْظِهِ، وَمُسْلِمٌ بِمَعْنَاهُ.

۱۰۷۸. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مردی گفت: حتماً صدقه‌ای می‌دهم و صدقه‌اش را با خود برد و (نادانسته) صدقه‌اش را به دزدی داد، مردم گفتند: به دزدی صدقه داده شد! آن مرد گفت: خدایا! سپاس و ستایش سزاوار توست، (صدقه به دزدی دادم!) حتماً صدقه‌ای دیگر می‌دهم و آن را برد و به زنی زناکار داد، مردم گفتند: دیشب به زنی فاحشه صدقه داده شد! گفت: خدایا! سپاس و ستایش سزاوار توست، صدقه به زنی زناکار دادم! حتماً صدقه‌ای دیگر می‌دهم و آن را با خود برد و به شخص ثروتمندی داد، مردم گفتند: دیشب به شخص بی‌نیازی احسان شد! گفت: خدایا! سپاس و ستایش سزاوار توست، صدقه را به دزد و زناکار و ثروتمند دادم! بعد (در خواب) کسی نزد او آمد و گفت: (نگران نباش که صدقات قبول شده و جای دارد)، اما صدقه‌ی تو به دزد، شاید که او را از دزدی و صدقه‌ی تو به زن زناکار، شاید که او را از زنا بازدارد و شخص ثروتمند نیز شاید از صدقه‌ی تو عبرت بگیرد و از آنچه که خدا به او داده است، انفاق کند»^۱.

۱۰۷۹ - «وَعَنْهُ قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي دَعْوَةٍ، فَرُفِعَ إِلَيْهِ الدَّرَاعُ، وَكَانَتْ تُعْجِبُهُ، فَتَهَسَّ مِنْهَا تَهَسَّةً وَقَالَ: «أَنَا سَيِّدُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، هَلْ تَدْرُونَ مِمَّ ذَاكَ؟ يَجْمَعُ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ، فَيَصِرُهُمُ النَّاطِرُ، وَيُسَمِّعُهُمُ الدَّاعِيَ، وَتَدْنُو مِنْهُمْ الشَّمْسُ، فَيُلْغُ النَّاسُ مِنَ الْغَمِّ وَالْكَرْبِ مَا لَا يُطِيقُونَ وَلَا يَحْتَمِلُونَ، فَيَقُولُ النَّاسُ: أَلَا تَرَوْنَ مَا أَنْتُمْ فِيهِ إِلَى مَا بَلَّغَكُمْ، أَلَا تَنْظُرُونَ مَنْ يَشْفَعُ لَكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ؟ فَيَقُولُ بَعْضُ النَّاسِ لِبَعْضٍ: أَبُوكُمْ آدَمُ، فَيَأْتُونَهُ فَيَقُولُونَ: يَا آدَمُ، أَنْتَ أَبُو الْبَشَرِ، خَلَقَكَ اللَّهُ بِيَدِهِ، وَنَفَخَ فِيكَ مِنْ رُوحِهِ، وَأَمَرَ الْمَلَائِكَةَ فَسَجَدُوا لَكَ، وَأَسْكَنْكَ الْجَنَّةَ، أَلَا تَشْفَعُ لَنَا إِلَى رَبِّكَ؟ أَلَا تَرَى إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ وَمَا بَلَّغْنَا؟ فَقَالَ: إِنَّ رَبِّي غَضِبَ الْيَوْمَ غَضَبًا لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ، وَلَا يَغْضَبُ بَعْدَهُ مِثْلَهُ، وَإِنَّهُ نَهَانِي عَنِ الشَّجَرَةِ فَعَصَيْتُ، نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي، اذْهَبُوا إِلَى غَيْرِي، اذْهَبُوا إِلَى نُوحٍ، فَيَأْتُونَ نُوحًا فَيَقُولُونَ: يَا نُوحُ، أَنْتَ أَوَّلُ الرُّسُلِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ، وَقَدْ سَمَّاكَ اللَّهُ عَبْدًا

۱ - بخاری [۱۴۲۱] با این لفظ روایت کرده است و مسلم [۱۰۲۲] به معنی آن روایت کرده است.

شُكُوراً، أَلَا تَرَى إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ، أَلَا تَرَى إِلَى مَا بَلَّغْنَا، أَلَا تَشْفَعُ لَنَا إِلَى رَبِّكَ؟ فَيَقُولُ: إِنَّ رَبِّي غَضِبَ الْيَوْمَ غَضَباً لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ، وَلَنْ يَغْضَبَ بَعْدَهُ مِثْلَهُ، وَإِنَّهُ قَدْ كَانَتْ لِي دَعْوَةٌ دَعَوْتُ بِهَا عَلَى قَوْمِي، نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي، اذْهَبُوا إِلَى غَيْرِي، اذْهَبُوا إِلَى إِبْرَاهِيمَ، فَيَأْتُونَ إِبْرَاهِيمَ فَيَقُولُونَ: يَا إِبْرَاهِيمَ، أَنْتَ نَبِيُّ اللَّهِ وَخَلِيلُهُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ، اشْفَعْ لَنَا إِلَى رَبِّكَ، أَلَا تَرَى إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ؟ فَيَقُولُ لَهُمْ: إِنَّ رَبِّي قَدْ غَضِبَ الْيَوْمَ غَضَباً لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ، وَلَنْ يَغْضَبَ بَعْدَهُ مِثْلَهُ، وَإِنِّي كُنْتُ كَذَبْتُ ثَلَاثَ كَذَبَاتٍ؛ نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي، اذْهَبُوا إِلَى غَيْرِي، اذْهَبُوا إِلَى مُوسَى، فَيَأْتُونَ مُوسَى فَيَقُولُونَ: يَا مُوسَى، أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ، فَصَلِّكَ اللَّهُ بِرِسَالَتِهِ وَبِكَلَامِهِ عَلَى النَّاسِ، اشْفَعْ لَنَا إِلَى رَبِّكَ، أَلَا تَرَى إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ؟ فَيَقُولُ: إِنَّ رَبِّي قَدْ غَضِبَ الْيَوْمَ غَضَباً لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ، وَلَنْ يَغْضَبَ بَعْدَهُ مِثْلَهُ، وَإِنِّي قَدْ قَتَلْتُ نَفْساً لَمْ أُمِرْ بِقَتْلِهَا، نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي، اذْهَبُوا إِلَى غَيْرِي؛ اذْهَبُوا إِلَى عِيسَى. فَيَأْتُونَ عِيسَى فَيَقُولُونَ: يَا عِيسَى، أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَزُوحَ مِنْهُ، وَكَلِمَتُ النَّاسِ فِي الْمَهْدِ، اشْفَعْ لَنَا إِلَى رَبِّكَ، أَلَا تَرَى إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ؟ فَيَقُولُ عِيسَى: إِنَّ رَبِّي قَدْ غَضِبَ الْيَوْمَ غَضَباً لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ، وَلَنْ يَغْضَبَ بَعْدَهُ مِثْلَهُ، وَلَمْ يَذْكُرْ ذَنْباً، نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي، اذْهَبُوا إِلَى غَيْرِي، اذْهَبُوا إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

وفي رواية: «فَيَأْتُونِي فَيَقُولُونَ: يَا مُحَمَّدُ، أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ وَخَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ، وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ، اشْفَعْ لَنَا إِلَى رَبِّكَ، أَلَا تَرَى إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ؟ فَأَنْطَلِقُ فَآتِي تَحْتَ الْعَرْشِ فَأَقْعُ سَاجِداً لِلرَّبِّي، ثُمَّ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيَّ مِنْ مَحَامِدِهِ، وَحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ شَيْئاً لَمْ يَفْتَحْهُ عَلَيَّ أَحَدٌ قَبْلِي، ثُمَّ يُقَالُ: يَا مُحَمَّدُ، ارْفَعْ رَأْسَكَ، سَلْ تُعْطَهُ، وَاشْفَعْ تُشْفَعْ، فَارْفَعْ رَأْسِي، فَأَقُولُ: أُمِّي يَا رَبِّ، أُمِّي يَا رَبِّ، أُمِّي يَا رَبِّ، فَيُقَالُ: يَا مُحَمَّدُ، أَدْخِلْ مِنْ أُمَّتِكَ مَنْ لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْبَابِ الْأَيْمَنِ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، وَهُمْ شُرَكَاءُ النَّاسِ فِيمَا سِوَى ذَلِكَ مِنَ الْأَبْوَابِ». ثُمَّ قَالَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّ مَا بَيْنَ الْمِصْرَاعَيْنِ مِنْ مَصَارِعِ الْجَنَّةِ كَمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَهَجَرَ، أَوْ كَمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَبُصْرَى». متفقٌ عَلَيْهِ.

۱۰۷۹. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: ما با پیامبر صلی الله علیه و آله در دعوتی بودیم، دست گوسفندی را به خدمت او آوردند و پیامبر صلی الله علیه و آله از آن خوشش می‌آمد، قسمتی از آن را با دندان‌های پیشین کند و تناول نمود، آن‌گاه فرمودند: «من سید و سرور مردمان در روز قیامت هستم، آیا می‌دانید علت آن چیست؟ خداوند، تمام گذشتگان و آیندگان را در یک مکان جمع می‌کند، چنان که نگاه کننده به آنها

نگاه می‌کند و دعوت کننده به ایشان می‌شنواند و آفتاب به آنها نزدیک می‌شود و مردم از شدت اندوه و دلتنگی به درجه‌ای می‌رسند که طاقت تحمل آنرا ندارند و می‌گویند: آیا نمی‌بینید وضعی که شما درگیر آن هستید، شما را در چه وضعیتی انداخته است؟ آیا انتظار و امید کسی را دارید که نزد خدا برای شما شفاعت کند؟ و بعضی از مردم به بعضی دیگر می‌گویند: پدر شما آدم، و نزد او می‌آیند و می‌گویند: ای آدم! تو پدر بشری، خداوند تو را با دست خود آفرید و از روحش در وجودت دمید و به ملایکه امر کرد که برایت سجده برند و تو را در بهشت جای داد؛ نزد خدا برایمان شفاعت کن! آیا نمی‌بینی ما در چه حالی هستیم و به ما چه رسیده است؟! آدم می‌گوید: خدای من امروز چنان خشمگین و غضبناک است که قبلاً چنین نبوده و بعداً نیز چنین نمی‌شود و او مرا از خوردن ثمر آن درخت نهی فرمود و من نافرمانی کردم و من اکنون در فکر خودم هستم، خودم! نزد کسی دیگری غیر از من بروید، بروید پیش نوح. مردم نزد نوح می‌آیند و می‌گویند: ای نوح! تو اولین پیامبر مرسل برای اهل زمین هستی و خداوند تو را عبد شکور خوانده است؛ نزد خدا برایمان شفاعت کن! آیا نمی‌بینی ما در چه حالی هستیم و به ما چه رسیده است؟! او نیز می‌گوید: خدای من امروز چنان خشمگین و غضبناک است که قبلاً چنین نبوده و بعداً نیز چنین نمی‌شود، من بر طایفه‌ی خود بد دعایی کردم و اکنون در فکر خودم هستم، خودم! نزد کس دیگری غیر از من بروید، بروید پیش ابراهیم. مردم نزد ابراهیم می‌آیند و می‌گویند: تو پیامبر خدا و دوست مخلص و برگزیده‌ی او از میان مردم هستی؛ نزد خدا برایمان شفاعت کن! آیا نمی‌بینی ما در چه حالی هستیم و به ما چه رسیده است؟! ابراهیم می‌گوید: خدای من امروز چنان خشمگین و غضبناک است که قبلاً چنین نبوده و بعداً نیز چنین نمی‌شود، من سه دروغ گفته‌ام و من اکنون در فکر خود هستم، خودم! نزد کس دیگری غیر از من بروید، بروید پیش موسی. نزد موسی می‌آیند و می‌گویند: ای موسی! تو پیامبر خدایی و خداوند تو را با رسالت و همصحبتی خود بر مردمان برتری داد، نزد خدا برایمان شفاعت کن! آیا نمی‌بینی ما در چه حالی هستیم و به ما چه رسیده است؟! موسی می‌گوید: خدای من امروز چنان خشمگین و غضبناک است که قبلاً چنین

نبوده و بعداً نیز چنین نمی‌شود، من قبلاً یک نفر را کشته‌ام که به کشتن او امر نشده بودم و من اکنون در فکر خود هستم، خودم! نزد کس دیگری غیر از من بروید، بروید پیش عیسی. نزد عیسی می‌آیند و می‌گویند: ای عیسی! تو رسول خدا و کلمه‌ی او هستی که آن را به مریم القا کرد و روح خدایی و در گهواره با مردم سخن گفتی، نزد خدا برایمان شفاعت کن! آیا نمی‌بینی ما در چه حالی هستیم و به ما چه رسیده است؟! عیسی می‌گوید: خدای من امروز چنان خشمگین و غضبناک است که قبلاً چنین نبوده و بعداً نیز چنین نمی‌شود - اما گناهی را از خود ذکر نکرد - من اکنون در فکر خود هستم، خودم! نزد کس دیگری غیر از من بروید، بروید پیش محمد ﷺ!.

و در روایت دیگری آمده است: «مردم نزد من می‌آیند و می‌گویند: ای محمد! تو فرستاده‌ی خدا و خاتم پیامبران هستی، و خداوند همه‌ی گناهان تو را آمرزیده است، برای ما نزد پروردگار خویش شفاعت کن، آیا حال ما را نمی‌بینی؟ من برخاسته و زیر عرش می‌آیم، برای پروردگار خویش سجده می‌نمایم، بعد از آن خداوند برای ستایش خویش، بهترین ثنا بر ذات خود را به من می‌آموزاند که قبل از من به هیچ کس یاد نداده بود، بعد گفته می‌شود: ای محمد! سر خود را بلند کن، بخواه برای تو داده می‌شود، شفاعت کن شفاعت تو پذیرفته می‌شود، من سر خود را بلند می‌کنم و می‌گویم: ای پروردگار من! امت من. (سه بار تکرار می‌کنم)، پس از این گفته می‌شود: ای محمد! کسانی از امت تو که بر آنها حساب نیست را از درِ راست درهای جنت وارد آن کن، و امت تو با بقیه‌ی مردم در دروازه‌های دیگر نیز شریک هستند، بعد از آن فرمودند: قسم به ذاتی که جان من در دست او است بین دو مصراع جنت مسافتی مانند مسافت مکه و هَجَر (شهریست در بحرین) است، و یا مسافتی مانند مسافت مکه و بُصری (شهریست در حوران در جنوب دمشق)». بخاری و مسلم.

بخش بیستم

کتاب استغفار

۲۰- کتاب الاستغفار

۳۵۲- باب الأمر بالاستغفار وفضله

باب امر به استغفار و فضیلت آن

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿وَأَسْتَغْفِرُ لِدُنْيِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ (محمد / ۱۹)

«برای گناهان خود و مردان و زنان مؤمن، آمرزش بخواه».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (النساء / ۱۰۶)

«و از خدا، آمرزش بخواه، بی گمان خداوند بس آمرزنده و مهربان است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾ (النصر / ۳)

«پروردگار خود را سپاس و ستایش کن و از او آمرزش بخواه که خدا بسیار توبه پذیر است».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾

«برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند، در نزد پروردگارشان باغ‌هایی است که نه‌های آب در زیر آنها جاری است».

تا آن جا که می فرماید:

﴿وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾ (آل عمران / ۱۵-۱۷)

«و آنان که صبحگاهان طلب مغفرت می کنند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا

رَحِيمًا﴾ (النساء / ۱۱۰)

«هرکس که کار بدی بکند، یا (با انجام گناه) بر خود ستم کند، سپس از خدا آمرزش بطلبد، خدا را آمرزنده‌ی مهربان خواهد یافت».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَمَا كَانِ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانِ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾
(الأنفال / ۳۳)

«چنان نیست که خداوند، در حالی که تو در میان آنان هستی، ایشان را عذاب کند و هم‌چنین خداوند ایشان را عذاب نمی‌دهد، در حالی که آنان طلب بخشش و آمرزش می‌نمایند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْفَائِزِينَ﴾
(آل عمران / ۱۳۵)

«و کسانی که چون دچار گناه (کبیره‌ای) شدند یا (با انجام گناه صغیره‌ای) بر خویشتن ستم کردند، به یاد خدا می‌افتند و آمرزش گناهان خود را خواستار می‌شوند - و به جز خدا کیست که گناهان را بیامرزد؟ - و با علم و آگاهی بر چیزی که انجام داده‌اند، پافشاری نمی‌کنند».

وَالْآيَاتُ فِي الْبَابِ كَثِيرَةٌ مَعْلُومَةٌ.

آیات در این مورد، فراوان و معلوم است.

۱۰۸۰- وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: كُنَّا نَعُدُّ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَجْلِسِ الْوَاحِدِ مِائَةَ مَرَّةٍ: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» رواه أبو داود، والترمذي، وقال: حديث صحيح.

۱۰۸۰. و از ابن عمر رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمود: با پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم و از او می‌شنیدیم و می‌شمردیم که در یک مجلس، صد مرتبه می‌فرمودند: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

وَتُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ: خدایا! مرا بیامرز و توبه‌ی مرا قبول فرما که به حقیقت تو توبه‌پذیر و مهربانی^۱.

۱۰۸۱- وعن ابن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ قَالَ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، غُفِرَتْ ذُنُوبُهُ وَإِنْ كَانَ قَدْ فَرَّ مِنَ الرَّحْفِ» رواه أبو داود والترمذي والحاكم، وقال: حديث صحيح على شرط البخاري ومسلم.

۱۰۸۱. و از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ: طلب آمرزش می‌کنم از خدایی که هیچ خدایی جز او نیست، و زنده و پایدار است، و به درگاه او توبه می‌کنم، گناهانش آمرزیده می‌شود اگرچه از جنگ هم فرار کرده باشد»^۲.

۱۰۸۲- وعن شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رضي الله عنه عن النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «سَيِّدُ الْأَسْتِغْفَارِ أَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوءُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. مَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مُوقِفًا بِهَا، فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُمْسِيَ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِفٌ بِهَا فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصْبَحَ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ» رواه البخاري.

۱۰۸۲. و از شداد بن اوس - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سید استغفار آن است که انسان بگوید: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوءُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ: بارخدایا! تو پروردگار منی، جز تو خدایی نیست، مرا آفریدی و من بنده‌ی تو هستم و تا حدی که بتوانم بر پیمان و وعده‌ی تو وفادارم، از شر اعمال خودم به تو پناه می‌برم، به همه‌ی

۱- ابوداود [۱۵۱۶] و ترمذی [۳۴۳۰] روایت کرده‌اند و ترمذی گفته است: حدیثی صحیح است.

۲- ابوداود [۱۵۱۷] و ترمذی [۳۵۷۲] و حاکم [۵۱۱/۱] روایت کرده‌اند و حاکم گفته است: حدیثی حسن بنا بر شرط بخاری و مسلم است.

رحمت و نعمت که بر من ارزانی داشتی، اقرار می‌کنم و به گناهم، اعتراف می‌نمایم پس مرا بیمارز که همانا جز تو کسی نیست که گناهان را بیمارزد. هرکسی در روز این دعا را بخواند و به آن اعتقاد داشته باشد و آن روز پیش از غروب بمیرد از اهل بهشت می‌باشد و نیز و هرکس در شب آن را بخواند و به آن اعتقاد داشته باشد و همان شب پیش از صبح بمیرد، از اهل بهشت است.^۱

(به احادیث شماره: ۱۰ و ۲۶۷ مراجعه شود).

۳۵۳- باب بیان ما أعدّ الله تعالى للمؤمنین فی الجنة

باب بیان آن چه خداوند برای مؤمنان در بهشت آماده کرده است

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾ أَدْخُلُوها بِسَلَامٍ ءَامِنِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿٤٧﴾ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ﴾
(الحجر / ۴۵-۴۸)

«بی‌گمان پرهیزگاران در میان باغ‌ها و چشمه‌ساران به سر می‌برند؛ با اطمینان خاطر و بدون هیچ‌گونه خوف و هراسی به این باغ‌ها و چشمه‌سارها درآیند؛ و کینه‌توزی و دشمنانگی را از سینه‌هایشان بیرون می‌کشیم و برادرانه بر تخت‌ها رویاروی هم می‌نشینند. در آن‌جا خستگی و رنجی بدیشان نمی‌رسد و از آن‌جا بیرون نمی‌شوند».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿يَعْبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٧٩﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِقَايَتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٨٠﴾ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿٨١﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ ۖ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ

۱- بخاری روایت کرده است؛ [۶۳۰۶].

الْأَعْيُنُ^ط وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٧٣﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧٤﴾ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٥﴾

(الزخرف / ۶۸-۷۳)

«ای بندگان من! امروز نه بیمی بر شماست و نه غم و اندوهی دارید. آن بندگان که به آیات ما ایمان آوردند و مسلمان (و مطیع فرمان آفریدگار) بوده‌اند. شما و همسرانتان به بهشت درآید، در آنجا شادمان و محترم خواهید بود. برایشان کاسه‌ها و جامه‌های زرین به گردش درانداخته می‌شود و هرچه دل بخواهد و هرچه چشم از آن لذت ببرد، در بهشت وجود دارد و شما در آنجا جاودانه خواهید بود. این بهشتی است که به سبب کارهایی که می‌کرده‌اید، بدان دست یافته‌اید. در آنجا برایتان میوه‌های فراوان (و گوناگونی) است که از آنها می‌خورید و استفاده می‌کنید».

وَقَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥١﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٢﴾ يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٥٣﴾ كَذَلِكَ وَرَوَّجْنَهُمْ نَحُورٍ عِينٍ ﴿٥٤﴾ يَدْخُلُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ ءَامِينَ ﴿٥٥﴾ لَا يَذُقُونَ فِيهَا أَلْمُوتَ إِلَّا أَلْمُوتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقْنَهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾ فَضَلًّا مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (الدخان / ۵۱-۵۷)

«بی‌گمان پرهیزگاران در جایگاه امن و امانی هستند. در میان باغ‌ها و چشمه‌سارها. آنان لباس‌هایی از حریر نازک و ضخیم می‌پوشند و در مقابل یکدیگر می‌نشینند. بهشتیان این چنین هستند و زنان بهشتی سیاه‌چشم، چشم درشت را نیز به همسری آنان در می‌آوریم، آنان در آنجا هر میوه‌ای را که بخواهند، می‌طلبند و (از هر نظر) در امان هستند. آنان هرگز در آنجا مرگی جز همان مرگ نخستین نخواهند چشید و خداوند آنان را از عذاب دوزخ به دور و محفوظ داشته

است. همه‌ی این‌ها فضل و بخششی از سوی پروردگار توست. این رستگاری و خوشبختی بزرگی است». و قَالَ تَعَالَى:

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾ عَلَى الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٢٣﴾ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ﴿٢٥﴾ خِتَمُهُمْ مِنْكَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ ﴿٢٦﴾ وَمَرَاجُهُمْ مِنْ تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ﴾ (المطففين / ۲۲-۲۸)

«بی‌گمان نیکان در میان انواع نعمت‌های فراوان بهشت به سر خواهند برد. بر تخت‌های مجلل تکیه می‌زنند و می‌نگرند. خوشی و خرمی و نشاط حاصل از نعمت را در چهره‌هایشان خواهی دید. به آنان از شراب زلال و خالصی داده می‌شود که دست نخورده و سربسته و مهر و در بند آن از مشک است؛ مسابقه‌دهندگان باید برای به دست آوردن این با همدیگر مسابقه بدهند و بر یکدیگر پیشی بگیرند. آمیزه‌ی آن تسنیم است. تسنیم چشمه‌ای است که مقربان از آن می‌نوشند».

وَالْآيَاتُ فِي الْبَابِ كَثِيرَةٌ مَعْلُومَةٌ.

آیات در این مورد فراوان و معلوم است.

۱۰۸۳- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَعْدَدْتُ لِعِبَادِيَ الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ، وَافْرُؤُوا إِن شِئْتُمْ: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [السجدة: ۱۷]. متفقٌ عليه.

۱۰۸۳. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند متعال فرموده است: برای بندگان صالح خود چیزی را آماده کرده‌ام که چشم ندیده

و گوش نشنیده و بر قلب بشری خیال آن خطور نکرده است و اگر خواستید این آیه را بخوانید:

﴿ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴾

(السجدة / ۱۷)

«و هیچ کس نمی داند که برای آنان (مؤمنان) از آن چه مایه‌ی نور چشم است - به پاداش کارهای نیکی که می کردند - چه چیزهایی آماده است.»

۱۰۸۴- وَعَنْ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «سَأَلَ مُوسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَبَّهُ: مَا أَذْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً؟ قَالَ: هُوَ رَجُلٌ يَجِيءُ بَعْدَ مَا أُدْخِلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ، فَيُقَالُ لَهُ: ادْخُلِ الْجَنَّةَ. فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ، كَيْفَ وَقَدْ نَزَلَ النَّاسُ مَنَازِلَهُمْ، وَأَخَذُوا أَخْدَاتِهِمْ؟ فَيُقَالُ لَهُ: أَتَرْضَى أَنْ يَكُونَ لَكَ مِثْلُ مُلْكٍ مَلِكٍ مِنْ مُلُوكِ الدُّنْيَا؟ فَيَقُولُ: رَضِيتُ رَبِّ، فَيَقُولُ: لَكَ ذَلِكَ وَمِثْلُهُ وَمِثْلُهُ وَمِثْلُهُ وَمِثْلُهُ، فَيَقُولُ فِي الْخَامِسَةِ: رَضِيتُ رَبِّ، فَيَقُولُ: هَذَا لَكَ وَعَشْرَةُ أَمْثَالِهِ، وَلَكَ مَا اشْتَهَتْ نَفْسُكَ، وَلَدَّتْ عَيْنُكَ. فَيَقُولُ: رَضِيتُ رَبِّ. قَالَ: رَبِّ فَأَعْلَاهُمْ مَنْزِلَةً؟ قَالَ: أَوْلَئِكَ الَّذِينَ أَرَدْتُ؛ غَرَسْتُ كَرَامَتَهُمْ بِيَدِي، وَخَتَمْتُ عَلَيْهَا، فَلَمْ تَرَ عَيْنٌ، وَلَمْ تَسْمَعْ أُذُنٌ، وَلَمْ يَخْطُرْ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٌ». رواه مسلم.

۱۰۸۴. و از مغیره بن شعبه - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «موسی علیه السلام از خداوند سؤال کرد: پایین ترین اهل بهشت از لحاظ مرتبه کیست؟ فرمودند: مردی است که بعد از آن که اهل بهشت داخل آن شدند، می آید و به او گفته می شود: داخل بهشت شو، می گوید: ای خدای من! چگونه داخل شوم در حالی که مردم به منازل خود فرود آمده و عطاها و نعمت های خود را از تو گرفته اند؟ به او خطاب می شود: آیا راضی می شوی که برای تو ملکی به اندازه ی ملک یکی از پادشاهان دنیا باشد؟ می گوید: راضی شدم، ای خدای من! بعد خداوند می فرماید: آن و مثل آن و مثل آن و مثل آن و مثل آن برای تو باشد، و در بار پنجم، او می گوید: خدای من! راضی شدم و خداوند می فرماید: آن و ده برابر آن برای تو

باشد و هرچه نفس تو آرزو کند و چشم تو از آن لذت ببرد، از آن تو باشد، می‌گوید: ای پروردگارم! راضی شدم؛ بعد موسی پرسید: خدای من! بزرگ‌ترین آنها در مقام و مرتبه کیست؟ در جواب می‌فرماید: آنان کسانی هستند که آنان را می‌خواهم و برگزیده‌ام، درخت کرامت و بزرگواری آنان را با دست خود کاشته و بر آن مهر زده‌ام (دیگر تغییر و فنا نخواهد داشت) و هیچ چشمی چنین کرامتی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر دل هیچ بشری خطور نکرده است»^۱.

۱۰۸۵- وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجَرَةً يَسِيرُ الرَّكَّابُ الْجَوَادُ الْمُضْمَرُّ السَّرِيعُ مِائَةَ سَنَةٍ مَا يَقْطَعُهَا». متفقٌ عليه.

۱۰۸۵. از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «در بهشت درختی وجود دارد که سوارکار بر اسب تیز روی تربیت شده، صد سال می‌دود؛ و مسافت آن را نمی‌پیماید»^۲.

۱۰۸۶- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَقَابُ قَوْسٍ فِي الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِمَّا تَطْلُعُ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ تَغْرُبُ». متفقٌ عليه.

۱۰۸۶. و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «جای یک سر کمان از بهشت، از تمام آنچه که خورشید بر آن طلوع یا غروب می‌کند (همه‌ی دنیا) بهتر است»^۳.

۱۰۸۷- وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَتَرَاءَوْنَ أَهْلَ الْغُرَفِ مِنْ فَوْقِهِمْ كَمَا تَتَرَاءَوْنَ الْكَوْكَبَ الدُّرِّيَّ الْغَائِرَ فِي الْأُفُقِ مِنَ الْمَشْرِقِ أَوِ الْمَغْرِبِ لِتَفَاضُلِ مَا بَيْنَهُمْ» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، تِلْكَ مَنَازِلُ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَبْلُغُهَا غَيْرُهُمْ؟ قَالَ: «بَلَى، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ رَجُلٌ آمَنُوا بِاللَّهِ وَصَدَّقُوا الْمُرْسَلِينَ». متفقٌ عليه.

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸۹)].

۲- متفق علیه است؛ [خ (۶۵۵۳)، م (۲۸۲۸)].

۳- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۳۳)].

۱۸۸۷. و از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اهل بهشت، ساکنان غرفه‌های بالای سر خود را نگاه می‌کنند، همان‌گونه که شما ستاره‌ی درخشان سیار را از مشرق و مغرب در افق می‌بینید و این به واسطه‌ی فرق بین درجات ایشان است»، گفتند: ای رسول خدا! آنها منازل پیامبران خداست که کسی بدانها نمی‌رسد، فرمودند: «بله، سوگند به کسی که جان من در دست اوست، آنها مردانی هستند که به خدا ایمان آورده و پیامبران مرسل را تصدیق کرده‌اند»^۱.

۱۰۸۸- وعن أبي سعيدٍ وأبي هريرة رضي الله عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ يُنَادِي مُنَادٍ: إِنَّ لَكُمْ أَنْ تَحْيَوْا، فَلَا تَمُوتُوا أَبَدًا وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَصِحُّوا، فَلَا تَسْقُمُوا أَبَدًا، وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَشَبَّهُوا فَلَا تَهْرَمُوا أَبَدًا وَإِنَّ لَكُمْ أَنْ تَنَعَّمُوا، فَلَا تَبْأَسُوا أَبَدًا» رواه مسلم.

۱۰۸۸. و از ابوسعید و ابوهریره - رضی الله عنهما - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی که اهل بهشت داخل آن می‌شوند، منادی ندا می‌دهد که: شما حق دارید (و به شما وعده داده شده است) که همیشه زنده باشید و هرگز نمیرید و همیشه سالم و تندرست باشید و هرگز بیمار نشوید و همیشه جوان باشید و هرگز پیر نگردید، و حق و وعده‌ی شماست که همیشه از نعمت‌های بهشتی متنعم شوید و هیچ‌گاه غمگین نگردید»^۲.

۱۰۸۹- وعن أبي سعيدٍ الخُدري رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ، فَيَقُولُونَ: لَبَّيْكَ رَبَّنَا وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ، فَيَقُولُ: هَلْ رَضِيتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: وَمَا لَنَا لَا نَرْضَى يَا رَبَّنَا وَقَدْ أُعْطِينَا مَا لَمْ نُعْطِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، فَيَقُولُ: أَلَا أُعْطِيَكُمْ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ؟ فَيَقُولُونَ: وَأَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ؟ فَيَقُولُ: أُحِلُّ عَلَيْكُمْ رِضْوَانِي، فَلَا أَسْخَطُ عَلَيْكُمْ بَعْدَهُ أَبَدًا» متفق عليه.

۱- متفق عليه است؛ [خ (۳۲۵۶)، م (۲۸۳۱)].

۲- مسلم روایت کرده است؛ [(۲۸۳۷)].

۱۰۸۹. و از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خدای عزوجل به اهل بهشت خطاب می کند که: ای بهشتیان! می گویند: بله، مطیع و گوش به فرمانیم ای پروردگار ما و خوشی و سعادت ما از توست و منفعت و مصلحت به دست توست! می فرماید: آیا راضی شدید؟ جواب می دهند: چرا راضی نشویم، ای پروردگار ما! در حالی که چیزی به ما عطا فرموده ای که به کسی دیگر از آفریدگانت نداده ای. سپس خداوند می فرماید: آیا بهتر از آن را به شما عطا کنم؟ می گویند: مگر چه چیز از این الطاف و عطایا بالاتر است؟ می فرماید: رضایت و خشنودی خود را به شما عطا می کنم و بر شما فرو می ریزم و بعد از آن هرگز بر شما خشمگین نمی شوم»^۱.

۱۰۹۰ - وعن جریر بن عبد الله رضي الله عنه قال: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَنَظَرُ إِلَى الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ، وَقَالَ: «إِنَّكُمْ سَتَرَوْنَ رَبَّكُمْ عَيْنًا كَمَا تَرَوْنَ هَذَا الْقَمَرَ، لَا تُضَامُونَ فِي رُؤْيَيْهِ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ.

۱۰۹۰. و از جریر بن عبدالله - رضی الله عنه - روایت شده است که فرمود: ما در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم، به ماه شب چهارده نگاه کردند و فرمودند: «شما قطعاً پروردگار خود را خواهید دید، هم چنان که این قرص ماه را مشاهده می کنید و در رؤیت آن زحمتی ندارید»^۲.

۱۰۹۱ - وعن صُهَيْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا دَخَلَ أَهْلُ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: تُرِيدُونَ شَيْئًا أَزِيدُكُمْ؟ فَيَقُولُونَ: أَلَمْ تَبَيِّضْ وَجُوهَنَا؟ أَلَمْ تُدْخِلْنَا الْجَنَّةَ وَتُنَجِّنَا مِنَ النَّارِ؟ فَيُكْشَفُ الْحِجَابُ، فَمَا أُعْطُوا شَيْئًا أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِنَ النَّظَرِ إِلَى رَبِّهِمْ» رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۱ - متفق عليه است؛ [خ (۶۵۴۹)، م (۲۸۲۹)].

۲ - متفق عليه است؛ [خ (۵۵۴)، م (۶۳۳)].

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٩﴾ دَعَوْهُمْ فِيهَا سُبْحَنَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَاٰخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [يونس: ٩].

۱۰۹۱. و از صهیب - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هنگامی که بهشتیان داخل بهشت می‌شوند، خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: چیزی می‌خواهید که برای شما زیاد کنم؟ جواب می‌دهند: آیا روی ما را سفید و نورانی نکردی؟ آیا ما را داخل بهشت نکردی و از آتش دوزخ نجات ندادی؟ آن‌گاه پرده از جلو چشم آنان برمی‌دارد، (آن‌گاه بهشتیان درمی‌یابند که) چیزی بهتر و محبوب‌تر از تماشای جمال پروردگارشان، به ایشان عطا نشده است»^۱.
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٩﴾ دَعَوْهُمْ فِيهَا سُبْحَنَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَاٰخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

(یونس / ۹-۱۰)

خداوند متعال می‌فرماید: «بی‌گمان کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پروردگارشان آنان را به سبب ایمان هدایت می‌نماید و جویبارها در زیر (کاخ‌های) ایشان در بهشت خوش و پر نعمت روان است؛ در بهشت دعای مؤمنان: پروردگارا! تو منزهی، و درود آنان در آن که سلام بر شما باد، و ختم دعا و گفتارشان این است که: شکر و سپاس و ستایش، پروردگار جهانیان را سزااست».

۱- مسلم روایت کرده است؛ [(۱۸۱)].